



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

المواعظ العارضية

(نصائح شعراش)

فارسی - عربی

جلد سوم

ترجمہ و تخریق

سید مراد علی موسوی قزوینی

مجلس ترویج و نشر آیت الہدیٰ شکیبائی

مجلس ترویج و نشر آیت الہدیٰ شکیبائی

(۱۳۰۶-۱۳۱۳ ش)

۱۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

المواعظ العددية نصائح شمارشي فارسي - عربي

نويسنده:

علي مشكيني اردبيلي

ناشر چاپي:

موسسه علمي فرهنگي دارالحدیث

ناشر دیجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	المواعظ العددیه نصایح شمارشی فارسی - عربی جلد ۳
۸	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۳	فهرست مطالب
۱۷	باب یازدهم: پنجاهای یازده گانه
۱۷	اشاره
۱۹	فصل اول: احادیثی از رسول الله صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام
۲۳	فصل دوم: سخنان دانشمندان
۲۷	باب دوازدهم: پنجاهای دوازده گانه
۲۷	اشاره
۲۹	فصل اول: احادیثی از رسول الله صلی الله علیه و آله
۳۳	فصل دوم: احادیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام
۴۱	فصل سوم: احادیثی در مورد اینکه جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان دوازده نفرند
۵۳	باب سیزدهم: پنجاهای سیزده گانه تا نوزده گانه
۵۳	اشاره
۵۵	مسخ شدگان و علت مسخ شدن آنان
۵۹	باب چهارده
۶۱	باب پانزده
۶۳	باب شانزده
۶۵	باب هفده
۶۷	باب هجده
۷۱	باب نوزده
۷۳	باب بیست و بیشتر از آن

۷۳	اشاره
۷۵	محبت امامان اهل بیت علیهم السلام
۷۷	حکمت های امیرالمؤمنین علیه السلام
۷۹	باب بیست و دو: خصلتهای امام سجاد علیه السلام
۸۳	باب بیست و چهار
۹۶	باب بیست و نه
۱۰۴	باب سی و چهار
۱۰۸	باب چهل و بیشتر از آن
۱۰۸	اشاره
۱۱۰	احادیثی از امامان معصوم علیهم السلام
۱۲۰	باب چهل و شش
۱۲۰	اشاره
۱۳۱	گزیده ای از خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله در عید غدیر
۱۴۱	باب پنجاه و بیشتر از آن
۱۴۱	اشاره
۱۴۳	پنجاه صفت از صفات مؤمن
۱۴۵	رساله امام سجاد علیه السلام در حقوق
۱۶۳	باب هفتاد و بیشتر از آن
۱۶۳	اشاره
۱۶۵	هفتاد فضیلت مخصوص به امیرالمؤمنین علیه السلام که دیگر ائمه علیهم السلام در آنها سهیم نبودند
۱۸۷	تفاوت احکام مردان و زنان
۱۹۳	سپاهیان عقل و جهل
۱۹۷	از خطبه های حضرت علی علیه السلام معروف به دیباج
۲۰۶	اموری که پیامبر صلی الله علیه و آله از آنها نهی فرموده اند
۲۲۷	وصیت های پیامبر صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام
۲۵۰	باب چهارصد

۲۵۰	اشاره
۲۵۲	حدیث چهارصد از علی علیه السلام
۳۲۵	فهرست ها
۳۲۵	اشاره
۳۲۷	(۱) فهرست آیات
۳۴۹	(۲) فهرست اشعار
۳۵۳	(۳) فهرست أعلام
۳۵۳	الف. پیامبر و أهل بیت علیهم السلام
۳۵۶	ب. پیامبران و ملائکه علیهم السلام
۳۵۸	ت. اشخاص
۳۷۲	(۴) فهرست ادیان، مذاهب، فرق و جماعات
۳۷۶	(۵) فهرست مکان ها
۳۷۸	(۶) فهرست کتاب های متن
۳۷۹	(۷) فهرست منابع و مأخذ
۳۹۵	درباره مرکز

المواعظ العددية نصايح شمارشی فارسی - عربي جلد 3

مشخصات کتاب

سرشناسه : مشکینی اردبیلی ، علی ، 1300 - 1386.

عنوان قراردادی : المواعظ العددية. فارسی - عربي

عنوان و نام پدیدآور : المواعظ العددية (نصايح شمارشی) [کتاب] / [علی مشکینی] ؛ ترجمه و تحقیق سیدمرتضی موسوی قافله باشی.

مشخصات نشر : قم : موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر ، 1392 -

مشخصات ظاهری : 3 ج.

فروست : مجموعه آثار آية الله علی مشکینی قدس سره ؛ 13 ، 14 ، 15

شابک : دوره : 2-627-394-469-879 ؛ 160000 ریال: ج.1 : 9-727-394-469-879 ؛ ج.2 : 394-469-879-

6-827 ؛ 110000 ریال : ج.3 : 978-964-493-748-4

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : فارسی - عربي.

یادداشت : این کتاب به شالوده ی اصلی کتاب "الاثنی عشرية" تالیف محمد عاملی ملحق شده است.

یادداشت : ج.3 (چاپ اول: 1392) (فیفا).

یادداشت : کتابنامه. به صورت زیرنویس.

موضوع : احادیث اخلاقی

موضوع : اخلاق اسلامی

شناسه افزوده : موسوی قافله باشی، سیدمرتضی، مترجم

شناسه افزوده : موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث . سازمان چاپ و نشر

رده بندی کنگره : 942PB / م5م1408 2931

رده بندی دیویی : 812/792

شماره کتابشناسی ملی : 3330012

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

المواعظ العددية (نصائح شمارشی)

علی مشکینی

ترجمه و تحقیق سیدمرتضی موسوی قافله باشی

ص: 3

سرشناسه : مشکینی اردبیلی ، علی ، 1300 - 1386.

عنوان قراردادی : المواعظ العددية. فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور : المواعظ العددية (نصایح شمارشی) [کتاب] / [علی مشکینی] ؛ ترجمه و تحقیق سیدمرتضی موسوی قافله باشی.

مشخصات نشر : قم : موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر ، 1392 -

مشخصات ظاهری : 3 ج.

فروست : مجموعه آثار آیه الله علی مشکینی قدس سره ؛ 13 ، 14 ، 15

شابک : دوره : 2-627-394-469-879 ؛ 160000 ریال: ج.1 : 9-727-394-469-879 ؛ ج.2 : 394-469-879-

6-827 ؛ 110000 ریال : ج.3 : 978-964-493-748-4

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : فارسی - عربی.

یادداشت : این کتاب به شالوده ی اصلی کتاب "الاثنی عشریة" تالیف محمد عاملی ملحق شده است.

یادداشت : ج.3 (چاپ اول: 1392) (فیپا).

یادداشت : کتابنامه. به صورت زیرنویس.

موضوع : احادیث اخلاقی

موضوع : اخلاق اسلامی

شناسه افزوده : موسوی قافله باشی، سیدمرتضی، مترجم

شناسه افزوده : موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث . سازمان چاپ و نشر

رده بندی کنگره : 942PB / 5م 2931 1408

رده بندی دیویی : 812/792

شماره کتابشناسی ملی : 3330012

فهرست مطالب

فهرست مطالب ۵

باب یازدهم: پنجاهی یازده گانه

فصل اول: احادیثی از رسول الله ﷺ و امیرالمؤمنین علیؑ ۱۱

فصل دوم: سخنان دانشمندان ۱۵

باب دوازدهم: پنجاهی دوازده گانه

فصل اول: احادیثی از رسول الله ﷺ ۲۱

فصل دوم: احادیثی از امیرالمؤمنین علیؑ ۲۵

فصل سوم: احادیثی در مورد اینکه جانشینان پیامبر ﷺ و امامان دوازده نفرند ۳۳

باب سیزدهم: پنجاهی سیزده گانه تا نوزده گانه

مسخ شدگان و علت مسخ شدن آنان ۴۵

باب چهارده ۴۹

باب پانزده ۵۱

باب شانزده ۵۳

باب هفده ۵۵

۵۷..... باب هجده

۶۱..... باب نوزده

باب بیست و بیشتر از آن

۶۵..... محبت امامان اهل بیت علیهم السلام

۶۷..... حکمت‌های امیرالمؤمنین علیه السلام

۶۹..... باب بیست و دو

۶۹..... خصلت‌های امام سجاده علیه السلام

۷۳..... باب بیست و چهار

۸۵..... باب بیست و نه

۹۳..... باب سی و چهار

باب چهل و بیشتر از آن

۹۹..... احادیثی از امامان معصوم علیهم السلام

۱۰۹..... باب چهل و شش

۱۱۹..... گزیده‌ای از خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله در عید غدیر

باب پنجاه و بیشتر از آن

۱۳۱..... پنجاه صفت از صفات مؤمن

۱۳۳..... رساله امام سجاده علیه السلام در حقوق

باب هفتاد و بیشتر از آن

۱۵۳..... هفتاد فضیلت مخصوص به امیرالمؤمنین علیه السلام که دیگرانمه علیهم السلام در آنها سهمیم نبودند

۱۷۵	تفاوت احکام مردان و زنان
۱۸۱	سپاهیان عقل و جهل
۱۸۵	از خطبه‌های حضرت علی <small>علیه السلام</small> معروف به دیباج
۱۹۳	اموری که پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> از آنها نهی فرموده‌اند
۲۱۱	وصیت‌های پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> به امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
۲۲۳	باب چهارصد
۲۲۵	حدیث چهارصد از علی <small>علیه السلام</small>

فهرست‌ها

۳۰۵	فهرست آیات
۳۲۱	فهرست اشعار
۳۲۳	فهرست اعلام
۳۳۱	فهرست ادیان، مذاهب، فرق و جماعات
۳۳۳	فهرست مکان‌ها
۳۳۴	فهرست کتاب‌های متن
۳۳۵	فهرست منابع و مآخذ

3916. أَلَا - وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَغْفوراً لَهُ، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تائباً، أَلَا - وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤمِناً مُستَكِماً للإيمان، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ بِشَرِّه مَلَكَ المَوْتِ بِالجَنَّةِ ثُمَّ مُنكَّرٌ وَنَكِيرٌ، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ فَتَّحَّ اللهُ لَهُ فِي قَبْرِهِ باباً إِلَى الجَنانِ، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ جَعَلَ اللهُ قَبْرَهُ مزارَ ملائِكَةِ الرَّحمةِ، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ عَلَى السُّنَّةِ وَالجماعةِ.

أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ جاءَ يَوْمَ القِيامَةِ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ «أَيْسٌ مِنَ رَحمةِ اللهِ»، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ كافرًا، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشَمَّ رائِحَةَ الجَنَّةِ. (1)

3917. رَوَى أبو بصيرٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللهِ عَنِ آبائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قالَ: قالَ أميرُ المُؤمِنينَ: إِنَّ لِأهلِ الدِّينِ عَلاماتٍ يُعَرَفونَ بِها: صِدقُ الحَدِيثِ، وأداءُ الأمانَةِ، وَالوَفاءُ بِالعَهْدِ، وَصِلَةُ الرَّحِمِ، وَرَحمةُ الضُّعفاءِ، وَقِلَّةُ المَواتاةِ (2) لِلنِّساءِ، وَبِذَلُّ المَعروفِ، وَحُسْنُ الخُلُقِ، وَسَعَةُ الخُلُقِ، وَاتِّباعُ العِلْمِ، وَالقُرْبُ إِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ. طوبى لَهُم وَحُسْنُ مآبٍ. (3)

ص: 10

1- . ينابيع المودة، ج 1، ص 91.

2- المواتاة: حسن المطاوعة والموافقة. وأصله الهمز، فحُفِّفَ وكثُرَ حتَّى صارَ يُقالُ بالواو الخالصة. وليس بالوجه (النهاية: 22/1). ولعلَّ المراد طاعتهم أو مشاورتهم أو محادثتهم.

3- . الكافي، ج 2، ص 239، ح 30.

فصل اول: احادیثی از رسول الله صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام

3916. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: آگاه باشید، هر کس با محبت آل محمد بمیرد شهید است. آگاه باشید، هر کس با محبت آل محمد بمیرد آمرزیده شود. آگاه باشید، هر کس با محبت آل محمد بمیرد مؤمن و با ایمان کامل مرده است. آگاه باشید، هر کس با محبت آل محمد بمیرد فرشته مرگ و نکیر و منکر به او بشارت بهشت دهند. آگاه باشید، هر کس با محبت آل محمد بمیرد از قبر او دری به بهشت باز شود. آگاه باشید، هر کس با محبت آل محمد بمیرد خداوند قبر او را زیارتگاه فرشتگان رحمت قرار دهد. آگاه باشید، هر کس با محبت آل محمد بمیرد با سنت [پیامبر] و جماعت مسلمین مرده است. آگاه باشید، هر کس با بغض آل محمد بمیرد روز قیامت بر پیشانی او نوشته است: مأیوس از رحمت خدا. آگاه باشید، هر کس با بغض آل محمد بمیرد کافر مرده است. آگاه باشید، هر کس با بغض آل محمد بمیرد بوی بهشت را استشمام نمی کند.

3917. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

اهل دین علامتهایی دارند که با آن شناسایی می شوند: راستگوئی و امانت داری و وفاء به عهد و صلہ رحم و مهربانی با ضعیفان و کمتر از زنان پیروی کردن و نیکوکاری و خوشرفتاری و تحمل زیاد و پیروی از علم و نزدیکی به خداوند عزّ و جل و خوشا به حال آنان و عاقبت خیر برای ایشان باد.

3918. مِنْ عِلَامَاتِ الْمَأْمُونِ عَلَى دِينِ اللَّهِ بَعْدَ الْإِقْرَارِ وَالْعَمَلِ: الْحَزْمُ فِي أَمْرِهِ، وَالصِّدْقُ فِي قَوْلِهِ، وَالْعَدْلُ فِي حُكْمِهِ، وَالشَّفَقَةُ عَلَى رَعِيَّتِهِ، لَا تُخْرِجُهُ الْقُدْرَةَ إِلَى خُرْقٍ (1)، وَلَا اللَّيْنُ إِلَى ضَعْفٍ، وَلَا تَمَنُّعُهُ الْعِزَّةَ مِنْ كَرَمِ عَفْوٍ، وَلَا يَدْعُوهُ الْعَفْوُ إِلَى إِضَاعَةِ حَقٍّ، وَلَا يُدْخِلُهُ الْإِعْطَاءُ فِي سَرْفٍ، وَلَا يَتَخَطَّى بِهِ الْقَصْدُ إِلَى بُخْلِ، وَلَا تَأْخُذُهُ نِعَمُ اللَّهِ بِبَطْرِ (2).

ص:12

1- الخُرْقُ: تَقْيِضُ الرُّفْقِ، الْجَهْلُ وَالْحُمُقُ (لسان العرب: خرق).

2- . شرح نهج البلاغة، ج 20، ص 255، ح 6.

نشانه های امین بر دین خدا بعد از اقرار زبانی و عمل: دورانندیشی در کار و صداقت در گفتار و عدالت در حکم و مهربانی با زیردستان و پرده دری نکردن در حال قدرت و خارج نشدن به بی دینی در حال ضعف و در حال عزت هم عفو کریمانه دارد. و عفو کردن او را به ضایع کردن حق وادار نمی کنند. و در بخشش اسراف نمی کنند. و میانه روی او را به بخل وادار نمی کنند. و نعمت های خدا او را به هرزه گری و تکبر نمی کشاند.

3919. قيل: الْمَوَاضِعُ الَّتِي لَا يُسَلَّمُ فِيهَا أَحَدَ عَشَرَ:

الأوَّل: عَلَى الْيَهُودِيِّ وَالنَّصْرَانِيِّ. الثَّانِي: إِذَا صَدَّ لِي الْجُمُعَةُ وَالْإِمَامُ يَخْطُبُ لَا يُسَلِّمُ لِأَسْتِغَالِ النَّاسِ بِالْإِسْتِمَاعِ. الثَّالِثُ: الْعَارِي فِي الْحَمَامِ وَغَيْرِهِ. الرَّابِعُ: الْمُسْتَعْلُ بِالْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ. الْخَامِسُ:

الْقَارِئُ لِلْقُرْآنِ. السَّادِسُ: الْمُسْتَعْلُ بِرِوَايَةِ الْحَدِيثِ وَمَذَاكِرَةِ الْعِلْمِ. السَّابِعُ: اللَّاعِبُ بِالنَّزْدِ وَالشُّطْرَنْجِ. الثَّامِنُ: الْمُغْتَبِيُّ. التَّاسِعُ: مُطَيَّرُ الْحَمَامِ؛ وَفِي مَعْنَاهُ كُلُّ مُسْتَعْلٍ بِالْمَعْصِيَةِ. الْعَاشِرُ: مَنْ كَانَ مُسْتَعْلًا بِقَضَاءِ الْحَاجَةِ. الْحَادِي عَشَرَ: الْمَرْأَةُ الْأَجْنَبِيَّةُ.

3920. وَقَالَ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ: الْبَاعِثُ عَلَى زِيَادَةِ الْحِفْظِ أَحَدَ عَشَرَ شَيْئًا:

الأوَّل: تَنَاوُلُ الْحَلَالِ. الثَّانِي: أَكْلُ الْحُلْوِ. الثَّالِثُ: أَكْلُ اللَّحْمِ. الرَّابِعُ: أَكْلُ الْعَدَسِ. الْخَامِسُ:

قِرَاءَةُ آيَةِ الْكُرْسِيِّ. السَّادِسُ: الْمُدَاوَمَةُ عَلَى الْوُضُوءِ. السَّابِعُ: الْجُلُوسُ إِلَى جِهَةِ الْقِبْلَةِ. الثَّامِنُ:

إِطَاعَةُ الْوَالِدِينَ. التَّاسِعُ: رُؤْيَةُ الْعُلَمَاءِ وَالنَّظَرُ إِلَى وُجُوهِهِمْ. الْعَاشِرُ: اسْتِمَاعُ كَلَامِهِمْ وَالْعَمَلُ بِهِ.

الأَحَدَ عَشَرَ: إِحْيَاءُ اللَّيْلِ بِالْعِبَادَةِ وَالطَّاعَةِ.

3921. وَقَالَ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ: أَحَدَ عَشَرَ خَصَلَةً تَزِيدُ فِي الْعُمُرِ:

الأوَّل: التَّصَدُّقُ الْكَثِيرُ. الثَّانِي: كَثْرَةُ الدُّعَاءِ. الثَّالِثُ: طَاعَةُ الْوَالِدِينَ. الرَّابِعُ: الصَّلَاةُ بِاللَّيْلِ، الْخَامِسُ: الْإِسْتِغْفَارُ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ. السَّادِسُ: الْمُواظَبَةُ عَلَى التَّوَافِلِ الْيَوْمِيَّةِ.

3919. گویند در یازده مورد سلام کردن مکروه است:

- 1 - به یهودی و مسیحی 2 - هنگامی که امام جمعه خطبه می خواند و مردم گوش می دهند نباید سلام کرد تا حواس آنان از خطبه منصرف نشود. 3 - به کسی که در حمام و غیر آن عریان است. 4 - به کسی که در حال اذان یا اقامه گفتن است. 5 - به قاری قرآن.
- 6 - کسی که به بیان حدیث و بحث علمی مشغول است. 7 - به قمار باز در حال نرد و شطرنج. 8 - به آوازه خوان. 9 - به کبوترباز و هر گناهکار. 10 - کسی که در توالی است.

11 - زن نامحرم.

3920. عالمی گفته است: یازده چیز حافظه را تقویت می کند:

- 1 - خوردن حلال 2 - شیرینی 3 - گوشت 4 - عدس 5 - قرائت آیه الکرسی 6 - وضوی دائم 7 - رو به قبله نشستن 8 - اطاعت پدر و مادر 9 - نگاه کردن به صورت عالم 10 - شنیدن و عمل کردن به سخنان علماء 11 - بیداری در شب برای عبادت و اطاعت.

3921. عالم دیگری گفته است: یازده چیز عمر را زیاد می کند:

- 1 - صدقه زیاد 2 - دعای بسیار 3 - اطاعت پدر و مادر 4 - نماز شب 5 - استغفار قبل از

السَّابِعُ: الصَّلَاةُ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ. الثَّامِنُ: الدُّعَاءُ لِلْمُؤْمِنِينَ. التَّاسِعُ: كَثْرَةُ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ. العَاشِرُ: ذِكْرُ اللَّهِ - جَلَّ وَعَلَا - فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ.
الحَادِي عَشَرَ: الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ .

3922. وقيل: أصول الأخلاق المذمومة أحد عشر: شِدْرَةُ الطَّعَامِ، وَشِدْرَةُ الكَلَامِ، وَالغَضَبُ، وَالْحَسَدُ، وَحُبُّ المَالِ، وَحُبُّ الجَاهِ، وَالكِبْرُ،
وَالعُجْبُ، وَالرِّيَاءُ، وَالنَّخْوَةُ(1)، وَالبُخْلُ.

وأصول الأخلاق المحمودة أحد عشر: التَّوْبَةُ، وَالخَوْفُ، وَالرَّجَاءُ، وَالزُّهْدُ، وَالصَّبْرُ، وَالشُّكْرُ، وَالإِخْلَاصُ، وَالصَّدْقُ، وَالرِّضَاءُ بِالقَضَاءِ،
وَالْمَحَبَّةُ، وَذِكْرُ المَوْتِ.

ص:16

1- . النخوة: الكبر والعظمة (الصحاح: 2505/6).

اذان صبح 6 - خواندن نافله های روز 7 - نماز جماعت 8 - دعا برای مؤمنان 9 - قرآن خواندن زیاد 10 - یاد خدا در نهان و آشکار 11 - صلوات بر محمد و آل محمد.

3922. گویند: اساس اخلاق زشت یازده چیز است:

1 - پرخوری 2 - زیاده گویی 3 - خشم 4 - حسد 5 - مال دوستی 6 - مقام پرستی 7 - تکبر 8 - خود پسندی 9 - ریا 10 - نخوت 11 - بخل.

اساس اخلاق پسندیده یازده چیز است:

1 - توبه 2 - ترس 3 - امید 4 - زهد 5 - صبر 6 - شکر گزاری 7 - اخلاص 8 - صداقت 9 - خشنودی به قضا 10 - محبت 11 - یاد مرگ.

ص: 17

البابُ الثاني عشر: في المَوَاعِظِ الاثني عَشْرِيَّة

باب دوازدهم: پنجاهی دوازده گانه

اشاره

ص: 19

الفصل الأول: ما وَرَدَ مِنَ الْأَخْبَارِ عَنِ النَّبِيِّ الْمُخْتَارِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

3923. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ تَهَاوَنَ فِي الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ فِي الْجَمَاعَةِ عَاقَبَهُ اللَّهُ بِاثْنَتَيْ عَشْرَةَ خَصَلَةً؛ ثَلَاثَةً فِي الدُّنْيَا، وَثَلَاثَةً فِي الْقَبْرِ، وَثَلَاثَةً عِنْدَ الْمَوْتِ، وَثَلَاثَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ:

أَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا: يَرْفَعُ اللَّهُ بَرَكَتَهُ مِنْ كَسْبِهِ، وَيَنْزِعُ سِيْمَاءَ (1) الْخَيْرِ مِنْ وَجْهِهِ، وَيَكُونُ بَغِيضًا فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ.

وَأَمَّا الَّتِي عِنْدَ الْمَوْتِ: فَإِنَّهُ يَقْبِضُ رُوحَهُ جَائِعًا، عَطْشَانًا، شَدِيدَ الْفَرْعِ.

وَأَمَّا الَّتِي فِي الْقَبْرِ: مُسَائِلَةٌ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ، وَظُلْمَةٌ الْقَبْرِ، وَضِيقُ اللَّحْدِ.

وَأَمَّا الَّتِي فِي الْقِيَامَةِ: شِدَّةُ الْحِسَابِ، وَعَضْبُ الرَّبِّ، وَالْعِقَابُ بِالنَّارِ.

3924. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِأَحَدِ أَصْحَابِهِ وَهُوَ زَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ: تَزَوَّجْ؛ فَإِنَّ التَّزْوِيجَ بَرَكَةٌ، وَالتَّعَفُّفُ (2) مَعَ عِفَّتِكَ، وَلَا تَزَوَّجْ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ مِنَ النِّسَاءِ.

قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا اثْنَتَيْ عَشْرَةَ نِسَاءً؟

قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا تَزَوَّجْ هَنْقَعَةً (3)، وَلَا عَنَفَصَةً (4)، وَلَا شَهْبَرَةً (5)، وَلَا سَلْقَلَقَةً (6)، وَلَا مَذْبُوبَةً (7)، وَلَا حَنَانَةً (8)،

ص: 20

1- السِيْمَا: الْعَلَامَةُ يَعْرِفُ بِهَا الْخَيْرَ وَالشَّرَّ. وَفِيهِ لُغَةٌ أُخْرَى: السِيْمَاءُ - بِالْمَدِّ - (لِسَانُ الْعَرَبِ: 312/12).

2- الظَّاهِرُ تَسْتَعْفُفٌ؛ أَي تَسْتَرِيدُ الْعَقَّةَ عَلَى الْعَقَّةِ.

3- هَنْقَعَةٌ: لَمْ أَجِدْهَا فِي كِتَابِ اللُّغَةِ الْمَوْجُودَةِ عِنْدِي، وَلَعَلَّ الصَّحِيحَ هَيْنَعَةٌ - بِالْهَاءِ ثُمَّ الْيَاءِ ثُمَّ النُّونِ ثُمَّ الْغَيْنِ الْمَعْجَمَةَ -: الْفَاجِرَةُ وَالْمُظْهِرَةُ سَرَّهَا إِلَى كُلِّ أَحَدٍ، وَالْمُغَازِلَةُ الضَّحَاكَةَ كَمَا فِي الْقَامُوسِ وَالْأَقْرَبِ، أَوْ هَنْبَعَةٌ - بِالْهَاءِ ثُمَّ النُّونِ ثُمَّ الْبَاءِ الْمَوْحِدَةَ ثُمَّ الْغَيْنِ -: الْمَرْأَةُ الضَّعِيفَةُ الْبَطْشُ أَوْ الْحَمَقَاءُ، أَوْ هَنْبِغَةٌ - بِالْهَاءِ ثُمَّ النُّونِ ثُمَّ الْيَاءِ الْمُثْنَاةَ مِنْ تَحْتِ ثُمَّ الْبَاءِ الْمَوْحِدَةَ ثُمَّ الْغَيْنِ - الْحَمَقَاءُ، كَذَا فِي الْأَقْرَبِ، وَفِي الْقَامُوسِ: هَيْبِنَعَةٌ - بِتَقْدِيمِ الْبَاءِ مَكَانَ النُّونِ وَتَأْخِيرِ النُّونِ مَكَانَ الْبَاءِ -.

4- عَنَفَصَةٌ: الْمَرْأَةُ الْقَلِيلَةُ الْحَيَاءِ، وَالْقَلِيلَةُ الْجِسْمِ الْكَثِيرَةُ الْحَرَكَةِ، وَالْقَصِيرَةُ الْمُخْتَالَةُ، وَالذَّاعِرَةُ الْخَبِيثَةُ.

5- الشَّهْبَرَةُ: مَرَّ تَقْسِيرُهُ.

6- السَّلْقَلَقَةُ: الَّتِي تَصِيحُ عِنْدَ الْمَصِيبَةِ، وَالسَّلْقَلَقِيَّةُ الَّتِي تَحِيضُ مِنْ دَبْرِهَا.

7- الْمَذْبُوبَةُ: الْمَجْنُونَةُ، كَمَا فِي الْقَامُوسِ وَالْأَقْرَبِ.

8- الْحَنَانَةُ: الَّتِي كَانَ لَهَا زَوْجٌ تَذَكَّرَهُ بِالْحَنِينِ؛ أَي بِالشُّوقِ وَشِدَّةِ الْبُكَاءِ.

فصل اول: احادیثی از رسول الله صلی الله علیه و آله

3923. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که در اقامه نمازهای پنج گانه به جماعت سستی کند خداوند او را به دوازده کیفر بدهد:

سه کیفر در دنیا: برکت از کسب او می رود، سیمای خیر را از صورتش می گیرد، و در قلوب مؤمنین منفور می شود.

سه کیفر در هنگام مرگ: تشنه و گرسنه و با وحشت جان می دهد.

سه کیفر در قبر: نکیر و منکر با خشنوت از او پرسش کنند و قبرش تاریک و لحد او تنگ می شود.

سه کیفر در قیامت: سختگیری در حساب و خشم خداوند و آتش دوزخ.

3924. رسول الله صلی الله علیه و آله به زید بن ثابت فرمودند:

ازدواج کن که ازدواج برکت دارد و بر پاکدامنی تو می افزاید. ولی با دوازده زن ازدواج نکن. پرسیده شد: یا رسول الله آن زنان چه کسانی هستند؟

حضرت فرمودند: ازدواج نکن با زنی که اسرارش را به همه بازگو می کند. بی حیاء.

مشهور به فساد. بی صبر در مصیبت. دیوانه [کم عقل]. زنی که زیاد گریه می کند.

ولا مَنَانَةٌ (1) ، ولا رَفْنَاءٌ (2) ، ولا هَدِيرَةٌ (3) ، ولا لَفُوتًا (4). (5)

3925. وَرُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: فِي السُّوَالِكِ اثْنَا عَشْرَةَ خَصَلَةً: مَطَهْرَةٌ لِلْفَمِ، وَمَرْضَاةٌ لِلرَّبِّ، وَيُبَيِّضُ الْأَسْنَانَ، وَيَذْهَبُ بِالْحَفْرِ، وَيُقِلُّ الْبَلْغَمَ، وَيُشَهِّي الطَّعَامَ، وَيُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ، وَتُصَابُ بِهِ السُّنَّةُ، وَتَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ، وَيَشُدُّ اللَّثَّةَ، وَهُوَ يَمُرُّ بِطَرِيقَةِ الْقُرْآنِ (6) ، وَرَكَعَتَيْنِ بِسُوَالِكٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً بِغَيْرِ سُوَالِكٍ. (7)

ص: 22

- 1- . أي التي تمنّ على كلّ خدمة وعمل.
- 2- . الرفناء: كثيرة الشهوة وذات الشبق. والرفث: الجماع وكلّ ما يريده الرجل من المرأة.
- 3- . الهديرة والهديرة: التي انتهت في الكبر وسقطت وتمّ عمرها.
- 4- . اللفوت ق: مرّ تفسيره.
- 5- . كذا في المصدر؛ ذكر عشرة فقط، وفي بعض المصادر إضافة إلى هذه العشرة: «ولا مذموتة، ولا ذفناء» فيكون المجموع اثنتي عشرة؛ جامع الأخبار، ص 102.
- 6- كذا، ولعلّ الصواب: يَمُرُّ بِطَرِيقِهِ الْقُرْآنُ.
- 7- . الخصال، ص 480، ح 52.

مَنّت گذار. پر شهوت. زنی که زیاد جیغ می کشد. زنی که به دیگران هم تمایل دارد. زن سرزنش کننده. زن چانه دراز کنایه از زن پرحرف است.

3925. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: مسواک زدن دوازده اثر دارد:

دهان را پاک می کند. و پروردگار را خشنود، و دندان را سفید می کند. و زردی دندان را می برد. و بلغم را کاهش می دهد. و اشتها می آورد. و نیکی ها را مضاعف می کند. و عمل به سنت است. و ملانکه نزد مسواک زننده حاضر می شوند، و لثه را محکم می کند. و دهان محل عبور قرآن است [پس باید تمیز باشد]. و دو رکعت نماز با مسواک نزد خداوند محبوبتر از هفتاد رکعت بدون مسواک است.

ص: 23

3926. رَوَى أَبُو بَصِيرٍ عَن أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِمَا السَّلَام، قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام يَقُولُ: إِنَّ لِأَهْلِ النَّبِيِّ عَلاماتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا: صِدْقُ الْحَدِيثِ، وَأداءُ الأَمَانَةِ، وَالوَفاءُ بِالْعَهْدِ، وَقِلَّةُ الفَخْرِ، وَالتَّحُمُّلُ (1)، وَصِدْمَةُ الأَرْحَامِ، وَرَحْمَةُ الضُّعَفَاءِ، وَقِلَّةُ الْمُؤاناةِ لِلنِّسَاءِ، وَبَذْلُ المَعْرُوفِ، وَحُسْنُ الخُلُقِ، وَسَعَةُ الحُكْمِ (2)، وَاتِّبَاعُ العِلْمِ فيما يُقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، طُوبَى لَهُم وَحُسْنُ مَآبٍ، وَطُوبَى شَجَرَةٍ فِي الجَنَّةِ أَصلُها فِي دارِ رَسولِ اللَّهِ، فَليسَ مِن مُؤْمِنٍ إِلَّا فِي دارِهِ غُصْنٌ مِن أَغصانِها لا يَنوي فِي قلبِهِ شَيْئاً إِلَّا أَتاهُ ذَلِكَ الغُصْنُ بِهِ، إِلَّا فَفِي هَذَا فَارَغَبُوا.

إِنَّ الْمُؤْمِنَ نَفْسُهُ مِنْهُ فِي شِدْغٍ وَالتَّاسُ مِنْهُ فِي راحَةٍ، إِذا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ فَرَشَ وَجْهَهُ وَسَجَدَ لِلَّهِ - تَعَالَى ذِكْرُهُ - بِمَكَارِمِ بَدَنِهِ (3)، وَيُنَاجِي الَّذِي خَلَقَهُ فِي فَكاكِ رَقَبَتِهِ. إِلَّا فَهَكَذا فَكونُوا. (4)

3927. وَرَوَى عَن أميرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام أَنَّهُ قَالَ: اخْتَرْتُ مِنَ التَّورَةِ اثْنَيْ عَشَرَ (5) آيَةً فَنَقَلْتُها إِلَى العَرَبِيَّةِ وَأَنَا أَنْظِرُ إِلَيْها فِي كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ:

الأولى: يَا بَنَ آدَمَ، لا تَخافَنَّ سُلطاناً ما دامَ سُلطانِي عَلَيكَ باقٍ، وَسُلطانِي عَلَيكَ باقٍ أَبداً.

الثانية: يَا بَنَ آدَمَ، لا تَأْسُ بِأَحَدٍ ما وَجَدتَنِي، فَمَتى أَرَدتَنِي مَمْلُوءَةً، (6) وَخَزائِنِي مَمْلُوءَةً أَبداً.

ص: 24

1- التحمل: الصبر على الشدائد.

2- الحلم كما في الأصل.

3- أي وجهه ويديه.

4- الكافي، ج 2، ص 239، ح 6.

5- كذا، والصواب: «اثنتي عشرة»، والظاهر أنه تصحيف.

6- الظاهر أن في العبارة سقطاً، ولعل الصحيح: فمتى أردتني وجدت خزائني مملوءة.

فصل دوم: احادیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام

3926. امام باقر علیه السلام فرمودند: امیرالمؤمنین می فرمودند: اهل تقوی علامتهایی دارند که با آنها شناسایی می شوند: راستگویی و امانت داری و وفاء به عهد و افتخار نکردن و صبر و صله رحم و مهربانی با ضعیفان و کمتر از زنان پیروی کردن [در کارهای بیهوده از زنان پیروی نکردن] و نیکوکاری و خوشرفتاری و بردباری و پیروی از علم در کارهایی که به نزدیکی خدا منتهی می شود. طوبی برای آنان و عاقبت نیکو در انتظارشان باد.

طوبی نام درختی است که در بهشت در خانه رسول الله صلی الله علیه و آله وجود دارد و شاخه های آن در خانه های همه مؤمنان در بهشت وجود دارد. و هر چیزی را که در قلب خود اراده کنند بوسیله شاخه آن درخت فراهم می شود.

پس به سوی آن رغبت داشته باشید. مؤمن برای خود زحمت دارد ولی مردم از او در آسایش هستند. چون شب فرارسد پیشانی بر خاک می گذارد. و با بهترین اعضای بدنش در برابر پروردگار سجده می کند. و با آنکه او را آفریده مناجات می کند. تا وی را از آتش نجات دهد. پس این گونه باشید.

3927. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

از تورات دوازده آیه برگزیده و به عربی ترجمه کرده ام. و هر روز سه بار به آن نظر می افکنم:

1 - پسر آدم، تا سلطنت من پایدار است از کسی نترس و سلطنت من بر تو تا ابد باقی است.

2 - پسر آدم، تا خزانه من پر است به کسی امیدوار نباش. خزانه من تا ابد پر است.

الثالثة: يَا بَنَ آدَمَ، لَا تَأْنَسْ بِأَحَدٍ مَا وَجَدْتَنِي، فَمَتَى أَرَدْتَنِي وَجَدْتَنِي بَارًّا قَرِيبًا.

الرابعة: يَا بَنَ آدَمَ، إِنِّي أَحْبَبْتُكَ فَأَنْتَ أَيْضًا أَحْبَبْتَنِي.

الخامسة: يَا بَنَ آدَمَ، لَا تَأْمَنَ مِنْ قَهْرِي حَتَّى تَجُوزَ عَلَى الصِّرَاطِ.

السادسة: يَا بَنَ آدَمَ، خَلَقْتُ الْأَشْيَاءَ كُلَّهَا لِأَجْلِكَ، وَخَلَقْتُكَ لِأَجْلِي، وَأَنْتَ تَقْرَأُ مِنِّي!

السابعة: يَا بَنَ آدَمَ، خَلَقْتُكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ وَلَمْ أَعِ بِخَلْقِكَ، أَيُعِينِي رَغِيفٌ أَسْوَفُهُ إِلَيْكَ؟!

الثامنة: يَا بَنَ آدَمَ، أَتَغْضَبُ عَلَيَّ مِنْ أَجْلِ نَفْسِكَ وَلَا تَغْضَبُ عَلَيَّ نَفْسِكَ لِأَجْلِي؟!

التاسعة: يَا بَنَ آدَمَ، عَلَيْكَ فَرِيضَتِي وَعَلَيَّ رِزْقُكَ، فَإِنْ خَالَفْتَنِي فِي فَرِيضَتِي فَإِنِّي لَا إِخَالَفُكَ فِي رِزْقِكَ.

العاشرة: يَا بَنَ آدَمَ، كُلُّ يُرِيدُكَ لِأَجْلِهِ وَأَنَا أُرِيدُكَ لِأَجْلِكَ، فَلَا تَقْرَأُ مِنِّي.

الحادية عشرة: يَا بَنَ آدَمَ، لَا تُطَالِبْنِي بِرِزْقِ غَدٍ كَمَا لَا اطَالِبُكَ بِعَمَلِ غَدٍ.

الثانية عشرة: يَا بَنَ آدَمَ، إِنْ رَضِيتَ بِمَا قَسَمْتُ لَكَ أَرْضَ قَلْبِكَ وَبَدَنَكَ وَأَنْتَ مَحْمُودٌ، وَإِنْ لَمْ تَرْضَ بِمَا قَسَمْتُ لَكَ سَلَطْتُ عَلَيْكَ الدُّنْيَا تَرَكُّضُ فِيهَا كَرِكْضِ الْوَحْشِ فِي الْبَرِّيَّةِ وَلَا تَنَالُ إِلَّا مَا قَدَّرْتُ لَكَ وَأَنْتَ مَذْمُومٌ.

3928. عَنْ عَطَاءِ بْنِ طَاوُوسٍ قَالَ: أَتَى قَوْمٌ مِنَ الْيَهُودِ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ وَهُوَ يَوْمَنْدٍ وَالِ عَلَى النَّاسِ، فَقَالُوا لَهُ: أَنْتَ وَالِي هَذَا الْأَمْرِ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكُمْ، وَقَدْ أَتَيْنَاكَ نَسَأَلُكَ عَنْ أَشْيَاءَ، فَإِنْ أَنْتَ أَخْبَرْتَنَا آمَنَّا بِكَ وَصَدَّقْنَاكَ وَاتَّبَعْنَاكَ، فَقَالَ عُمَرُ: سَلُونِي عَمَّا بَدَا لَكُمْ، قَالُوا: أَخْبِرْنَا عَنْ أَقْفَالِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَفَاتِيحِهَا، وَأَخْبِرْنَا عَنْ قَبْرِ سَارِ بِصَاحِبِهِ، وَأَخْبِرْنَا مَنْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ لَيْسَ مِنَ الْجِنِّ وَلَا مِنَ الْإِنْسِ، وَأَخْبِرْنَا عَنْ مَوْضِعِ طَلَعَتِ فِيهِ الشَّمْسُ لَمْ تَعُدْ فِيهِ، وَأَخْبِرْنَا عَنْ خَمْسَةٍ لَمْ يُخْلَقُوا فِي الْأَرْحَامِ، وَعَنْ وَاحِدٍ وَاثْنَيْنِ وَثَلَاثَةٍ وَأَرْبَعَةٍ وَخَمْسَةٍ وَسِتَّةٍ وَسَبْعَةٍ وَثَمَانِيَةٍ وَتِسْعَةٍ وَعَشْرَةٍ وَحَادِي عَشَرَ وَثَانِي عَشَرَ.

3 - پسر آدم، من تو را دوست دارم تو هم مرا دوست داشته باش.

5 - پسر آدم، تا از صراط عبور نکردی از خشم من در امان نباش.

6 - پسر آدم، همه چیز را برای تو آفریدم، و تو را برای خودم آفریدم، تو از من فرار می کنی!

7 - پسر آدم، تو را از خاک سپس از نطفه سپس از مضغه آفریدم و در خلقت تو درنماندم، آیا برای نانی که برایت می فرستم در می مانم؟

8 - پسر آدم، به خاطر خود بر من غضب می کنی. اما برای من بر خودت غضب نمی کنی؟

9 - پسر آدم، واجبات من بر عهده توست و روزی تو بعهده من است. اگر تو در واجبات من مخالفت کنی من در رزق تو مخالفت نمی کنم.

10 - پسر آدم، همه تو را برای خودشان می خواهند. و من تو را برای خودت می خواهم. از من مگریز.

11 - پسر آدم، از من روزی فردا را نخواه، چنان که من تکلیف فردا را از تو نمی خواهم.

12 - پسر آدم، اگر به قسمت خود خشنود شوی قلب و بدن تو را آسوده کنم و ستوده می شوی. و اگر خشنود نشوی دنیا را بر تو مسلط می کنم تا چون آهوی وحشی مدام به دنبالش بدوی و جز روزی خود نیابی و نکوهیده می شوی.

3928. عطاء بن طاووس گوید: گروهی از یهودیان نزد عمر بن خطاب رفتند و گفتند تو بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله والی هستی آمده ایم از تو چند سؤال پرسیم اگر جواب صحیح بدهی به تو ایمان می آوریم. و تو را تصدیق و از تو پیروی می کنیم. عمر گفت: هر چه می خواهید از من پرسید.

گفتند: بگو بدانیم از قفل‌های آسمان‌های هفت گانه و کلیدهای آن، و از قبری که صاحبش را برد، و از کسی که قوم خود را انذار کرد که نه جن بودند و نه انس، و از مکانی که خورشید از آن طلوع کرد و دیگر بازنگشت. و از پنج موجودی که از رحم مادر خلق نشدند.

و از يك و دو و سه و چهار و پنج و شش و هفت و هشت و نه و ده و یازده و دوازده چه می دانی؟

عمر ساعتی سرش را پایین انداخت آنگاه چشم باز کرد و گفت: از عمر چیزی پرسیدید که اهلش نیست. اما پسر عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله جواب سؤالات شما را می داند. کسی را فرستاد و او را دعوت کرد. زمانی که آن حضرت آمدند. گفت: یا اباالحسن، گروهی یهودی از من سؤالاتی پرسیدند که نتوانستم جواب بدهم و گفته اند اگر جواب بدهی به

قال: فَأَطْرَقَ عُمَرُ سَاعَةً، ثُمَّ فَتَحَ عَيْنَهُ وَقَالَ: سَأَلْتُمْ عُمَرَ عَمَّا لَيْسَ لَهُ! وَلَكِنَّ ابْنَ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ يُخْبِرُكُمْ بِمَا سَأَلْتُمُونِي عَنْهُ. فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ فَادْعَاهُ، فَلَمَّا أَتَاهُ قَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ، إِنَّ مَعَشَرَ الْيَهُودِ سَأَلُونِي عَنْ أَشْيَاءَ لَمْ أَحِبُّهُمْ فِيهَا بِشَيْءٍ، وَقَدْ ضَمِنُوا لِي إِنْ أَخْبَرْتَهُمْ يُؤْمِنُوا بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

فَقَالَ لَهُمْ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مَعْشَرَ الْيَهُودِ، اعْرِضُوا عَلَيَّ مَسَائِلَكُمْ، فَقَالُوا لَهُ مِثْلَ مَا قَالُوا لِعُمَرَ، فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَتُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا عَنْ شَيْءٍ سِوَى هَذَا؟ قَالُوا لَهُ: لَا يَا أَبَا شُبَيْرٍ وَشُبَيْرٍ.

فَقَالَ لَهُمْ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَّا أَقْفَالُ السَّمَاوَاتِ فَالشَّرْكُ بِاللَّهِ، وَمَفَاتِيحُهَا قَوْلُ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ».

وَأَمَّا الْقَبْرُ الَّذِي سَارَ بِصَاحِبِهِ فَالْحَوْثُ؛ سَارَ بِيُونُسَ فِي بَطْنِهِ الْبِحَارِ السَّبْعَةَ.

وَأَمَّا الَّذِي أَنْذَرَ قَوْمَهُ لَا مِنَ الْجِنِّ وَلَا مِنَ الْإِنْسِ فَتِلْكَ النَّمْلَةُ الَّتِي أَنْذَرَتْ قَوْمَهَا مِنْ قَوْمِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ.

وَأَمَّا الْمَوْضِعُ الَّذِي طَلَعَتْ فِيهِ الشَّمْسُ ثُمَّ لَمْ تَعُدْ فِيهِ فَذَاكَ الْبَحْرُ الَّذِي أَنْجَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَغَرِقَ فِيهِ فِرْعَوْنُ وَأَصْحَابُهُ.

وَأَمَّا الْخَمْسَةُ الَّذِينَ لَمْ يُخْلَقُوا فِي الْأَرْحَامِ فَآدَمُ وَحَوَاءُ وَعَصَا مُوسَى وَنَاقَةُ صَالِحٍ وَكَبْشُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

وَأَمَّا الْوَاحِدُ فَهُوَ اللَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ.

وَأَمَّا الْإِثْنَانِ فَآدَمُ وَحَوَاءُ.

وَأَمَّا الثَّلَاثَةُ فَجَبْرَائِيلُ وَمِيكَائِيلُ وَإِسْرَافِيلُ.

وَأَمَّا الْأَرْبَعَةُ فَالتَّوْرَةُ، وَالْإِنْجِيلُ، وَالزَّبُورُ، وَالْفُرْقَانُ الْعَظِيمُ.

وَأَمَّا الْخَمْسَةُ فَخَمْسُ صَلَوَاتٍ مَفْرُوضَاتٍ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

وَأَمَّا السِّتَّةُ فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ».

وَأَمَّا السَّبْعَةُ فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا».

وَأَمَّا الثَّمَانِيَةُ فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ - ذِي ثَمَانِيَةٍ».

وَأَمَّا التَّسْعَةُ فَالآيَاتُ الْمُنزَلَةُ عَلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ.

رسول الله صلى الله عليه وآله ايمان مى آورند.

اميرالمؤمنين عليه السلام فرمودند: اى يهوديان سؤالات خود را از من بپرسيد.

آنان سؤالات خود را تکرار کردند.

اميرالمؤمنين عليه السلام فرمودند: آيا سؤالات ديگرى هم داريد؟ گفتند: نه اى پدر شبر و شبير.

اميرالمؤمنين عليه السلام فرمودند: قفل آسمانها و زمين شرك به خداوند است و كليد آنها لا اله الا الله است.

قبرى كه صاحبش را حركت داد، ماهى بود كه يونس را بلعيد و در درياهاى هفت گانه فرورفت.

كسى كه قوم خود را هشدار داد و قومش نه جن بود و نه انس، آن مورچه اى بود كه قوم خود را به آمدن سپاهيان سليمان هشدار داد.

مكاني كه خورشيد به آن طلوع كرد و به آنجا بازنگشت، دريائى بود كه براى موسى شكافته شد و خداوند عز و جل موسى عليه السلام را نجات داد و قوم فرعون غرق شدند.

اما پنج موجودى بدون رحم مادر آفريده شدند. آدم و حواء و عصاى موسى و شتر صالح و گوسفندى كه حضرت ابراهيم عليه السلام قربانى كرد.

اما يك: خداوند يگانه. دو آدم و حواء هستند. سه جبرئيل و ميكائيل و اسرافيل هستند.

چهار تورات و انجيل و زبور و قرآن عظيم است.

پنج نمازهاى يوميه است كه پيامبر اسلام صلى الله عليه وآله واجب کرده اند.

شش، سخن خداوند است: «آسمان ها و زمين را در شش روز آفريدیم».

هفت، سخن خداوند است: «بالاى شما هفت [آسمان] محكم آفريدیم».

هشت، سخن خداوند است: «عرش پروردگارت را هشت موجود حمل مى کنند».

نه، معجزاتى كه بر حضرت موسى بن عمران عليه السلام نازل شد.

وَأَمَّا الْعَشْرَةُ فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَوَعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَا بِهَا بِعَشْرًا».

وَأَمَّا الْحَادِي عَشَرَ فَقَالَ يُوسُفُ لِأَيُّبَ: «يَأْتِيَتْ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَجِدِينَ».

وَأَمَّا الْإِثْنَا عَشَرَ فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِمُوسَى: «اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا».

قَالَ: فَأَقْبَلَ الْيَهُودُ يَقُولُونَ: نَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَأَنَّكَ ابْنُ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ.

ثُمَّ أَقْبَلُوا عَلَى عُمَرَ، فَقَالُوا: نَشْهَدُ أَنَّ هَذَا آخِرُ رَسُولِ اللَّهِ، وَأَنَّهُ أَحَقُّ بِهَذَا الْمَقَامِ مِنْكَ. وَأَسْلَمَ مَنْ كَانَ مَعَهُمْ وَحَسَنَ إِسْلَامُهُمْ (1). (2).

3929. (قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِبَعْضِ مُخَاطَبِيهِ مُسْتَصْغِرًا مِثْلَهُ عَنْ قَوْلٍ مِثْلِ قَوْلِهِ): لَقَدْ طَرَتْ شَكِيرًا (3) وَهَدَرَتْ (4) سَقْبًا (5). (6). (7)

3930. لَوْ تَمَيَّزَتِ الْأَشْيَاءُ كَانَ الْكَذِبُ مَعَ الْجُبْنِ، وَالصَّدْقُ مَعَ الشَّجَاعَةِ، وَالرَّاحَةُ مَعَ الْيَأْسِ، وَالتَّعَبُ مَعَ الطَّمَعِ، وَالْحِرْمَانُ مَعَ الْحِرْصِ، وَالذُّلُّ مَعَ الدِّينِ. (8)

ص: 30

1- . نقل هذه القصة في كتاب علي عليه السلام والخلفاء: ص 156 عن العرائس والفتح المبين، وص 179 عن مصادر.

2- . الخصال، ص 456، ح 1.

3- الشَّكِيرُ مِنَ الْفَرِّخِ: الرَّغْبُ، وَالرَّغْبُ: الشَّعِيرَاتُ الصُّفْرُ عَلَى رِيَشِ الْفَرِّخِ (لسان العرب: شكر، زغب).

4- . هَدَرَ الْبَعِيرُ: رَدَّدَ صَوْتَهُ فِي حَنْجَرَتِهِ (لسان العرب: هدر).

5- . صَقَبُ النَّاقَةِ: وَلَدُهَا، وَكَذَلِكَ السَّقْبُ (لسان العرب: صقب، سقب).

6- . أَي أَنَّكَ طَرَتْ وَلَيْسَ هَذَا وَقْتُ طَيْرَانِكَ، وَهَدَرْتَ وَلَمْ يَكُنْ قَدْ حَانَ زَمَانُ ذَلِكَ (الشرح).

7- . نهج البلاغة، ج 4، ص 94، ح 402.

8- . شرح نهج البلاغة، ج 20، ص 327، ح 739.

ده، سخن خداوند است: «با موسی سی شب وعده کردیم و آن را با ده شب دیگر کامل کردیم».

یازده، یوسف به پدرش گفت: «پدر جان [در خواب] دیدم یازده ستاره و خورشید و ماه بر من سجده می کنند».

دوازده، سخن خداوند به موسی است: «عصای خود را به سنگ بزن و از آن دوازده چشمه جوشید».

یهودیان گفتند: شهادت به یگانگی خداوند می دهیم و شهادت می دهیم که محمد رسول خداست و تو پسر عموی پیامبر هستی.

آنگاه رو به عمر کردند و گفتند: شهادت می دهیم که او برادر رسول خداست و برای امامت از تو شایسته تر است. و همه یهودیان اسلام آوردند.

3929. امیرالمؤمنین علیه السلام به کسی که دیگری را با تقلید سخنانش تحقیر کرد فرمودند: بی مورد پریدی و بی مورد صدای خود را بلند کردی.

3930. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: اگر اشیاء از هم متمایز شوند دروغ با ترس است و راستگویی با شجاعت و آسایش با نومیذی [از مردم] و سختی با طمع و محرومیت با حرص و ذلت با بدهی است.

3931. رَوَى جَرِيرٌ عَنْ أَشْعَثَ عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قَالَ: الْخُلَفَاءُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ كَعِدَّةِ نُبَيْئِ بَنِي إِسْرَائِيلَ. (1)

3932. وَعَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا، وَقَالَ كَلِمَةً لَمْ أَسْمَعْهَا، فَقَالَ الْقَوْمُ: مَاذَا قَالَ؟ قَالَ: كُلُّهُمْ مِنْ فُرَيْشٍ. (2)

3933. وَعَنْ سَلِيمِ بْنِ قَيْسٍ الْهَلَالِيِّ عَنِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِذَا الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى فَخْرٍ دَبِيهِ، وَهُوَ يَقْبَلُ عَيْنَيْهِ وَيَلْتَمِسُ (3) فَاهُ وَهُوَ يَقُولُ: أَنْتَ سَيِّدُ ابْنِ سَيِّدِي، أَنْتَ إِمَامُ ابْنِ إِمَامِ أَبِي الْأُئِمَّةِ، وَأَنْتَ حُجَّةُ ابْنِ حُجَّةِ أَبِي حُجَجٍ تَسْعَةَ مِنْ صُلْبِكَ تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ (4). (5)

3934. وَعَنْ حُسَيْنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَبْشِرُوا نَمَّ أَبْشِرُوا - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - إِنَّمَا مَثَلُ أُمَّتِي كَمَثَلِ غَيْثٍ لَا يَدْرِي أَوَّلُهُ خَيْرٌ أَمْ آخِرُهُ، إِنَّمَا مَثَلُ أُمَّتِي كَمَثَلِ حَدِيقَةٍ أُطْعِمَ مِنْهَا فَوْجًا عَامًّا، لَعَلَّ آخِرَهَا فَوْجًا يَكُونُ أَعْرَضَهَا بَحْرًا، وَأَعَمَّقَهَا طَوْلًا

ص: 32

1- . مقتضب الأثر، ص 9. - الخلفاء الأئمة

2- . تاريخ بغداد، ج 14، ص 354، ح 7673.

3- اللثم: القُبلة (الصحاح: 2027/5).

4- . رواه في البحار: 241/36 عن كمال الدين والعيون والخصال والطرائف وكفاية الأثر.

5- . الخصال، ص 475، ح 38.

فصل سوم: احادیثی در مورد اینکه جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان دوازده نفرند

3931. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: جانشینان من دوازده نفر به تعداد نقیبان بنی اسرائیل هستند.

3932. جابر بن سمره گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: پس از من دوازده نفر امیر خواهند بود. و جمله ای فرمودند که نشنیدم. مردم گفتند: [بعدش] چه فرمود؟ گفت: حضرت فرمودند:

همه از قریش هستند.

3933. سلمان فارسی گوید: وارد شدم بر رسول الله صلی الله علیه و آله و دیدم که حسین علیه السلام روی زانوی حضرت نشسته بود. و حضرت چشمها و دهان حسین علیه السلام را می بوسید. و می فرمود: تو سید، فرزند سید، و امام، فرزند امام، و پدر امامان هستی. تو حجت خدا، فرزند حجت خدا و پدر نه حجت از فرزندان خود هستی که نهمین آنها قائم آنان است.

3934. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: بشارت، بشارت، بشارت، مثل امت من چون باران است که معلوم نیست اولش بهتر است یا آخرش. امت من چون بوستانی است که هر سال گروهی از میوه آن بهره برند و شاید گروه آخر که از آن بهره برند از همه بیشتر و برتر و پر جمعیت تر باشد.

و چگونه امتی که من اولین آن و پس از من دوازده نفر سعادت مند و خردمند و مسیح

وَفَرَعًا، وَأَحْسَنَهَا خِباءً(1)، وَكَيْفَ تَهْلِكُ أُمَّةٌ أَنَا أَوْلَاهَا وَاثْنَا عَشَرَ بَعْدِي مِنَ السُّعَدَاءِ وَأَوْلِي الْأَبَابِ وَالْمَسِيحُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
أَخْرَجَهَا، وَلَكِنْ تَهْلِكُ بَيْنَ ذَلِكَ تُنْتِجُ(2) الْهَرَجَ، لَيْسُوا مِنِّي وَلَسْتُ مِنْهُمْ(3). (4)

3935. وَرُوِيَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ فِي أَوَّلِ يَوْمِ صَعِدَ الْمِنْبَرَ فِي الْخِلَافَةِ قَالَ: وَاللَّهِ لَقَدْ اعْطَيْتُ عَلِيًّا بْنَ أَبِي
طَالِبٍ اثْنَيْ عَشَرَ(5) فَضِيلَةً لَمْ يَكُنْ لِي وَلَا لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ مِثْلُهَا وَلَا وَاحِدَةٌ مِنْهَا:

الأول: مولده في الكعبة.

الثاني: زواجه من السماء.

الثالث: زوجته فاطمة عليها السلام.

الرابع: الحسن والحسين أولاده.

الخامس: قول النبي صلى الله عليه وآله بحضرتي: من كنت مولاه فعلي مولاه، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه.

السادس: يوم غدیر خم قال صلى الله عليه وآله بحضرتي: يا علي، أنت مني بمنزلة هارون من موسى.

السابع: سد أبواب الصحابة، ولم يسد لعلي باب.

الثامن: قول النبي صلى الله عليه وآله: من عبد الله في مثل مكة والمدينة ألف سنة إلا خمسين عاماً كنوح في قومه، وصبر على حر مكة
وجوع المدينة، وأنفق ماله كجبل أبي قبيس، وقاتل بين الصفا والمروة في سبيل الله عامداً محتسباً، ولم يأت بولايتك يا علي؛ فكان عمله
ورزقه ونفقته هبأً منثوراً.

التاسع: أن تهوي النجوم في داره.

ص: 34

1- في البحار «جنى». والخباء: ما يعمل من شعر ووبر للسكونة، وجنى: أي مجتياً. أقول: ورد هذا الحديث من طرق مختلفة كثيرة أخرجها
في الينابيع: ص 446 والبحار: 226/36-372 ومنتخب الأثر: ص 10 من طرق العامة والخاصة. قال في الينابيع بعد نقل الحديث: قال
بعض المحققين: إن الأحاديث الدالة على كون الخلفاء بعده صلى الله عليه وآله اثني عشر قد اشتهرت من طرق كثيرة، فبشرح الزمان
وتعريف الكون والمكان علم أن مراد رسول الله صلى الله عليه وآله من حديثه هذا الأئمة الاثني عشر من أهل بيته وعترته؛ إذ لا يمكن أن
يحمل هذا الحديث على الخلفاء بعده من أصحابه؛ لقلتهم، ولا يمكن أن يحمل على الملوك الأمويين؛ لزيادتهم على الاثني عشر،
ولظلمهم الفاحش، ولكونهم غير بني هاشم، وكذا ملوك بني العباس، فلا بد من أن يحمل على الإئمة الاثني عشر، الخ: انتهى ملخصاً
فليراجع.

2- في البحار «تيج الهرج» ثم فسره بقوله تيج الهرج؛ أي من تهياً للهرج والفساد، قال الفيروزآبادي: تاح له الشيء يتوح: تهياً. إلى أن قال:
وفي أكثر النسخ: نتج الهرج؛ أي من ينتج في زمان الهرج: ويحتمل أن يكون كناية عن فساد النسب.

3- . رواه في البحار: 342/36 عن كمال الدين والعيون والخصال.

4- . الخصال، ص 476، ح 39.

5- . كذا، والصواب: «اثنتي عشرة»، والظاهر أنه تصحيف.

عیسی بن مریم علیه السلام آخر امت است هلاك شود؟ [یعنی حضرت مسیح علیه السلام در آخر الزمان در کنار امام زمان علیه السلام خواهد آمد]. آری در این میان گروهی هرزه هلاك خواهند شد. که نه آنان از من هستند. و نه من از آنان هستم.

3935. امام باقر علیه السلام فرمودند: عمر خطاب اولین روزی که در خلافت خود بر منبر رفت گفت: بخدا قسم علی بن ابیطالب علیه السلام دوازده فضیلت دارد که نه من و نه هیچ کس دیگر حتی یکی از آنها را ندارد.

1 - محل تولدش کعبه.

2 - ازدواجش از آسمان [نازل شده].

3 - همسرش فاطمه علیها السلام.

4 - حسن و حسین فرزندانش.

5 - رسول الله صلی الله علیه و آله در حضور من فرمود: هر کس من مولای اویم علی مولای اوست. خدایا دوست بدار هر کسی را که او را دوست بدارد و دشمن باش با کسی که با او دشمنی کند.

6 - روز غدیر در حضور من فرمود: یا علی تو نسبت به من مثل هارون نسبت به موسی هستی.

7 - همه درها را [که از خانه های اطراف به مسجد النبی صلی الله علیه و آله باز بود] بست ولی در خانه علی را نبست.

8 - رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که مثل نوح که نهصد و پنجاه سال در قوم خود پیامبری کرد، در مکه و مدینه خدا را عبادت کند، و در گرمای مکه و گرسنگی مدینه صبر کند، و از اموالش به اندازه کوه ابوقبیس انفاق کند، و بین صفا و مروه در راه خدا جنگ کند، اما ولایت تو را یا علی نداشته باشد، عمل و زهد و انفاقش بر باد رفته است.

9 - ستارگان در خانه او تعظیم می کنند.

العاشِرُ: رُذِّتْ لَهُ الشَّمْسُ مَرَّتَيْنِ؛ مَرَّةً بِالْمَدِينَةِ وَمَرَّةً بِالْعِرَاقِ.

والْحَادِي عَشَرَ: أَنَّهُ تَكَلَّمَ مَعَ الْأَمْوَاتِ وَالْأَسْدِ وَالذَّنْبِ وَالْغَزَالَةِ وَالْثُعْبَانِ وَالسَّمَكَةِ يَوْمَ الْخَاتَمِ.

الثَّانِي عَشَرَ: أَنَّهُ قَادِرٌ أَنْ يَقْتُلَ عَمَرَ بِشِمَالِهِ دُونَ يَمِينِهِ .

وَكَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَاضِرًا، فَرَفَعَ رَأْسَهُ وَقَالَ: اعْتَرَفَ بِالْحَقِّ قَبْلَ أَنْ يُشْهَدَ عَلَيْهِ (1).

3936. وَقَالَ بَعْضُ الْعَارِفِينَ: إِنَّ خَيْرَاتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ جُمِعَتْ تَحْتَ كَلِمَةٍ وَاحِدَةٍ هِيَ التَّقْوَى، وَلَنَذْكُرَ لَكَ مِنْ خِصَالِهَا وَأَثَارِهَا الْوَارِدَةَ فِيهَا اثْنَيْ عَشَرَ (2) خِصَلَةً:

الْأُولَى: الْمِدْحَةُ وَالنَّثَاءُ، قَالَ تَعَالَى: «وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ».

الثَّانِيَّةُ: الْحِفْظُ وَالْحِرَاسَةُ، قَالَ تَعَالَى: «وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا».

الثَّلَاثُ: التَّائِيدُ وَالنَّصْرُ، قَالَ تَعَالَى: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا».

الرَّابِعَةُ: النَّجَاةُ مِنَ الشَّدَائِدِ وَالرِّزْقُ الْحَلَالُ، قَالَ تَعَالَى: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ وَمَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ».

الخَامِسَةُ: إِصْلَاحُ الْعَمَلِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا * يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ».

السَّادِسَةُ: غُفْرَانُ الذُّنُوبِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَيَعْفُزْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ».

السَّابِعَةُ: مَحَبَّةُ اللَّهِ تَعَالَى، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ».

الثَّامِنَةُ: قَبُولُ الْأَعْمَالِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ».

التَّاسِعَةُ: الْإِكْرَامُ وَالْإِعْزَازُ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَلَّ - كُمْ».

العَاشِرَةُ: الْبِشَارَةُ عِنْدَ الْمَوْتِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ».

ص: 36

1- الروضة في المعجزات والفضائل، ص 162.

2- كذا، والصواب: «اثنتي عشرة»، والظاهر أنه تصحيف.

10 - دو بار خورشید برای او برگردانده شد یکبار در مدینه و یکبار در عراق.

11 - او با مردگان و شیر درنده و گرگ و آهو و اژدها و ماهی سخن گفت.

12 - او توانایی دارد عمر را با دست چپ بدون دست راست هلاک کند.

علی بن ابیطالب علیه السلام حاضر بودند و دست خود را بلند کردند و فرمودند: قبل از اینکه برای حق شاهد بیاورند خود او اقرار کرد.

3936. عارفی گوید: همه خیرات دنیا و آخرت در يك كلمه جمع شده است و آن تقوا است. ما دوازده فایده از آثار آن را [که در قرآن آمده است] ذکر می کنیم:

1 - مدح و ستایش، خداوند فرمود: «اگر صبر کنید و تقوا داشته باشید این از کارهای محتاج به تصمیم و عزم است».

2 - ایمنی از شر دشمن، خداوند متعال فرمود: «اگر صبر کنید و تقوا داشته باشید مکر دشمن به شما زیان نرساند».

3 - نصرت و پیروی و تأیید خداوند، خدای متعال فرمود: «خداوند با کسانی است که تقوا پیشه اند».

4 - نجات از گرفتاریها و روزی حلال، خداوند متعال فرمود: «کسی که تقوا پیشه کند خداوند برای او راه نجات قرار می دهد و برای او از طریقی که نمی داند روزی می رساند».

5 - اصلاح عمل، خداوند متعال فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید تقوا پیشه کنید و سخن درست بگویید، خداوند اعمال شما را اصلاح می کند».

6 - آمرزش گناهان، می فرماید: «گناهان شما را می آمرزد».

7 - محبت خداوند، خداوند متعال می فرماید: «خدا مردم با تقوا را دوست دارد».

8 - پذیرش اعمال، خداوند متعال فرمود: «خدا فقط از مردم تقوا پیشه می پذیرد».

9 - گرمی و عزیز شدن، خداوند متعال فرمود: «گرمی ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست».

10 - بشارت هنگام مرگ، خداوند متعال فرمود: «بر کسانی که ایمان دارند و تقوا پیشه کنند در دنیا و آخرت بشارت باد».

الْحَادِيَةَ عَشْرَةَ: النَّجَاةُ مِنَ النَّارِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا».

الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ: الْخُلُودُ فِي الْجَنَّةِ، قَالَ تَعَالَى: «أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ».

فَقَدْ ظَهَرَ لَكَ أَنَّ سَادَّةَ الدَّارَيْنِ مُنْطَوِيَةٌ فِيهَا وَمُنْدَرِجَةٌ تَحْتَهَا، وَهِيَ كَنْزٌ عَظِيمٌ وَغَنَمٌ جَسِيمٌ وَخَيْرٌ كَثِيرٌ وَفَوْزٌ كَبِيرٌ، وَلَقَدْ أَجَادَ الشَّاعِرُ حَيْثُ يَقُولُ:

إِذَا آلَ حَالُكَ ذَا ضَيْقَةٍ وَيَقْصُرُ رِزْقُكَ عَمَّا يَجِبُ

فَرَأَيْتَ تَقَى اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَنْلِكَ الْأَمَانِيَّ كَمَا تَرْتَقِبُ

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ

اعْلَمْ أَنَّ فِي آدَابِ التَّعَلُّمِ أُمُورًا نُشِيرُ مِنْهَا إِلَى مَا اسْتَعْمَلَهُ مُوسَى مَعَ الْحَضِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى:

«هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُسُدًا»، فَقَدْ دَلَّتْ عَلَى اثْنَتَيْ عَشْرَةَ فَايِدَةً مِنْ فَوَائِدِ الْآدَابِ:

الْأَوَّلُ: جَعَلَ نَفْسَهُ تَبَعًا لَهُ لِمُقْتَضَى انْحِطَاطِ الْمَنْزِلَةِ فِي جَانِبِ الْمَتَّبِعِ.

الثَّانِي: الْإِسْتِيذَانُ بِهَلْ، أَي هَلْ تَأْذُنُ لِي فِي اتِّبَاعِكَ، وَهُوَ مُبَالِغَةٌ عَظِيمَةٌ فِي التَّوَضُّعِ.

الثَّلَاثُ: تَجْهِيلُ نَفْسِهِ وَالْإِعْتِرَافُ لِمُعَلِّمِهِ بِالْعِلْمِ لِقَوْلِهِ: «عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِي».

الرَّابِعُ: الْإِعْتِرَافُ لَهُ بِعِظَمِ النِّعْمَةِ بِالتَّعْلِيمِ؛ لِأَنَّهُ طَلَبَ مِنْهُ أَنْ يُعَامِلَهُ بِمِثْلِ مَا عَامَلَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ، أَي يَكُونُ إِنْعَامُكَ عَلَيَّ كِإِنْعَامِ اللَّهِ تَعَالَى عَلَيْكَ، وَلِهَذَا الْمَعْنَى قِيلَ: أَنَا عَبْدٌ مَنْ تَعَلَّمْتُ مِنْهُ. وَقَالَ أَيْضًا: مَنْ عَلَّمَ إِنْسَانًا مَسْأَلَةً مَلَكَ رِقَّةً.

الخَامِسُ: أَنَّ الْمُتَابِعَةَ عِبَارَةٌ عَنِ الْإِتْيَانِ بِمِثْلِ فِعْلِ الْغَيْرِ لِكَوْنِهِ فِعْلًا لَا لِوَجْهِ آخَرَ، وَدَلَّ ذَلِكَ عَلَى أَنَّ الْمُتَعَلِّمَ يَجِبُ عَلَيْهِ مِنْ أَوَّلِ الْأَمْرِ التَّسْلِيمُ وَتَرْكُ الْمُنَازَعَةِ.

السَّادِسُ: الْإِتْيَانُ بِالْمُتَابِعَةِ مِنْ غَيْرِ تَقْيِيدِ بَشْيءٍ، بَلْ اتِّبَاعًا مُطْلَقًا لَا يُقَيَّدُ عَلَيْهِ فِيهِ بِقَيْدٍ، وَهُوَ غَايَةُ التَّوَضُّعِ.

السَّابِعُ: الْإِبْتِدَاءُ بِالْإِتْبَاعِ، ثُمَّ بِالتَّعْلِيمِ، ثُمَّ بِالْخِدْمَةِ، ثُمَّ بِطَلَبِ الْعِلْمِ.

الثَّامِنُ: أَنَّهُ قَالَ: «هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِي» أَي لَمْ أَطْلُبْ عَلَى تِلْكَ الْمُتَابِعَةِ إِلَّا التَّعْلِيمَ، كَأَنَّهُ

11 - نجات از دوزخ، خداوند متعال فرمود: «خدا مردم با تقوا را نجات می دهد».

12 - جاودانگی در بهشت، خداوند متعال فرمود: «بهشت جاویدان برای مردم تقوا پیشه آماده شده است».

بدین ترتیب بر شما روشن شد که سعادت دنیا و آخرت در تقوا نهفته است. و آن گنج بزرگ و غنیمت ارزشمند و خیر فراوان و رستگاری بزرگی است.

شاعر چه زیبا گفته است:

زمانی که در تنگدستی قرار گرفتی و روزی تو کمتر از نیاز تو شد

مراقب تقوای خداوند سبحان باش ترا ایمنی رساند چنانکه انتظار می رود

کسی که تقوای الهی پیشه کند خداوند برای او رزقی بی حساب فرو فرستد

بدانکه: اموری از آداب آموختن است. ما به دوازده مورد اشاره می کنیم که در داستان موسی و خضر علیه السلام در آیه شریفه آمده است: موسی گفت: «آیا از تو پیروی کنم تا مرا ارشاد کنی»:

1 - موسی خودش را تابع او قرار داد و در مقابل او خود را ناچیز شمرد.

2 - اجازه گرفتن با عبارت سؤالی، از او پرسید آیا اجازه می دهی از تو پیروی کنم؟ این نشانه تواضع زیاد است.

3 - خود را نادان و او را دانا شمرد، گفت: «تا به من بیاموزی».

4 - اعتراف کردن به اینکه تعلیم نعمت بزرگی است. چون از او طلب کرد که با موسی مثل معامله ای انجام دهد که خدا با خضر معامله کرد. یعنی همانطور که خدا به خضر نعمت تعلیم داد، خضر هم به موسی تعلیم دهد.

به همین دلیل بعضی گفته اند: من بنده کسی هستم که از او آموخته ام. و همچنین گفته اند:

کسی که يك مسأله به انسانی بیاموزد مالك او می شود.

5 - پیروی عبارت است از انجام کاری مثل کار شخص دیگر چون او انجام می دهد تابع هم انجام می دهد لذا آموزنده باید ابتدا تسلیم باشد و مخالفت نکند.

6 - پیروی کردن بدون قید و شرط باشد که نهایت فروتنی است.

7 - اول پیروی، بعد آموختن، بعد خدمت، بعد طلب علم.

8 - موسی گفت: «آیا از تو تبعیت کنم تا به من بیاموزی؟» یعنی هدف از پیروی فقط

قال: لا أطلب منك ما لا ولا جاهاً.

التاسع: قوله: «مما علمت» أشار إلى بعض ما علم أي لا أطلب منك المساواة، بل ببعض ما علمتنا، فأنت أبدأ مرتفع عليّ زائد القدر.

العاشر: قوله: «ما علمت» اعتراف بأن الله (تعالى) علمه، وفيه تعظيم للمعلم والعلم، وتقدير لشأنهما.

الحادي عشر: قوله: «رشدًا» طلب الإرشاد، وهو ما لولا حصوله لغوى وضلّ، وفيه اعتراف بشدة الحاجة إلى التعليم، وهضم عظيم لنفسه، واحتياج بين لعلمه.

الثاني عشر: ورد أن الخضير عليه السلام علم أولاً أنه نبيّ لبني إسرائيل؛ موسى عليه السلام صاحب التوراة، الذي كلمه الله تعالى بغير واسطة، وخصه بالمعجزات، وقد أتى مع هذا المنصب بهذا التواضع العظيم، هذه المعرفة من الخضير عليه السلام، وهذه الغاية من الأدب والتواضع من موسى عليه السلام، أجابه بجواب رفيع وكلام منيع مشتمل على العظمة والقوة وعدم الأدب مع موسى عليه السلام، بل وصفه بالعجز وعدم الصبر بقوله:

«إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا»، وقد دلت هذه الكلمة الوجيزة أيضاً على فوائد كثيرة من آداب العلم، وإعزازه للعلم، وإجلاله لمقامه.

برای آموختن است. گویا می فرماید: من از تو مال و مقام نمی خواهم.

9 - آموختن بخشی از دانایی معلم. چون موسی خود را با او مساوی قرار نداد بلکه گفت بخشی از آنچه می دانی به من بیاموزی. این نشان می دهد آموزگار همیشه عالی مقام تر است.

10 - اعتراف به اینکه علم خضر را خداوند به او آموخت. و این نشان از تعظیم شأن معلم و علم است.

11 - طلب ارشاد، چون اگر علم برای ارشاد نباشد بیهوده و گمراه کننده خواهد بود. و در این مطلب اعتراف به نیاز شدید به تعلیم وجود دارد. و اعلام نیاز به علم اوست.

12 - خضر علیه السلام می دانست که موسی یکی از پیامبران بنی اسرائیل و صاحب تورات است که خداوند بی واسطه با او سخن گفته است. و معجزات زیادی دارد اما با این مقام نزد او آمده است. اینجا هم معرفت خضر علیه السلام معلوم می شود و هم ادب و فروتنی موسی علیه السلام.

خضر علیه السلام جواب بلند و سخن حکیمانه ای گفت: تو قدرت صبر کردن با من را نداری.

از آن جمله کوتاه و مفید، فائده های زیادی از آداب علم و عزیز داشتن علم و بزرگداشت مقام دانش دارد.

الباب الثالث عشر: في المَواعِظِ الثَّلاثِ عَشْرِيَّةٍ إِلَى التَّسْعِ عَشْرِيَّةٍ

باب سیزدهم: پنجاهای سیزده گانه تا نوزده گانه

اشاره

ص: 43

3937. عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الْمُسُوخِ (1)، فَقَالَ: هُمْ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ: الْفَيْلُ، وَالذَّبُّ، وَالْخَنْزِيرُ، وَالْقِرْدُ، وَالْجَرِيثُ (2)، وَالضَّبُّ، وَالْوَطَاطُ، وَالِدُّعْمُوصُ (3)، وَالْعَقْرَبُ، وَالْعَنْكَبُوتُ، وَالْأَرْنَبُ، وَسُهَيْلٌ، وَالزُّهْرَةُ. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا كَانَ سَبَبُ مَسْخِهِمْ؟ فَقَالَ:

أَمَّا الْفَيْلُ فَكَانَ رَجُلًا لَوِطِيًّا (4) لَا يَدْعُ رَطْبًا وَلَا يَابَسًا.

وَأَمَّا الذَّبُّ فَكَانَ رَجُلًا مُؤَنَّثًا (5) يَدْعُو الرِّجَالَ إِلَى نَفْسِهِ.

وَأَمَّا الْخَنْزِيرُ فَقَوْمٌ نَصَارَى سَأَلُوا رَبَّهُمْ أَنْزَالَ الْمَائِدَةَ عَلَيْهِمْ، فَلَمَّا أَنْزَلَتْ عَلَيْهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مَا كَانُوا كُفْرًا وَأَشَدَّ تَكْذِيبًا.

وَأَمَّا الْقِرْدَةُ فَقَوْمٌ اعْتَدَوْا فِي السَّبْتِ.

وَأَمَّا الْجَرِيثُ فَكَانَ رَجُلًا دَيُّوثًا يَدْعُو الرِّجَالَ إِلَى حَلِيلَتِهِ.

وَأَمَّا الضَّبُّ فَكَانَ رَجُلًا أُعْرَابِيًّا يَسْرِقُ الْحَاجَّ بِمِحْجَنِهِ (6).

وَأَمَّا الْوَطَاطُ فَكَانَ رَجُلًا يَسْرِقُ الثَّمَارَ مِنْ رُؤُوسِ النَّخْلِ.

ص: 44

1- المسخ: تحويل صورة إلى صورة أقيح، والمسوخ: جمع مسخ بمعنى المفعول.

2- الجريث: نوع من السمك يُشبه الحيات. ويقال له بالفارسية: المارماهي (النهاية: 246/1).

3- الدعموص - بضم الدال وسكون العين وضم الميم -: دويبة أو دودة سوداء تكون في الغدران إذا غار ماؤها في الأرض. وقيل: دودة لها رأسان.

4- منسوب إلى لوط عليه السلام، بحسب ما كان ينهى عمّا يرتكبه قومه من القبائح منها إتيان الرجال. واللوطي - على ما يستفاد من موارد استعماله - يُطلق على من لا يبالي بارتكاب القبائح ولا يترك عملاً لقبحه.

5- أي كان به انوثة، ويتشبه بالمرأة في لينه وإعطائه ما تُعطي المرأة.

6- المحجن: عصا معقفة الرأس كالصولجان. والميم زائدة (النهاية: 335/1).

3937. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: از رسول الله صلی الله علیه و آله پرسیدم: حیوانات مسخ شده کدامند؟ فرمودند:

سیزده حیوان هستند: فیل، خرس، خوک، میمون، مار ماهی، سوسمار، شب پره [یا پرستو]، کرم آبی، عقرب، عنکبوت، خرگوش، سهیل، و زهره [دو حیوان دریایی هستند].

پرسیدند: یا رسول الله سبب مسخ چیست؟

حضرت فرمودند: فیل: مردی اهل لواط بوده است.

خرس: مردی ابنه بوده است.

خوک: از مردم نصرانی بوده که از خدا خواستند که برایشان غذای آسمانی فرستاده شود و با وجود اینکه خواسته شان عملی شد بر کفر پایداری کردند.

میمون: کسانی بودند که روز شنبه بر خلاف دستور دین ماهی گرفتند.

مار ماهی: مرد دیوث بوده که همسرش را در اختیار دیگران می گذاشته است.

سوسمار: بادیه نشین بوده که راه حاجیان را می گرفته و اموال آنان را سرقت می کرد.

شب پره: دزدی بوده که خرمای مردم را از بالای نخل سرقت می کرد.

وَأَمَّا الدَّعْمُوضُ فَكَانَ نَمَامًا يُفَرِّقُ بَيْنَ الْأَحِبَّةِ.

وَأَمَّا الْعَقْرَبُ فَكَانَ رَجُلًا لَدَاغًا لَا يَسْلَمُ عَلَى (1) لِسَانِهِ أَحَدٌ.

وَأَمَّا الْعَنْكَبُوتُ فَكَانَتْ امْرَأَةً تَخُونُ زَوْجَهَا.

وَأَمَّا الْأَرْنَبُ فَكَانَتْ امْرَأَةً لَا تَطَهَّرُ مِنْ حَيْضٍ وَلَا غَيْرِهِ.

وَأَمَّا سُهَيْلٌ فَكَانَ عَشَارًا بِالْيَمَنِ.

وَأَمَّا الزُّهْرَةُ فَكَانَتْ امْرَأَةً نَصْرَانِيَّةً وَكَانَتْ لِبَعْضِ مُلُوكِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَهِيَ الَّتِي قُتِرَ بِهَا هَارُوتُ وَمَارُوتُ، وَكَانَ اسْمُهَا نَاهِيْلَ، وَالنَّاسُ يَقُولُونَ: نَاهِيْدٌ.

قَالَ الصَّدُوقُ: النَّاسُ يَغْلَطُونَ فِي الزُّهْرَةِ وَسُهَيْلٍ فَيَقُولُونَ إِنَّهُمَا نَجْمَانِ، وَلَيْسَ كَمَا يَقُولُونَ، وَلَكِنَّهُمَا دَابَّتَانِ مِنَ دَوَابِّ الْبَحْرِ سَمَّيْتَا بِاسْمَيْ نَجْمَيْنِ فِي السَّمَاءِ، كَمَا سَمَّيْتَ بَرُوجَ فِي السَّمَاءِ بِأَسْمَاءِ حَيَوَانٍ فِي الْأَرْضِ، مِثْلُ حَمَلٍ وَالشَّوْرِ وَالسَّرَطَانِ وَالْعَقْرَبِ وَالْحَوْتِ وَالْجَدِي، كَذَلِكَ الزُّهْرَةُ وَسُهَيْلٌ، وَإِنَّمَا غَلِطَ النَّاسُ فِيهِمَا دُونَ غَيْرِهِمَا لِتَعَدُّرِ مُشَاهَدَتِهِمَا وَالنَّظَرِ إِلَيْهِمَا؛ لِأَنَّهُمَا دَابَّتَانِ فِي الْبَحْرِ الْمُطِيفِ بِالْدُّنْيَا بِحَيْثُ لَا يَبْلُغُهُ سَفِينَةٌ وَلَا تَعَمَلُ فِيهِ حِيْدَةٌ، وَمَا كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِيَمْسَخَ الْعُصَاةَ أَنْوَارًا مُضِيئَةً لِيَهْتَدِيَ بِهِمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ثُمَّ يُقْبِهِمْ مَا بَقِيَتْ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ! وَالْمُسُوخُ لَمْ تَبْقَ أَكْثَرَ مِنْ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ حَتَّى مَاتَتْ وَلَمْ تَتَوَالَدْ، وَهَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الَّتِي تُسَمَّى الْمُسُوخَ فَالْمُسُوخِيَّةُ لَهَا اسْمٌ مُسْتَعَارٌ مَجَازِيٌّ، بَلْ هِيَ مِثْلُ مَا مَسَخَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى صُورَتِهَا قَوْمًا عَصَوْهُ وَاسْتَحَقُّوا بِعَصِيَانِهِمْ تَغْيِيرَ مَا بِهِمْ مِنْ نِعْمَتِهِ، وَحَرَّمَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِحُومِهَا لِكَيْلَا يُنْتَفَعَ بِهَا وَلَا يُسْتَحَفَّ بِعُقُوبَتِهَا. حُكِيَتْ لِي هَذِهِ الْحِكَايَةُ عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْأَسَدِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ. (2)

3938. عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: لَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: إِنَّ فِي عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ خِصَالًا لَوْ كَانَ وَاحِدَةً مِنْهَا فِي جَمِيعِ النَّاسِ لَا كَتَفُوا بِهَا فَضْلًا:

قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ.

وقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلِيٌّ مِنِّي كَهَارُونَ مِنْ مُوسَى.

ص: 46

1- . كذا والظاهر: من، أي كان يؤدي الناس كثيرا بلسانه.

2- . الخصال، ص 494، ح 2.

کرم آبی: سخن چین بوده و بین دوستان اختلاف می انداخته است.

عقرب: مرد بد زبان بوده که کسی از زبان او در امان نبوده است.

عنکبوت: زنی بوده که به شوهرش خیانت می کرد.

خرگوش: زنی بوده که از حیض و غیر آن غسل نمی کرد.

سهیل: مأمور مالیات در یمن بوده است.

زهره: زن مسیحی بوده که هاروت و ماروت را فریب داد. اسم او ناهیل بود و مردم به او ناهید می گفتند.

شیخ صدوق رحمه الله گوید: «مردم درباره زهره و سهیل اشتباه می کنند و آنها را دو ستاره می پندارند اما چنین نیست. آن دو حیوان دریایی هستند که به نام دو ستاره آسمانی نامیده شده اند، همانطور که برجهای آسمان به نام حیوانات زمینی نامیده شده اند. مثل حمل و ثور و سرطان و عقرب و حوت و جدی همچنین زهره و سهیل.

مردم در مورد زهره و سهیل اشتباه می کنند چون مشاهده آن دو ممکن نیست و در اعماق دریا زندگی می کنند. و خداوند این گنهکاران را مسخ کرد بصورت حیوانات خشکی و دریایی و تا زمین و آسمان باقی است این صورتها را باقی نگهداشت.

اما خود آن گنهکارانی که مسخ شدند بیشتر از سه روز زنده نمی مانند و تکثیر نسل هم نمی کنند. این حیوانات که مسوخ نامیده می شوند اسم مستعار مجازی است بلکه به صورت آن اقوام گنه کار است که مسخ شده اند و به سبب گناه خود مستحق تغییر نعمتها شدند. اما گوشت این حیوانات که حرام است برای این جهت است که مردم از آن استفاده نکنند تا عقوبت آن گناهان سبک شمرده نشود.

این حکایت را ابی الحسن محمد بن جعفر اسدی برای من نقل کرده است.»

3938. جابر بن عبدالله انصاری گوید: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: در وجود علی علیه السلام خصلتهایی است که اگر یکی از آنها در همه انسانها بود برای فضیلت آنان کافی بود:

1 - رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که من مولای اویم علی مولای اوست.

2 - رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: علی نسبت به من مثل هارون نسبت به موسی است.

وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلِيٌّ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ.

وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلِيٌّ مِنِّي كَنَفْسِي، طَاعَتُهُ طَاعَتِي، وَمَعْصِيَتُهُ مَعْصِيَتِي.

وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حَرْبٌ عَلِيٌّ حَرْبُ اللَّهِ، وَسِلْمٌ عَلِيٌّ سِلْمُ اللَّهِ.

وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَلِيُّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلِيُّ اللَّهِ، وَعَدُوُّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَدُوُّ اللَّهِ.

وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلِيٌّ حُجَّةُ اللَّهِ وَخَلِيفَتُهُ عَلَى عِبَادِهِ.

وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حُبُّ عَلِيٍّ إِيمَانٌ، وَبُغْضُهُ كُفْرٌ.

وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حِزْبُ عَلِيٍّ حِزْبُ اللَّهِ، وَحِزْبُ أَعْدَائِهِ حِزْبُ الشَّيْطَانِ.

وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَهُ، لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ.

وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلِيٌّ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ.

وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ فَارَقَ عَلِيًّا فَقَدْ فَارَقَنِي، وَمَنْ فَارَقَنِي فَقَدْ فَارَقَ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ.

وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: شِيعَةُ عَلِيٍّ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

بَابُ أَرْبَعَةِ عَشَرَ

الْغُسْلُ فِي أَرْبَعَةِ عَشَرَ مَوْطِنًا: (1)

3939. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الْغُسْلَ فِي أَرْبَعَةِ عَشَرَ مَوْطِنًا: غُسْلُ الْمَيْتِ، وَغُسْلُ الْجُنْبِ، وَغُسْلُ مَنْ غَسَلَ الْمَيْتَ، وَغُسْلُ الْجُمُعَةِ، وَالْعِيدَيْنِ، وَيَوْمَ عَرَفَةَ، وَغُسْلُ الْإِحْرَامِ، وَدُخُولِ الْكَعْبَةِ، وَدُخُولِ الْمَدِينَةِ، وَدُخُولِ الْحَرَمِ، وَالزِّيَارَةَ، وَلَيْلَةَ تِسْعَةِ عَشَرَ، وَإِحْدَى وَعِشْرِينَ، وَثَلَاثَ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ. (2)

3940. الْمُنَافِقُ إِذَا نَظَرَ لَهَا (3)، وَإِذَا سَكَتَ سَهَا، وَإِذَا تَكَلَّمَ لَعَا، وَإِذَا أَصَابَهُ شِدَّةٌ شَكَا، فَهُوَ قَرِيبُ السَّخَطِ، بَعِيدٌ

ص: 48

1- الخصال، ص 496، ح 5؛ ينابيع المودة، ج 1، ص 172، ح 22.

2- . الخصال، ص 499، ح 5.

3- لَهَا وَتَلَهَّى عَنِ الشَّيْءِ: غَفَلَ عَنْهُ وَنَسِيَهُ وَإِذَا تَشَاغَلَ بِغَيْرِهِ (لسان العرب: لهو).

3 - رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: علی از من و من از علی هستم.

4 - رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: علی جان من است. طاعت او طاعت از من و نافرمانی از او نافرمانی از من است.

5 - رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: دشمنی با علی دشمنی با خداست و آشتی با علی آشتی با خداست.

6 - رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: دوست علی دوست خداست و دشمن علی دشمن خداست.

7 - رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: علی حجت خدا و خلیفه او بر بندگانش است.

8 - رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: دوست داشتن علی ایمان و دشمن داشتن علی کفر است.

9 - رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: حزب علی حزب الله و حزب دشمنانش حزب شیطان است.

10 - رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: علی با حق و حق با علی است از هم جدا نمی شوند تا در حوض کوثر به من برسند.

11 - رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: علی قسمت کننده بهشت و دوزخ است.

12 - رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: هرکس از علی جدا شود از من جدا شده است و کسی که از من جدا شود از خدا جدا شده است.

13 - رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: شیعه علی روز قیامت رستگار است.

باب چهارده

3939. امام صادق علیه السلام فرمودند: غسل در چهارده مورد است:

غسل میت، غسل جنابت، غسل کسی که میت را می شوید، غسل جمعه، عید فطر و قربان، غسل روز عرفه، غسل احرام، غسل ورود به کعبه، غسل ورود به شهر مکه، غسل ورود به حرم، غسل زیارت و غسل شب نوزده و بیست و یکم و بیست و سوم رمضان.

3940. منافق هنگامی که نگاه می کند [به جای عبرت] سرگرم می شود و وقتی ساکت است به سهو

الرِّضَا، يُسَخِّطُهُ عَلَى اللَّهِ الْيَسِيرُ، وَلَا يُرْضِيهِ الْكَثِيرُ، قُوَّتُهُ تَبْلُغُ، وَبَيْتُهُ لَا تَبْلُغُ، مَغْمُوسَةٌ فِي الشَّرِّ يَدُهُ، يَنْوِي كَثِيرًا مِنَ الشَّرِّ، وَيَعْمَلُ بِطَائِفَةٍ مِنْهُ، فَيَتَلَهَّفُ عَلَى مَا فَاتَهُ مِنَ الشَّرِّ كَيْفَ لَمْ يَأْمُرْ بِهِ، وَكَيْفَ لَمْ يَعْمَلْ بِهِ! (1) بَابُ خَمْسَةَ عَشَرَ

إِذَا عَمِلَتْ الْأُمَّةُ خَمْسَ عَشْرَةَ خَصْلَةً حَلَّ بِهَا الْبَلَاءُ:

3941. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا عَمِلَتْ أُمَّتِي خَمْسَ عَشْرَةَ خَصْلَةً حَلَّ بِهَا الْبَلَاءُ، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا هِيَ؟ قَالَ: إِذَا كَانَتِ الْمَغَانِمُ دُولًا (2)، وَالْأَمَانَةُ مَغْنَمًا (3)، وَالزَّكَاةُ مَغْرَمًا (4)، وَأَطَاعَ الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ وَعَقَّ أُمَّهُ، وَبَرَّ صَدِيقَهُ وَجَفَا أَبَاهُ، وَكَانَ زَعِيمَ الْقَوْمِ أُرْدَلَهُمْ وَأَكْرَمَهُ الْقَوْمِ مَخَافَةَ شَرِّهِ، وَارْتَفَعَتِ الْأَصْوَاتُ فِي الْمَسَاجِدِ (5)، وَلَبَسُوا الْحَرِيرَ، وَاتَّخَذُوا الْقَيْنَاتِ (6)، وَضَرَبُوا بِالْمَعَازِفِ، وَلَعَنَ آخِرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَوْلَهَا، فَلْيُرْتَقَبْ عِنْدَ ذَلِكَ الرِّيحِ الْحَمْرَاءُ وَالْخَسْفُ وَالْمَسْخُ.

السُّنَّةُ فِي التَّوَرَةِ فِي كُلِّ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا: (7)

3942. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: السُّنَّةُ فِي التَّوَرَةِ فِي كُلِّ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا؛ فَمَنْ أَتَتْ عَلَيْهِ إِحْدَى وَعِشْرُونَ يَوْمًا وَلَمْ يَتَنَوَّرْ فَلَيْسَتْ دِينِ عَلَى اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ وَلَيْسَتْ تَوَرُّ، وَمَنْ أَتَتْ عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ يَوْمًا وَلَمْ يَتَنَوَّرْ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ وَلَا مُسْلِمٍ، وَلَا كَرَامَةً. (8)

3943. الْمُؤْمِنَ إِذَا نَظَرَ اعْتَبَرَ، وَإِذَا سَكَتَ تَفَكَّرَ، وَإِذَا تَكَلَّمَ ذَكَرَ، وَإِذَا اسْتَعْنَى شَكَرَ، وَإِذَا أَصَابَتْهُ شِدَّةٌ صَبَرَ، فَهُوَ قَرِيبُ الرِّضَا، بَعِيدُ السَّخَطِ، يُرْضِيهِ عَنِ اللَّهِ الْيَسِيرُ، وَلَا يُسَخِّطُهُ الْبَلَاءُ الْكَثِيرُ، قُوَّتُهُ لَا تَبْلُغُ بِهِ، وَبَيْتُهُ

ص: 50

1- . شرح نهج البلاغة، ج 20، ص 280، ح 218.

2- أي كان لهذا مرة ولهذا اخرى.

3- . أي يرى من في يده أمانة أن الخيانة فيها غنيمة قد غنمها (النهاية: 72/1).

4- أي يرى رب المال أن إخراج زكاته غرامة يغرماها (النهاية: 363/3).

5- يعني بالخصومات أو بالبيع والشراء ونحوها مما نهى عنه في المساجد.

6- . القينات: أي الإماء المغنيات (النهاية: 135/4).

7- . الخصال، ص 500، ح 1.

8- . الخصال، ص 503، ح 7.

می افتد. وقتی حرف می زند بیهوده می گوید. وقتی دچار سختی شود شکایت می کند. زود خشمگین شود. دیر خشنود شود. اندک چیزی او را از خدا ناراضی می کند و خیر زیاد او را راضی نمی کند. توان انجام کار را دارد اما نیت آن را ندارد. در شر دست دارد. شرارت زیادی در نیت دارد. قسمتی از آن را عملی می کند. برای شرارتی که از دست داده غصه می خورد که چرا امر به آن نکرده و چرا عمل به آن نکرده است.

باب پانزده

هنگامی که در امت این پانزده خصلت اجرا شود گرفتار بلا خواهد شد.

3941. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه امت من پانزده گناه مرتکب شود گرفتار بلا شوند. پرسید: چه گناهایی؟

حضرت فرمودند:

غنیمت جنگی ثروت شخصی شود، امانت مردم غنیمت شمرده شود [خیانت در امانت]. پرداخت زکات را غرامت بحساب آورند. مرد از زن خود اطاعت کند. به مادر ستم کند. به دوستش نیکی کند و به پدر جفا کند. پست ترین مردم زمامدار شود. و مردم از ترس شر زمامدار به او احترام کنند. سر و صدا در مساجد زیاد شود. لباس حریر بپوشند.

موسیقی و خوانندگی رواج یابد، نوازندگی رواج یابد، آخر این امت اول آن را لعنت کند.

پس در این زمان انتظار باد سرخ و فرورفتن زمین و تغییر خلقت باشند.

3942. امام صادق علیه السلام فرمودند، هر پانزده روز یکبار نوره کشیدن مستحب است. هر کس بیست و یک روز گذشت و نتوانست نوره بخرد، به حساب خدا قرض کند و هر کس چهل روز بگذرد و نوره نکشد مسلمان نیست و احترام ندارد.

3943. مؤمن هنگامی نگاه کند عبرت گیرد. وقتی ساکت شود تفکر کند. هنگام سخن گفتن ذکر گوید. هنگامی بی نیازی شکر کند. هنگام سختی صبر کند. زود راضی شود. دیر خشمگین

تَبَلَّغُ، مَغْمُوسَةٌ (1) فِي الْحَيْرِ يَدُهُ، يَنْوِي كَثِيرًا مِنَ الْحَيْرِ، وَيَعْمَلُ بِطَائِفَةٍ مِنْهُ، وَيَتَلَهَّفُ (2) عَلَى مَا فَاتَهُ مِنَ الْحَيْرِ كَيْفَ لَمْ يَعْمَلْ بِهِ .

بَابُ سِتَّةِ عَشَرَ

سِتُّ عَشْرَةَ خِصْلَةٌ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ: (3)

3944. سَعِيدُ بْنُ عِلَاقَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

أَلَا ابْتِئْتُكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ بِمَا يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، فَقَالَ: الْجَمْعُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَالتَّعْقِيبُ بَعْدَ الْعَدَاةِ وَبَعْدَ الْعَصْرِ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَصِدْقُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَكَسْحُ الْفِنَاءِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَمُوَسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَابْتِكُورُ فِي طَلْبِ الرِّزْقِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَالِاسْتِغْفَارُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَاسْتِعْمَالُ الْأَمَانَةِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَقَوْلُ الْحَقِّ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَإِجَابَةُ الْمُؤَدَّنِ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ (4)، وَتَرْكُ الْكَلَامِ فِي الْخَلَاءِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَتَرْكُ الْحِرْصِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَشُكْرُ الْمُنْعَمِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَاجْتِنَابُ الْيَمِينِ الْكَاذِبَةِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَالْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَأَكْلُ مَا يَسْقُطُ مِنَ الْخِوَانِ (5) يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَمَنْ سَبَّحَ اللَّهَ كُلَّ يَوْمٍ ثَلَاثِينَ مَرَّةً دَفَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنَ الْبَلَاءِ أَيْسَرَهَا الْفَقْرُ.

سِتُّ عَشْرَةَ خِصْلَةٌ مِنَ الْحِكْمِ: (6)

3945. عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: الصَّدْقُ أَمَانَةٌ، وَالْكَذِبُ خِيَانَةٌ، وَالْأَدَبُ رِيَاسَةٌ، وَالْحَزْمُ كِيَاسَةٌ، (وَالسَّرْفُ مَمَوَّةٌ (7) خ ل) وَالْقَصْدُ مَثْرَاةٌ (8)، وَالْحِرْصُ مَفْقَرَةٌ، وَالِدَّنَاءَةُ مَحْقَرَةٌ، وَالسَّنْخَاءُ

ص: 52

1- انْعَمَسَ فِي الْمَاءِ: غَاصَ فِيهِ (أَقْرَبُ الْمَوَارِدِ: غَمَسَ).

2- تَلَهَّفَ عَلَيْهِ: حَزِنَ عَلَيْهِ وَتَحَسَّرَ (أَقْرَبُ الْمَوَارِدِ: لَهْفَ).

3- . تحف العقول، ص 212.

4- المراد الصلاة أول الوقت، أو الخروج إلى الجماعة، أو حكاية الأذان.

5- الخوان: ما يوضع عليه الطعام عند الأكل (النهاية: 89/2).

6- . الخصال، ص 505، ح 2.

7- لا توى عليه: أي لاضياح ولا خسارة. وهو من التوى: الهلاك (النهاية: 196/1).

8- . أي الوسط في المعيشة يثري المال ويوجب الثروة.

شود. اندکی از طرف خدا او را خشنود می کند. از بلای بزرگ خشمگین نمی شود. توان کار را ندارد اما نیت انجام آن را دارد [و ثواب آن را می برد] دستی در خیر دارد. خیر زیادی در نیت دارد. قسمتی از آنها را عملی می کند. برای خیراتی که از دست داده غصه می خورد که چرا به آن عمل نکرده است.

باب شانزده

3944. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: آیا به شما خبر دهم که چه چیزهایی رزق را زیاد می کند؟

گفتند: بله یا امیرالمؤمنین. حضرت فرمودند:

نماز ظهر و عصر، مغرب و عشاء را با هم خواندن، تعقیبات نماز صبح و عصر، صله رحم، جاروب کردن آستان و درگاه، برای خدا به برادر دینی کمک مالی کردن، صبح زود برای کسب بیرون رفتن، استغفار کردن، امانت داری، گفتن حق، تکرار جملات اذان پس از مؤذن، ساکت بودن در حال تخلیه، ترك کردن حرص، سپاسگزاری کردن نعمت دهنده، ترك کردن قسم دروغ، شستن دست ها قبل از غذا، خوردن آنچه از سفره می افتد. و کسی که هر روز سی بار سبحان الله بگوید خداوند از او هفتاد بلا دور می کند که یکی از آنها فقر است.

3945. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمودند:

راست گویی امانت است. و دروغ خیانت، و ادب ریاست، و دوراندیشی زیرکی، [یا اسراف نابودی]، و میانه روی ثروت، و حرص فقر آور، و فرومایگی حقارت آور، و

قُرْبَةً، وَاللُّؤْمُ غُرْبَةً⁽¹⁾، وَالرَّفَقَةُ اسْتِكَانَةٌ⁽²⁾، وَالْعَجْزُ مَهَانَةٌ، وَالْهَوَى مَيْلٌ، وَالْوَفَاءُ كَيْلٌ، وَالْعُجْبُ هَلَاكٌ، وَالصَّبْرُ مِلَاكٌ⁽³⁾. (4) بَابُ سَبْعَةِ عَشَرَ

3946. وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا كَلَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ قَالَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِلَهِي، مَا جَزَاءُ مَنْ شَهِدَ أَنِّي رَسُولُكَ وَنَبِيِّكَ وَأَنَّكَ كَلَّمْتَنِي؟ قَالَ: يَا مُوسَى! تَأْتِيهِ مَلَائِكَتِي فَيُبَشِّرُهُ بِجَنَّتِي.

قَالَ مُوسَى: إِلَهِي، فَمَا جَزَاءُ مَنْ قَامَ بَيْنَ يَدَيْكَ يُصَلِّي؟ قَالَ: يَا مُوسَى! إِبَاهِي بِهِ مَلَائِكَتِي رَاكِعًا وَسَاجِدًا وَقَائِمًا وَقَاعِدًا، وَمَنْ بَاهَيْتَ بِهِ مَلَائِكَتِي لَمْ أَعْدِّبْهُ.

قَالَ مُوسَى: إِلَهِي، فَمَا جَزَاءُ مَنْ أَطْعَمَ مِسْكِينًا ابْتِغَاءً وَجَهْكَ؟ قَالَ: يَا مُوسَى! أَمْرٌ مُنَادِيًا يُنَادِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رُؤُوسِ الْخَلَائِقِ أَنْ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ مِنْ عَتَقَاءِ اللَّهِ مِنَ النَّارِ.

قَالَ مُوسَى: إِلَهِي، فَمَا جَزَاءُ مَنْ وَصَلَ رَحِمَهُ؟ قَالَ: يَا مُوسَى! انْسِي لَهْ أَجَلَهُ، وَأَهْوَنُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ، وَيُنَادِيهِ خَزَنَةُ الْجَنَّةِ: هَلُمَّ إِلَيْنَا فَادْخُلْ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِهَا شِئْتَ.

قَالَ مُوسَى: إِلَهِي، فَمَا جَزَاءُ مَنْ كَفَّ أَذَاهُ عَنِ النَّاسِ وَبَدَّلَ مَعْرُوفَهُ لَهُمْ؟ قَالَ: يَا مُوسَى! يُنَادِيهِ النَّارُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: لَا سَبِيلَ لِي عَلَيْكَ.

قَالَ: إِلَهِي، فَمَا جَزَاءُ مَنْ ذَكَرَكَ بِلِسَانِهِ وَقَلْبِهِ؟ قَالَ: يَا مُوسَى! اظْلُغْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِظِلِّ عَرْشِي، وَأَجْعَلْهُ فِي كَنَفِي⁽⁵⁾.

قَالَ: إِلَهِي، فَمَا جَزَاءُ مَنْ تَلَا حِكْمَتَكَ⁽⁶⁾ سِرًّا وَجَهْرًا؟ قَالَ: يَا مُوسَى! يَمُرُّ عَلَى الصِّرَاطِ كَالْبَرْقِ.

قَالَ: إِلَهِي، فَمَا جَزَاءُ مَنْ صَبَرَ عَلَى أَذَى النَّاسِ وَشَتَمَهُمْ فِيكَ؟ قَالَ: اعِينُهُ عَلَى أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

ص: 54

1- أي يصير الإنسان غريباً في وطنه، كما أنّ السخاء يوجد القرابة، أي كان الناس أقرباءه فلا يكون غريباً.

2- الاستكانة: الخضوع.

3- أي الصبر ملاك الأمر: أي قوامه.

4- الخصال، ص 505، ح 3.

5- يضع عليه كنفه: أي يستره. وقيل: يرحمه ويلطف به. والكنف - بالتحريك -: الجانب والناحية. وهذا تمثيل لجعله تحت ظل رحمته (النهاية: 205/4).

6- تلا حكمتك: أي قرأ التوراة.

سخاوت نزدیکی، و پست بودن غربت، و نرم دلی خضوع، و عجز خواری، و هوس آرزو، و وفاء قیمتی، و خودپسندی هلاکت، و صبر استواری است.

باب هفده

3946. امام هادی علی النقی علیه السلام فرمودند: هنگامی که خداوند با موسی علیه السلام سخن گفت.

1 - حضرت موسی علیه السلام گفت: خدای من پاداشی کسی که شهادت دهد من رسول و پیامبر تو هستم و تو با من سخن گفتی چیست؟ فرمود: یا موسی ملائکه من می آیند و به او بشارت بهشت می دهند.

2 - موسی گفت: خدای من پاداش کسی که در حضور تو نماز بپا دارد چیست؟ فرمود:

یا موسی من به فرشتگانم در حال رکوع و سجده و قیام و نشستن او مباحات می کنم. و کسی را که من به او مباحات کنم عذاب نمی کنم.

3 - موسی گفت: الهی، پاداش کسی که برای تو به فقیری غذا بدهد چیست؟ گفت: یا موسی دستور می دهم روز قیامت فرشته ای بالای سر مردم صدا بزند: فلانی از آتش آزاد شده است.

4 - موسی گفت: الهی، پاداش کسی که به خویشان خود صله رحم کند چیست؟ گفت:

یا موسی، اجل او را به تأخیر می اندازم و سكرات مرگ را بر او آسان می کنم. و فرشتگان بهشت به او می گویند: از هر دری که می خواهی وارد بهشت شو.

5 - موسی گفت: الهی، پاداش کسی که از اذیت مردم اجتناب کند و به آنان نیکی کند چیست؟ فرمود: یا موسی، دوزخ روز قیامت می گوید: تو به طرف من نخواهی آمد.

6 - موسی گفت: الهی، پاداش کسی که با زبان و قلب یاد تو کند؟ فرمود: یا موسی، روز قیامت در سایه عرش خود و در کنار خود او را جای دهم.

7 - موسی گفت: الهی، پاداش کسی که حکمت [تورات] تو را در آشکار و نهان قرائت کند چیست؟ فرمود: یا موسی، از صراط چون برق بگذرد.

8 - موسی گفت: الهی پاداش کسی که در برابر اذیت و فحش مردم صبر کند چیست؟ فرمود: یا موسی، در وحشت قیامت او را یاری کنم.

قال: إلهي، فما جزاء من دمعت عيناه من خشيتك؟ قال: يا موسى، أفي وجهه من حر النار، وأومنه يوم الفرع الأكبر.

قال: إلهي، فما جزاء من ترك الخيانة حياءً منك؟ قال: يا موسى! له الأمان يوم القيامة.

قال: إلهي، فما جزاء من أحب أهل طاعتك؟ قال: يا موسى! أحرمه على ناري.

قال: إلهي، فما جزاء من قتل مؤمناً متعمداً؟ قال: لا أنظر إليه يوم القيامة ولا أقبل عثرته.

قال: إلهي، فما جزاء من دعا نفساً كافرة إلى الإسلام؟ قال: يا موسى! آذن له في الشفاعة يوم القيامة لمن يريد.

قال: إلهي، فما جزاء من صلى الصلوات لوقتها؟ قال: اعطيه سؤله، وأبيح جنتي.

قال: إلهي، فما جزاء من أتم الوضوء من خشيتك؟ قال: أبعثه يوم القيامة وله نور بين عينيه يتلأأ.

قال: إلهي، فما جزاء من صام شهر رمضان لك محسباً؟ قال: يا موسى! اقيمه يوم القيامة مقاماً لا يخاف فيه.

قال: إلهي، فما جزاء من صام شهر رمضان يريد به الناس؟ قال: يا موسى! ثوابه كثواب من لم يصمه.... (1) باب ثمانية عشر

3947. عن عبد الرحمن بن سمره قال: كنا عند رسول الله يوماً فقال: إني رأيت البارحة عجائب، قال: فقلنا: يا رسول الله صلى الله عليه وآله وما رأيت؟ حدثنا به فداك أنفسنا وأهلونا وأولادنا!

فقال: رأيت رجلاً من أممي وقد أتاه ملك الموت ليقبض روحه، فجاءه بره بوالديه فمَنَعَهُ مِنْهُ.

ص: 56

9 - موسی گفت: الهی، پاداش کسی که از ترس تو اشک بریزد چیست؟ فرمود: یا موسی، چهره او را از حرارت آتش و از وحشت قیامت در امان می دارم.

10 - موسی گفت: الهی، پاداش کسی که از شرم تو خیانت را ترك کند چیست؟ فرمود:
یا موسی، روز قیامت در امان است.

11 - موسی گفت: الهی، پاداش کسی که بندگان مطیع تو را دوست بدارد چیست؟ فرمود: یا موسی، او را بر آتش دوزخ حرام می کنم.

12 - موسی گفت: الهی، سزای کسی که مؤمنی را عمداً به قتل رساند چیست؟ فرمود: یا موسی، روز قیامت به او نظر نمی کنم. و او را از لغزش نجات نمی دهم.

13 - موسی گفت: الهی، پاداش کسی که کافری را به اسلام دعوت کند چیست؟ فرمود:
روز قیامت به او اجازه می دهم هر کس را می خواهد شفاعت کند.

14 - موسی گفت: الهی، پاداش کسی که نماز را در وقت خود بپا دارد چیست؟ فرمود:
یا موسی، هر چه بخواهد به او می دهم. و بهشت را در اختیارش می گذارم.

15 - موسی گفت: الهی، پاداش کسی که از ترس تو وضوء را به خوبی انجام دهد چیست؟ فرمود: یا موسی، روز قیامت نوری از میان دو چشم او می درخشد.

16 - موسی گفت: الهی، پاداش کسی که به خاطر تو رمضان را روزه بگیرد چیست؟ فرمود: روز قیامت به مقامی می رسد که ترسی ندارد.

17 - موسی گفت: الهی، سزای کسی که رمضان را به خاطر مردم روزه بگیرد چیست؟ فرمود: پاداش او مثل کسی است که روزه نگرفته است.

باب هجده

3947. عبد الرحمان بن سمره گفت: روزی نزد رسول الله صلی الله علیه و آله بودیم حضرت فرمودند: من چیزهای عجیبی دیده ام. گفتیم: یا رسول الله چه دیده اید؟ جان و مال و فرزندان ما فدای شما به ما خبر دهید.

فرمودند: مردی از امت خود را دیدم که فرشته مرگ برای گرفتن روح او آمد دوستی پدر و مادرش باعث شد که روح او را نگیرد.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِّنْ أُمَّتِي قَدْ بَسِطَ عَلَيْهِ عَذَابُ الْقَبْرِ، فَجَاءَهُ وَضُوءُهُ فَمَنَعَهُ مِنْهُ.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِّنْ أُمَّتِي قَدْ اِحْتَوَشَتْهُ (1) الشَّيَاطِينُ، فَجَاءَهُ ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَجَاءَهُ مِنْ بَيْنِهِمْ.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِّنْ أُمَّتِي قَدْ اِحْتَوَشَتْهُ مَلَائِكَةُ الْعَذَابِ، فَجَاءَتْهُ صَلَاتُهُ فَمَنَعَتْهُ مِنْهُمْ.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِّنْ أُمَّتِي يَلْهَثُ عَطْشًا؛ كُلَّمَا وَرَدَ حَوْضًا مَنَعَ مِنْهُ، فَجَاءَهُ صِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَسَقَاهُ وَأَرَوَاهُ.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِّنْ أُمَّتِي وَالنَّبِيِّونَ حَلَقًا حَلَقًا كُلَّمَا أَتَى حَلَقَةً طُرِدَ، فَجَاءَهُ اغْتِسَالُهُ مِنَ الْجَنَابَةِ فَأَخَذَ بِيَدِهِ فَأَجْلَسَهُ إِلَى جَنْبِي.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِّنْ أُمَّتِي بَيْنَ يَدَيْهِ ظُلْمَةٌ، وَمِنْ خَلْفِهِ ظُلْمَةٌ، وَعَنْ يَمِينِهِ ظُلْمَةٌ، وَعَنْ شِمَالِهِ ظُلْمَةٌ، وَمِنْ تَحْتِهِ ظُلْمَةٌ؛ مُسْتَتَفِعًا فِي الظُّلْمَةِ، فَجَاءَهُ حُجُّهُ وَعُمُرَّتُهُ فَأَخْرَجَاهُ مِنَ الظُّلْمَةِ وَأَدْخَلَاهُ النَّورَ.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِّنْ أُمَّتِي يُكَلِّمُ الْمُؤْمِنِينَ فَلَا يُكَلِّمُونَهُ، فَجَاءَ صِدْقُهُ لِلرَّحِمِ، فَقَالَ: يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ كَلِّمُوهُ؛ فَإِنَّهُ كَانَ وَاوِدًا لِلرَّحِمِ، فَكَلَّمَهُ الْمُؤْمِنُونَ وَصَافَحُوهُ، وَكَانَ مَعَهُمْ.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِّنْ أُمَّتِي يَنْتَهِي وَهَجَ (2) النَّيرانِ وَشَرَّرَهَا بِيَدِهِ وَوَجْهَهُ، فَجَاءَتْهُ صِدْقَتُهُ فَكَانَتْ ظِلًّا عَلَى رَأْسِهِ وَسِتْرًا عَلَى وَجْهِهِ.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِّنْ أُمَّتِي قَدْ أَخَذَتْهُ الزَّبَانِيَةُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ، فَجَاءَهُ أَمْرُهُ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهْيُهُ عَنِ الْمُنْكَرِ فَخَلَّصَاهُ مِنْ بَيْنِهِمْ وَجَعَلَاهُ مَعَ مَلَائِكَةِ الرَّحْمَةِ.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِّنْ أُمَّتِي جَائِعًا عَلَى رُكْبَتَيْهِ بَيْنَهُ وَبَيْنَ رَحْمَةِ اللَّهِ حِجَابًا، فَجَاءَهُ حُسْنُ خُلُقِهِ فَأَخَذَهُ بِيَدِهِ وَأَدْخَلَهُ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِّنْ أُمَّتِي قَدْ هَوَتْ صَحِيفَتُهُ قَبْلَ شِمَالِهِ، فَجَاءَهُ خَوْفُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَأَخَذَ صَحِيفَتَهُ فَجَعَلَهَا فِي يَمِينِهِ.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِّنْ أُمَّتِي قَدْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ، فَجَاءَهُ إِفْرَاطُهُ فِي صَلَاتِهِ فَتَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ (فَجَاءَهُ أَفْرَاطُهُ فَتَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ).

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِّنْ أُمَّتِي قَائِمًا عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ، فَجَاءَهُ رَجَاؤُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَاسْتَقَدَّهُ مِنْ ذَلِكَ.

ص: 58

1- . احتوش القوم على فلان: إذا جعلوه وسطهم.

2- الوهج: توقد النار واشتعالها.

دیدم مردی از امت من دچار عذاب قبر بود ولی وضوی او مانع عذاب قبر می شود.

دیدم مردی از امت مرا شیاطین می ترسانند ولی اذکار او مانع آنان می شود.

دیدم مردی از امت مرا فرشتگان عذاب احاطه کرده اند ولی نماز او مانع آنان می شود.

دیدم مردی از تشنگی رنج می برد، هرچه می خواهد از حوض بنوشد نمی تواند. روزه او آمد و به او آب داد و سیراب کرد.

دیدم مردی از امت من در حالی که پیامبران حلقه حلقه بودند هرگاه می خواست وارد حلقه پیامبران شود کنار زده می شد. آن گاه غسل جنابت دست او را گرفت و در کنار من نشاند.

دیدم مردی از امت من گرفتار ظلمت است که از چپ و راست و جلو و عقب و بالا و پائین او را محاصره کرده است، آن گاه حج و عمره آمد و او را از ظلمت نجات داد و وارد نور کرد.

دیدم مردی از امت من با مؤمنان سخن می گوید ولی آنان با او سخن نمی گویند. آنگاه صله رحم آمد و گفت: ای مؤمنان با او سخن بگوئید او به خویشان خود صله رحم کرده است. مؤمنان با او دیده بوسی کرده و سخن گفتند.

دیدم مردی از امت من که از شعله و شرر آتش به دست و صورتش می ترسد آنگاه صدقه ای که داده بود آمد و بر سر و صورت او سایه انداخت.

دیدم مردی از امت من که از همه جا آتش او را فرا گرفته، امر به معروف و نهی از منکرش او را خلاص کرد و نزد فرشتگان رحمت برد.

دیدم مردی از امت من روی زانو ایستاده و بین او و رحمت خدا فاصله افتاده بود، خوشرفتاری او دستش را گرفت و وارد رحمت خدا کرد.

دیدم مردی از امت من نامه عملش از طرف چپ به او نزدیک می شود، ترس از خدا آمد و نامه اش را بدست راست او داد.

دیدم مردی از امت من کفه میزان او سبک است، زیادی نمازش میزان او را سنگین کرد.

دیدم مردی از امت من در پرتگاه جهنم ایستاده است، امید او به خدا او را نجات داد.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِّنْ أُمَّتِي قَدِ هَوَى فِي النَّارِ، فَجَاءَتْهُ دُمُوعُهُ الَّتِي بَكَى مِنْ حَسْبِيَةِ اللَّهِ، فَاسْتَحْرَجَتْهُ مِنْ ذَلِكَ.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِّنْ أُمَّتِي عَلَى الصُّرَاطِ يَرْتَعِدُ كَمَا تَرْتَعِدُ السَّعْفَةُ فِي يَوْمِ رِيحٍ عَاصِفٍ، فَجَاءَهُ حُسْنُ ظَنِّهِ بِاللَّهِ فَسَكَنَ رَعْدَتَهُ وَمَضَى عَلَى الصُّرَاطِ.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِّنْ أُمَّتِي عَلَى الصُّرَاطِ يَزْحَفُ أحياناً وَيَحْبُو أحياناً وَيَتَعَلَّقُ أحياناً، فَجَاءَتْهُ صَلَاتُهُ عَلَيَّ فَأَقَامَتْهُ عَلَى قَدَمَيْهِ، وَمَضَى عَلَى الصُّرَاطِ.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِّنْ أُمَّتِي انْتَهَى إِلَى أَبْوَابِ الْجَنَّةِ كُلَّمَا انْتَهَى إِلَى بَابٍ اغْلِقَ دُونَهُ، فَجَاءَتْهُ شَهَادَةٌ «أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» صَادِقًا بِهَا فَفَتَحَتْ لَهُ الْأَبْوَابَ وَدَخَلَ الْجَنَّةَ.

بَابُ تِسْعَةَ عَشَرَ

تِسْعَةَ عَشَرَ شَيْئًا وُضِعَ عَنِ النِّسَاءِ: (1)

3948. عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ: يَا عَلِيُّ، لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ جُمُعَةٌ، وَلَا جَمَاعَةٌ، وَلَا أَذَانٌ، وَلَا إِقَامَةٌ، وَلَا عِيَادَةٌ مَرِيضٍ، وَلَا اتِّبَاعُ جَنَازَةٍ، وَلَا هَرْوَلَةٌ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ، وَلَا اسْتِلامُ الْحَجَرِ، وَلَا حَلْقٌ، وَلَا تَوَلِّي الْقَضَاءِ، وَلَا تَسْتِشَارٌ، وَلَا تَدْبِيحُ الْإِعْنَدِ الضَّرُورَةِ، وَلَا تَجَهُّرٌ بِالتَّلْبِيَةِ (2)، وَلَا تَقِيمٌ عِنْدَ (3) قَبْرِ، وَلَا تَسْمَعُ الْخُطْبَةَ، وَلَا تَتَوَلَّى التَّرْوِيجَ، وَلَا تَخْرُجُ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ؛ فَإِنْ خَرَجَتْ بِغَيْرِ إِذْنِهِ لَعَنَهَا اللَّهُ وَجَبْرَيْلُ وَمِيكَائِيلُ، وَلَا تُعْطَى مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَلَا تَبِيْتُ وَزَوْجِهَا عَلَيْهَا سَاخِطٌ وَإِنْ كَانَ ظَالِمًا لَهَا. (4) أَقُولُ: النَّفْيُ فِي أَكْثَرِ الْمَوَارِدِ الْمَذْكُورَةِ بِعُنْوَانِ الْكِرَاهَةِ. نَعَمُ الظَّاهِرُ أَنَّ فِي الْحَلْقِ وَتَوَلِّي أَمْرِ الْقَضَاءِ وَاسْتِمَاعِ الْخُطْبَةِ فِي الْجُمُعَةِ وَالْخُرُوجِ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا بِغَيْرِ إِذْنِهِ إِلَى السَّفَرِ وَنَحْوِهِ الزَّمَامِيُّ، وَالتَّفْصِيلُ فِي الْفِقْهِ.

ص: 60

1- . الأماي للصدوق، ص 301، ح 1/342.

2- أي قول: «ليبيك» عند الإحرام، فلا تجهر كما يجهر الرجال.

3- . كان معروفاً أن تقيم المرأة عند قبر زوجها، فنهى عنه.

4- . الخصال، ص 511، ح 2.

دیدم مردی از امت من در حال افتادن به دوزخ است، اشکهایی که از خوف خدا ریخته بود آمد و او را از این حال خارج کرد.

دیدم مردی از امت من در صراط چون شاخ درختان در باد شدید به خود می لرزد، گمان نیک او به خدا او را آرامش داد و از صراط گذراند.

دیدم مردی از امت من در صراط گاهی به عقب بر می گردد و گاهی جلو می رود گاهی می افتد. صلوات او بر من او را بر پا داشت و از صراط گذراند.

دیدم مردی از امت من به سوی هر در از درهای بهشت می رود به روی او بسته می شود.

شهادت صادقانه لا اله الا الله درهای بهشت را برایش باز کرد و وارد بهشت شد.

باب نوزده

3948. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی، شرکت زنان در نماز جمعه و نماز جماعت واجب نیست.

اذان و اقامه واجب نیست. و عیادت مریض، و تشییع جنازه نمی رود. در سعی بین صفا و مروه هروله [دویدن] نکند. حجر الاسود را استلام نکند. سرش را هنگام تقصیر تراشد.

قضاوت نکند. مشاور نشود. حیوانات را ذبح نکند جز در موارد ضرورت. لبیک را بلند نمی گوید. و کنار قبر نایستد. و خطبه [نماز جمعه] نخواند. خطبه عقد ازدواج نخواند. از خانه بدون اجازه شوهر خارج نشود. و اگر بدون اجازه خارج شود خداوند و جبرئیل و میکائیل او را لعنت می کنند. از خانه شوهر چیزی را بدون اجازه به کسی نبخشد. شب در حالی که شوهر از او راضی نیست نخوابد، حتی اگر شوهر به او ظلم کند.

مؤلف گوید: اکثر موارد فوق کراهت دارد. بلکه بعضی از موارد مثل تراشیدن سر و قضاوت و خواندن خطبه در نماز جمعه و خارج شدن از خانه بدون اجازه شوهر و مسافرت و امثال آن حرام است.

بَابُ الْعِشْرِينَ وَمَا فَوْقَهَا

باب بیست و بیشتر از آن

اشاره

ص: 63

3949. عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ حُبَّ الْأَيْمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أُصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، فَلَا يَشْكَنَّ أَحَدٌ أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ؛ فَإِنَّ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي عَشْرُونَ حَصَلَةً؛ عَشْرٌ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا، وَعَشْرٌ مِنْهَا فِي الْآخِرَةِ:

أَمَّا فِي الدُّنْيَا: فَالزُّهُدُ، وَالْحِرْصُ عَلَى الْعَمَلِ (الْعِلْمِ خ ل)، وَالْوَرَعُ فِي الدِّينِ، وَالرَّغَبَةُ فِي الْعِبَادَةِ، وَالتَّوْبَةُ قَبْلَ الْمَوْتِ، وَالنَّشْأَةُ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ (1)، وَالْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ، وَالْحَفِظُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَالتَّاسِعَةُ: بُغْضُ الدُّنْيَا، وَالْعَاشِرَةُ: السَّخَاءُ.

وَأَمَّا فِي الْآخِرَةِ: فَلَا يُنْشَرُ لَهُ دِيْوَانٌ، وَلَا يُنْصَبُ لَهُ مِيزَانٌ، وَيُعْطَى كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ، وَيُكْتَبُ لَهُ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ، وَيُبَيِّضُ وَجْهَهُ، وَيُكْسَى مِنْ حُلْلِ الْجَنَّةِ، وَيُسَمَّعُ فِي مَدَّةٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَيَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ، وَيُتَوَجَّعُ مِنْ تَيْجَانِ الْجَنَّةِ، وَالْعَاشِرَةُ: يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ، فَطُوبَى لِمُحِبِّي أَهْلِ بَيْتِي. (2)

3950. عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لِلْمُؤْمِنِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَشْرُونَ حَصَلَةً يَبْقَى لَهُ بِهَا: عَلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ لَا يَفْتِنَهُ وَلَا يُضِلَّهُ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُعْرِيَهُ وَلَا يُجَوِّعَهُ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُشْمِتَ بِهِ عَدُوَّهُ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَخْذُلَهُ وَيُعْزَهُ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَهْتِكَ سِتْرَهُ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُمِيتَهُ غَرْقًا وَلَا - حَرْقًا، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَقَعَ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَلَا - يَقَعَ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَقِيَهُ مَكْرَ الْمَاكِرِينَ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُعِيدَهُ مِنْ سَطْوَاتِ الْجَبَّارِينَ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ [أَنْ] (3) يَجْعَلُهُ مَعْنًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ

ص: 64

1- إشارة إلى قوله تعالى: «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً» والمراد النفس التي تنشأ من مضجعها إلى العبادة أو قيام الليل أو العبادة التي تنشأ بالليل أو غيرها من المحتملات.

2- . مشكاة الأنوار، ص 153.

3- أضفناها من الخصال والبحار: ج 27 ص 123.

3949. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که خداوند به او محبت امامان اهل بیت مرا بدهد، به خیر دنیا و آخرت رسیده است. و کسی شك نکند که او در بهشت است. در محبت اهل بیت من بیست امتیاز وجود دارد:

ده امتیاز در دنیا: زهد، علاقه به عمل [یا علم]، پرهیزکاری در دین، تمایل به عبادت، توبه قبل از مرگ، برکت نماز شب، بی اعتنایی به مال مردم، محافظت از امر و نهی خداوند متعال، نفرت از دنیا، و سخاوت.

ده امتیاز در آخرت: محاکمه نمی شود، میزان برایش بر پا نمی شود، نامه عملش به دست راست او داده می شود، برائت از آتش به او می دهند، چهره اش نورانی می شود.

پوشاک بهشتی به او پوشانده می شود. صد نفر از خانواده خود را شفاعت می کند. خداوند به او نظر رحمت می افکند. تاج بهشتی بر سرش نهاده می شود. و بی حساب وارد بهشت می شود.

طوبی بر دوستان اهل بیت من.

3950. امام باقر علیه السلام فرمود: برای مؤمن نزد خداوند بیست امتیاز است که خداوند به آن وفا می کند:

بر خداست که او را به فتنه نیاندازد و گمراه نکند. حق او بر خداست که او را عریان و گرسنه نگذارد. حق او بر خداست که دشمن، او را شماتت نکند. او را ذلیل نکند و عزیز گرداند. حق او بر خداست که او را رسوا نکند. حق او بر خداست که او را دچار غرق یا سوختگی نکند. حق او بر خداست که روی چیزی نیفتد و چیزی روی او نیفتد. حق او بر خداست که او را از مکر مکاران نگه دارد. حق او بر خداست که او را از نقشه زورگویان حفظ کند. حق او بر خداست که او را در دنیا و آخرت با ما اهل بیت قرار دهد. حق او بر

لَا يَسْلُطُ عَلَيْهِ مِنَ الْأَدْوَاءِ مَا يَشِينُ خَلْقَتَهُ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُعِيدَهُ مِنَ الْبَرَصِ وَالْجَذَامِ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُمِيتَهُ عَلَى كَبِيرَةٍ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَسُدِّيَهُ مَقَامَهُ فِي الْمَعَاصِي حَتَّى يُحْدِثَ لَهُ تَوْبَةً (1)، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْهُ عِلْمَهُ وَمَعْرِفَتَهُ لِحُجْبَتِهِ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُعَزِّزَ [فِي] (2) قَلْبَهُ الْبَاطِلَ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَحْشُدَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَنُورُهُ يَسْعَى بَيْنَ يَدَيْهِ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُوقِّعَهُ لِكُلِّ خَيْرٍ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَسْلُطَ عَلَيْهِ عَدُوُّهُ وَيُذِلَّهُ (3)، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَخْتِمَ لَهُ بِالْأَمَنِ وَالْإِيمَانِ وَيَجْعَلَهُ مَعْنَا فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى. هَذِهِ شَرَايِطُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِلْمُؤْمِنِينَ. (4) مِنْ حِكْمِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

3951. فَضَّضَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشَّرِكِ، وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبْرِ، وَالرِّكَاءَةَ تَسْبِيحاً لِلرِّزْقِ، وَالصِّيَامَ ابْتِلَاءً لِإِخْلَاصِ الْخَلْقِ، وَالْحَجَّ تَقْوِيَةً لِلدِّينِ، وَالْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ، وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعَوَامِّ، وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعاً لِلْسُّفْهَاءِ، وَصِدْقَ الْأَرْحَامِ مَنَمَةً (5) لِلْعَدْلِ، وَالْقِصَاصَ حَقْنًا (6) لِلدَّمَاءِ، وَإِقَامَةَ الْحُدُودِ إِعْظَاماً لِلْمَحَارِمِ، وَتَرْكَ شَرْبِ الْخَمْرِ تَحْصِياناً لِلْعَقْلِ، وَمُجَابَنَةَ السَّرِقَةِ إِجَاباً لِلْعِفَّةِ، وَتَرْكَ الرِّبَا تَحْصِياناً لِلْأَنْسَابِ، وَتَرْكَ اللَّوْاطِ تَكْثِيراً لِلنَّسْلِ، وَالشَّهَادَاتِ اسْتِظْهَاراً عَلَى الْمُجَاهِدَاتِ، وَتَرْكَ الْكُذْبِ تَشْرِيفاً لِلصِّدْقِ، وَالْإِسْلَامَ أَمَاناً مِنَ الْمَخَافِيفِ، وَالْأَمَانَةَ نِظَاماً لِلْأُمَّةِ، وَالطَّاعَةَ تَعْظِيماً لِلْإِمَامَةِ (7).

3952. عِشْرُونَ خَصْلَةً فِي مُحِبِّ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: عِشْرَةٌ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا، وَعِشْرَةٌ مِنْهَا فِي الْآخِرَةِ:

فَأَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا: فَالزُّهُدُ فِي الدُّنْيَا، وَالْحِرْصُ عَلَى الْعِلْمِ، وَالْوَرَعُ فِي الدِّينِ، وَالرَّغْبَةُ فِي الْعِبَادَةِ، وَالتَّوْبَةُ قَبْلَ الْمَمَاتِ، وَالنَّشَاطُ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ، وَالْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ، وَالْحِفْظُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، وَبُغْضُ الدُّنْيَا، وَالسَّخَاءُ.

ص: 66

1- في الخصال والبحار: «حَتَّى يُحْدِثَ تَوْبَةً».

2- أضفناها من الخصال والبحار.

3- في الخصال والبحار: «فِيذَلَّهُ».

4- . الخصال، ص 516، ح 2.

5- مَنَمَةٌ: الزِّيَادَةُ (المجمع: نمي).

6- . حَقَّنْتُ دَمَهُ: مَنَعْتُ أَنْ يُسْفِكَ (لسان العرب: حقن).

7- . نهج البلاغة، ج 4، ص 55، ح 252.

خداست بیماریهایی که آفرینش او را زشت می کند بر او مسلط نکند. حق او بر خداست که او را از جذام و برص حفظ کند. حق او بر خداست که در حال گناه کبیره مرگ او را نرساند.

حق او بر خداست که او را در گناهان به خود رها نکند تا موفق به توبه شود. حق او بر خداست که علم خود و معرفت حجت خود را بر او نپوشاند. حق او بر خداست که باطل قلب او را نفریبد. حق او بر خداست که او را روز قیامت در حالی محشور کند که نور او پیش رویش را روشن کند. حق او بر خداست که او را به هر خیری توفیق دهد. حق او بر خداست که دشمن را بر او مسلط نکند. و دشمنش را ذلیل کند. حق او بر خداست که عاقبت او را با ایمان و امن ختم کند. و او را با ما در رفیق اعلی قرار دهد. اینها حقوق مؤمنین بر خداوند است.

حکمت های امیرالمؤمنین علیه السلام

3951. خداوند سبحان ایمان را پاک کننده از شرك، و نماز را پاک کننده از تکبر، و زکات را سبب رزق، و روزه را آزمایشی برای اخلاص، و حج را تقویت دین، و جهاد را عزت اسلام، و امر به معروف را به مصلحت عموم مردم، و نهی از منکر را منع کردن سفیهان، و صله رحم را زیاد کردن عمر و قصاص را برای حفظ جانها، و بر پا داشتن حدود را برای بزرگ شمردن حرام، و ترك نوشیدن شراب را برای محافظت عقل، و اجتناب از دزدی را برای عفت، و ترك زنا را برای حفظ نسلها، و ترك لواط را برای تکثیر نسل، و شهادت را ظاهر کننده انکارها، و دروغ نگفتن را برای شرف دادن به راستگویی، و اسلام را امان از ترسها، و امانت را نظام برای مسلمانان، و طاعت را بزرگ شمردن امامت قرار داد.

3952. محبت اهل بیت علیهم السلام بیست اثر دارد:

ده اثر در دنیا: زهد در زندگی و حرص در علم، و تقوی در دین، و تمایل به عبادت، و توبه قبل از مرگ، و طراوت در نماز شب، و طمع نداشتن به مال مردم، و مراقبت از امر و نهی خداوند، و نفرت از دنیا، و سخاوت.

وَأَمَّا الْعَشْرَةُ الَّتِي فِي الْآخِرَةِ: فَلَا يُنْشَرُ لَهُ دِيْوَانٌ، وَلَا يُنْصَبُ لَهُ مِيزَانٌ، وَيُعْطَى كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ، وَتُكْتَبُ لَهُ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ، وَيَبْيَضُّ وَجْهُهُ، وَيُكْسَى مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ، وَيُسْفَعُ فِي مِدَّةٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَيَنْظُرُ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ، وَيُتَوَجَّحُ بِتَاجٍ مِنْ تِيجَانِ الْجَنَّةِ، فَيَدْخُلُهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ، فَطُوبَى لِمُجِبِّي وُلْدِي وَعَمْرَتِي وَأَهْلِ بَيْتِي. (1)

بَابُ اثْنَيْنِ وَعِشْرِينَ: خِصَالُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

3953. ذَكَرُ اثْنَتَيْنِ وَعِشْرِينَ خَصَلَةً مِنَ الْخِصَالِ الْمَحْمُودَةِ الَّتِي وُصِفَ بِهَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

عَنْ حَمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يُصَلِّي فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ أَلْفَ رَكَعَةٍ كَمَا يَفْعَلُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، كَانَتْ لَهُ خَمْسِمِئَةٌ نَخْلَةً، فَكَانَ يُصَلِّي عِنْدَ كُلِّ نَخْلَةٍ رَكَعَتَيْنِ.

وَكَانَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ غَشِيَ لَوْنُهُ لَوْنُ آخَرٍ.

وَكَانَ قِيَامُهُ فِي صَلَاتِهِ قِيَامَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ بَيْنَ يَدَيْ الْمَلِكِ الْجَلِيلِ. كَانَتْ أَعْضَاؤُهُ تَرْتَعِدُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

وَكَانَ يُصَلِّي صَلَاةَ مُؤَدِّعٍ يَرَى أَنَّهُ لَا يُصَلِّي بَعْدَهَا أَبَدًا، وَلَقَدْ صَلَّى ذَاتَ يَوْمٍ فَسَقَطَ الرَّدَاءُ عَنْ إِحْدَى مَنْكَبَيْهِ فَلَمْ يُسَوِّهِ حَتَّى فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ، فَسَأَلَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ: وَيْحَكَ! أَتَدْرِي بَيْنَ يَدَي مَنْ كُنْتُ؟ إِنَّ الْعَبْدَ لَا يَقْبَلُ مِنْ صَلَاتِهِ إِلَّا مَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ مِنْهَا بِقَلْبِهِ. فَقَالَ الرَّجُلُ: هَلَكْنَا! فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَلَّا، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مُتَمِّمٌ ذَلِكَ بِالتَّوَابِلِ.

وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِيَخْرُجُ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ فَيَحْمِلُ الْجِرَابَ عَلَى ظَهْرِهِ وَفِيهِ الصُّرُرُ (2) مِنَ الدَّنَانِيرِ

ص: 68

1- الخصال، ص 515، ح 1.

2- الصُّرُرُ: جمع الصُّرَّة - بالضم -، ما توضع فيها الدراهم والدنانير.

وده اثر در آخرت: دفتر حسابرسی برای او گشوده نمی شود، میزان برپا نمی شود، نامه عمل را به دست راست می دهند، او را از آتش رها می کنند، چهره اش نورانی می شود. و از لباسهای بهشتی می پوشد، و صد نفر از بستگان خود را شفاعت می کند. و خداوند به او نظر رحمت می افکند. و از تاجهای بهشتی بر سر او می گذارد. و بی حساب وارد بهشت می شود.

پس طوبی بر دوستان فرزندان و عترت و اهل بیت من.

باب بیست و دو: خصلتهای امام سجاد علیه السلام

3953. امام سجاد علیه السلام به بیست و دو صفت پسندیده آراسته بود.

امام باقر علیه السلام فرمود: امام سجاد علیه السلام در شبانه روز مانند امیرالمؤمنین علیه السلام هزار رکعت نماز به جا می آورد. امیر المؤمنین علیه السلام پانصد نخل داشتند که در کنار هر کدام دو رکعت نماز به جا می آورد.

هنگامی که به نماز می ایستاد از خود بی خود شده و رنگ چهره اش تغییر می کرد.

هنگام نماز مثل بنده ذلیل در حضور مالک جلیل می ایستاد.

اعضای بدن مبارکش از ترس خدا می لرزید.

چنان نماز می خواند که گویا آخرین نماز اوست. روزی هنگام نماز يك طرف عبا از دوش حضرت افتاد و آن را درست نکرد تا نماز تمام شد. کسی از او سؤال کرد [چرا عبا را در حال نماز درست نکردید؟] حضرت فرمودند: وای بر تو آیا می دانی در حضور چه کسی بودم؟ از نماز بنده فقط آن مقداری که حضور قلب داشته باشد قبول می شود.

آن شخص گفت: نابود شدیم. امام علیه السلام فرمودند: این کمبودها را خداوند با نافلة کامل می کند.

شبهای تاریک کسیه ای از درهم و دینار بر دوش می گرفتند، گاهی هم غذا یا هیزم

وَالدَّرَاهِمِ، وَرُبَّمَا حَمَلَ عَلَى ظَهْرِهِ الطَّعَامَ أَوْ الحَطَبَ حَتَّى يَأْتِيَ أَبَا بَابًا فَيَقْرَعُهُ، ثُمَّ يُنَاوِلُ مَنْ يَخْرُجُ إِلَيْهِ.

وكان يُغْطِي وَجْهَهُ إِذَا نَاوَلَ فَقِيرًا لِنَلَا يَعْرِفَهُ، فَلَمَّا تُوفِّي فَقَدُوا ذَلِكَ، فَعَلِمُوا أَنَّهُ كَانَ عَلِيَّ بْنِ الحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. وَلَمَّا وُضِعَ عَلَى الْمُعْتَسَلِ نَظَرُوا إِلَى ظَهْرِهِ وَعَلَيْهِ مِثْلُ رُكْبِ الإِبِلِ مِمَّا كَانَ يَحْمِلُ عَلَى ظَهْرِهِ إِلَى مَنَازِلِ الفُقَرَاءِ وَالمَسَاكِينِ.

وَلَقَدْ خَرَجَ ذَاتَ يَوْمٍ وَعَلَيْهِ مِطْرَفٌ (1) خَزٌّ، فَتَعَرَّضَ لَهُ سَائِلٌ فَتَعَلَّقَ بِالمِطْرَفِ، فَمَضَى وَتَرَكَهُ.

وكان يَشْتَرِي الخَزَّ فِي الشِّتَاءِ، فَإِذَا جَاءَ الصَّيْفُ بَاعَهُ فَتَصَدَّقَ بِشَمَنِهِ .

وَلَقَدْ نَظَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ عَرَفَةَ إِلَى قَوْمٍ يَسْأَلُونَ النَّاسَ فَقَالَ: وَيَحْكُمُ! أَغَيَّرَ اللَّهُ تَسْأَلُونَ فِي مِثْلِ هَذَا اليَوْمِ؟! إِنَّهُ لِيُرْجَى فِي مِثْلِ هَذَا اليَوْمِ لِمَا فِي بَطُونِ الحُبَالَى أَنْ يَكُونُوا سَعْدَاءَ.

وَلَقَدْ كَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَأْتِي أَنْ يُؤَاكِلَ امَّهَ، فَقِيلَ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَنْتَ أَبُو النَّاسِ وَأَوْصَلَهُمْ لِلرَّحِمِ، فَكَيْفَ لَا تُؤَاكِلُ امَّكَ؟! فَقَالَ: إِنِّي أَكْرَهُ أَنْ تَسْبِقَ يَدِي إِلَى مَا سَبَقَتْ عَيْنُهَا إِلَيْهِ.

وَلَقَدْ قَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنِّي لِأَحِبُّكَ فِي اللَّهِ شَدِيدًا، فَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَحَبَّ فِيكَ وَأَنْتَ لِي مُبْغِضٌ.

وَلَقَدْ حَجَّ عَلَى نَاقَةٍ لَهُ عِشْرِينَ حَبَّةً فَمَا قَرَعَهَا بِسَوِطٍ، فَلَمَّا نَفَقَتْ (2) أَمَرَ بِدَفْنِهَا لِنَلَا تَأْكُلَهَا السَّبَاعُ.

وَلَقَدْ سُنِلَتْ عَنْهُ مَوْلَاةٌ لَهُ فَقَالَتْ: أَطْنِبُ أَوْ أَخْتَصِرُ؟ فَقِيلَ لَهَا: بَلِ اخْتَصِرِي، فَقَالَتْ: مَا أَتَيْتُهُ بِطَعَامٍ نَهَارًا قَطُّ، وَمَا فَرَشْتُ لَهُ فِرَاشًا بَلِيلٍ قَطُّ.

وَلَقَدْ انْتَهَى ذَاتَ يَوْمٍ إِلَى قَوْمٍ يَغْتَابُونَهُ، فَوَقَّفَ عَلَيْهِمْ فَقَالَ: إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَغْفَرَ اللَّهُ لِي، وَإِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ فَغْفَرَ اللَّهُ لَكُمْ.

وكان عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا جَاءَهُ طَالِبٌ عِلْمٍ فَقَالَ: مَرَحَبًا بِوَصِيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ يَقُولُ: إِنَّ طَالِبَ العِلْمِ إِذَا

ص: 70

1- . المطرف - بكسر الميم وفتحها وضمها - : الثوب الذي في طرفيه علمان. والميم زائدة (النهاية: 121/3).

2- نفقت الدابة: أي ماتت (الصحيح: 156/4).

حمل می کردند، و درب خانه نیازمندان را می زدند، و به آنها می دادند.

هنگامی که به فقیر کمک می کرد چهره اش را می پوشانید تا او را نشناسد. زمانی که به شهادت رسید فقیران فهمیدند که او امام سجاد علیه السلام بوده است.

هنگامی که او را روی مغتسل گذاشتند بر پشت آن حضرت آثار کیسه [مانند آثار بند شتر] که برای فقیران حمل می کردند مشاهده می شد.

روزی آن حضرت لباسی از خز بر دوش داشت سائلی گوشه آن را گرفت و به حضرت تعرض کرد. حضرت لباس را رها کرد و رفت.

در زمستان لباس خز می خرید و در تابستان آن را می فروخت و پولش را صدقه می داد.

روز عرفه گروهی را دیدند که از مردم درخواست کمک می کردند. امام علیه السلام فرمود: وای بر شما در چنین روزی از غیر خدا درخواست می کنید. در چنین روزی امید می رود که جنین های در شکم مادران سعادتمند شود؟!

حضرت علیه السلام با مادرش غذا نمی خورد. به او گفتند: پسر رسول خدا شما نیکوترین مردم هستید و از همه بهتر صله رحم را رعایت می کنید پس چرا با مادر غذا نمی خورید؟

فرمودند: دوست ندارم دست به لقمه ای دراز کنم که قبل از من چشم مادرم به آن باشد.

مردی به آن حضرت گفت: پسر رسول خدا من تو را بخاطر خدا بشدت دوست دارم حضرت فرمودند: خدایا به تو پناه می برم که به خاطر تو مرا دوست داشته باشند و تو از من نفرت داشته باشی.

بیست سفر حج با شتر رفتند ولی يك تازیانه به حیوان زدند وقتی شتر مرد دستور دادند شتر را دفن کنند تا حیوانات درنده او را نخورند.

از یکی از کنیزان حضرت درباره او پرسیدند. گفت: توضیح بدهم یا خلاصه بگویم؟ گفتند: خلاصه بگو. گفت: هرگز روزها برایش غذا نیاوردم و شبها برایش بستر نیاوردم.

روزی به گروهی رسیدند که به غیبت آن حضرت مشغول بودند. ایستادند و فرمودند:

اگر راست می گوید خدا مرا بیامرزد. و اگر دروغ می گوئید خدا شما را بیامرزد.

هرگاه کسی در جستجوی علم نزد حضرت می آمد، می فرمود: مرحبا به وصیت

خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ لَمْ يَضَعِ رِجْلَهُ عَلَى رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا سَبَّحَتْ لَهُ إِلَى الْأَرْضِينَ السَّبْعِ.

وَلَقَدْ كَانَ يَعُولُ مِئَةَ أَهْلِ بَيْتٍ مِنْ فَقَرَاءِ الْمَدِينَةِ.

وَكَانَ يُعْجِبُهُ أَنْ يَحْضُرَ طَعَامَهُ الْيَتَامَى وَالْأَضْرَاءَ (1) وَالزَّمَنِي (2) وَالْمَسَاكِينَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ.

وَكَانَ يُنَاوِلُهُمْ بِيَدِهِ، وَمَنْ كَانَ لَهُ مِنْهُمْ عِيَالٌ حَمَلَهُ إِلَى عِيَالِهِ مِنْ طَعَامِهِ .

وَكَانَ لَا يَأْكُلُ طَعَاماً حَتَّى يَبْدَأَ فَيَتَصَدَّقَ بِمِثْلِهِ .

وَلَقَدْ كَانَ يَسْقُطُ مِنْهُ كُلَّ سَنَةٍ سَبْعَ تَفَنَاتٍ (3) مِنْ مَوَاضِعِ سُجُودِهِ لِكَثْرَةِ صَلَاتِهِ، وَكَانَ يَجْمَعُهَا، فَلَمَّا مَاتَ دُفِنَتْ مَعَهُ.

وَلَقَدْ بَكَى عَلَى أَبِيهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِشْرِينَ سَنَةً، وَمَا وُضِعَ بَيْنَ يَدِهِ طَعَامٌ إِلَّا بَكَى، حَتَّى قَالَ لَهُ مَوْلَى: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَمَا أَنْ لِحُزْنِكَ أَنْ يَنْقُضِيَ؟ فَقَالَ لَهُ: وَيْحَكَ! إِنَّ يَعْقُوبَ النَّبِيَّ كَانَ لَهُ اثْنَا عَشَرَ ابْنًا، فَغَيَّبَ اللَّهُ عَنْهُ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَأَيَّصَّتْ عَيْنَاهُ مِنْ كَثْرَةِ بُكَائِهِ عَلَيْهِ، وَشَابَ رَأْسُهُ مِنَ الْحُزَنِ، وَاحِدُودَبَ ظَهْرُهُ مِنَ الْعَمِّ، وَكَانَ ابْنُهُ حَيًّا فِي الدُّنْيَا، وَأَنَا نَظَرْتُ إِلَى أَبِي وَأَخِي وَعَمِّي وَسَبْعَةَ عَشَرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي مَقْتُولِينَ حَوْلِي، فَكَيْفَ يَنْقُضِي حُزْنِي؟! (4) بَابُ أَرْبَعَةٍ وَعِشْرِينَ

3954. آيَةُ الْمُدَايِنَةِ تَدُلُّ عَلَى أَرْبَعَةٍ وَعِشْرِينَ حُكْمًا، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَآكُتُبُوهُ...» إِلَى آخِرِ الْآيَةِ (5).

أَعْلَمُ أَنَّ الْآيَةَ الشَّرِيفَةَ أَطْوَلُ آيَةٍ فِي أَطْوَلِ سُورَةٍ مِنَ الْقُرْآنِ، وَتَشْتَمِلُ عَلَى أَحْكَامٍ كَثِيرَةٍ؛ وَضَعِيَّةٍ وَتَكْلِيفِيَّةٍ، وَجُوبِيَّةٍ وَتَحْرِيمِيَّةٍ، مَوْلَوِيَّةٍ وَإِرْشَادِيَّةٍ، لَعَلَّهَا تَبْلُغُ أَرْبَعَةَ وَعِشْرِينَ حُكْمًا، كَمَا أَنَّ هَذِهِ السُّورَةَ لَعَلَّهَا تَشْتَمِلُ عَلَى خَمْسَةِ مِئَةِ حُكْمٍ، فَهِيَ إِلَيْكَ الْأَحْكَامُ الَّتِي نَسْتَفِيدُهَا مِنَ الْآيَةِ الْكَرِيمَةِ:

ص: 72

1- . الأضرَاء: جمع الضريير.

2- . الزَّمانَة: العاهة، زمنَ فهو زَمِنٌ، الجمع زَمَنِي (لسان العرب: 199/13).

3- . الثفنَة من البعير: ما وقع على الأرض.

4- . الخصال، ص 517، ح 4.

5- . سورة البقرة الآية: 282.

رسول الله صلى الله عليه و آله. سپس می فرمود: طالب علم زمانی که از خانه خارج می شود قدم خود را بر خشک و مرطوب نمی گذارد مگر اینکه برای او زمین هفت گانه تسبیح می گویند.

همیشه صد نفر از فقیران مدینه را سرپرستی می فرمود.

همیشه سر سفره آن حضرت یتیمان و بیماران و معلولین و فقیران بیچاره حاضر بودند.

همیشه با دست مبارك خود به آنان غذا می داد و آنان که خانواده داشتند غذایشان را به خانواده ایشان می رسانید.

همیشه قبل از اینکه غذا بخورد باندازه غذای خود صدقه می دادند.

به علت سجده زیاد هر سال هفت پینه از اعضای هفتگانه سجده ایشان جدا می شد.

پینه ها را جمع می کردند که پس از شهادت همراه آن حضرت دفن شد.

بیست سال برای پدرش حضرت سید الشهداء حسین علیه السلام گریه کرد. و هر گاه غذا حاضر می کردند آن حضرت گریه می کرد. یکی از غلامان گفت: یابن رسول الله صلى الله عليه و آله آیا زمان حزن شما تمام نشده است؟

حضرت فرمودند: وای بر تو، یعقوب پیامبر دوازده فرزند داشت خداوند یکی از آنها را غایب کرد، از شدت گریه چشم او سفید شد. و از غصه سرش پیر شد. و از غم کمرش خمید. در حالی که پسرش زنده بود. من دیدم پدرم و برادرم و عمویم و هفده نفر از اهل بیت من اطراف من کشته شدند. چگونه حزن من تمام شود؟

باب بیست و چهار

3954. آیه مداینه [283 از سوره بقره] به بیست و چهار حکم دلالت دارد.

این آیه طولانی ترین آیه قرآن است که احکام وضعی و تکلیفی و واجب و حرام و ارشادی زیادی را بیان می کند. شاید به بیست و چهار حکم برسد. همانطور که سوره بقره حدود پانصد حکم را بیان می کند. اینک احکامی که از این آیه استفاده کرده ایم:

استحبابُ كِتَابَةِ الدَّيْنِ عِنْدَ المُدَايَنَةِ بِقَوْلِهِ تَعَالَى: «فَاكْتُبُوهُ»؛ سَوَاءً أكَانَ حُصُولُهُ بِاِقْتِرَاضٍ، أَوِ الشَّرَاءِ سَلَمًا أَوِ البَيْعِ نَسِيئَةً، أَوِ بِالإِجَارَةِ، أَوِ بِالنِّكَاحِ، أَوِ الخُلْعِ، أَوِ غَيْرِهَا. وَقِيلَ بِوُجُوبِ الكِتَابَةِ، وَالحَمْلُ عَلَى الإِرْشَادِ أَوْلَى.

مَطْلُوبِيَّةٌ (1) كَوْنِ أَجْلِ الدَّيْنِ مَحْدُودًا بِقَوْلِهِ تَعَالَى: «إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى»، وَهَذَا شَرْطٌ فِي بَعْضِ العُقُودِ كَالْبَيْعِ وَالإِجَارَةِ، وَمَنْدُوبٌ فِي بَعْضِهَا الأَخْرَ كَالْفَرْضِ وَالصَّدَاقِ وَنَحْوِهِمَا.

اسْتِحْبَابُ التَّوَكُّلِ فِي الكِتَابَةِ إِنْ لَمْ يَقْدِرِ الدَّائِنُ عَلَى المُبَاشَرَةِ؛ لِقَوْلِهِ تَعَالَى: «وَلْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ مَّ بِالْعَدْلِ».

وُجُوبُ العَمَلِ بِالْعَدْلِ عَلَى الكَاتِبِ؛ وَهُوَ الاسْتِوَاءُ فِي العَمَلِ وَعَدَمُ الإِنْجِرَافِ عَنِ الحَقِّ، وَتَرْكُ الظُّلْمِ وَالحَيْفِ فِي أَصْلِ الدَّيْنِ وَكَيْفِيَّتِهِ وَكَمِّيَّتِهِ وَأَجَلِهِ وَغَيْرِ ذَلِكَ مِنَ الخُصُوصِيَّاتِ، وَالْوُجُوبُ هُنَا شَرْطِيٌّ، قَالَ تَعَالَى: «وَلْيَكْتُبْ... بِالْعَدْلِ».

حُرْمَةُ امْتِنَاعِ الكَاتِبِ عَنِ الكِتَابَةِ أَوْ كِرَاهَتِهِ، فَلْيَكْتُبْ فِي صَكِّ وَنَحْوِهِ، وَلَا يَلْزَمُ أَنْ تَكُونَ الكِتَابَةُ بِلا إِجْرَةٍ قَالَ تَعَالَى: «وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ» أَي كَمَا عَلَّمَ اللَّهُ الكِتَابَةَ بِالقَلَمِ، وَعَلَّمَ الكَاتِبَ مَا لَمْ يَعْلَمَ.

اسْتِحْبَابُ الإِمْلَاءِ - أَي الإِمْلَاءِ - مِنَ المَدِينِ؛ بِأَنْ يُقَرَّرَ بِلسَانِهِ وَيُملِيهِ عَلَى الكَاتِبِ، بِقَوْلِهِ تَعَالَى:

«وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الحَقُّ» (2).

حُرْمَةُ بَخْسِ مَنْ عَلَيْهِ الدَّيْنُ وَخِيَانَتِهِ فِي إِمْلَائِهِ، كَأَنْ يُنْقِصَ مِنَ الدَّيْنِ أَوْ يُغَيِّرَ بَعْضَ شَرَايِطِهِ، قَالَ تَعَالَى: «وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا»، وَالبَخْسُ: التَّقْصُ وَالظُّلْمُ.

لُزُومُ إِمْلَاءِ الوَلِيِّ وَلايَةً فِيمَا إِذَا كَانَ مَنْ عَلَيْهِ الحَقُّ قَاصِدًا، قَالَ تَعَالَى: «فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسَّ تَطِيعُ أَنْ يُمْلَأَ هُوَ فَلْيُمْلَأْ وَوَيْتُهُ»، وَالسَّفِيهَةُ التَّاقِصُ عَقْلُهُ وَغَيْرُ الرَّشِيدِ، وَالضَّعِيفُ إِمَا ضَعِيفُ البَدَنِ؛ فَالْمُرَادُ الصَّغِيرُ، أَوْ ضَعِيفُ العَقْلِ؛ فَالْمُرَادُ المَجْنُونُ، وَغَيْرُ المُسْتَطِيعِ لِمَرَضٍ أَوْ هَرَمٍ أَوْ نَحْوِهِمَا.

ص: 74

1- المطلوبة المطلقة تكون في بعض الموارد واجباً كما في السلم أو النسيئة.

2- . الحمل على الاستحباب إنما هو بالقرينة لا بظاهرها؛ إذ الظاهر الوجوب أو المطلوبة المطلقة حتى تشمل موارد الوجوب كما عبرتم في الولي باللزام.

- 1 - استحباب نوشتن بدهی هنگام قرض گرفتن. خداوند فرمود: «بدهی را بنویسید.» خواه بدهی از قرض گرفتن باشد یا خرید و فروش نسیه یا اجاره یا مهریه در ازدواج یا طلاق یا غیر اینها. بعضی از علماء گفته اند: نوشتن واجب است. ولی امر در اینجا ارشادی است.
 - 2 - مطلوب بودن تعیین مدت. خداوند فرمود: «تا زمان معین.» تعیین زمان در بعضی از معاملات مثل بیع و اجاره شرط است. و در بعضی دیگر مثل قرض و مهریه مستحب است.
 - 3 - اگر طرفین قادر به نوشتن نیستند مستحب است وکیل بگیرند. خداوند فرمود:

«يك نویسنده عادل بنویسد» و ظلم نکند. و اصل بدهی و کیفیت و کمیت و زمان و سایر خصوصیات آن را تغییر ندهد. و خوب در اینجا شرط است. قرآن می فرماید: «و بنویسید... عادلانه»
 - 4 - خودداری از نوشتن یا بی میلی حرام است. پس باید در دفتر و امثال آن نوشته شود.
 - 5 - و لازم نیست نوشتن رایگان باشد. خداوند می فرماید: نویسنده همانگونه که خدا به او نوشتن را یاد داده است از نوشتن خودداری نکند. [یعنی همانطور که نوشتن را بلد نبود و خدا نوشتن با قلم را به او آموخت.]
 - 6 - مستحب است املاء از طرف بدهکار باشد. یعنی بدهکار اقرار کند و نویسنده بنویسد. در قرآن می فرماید: بدهکار عادلانه املاء کند.
 - 7 - حرام است اگر بدهکار هنگام املاء کردن بدهی کمتر بگوید یا خیانت کند یا بعضی از خصوصیات آن را تغییر دهد. قرآن می فرماید: از الله پروردگار خود پروا داشته باشد و چیزی از بدهی را کم نگوید.
 - 8 - اگر بدهکار خودش به دلیل سفاهت یا ضعف یا بی سوادى نتواند باید ولی او املاء بدهی را بر عهده گیرد. خداوند می فرماید: اگر بدهکار سفیه یا ضعیف یا ناتوان از ضعف املاء کردن باشد ولی او املاء کند.
- سفیه یعنی ناقص عقل. ضعیف یا ضعف در بدن است. مثل كودك یا ضعف در عقل است که مجنون است. ناتوان هم یا به علت پیری است یا بیماری و...

وَجُوبُ كَوْنِ إِمْلَاءِ الْوَلِيِّ نَظِيرَ إِمْلَاءِ نَفْسِ الْمَدِينِ بِالْعَدْلِ، وَمِنْ غَيْرِ نَقْصٍ وَظَلْمٍ فِي أَصْلِ الدِّينِ وَخُصُوصِ يَأْتِهِ، قَالَ تَعَالَى: «فَلْيَمْلِكْ وَلِيَّهُ وَ بِالْعَدْلِ».

استِحْبَابُ الْإِشْهَادِ عَلَى الدِّينِ أَوْ وَجُوبُهُ، وَهَذَا الْإِسْتِشْهَادُ إِذَا بَتَحَمَّلِ الشَّهَادَةَ حِفْظًا عَنْ ظَهْرِ الْقَلْبِ، أَوْ بِكِتَابَةِ الْوَاقِعَةِ فِي وَرَقَةٍ مُسْتَقْلِلَةٍ، أَوْ بِإِمْضَاءِ الصُّكُوكِ، قَالَ تَعَالَى: «وَاسْتَشْهِدُوا».

اشْتِرَاطُ التَّعَدُّدِ فِي الشَّاهِدِ وَأَقْلَهُ اثْنَانِ، فَالتَّحْدِيدُ فِي طَرَفِ الْقِلَّةِ لَا الْكَثْرَةَ، قَالَ تَعَالَى: «وَاسْتَشْهِدُوا شَهِدَيْنِ».

اشْتِرَاطُ كَوْنِ الشَّاهِدَيْنِ رَجُلَيْنِ، فَلَا تَكْفِي الْمَرَاتَانِ إِلَّا فِي الْمَوَارِدِ الَّتِي ذَكَرَهَا فِي كِتَابِ الشَّهَادَةِ وَغَيْرِهِ، قَالَ تَعَالَى: «وَاسْتَشْهِدُوا شَهِدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ».

اشْتِرَاطُ كَوْنِ الشَّاهِدَيْنِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، فَلَا تَكْفِي شَهَادَةُ أَهْلِ الْكُفْرِ، قَالَ تَعَالَى: «مِنْ رِجَالِكُمْ» أَي مِنْ أَهْلِ دِينِكُمْ وَنَحَلْتِكُمْ.

اشْتِرَاطُ اسْتِشْهَادِ رَجُلٍ وَامْرَأَتَيْنِ عِنْدَ عَدَمِ وُجُودِ الرَّجُلَيْنِ، فَلَا تَكْفِي امْرَأَتَانِ وَلَا رَجُلٌ وَامْرَأَةٌ، قَالَ تَعَالَى: «فَإِنْ لَمْ يَكُنَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ».

اشْتِرَاطُ الْعَدَالَةِ فِي الشَّهِيدِ سَوَاءً كَانُوا مِنَ الرِّجَالِ أَوْ مِنَ النِّسَاءِ، قَالَ تَعَالَى: «مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ» أَي تَرْضَوْنَ دِينَهُ وَأَمَانَتَهُ وَصَدِّ لَاحَهُ وَتَعْرِفُونَهُ بِالسُّتْرِ وَالْعَفَافِ كَمَا أَوْضَحْتَهُ أَخْبَارُ الْبَابِ، وَقَوْلُهُ تَعَالَى فِي الْآيَةِ الشَّرِيفَةِ: «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَى هُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَى هُمَا الْأُخْرَى» يَعْنِي أَنَّ اشْتِرَاطَ الْمَرَاتَيْنِ لِأَجْلِ أَنَّهُ إِنْ ضَلَّتْ أَوْ نَسِيَتْ إِحْدَى الْمَرَاتَيْنِ ذَكَرَتْهَا الْأُخْرَى، فَقَوْلُهُ «الْأُخْرَى» صِدْفَةٌ لِكَلِمَةِ «إِحْدَى» الثَّانِيَّةِ، وَتَقْدِيرُ الْكَلَامِ: يَجِبُ اسْتِشْهَادُ امْرَأَتَيْنِ مَخَافَةَ أَنْ تَضِلَّ وَتَنْسَى إِحْدَاهُمَا وَحِينَئِذٍ فَتُذَكَّرُهَا الْأُخْرَى.

حُرْمَةُ إِبَاءِ الشَّهِيدِ وَامْتِنَاعُهُمْ عَنِ الشَّهَادَةِ؛ لِقَوْلِهِ تَعَالَى: «وَلَا يَأْبُ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا» أَي لَا يَأْبُوا عَنْ تَحَمُّلِ الشَّهَادَةِ إِذَا دُعُوا لِيُطَّلِعُوا عَلَى الْمَدْيَانَةِ، أَوْ لَا يَأْبُوا عَنْ أَدَائِهَا إِذَا كَانُوا عَالَمِينَ بِالْوَاقِعَةِ، أَوْ الْمُرَادُ الْأَعْمَ، وَهَذَا مَرْوِيٌّ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

كِرَاهَةُ الضَّجَرِ وَالْمَلَالِ وَالسَّامَةِ عَنِ كِتَابَةِ الْحَقِّ وَتَثْبِيثِهِ فِي صَكِّ وَنَحْوِهِ قَلِيلًا كَانَ أَوْ كَثِيرًا؛ فَإِنَّ

9 - واجب است املاء ولی هم مثل املاء خود بدهکار باشد بدون نقص و ظلم در اصل و خصوصیات بدهی. خداوند می فرماید: ولی عادلانه املاء کند.

10 - شاهد گرفتن بر بدهی واجب یا مستحب است. و این شاهد گرفتن با حضور و به خاطر سپردن است یا با یادداشت کردن یا امضا کردن.

خداوند می فرماید: شاهد بگیرید.

11 - واجب است شاهد دو نفر مرد باشند و دو نفر زن کافی نیست در مواردی که در کتاب شهادت و غیره ذکر کرده اند. خداوند فرمود: از مردان خود دو نفر شاهد بگیرید.

12 - دو نفر باید مسلمان باشند. و شهادت کافر کافی نیست. دو نفر از مردان خود [مسلمان] شاهد بگیرید.

13 - اگر دو مرد نبود، یک مرد و دو زن شاهد باشند شهادت یک مرد و یک زن یا شهادت دو زن کافی نیست. قرآن می فرماید: اگر دو مرد نبود یک مرد و دو زن.

14 - شاهد باید عادل باشد. خواه زن باشد یا مرد. خداوند می فرماید: شاهد از کسانی باشد که از آنها راضی باشید. یعنی از دین و صلاح او را راضی باشید. و به پاکدامنی و رازداری مشهور باشند. خداوند می فرماید: اگر یکی از شاهدان گمراه شد دیگری او را راهنمایی کند.

دو زن شاهد برای این است که اگر یکی از آنان منحرف شد دیگری او را راهنمایی کند.

15 - خودداری کردن شاهد از اداء شهادت در حضور قاضی حرام است. خداوند می فرماید: شاهدان از شهادت دادن خودداری نکنند. یعنی زمانی که از آنها دعوت می شود که اداء شهادت کنند خودداری نکنند. یا اگر از بدهی آگاهی دارند از شهادت دادن خودداری نکنند. یا به هر دو معنا باشد که این صورت سوم از امام صادق علیه السلام روایت شده است.

16 - ناراحتی و ملال از نوشتن حق و ثبت کردن آن مکروه است. و فرقی ندارد بدهی

ذَلِكَ أَقْرَبُ إِلَى السَّلَامَةِ وَعَدَمِ وَقُوعِ الْجِدَالِ وَالنِّزَاعِ، قَالَ تَعَالَى: «وَلَا تَسْمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَى أَجَلِهِ».

عَدَمُ الْبَلْسِ بِتَرْكِ الْكِتَابَةِ فِي الْمُدَايِنَةِ إِذَا كَانَتْ بِنَحْوِ الْمُعَامَلَةِ التَّقْدِيَّةِ وَيَدًّا بِيَدٍ، قَالَ تَعَالَى: «إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجْرَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ» أَي مُعَامَلَةً حَالَةً مُتَدَاوِلَةً فِيمَا بَيْنَكُمْ.

اسْتِحْبَابُ الْإِشْهَادِ فِي الْمُعَامَلَاتِ الْحَالَةِ أَيْضًا وَإِنْ لَمْ تُكْتَبْ، قَالَ تَعَالَى: «وَأَشْهَدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ»، وَهَذَا أَبْعَدُ عَنْ عُرُوضِ الْإِخْتِلَافِ لِاسِيْمًا فِي الْأَمْوَالِ النَّفِيسَةِ.

حُرْمَةُ مُضَارَّةِ الْكَاتِبِ وَالشَّاهِدِ - بِمَعْنَى إِضْرَارِهِمَا - عَلَى مَنْ لَهُ الْحَقُّ وَعَلَيْهِ الْحَقُّ؛ بَأَنْ يَكْتَبَ الْكَاتِبُ أَوْ يَشْهَدَ الشَّاهِدُ عَلَى (1) أَزِيدَ مِنَ الْوَاقِعِ أَوْ أَنْقَصَ مِنْهُ، أَوْ بِأَنْ يَتْرَكَ الْكِتَابَةَ أَوْ الشَّهَادَةَ، قَالَ تَعَالَى: «وَلَا يُضَارُّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ»، وَهَذَا بِنَاءٍ عَلَى كَوْنِ «لَا يُضَارُّ» بِصِيغَةِ الْفَاعِلِ، وَيُحْتَمَلُ كَوْنُهُ اسْمَ مَفْعُولٍ، فَالْمَعْنَى: لَا يَجُوزُ الْإِضْرَارُ عَلَى الْكَاتِبِ بِإِلْزَامِهِ عَلَى الْكِتَابَةِ مَجَانًا أَوْ فِي غَيْرِ وَقْتِ الْكِتَابَةِ، وَالزَّامُ الشَّاهِدَ بِالْحُضُورِ مَعَ إِمْكَانِ حُضُورِ الْمُتَدَايِنِينَ عِنْدَهُ، وَنَحْوِ ذَلِكَ، وَيُؤَكِّدُهُ قَوْلُهُ: «وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ وَفُسُوقٌ مِ بَكُمْ»، فَقَوْلُهُ «لَا يُضَارُّ» نَهْيٌ تَحْرِيمٌ.

اسْتِحْبَابُ أَخْذِ الرَّهْنِ إِذَا لَمْ يَكُنِ الْكِتَابَةُ؛ كَمَا فِي السَّفَرِ وَنَحْوِهِ، قَالَ تَعَالَى: «وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهْنٌ مَقْبُوضَةً»، وَالرَّهَانُ الْعَيْنُ الْمَرْهُونَةُ، وَتَقْدِيرُ الْآيَةِ: فَالْوَثِيقَةُ هِيَ الرَّهَانُ بَدَلُ الْكِتَابَةِ.

اشْتِرَاطُ الْقَبْضِ وَالْإِقْبَاضِ فِي الرَّهْنِ، قَالَ تَعَالَى: «فَرِهْنٌ مَقْبُوضَةٌ»، فَإِنَّ تَوْصِيْفَ الرَّهَانِ بِكَوْنِهَا مَقْبُوضَةً يَدُلُّ عَلَى دَخْلِهِ فِي الْحُكْمِ، مَعَ أَنَّ أَخْبَارَ الْبَابِ تُوضِّحُهُ.

عَدَمُ الْبَلْسِ بِتَرْكِ الرَّهَانِ عِنْدَ الْوَثُوقِ وَطُمَأْنِينَةِ بَعْضِ الْمُتَدَايِنِينَ بِبَعْضِ، قَالَ تَعَالَى: «فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمْنَتَهُ» أَي فَلْيُعْطِ مَنْ عَلَيْهِ الْحَقُّ عِنْدَ حُلُولِ الْأَجَلِ مَا عَلَيْهِ مِنَ الْمَالِ، وَلْيُؤَدِّ دَيْنَهُ الَّذِي هُوَ كَالْأَمَانَةِ عِنْدَهُ.

ص: 78

1- أو يكتبها أو يشهدا بأجرة تضرر بأن تكون بأكثر من اجرة المثل بكثير أو...

کم باشد یا زیاد. چون با رعایت این مورد حقوق رعایت می شود و درگیری و اختلاف بوجود نمی آید.

خداوند می فرماید: از نوشتن بدهی تا پایان مدت آن ناراحت نشوید.

17 - اگر قرض دادن به صورت معامله نقد و دست به دست باشد نوشتن اشکال ندارد.

خداوند می فرماید: بنویسید... مگر اینکه تجارت نقد باشد که انجام می دهید. یعنی معامله نقد و متداول بین شما باشد.

18 - در معاملات نقدی هم نوشتن مستحب است. خداوند می فرماید: شاهد بگیرید هنگام خرید و فروش. شاهد گرفتن مانع اختلافات می شود خصوصاً در موارد اشیاء نفیس و قیمتی.

19 - ضرر رساندن کاتب به طلبکار یا بدهکار حرام است. مثلاً اگر مبلغ بدهی را زیاد یا کم بنویسد و شاهد بگیرد یا بعضی از خصوصیات را ننویسد یا شاهد نگیرد.

خداوند می فرماید: کاتب و شاهد ضرر نرسانند. البته احتمال دارد ضرر رساندن به کاتب و شاهد هم حرام باشد. مثلاً مجبور کنند رایگان بنویسد یا با وجود امکان حضور طلبکار و بدهکار نزد شاهد، شاهد را مجبور کنند نزد آنان برود و...

این معنا را آیه شریفه تأکید می کند: اگر چنین کنند ستم است بر شما.

20 - اگر در سفر بودند و نوشتند مستحب است وثیقه بگیرند. خداوند می فرماید: اگر در سفر بودید و کاتب در دسترس نبود وثیقه بگیرید. رهان چیزی است که رهن می گذارند. وثیقه همان رهن است که به جای کتابت گرفته می شود.

21 - در وثیقه شرط است که بدهکار به طلب کار تحویل دهد و او تحویل بگیرد.

خداوند فرمود: رهان مقبوضه. رهان را به مقبوضه توصیف کرد که دلالت دارد که تحویل گرفتن در حکم دخالت دارد. روایات هم این مطلب را توضیح می دهند.

حُرْمَةُ كِتْمَانِ الشَّهَادَةِ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ بَعْدَ تَحْمِيلِهَا سِوَاءَ فِي ذَلِكَ الْمَدَائِنَةِ وَغَيْرِهَا مِنَ الْأُمُورِ الْمُحْتَاجَةِ إِلَى الشَّهَادَةِ، قَالَ تَعَالَى: «وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ».

3955. قَالَ زَيْدُ بْنُ صُوحَانَ الْعَبْدِيُّ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَيُّ سُلْطَانٍ أَغْلَبُ وَأَقْوَى؟ قَالَ: الْهَوَى.

قَالَ: فَأَيُّ ذُلٍّ أَدْلُّ؟ قَالَ: الْحَرِصُ عَلَى الدُّنْيَا.

قَالَ: فَأَيُّ فَقْرٍ أَشَدُّ؟ قَالَ: الْكُفْرُ بَعْدَ الْإِيمَانِ.

قَالَ: فَأَيُّ دَعْوَةٍ أَضَلُّ؟ قَالَ: الدَّاعِي (1) بِمَا لَا يَكُونُ.

قَالَ: فَأَيُّ عَمَلٍ أَفْضَلُ؟ قَالَ: التَّقْوَى.

قَالَ: فَأَيُّ عَمَلٍ أَنْجَحُ (2)؟ قَالَ: طَلَبُ مَا عِنْدَ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ.

قَالَ: فَأَيُّ صَاحِبٍ لَكَ شَرٌّ؟ قَالَ: الْمُزَيِّنُ لَكَ مَعْصِيَةَ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ.

قَالَ: فَأَيُّ الْخَلْقِ أَشَقَى؟ قَالَ: مَنْ بَاعَ دِينَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ.

قَالَ: فَأَيُّ الْخَلْقِ أَقْوَى؟ قَالَ: الْحَلِيمُ.

قَالَ: فَأَيُّ الْخَلْقِ أَشَحُّ (3)؟ قَالَ: مَنْ أَخَذَ الْمَالَ مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ فَجَعَلَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ.

قَالَ: فَأَيُّ النَّاسِ أَكْبَسُ؟ قَالَ: مَنْ أَبْصَرَ رُشْدَهُ مِنْ عَمِيَّةٍ (4) فَمَالَ إِلَى رُشْدِهِ.

قَالَ: فَمَنْ أَحْلَمُ النَّاسِ؟ قَالَ: الَّذِي لَا يَغْضَبُ.

قَالَ: فَأَيُّ النَّاسِ أَثْبَتُ رَأْيًا؟ قَالَ: مَنْ لَمْ يَغْرَبْ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ وَلَمْ تَغْرَبْ الدُّنْيَا بِشَوْقِهَا.

قَالَ: فَأَيُّ النَّاسِ أَحْمَقُ؟ قَالَ: الْمُغْتَرِّ بِالدُّنْيَا وَهُوَ يَرَى مَا فِيهَا مِنْ تَقَلُّبِ أَحْوَالِهَا.

ص: 80

1- . راجع سفينة البحار: 447/1 باب المنع عن سؤال ما لا يحل وما لا يكون... بأن لا يقول: اللهم لاتحوجني إلى أحد من خلقك؛ فإنه ليس من أحد إلا وهو محتاج إلى الناس.

2- . بأن يقصد بعمله الثواب والجنة لا الدنيا فإنه ليس نجاحاً وإن اعطي ما أراده.

3- . الشح: أشد البخل وهو أبلغ في المنع من البخل. وقيل: هو البخل مع الحرص.

4- . الغي: من غوى الرجل أي ضلّ وخاب، والانهماك في الباطل.

22 - اگر مردم متدین به یکدیگر اطمینان دارند نگرفتن وثیقه اشکال ندارد: خداوند می فرماید: اگر بعضی از شما به بعض دیگر اعتماد دارید به آنکس که اعتماد دارید قرض بدهید. یعنی بدهکار هنگام فرارسیدن وقت پرداخت بدهی چون امانت دار، بدهی را پردازد.

23 - کتمان شهادت بر کسانی که شاهد بوده اند حرام است. این حکم در قرض و غیر آن از مواردی که احتیاج به شهادت است وجود دارد. خداوند می فرماید: کتمان شهادت نکنید. و کسی که کتمان کند قلب او گنه کار است. و خداوند به رفتار شما داناست.

3955. زید بن صوحان عبدی از امیر المؤمنین علیه السلام پرسید کدام سلطه و قدرت پیروزتر و قوی تر است؟ حضرت فرمودند: هوای نفس.

پرسید: کدام خواری ذلت بارتر است؟ فرمودند: آزمندی بر دنیا.

پرسید: کدام فقر سخت تر است؟ فرمودند: بی دینی پس از ایمان.

پرسید: کدام دعوت گمراه تر است؟ فرمودند: دعوت به چیزی که نمی شود.

پرسید: کدام عمل برتر است؟ فرمودند: تقوی.

پرسید: کدام عمل نجات بخش تر است؟ فرمودند: خواستن آنچه نزد خداست.

پرسید: کدام دوست بدتر است؟ فرمودند: کسی که گناه را نزد تو نیکو جلوه دهد.

پرسید: کدام آفریده بدبخت تر است؟ فرمودند: کسی که دین خود را به دنیای دیگران بفروشد.

پرسید: کدام موجود قویتر است؟ فرمودند: بردبار.

پرسید: کدام موجود بخیل تر است؟ فرمودند: کسی که از راه نامشروع مال بدست آورد. و در راه نامشروع مصرف کند.

پرسید: کدام انسان زیرک تر است؟ فرمودند: کسی که رشد و هدایت خود را از گمراهی تشخیص دهد و به هدایت روی آورد.

پرسید: چه کسی بردبارتر است؟ فرمودند: کسی که خشمگین نشود.

پرسید: چه کسی دارای نظر و رأی استوارتر است؟ فرمودند: کسی که مردم او را به خود بینی فریب ندهند. و دنیا با زیباییهایش او را فریب ندهد.

قال: فَأَيُّ النَّاسِ أَشَدُّ حَسْرَةً؟ قال: الَّذِي حُرِمَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ «ذَلِكَ هُوَ الْحُسْرَانُ الْمُبِينُ» (1).

قال: فَأَيُّ الْخَلْقِ أَعْمَى؟ قال: الَّذِي عَمِلَ لِغَيْرِ اللَّهِ، يَطْلُبُ بِعَمَلِهِ الثَّوَابَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

قال: فَأَيُّ الْقَنُوعِ أَفْضَلُ؟ قال: الْقَانِعُ بِمَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.

قال: فَأَيُّ الْمَصَائِبِ أَشَدُّ؟ قال: الْمُصِيبَةُ بِالَّذِينَ.

قال: فَأَيُّ الْأَعْمَالِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ قال: أَنْتِظَرُ (2) الْفَرَجَ.

قال: فَأَيُّ النَّاسِ خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ؟ قال: أَخْوَفُهُمْ لِلَّهِ وَأَعْمَلُهُمْ بِالتَّقْوَى، وَأَزْهَدُهُمْ فِي الدُّنْيَا.

قال: فَأَيُّ الْكَلَامِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ قال: كَثْرَةُ ذِكْرِهِ وَالتَّصَرُّعُ إِلَيْهِ بِالدُّعَاءِ.

قال: فَأَيُّ الْقَوْلِ أَصْدَقُ؟ قال: شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.

قال: فَأَيُّ الْأَعْمَالِ أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ قال: التَّسْلِيمُ وَالْوَرَعُ.

قال: فَأَيُّ النَّاسِ أَصْدَقُ؟ قال: مَنْ صَدَقَ فِي الْمَوَاطِنِ. (3)

3956. عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَرِهَ لَكُمْ آيَتَهَا الْأُمَّةُ أَرْبَعًا وَعِشْرِينَ خَصَلَةً وَنَهَاكُمْ عَنْهَا:

كَرِهَ لَكُمْ الْعَبَثَ فِي الصَّلَاةِ، [و(4) كَرِهَ الْمَنْ فِي الصَّدَقَةِ، وَكَرِهَ الصَّحِيحَ بَيْنَ الْقُبُورِ، وَكَرِهَ التَّطَلُّعَ فِي الدَّوْرِ، وَكَرِهَ النَّظَرَ إِلَى فُرُوجِ النِّسَاءِ، [و(5) قَالَ: «يُورِثُ الْعَمَى»، وَكَرِهَ الْكَلَامَ عِنْدَ الْجَمَاعِ، وَقَالَ:

«يُورِثُ الْخَرَسَ» يَعْنِي فِي الْوَلَدِ (6)، وَكَرِهَ النَّوْمَ قَبْلَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ، وَكَرِهَ الْحَدِيثَ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ، وَكَرِهَ الْغُسْلَ تَحْتَ السَّمَاءِ بِغَيْرِ مَنَزَرٍ، وَكَرِهَ الْمَجَامِعَةَ تَحْتَ السَّمَاءِ، وَكَرِهَ دُخُولَ الْحَمَامَاتِ إِلَّا بِمَنَزَرٍ (7)، وَكَرِهَ الْكَلَامَ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ فِي صَلَاةِ الْغَدَاةِ حَتَّى تُقْضَى الصَّلَاةُ، وَكَرِهَ رُكُوبَ الْبَحْرِ فِي هَيْجَانِهِ،

ص: 82

1- . الْحِجَّ: 11.

2- . أَنْتِظَرُ الْفَرَجَ الْمُرَادُ أَمَّا أَنْتِظَرُ ظَهْرُ الْحِجَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمَا هُوَ الْمَتَبَادِرُ أَوْ أَنْتِظَرُ الْفَرَجَ مِنْ كُلِّ شِدَّةٍ. وَعَلَى كُلِّ حَالٍ فَرَاغَ سَفِينَةِ الْبَحَارِ: 596/2.

3- . مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهَ، ج 4، ص 382، ح 5833.

4- أَضْفَنَاهَا مِنَ الْفَقِيهِ.

5- أَضْفَنَاهَا مِنَ الْفَقِيهِ.

6- لا توجد جملة: «يعني في الولد» في الفقيه.

7- في الفقيه: «وكره دخول الأنهار بلا منزر».

پرسید: چه کسی احمق است؟ فرمودند: کسی که دنیا او را فریب دهد در حالی که می بیند حالات دنیا پایدار نیست.

پرسید: چه کسی بیشتر حسرت می خورد؟ فرمودند: کسی که از دنیا و آخرت محروم شود و این خسارت آشکار است.

پرسید: چه کسی نابیناست؟ فرمودند: کسی که برای غیر خدا کار کند و ثوابش را از خدا بخواهد.

پرسید: چه قناعتی برتر است؟ فرمودند: قناعت به آنچه خدا داده است.

پرسید: چه مصیبتی شدیدتر است؟ فرمودند: مصیبت در دین.

پرسید: چه عملی نزد خدا محبوبتر است؟ فرمودند: انتظار فرج.

پرسید: چه کسی نزد خدا بهتر است؟ فرمودند: کسی که از خدا بیشتر بترسد و با تقواتر باشد و در دنیا زاهدتر باشد.

پرسید: چه سخنی نزد خدا برتر است؟ فرمودند: بسیار نام خدا را بردن و با دعا به درگاه او ناله کردن.

پرسید: چه گفتاری صادق تر است؟ فرمودند: شهادت لا اله الا الله.

پرسید: چه عملی نزد خدا بزرگتر است؟ فرمودند: در برابر خدا سر فرود آوردن و پارسایی.

پرسید: چه کسی راستگوتر است؟ فرمودند: کسی که در همه جا راست گوید.

3956. امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام از امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: ای امت، خداوند بیست و چهار خصلت را برای شما نپسندید و شما را نهی فرمود:

بازی در حال نماز، و منت گذاری در صدقه، و خندیدن در قبرستان، و سرک کشیدن به خانه های مردم، و نگاه کردن به آلت تناسلی زن، حضرت فرمودند نگاه کردن باعث کوری می شود. و سخن گفتن در حال نزدیکی با همسر. فرمودند: باعث گنگ شدن فرزند می شود. و خوابیدن قبل از نماز عشاء، و سخن گفتن بعد از نماز عشاء، و غسل در فضای باز بدون پوشش. نزدیکی کردن در فضای باز، و رفتن به حمام های عمومی بدون شورت، و سخن گفتن بین اذان و اقامه نماز صبح تا آخر نماز، و سفر دریایی در طوفان، و خوابیدن

وَكْرَهُ النَّوْمَ فِي سَطْحٍ لَيْسَ بِمُحَجَّرٍ، وَقَالَ: «مَنْ نَامَ عَلَى سَطْحٍ غَيْرِ ذِي (1) مُحَجَّرٍ فَقَدْ بَرَّتْ مِنْهُ الدَّمَةُ»، وَكَرَهُ أَنْ يَنَامَ الرَّجُلُ فِي بَيْتٍ وَحَدَهُ، وَكَرَهُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَغْتَسِلَ بِامْرَأَتِهِ وَهِيَ حَائِضٌ فَإِنْ غَسَّ بِهَا فَخَرَجَ الْوَلَدُ مَجْذُومًا أَوْ أَبْرَصًا فَلَا يَلُومَنَّ الْإِنْفَسَهُ، وَكَرَهُ أَنْ يَغْتَسِلَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَقَدْ احْتَلَمَ حَتَّى يَغْتَسِلَ مِنْ احْتِلَامِهِ الَّذِي رَأَى فَإِنْ فَعَلَ فَخَرَجَ الْوَلَدُ مَجْذُومًا فَلَا يَلُومَنَّ الْإِنْفَسَهُ، وَكَرَهُ أَنْ يُكَلِّمَ الرَّجُلُ مَجْذُومًا إِلَّا أَنْ يَكُونَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْمَجْذُومِ قَدَرٌ ذِرَاعٍ، وَقَالَ: «فَرَّ مِنَ الْمَجْذُومِ كَفَرَارِكَ مِنَ الْأَسَدِ»، وَكَرَهُ الْبَوْلَ عَلَى شَطِّ نَهْرٍ جَارٍ، وَكَرَهُ أَنْ يُحَدِّثَ الرَّجُلُ تَحْتَ شَجَرَةٍ قَدْ أَيِنَعَتْ؛ يَعْنِي أَثْمَرَتْ، وَكَرَهُ أَنْ يَنْتَعِلَ الرَّجُلُ وَهُوَ قَائِمٌ، وَكَرَهُ أَنْ يَدْخُلَ الرَّجُلُ الْبَيْتَ الْمُظْلِمَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ نَارٌ، وَكَرَهُ النَّفْخَ فِي مَوْضِعِ الصَّلَاةِ. (2)

بَابُ تِسْعَةِ وَعِشْرِينَ

فِي الصَّلَاةِ تِسْعٌ وَعِشْرُونَ خَصَلَةً:

3957. عَنْ صَدْرَةَ بِنِ حَبِيبٍ قَالَتْ: سَأَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الصَّلَاةِ، فَقَالَ: الصَّلَاةُ مِنْ شَرَائِعِ الدِّينِ، وَفِيهَا مَرْضَاةُ الرَّبِّ عِزٌّ وَجَلٌّ، وَهِيَ مِنْهَاجُ الْأَنْبِيَاءِ، وَلِلْمُصَدِّقِ حُبُّ الْمَلَائِكَةِ، وَهُدًى، وَإِيمَانٌ، وَنُورٌ الْمَعْرِفَةِ، وَبِرْكَةٌ فِي الرِّزْقِ، وَرَاحَةٌ لِلْبَدَنِ، وَكَرَاهَةٌ لِلشَّيْطَانِ، وَسِدَاحٌ عَلَى الْكَافِرِ، وَإِجَابَةٌ لِلدُّعَاءِ، وَقَبُولٌ لِلْأَعْمَالِ، وَزَادَ لِلْمُؤْمِنِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ، وَشَفِيعٌ بَيْنَهُ وَبَيْنَ مَلِكِ الْمَوْتِ، وَأَنْسٌ فِي قَبْرِهِ، وَفِرَاشٌ تَحْتَ جَنْبِهِ، وَجَوَابٌ لِمُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ، وَتَكُونُ صَدْلًا الْعَبْدِ عِنْدَ الْمَحْشَرِ تَاجًا عَلَى رَأْسِهِ، وَنُورًا عَلَى وَجْهِهِ، وَلِبَاسًا عَلَى بَدَنِهِ، وَسِتْرًا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ، وَحُجْبَةً بَيْنَهُ وَبَيْنَ الرَّبِّ جَلًّا جَلَالُهُ، وَنَجَاةً لِبَدَنِهِ مِنَ النَّارِ، وَجَوَازًا عَلَى الصُّرَاطِ، وَمِفْتَاحًا لِلْجَنَّةِ، وَمُهَوْرًا لِلْحُورِ الْعِينِ، وَثَمَنًا لِلْجَنَّةِ. بِالصَّلَاةِ يَبْلُغُ الْعَبْدُ إِلَى الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا؛ لِأَنَّ الصَّلَاةَ تَسْبِيحٌ وَتَهْلِيلٌ وَتَكْبِيرٌ وَتَمْجِيدٌ وَتَقْدِيسٌ وَقَوْلٌ وَدَعْوَةٌ. (3)

ص: 84

1- في الفقيه: «على سطح غير محجّر».

2- من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 556، ح 4914.

3- الخصال، ص 522، ح 11.

بالای بام که دیوار ندارد. فرمودند: کسی که روی بام بدون دیوار بخوابد ایمنی ندارد. و تنها در خانه خوابیدن، و نزدیکی با زن در حال حیض، پس اگر نزدیکی کند در حیض و فرزندش جذام یا برص بگیرد کسی را جز خودش ملامت نکند. و وقتی که محتمل شده و غسل نکرده است با همسرش نزدیکی نکند و اگر چنین کند و فرزند دیوانه بدنیا آورد کسی را جز خودش ملامت نکند. و از بیمار جذامی هنگام سخن گفتن به اندازه يك ذراع فاصله بگیرد. فرمودند: از جذامی فرار کن آن گونه که از شیر فرار می کنی. و ادرار کردن در آب نهر، و ادرار کردن زیر درخت میوه، و ایستاده کفش پوشیدن، و وارد شدن به اطاق تاریک بدون چراغ، و تمیز کردن مکان نماز با فوت کردن.

باب بیست و نه

3957. نماز بیست و نه خاصیت دارد:

ضمرة بن حبیب گوید: راجع به نماز از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: فرمود: نماز از واجبات دین است. و خشنودی پروردگار در آن است. و نماز روش پیامبران است. و برای نمازگزار محبت فرشتگان، و هدایت، و ایمان، و نور معرفت، و برکت رزق، و آسایش بدن، و خشم شیطان، و اسلحه ای در برابر کفار است، و اجابت دعا، و پذیرش اعمال، و توشه مؤمن از دنیا برای آخرت، و شفیع بین مؤمن و فرشته مرگ می شود. و مونس در قبر، و فرش زیر پهلو در قبر، و جواب نکیر و منکر است. در محشر نماز انسان تاج سر او، و نور چهره اش، و لباس بدنش، و فاصله ای بین او و آتش، و حجت بین او و پروردگار جل جلاله، و نجات بدن نمازگزار از آتش، و عبور از صراط، و کلید بهشت، و مهریه حوری بهشتی، و بهای بهشت است.

با نماز انسان به مقام عالی می رسد. چون نماز شامل سبحان الله و الحمد لله و تکبیر و تمجید و تقدیس و گفتار و دعاست.

3958. عَنْ جَمَاعَةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا رَفَعُوهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ؛ فَإِنَّ تَعَلُّمَهُ حَسَنَةٌ، وَمُدَارَسَتُهُ تَسْبِيحٌ، وَالْبَحْثُ عَنْهُ جِهَادٌ، وَتَعْلِيمُهُ مَنْ لَا يَعْلَمُهُ صَدَقَةٌ، وَبَدَلُهُ لِأَهْلِهِ قُرْبَةٌ؛ لِأَنَّهُ مَعَالِمُ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ، وَسَالِكٌ بِطَالِبِهِ سَبِيلَ الْجَنَّةِ، هُوَ أُنَيْسٌ فِي الْوَحْشَةِ، وَصَاحِبٌ فِي الْوَحْدَةِ، وَدَلِيلٌ عَلَى السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ، وَسِلَاحٌ عَلَى الْأَعْدَاءِ، وَزَيْنٌ لِلْأَخْلَاءِ، يَرْفَعُ اللَّهُ بِهِ أَقْوَامًا لِيَجْعَلَهُمْ فِي الْخَيْرِ أُمَّةً يُقْتَدَى بِهِمْ؛ تَرْمَقُ (1) أَعْمَالُهُمْ، وَتُقْتَبَسُ آثَارُهُمْ، وَتَرْغَبُ الْمَلَائِكَةُ فِي خَلَّتِهِمْ، يَمَسُّ حَوْنَهُمْ فِي صَدَاتِهِمْ بِأَجْنِحَتِهِمْ، وَيَسْتَغْفِرُ لَهُمْ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى حَيْتَانُ الْبُحُورِ وَهَوَامُّهَا وَسِبَاعُ الْبَرِّ وَأَنْعَامُهَا (2)؛ لِأَنَّ الْعِلْمَ حَيَاةُ الْقُلُوبِ، وَنُورُ الْأَبْصَارِ مِنَ الْعَمَى، وَقُوَّةُ الْأَبْدَانِ مِنَ الضَّعْفِ، يُنَزِّلُ اللَّهُ حَامِلَهُ مَنَازِلَ الْأَخْيَارِ، وَيَمْنَحُهُ مَجَالِسَ الْأَبْرَارِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، بِالْعِلْمِ يُطَاعُ اللَّهُ وَيُعْبَدُ، بِالْعِلْمِ يُعْرَفُ اللَّهُ وَيُؤَخَّدُ، وَبِالْعِلْمِ تَوْصَلُ الْأَرْحَامُ، وَبِهِ يُعْرَفُ الْحَلَالُ وَالْحَرَامُ، وَالْعِلْمُ إِمَامُ الْعَمَلِ، وَالْعَمَلُ تَابِعُهُ، يُلْهِمُهُ اللَّهُ السُّعْدَاءَ، وَيَحْرِمُهُ الْأَشْقِيَاءَ. (3)

3959. عَنْ أَبِي ذَرٍّ - رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ - قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ فِي الْمَسْجِدِ جَالِسٌ وَحَدَهُ فَأَغْتَمَّتْ خَلْوَتَهُ، فَقَالَ لِي: يَا أَبَا ذَرٍّ لِلْمَسْجِدِ تَحِيَّةٌ، قُلْتُ: وَمَا تَحِيَّتُهُ؟ قَالَ: رَكَعَتَانِ تَرَكَعُهُمَا.

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّكَ أَمَرْتَنِي بِالصَّلَاةِ، فَمَا الصَّلَاةُ؟ قَالَ: خَيْرٌ مَوْضُوعٌ؛ فَمَنْ شَاءَ أَقَلَّ، وَمَنْ شَاءَ أَكْثَرَ.

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّ الْأَعْمَالِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ فَقَالَ: إِيْمَانٌ بِاللَّهِ، وَجِهَادٌ فِي سَبِيلِهِ.

قُلْتُ: فَأَيُّ وَقْتِ اللَّيْلِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: جَوْفُ اللَّيْلِ الْغَابِرِ.

قُلْتُ: فَأَيُّ الصَّلَاةِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: طَوْلُ الثُّنُوبِ.

قُلْتُ: وَأَيُّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: جُهْدٌ مِنْ مُقِلٍّ (4) فِي فَقِيرٍ ذِي سِنَّ.

1- رمق: أطلال النظر؛ أي تلاحظ أعمالهم وتُنظر كي يُقتدى بهم.

2- الأنعام: جمع النعم - بفتحيتين - تطلق على الإبل والبقر والغنم.

3- الخصال، ص 522، ح 12.

4- أي صدقة مع جهد ومشقة من فقير مقل يعطيها.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: علم [مراد علم دین است] را بیاموزید، آموختن آن حسنه، و مطالعه اش تسبیح، و بحث درباره آن جهاد، و یاد دادن به کسی که نمی داند صدقه، و بذل آن به اهلش عبادت است. زیرا آن آگاهی های حلال و حرام است. و جوینده اش را بسوی بهشت می برد. مونس در وحشت، و دوست زمان تنهایی است. در سختی ها راهنما، و اسلحه ای در برابر دشمن، و زیور دوستان است. و خداوند بوسیله آن گروه هایی را رفعت می بخشد تا پیشوای خیر باشند. و مردم به آنها اقتدا کنند. و به اعمال آنان چشم بدوزند. و رفتار آنها را اقتباس کنند. و فرشتگان به دوستی با آنان تمایل می یابند. و در حال نماز بالهای خود را به آنان بکشند. و همه چیز حتی ماهی ها و موجودات دریاها و درندگان و حیوانات خشکی ها برای او استغفار می کنند.

زیرا علم مایه زنده شدن دل هاست. و نور چشمها، و نیروی بدن هاست. و بوسیله علم خدا پرستیده و عبادت می شود. و با علم معرفت به خدا حاصل می شود. و به یگانگی او اقرار می شود. علم باعث صله ارحام می شود. و با علم حلال از حرام شناخته می شود. و علم پیشوای رفتار است. و رفتار از علم پیروی می کند. خداوند علم را به سعادت مندان الهام و شقاوت مندان را از آن محروم می نماید.

3959. ابوذر رحمه الله گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله به تنهایی در مسجد نشسته بود. فرصت را غنیمت شمردم. حضرت به من فرمودند: ای ابوذر مسجد تحیت دارد. پرسیدم: تحیت آن چیست؟ حضرت فرمودند: دو رکعت نماز.

پرسیدم: یا رسول الله به من دستور نماز می دهید؟ نماز چیست؟ حضرت فرمودند:

بهترین تکلیف است که هر کس خواهد کم بجا آورد و هر که خواهد زیاد بجا آورد.

پرسیدم: یا رسول الله چه عملی نزد خدا محبوب تر است؟ حضرت فرمودند: ایمان به خدا و جهاد در راه خدا.

پرسیدم: برترین ساعت شب کدام است؟ حضرت فرمودند: دل شب.

پرسیدم: برترین قسمت نماز کدام است؟ حضرت فرمودند: قنوت طولانی.

پرسیدم: برترین صدقه کدام است؟ حضرت فرمودند: صدقه ای که در تنگدستی به فقیر سالمند بدهد.

قُلْتُ: مَا الصَّوْمُ؟ قَالَ: فَرَضَ مَجْرِيٌّ، (1) وَعِنْدَ اللَّهِ أضعافٌ كَثِيرَةٌ.

قُلْتُ: فَأَيُّ الرِّقَابِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: أَغْلَاهَا ثَمَنًا، وَأَنْفَسَهَا عِنْدَ أَهْلِهَا. قُلْتُ: فَأَيُّ الْجِهَادِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: مَنْ عَقَرَ جَوَادَهُ، وَأَهْرَيْقَ دَمُهُ.

قُلْتُ: فَأَيُّ آيَةٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ عَلَيْكَ أَعْظَمُ؟ قَالَ: آيَةُ الْكُرْسِيِّ.

ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا أَبَا ذَرٍّ، مَا السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ فِي الْكُرْسِيِّ إِلَّا كَحَلَقَةِ مُلْقَاةٍ فِي أَرْضِ فَلَاةٍ، وَفَضْلُ الْعَرْشِ عَلَى الْكُرْسِيِّ كَفَضْلِ الْفَلَاةِ عَلَى تِلْكَ الْحَلَقَةِ.

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَمْ النَّبِيِّونَ؟ قَالَ: مِئَةٌ أَلْفٍ وَأَرْبَعَةٌ وَعِشْرُونَ أَلْفَ نَبِيٍّ.

قُلْتُ: كَمْ الْمُرْسَلُونَ مِنْهُمْ؟ قَالَ: ثَلَاثُمِئَةٌ وَثَلَاثَةٌ عَشَرَ جَمًّا (2) غَفِيرًا.

قُلْتُ: مَنْ كَانَ أَوَّلَ الْأَنْبِيَاءِ؟ قَالَ: آدَمُ. قُلْتُ: وَكَانَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ مُرْسَلًا؟ قَالَ: نَعَمْ خَلَقَهُ اللَّهُ بِيَدِهِ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ.

ثُمَّ قَالَ: يَا أَبَا ذَرٍّ، أَرْبَعَةٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ سَرِيانِيونَ: آدَمُ وَشِيثُ وَأَخْنُوخُ - وَهُوَ إِدْرِيسُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛ وَهُوَ أَوَّلُ مَنْ خَطَّ بِالْقَلَمِ - وَنُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَأَرْبَعَةٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ مِنَ الْعَرَبِ: هُودٌ وَصَالِحٌ وَشُعَيْبٌ وَنَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَوَّلُ نَبِيٍّ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مُوسَى، وَآخِرُهُمْ عِيسَى وَسِتْمِئَةُ نَبِيٍّ.

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ؟ قَالَ: مِئَةٌ كِتَابٍ وَأَرْبَعَةٌ كُتُبٌ؛ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى شَيْثٍ خَمْسِينَ صَحِيفَةً، وَعَلَى إِدْرِيسَ ثَلَاثِينَ صَحِيفَةً، وَعَلَى إِبْرَاهِيمَ عِشْرِينَ صَحِيفَةً، وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَالزَّبُورَ وَالْفُرْقَانَ.

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَا كَانَتْ صُحُفُ إِبْرَاهِيمَ؟ قَالَ: كَانَتْ أَمْثَالًا كُلُّهَا، وَكَانَ فِيهَا:

أَيُّهَا الْمَلِكُ الْمُبْتَلَى الْمَغْرُورُ! إِنِّي لَمْ أَبْعَثْكَ لِتَجْمَعَ الدُّنْيَا بَعْضَ هَا إِلَى بَعْضٍ، وَلَكِنْ بَعَثْتُكَ لِتَرُدَّ عَنِّي دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ؛ فَإِنِّي لَا أُرُدُّهَا وَإِنْ كَانَتْ مِنْ كَافِرٍ.

ص: 88

1- . كذا، والظاهر أنَّ الصواب: «مَجْرِيٌّ» كما في الخصال ومصادر كثيرة أخرى.

2- . الجَمِّ: الكثير من كل شيء، جاؤوا جَمًّا غَفِيرًا: أي جاؤوا بجماعتهم الشريفة منهم والوضيع ولم يتخلف أحد وكانت فيهم كثرة.

پرسیدم: روزه چیست؟ حضرت فرمودند: واجب لازم الاجراء است که خداوند چند برابر پاداش می دهد.

پرسیدم: آزاد کردن کدام بنده برتر است؟ فرمودند: آن که قیمتش گرانتر و نزد صاحبش نفیس تر باشد.

پرسیدم: کدام جهاد برتر است؟ فرمودند: جهاد آنکه اسبش را بزنند و خودش را بریزند.

پرسیدم: عظیم ترین آیه قرآن کدام است؟ فرمودند: آیه الکرسی.

سپس فرمودند: ای ابوذر آسمانهای هفت گانه در مقابل کرسی، مانند حلقه ای است که در دشت پنهاور افتاده باشد. و برتری عرش بر کرسی مانند بزرگی دشت پنهاور نسبت به آن حلقه است.

پرسیدم: یا رسول الله پیامبران چند نفر بودند؟ فرمودند: یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر.

پرسیدم: چند نفر از طرف خدا رسالت داشتند؟ فرمودند: سیصد و سیزده نفر عده ای زیاد.

پرسیدم: اولین پیامبر که بود؟ فرمودند: آدم.

پرسیدم: او رسول هم بود؟ فرمودند: آری خداوند او را با قدرت خود آفرید و از روح خود در او دمید.

سپس فرمودند: ای ابوذر چهار پیامبر سریانی بودند: آدم، شیث و اخنوخ که ادریس نام داشت. و اولین کسی بود که با قلم نوشت. و نوح علیه السلام.

چهار پیامبر عرب بودند: هود و صالح و شعیب و پیامبر تو محمد صلی الله علیه و آله.

پیامبران بنی اسرائیل ششصد نفر بودند که اولین آنها موسی و آخرین آنان عیسی علیه السلام بود.

پرسیدم: یا رسول الله خداوند چند کتاب نازل فرموده است؟ فرمودند: صد و چهار کتاب. پنجاه صحیفه بر شیث و سی صحیفه بر ادریس و بیست صحیفه بر ابراهیم علیه السلام نازل شد. تورات و انجیل و زبور و فرقان.

پرسیدم: یا رسول الله صحیفه های ابراهیم چه بوده است؟ فرمودند: همه مثل بوده اند. از جمله آنها: ای پادشاه مغرور من تو را نفرستادم تا مال ذخیره کنی. تو را فرستادم تا نگذاری آه مظلوم به سوی من آید. من آه مظلوم را حتی اگر کافر باشد رد نمی کنم. عاقل

وعلى العاقل ما لم يكن مغلوباً أن يكون له ثلاث ساعات: ساعة يُناجي فيها ربه عز وجل، وساعة يُحاسب نفسه، وساعة يتفكر فيما صنع الله عز وجل إليه، وساعة يخلو فيها بحظ نفسه من الحلال؛ فإن هذه الساعة عونٌ لتلك الساعات واستجمامٌ للقلوب وتوزيعٌ لها.

وعلى العاقل أن يكون بصيراً بزمانه، مُقبلاً على شأنه، حافظاً لسانه؛ فإن من حسب كلامه من عمله قل كلامه إلا فيما يعنيه.

وعلى العاقل أن يكون طالباً لثلاث: مَرَمَّة (1) لمعاش، أو تزودٍ لمعاد، أو تلذذٍ في غير مُحَرَّم.

قُلْتُ: يا رسول الله، فما كانت صُحُفُ موسى؟ قال: كانت عبرانيةً كُلُّها، وفيها:

عَجِبْتُ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالْمَوْتِ كَيْفَ يَفْرَحُ، وَلِمَنْ أَيْقَنَ بِالتَّارِ كَيْفَ يَضْحَكُ، وَلِمَنْ يَرَى الدُّنْيَا وَتَقَلُّبُهَا بِأَهْلِهَا كَيْفَ يَطْمَئِنُّ إِلَيْهَا، وَلِمَنْ يُؤْمِنُ بِالقَدْرِ كَيْفَ يَنْصَبُ، وَلِمَنْ أَيْقَنَ بِالحِسَابِ لِمَ لَا يَعْمَلُ!

قُلْتُ: يا رسول الله، هل في أيدينا ممَّا أنزلَ اللهُ عَلَيْكَ شَيْءٌ مِمَّا كَانَ فِي صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى؟ قال: يا أبا ذرٍّ، اقرأ: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى * وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى * بَلْ تُؤْثِرُونَ الحَيَوةَ الدُّنْيَا * وَ الأَخِرَةَ خَيْرٌ وَ أبْتغى * إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الأُولَى * صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى».

قُلْتُ: يا رسول الله أوصني. قال صلى الله عليه وآله: أوصيك بتقوى الله؛ فإنه رأس الأمر كله.

قُلْتُ: زدني. قال صلى الله عليه وآله: عليك بتلاوة القرآن وذكر الله كثيراً؛ فإنه ذكرٌ لك في السماء ونورٌ لك في الأرض.

قُلْتُ: زدني. قال صلى الله عليه وآله: عليك بالجهاد؛ فإنه رهبانية أمتي.

قُلْتُ: زدني. قال صلى الله عليه وآله: عليك بطول الصَّمت؛ فإنه مطردة الشيطان، وعونٌ لك على أمر دينك.

قُلْتُ: زدني. قال صلى الله عليه وآله: إيَّاكَ وكثرة الضحك؛ فإنه يُميت القلب، ويذهب بنصرة (2) الوجه.

ص: 90

1- رَمَّ الشيء: أصلحه (لسان: 252/12).

2- النصرة: الحُسن والرونق (لسان العرب: 212/5).

اگر شکست خورده نباشد زمان را سه قسمت می کند: ساعتی برای مناجات با پروردگارش.

ساعتی برای محاسبه رفتارش، و ساعتی برای تفکر در آنچه که خداوند به او عنایت فرموده است. و پرداختن به لذتهای حلال به کمک آن سه ساعت می آید. و دلها را آماده می کند.

عاقل باید آگاه به زمان خود و موقعیت شناس و حافظ زبانش باشد. زیرا کسی که گفتارش را هم از اعمال خود بحساب آورد کمتر سخن می گوید.

عاقل باید در جستجوی سه چیز باشد: اصلاح معاش، و توشه برای آخرت، و لذت حلال.

پرسیدم: یا رسول الله صحیفه های موسی چه بوده است؟ فرمودند: همه به زبان عبری بوده است و در آن آمده است: تعجب می کنم از کسی که به مرگ یقین دارد چگونه شادی می کند؟! و کسی که به دوزخ یقین دارد چگونه می خندد؟! و کسی که دنیا و فریبکاری آن را با مردم می بیند چگونه به آن اعتماد می کند؟! و کسی که به قضا و قدر ایمان دارد چگونه خود را به زحمت می اندازد؟! و کسی که یقین به حساب دارد چرا کاری انجام نمی دهد!؟

پرسیدم: یا رسول الله در آیات قرآن چیزی از صحیفه های ابراهیم و موسی آمده است؟

فرمودند: ای ابوذر قرائت کن: «فَدُّ اَفْلَحَ مِنْ تَزْكِي - تا - صَحْفِ اِبْرَاهِيْمِ وَ مُوسَى». آنکه خود را پاک کرد. و نام خدا را بر زبان آورد. و نماز گذارد. رستگار شد. ولی شما زندگی دنیا را ترجیح دادید. در حالی که آخرت برای شما بهتر و جاودانه است. این مطلب در صحیفه های ابراهیم و موسی هم آمده است.

پرسیدم: یا رسول الله توصیه ای به من بفرمائید؟ فرمودند: تو را به پروای از خدا توصیه می کنم. که سرآمد همه کارهاست.

گفتم: بیشتر بفرمائید؟ فرمودند: قرآن تلاوت کن. و زیاد خداوند را یاد کن. چون باعث یاد کرد تو در آسمان می شود. و در زمین برای تو نور است.

گفتم: بیشتر بفرمائید. فرمودند: جهاد کن. که رهبانیت امت من است.

گفتم: بیشتر بفرمائید. فرمودند: مدت طولانی سکوت کن. که شیطان را از تو دور کرده، و تو را در امر دین یاری می کند.

گفتم: بیشتر بفرمائید. فرمودند: از خنده زیاد پرهیز کن. که قلب را می میراند. و زیبایی چهره را می برد.

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ زِدْنِي. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: انْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ تَحْتَكَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكَ؛ فَإِنَّهُ أَجْدَرُ أَنْ لَا تَزِدْرِي نِعْمَةً اللَّهُ عَلَيْكَ.

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ زِدْنِي. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: صِلْ قَرَابَتَكَ وَإِنْ قَطَعَوْكَ.

قُلْتُ: زِدْنِي. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَحِبِّ الْمَسَاكِينَ وَمُجَالَسَتَهُمْ.

قُلْتُ: زِدْنِي. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قُلِ الْحَقَّ وَإِنْ كَانَ مُرًّا.

قُلْتُ: زِدْنِي. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا تَخَفْ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَائِمًا.

قُلْتُ: زِدْنِي. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِيَحْزُبَكَ عَنِ النَّاسِ مَا تَعَلَّمْتَ مِنْ نَفْسِكَ، وَلَا تَجِدُ عَلَيْهِمْ فِيمَا تَأْتِي.

وقال صلى الله عليه وآله: كفى بالمرء عيباً أن يكون فيه ثلاث خصال: يعرف من الناس ما يجهل من نفسه، ويستحيي لهم مما هو فيه، ويؤذي جلسته بما لا يعنيه.

ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا أَبَا ذَرٍّ، لَا عَقْلَ كَالْتَدْبِيرِ، وَلَا وَرَعَ كَالْكَفِّ، وَلَا حَسَبَ كَحُسْنِ الْخُلُقِ. (1) بَابُ أَرْبَعَةٍ وَثَلَاثِينَ

3960. عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: سَدَّ إِلَّ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْفُرُوجِ فِي الْقُرْآنِ وَعَمَّا حَرَّمَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي سُنَّتِهِ، فَقَالَ: الَّذِي حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَرْبَعَةً وَثَلَاثُونَ وَجْهًا: سَبْعَةٌ عَشَرَ فِي الْقُرْآنِ، وَسَبْعَةٌ عَشَرَ فِي السُّنَّةِ، فَأَمَّا النَّبِيُّ فِي الْقُرْآنِ فَالزَّنا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَا تَقْرُبُوا الزَّنا»، وَنِكَاحِ امْرَأَةِ الْأَبِّ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» وَ«حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمْ الَّتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضْعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِلُكُمْ - يَكُمُ الَّتِي فِي حُجُورِكُمْ مِمَّنْ نَسَأَلُكُمْ الَّتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَمَنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَّلَ - لُ أَبْنَاءَ الَّذِينَ مِنْ أَصْهَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ»، وَالْحَائِضُ حَتَّى تَطْهَرَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ»، وَالنِّكَاحُ فِي الْإِعْتِكَافِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَا تُبَشِّرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسْجِدِ».

ص: 92

گفتم: یا رسول الله بیشتر بفرمائید. فرمودند: [در امور مادی] به زیر دست خود بنگر. نه به مافوق چون باعث می شود که نعمتهای خدا را کوچک نشماری.

گفتم: یا رسول الله بیشتر بفرمایید. فرمودند: با خویشاوندان رابطه برقرار کن. گرچه آنان از تو قطع رابطه کنند.

گفتم: بیشتر بفرمایید. فرمودند: فقیران و همنشینی با آنان را دوست داشته باش.

گفتم: بیشتر بفرمایید. فرمودند: سخن حق بگو گرچه تلخ باشد.

گفتم: بیشتر بفرمایید. فرمودند: در راه خدا از ملامت کسی نترس.

گفتم: بیشتر بفرمایید. فرمودند: به جای عیب مردم به عیب خود پرداز. و عیبی که خودت داری از دیگران خرده مگیر.

و فرمودند: این عیب برای انسان بس است که سه خصلت داشته باشد: عیب خود را نداند و عیب مردم را ببیند. کار زشت خود را چون از دیگران ببیند شرم کند. و همنشین خود را بیهوده بیازارد.

سپس فرمودند: یا ابودر؛ هیچ عقلی چون تدبیر نیست. و هیچ پرهیزی مثل خودداری از گناه نیست. و هیچ نسبی مثل اخلاق خوش نیست.

باب سی و چهار

3960. امام صادق علیه السلام فرمودند: از پدرم پرسیدند: آمیزشهایی که خداوند در قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله حرام فرموده اند کدامند؟ فرمودند: سی و چهار مورد است که هفده مورد آن در قرآن و هفده مورد در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر شده است.

اما در قرآن: زنا، خداوند می فرماید: به زنا نزدیک نشوید. ازدواج با همسر پدر، خداوند فرمود: با زنانی که پدران شما ازدواج کرده اند ازدواج نکنید و حرام است ازدواج با مادران و دختران و خواهران و عمّه ها و خاله ها و دختران برادر و دختران خواهر و مادران رضاعی و خواهران رضاعی و مادر زن و دختر زنی که با او ازدواج و آمیزش کرده اید. و همسر پسر و ازدواج با دو خواهر به صورت همزمان، و آمیزش در زمان اعتکاف.

وَأَمَّا الَّتِي فِي السُّنَّةِ فَالْمُؤَاقَعَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ نَهَارًا، وَتَزْوِجُ الْمُؤَلَعِنَةِ بَعْدَ اللَّعَانِ، وَالتَّزْوِجُ فِي الْعِدَّةِ، وَالْمُؤَاقَعَةُ فِي الْإِحْرَامِ، وَالْمَحْرَمُ يَتَزَوَّجُ أَوْ يُزَوَّجُ، وَالْمُظَاهِرُ (1) قَبْلَ أَنْ يُكْفَرَ، وَتَزْوِجُ الْمُشْرِكَةِ، وَتَزْوِجُ الرَّجُلِ امْرَأَةً قَدْ طَلَّقَهَا لِلْعِدَّةِ تِسْعَ تَطْلِيقَاتٍ، وَتَزْوِجُ الْأُمَّةِ عَلَى الْحُرَّةِ، وَتَزْوِجُ الذَّمِّيَّةِ عَلَى الْمُسْلِمَةِ، وَتَزْوِجُ الْمَرْأَةَ عَلَى عَمَّتِهَا وَخَالَتِهَا، وَتَزْوِجُ الْأُمَّةَ مِنْ غَيْرِ إِذْنِ مَوْلَاهَا، وَتَزْوِجُ الْأُمَّةَ عَلَى مَنْ يَقْدِرُ عَلَى تَزْوِجِ الْحُرَّةِ، وَالْجَارِيَّةِ مِنَ السَّبْيِ قَبْلَ الْقِسْمَةِ، وَالْجَارِيَّةِ الْمُشْرِكَةِ، وَالْجَارِيَّةِ الْمُشْتَرَاةَ قَبْلَ أَنْ يَسْتَبْرِئَهَا، وَالْمُكَاتَّبَةَ الَّتِي قَدْ أَدَّتْ بَعْضَ الْمُكَاتَّبَةِ. (2)

3961. عَنْ زُرَّارَةَ عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّمَا فَرَضَ اللَّهُ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ خَمْسًا وَثَلَاثِينَ صَلَاةً فِيهَا، صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ فِي جَمَاعَةٍ وَهِيَ الْجُمُعَةُ. (3)

ص: 94

1- المٌظَاهِر - هنا -: من ظاهر امرأته على ما ذكر في الفقه في كتاب الظهار.

2- . الخصال، ص 532، ح 10.

3- . الخصال، ص 422، ح 21.

اما در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله: آمیزش در روز ماه رمضان و ازدواج با زنی که او را لعان کرده است. [اگر شوهر به همسرش که فرزندی بدنی آورده نسبت زنابدهد. و یا بگوید: او فرزند من نیست. و زن منکر شود. این زن و شوهر با تشریفات خاصی که لعان نامیده می شود از یکدیگر جدا می شوند.] ازدواج در حال عده و آمیزش در حال احرام، و ازدواجی که عقد آن در حال احرام واقع شود. ازدواج بعد از ظهار و قبل از كفاره دادن، و ازدواج با زن مشرك و ازدواج با زن كافر اهل كتاب كه در ذمه اسلام است در حالیکه زن مسلمان دارد و ازدواج با زنی پس از ازدواج با عمه یا خاله آن زن. ازدواج با کنیز بدون اجازه صاحب آن، و ازدواج با کنیز برای کسی که می تواند با زن آزاده ازدواج کند. و ازدواج با کنیزی که اسیر شده است قبل از تقسیم غنائم جنگی. و کنیز مشرك و کنیزی که خریداری شده قبل از استبراء [یعنی مدتی که یقین حاصل شود که کنیز باردار نیست.] و کنیز مکاتبه [یعنی کنیزی که با صاحب خود قرار داد بسته که مبلغی بپردازد و آزاد شود.] که مقداری از مبلغ را پرداخته باشد.

3961. امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند از جمعه تا جمعه بعد، سی و پنج نماز واجب فرموده است. که فقط نماز جمعه باید به جماعت خوانده شود. [بدون جماعت صحیح نیست].

بَابُ الْأَرْبَعِينَ وَمَا فَوْقَهَا

باب چهل و بیشتر از آن

اشاره

ص: 97

ما وَرَدَ عَنِ الْأَئِمَّةِ الْمَعْصُومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

3962. عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ لَمْ تُقْبَلْ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، فَإِنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ ضَوِّعَ عَلَيْهِ الْعَذَابَ لِتَرْكِ الصَّلَاةِ.

وَفِي خَبَرٍ آخَرَ: إِنَّ شَارِبَ الْخَمْرِ تَوَقَّفُ صَلَاتُهُ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، فَإِذَا تَابَ رُدَّتْ عَلَيْهِ. (1)

3963. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ قَدَّمَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا مِنْ إِخْوَانِهِ فَدَعَا لَهُمْ ثُمَّ دَعَا لِنَفْسِهِ اسْتَجِيبَ لَهُ فِيهِمْ وَفِي نَفْسِهِ. (2)

3964. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ فَحَضَرَ جَنَازَتَهُ أَرْبَعُونَ رَجُلًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالُوا: اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: إِنَّهُ قَدْ أَجَزْتُ شَهَادَتَكُمْ وَغَفَرْتُ لَهُ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ مَا لَا تَعْلَمُونَ. (3)

3965. عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَتْرُكُ حَلَقَ الْعَانَةِ فَوْقَ الْأَرْبَعِينَ، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ مُوسَى فَلْيَسْتَقْرِضْ بَعْدَ الْأَرْبَعِينَ وَلَا يُؤَخَّرْ. (4)

3966. عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَمَّا اسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ رَجُلًا مُتَعَلِّقًا بِالْعَرْشِ تَشْكُو رَجْمًا إِلَى رَبِّهَا، فَقُلْتُ لَهَا: كَمْ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا مِنْ أَبٍ؟ فَقَالَتْ: نَلْتَقِي فِي أَرْبَعِينَ أَبًا. (5)

ص: 98

1- . الخصال، ص 534، ح 1.

2- . روضة الواعظين، ص 326.

3- . الخصال، ص 538، ح 4.

4- . الخصال، ص 538، ح 5.

5- . عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج 2، ص 231، ح 5.

3962. امام باقر علیه السلام فرمودند: کسی که شراب بنوشد تا چهل روز نمازش قبول نمی شود. و اگر در این مدت نماز را ترك کند برای ترك نماز عذابش مضاعف می شود.

در حدیث دیگر آمده است: نماز شراب خوار در بین زمین و آسمان متوقف می شود.

پس اگر توبه کند نمازش به او می رسد.

3963. امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که ابتدا برای چهل نفر از برادران خود دعا کند سپس برای خود دعا کند. دعایش برای آنان و خودش مستجاب می شود.

3964. امام صادق علیه السلام فرمودند: زمانی که مؤمنی بمیرد. و چهل نفر از مؤمنان بر جنازه او حاضر شوند و بگویند: خدایا ما از او جز ایمان چیزی نمی دانیم. و توبه او دانایتر از ما هستی.

خداوند تبارک و تعالی می گوید: من شهادت شما را پذیرفتم. و گناهانش را که شما نمی دانید آمرزیدم.

3965. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که به خداوند و روز قیامت ایمان دارد تراشیدن موی زیر شکم را تا چهل روز ترك نکند. و اگر وسیله تراشیدن نداشت بعد از چهلمین روز قرض کند. و تراشیدن را به تأخیر نیندازد.

3966. امام رضا علیه السلام از پدران خود علیهم السلام از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل فرمودند: زمانی که مرا به معراج بردند دیدم کسی به عرش آویخته و از خویشاوندش شکایت می کند. پرسیدم: بین شما دو نفر چقدر فاصله بود؟ گفت: چهل پدر. [یعنی لازم است انسان تا اجداد نسل چهلم خود را در دعا و کارهای خیر و ثواب شریک کند. و برای آنان طلب مغفرت نماید.]

3967. عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِي حَدِيثًا مِمَّا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيهًا عَالِمًا. (1)

3968. عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَوْصَى إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَانَ فِيهَا أَوْصَى بِهِ أَنْ قَالَ لَهُ:

يَا عَلِيُّ، مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِي حَدِيثًا يَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَ اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلَّ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ حَشْرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلَادِكَ رَفِيقًا.

فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا هَذِهِ الْأَحَادِيثُ؟

قَالَ: أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَحَدَهُ لِشَرِيكَ لَهُ، وَتَعْبُدَهُ وَلَا تَعْبُدَ غَيْرَهُ، وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ بِوُضوءٍ سَابِغٍ (2) فِي مَوَاقِيتِهَا، وَلَا تُؤَخِّرَهَا فَإِنَّ فِي تَأْخِيرِهَا مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ غَضَبَ اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلَّ، وَتُؤَدِّيَ الزَّكَاةَ، وَتَصُومَ شَهْرَ رَمَضَانَ، وَتُحِجَّ الْبَيْتَ إِذَا كَانَ لَكَ مَالٌ وَكُنْتَ مُسْتَطِيعًا، وَأَنْ لَا تَعُقَّ (3) وَالذِّكَّ، وَلَا تَأْكُلَ مَالَ الْيَتِيمِ ظُلْمًا، وَلَا تَأْكُلَ الرِّبَا، وَلَا تَشْرَبَ الْخَمْرَ وَلَا شَيْئًا مِنَ الْأَشْرَبَةِ الْمُسْكِرَةِ، وَلَا تَزْنِي، وَلَا تَلُوطَ، وَلَا تَمَشِيَ بِالنَّمِيمَةِ، وَلَا تَحْلِفَ بِاللَّهِ كَاذِبًا، وَلَا تُسْرِفَ، وَلَا تَشْهَدْ شَهَادَةَ الزُّورِ لِأَخٍ قَرِيبًا كَانَ أَوْ بَعِيدًا، وَأَنْ تَقْبَلَ الْحَقَّ مِمَّنْ جَاءَ بِهِ صِدْقًا غَيْرًا كَانَ أَوْ كَبِيرًا، وَأَنْ لَا تَرُكَنَّ إِلَى ظَالِمٍ وَإِنْ كَانَ حَمِيمًا قَرِيبًا، وَأَنْ لَا تَعْمَلَ بِالْهَوَى، وَلَا تَقْدِفَ الْمُحْصَنَةَ، وَلَا تُرَائِي؛ فَإِنَّ أَيْسَرَ الرِّيَاءِ شَرُّهُ بِاللَّهِ عِزُّهُ وَجَلَّ، وَأَنْ لَا تَقُولَ لِقَاصِرٍ: يَا قَاصِرُ، وَلَا لِطَوِيلٍ: يَا طَوِيلُ تُرِيدُ بِذَلِكَ عَيْبَهُ، وَأَنْ لَا تَسْخَرَ مِنْ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ، وَأَنْ تَصْبِرَ عَلَى الْبَلَاءِ وَالْمُصِيبَةِ، وَأَنْ تَشْكُرَ نِعَمَ اللَّهِ الَّتِي أَنْعَمَ بِهَا عَلَيْكَ، وَأَنْ لَا تَأْتَمَنَّ عِقَابَ اللَّهِ عَلَى ذَنْبٍ تُصِيبُهُ، وَأَنْ لَا تَقْنَطَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، وَأَنْ تَتُوبَ إِلَى اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلَّ مِنْ ذُنُوبِكَ؛ فَإِنَّ التَّائِبَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ، وَأَنْ لَا تُصِدِّرَ عَلَى الذُّنُوبِ مَعَ الْإِسْتِغْفَارِ فَتَكُونَ كَالْمُسْتَهْزِئِ بِاللَّهِ وَأَنْبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ، وَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَكَ، وَأَنْ مَا أَخْطَأَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَكَ، وَأَنْ لَا تَطْلُبَ سَخَطَ الْخَالِقِ بِرِضَى الْمَخْلُوقِ، وَلَا تُؤَثِّرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ؛ لِأَنَّ الدُّنْيَا فَانِيَةٌ وَالْآخِرَةُ بَاقِيَةٌ، وَأَنْ لَا تَبْخَلَ عَلَى إِخْوَانِكَ بِمَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ،

ص: 100

1- . مضمون: تحرير الأحكام، ج 1، ص 40.

2- أسبغ الوضوء: أبلغه مواضعه، ووفى كل عضو حقه (القاموس المحيط: 107/3).

3- العقوق: العصيان، وترك الشفقة والإحسان، وضد البر.

3967. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: هرکس از امت من چهل حدیث مربوط به نیازهای دینی مردم را حفظ کند، خداوند او را در قیامت فقیه عالم محشور فرماید.

3968. حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند: رسول الله صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام وصیت فرمودند: یا علی هر کس از امت من چهل حدیث را فقط برای خدا و روز قیامت حفظ کند، خداوند او را در قیامت با پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان محشور فرماید. و اینان رفیق نیکو هستند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: یا رسول الله چه احادیثی؟ حضرت فرمودند: اینکه به خدای یگانه و بدون شریک ایمان آوری. و تنها او را عبادت کنی. و غیر او را عبادت نکنی. و نماز را با وضوی نیکو در اول وقت بجا آوری و تأخیر نیندازی. چون اگر بدون عذر تأخیر کنی خداوند غضب می کند. و زکات را بپردازی. و ماه رمضان روزه بگیری. و هنگامی که مستطیع شدی حج بجا آوری. و پدر و مادرت را نیازاری. و مال یتیم را با ظلم نخوری. و شراب و دیگر مشروبات مست کننده را نیشامی. و زنا و لواط و سخن چینی و قسم دروغ و اسراف و شهادت دروغ را ترک کنی. و حق را از هر کس کوچک یا بزرگ بپذیری. و به ظالم اعتماد نکنی گرچه دوست صمیمی تو باشد. هوسران نباش. و به زنان پاکدامن نسبت ناروا نده. و ریا کار نباش. و کمترین ریا شرک به خداوند متعال است. به عنوان عیب جویی به کوتاه قد نگو: کوتوله. و به بلند قد نگو: دراز. و هیچکس از بندگان خدا را مسخره نکن. و در مصیبت و بلا صبر کن. و شکر نعمتهای خدا را که به تو عطا کرده است بجای آور. و از عذاب خدا بر گناه خود ایمن باش. و از رحمت خدا ناامید نباش. و از گناهان خود به درگاه خدا توبه کن. کسی که توبه کند مانند کسی است که گناه ندارد. اصرار بر گناه پس از استغفار نکن. چون این کار مثل مسخره کردن خدا و پیامبران و رسولان است. و بدان آنچه به تو رسیده است قابل تخلف نبوده است. و آنچه به تو نرسیده است امکان رسیدن نداشته است. و در ظاهر و باطن یکسان باش. رضایت مردم را با خشم خداوند فراهم مکن و دنیا را بر آخرت مقدم نکن چون دنیا نابود می شود و آخرت می ماند و از آنچه که می توانی به دیگران کمک کنی بخل نکن.

وَأَنْ تَكُونَ سَرِيرَتُكَ كَعَلَانِيَتِكَ، وَأَنْ لَا تَكُونَ عَلَانِيَتِكَ حَسَنَةً وَسَرِيرَتُكَ قَبِيحَةً، فَإِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ مِنَ الْمُنَافِقِينَ، وَأَنْ لَا تَكْذِبَ، وَلَا تُخَالِطَ الْكَذَّابِينَ، وَأَنْ لَا تَغْضَبَ إِذَا سَمِعْتَ حَقًّا، وَأَنْ تُؤَدِّبَ نَفْسَكَ وَأَهْلَكَ وَوَلَدَكَ وَجِيرَانَكَ عَلَى حَسَبِ الطَّاقَةِ، وَأَنْ تَعْمَلَ بِمَا عَلِمْتَ، وَلَا تُعَامِلَنَّ أَحَدًا مِنْ خَلْقِ اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ إِلَّا بِالْحَقِّ، وَأَنْ تَكُونَ سَهْلًا لِلْقَرِيبِ وَالْبَعِيدِ، وَأَنْ لَا تَكُونَ جَبَّارًا عَنِيدًا، وَأَنْ تُكْثِرَ مِنَ التَّسْبِيحِ وَالتَّهْلِيلِ وَالدُّعَاءِ وَذِكْرِ الْمَوْتِ وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْقِيَامَةِ وَالْجَنَّةِ وَالتَّارِ، وَأَنْ تُكْثِرَ مِنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ، وَتَعْمَلَ بِمَا فِيهِ، وَأَنْ تَسْتَغْنِمَ الْبِرَّ وَالْكَرَامَةَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَأَنْ تَنْظُرَ إِلَى كُلِّ مَا لَا تَرْضَى فِعْلَهُ لِنَفْسِكَ فَلَا تَفْعَلْهُ بِأَحَدٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَلَا تَمَلَّ مِنْ فِعْلِ الْخَيْرِ، وَأَنْ لَا تُثَقِّلَ (1) عَلَى أَحَدٍ، وَأَنْ لَا تَمُنَّ عَلَى أَحَدٍ إِذَا أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَأَنْ تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَكَ سِجْنًا حَتَّى يَجْعَلَ اللَّهُ لَكَ جَنَّةً.

فَهَذِهِ أَرْبَعُونَ حَدِيثًا مِنْ اسْتِقَامَ عَلَيْهَا وَحَفِظَهَا عَنِّي مِنْ أُمَّتِي دَخَلَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَةِ اللَّهِ، وَكَانَ مِنْ أَفْضَلِ النَّاسِ وَأَحَبِّهِمْ إِلَى اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ بَعَدَ النَّبِيِّينَ وَالْوَصِيِّينَ، وَحَشْرُهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا. (2)

3969. عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْعَبْدَ لَفِي فُسْحَةٍ مِنْ أَمْرِهِ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَرْبَعِينَ سَنَةً، فَإِذَا بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْحَى اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ إِلَى مَلَكَيْهِ: إِنِّي قَدْ عَمَّرْتُ عَبْدِي عُمُرًا (وَقَدْ طَالَ خ ل) فَغَلَّظًا وَشَدَّدًا وَتَحَفَّظًا وَكُتِبَا عَلَيْهِ قَلِيلَ عَمَلِهِ وَكَثِيرَهُ وَصَغِيرَهُ وَكَبِيرَهُ. (3)

3970. عَنْ الزُّهْرِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَالَ لِي: يَا زُهْرِيُّ، مِنْ أَيْنَ جِئْتَ؟ قُلْتُ: مِنَ الْمَسْجِدِ، قَالَ: فِيمَ كُنْتُمْ؟ قَالَ: تَدَاكُرْنَا أَمْرَ الصَّوْمِ فَأَجْمَعَ رَأْيِي وَرَأْيَ أَصْحَابِي أَنَّهُ لَيْسَ مِنَ الصَّوْمِ شَيْءٌ وَاجِبٌ إِلَّا صَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ، فَقَالَ: يَا زُهْرِيُّ، لَيْسَ كَمَا قُلْتُمْ، إِنَّ الصَّوْمَ عَلَى أَرْبَعِينَ وَجْهًا؛ فَعَشْرَةٌ أَوْجُهٍ مِنْهَا وَاجِبَةٌ كَوُجُوبِ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَعَشْرَةٌ أَوْجُهٍ مِنْهَا صِيَامُ يَوْمِ حَرَامٍ، وَأَرْبَعَةٌ عَشْرٌ وَجْهًا مِنْهَا صَاحِبُهَا فِيهَا بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ صَامَ وَإِنْ شَاءَ أَفْطَرَ، وَصَوْمُ الْإِذْنِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ، وَصَوْمُ التَّأْدِيبِ، وَصَوْمُ الْإِبَاحَةِ، وَصَوْمُ السَّفَرِ وَالْمَرَضِ.

ص: 102

1- أي لا تلتق كل نفسك وثقلها على أحد، فتكون ثقيلاً عليه، أو لاتصاحب من لا يريد صحبتك فتكون ثقيلاً عليه.

2- . الخصال، ص 543، ح 19.

3- . روضة الواعظين، ص 476.

و در ظاهر نیکوکار و باطن زشت نداشته باش. اگر چنین باشی منافق هستی. و دروغ نگو.

و با مردم دروغگو همراهی نکن. و زمانی که حق را شنیدی خشمگین مشو. و خود و خانواده و فرزندان و همسایگان را در حد توان با ادب کن. و به آنچه می دانی عمل کن. و با کسی از بندگان خدا جز به حق رفتار نکن. و با نزدیکان و بیگانه سخت گیری نکن. و ستمگر سر سخت نباش. و بسیار تسبیح و تهلیل بگو. و زیاد دعا کن. و به یاد مرگ و بعد از آن مثل قیامت و بهشت و دوزخ باش. و قرآن را زیاد قرائت کن. و به آن رفتار نما. و نیکی و احترام به مردان و زنان مؤمن را غنیمت شمار. و دقت کنی هر کاری درباره خود را نمی پسندی با هیچ يك از مؤمنان انجام نده. و در کار خیر سستی نکن. و بار خود بر دوش کسی نگذار. و اگر به کسی احسان کردی بر او منت نگذار. و دنیا را برای خود زندان بشمار. تا خداوند بهشت را به تو عطا کند.

این چهل حدیث است که هر کس بر آن استقامت کند. و از من برای امت من حفظ کند.

با رحمت خدا وارد بهشت شود. و از بهترین و محبوبترین مردم پس از پیامبران و اوصیاء نزد خدا خواهد بود. و خداوند او را در قیامت با پیامبران و صدیقین و شهداء و صالحان محشور می کند و اینان رفیق نیکو هستند.

3969. امام صادق علیه السلام فرمود: هر بنده تا قبل از چهل سالگی در گشایش و آسودگی است. زمانی که به چهل سالگی رسید، خداوند به دو فرشته او وحی می کند: من به این بنده ام عمر [طولانی] دادم از این پس بر او سخت گیری کنید. و با دقت و شدت رفتار اندک و زیاد و کوچک و بزرگ او را ثبت کنید.

3970. زهری گوید: نزد امام زین العابدین علیه السلام رفتم. حضرت به من فرمود: ای زهری از کجا آمده ای؟ گفتم: از مسجد. فرمود: چکار می کردید؟ گفتم: در مورد روزه مذاکره می کردیم.

و همه به این نتیجه رسیدیم که جز ماه رمضان روزه واجب نیست.

حضرت فرمودند: ای زهری آنطور که گفتید نیست. روزه چهل صورت است. ده صورت آن مثل ماه رمضان واجب است. ده صورت حرام است. و چهارده صورت انسان مختار است روزه بگیرد یا نگیرد. سه صورت روزه اذن است. و روزه تأدیب و روزه مباح و روزه در سفر و مرض.

قُلْتُ: فَسَّرْهُنَّ لِي جُعِلَتْ فِدَاكَ!

قَالَ: أَمَّا الْوَاجِبُ فَصِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ لِمَنْ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مُتَعَمِّدًا، وَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ فِي قَتْلِ الْخَطَا لِمَنْ لَمْ يَجِدِ الْعِتْقَ وَاجِبًا، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلَيْهِ» إِلَىٰ قَوْلِهِ: «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ (1)».

وَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ فِي كَفَّارَةِ الظَّهَارِ لِمَنْ لَمْ يَجِدِ الْعِتْقَ وَاجِبًا، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى:

«وَالَّذِينَ يَظْهَرُونَ مِنْ تَسَالِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكُمْ تَوْعُظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ * فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا (2)».

وَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي كَفَّارَةِ الْيَمِينِ وَاجِبٌ لِمَنْ لَمْ يَجِدِ الْإِطْعَامَ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ (3)»، كُلُّ ذَلِكَ مُتَتَابِعٌ وَلَيْسَ بِمُتَفَرِّقٍ.

وَصِيَامُ أَذَى الْحَلْقِ حَلْقِ الرَّأْسِ وَاجِبٌ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ (4)»، وَصَاحِبُهَا فِيهَا بِالْخِيَارِ وَإِنْ صَامَ صَامَ ثَلَاثًا.

وَصَوْمُ دَمِ الْمُتَعَةِ وَاجِبٌ لِمَنْ لَمْ يَجِدِ الْهَدْيَ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ (5)».

[وَصَوْمُ جَزَاءِ الصَّيْدِ وَاجِبٌ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ هَدْيًا بِلِغِ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّرَةً طَعَامًا مَسْكِينًا أَوْ عَدْلُ ذَلِكَ

ص: 104

1- . النساء: 92.

2- . المجادلة: 3 و 4. «يتماسا» أى يجامعا.

3- . المائدة: 89.

4- البقرة: 196. وقوله: «نسك» جمع نسيكة؛ وهي الذبيحة.

5- . البقرة: 86.

گفتم: فدایت شوم آنها را برایم تقسیم فرمایید.

حضرت فرمودند: روزه واجب: روزه ماه رمضان و روزه دو ماه پی در پی برای کسی که يك روزه ماه رمضان را عمداً خورده باشد. و روزه دو ماه پی در پی كفارة قتل خطاء برای کسی که بنده ای برای آزاد کردن نیابد. خداوند فرمود: کسی که مؤمنی را به خطا کشت باید بنده ای مؤمن را آزاد کند. و ديه مقتول را به بستگان او بدهد. و کسی که بنده نیافت دو ماه پی در پی روزه بگیرد.

و روزه دو ماه پی در پی در كفارةظهار برای کسی که بنده نیافت تا آزاد کند. خداوند فرمود: کسانی که همسران خود راظهار کنند سپس از آنچه گفته اند برگردند، بنده مؤمنی را آزاد کنند. و اگر نیافتند قبل از تماس با همسر خود دو ماه پی در پی روزه بگیرند. [ظهار یعنی اینکه شوهر همسرش را به مادر یا خواهر خود تشبیه کند: و پس از گفتن این جمله:

ظَهْرُكَ كَظْهِرِ امِّي. نزدیکی کردن با همسر حرام می شود و قبل از آن باید كفاره بدهد و كفاره اش آزاد کردن بنده یا دو ماه پی در پی روزه گرفتن است.]

و سه روز روزه برای كفارة قسم واجب است. البته اگر نتواند به ده نفر فقیر غذا بدهد.

خداوند متعال می فرماید: کسی که نتوانست پس باید سه روز روزه بگیرد. این كفارة قسم است اگر سوگند یاد کنید. روزه در تمام موارد پی در پی است. و فاصله بین روزه ها نیست.

و روزه برای کسی که در حج بعلت بیماری پوستی سر نتواند سر خود را بتراشد واجب است. خداوند می فرماید: هر کس از شما بیمار باشد یا در سر او بیماری باشد پس باید بجای آن یا روزه بگیرد. یا صدقه بدهد. یا قربانی کند. در این مورد انسان مخیر است اگر روزه را انتخاب کرد سه روز روزه بگیرد.

روزه قربانی حج تمتع واجب است. کسی که قربانی پیدا نکند. خداوند می فرماید:

کسی که عمره را به حج برگرداند. پس باید حیوانی را که می تواند قربانی کند. و اگر نتوانست باید سه روز در حج، و هفت روز وقتی به وطن خود بازگشت روزه بگیرد.

مجموعاً ده روز می شود.

روزة كفارة شكار واجب است. خداوند می فرماید: کسی که حیوانی را عمداً بکشد كفاره اش معادل آن حیوانی است که کشته است. و باید دو نفر عادل بر مساوی بودن حکم کنند. قربانی را به مکه برساند. یا به كفارة آن به فقیران غذا بدهد. یا معادل آن روزه بگیرد.

صِيَامًا(1)»، ثُمَّ قَالَ: أَوْ تَدْرِي كَيْفَ يَكُونُ عِدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا يَا زُهْرِي؟ فَقُلْتُ: لَا أَدْرِي، قَالَ: تَقَوْمُ الصَّيْدِ قِيَمَةً، ثُمَّ تَقْضُ تِلْكَ الْقِيَمَةَ عَلَى الْبُرِّ، ثُمَّ يُكَالُ ذَلِكَ الْبُرُّ أَصْوَاعًا، فَيَصُومُ لِكُلِّ نِصْفِ صَاعٍ يَوْمًا.

وَصَوْمُ النَّذْرِ وَاجِبٌ، وَصَوْمُ الْإِعْتِكَافِ وَاجِبٌ.

وَأَمَّا الصَّوْمُ الْحَرَامُ فَصَوْمُ يَوْمِ الْفِطْرِ، وَيَوْمِ الْأَضْحَى، وَثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ(2)، وَصَوْمُ يَوْمِ الشُّكْرِ أَمْرًا بِهِ وَنُهَيْنًا عَنْهُ، أَمْرًا أَنْ نَصُومَهُ مَعَ شَعْبَانَ، وَنُهَيْنًا أَنْ يَنْفَرِدَ الرَّجُلُ بِصِيَامِهِ فِي الْيَوْمِ الَّذِي يَشُكُّ فِيهِ النَّاسُ.

قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! فَإِنْ لَمْ يَكُنْ صَامًا مِنْ شَعْبَانَ شَيْئًا كَيْفَ يَصْنَعُ؟ قَالَ: يَنْوِي لَيْلَةَ الشُّكْرِ أَنَّهُ صَائِمٌ مِنْ شَعْبَانَ، فَإِنْ كَانَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَجْزَأَ عَنْهُ، وَإِنْ كَانَ مِنْ شَعْبَانَ لَمْ يَصْرَ.

قُلْتُ: وَكَيْفَ يَجْزِي صَوْمُ تَطَوُّعٍ عَنْ فَرِيضَةٍ؟ فَقَالَ: لَوْ أَنَّ رَجُلًا صَامَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ تَطَوُّعًا وَهُوَ لَا يَدْرِي وَلَا يَعْلَمُ أَنَّهُ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، ثُمَّ عَلِمَ بَعْدَ ذَلِكَ أَجْزَأَ عَنْهُ لِأَنَّ الْفَرِيضَةَ إِنَّمَا وَقَعَ عَلَى الْيَوْمِ بَعِيْنِهِ.

وَصَوْمُ الْوِصَالِ حَرَامٌ، وَصَوْمُ الصَّمْتِ حَرَامٌ، وَصَوْمُ النَّذْرِ لِلْمَعْصِيَةِ حَرَامٌ، وَصَوْمُ الدَّهْرِ حَرَامٌ.

وَأَمَّا الصَّوْمُ الَّذِي صَاحِبُهُ فِيهِ بِالْخِيَارِ فَصَوْمُ يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَالْخَمِيسِ وَالْإِثْنَيْنِ، وَصَوْمُ أَيَّامِ الْبَيْضِ، وَصَوْمُ سِتَّةِ أَيَّامٍ مِنْ شَوَّالٍ بَعْدَ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَيَوْمِ عَرَفَةَ، وَيَوْمِ عَاشُورَاءَ، كُلُّ ذَلِكَ صَاحِبُهُ فِيهِ بِالْخِيَارِ؛ إِنْ شَاءَ صَامَ، وَإِنْ شَاءَ أَفْطَرَ.

وَأَمَّا صَوْمُ الْإِذْنِ فَإِنَّ الْمَرْأَةَ لَا تَصُومُ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا، وَالْعَبْدَ لَا يَصُومُ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ سَيِّدِهِ، وَالضَّيْفَ لَا يَصُومُ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ صَاحِبِهِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «فَمَنْ نَزَلَ عَلَى قَوْمٍ فَلَا يَصُومَنَّ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِهِمْ».

ص: 106

1- المائدة: 95.

2- لمن كان بمنى ناسكاً.

آنگاه فرمود: ای زهری آیا می دانی روزه معادل آن چقدر است؟ گفتیم: نه. فرمود: آن صید قیمت گذاری شود و به ازای هر نصف صاع گندم يك روز روزه بگیرد. [مثلاً اگر قیمت آن معادل ده صاع یا 30 کیلو گندم است، باید 20 روز روزه بگیرد.]

و روزه نذر واجب. و روزه اعتکاف واجب.

اما روزه های حرام: روزه عید فطر و عید قربان و ایام تشریق [یعنی سه روز بعد از عید قربان] برای کسی که در سرزمین منی باشد و مناسک حج انجام دهد.

و روزه یوم الشک که به روزه آن امر شده ایم و از روزه نهی شده ایم یعنی اگر از آتروز از ماه شعبان است [به نیت شعبان] روزه بگیریم و اگر مردم در آن تردید دارند کسی به تنهایی [آتروز را به نیت رمضان] روزه نگیرد.

گفتم: فدایت شوم اگر از ماه شعبان هیچ روزی روزه نگرفته باشد چه کند؟

فرمود: در آن شبی که فردایش مورد تردید است نیت کند به عنوان روزی از شعبان روزه بگیرد. اگر آن روز واقعاً اول رمضان باشد روزه واجب محسوب شود. و اگر آخر شعبان باشد ضرری ندارد.

گفتم: چگونه روزه مستحب به جای روزه واجب کفایت می کند؟

فرمود: اگر کسی روزی از ماه رمضان را روزه مستحب بگیرد و نداند که آن روز رمضان است و بعداً بداند که رمضان بوده است. آن روزه کافی است. چون واجب در همان روز واقع شده است.

و روزه وصال یعنی از سحر تا سحرگاه بعد روزه بگیرد حرام است.

و روزه سکوت [یعنی روزه ای که در آن با سکوت کردن، سخن گفتن را بر خود حرام کند]. حرام است. و روزه نذر برای گناه و روزه تمام عمر حرام است.

اما روزهایی که انسان مختار است:

روز جمعه و پنجشنبه و دوشنبه و ایام بیض [روزهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماه قمری] و روزه شش روز از ماه شوال بعد از عید فطر و روز عرفه و روز عاشورا. در این روزها انسان مختار است روزه بگیرد یا نگیرد.

روزه اذن: زن برای روزه مستحب با اجازه شوهر روزه بگیرد. عبد با اجازه مولای خود روزه مستحب بگیرد. میهمان برای روزه مستحب باید از میزبان اجازه بگیرد. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که میهمان گروهی می شود نباید روزه مستحب بگیرد مگر با اجازه آنان.

وَأَمَّا صَوْمُ التَّأْدِيبِ فَإِنَّهُ يُؤْمَرُ الصَّبِيَّ إِذَا رَاهَقَ (1) بِالصَّوْمِ تَأْدِيباً وَلَيْسَ بِفَرْضٍ، وَكَذَلِكَ مَنْ أَفْطَرَ لِعَلَّةٍ مِنَ أَوَّلِ النَّهَارِ ثُمَّ قَوِيَ بَعْدَ ذَلِكَ أَمَرَ بِالْإِمْسَاكِ بِقِيَّةِ يَوْمِهِ تَأْدِيباً وَلَيْسَ بِفَرْضٍ، وَكَذَلِكَ الْمُسَافِرُ إِذَا أَكَلَ مِنَ أَوَّلِ النَّهَارِ، ثُمَّ قَدِمَ أَهْلَهُ أَمَرَ بِالْإِمْسَاكِ بِقِيَّةِ يَوْمِهِ تَأْدِيباً وَلَيْسَ بِفَرْضٍ.

وَأَمَّا صَوْمُ الْإِبَاحَةِ فَمَنْ أَكَلَ أَوْ شَرِبَ نَاسِياً أَوْ تَعِيّاً مِنْ غَيْرِ تَعَمُّدٍ فَقَدْ أَبَاحَ اللَّهُ ذَلِكَ لَهُ وَأَجْزَأَ عَنْهُ صَوْمُهُ.

وَأَمَّا صَوْمُ السَّفَرِ وَالْمَرَضِ فَإِنَّ الْعَامَّةَ اخْتَلَفَتْ فِيهِ؛ فَقَالَ قَوْمٌ: يَصُومُ، وَقَالَ قَوْمٌ: إِنْ شَاءَ صَامَ، وَإِنْ شَاءَ أَفْطَرَ، وَأَمَّا نَحْنُ فنَقُولُ: يُفْطَرُ فِي الْحَالَيْنِ جَمِيعاً؛ فَإِنْ صَامَ فِي السَّفَرِ أَوْ فِي حَالِ الْمَرَضِ فَعَلَيْهِ الْقَضَاءُ فِي ذَلِكَ؛ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضاً أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ». (2) بَابُ سِتَّةٍ وَأَرْبَعِينَ

مِنْ وَصِيَّةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِكُمَيْلِ بْنِ زِيَادٍ مُخْتَصَرَةً:

3971. يَا كُمَيْلُ، سَمِّ كُلَّ يَوْمٍ بِاسْمِ اللَّهِ، وَقُلْ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»، وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ، وَادْكُرْنَا وَسَمِّ بِأَسْمَائِنَا وَصَلِّ عَلَيْنَا، وَأَدِرْ بِذَلِكَ عَلَى نَفْسِكَ (3) وَمَا تَحَوُّطُهُ عِنَايَتِكَ، تَكْفَ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

يَا كُمَيْلُ، إِنْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَذَبَهُ اللَّهُ، وَهُوَ أَذَّبَنِي، وَأَنَا أَوَدَّبُ الْمُؤْمِنِينَ وَأَوَدَّبْتُ الْآدَابَ الْمُكْرَمِينَ.

يَا كُمَيْلُ، مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَأَنَا أَفْتَحُهُ، وَمَا مِنْ سِرٍّ إِلَّا وَقَائِمٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْتِمُهُ.

يَا كُمَيْلُ، ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.

ص: 108

1- رَاهِقُ الْغُلَامِ فَهُوَ مَرَاهِقٌ: إِذَا قَارَبَ الْإِحْتِلَامَ (الصَّحَاحُ: 1487/4).

2- . تَفْسِيرُ الْقَمِّيِّ، ج 1، ص 185-187.

3- . أَدِرْ بِذَلِكَ عَلَى نَفْسِكَ: أَيِ طَوَّفَ بِهِ عَلَى نَفْسِكَ، مِنْ دَارِ الشَّيْءِ يَدُورُ بِهِ: إِذَا طَافَ حَوْلَهُ؛ يَعْنِي أَنْ يَدُورُ بِهَذَا الْاسْمِ عَلَى نَفْسِهِ، مِثْلًا أَنْ يَقْرَأَهُ حَوْلَهُ أَوْ يَنْفِثَ بَعْدَ الْقِرَاءَةِ حَوْلَهُ. وَالْمُرَادُ بِقَوْلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَمَا تَحَوُّطُهُ عِنَايَتِكَ: أَيِ مَا تَحْفَظُهُ وَتَعَهِّدُهُ عِنَايَتِكَ مِنَ الْمَالِ وَالْأَوْلَادِ مِنْ كُلِّ مَا يَهْتَمُّهُ. وَالْحَوُّطُ وَالْعِنَايَةُ بِمَعْنَى وَهُوَ الْحَفْظُ.

روزه تأدیّب: زمانی که کودک به سن بلوغ نزدیک شد برای تأدیّب به او امر کنند روزه بگیرد. این روزه واجب نیست. همینطور کسی که با عذر اول روز افطار کرد سپس عذر او برطرف شد امر می کنند که بقیه روز خودداری کند. این روزه هم واجب نیست و فقط برای تأدیّب است.

همچنین به مسافر که ابتدای روز در سفر بوده و پس از افطار کردن وارد وطن خود شده است، امر می شود، بقیه روز را خودداری کند. البته واجب نیست و برای تأدیّب است.

روزه اباحه: کسی که به علت فراموشی یا تقیّه و غیر عمد چیزی بخورد یا بیاشامد، خداوند آن را بر او مباح فرموده است. و روزه اش صحیح است.

روزه سفر و بیماری: اهل تسنن در آن اختلاف دارند. عده ای گفته اند: روزه بگیرید و عده ای گفته اند: اگر خواست روزه بگیرد و اگر خواست بخورد.

اما علمای شیعه گفته اند: در سفر و بیماری روزه نگیرد. و اگر در سفر یا در حال بیماری روزه بگیرد باید قضای آن را بگیرد. چون خداوند می فرماید: اگر کسی از شما بیمار یا مسافر باشد روزهای دیگر [به تعداد روزهای بیماری یا سفر] روزه بگیرد.

باب چهل و شش

اشاره

3971. خلاصه ای از وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام به کمیل بن زیاد:

ای کمیل؛ هر روز نام خدا را ببر و بگو: لا حول ولا قوة الا بالله [نیرو و قدرتی جز خداوند نیست]. و به خداوند توکل کن. و ما را یاد کن. و اسامی ما را ببر. و بر ما صلوات بفرست. و بوسیله تکرار آن خود و نیازهای خود را محافظت نما. با این کار شر آن روز را از خود دور کرده ای ان شاء الله.

ای کمیل؛ خداوند به رسول الله صلی الله علیه و آله ادب آموخت. و او به من ادب آموخت. و من به مؤمنین ادب می آموزم. و آداب را به بزرگواران به ارث می گذارم.

ای کمیل؛ دانشی نیست جز اینکه من آن را می گشایم. سرّی نیست جز اینکه حضرت قائم علیه السلام آن را به پایان می رساند [تمام اسرار در زمان ایشان معلوم خواهد شد].

ای کمیل؛ نسل ما [اهل بیت و سلسله امامت] فرزندان هستند که هر يك از فرزندان قبلی ها هستند. و خداوند شنوا و داناست.

يا كَمِيلُ، لا تَأْخُذْ إِلا عَنَّا تَكُنْ مِنَّا.

يا كَمِيلُ، ما مِن حَرَكَةٍ إِلا وَأَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلى مَعْرِفَةٍ.

يا كَمِيلُ، إِذا أَكَلْتَ الطَّعامَ فَسَمِّ بِاسْمِ الَّذِي لا يُضُرُّ مَعَ اسْمِهِ داءٌ، وفيهِ شِفاءٌ مِن كُلِّ الأَسْواءِ.

يا كَمِيلُ، واكِلِ الطَّعامَ ولا تَبْخَلْ عَلَيهِ؛ فَإِنَّكَ لَنْ تَرزُقَ النَّاسَ شَيْئاً، وَاللَّهُ يُجْزِلُ لَكَ الثَّوابَ بِذَلِكَ، أَحْسِنِ عَلَيهِ خُلُقَكَ، وَابْسُطْ جَلِيسَكَ، ولا تَتَّهِمِ خادِمَكَ.

يا كَمِيلُ، إِذا أَكَلْتَ فَطَوَّلْ أَكْلَكَ لِيَسْتَوِيَ مَن مَعَكَ وَيُرزَقَ مِنْهُ غَيْرُكَ.

يا كَمِيلُ: إِذا اسْتَوَيْتَ طَعامَكَ فَاحْمَدِ اللَّهَ عَلَي ما رَزَقَكَ وَارْفَعْ بِذَلِكَ صَوْتَكَ يَحْمَدُهُ سِوَاكَ؛ فَيَعْظُمُ بِذَلِكَ أَجْرَكَ.

يا كَمِيلُ، لا تَوْفِرَنَّ مَعِدَتَكَ طَعاماً وَدَعِ فِيها لِلْماءِ مَوْضِعاً وَلِلرَّيحِ مَجالاً، ولا تَرْفَعِ يَدَكَ مِنَ الطَّعامِ إِلا وَأَنْتَ تَشْتَهِيهِ، فَإِنِ فَعَلْتَ ذَلِكَ فَأَنْتَ تَسْتَمِرُّهُ؛ فَإِنَّ صِحَّةَ الجِسمِ مِن قِلَّةِ الطَّعامِ وَقِلَّةِ المِاءِ.

يا كَمِيلُ، البَرَكَةُ فِي مالٍ مَن آتَى الزَّكَاةَ وَوَأَسَى المُؤْمِنِينَ وَوَصَلَ الأَقْرَبِينَ.

يا كَمِيلُ، زِدْ قَرابَتَكَ المُؤْمِنِ عَلَي ما تُعْطِي سِواهُ مِنَ المُؤْمِنِينَ، وَكُنْ بِهِم أَرأَفَ وَعَلَيْهِم أَعْطَفَ، وَتَصَدَّقْ عَلَي المَساكِينِ.

يا كَمِيلُ، لا تَرُدَّ سائِلاً وَلَوْ مِن شَطْرِ حَبَّةِ عَنَبٍ أَوْ شِقِّ تَمْرَةٍ؛ فَإِنَّ الصَّدَقَةَ تَنمو عِنْدَ اللَّهِ.

يا كَمِيلُ، أَحْسِنُ حِلِيَةَ المُؤْمِنِ التَّواضُعُ، وَجَمالُهُ التَّعَفُّفُ، وَشَرَفُهُ التَّقْهُهُ، وَعِزُّهُ تَرُكُ القالِ وَالقِيلِ.

يا كَمِيلُ، فِي كُلِّ صِدْقٍ قَوْمٌ أَرْفَعُ مِنَ قَوْمٍ؛ فَإِيَّاكَ وَمُناظَرَةَ الخَسِيسِ (1) مِنْهُم وَإِنْ أَسْمَعُوكَ، واحْتَمِلْ وَكُنْ مِنَ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ: «وَإِذا خَاطَبَهُمُ الجَهِلُونَ قالُوا سَلْماً» (2).

يا كَمِيلُ، قُلِ الحَقَّ عَلَي كُلِّ حالٍ، ووادِّ المُتَمَيِّنَ، واهْجُرِ الفاسِقِينَ، وَجانِبِ المُنافِقِينَ، ولا تُصاحِبِ الخائِنِينَ.

ص: 110

1- الخسيس: الدني. والخساسة والخسيسية الحالة التي يكون عليها الخسيس. وإن أسمعوك: أي أسمعوك المكروه.

2- . سورة الفرقان الآية: 63.

ای کمیل؛ [دین و دانش را] جز از ما نیاموز تا از ما باشی.

ای کمیل؛ هیچ حرکتی نیست جز اینکه تو در آن به آگاهی نیازمندی.

ای کمیل؛ وقتی غذا می خوری نام خدا را ذکر کن. که با اسم خدا هیچ دردی ضرر نمی رساند. و اسم او شفای هر رنجی است.

ای کمیل؛ به دیگران اطعام کن و بخل نداشته باش. چون تو به مردم روزی نمی دهی. و خدا ثواب زیاد برای این کار به تو می دهد. و اخلاق خود را خوب کن. و با همشین خود خوشرو باش. و خدمتکار خود را متهم نکن.

ای کمیل؛ هنگام غذا خوردن، آن را طولانی کن. تا کسی که با تو غذا می خورد خوب بهره مند شود. و از غذای تو دیگری هم برخوردار شود.

ای کمیل؛ زمانی که غذای خود را به پایان بردی خدا را شکر کن. و با صدای بلند بگو:

الحمدلله. تا دیگران هم خدا را شکر کنند. و ثواب تو زیاد شود.

ای کمیل؛ معده خود را از غذا پر نکن. و برای آب و نفس هم مجال بگذار. و هنگامی که هنوز اشتها داری از غذا دست بردار. چون اگر چنین رفتار کنی غذا برای تو گوارا خواهد شد. و سلامتی بدن از کم خوردن و کم آشامیدن است.

ای کمیل؛ برکت در مال کسی است که زکات بدهد. و با مالش به مؤمنان یاری رساند. و با نزدیکان رابطه برقرار کند.

ای کمیل؛ به خویشاوندان مؤمن خود بیشتر از دیگران هدیه بده. و با آنان مهربان تر و عطوفت بیشتر داشته باش. و به فقیران صدقه بده.

ای کمیل؛ فقیر را رد نکن. گرچه با نصف حبه انگور یا نصف خرما. چون صدقه نزد خدا رشد می کند. و زیاد می شود.

ای کمیل؛ بهترین زینت مؤمن فروتنی است. و پاکدامنی جمال او، و فقه و فهم دین شرف او، و ترك قيل و قال عزت اوست.

ای کمیل؛ در هر صنفی گروهی از دیگران برترند. از گفتگو با افراد پست پرهیز کن. گر چه به توناسزا گویند. و تحمل کن. و از کسانی باش که خداوند آنان را توصیف فرموده:

«زمانی که جاهلان به آنان خطاب می کنند، [آنان در جواب] می گویند سلام».

ای کمیل؛ در همه حال حق بگو. و با پرهیزکاران دوستی و از گنهکاران دوری کن. و از

يا كَمِيلُ، لا تَطْرُقْ أَبْوابَ الظَّالِمِينَ لِإِخْتِلاطِ بِهِمْ وَالْإِكْتِسَابِ مَعَهُمْ، وَإِيَّاكَ أَنْ تُعْظِمَهُمْ وَأَنْ تَشْهَدَ فِي مَجَالِسِهِمْ بِمَا يُسَخِطُ اللَّهَ عَلَيْكَ، وَإِنْ اضْطُرَرْتَ إِلَى حُضُورِهِمْ فَادْوِمِ ذِكْرَ اللَّهِ وَالتَّوَكُّلَ عَلَيْهِ، وَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِهِمْ وَأَطْرِقْ عَنْهُمْ وَأَنْكِرْ بِقَلْبِكَ فِعْلَهُمْ، وَاجْهَرَ بِتَعْظِيمِ اللَّهِ تُسْمِعُهُمْ؛ فَإِنَّكَ بِهَا تُؤَيِّدُ وَتُكْفِي شَرَّهُمْ.

يا كَمِيلُ، إِنَّ أَحَبَّ مَا تَمَثَّلَهُ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ بَعْدَ الْإِقْرَارِ بِهِ وَبِأَوْلِيائِهِ التَّعَفُّفُ وَالتَّحَمُّلُ وَالْإِصْطِبَارُ.

يا كَمِيلُ، لَا تُرِ النَّاسَ إِفْتَارَكَ (1) وَاصْبِرْ عَلَيْهِ احْتِسَاباً بَعِزٌّ وَتَسْتَرٌ.

يا كَمِيلُ، لَا بَأْسَ أَنْ تَعْلِمَ أَخَاكَ سِرَّكَ. وَمَنْ أَخُوكَ؟ أَخُوكَ الَّذِي لَا يَخْذُلُكَ عِنْدَ الشَّدِيدَةِ، وَلَا يَقْعُدُ عَنْكَ عِنْدَ الْجَرِيرَةِ، وَلَا يَدْعُكَ حَتَّى تَسْأَلَهُ، وَلَا يَذْرُكَ وَأَمْرَكَ حَتَّى تُعَلِّمَهُ، فَإِنْ كَانَ مُمِيلاً أَصْلَحَهُ (2).

يا كَمِيلُ، الْمُؤْمِنَ مِرَاةَ الْمُؤْمِنِ؛ لِأَنَّهُ يَتَأَمَّلُهُ فَيَسُدُّ فَاقَتَهُ وَيُجَمِّلُ حَالَتَهُ.

يا كَمِيلُ، الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ وَلَا شَيْءَ آثَرٍ عِنْدَ كُلِّ أَخٍ مِنْ أَخِيهِ.

يا كَمِيلُ، إِنْ لَمْ تُحِبِّ أَخَاكَ فَلَسْتَ أَخَاهُ، إِنَّ الْمُؤْمِنَ مَنْ قَالَ بِقَوْلِنَا؛ فَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ قَصَرَ عَنَّا، وَمَنْ قَصَرَ عَنَّا لَمْ يَلْحَقْ بِنَا، وَمَنْ لَمْ يَكُنْ مَعَنَا فَفِي الدَّرِكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ.

يا كَمِيلُ، كُلُّ مَصْدُورٍ يَنْفُثُ (3)؛ فَمَنْ نَفَثَ إِلَيْكَ مِمَّا بِأَمْرِ أَمْرِكَ بَسْتَرِهِ فَإِيَّاكَ أَنْ تُبَدِيَهُ، وَلَيْسَ لَكَ مِنْ إِبْدَائِهِ تَوْبَةٌ، وَإِذَا لَمْ يَكُنْ تَوْبَةً فَالْمَصِيرُ إِلَى لُظَى.

يا كَمِيلُ، إِذَاعَةُ سِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ - لَا يَقْبَلُ مِنْهَا، وَلَا يُحْتَمَلُ أَحَدٌ عَلَيْهَا، وَمَا قَالُوهُ فَلَا تُعَلِّمِ إِلَّا الْمُؤْمِنًا مُؤَفَّقًا.

ص: 112

1- . الإفتار على الإنسان في الرزق: أي الضيق يعني إذا ضاق عليك الرزق وقرر لا تذكره للناس، واصبر لله تعالى.

2- . الجريرة: الجناية؛ لأنها تجر العقوبة إلى الجاني. ولا يذرك: أي لا يدعك. لا يقعد عنك عند الجريرة: أي لا يتأخر عنك عند الجريرة؛ وهي الجناية، بل يسرع إلى معاونتك وموازرتك، وفي البحار: «ولا يخذلك عند الشدة ولا يغفل عنك عند الجريرة، ولا يخذعك حين تسأله...». فإن كان ممياً: أي مائلاً عن الحق وجائراً عن القصد. أصلحه: أي يتدخل في أمر للإصلاح.

3- المصدور: الذي يشتكي صدره. النفث: شبيه النفخ. أي كل من كان أصيب صدره لا بد أن ينفث؛ كناية عن أن الذي عرّضه أمر همّه أو غمّه لا بد وأن يظهره.

منافقان اجتناب کن. و با خائنان همراهی نکن.

ای کمیل؛ درب خانه ستمگران را برای همراهی و کسب با آنان مزن. و مبادا به آنان تعظیم کنی و در مجالسی که خشم خدا بر تو را فراهم کند حاضر شوی. و اگر بناچار حاضر شدی، پیوسته به یاد خدا باش. و به او توکل کن. و از شر آنان به خدا پناه ببر. و از آنان چشم‌پوش. و در قلب خود با رفتار آنان مخالفت کن. و با صدای بلند تعظیم خداوند را به گوش آنان برسان. زیرا با این کار تو تأیید می‌شوی. و از شر آنان در امان خواهی بود.

ای کمیل؛ محبوبترین اطاعت بندگان نزد خداوند پس از اعتراف به خدا و اولیاء او پاکدامنی و بردباری و صبر است.

ای کمیل؛ تنگدستی خود را برای مردم آشکار نکن. و با عزت و آبرومندی برای نیل به ثواب صبر کن.

ای کمیل؛ اگر راز خود را به برادرت بگویی اشکال ندارد. برادرت کیست؟ برادرت کسی است که در سختی تو را تنها رها نکند. و هنگامی که از دست تو خطایی در رفت و جنایتی واقع شد از یاری تو کوتاهی نکند. و تو را وانگذارد تا مجبور شوی از او کمک بخواهی.

تو را با مشکلات تنها نگذارد تا به او اطلاع بدهی. اگر انحرافی رخ داد آن را اصلاح کند.

ای کمیل؛ مؤمن آینه مؤمن است. زیرا در او می‌نگرد. و با دقت کمبود او را برطرف می‌کند. و وضعیت او را رویره می‌کند.

ای کمیل؛ مؤمنان برادرند. و برای هر کس چیزی ارزشمندتر از برادرش نیست.

ای کمیل؛ اگر برادرت [دوستت] را دوست نداری پس تو برادر او نیستی. مؤمن کسی است که گفتار ما را بگوید. و کسی که از حق دوستش کوتاهی کند از ما کوتاهی کرده است. و کسی که از ما کوتاهی کند به ما ملحق نمی‌شود. و کسی که با ما نباشد در بدترین درک جهنم جای دارد.

ای کمیل؛ هر انسان دلتنگ آه می‌کشد. و هر کس نزد تو از ما درد دلی گفت و خواست که راز داری کنی، مبادا آن را فاش سازی. و برای افشاء آن توبه تو پذیرفته نمی‌شود. و اگر توبه پذیرفته نشود، سرانجام دوزخ است.

ای کمیل؛ فاش کردن سرّ آل محمد صلی الله علیه و آله پذیرفتنی نیست. و کسی [در صورت فاش شدن] تحمل آن را ندارد. و آنچه را گفته اند جز به مؤمن موفق اعلام نکن.

يا كَمِيلُ، قُلْ عِنْدَ كُلِّ شِدَّةٍ: «لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» تُكْفِها، وَقُلْ عِنْدَ كُلِّ نِعْمَةٍ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» تَزِدُّ مِنْها، وَإِذا أَبْطَأَتِ الأَرْزاقُ عَلَيْكَ فَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ يُوسِّعْ عَلَيْكَ فِيها.

يا كَمِيلُ: ائِجْ بِوِلايَتِنَا مِنْ أَنْ يَشْرَكَكَ الشَّيْطانُ فِي مالِكَ وَوَلَدِكَ.

يا كَمِيلُ: إِنَّهُ مُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ، فَاحْذَرِ أَنْ تَكُونَ مِنَ المُسْتَوْدَعِينَ، وَإِنَّمَا يَسْتَحِقُّ أَنْ يَكُونَ مُسْتَقَرًّا (1) إِذا لَزِمْتَ الجادَّةَ الواضِحَةَ الَّتِي لا تُخْرِجُكَ إِلى عِوَجٍ ولا تُزِيلُكَ عَنْ مَنهَجٍ.

يا كَمِيلُ، لا رُخْصَةَ فِي فَرَضٍ، ولا شِدَّةَ فِي نَافِلَةٍ.

يا كَمِيلُ، إِنَّ ذُنُوبَكَ أَكْثَرُ مِنْ حَسَناتِكَ، وَغَفَلَتِكَ أَكْثَرُ مِنْ ذِكْرِكَ، وَنِعَمَ اللَّهِ عَلَيْكَ أَكْثَرُ مِنْ عَمَلِكَ.

يا كَمِيلُ، إِنَّكَ لا تَخْلُو مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عِنْدَكَ وَعَافِيَتِهِ إِياكَ، فَلا تَخُلْ [مِنْ] (2) تَحْمِيدِهِ وَتَمجِيدِهِ وَتَسْبِيحِهِ وَتَقْدِيسِهِ وَشُكْرِهِ وَذِكْرِهِ عَلَى كُلِّ حالٍ.

يا كَمِيلُ، لا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ قالَ اللَّهُ: «سُواهُ اللَّهُ فَانْسَلْ - هُمْ أَنْفُسُهُمْ» (3) وَنَسَبَهُمْ إِلى الفِسقِ فَهُمْ فاسِقُونَ.

يا كَمِيلُ، لَيْسَ الشَّانُ أَنْ تُصَلِّيَ وَتَصُومَ وَتَصَدَّقَ، الشَّانُ أَنْ تَكُونَ الصَّلَاةَ بِقَلْبٍ نَقِيٍّ وَعَمَلٍ عِنْدَ اللَّهِ مَرْضِيٍّ وَخُشُوعٍ سَوِيٍّ، وَانظُرْ فِيما تُصَلِّيَ وَعَلَى ما تُصَلِّيَ إِنْ لَمْ يَكُنْ مِنْ وَجْهِهِ وَحِلَّهُ فَلا قَبُولَ.

يا كَمِيلُ، اللِّسانُ يَنْزَحُ القَلْبَ (4)، وَالقَلْبُ يَقُومُ بِالغِذاءِ، فَانظُرْ فِيما تُغْذِي قَلْبَكَ وَجِسْمَكَ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ حَلالاً لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ تَسْبِيحَكَ وَلا شُكْرَكَ.

يا كَمِيلُ، افهَمْ وَاعْلَمْ أَنَّا لا نُرْخِصُ فِي تَرْكِ أداءِ الأَمادَةِ لِأَحَدٍ مِنَ الخَلْقِ، فَمَنْ رَوَى عَنِّي فِي ذَلِكَ رُخْصَةً فَقَدْ أَبْطَلَ وَأَثِمَ وَجَزَأَهُ النَّارَ بِما كَذَبَ، اقسِمُ لَسَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ لِي قَبْلَ وَفَاتِهِ بِساعَةٍ مَراراً ثَلاثاً: يا أبا الحَسَنِ اذْ (5) الأمانَةَ إِلى البَرِّ وَالفاجِرِ فِيما جَلَّ وَقَلَّ حَتَّى الخَيْطِ وَالْمَخِيطِ (6).

ص: 114

1- . أي إن الإيمان مستقرّ ومستودع، وإن الاستقرار يتحقق بالتقوى وترك المعاصي.

2- أضفناها من تحف العقول والبحار.

3- سورة الحشر الآية: 19.

4- ينزح القلب: أي كل ما في القلب يظهر باللسان. وفي البحار: أن اللسان ييوج من القلب، ولعل المراد: أن اللسان في أعماله يستمد من القلب، والقلب يحتاج إلى الغذاء حتى يمد اللسان فإن كان الغذاء من حرام لا يقبل عمل اللسان.

5- . أداء (خ ل).

6- . أي حفظ الأمانة من حقوق الإنسان على الإنسان وإن كان كافراً.

ای کمیل؛ در هر سختی بگوی: لا حول ولا قوة الا بالله. از آن رها می شوی. و در هر نعمت بگو: الحمد لله. آن نعمت فراوان می شود. و هنگامی که روزی توبه کنی می رسد استغفار کن. روزی وسعت یابد.

ای کمیل؛ با ولایت ما از شراکت شیطان در مال و فرزند خود نجات یاب.

ای کمیل؛ ولایت بر دو نوع پایدار و ناپایدار است. بر حذر باش از اینکه تو ولایت مدار ناپایدار باشی. و وقتی ولایت شایسته پایدار می شود که در راه روشنی حرکت کنی، که تو را منحرف نسازد، و از پیمودن راه باز ندارد.

ای کمیل؛ در واجبات رخصت ترك و در مستحبات فشاری برای انجام دادن نیست.

ای کمیل؛ گناهان تو از حسنات تو بیشتر است. و غفلت تو بیشتر از توجه توست. و نعمتهای خدا بر تو فراوان تر از کردار توست.

ای کمیل؛ هرگز از نعمتهای خداوند به تو و سلامتی که به تو داده است جدا نیستی. پس تو نیز ستایش و ثناگویی و تسبیح و تقدیس و شکر و یاد خدا را در هر حال بجای آور.

ای کمیل؛ از کسانی نباش که خداوند فرموده: «خداوند را فراموش کردند. و خدا هم خودشان را از یادشان برده است».

ای کمیل؛ هدف این نیست که فقط نماز بخوانی، و روزه بگیری، و صدقه بدهی، مهم این است که نماز با قلب پاک و عملی مورد پسند خدا و فروتنی درست باشد. دقت کن در چه لباسی و روی چه چیزی نماز می خوانی. که اگر آنها از راه حلال و صحیح نباشد نماز پذیرفته نمی شود.

ای کمیل؛ زبان از قلب می تراود. و قلب با غذا زنده است. و در آنچه با آن قلب و بدن خود را تغذیه می کنی دقت کن. که اگر حلال نباشد خداوند تسبیح و شکر تو را نمی پذیرد.

ای کمیل؛ دریاب و بدان ما به کسی اجازه نمی دهیم که ادای امانت را ترك کند. و کسی که از من چنین اجازه را روایت کند باطل گفته و گناه کرده است. و سزای دروغ او دوزخ است. سوگند می خورم که شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله ساعتی قبل از وفات به من سه با فرمود: یا ابالحسن امانت را به نیکوکار و گنه کار ادا کن، کم باشد یا زیاد حتی نخ و سوزن.

يا كَمِيلُ، لا عَزَوَ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ عَادِلٍ، وَلَا نَفَلَ (1) إِلَّا مِنْ إِمَامٍ فَاضِلٍ.

يا كَمِيلُ، لَوْ لَمْ يَظْهَرْ نَبِيُّ وَكَانَ فِي الْأَرْضِ مُؤْمِنٌ تَقِيٌّ لَكَانَ فِي دُعَائِهِ إِلَى اللَّهِ مُخْطِئاً أَوْ مُصِيباً، بَلِ وَاللَّهِ مُخْطِئاً حَتَّى يَنْصِبَهُ اللَّهُ لِدُنْيَاكَ وَيُؤْهِلَهُ لَهُ (2).

يا كَمِيلُ، الدِّينُ لِلَّهِ؛ فَلَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْ أَحَدٍ الْقِيَامَ بِهِ إِلَّا رَسُولاً أَوْ نَبِيّاً أَوْ وَصِيّاً.

يا كَمِيلُ، هِيَ نَبْوَةٌ وَرِسَالَةٌ وَإِمَامَةٌ، وَلَيْسَ بَعْدَ ذَلِكَ إِلَّا مَوَالِيْنٌ مُتَّبِعِينَ، أَوْ عَامِهِيْنَ مُبْتَدِعِينَ «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (3).

يا كَمِيلُ، إِنَّ اللَّهَ كَرِيمٌ حَلِيمٌ عَظِيمٌ رَحِيمٌ دَلَّنَا عَلَى أَخْلَاقِهِ، وَأَمَرَنَا بِالْأَخْذِ بِهَا، وَحَمَلَ النَّاسِ عَلَيْهَا، فَقَدْ أَدْبَانَهَا غَيْرَ مُتَخَلِّفِينَ، وَأَرْسَلْنَاهَا غَيْرَ مُنَافِقِينَ، وَصَدَّقْنَاهَا غَيْرَ مُكَذِّبِينَ، وَقَبَلْنَاهَا غَيْرَ مُرْتَابِينَ.

يا كَمِيلُ، لَسْتُ - وَاللَّهِ - مُتَمَلِّقاً حَتَّى اطَاعَ، وَلَا - مُمْتِئاً حَتَّى لَا اعْصَى، وَلَا مَائِلاً لِطَعَامِ الْأَعْرَابِ حَتَّى انْحَلَّ (4) إِمْرَةَ الْمُؤْمِنِينَ وَأُدْعَى بِهَا (5).

يا كَمِيلُ، إِنَّمَا حَظِي مَنْ حَظِي بِدُنْيَا زَائِلَةٍ مُدْبِرَةٍ، وَنَحَظِي (6) بِآخِرَةٍ بَاقِيَةٍ ثَابِتَةٍ.

يا كَمِيلُ، إِنَّ كُلاًَّ يَصِيرُ إِلَى الْآخِرَةِ، وَالَّذِي نَرَعُبُ فِيهِ مِنْهَا رَضَى اللَّهُ وَالذَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَّةِ الَّتِي يورِثُهَا مَنْ كَانَ تَقِيّاً.

يا كَمِيلُ، مَنْ لَا يَسْكُنُ الْجَنَّةَ فَبَشْرُهُ بِعَذَابِ أَلِيمٍ وَخِزْيٍ مُقِيمٍ.

يا كَمِيلُ، أَنَا أَحْمَدُ اللَّهُ عَلَى تَوْفِيقِهِ، وَعَلَى كُلِّ حَالٍ. إِذَا شِئْتَ فُقِّم. (7)

ص: 116

1- . النَّفْلُ - مُحَرَّكَةٌ - الْغَنِيْمَةُ.

2- . يَعْنِي أَنَّ الدَّعْوَةَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لِابْتَدَاءِ وَأَنْ يَكُونَ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى، وَلَعَلَّهُ إِشَارَةٌ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى: «يَهْدُونَا بِأَمْرِنَا» وَنَحْنُ الْمُسْلِمُونَ نَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ مِثْلًا بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ.

3- . أَيِ الدَّعْوَةِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لَيْسَتْ إِلَّا نَبْوَةٌ أَوْ رِسَالَةٌ أَوْ إِمَامَةٌ، وَلَيْسَ بَعْدَ ذَلِكَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ دَاعِيّاً مَوَالِيّاً تَابِعاً لِلنَّبِيِّ أَوْ الْإِمَامِ أَوْ عَامِهَاً مُبْتَدِعاً وَالْعَمَّةَ فِي الْبَصِيرَةِ كَالْعَمِي فِي الْبَصْرِ.

4- . أَنْحَلُ فَلَاناً شَيْئاً: أَعْطَاهُ إِيَّاهُ وَخَصَّه بِهِ. وَفِي بَشَارَةِ الْمُصْطَفَى: «حَتَّى أَنْتَحِلَّ».

5- . أَيِ لَا اطَاعَ بِتَمَلُّقِي لِلنَّاسِ مِنْ رُؤَسَاءِ الْقَبَائِلِ وَالْعَشَائِرِ وَغَيْرِهِمْ. وَلَا اطَاعَ بِإِعْطَاءِ مَالٍ، وَالظَّاهِرُ مِنْ مُمِّنٍ هُوَ الَّذِي يَمُنُّ يَعْنِي يَعْطِي مَنْ الْمَنْ بِمَعْنَى الْعَطَاءِ كَمَا فِي الْبَحَارِ: 275/77 «وَلَا مَمْتاً حَتَّى اعْصَى» وَفِي ص 416 «وَلَا مَمْتِئاً حَتَّى اعْصَى» مِنَ الْأُمْنِيَّةِ بِمَعْنَى التَّمَتِّي، فَيَكُونُ الْمُرَادُ: لَا- اطَاعَ بِالْوَعْدِ لِلنَّاسِ مِنْ مَقَامٍ أَوْ مَالٍ. وَطَعَامِ النَّاسِ: مَنْ لَا عَقْلَ لَهُ وَلَا مَعْرِفَةَ، وَقِيلَ: هُمْ أَوْغَادُ النَّاسِ وَأَرَادِلُهُمْ؛ وَلَا مَائِلاً لِلْأَرَادِلِ وَالْجَهَّالِ حَتَّى أَصِيرَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ. وَفِي الْبَحَارِ: 416/77 «وَلَا- مَائِراً» مِنَ الْمِيرَةِ بِمَعْنَى الطَّعَامِ؛ أَيِ وَلَا مَعْطِئاً طَعَاماً لِلطَّعَامِ مِنَ الْأَعْرَابِ؛ أَيِ لَا أُسْتَعِينُ مِنَ الطَّعَامِ. وَالَّذِي يَخْطُرُ بِالْبَالِ أَنْ كَلَامَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِشَارَةٌ إِلَى مَنْ تَقَدَّمَ، حَيْثُ اسْتَمَدُّوا مِنْ هَذِهِ الطَّرِيقِ.

6- . حَظِي: أَيِ سَعَدَ. حَظِي كُلُّ مَنْ الزَّوْجِينَ عِنْدَ الْآخِرِ؛ أَيِ صَارَ ذَا مَكَانَةٍ وَحَظٍّ وَمَنْزِلَةٍ.

ای کمیل؛ جنگیدن جایز نیست مگر با اجازه امام معصوم. و غنیمت گفتن جایز نیست مگر با اجازه امام با فضیلت.

ای کمیل؛ اگر پیامبری ظهور نمی کرد و در زمین مؤمن پرهیزکاری بود و به درگاه خداوند [دعا می کرد] در دعای خود خطا کار بود و یا درستکار؟ بلکه بخدا قسم خطا کار بود تا خداوند او را برای این کار معین می کرد و صلاحیت می بخشید.

ای کمیل؛ دین برای خداست. و خداوند قیام برای دین را از کسی جز رسول یا پیامبر یا وصی نمی پذیرد.

ای کمیل؛ آن مقام، پیامبری و رسالت و امامت است. و پس از آن کسی نیست جز دوستان پیرو یا کور دلان بدعت گزار. «خداوند فقط از پرهیزکاران می پذیرد». [سوره مائده/ آیه 27]

ای کمیل؛ خداوند کریم و حلیم و عظیم و رحیم است. و ما را به اخلاق خود رهنمون شد و امر کرد که آن را فراگیریم و مردم را به آن سوق دهیم. و ما بدون تخلف انجام دادیم. و بدون نفاق بسوی مردم فرستادیم. و بدون تکذیب آن را تصدیق کردیم. و بدون تردید آن را قبول کردیم.

ای کمیل؛ به خدا سوگند تملق و چاپلوسی نمی کنم تا از من اطاعت کنند و وعده نمی دهم تا مخالفت نکنند، و به فرومایگان عرب تمایل ندارم تا به فرمانروایی مؤمنین برسم و مرا امیرالمؤمنین بخوانند.

ای کمیل؛ کسی که از دنیا بهره مند شد، به دنیایی ناپایدار و گذرا بهره مند شده است. و ما از آخرت پایدار و برقرار بهره مندیم.

ای کمیل؛ هر دو بسوی آخرت حرکت می کنند. و آنچه ما به آن رغبت داریم خشنودی خدا و مقامات عالی در بهشت است. که مردم پرهیزکار به آن می رسند.

ای کمیل؛ کسی را که در بهشت ساکن نشود به عذاب دردناک و خواری پایدار بشارت ده.

ای کمیل؛ من خداوند را بر توفیقی که داده است و در همه حال شکر می کنم. هر وقت خواستی برخیز.

3972. أمر رسول الله صلى الله عليه وآله يوم الغدير أن ينصب له أحجاراً كهية المنبر، فقام فوقها وخطب الناس وخاطبهم بأكثر من خمسين مرة، وأوصى في أمر الولاية ونصب علي بالخلافة، فأتتم وأوكد وأبلغ وأكمل، فأليك نبذ من غرر ما ألقاه من الدرر:

قال صلى الله عليه وآله: معاشر الناس! إن الله قد نصب به لكم ولياً وإماماً مفترضاً طاعته على المهاجرين والأنصار، وعلى التابعين لهم بإحسان، وعلى البادي والحاضر، وعلى الأعجمي والعربي، والحر والمملوك، والصغير والكبير، وعلى الأبيض والأسود، وعلى كل مؤحد، ماض حكمه جائز قوله، نافذ أمره، ملعون من خالفه مرحوم من تبعه.

معاشر الناس! إنه آخر مقام أقومه في هذا المشهد، فاسمعوا وأطيعوا وانقادوا لأمر ربكم فإن الله هو ربكم ووليكم، ثم من دونه محمد صلى الله عليه وآله ووليكم، ثم من بعدي علي ووليكم وإمامكم، ثم الإمامة في ذريتي من ولده إلى يوم القيامة، لا حلال إلا ما أحله إلهي، ولا حرام إلا ما حرّمه إلهي.

معاشر الناس! ما من علم إلا وقد أحصاه الله في، وكل علم علمته فقد أحصيته في علي.

معاشر الناس! لا تضلّوا عنه، ولا تنفروا منه، ولا تستكفوا من ولايته.

معاشر الناس! فضلوه فقد فضله الله، واقبلوه فقد نصبه الله.

معاشر الناس! إنه إمام من الله ولن يتوب الله على أحد أنكر ولايته، ولن يغفر الله له.

معاشر الناس! حباني (1) الله بهذه الفضيلة متاً منه علي وإحساناً منه إلي.

معاشر الناس! فضلوا علياً؛ فإنه أفضل الناس بعدي من ذكر وانثى، بنا أنزل الله الرزق وبقي الخلق.

گزیده ای از خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله در عید غدیر

3972. رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر دستور داد که برای او سنگهایی را مثل منبر نصب کنند. و بر بالای آن ایستاد و خطبه خواند. و بیش از پنجاه بار به مردم خطاب کرد. و درباره امیرالمؤمنین توصیه فرمود. و علی علیه السلام را به امامت و خلافت نصب فرمود. و دقت تمام و تأکید و ابلاغ کامل نمود.

اینک گزیده ای از سخنان گهربار آن حضرت را ذکر می کنیم:

حضرت فرمودند: ای مردم؛ خداوند علی علیه السلام را برای شما ولی و امام واجب الطاعة بر مهاجرین و انصار نصب فرمود. و بر تابعان اصحاب و شهری و بادیه نشین و عرب و عجم و آزاده و برده و کوچک و بزرگ و سفید و سیاه پوست و هر یکتاپرست اطاعت از او را واجب فرمود. حکم او ثابت و گفتار او روا و امر او مطاع است. هر که با او مخالفت کند ملعون. و هر کس از او پیروی کند مورد رحمت الهی است.

ای مردم؛ این آخرین مکانی است که در حضور جمع می ایستم، پس گوش فرا دهید و اطاعت کنید. و در برابر فرمان پروردگارتان سر فرود آورید. زیرا خداوند پروردگار و سرپرست شماست. سپس محمد صلی الله علیه و آله سرپرست شما و پس از من علی سرپرست و امام شماست. و پس از او امامت تا قیامت در نسل من از فرزندان او خواهد بود. و حلال نیست جز آنچه او حلال کند. و حرام نیست جز آنچه که او آن را حرام فرماید.

ای مردم؛ دانشی وجود ندارد مگر اینکه خداوند آن را به من داده است. و هر علمی که آموخته ام آن را به علی داده ام.

ای مردم؛ از علی منحرف نشوید. و از او دوری نکنید. و از ولایت او سرپیچی نکنید.

ای مردم؛ علی را برترین شخص بدانید که خداوند او را برترین قرار داد. و او را بپذیرید که خداوند او را منصوب فرموده است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُ جَنَّبَ (1) اللَّهَ، نَزَلَ فِي كِتَابِهِ: «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرَتِي عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي جَنَمٍ - بِِ اللَّهِ».

مَعَاشِرَ النَّاسِ! تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ، وَافْهَمُوا آيَاتِهِ، وَانظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ، وَلَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ، فَوَاللَّهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ ذَوَاجِرَهُ وَلَا يُوضِّحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي هُوَ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ، وَالْقُرْآنَ هُوَ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْبِيٍّ عَنِ صَاحِبِهِ وَمُؤَافِقٌ لَهُ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ (2).

مَعَاشِرَ النَّاسِ! هَذَا عَلِيٌّ أَخِي وَوَصِيِّي وَوَاعِي عِلْمِي وَخَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي وَعَلَى تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ، بِأَمْرِ اللَّهِ أَقُولُ: اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّمَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَكْمَلَ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ؛ فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَبِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! هَذَا عَلِيٌّ أَنْصَرَكُمْ لِي، وَأَحَقُّكُمْ بِي، وَأَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ، وَأَعَزُّكُمْ عَلَى اللَّهِ، وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَأَنَا عَنْهُ رَاضِيَانِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! هُوَ نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ، وَالْمُجَادِلُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ، وَهُوَ النَّبِيُّ النَّبِيُّ وَالْهَادِي الْمَهْدِيُّ، نَبِيُّكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ، وَوَصِيُّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ، وَبَنُوهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ، وَذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ، وَتَزَلَّ أَقْدَامُكُمْ.

ص: 120

1- نقل في البحار: 191/24-199 أحاديث في أنهم عليهم السلام هم جنب الله ثم قال: قال الصدوق رحمه الله: الجنب: الطاعة في لغة العرب يقال: هذا صغير في جنب الله؛ أي في طاعة الله عز وجل فمعنى قول أمير المؤمنين عليه السلام: أنا جنب الله أي أنا الذي ولايتي طاعة الله قال الله عز وجل: «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرَتِي عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي جَنَمٍ - بِِ اللَّهِ» أي في طاعة الله عز وجل.

2- . حديث الثقلين المتواتر من طرق الفريقين نقل عنه صلى الله عليه وآله في مواقف مختلفة؛ منها في حديث خطبة الغدير، وقد ألف العلامة المتتبع الشيخ قوام الوشوي القمي رسالة في ذلك طبع في مصر، وراجع المراجعات والعبقات وغيرها. قال ابن الأثير في النهاية في مادة «ثقل» فيه: «إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي» سماهما ثقلين لأن الأخذ بهما والعمل بهما ثقل، ويقال لكل خطير: ثقل، فسماهما ثقلين إعظاماً لقدرهما، وتقخيماً لسانهما.

ای مردم؛ علی از طرف خداوند به امامت رسیده است. و کسی که ولایت او را انکار کند توبه اش پذیرفته نمی شود. و هرگز خداوند او را نیامرزد.

ای مردم؛ خداوند این عطیّه را با منّت و احسان خود به من هدیه کرد.

ای مردم؛ علی را برتری دهید که او پس از من برترین مردم از مردان و زنان است. و خداوند به برکت وجود ما روزی نازل می کند. و مخلوقات زنده می مانند.

ای مردم؛ علی جنب الله است، خداوند در کتاب خود نازل فرمود: «کسی بگوید آه و حسرت بر آنچه در جنب الله کوتاهی کردم». [جنب در لغت یعنی طاعت. جنب الله یعنی اطاعت خدا]

ای مردم؛ در قرآن تدبّر کنید. و آیات آن را بفهمید. و در محکّمات آن دقت کنید. و متشابهات آن را دنبال نکنید. به خدا سوگند به جز این کسی که من دست او را گرفته ام کسی نهی قرآن را برای شما بیان نمی کند. و تفسیر آن را برای شما توضیح نخواهد داد.

ای مردم؛ علی و فرزندان پاک از نسل من ثقل اصغر، و قرآن ثقل اکبر است. و هر کدام از دیگری خبر می دهد و موافق یکدیگرند. تا در حوض کوثر بر من وارد شوند.

ای مردم؛ این علی برادر و وصی و دارنده علم من و جانشین من در امت من و در تفسیر قرآن است. و به دستور خداوند می گویم: پروردگارا دوست بدار هر که را او را دوست دارد. و دشمن باش با دشمن علی.

ای مردم؛ خداوند با امامت او دین شما را کامل گردانید. پس کسی که به او و جانشین او از فرزندانم اقتدا نکند از کسانی است که اعمالشان باطل و بیهوده است.

ای مردم؛ این علی از همه شما بیشتر مرا یاری کرده است. و حق بیشتری بر من دارد. و به من نزدیکتر و نزد خداوند عزیزتر است. و خدا و من از او راضی هستیم.

ای مردم؛ علی یاور دین خداست. و در دفاع از رسول الله رزمنده است. و او پرهیزکار پاکیزه هدایت گر هدایت یافته است. پیامبر شما بهترین پیامبر و وصی شما بهترین وصی و فرزندان او بهترین اوصیاء هستند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْتَّوْرَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ «مِن قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ (1) وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا» (2).

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنِّي أَنْزَرْتُكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ قَدْ خَلَّتْ مِن قَبْلِي الرُّسُلُ، أَفَأَنْ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ! (3).

مَعَاشِرَ النَّاسِ! لَا تَمُتُوا عَلَى اللَّهِ إِسْلَامَكُمْ فَيَسْخَطَ عَلَيْكُمْ وَيُصِيبِكُمْ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ إِنَّهُ لِبِالْمِرْصَادِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! سَيَكُونُ مِن بَعْدِي أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى التَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَنْصُرُونَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ اللَّهَ وَأَنَا بَرِيئَانِ مِنْهُم.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُمْ وَأَشْيَاعَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ وَأَنْصَارُهُمْ فِي الدَّرِكِ الْأَسْفَلِ مِنَ التَّارِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنِّي أَدْعُهَا أَمَانَةً وَوِرَاثَةً فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَقَدْ بَلَّغْتُ مَا أَمَرْتُ بِتَبْلِيغِهِ، فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَذَرِكُمْ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ، وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُ مَا مِنْ قَرِيْبَةٍ إِلَّا وَاللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا، وَكَذَلِكَ يُهْلِكُ الْقُرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ كَمَا ذَكَرَ اللَّهُ، وَهُوَ إِمَامُكُمْ وَوَلِيُّكُمْ، وَهُوَ مَوَاعِدُ اللَّهِ، وَاللَّهُ يَصْدُقُ مَا وَعَدَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ، وَاللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ وَهُوَ مُهْلِكُ الْآخِرِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! شَتَّانَ مَا بَيْنَ السَّعِيرِ وَالْجَنَّةِ، عَدُّونَا مِنْ ذَمِّهِ اللَّهُ وَلَعْنَتِهِ وَوَلِيِّنَا مَنْ أَحَبَّهُ اللَّهُ وَمَدَحَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنِّي نَبِيٌّ وَعَلِيٌّ وَصِيٌّ، أَلَا وَإِنَّ خَاتِمَ الْأَيْمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ.

ص: 122

1- الطمس: من طمس: أي درس وانمحي، وطمس فلان الشيء طمساً: أي محاه وأهلكه.

2- . النساء: 47.

3- . انقلبتم على أعقابكم: أي رجعتم، ومعلوم أن المراد هو الرجوع عن الدين.

ای مردم؛ فرزندان هر پیامبری از نسل او ولی فرزندان من از نسل علی هستند.

ای مردم؛ شیطان با حسادت آدم را از بهشت خارج کرد. پس نسبت به علی حسادت نکنید. که اعمال شما بیهوده می شود. و گامهایتان می لغزد.

ای مردم؛ به خداوند و رسول او و نوری که همراه او نازل شده ایمان آورید. «قبل از آنکه چهره هایی را محو کنیم و به پشت سرشان برگردانیم». [آیه 8 تغابن و 47 نساء]

ای مردم؛ چقدر فاصله است بین آتش و بهشت، دشمن ما کسی است که خدا او را مذمت و لعن کرده است و ولی است که خدا او را دوست می دارد و او را ستایش کرده است.

ای مردم؛ من شما را آگاه می کنم که من رسول خدا هستم به سوی شما، و قبل از من رسولانی بودند. آیا اگر بمیرم یا کشته شوم به گذشته خود [کفر و جاهلیت] باز می گردید؟

ای مردم؛ اسلام آوردن خود را بر خدا منت نگذارید. که بر شما خشمگین شود. و عذابی بر شما فرود آورد. همانا خداوند در کمین [ستمگران] است.

ای مردم؛ پس از من رهبرانی خواهند آمد، که به دوزخ دعوت می کنند. و آنان در قیامت یاری نخواهند شد.

ای مردم؛ خدا و من از آنان بیزار هستیم.

ای مردم؛ آنان با شیعیان و پیروان و یارانشان در پست ترین درک دوزخ خواهند بود.

ای مردم؛ من آن [امامت] را پس از خود تا قیامت نزد شما امانت و میراث می گذارم. و من وظیفه خود را به شما رساندم. پس حاضران به غائبان برسانند.

ای مردم؛ خداوند شما را به حال خود واگذار نمی کند. تا پلید از پاک جدا شود. و خداوند شما را بر غیب آگاه نسازد.

ای مردم؛ خداوند هر آبادی را که مردم آن خدا را انکار کنند هلاک فرموده است. و همچنین هر آبادی که مردم آن ستمکارند. چنان که خداوند یاد آوری فرموده است. و علی امام و ولی شماست و آن وعده های خداوند است. و خداوند در وعده اش راست می گوید.

ای مردم؛ قبل از شما اکثر پیشینیان گمراه شدند. و خداوند آنان را نابود کرد. و او آیندگان را هم نابود خواهد کرد.

ای مردم؛ چقدر فاصله است بین آتش و بهشت، دشمن ما کسی است که خدا او را مذمت و لعن کرده است و ولی ما کسی است که خدا او را دوست می دارد و او را ستایش کرده است.

ای مردم؛ من پیامبرم و علی وصی است. آگاه باشید که آخرین امام از ما حضرت مهدی

مَعَاشِرِ النَّاسِ! قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَأَفْهَمْتُكُمْ، وَهَذَا عَلَيَّ يُفْهَمُكُمْ بَعْدِي.

مَعَاشِرِ النَّاسِ! إِنَّ الْحَجَّ وَالصَّفَا وَالْمَرَوَةَ وَالْعُمْرَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ، فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَتَطَوَّفَ بِهِمَا.

مَعَاشِرِ النَّاسِ! حُجُّوا الْبَيْتَ؛ فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتِ إِلاَسْتَغْنُوا، وَلَا تَخْلَفُوا عَنْهُ إِلاَفْتَقَرُوا.

مَعَاشِرِ النَّاسِ! مَا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ إِلاَغَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلَى وَقْتِهِ ذَلِكَ، فَإِذَا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ اسْتَأْنَفَ عَمَلَهُ.

مَعَاشِرِ النَّاسِ! الْحُجَّاجُ مُعَانُونَ، وَنَفَقَاتُهُمْ مُخْلَفَةٌ، وَاللَّهُ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ.

مَعَاشِرِ النَّاسِ! حُجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَالتَّقْوَى، وَلَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلاَبِتُوبَةٍ وَإِقْلَاعٍ(1).

مَعَاشِرِ النَّاسِ! أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَأَتُوا الزَّكَاةَ كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ، لَئِنْ طَالَ عَلَيْكُمُ الْأَمَدُ فَقَصِّرْتُمْ أَوْ نَسِيتُمْ فَعَلَيَّ وَلِيَّتُكُمْ وَمُبِينٌ لَكُمْ.

مَعَاشِرِ النَّاسِ! وَكُلُّ حَلَالٍ دَلَلْتُكُمْ عَلَيْهِ، وَكُلُّ حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَإِنِّي لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ أَبَدِّلْ، أَلَا وَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهَوْا إِلَى قَوْلِي وَتُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْهُ، وَتَأْمُرُوهُ بِقَوْلِهِ، وَتَنْهَوْهُ عَنْ مُخَالَفَتِهِ.

مَعَاشِرِ النَّاسِ! الْقُرْآنُ يُعَرِّقُكُمْ أَنْ الْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ وُلْدُهُ، وَعَرَّفْتُكُمْ أَنَّهُمْ مِنِّي وَمِنْهُ، حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ:

«وَجَعَلَهَا كَلِمَةً م بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ»، وَقُلْتُ: لَنْ تَضَلُّوا مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا(2).

مَعَاشِرِ النَّاسِ! التَّقْوَى التَّقْوَى! احذَرُوا السَّاعَةَ كَمَا قَالَ اللَّهُ: «إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ».

مَعَاشِرِ النَّاسِ! إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكُفٍّ وَاحِدَةٍ، وَأَمْرِنِي اللَّهُ أَنْ أَخَذَ مِنَ السِّنِّتِكُمْ الْإِقْرَارَ

ص:124

1- . أقلع من الأمر: كَفَّ عَنْهُ. والظاهر هنا الإقلاع عن المعاصي أو الإقلاع عن الدنيا بمعنى قلع حبها عن القلب.

2- . راجع البحار: 201/37-218 عن الاحتجاج ولعل المراد أن القرآن ينص أن إبراهيم عليه السلام بدعائه في قوله: «قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي» جعلها - أي الولاية والإمامة - كلمة باقية في عقبه، ودعاؤه عليه السلام ذلك لذريته مع ضم قوله تعالى: «لَا يَتَّأَلُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» تُفيد أن الولاية إنما هو في المعصومين من ذريته وليس إلا في علي عليه السلام وولده - صلوات الله عليهم أجمعين - بحسب الأدلة من الكتاب والسنة.

قائم است.

ای مردم؛ برای شما بیان کردم و به شما فهماندم و پس از من این علی به شما می فهماند.

ای مردم؛ حج و صفا و مروه و عمره از شعائر خدا هستند. پس هر کسی که حج یا عمره بجا آورد اشکال ندارد به آن دو [صفا و مروه] طواف کند.

ای مردم؛ در خانه خدا حج کنید زیرا هیچ خاندانی به آن وارد نشدند مگر اینکه بی نیاز شدند. و هر گروهی که آن را ترك کردند فقیر و نیازمند شدند.

ای مردم؛ هیچ مؤمنی در موقف [عرفات] وقوف نکرد مگر اینکه خداوند گناهان گذشته تا زمان وقوف او را آمرزید. و پس از حج اعمال خود را از سر گیرد.

ای مردم؛ حاجیان یاری می شوند. و هزینه های آنان تأمین می شود. و خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهد کرد.

ای مردم؛ خانه خدا را با دین کامل و ادراك حج کنید. و از اماکن مقدس جز با توبه و ریشه کنی گناه باز نگردید.

ای مردم؛ نماز بپا دارید. و زکات بدهید. همانطور که خداوند به شما فرمان داده است.

و اگر مدت بر شما طولانی شد و کوتاهی یا فراموش کردید، علی سرپرست شماست و برای شما بیان می کند.

ای مردم؛ به هر حال شما را راهنمایی کردم. و از هر حرام شما را باز داشتم. من از آن برنگشته ام و آن را عوض نکرده ام. آگاه باشید که سرآمد امر به معروف آن است که به گفتار من برسید. و به غایبان اطلاع دهید. و از آنان بخواهید که قبول کنند. و از مخالفت با گفتار من نهی کنید.

ای مردم؛ قرآن شما را آگاه می کند که امامان پس از او فرزندان او هستند و من به شما معرفی کردم که آنان از من هستند. خداوند می گوید: «آن را کلمه ای باقی مانده در پشت سر او قرار دادیم». [آیه 28 زخرف] و گفتم: اگر به آندو [قرآن و امامان] تمسك جوید، هرگز گمراه نخواهید شد.

ای مردم؛ پرهیزکاری! پرهیزکاری! از الساعة [قیامت] بر حذر باشید. چنانکه خداوند می فرماید: «زلزلة الساعة بزرگ و هولناك است». [آیه 1 سوره حج]

ای مردم؛ شما بیشتر از آن هستید که یکباره با من دست بیعت دهید. و خداوند به من

بِمَا عَقَدْتُ لِعَلِيِّ مِنْ إِمْرَةٍ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ مِنِّي وَمِنْهُ، فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ: إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَا تَقُولُونَ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَخَافِيَةٍ كُلِّ نَفْسٍ؛ فَمَنْ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ، وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا، وَمَنْ بَايَعَ فَإِنَّمَا يُبَايِعُ اللَّهَ، يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! فَاتَّقُوا اللَّهَ وَبَايَعُوا عَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَيْمَةَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! قُولُوا الَّذِي قُلْتُ لَكُمْ وَسَلِّمُوا عَلَى عَلِيِّ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَقُولُوا: سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ، وَقُولُوا: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ اللَّهِ، وَقَدْ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ فِي الْقُرْآنِ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أَحْصِيَهَا فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَعَلِيًّا وَالْأَيْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! [السَّابِقُونَ] (1) إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَمُؤَالَاتِهِ وَالتَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ، أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنكُمْ مِنَ الْقَوْلِ؛ فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَلَنْ يَصْرَّ اللَّهُ شَيْئًا.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاغْضَبْ عَلَى الْكَافِرِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

فَنَادَاهُ الْقَوْمُ: نَعَمْ، سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا عَلَى أَمْرِ اللَّهِ وَأَمْرِ رَسُولِهِ بِقُلُوبِنَا وَأَسْنِنَتِنَا وَأَيْدِينَا. فَتَدَاكُّوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى عَلِيِّ وَصَافَقُوا بِأَيْدِيهِمْ. انْتَهَى مُلَخَّصًا (تفسير الصَّافِي فِي ذِيلِ آيَةِ الْوَلَايَةِ). (2)

ص: 126

1- أضفناها من الاحتجاج والبحار: ج 37، ص 217.

2- الاحتجاج للطبرسي، ج 1، ص 74.

فرمان داد که از زبانهای شما بر ولایت مؤمنین که برای علی و فرزندان او و من قرار دادم، اعتراف بگیرم. پس همگی بگویید: ما شنوا و مطیع هستیم.

ای مردم؛ چه می گوئید؟ بدرستی که خداوند هر صدا و پنهان هر کسی را می داند. و هر کس هدایت شود به نفع خودش و هر کس گمراه شود به زیان خودش خواهد بود. و هر کس بیعت کند با خداوند بیعت کرده است. دست خدا بالای دستهاست. [آیه 10 سوره فتح]

ای مردم؛ از خدا پروا کنید. و با علی و حسن و حسین و امامان بیعت نمایید.

ای مردم؛ آنچه را به شما گفتم بگوئید. و بر علی به عنوان امیر مؤمنان سلام کنید. و بگویید: شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا آمرزش تو را می خواهیم و بسوی تو حرکت می کنیم. و بگوئید: ستایش خداوند را که ما را به این موضوع [امامت] هدایت فرمود و اگر خداوند هدایت نمی کرد ما هدایت نمی شدیم.

ای مردم؛ فضیلتهای علی بن ابی طالب نزد خداست. و خداوند آنها را در قرآن بر من نازل فرمود. و بیشتر از آن است که در یک مکان برای شما برشمرم.

ای مردم؛ کسی که از خدا و رسول او و علی و امامانی که نامبردم اطاعت کند به رستگاری عظیم نائل شده است.

ای مردم؛ بسوی بیعت با او و ولایت او و تسلیم شدن به او بعنوان امیر مؤمنان [حرکت کنید] که اینان رستگاران در بهشتهای پر از نعمت هستند.

ای مردم؛ سخنی بگویید که خداوند از آن خشنود شود. اگر شما و همه اهل زمین کافر شوند خداوند ضرر نمی بیند.

خداوند مردان و زنان با ایمان را بیامرزد. و بر کافران خشم گیرد. و ستایش برای پروردگار جهانیان است.

آنگاه مردم فریاد زدند: آری شنیدیم و فرمان خدا و رسول او را با قلب و زبان و دست اطاعت کردیم. سپس بسوی رسول خدا و علی هجوم بردند و دست بیعت دادند.

[با اختصار از تفسیر صافی در ذیل آیه ولایت]

بَابُ الْخَمْسِينَ وَمِائَتَيْهَا

باب پنجاه و بیشتر از آن

اشاره

ص: 129

3973. عَنْ أَبِي سُلَيْمَانَ الْحُلَوَانِيِّ (1)، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: صِفَةُ الْمُؤْمِنِ: قُوَّةٌ فِي دِينٍ، وَحَزْمٌ فِي لِينٍ (2)، وَإِيمَانٌ فِي يَقِينٍ (3)، وَحِرْصٌ فِي فِقْهِ، وَنَشَاطٌ فِي هُدًى، وَبِرٌّ فِي اسْتِقَامَةٍ (4)، وَإِعْمَاضٌ عِنْدَ شَهْوَةٍ، وَعِلْمٌ فِي حِلْمٍ، وَشُكْرٌ فِي رِفْقٍ، وَسَخَاءٌ فِي حَقِّ، وَقَصْدٌ (5) فِي غِنَى، وَتَجَمُّلٌ فِي فِائَةٍ، وَعَفْوٌ فِي قُدْرَةٍ، وَطَاعَةٌ فِي نَصِيحَةٍ (6)، وَوَرَعٌ (7) فِي رَغْبَةٍ، وَحِرْصٌ فِي جِهَادٍ، وَصَدَلَةٌ فِي شُغْلٍ، وَصَبْرٌ فِي شِدَّةٍ، وَفِي الْهَزَاهِزِ (8) وَقَوْرٌ، وَفِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ، وَفِي الرِّخَاءِ شُكُورٌ، لَا يَغْتَابُ، وَلَا يَتَكَبَّرُ، وَلَا يَبْغِي (9)، وَإِنْ

ص:130

- 1- لم أجده. ولعله إبراهيم بن مسلم الحلواني، ولكن لم أعر على عنوانه بهذه الكنية.
- 2- . حزمٌ في لِين: أي احتياط واحتراز في جميع الأمور ولكنه يكون في لِين، وهذا من المشاكل الأخلاقية، إذ الاحتياط والتأني كثيراً يلازم الخشونة والجفاء، فالمؤمن الكامل هو الذي يجمع بينهما.
- 3- هذا في مقابل الإيمان بالظنون والتقاليد الباطلة، بل الأوهام، يعني المؤمن ينشأ إيمانه عن يقينه من دون أي تعصب أو تقليد أو وهم؛ لأنه عاقل يتفكر ويتدبر ويتعقل فيؤمن.
- 4- . الاستقامة هي الدوام على الطاعة والثبات عليها، قال تعالى: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» و«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا» و«لَوْ اسْتَقَمُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ»، وتتحقق الاستقامة بشيئين: الدوام على العمل من دون فترة، وعدم الاعوجاج والانحراف، فالذي عليه المؤمن هو البر دائماً من دون اعوجاج وانحراف. والنشاط هو الإسراع إلى العمل بطيب نفس، يعني يكون ميل المؤمن وعمله بطيب نفس هو في الهدى.
- 5- القصد هو الوسط بين طرفي الإفراط والتفريط، أي المؤمن الغني لا يخرج في صرف المال عن القصد إلى الإتراف والإسراف ولا إلى البخل والإقتار، كما أنه في فقره يتجمل حتى لا يظهر فقره ولا يرى عليه البؤس والضرر فيشمت العدو ويحزن الصديق، كما يأتي في نفس الحديث.
- 6- النصيحة: كلمة يعبر بها عن جملة هي إرادة الخير للمنصوح له، وليس يمكن أن يعبر هذا المعنى بكلمة واحدة تجمع معناها غيرها. وأصل النصح الخلوص.
- 7- . الورع: الكف عن المحارم؛ أي يكون كفه عن ترغبه لا تكلف وعنف.
- 8- الهزاهز: الفتن التي تهز الناس والحروب والشدائد.
- 9- . أي لا يظلم.

3973. امام صادق علیه السلام فرمود: صفت مؤمن [عبارت است از]: نیرومندی در دین، و احتیاط در نرمش، و ایمان در باور، و حرص و میل شدید به فهمیدن فقه، و نشاط در هدایت، و نیکی در پایداری، و چشم پوشی در شهوت، و دانش در بردباری، و شکر در مدارا، و سخاوت در حق، و میانه روی در بی نیازی، و آراستگی در تهی دستی، و عفو در حال قدرت، و اطاعت در خیرخواهی، و پرهیزکاری در تمایلات، و حرص در جهاد، و نماز در گرفتاری، و صبر در سختی، و وقار در تنگناها، و شکیبایی در ناملايمات، و شکرگزاری در رفاه است. و غیبت نمی کند. و خود پسند نیست. و تجاوز نمی کند. و اگر به حق او تجاوز شود

بُغِي عَلَيْهِ صَبْرٌ، وَلَا يَقْطَعُ الرَّحِمَ، وَلَيْسَ بِوَاهِنٍ (1) وَلَا فَظٌّ وَلَا غَلِيظٌ، وَلَا يَسْبِقُهُ بَصْرَةٌ، وَلَا يَقْضَحُهُ بَطْنُهُ، وَلَا يَغْلِبُهُ فَرْجُهُ، وَلَا يَحْسِدُ النَّاسَ، وَلَا يَفْتَرُ (2) وَلَا يَبْدُرُ وَلَا يُسْرِفُ، بَلْ يَقْتَصِدُ، يَنْصَرُّ الْمَظْلُومَ، وَيَرْحَمُ الْمَسَاكِينَ، نَفْسُهُ مِنْهُ فِي عَنَاءٍ وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ، لَا يَرَعْبُ فِي عِزِّ الدُّنْيَا، وَلَا يَجْزَعُ مِنَ أَلْمِهَا، لِلنَّاسِ هَمٌّ قَدْ أَقْبَلُوا عَلَيْهِ، وَلَهُ هَمٌّ قَدْ شَدَّ غَلَّهُ، لَا يُرَى فِي حِلْمِهِ نَقْصٌ، وَلَا فِي رَأْيِهِ وَهْنٌ، وَلَا فِي دِينِهِ ضَيَاعٌ (3)، يُرْشِدُ مَنْ اسْتَشَارَهُ، وَيُسَاعِدُ مَنْ سَاعَدَهُ، وَيَكْبَعُ (4) عَنِ الْبَاطِلِ وَالْخَنَا وَالْجَهْلِ.

فَهَذِهِ صِفَةُ الْمُؤْمِنِ. (5) رِسَالَةُ الْإِمَامِ السَّجَّادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْحُقُوقِ

3974. عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: هَذِهِ رِسَالَةُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِلَى بَعْضِ أَصْحَابِهِ (6):

اعْلَمْ أَنَّ لِلَّهِ عِزًّا وَجَلَّ عَلَيْكَ حُقُوقًا مُحِيطَةً بِكَ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ تَحْرَكْتَهَا أَوْ سَكَتَةٍ سَكَتْتَهَا أَوْ حَالٍ حُلْتَهَا، أَوْ مَنَزَلَةٍ نَزَلْتَهَا أَوْ جَارِحَةٍ قَلَبْتَهَا أَوْ آلَةٍ تَصَرَّفْتَ فِيهَا.

فَأَكْبَرُ حُقُوقَ اللَّهِ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - عَلَيْكَ مَا أَوْجَبَ عَلَيْكَ لِنَفْسِهِ مِنْ حَقِّهِ الَّذِي هُوَ أَصْلُ الْحُقُوقِ.

ثُمَّ مَا أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَيْكَ لِنَفْسِكَ مِنْ فَرْقِكَ (7) إِلَى قَدَمِكَ عَلَى اخْتِلَافِ جَوَارِحِكَ؛ فَجَعَلَ عِزًّا وَجَلَّ عَلَيْكَ حَقًّا، وَلَيْسَ مَعَكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَلَبِصْرِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَلَيْدِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَلِرِجْلِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَلِبَطْنِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَلِفَرْجِكَ عَلَيْكَ حَقًّا؛ فَهَذِهِ الْجَوَارِحُ السَّبْعُ الَّتِي بِهَا تَكُونُ الْأَفْعَالُ.

ص: 132

- 1- الوهن: الضعف في الأمر والعمل والبدن. رجلٌ واهن؛ أي ضعيف لا بطش له، كما في الحديث: «إِنَّ اللَّهَ يَبْغِضُ الْمُؤْمِنَ الَّذِي لَا زَبْرَ لَهُ» أي الذي لا ينهى عن المنكر. ورجل فظٌّ: أي سيئ الخلق، قال تعالى: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضْنَا مِنْ حَوْلِكَ».
- 2- كذا في الخصال، والظاهر أن الصواب: «يُقْتَرُّ» كما في البحار: ج 67 ص 294 ح 18.
- 3- أي دينه متين لا يضيع بالشكوك والشبهات، ولا بار تكاب المعاصي.
- 4- كاع عنه يكيع: جبن عنه وهابه. وفي بعض النسخ «يكتع» بالتاء المثناة الفوقية؛ من كتع يكتع: هرب. والخنا: الفحش، والجهل مقابل العلم أو السفاهة.
- 5- الخصال، ص 571، ح 2.
- 6- رواه الصدوق في الخصال: ص 565، والفتية: 376/2 ط الآخوندي، والمجالس: ص 222، ورواه في تحف العقول: ص 255، والبحار ج 16 ط الكمباني ص 3-9، والمستدرک: 274/3، وأوردناه في تنمّة معادن الحكمة.
- 7- الفرق: طريق يحصل في الشعر من تشريحه، ويُطلق على ما فوق الناصية إلى الوسط.

صبر می کند. و از خویشاوندان قطع رابطه نمی کند. و سست، و سخت دل، و خشن نیست.

و نگاه او از کنترل خارج نمی شود. و شکم، او را رسوا نمی کند. و شهوت بر او غلبه نمی کند. به مردم حسادت نمی ورزد. تبلی نمی کند. و زیاده روی و اسراف نمی کند، بلکه میانه روی می کند. به مظلوم یاری می رساند. و با فقیران مهربان است. جانش از او در زحمت، و مردم از او در آسایش اند. به عزت دنیا تمایل ندارد. و از درد دنیا نمی نالد. مردم به غم های [دنیایی] خود مشغولند ولی هم او [به آخرت و دین] او را به خود مشغول کرده است. در بردباری خود کوتاهی نمی بیند. و در نظر خود سستی ندارد. و دین خود را ضایع نمی کند. هر کس را که با او مشورت کند ارشاد می کند. و هر کس از او کمک بخواهد کمک می کند. از باطل و فحش و نادانی می گریزد. اینها صفات مؤمن است.

رسالة امام سجاد علیه السلام در حقوق

3974. ابو حمزه ثمالی گوید: این رساله علی بن الحسین علیهما السلام به بعضی از اصحاب آن حضرت است:

بدانکه خداوند بر تو حقوقی دارد که تو را در همه حال فرا گفته است. در هر حرکت یا سکون یا حالت یا مکانی که قرار داری، یا هر عضوی که در اختیار داری، یا ابزاری که بکار می بری، بزرگترین حق خداوند تبارک و تعالی بر تو حقی است که برای خود به عهده تو گذاشته و ریشه بقیه حقوق است. سپس حقی است که خداوند برای اعضای بدن تو از سر تا پا قرار داده است.

خداوند برای زبان تو حقی و برای چشم تو حقی و برای گوش تو حقی و برای دست و پا و شکم و آلت تناسلی تو حقوقی بر عهده تو گذاشته است. این هفت عضوی که کارها را با آن انجام می دهی.

ثُمَّ جَعَلَ عَزَّ وَجَلَّ لِأَفْعَالِكَ عَلَيْكَ حُقُوقًا، فَجَعَلَ لِصَلَاتِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَلِصَوْمِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَلِصَدَقَاتِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَلِهَذَا دِيكَ (1) عَلَيْكَ حَقًّا، وَلِأَفْعَالِكَ عَلَيْكَ حَقًّا.

ثُمَّ تَخْرُجُ الْحُقُوقُ مِنْكَ إِلَى غَيْرِكَ مِنْ ذَوِي الْحُقُوقِ الْوَاجِبَةِ عَلَيْكَ، فَأَوْجِبُهَا عَلَيْكَ حُقُوقَ أَيْمَتِكَ، ثُمَّ حُقُوقَ رَعِيَّتِكَ، ثُمَّ حُقُوقَ رَحِمِكَ، فَهَذِهِ حُقُوقٌ يَشْتَعَبُ مِنْهَا حُقُوقٌ:

فَحُقُوقُ أَيْمَتِكَ ثَلَاثَةٌ، أَوْجِبُهَا عَلَيْكَ: حَقُّ سَائِسِكَ (2) بِالسُّلْطَانِ، ثُمَّ حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ، ثُمَّ حَقُّ سَائِسِكَ بِالْمُلْكِ.

وَحُقُوقُ رَعِيَّتِكَ ثَلَاثَةٌ، أَوْجِبُهَا عَلَيْكَ: حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالسُّلْطَانِ، ثُمَّ حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالْعِلْمِ؛ فَإِنَّ الْجَاهِلَ رَعِيَّةُ الْعَالِمِ، ثُمَّ حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالْمِلْكِ مِنَ الْأَزْوَاجِ وَمَا مَلَكَتِ الْأَيْمَانُ.

ثُمَّ رَعِيَّتِكَ كَثِيرَةٌ (3) مُتَّصِلَةٌ بِقَدْرِ اتِّصَالِ الرَّحِمِ فِي الْقَرَابَةِ، فَأَوْجِبُهَا عَلَيْكَ حَقُّ أُمَّكَ، ثُمَّ حَقُّ أَبِيكَ، ثُمَّ حَقُّ وَلَدِكَ، ثُمَّ حَقُّ أُخِيكَ، ثُمَّ الْأَقْرَبُ فَالْأَقْرَبُ، وَالْأُولَى فَالْأُولَى، ثُمَّ حَقُّ مَوْلَاكَ الْمُنْعَمِ عَلَيْكَ، ثُمَّ حَقُّ مَوْلَاكَ الْجَارِيَةِ نِعْمَتُهُ عَلَيْكَ، ثُمَّ حَقُّ ذَوِي الْمَعْرُوفِ لَدَيْكَ، ثُمَّ حَقُّ مُؤَدِّكَ لِصَلَاتِكَ، ثُمَّ حَقُّ إِمَامِكَ فِي صَلَاتِكَ، ثُمَّ حَقُّ جَلِيسِكَ، ثُمَّ حَقُّ جَارِكَ، ثُمَّ حَقُّ صَاحِبِكَ، ثُمَّ حَقُّ شَرِيكَكَ، ثُمَّ حَقُّ مَالِكَ، ثُمَّ حَقُّ غَرِيمِكَ الَّذِي يُطَالِبُكَ، ثُمَّ حَقُّ خَلِيطِكَ، ثُمَّ حَقُّ خَصْمِكَ الْمُدْعِي عَلَيْكَ، ثُمَّ حَقُّ خَصْمِكَ الَّذِي تَدْعِي عَلَيْهِ، ثُمَّ حَقُّ مُسْتَشِيرِكَ، ثُمَّ حَقُّ مُشِيرِكَ عَلَيْكَ، ثُمَّ حَقُّ مُسْتَصِيحِكَ، ثُمَّ حَقُّ النَّاصِحِ لَكَ، ثُمَّ حَقُّ مَنْ هُوَ أَكْبَرُ مِنْكَ، ثُمَّ حَقُّ مَنْ هُوَ أَصْغَرُ مِنْكَ، ثُمَّ حَقُّ سَائِلِكَ، ثُمَّ حَقُّ مَنْ سَأَلْتَهُ، ثُمَّ حَقُّ مَنْ جَرَى لَكَ عَلَى يَدَيْهِ مَسَاءَةٌ (4) مِنْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ عَنِ تَعَمُّدٍ مِنْهُ أَوْ غَيْرِ تَعَمُّدٍ، ثُمَّ حَقُّ أَهْلِ مِلَّتِكَ عَلَيْكَ، ثُمَّ حَقُّ أَهْلِ دِيْمَتِكَ، ثُمَّ الْحُقُوقُ الْجَارِيَةُ بِقَدْرِ عِلَلِ الْأَحْوَالِ وَتَصَرُّفِ الْأَسْبَابِ، فَطَوْبَى لِمَنْ أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى قَضَاءِ مَا أَوْجَبَ عَلَيْهِ مِنْ حُقُوقِهِ وَوَقَفَهُ لِذَلِكَ وَسَدَّدَهُ.

وَأَمَّا حَقُّ اللَّهِ الْأَكْبَرُ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَعَبُدَهُ وَلَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِالْإِخْلَاصِ جَعَلَ لَكَ

ص: 134

1- الهدى: ما يهدى إلى الحرم، أو ما يذبح لله تعالى.

2- السائس: المتولّي القائم بالأمر بما يصلحه، يقال: ساس السلطان والوالي الرعيّة: تولّى أمرها ودبرها وأحسن النظر إليها.

3- كذا في الخصال، والظاهر أنّ الصواب: «وَحُقُوقُ رَحِمِكَ كَثِيرَةٌ» بدل «ثُمَّ رَعِيَّتِكَ كَثِيرَةٌ» كما في البحار: ج 7 ص 3 ح 1.

4- المساءة: ما يسوء الإنسان. والمراد أنّ من أساء إليك له حَقٌّ عليك.

سپس برای رفتار تو حقوقی بر تو نهاده است. برای نماز تو و روزه تو و صدقه تو و هدیه و افعال دیگر تو حقوقی بر عهده تو گذاشته است.

سپس حقوق از خود تو به دیگران که بر تو حق واجب دارند می رسد. که واجب ترین آنها حق امامان تو سپس حق زیردستان و خویشاوندان است که از اینها حقوق متعددی منشعب می شود.

حقوق امامان سه حق است که بر تو واجب کرده است: حق زمامدار و فرمانرواست که با حکومت بر تو دارد، بعد حق مربی علمی و بعد حق مربی اقتصادی است.

حقوق زیر دستان سه حق واجب است: حق زیر دستی که بر او سلطه داری، سپس حق شاگردی که به او دانش می آموزی چون جاهل رعیت عالم است. و سپس حق زیردستی که با ازدواج بر تو واجب می شود.

زیردستان هم فراوان و بهم پیوسته اند به تعداد روابط فامیلی. که از همه مهمتر حق مادر توست. سپس حق پدر، بعد حق فرزند بعد حق برادر. سپس هر که نزدیکتر است حقتش مقدم است و اولویت دارد. سپس حق سرپرستی که بر تو نعمت داده است. سپس حق دوستانی که نعمت آنها در اختیار توست. سپس حق کسانی که به تو نیکی کرده اند.

سپس حق مؤذن برای نماز و حق امام جماعت و حق همنشین و همسایه و دوست و شریک و سرمایه و طلبکار. سپس حق کسی که با تو رفت و آمد دارد. و حق خصم تو که از تو شکایت دارد. سپس حق خصم تو که از او شکایت داری. سپس حق مشاور و حق کسی که به او مشاوره می دهی. و حق کسی که از تو نصیحت خواهد. و حق کسی که تو را نصیحت کند. سپس حق بزرگ تر از تو و نیز حق کسی که از تو کوچک تر است سپس حق کسی که از او سؤال کرده ای. سپس حق کسی که از او سؤال کرده ای. و سپس حق کسی که به تو بدی کرده است در گفتار یا رفتار عمدی یا غیر عمد. سپس حق هم کیشان. سپس حق هم وطنان. و سپس حقوقی که به قدر علت‌های هر حالت و تصرفات اسباب وجود دارد.

خوشا به حال کسی که خداوند او را در اداء حقوقی که بر او واجب است یاری کند. و توفیق دهد. و استقامت عنایت کند.

اما حق خداوند بلند مرتبه بر تو این است که او را عبادت کنی. و چیزی را شریک او

عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَكْفِيكَ أَمْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

وَحَقُّ نَفْسِكَ عَلَيْكَ أَنْ تَسْتَعْمِلَهَا بِطَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

وَحَقُّ اللِّسَانِ إلِزَامُهُ عَنِ الخَنَا، وَتَعْوِيدُهُ الخَيْرَ وَتَرْكُ الفُضُولِ الَّتِي لافائِدَةٌ فِيهَا، وَالبِرُّ بِالتَّاسِ وَحُسْنُ القَوْلِ فِيهِمْ.

وَحَقُّ السَّمْعِ تَنْزِيهُهُ عَنِ سَمَاعِ الغَيْبَةِ وَسَمَاعِ مَا لَا يَحِلُّ سَمَاعُهُ.

وَحَقُّ البَصَرِ أَنْ تُغْضَهُ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ، وَتَعْتَبِرَ بِالنَّظَرِ بِهِ.

وَحَقُّ يَدِكَ أَنْ لَا تَبْسُطَهَا إِلَى مَا لَا يَحِلُّ لَكَ.

وَحَقُّ رِجْلِكَ أَنْ لَا تَمْشِيَ بِهِمَا إِلَى مَا لَا يَحِلُّ لَكَ فِيهِمَا تَقِفُ عَلَى الصِّرَاطِ، فَانظُرْ أَنْ لَا تَزِلَّ بِكَ فَتَرُدَى فِي النَّارِ.

وَحَقُّ بَطْنِكَ أَنْ لَا تَجْعَلَهَا وَعَاءً لِلْحَرَامِ، وَلَا تَزِيدَ عَلَى الشَّبَعِ.

وَحَقُّ فَرْجِكَ أَنْ تُحْصِنَهُ عَنِ الرِّئَا، وَتَحْفَظَهُ مِنْ أَنْ يُنظَرَ إِلَيْهِ.

وَحَقُّ الصَّلَاةِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا وَفَادَةٌ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَأَنَّكَ فِيهَا قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَإِذَا عَلِمْتَ ذَلِكَ كُنْتَ حَقِيقاً أَنْ تَقُومَ فِيهَا مَقَامَ الدَّلِيلِ الْحَقِيرِ الرَّاعِبِ الرَّاهِبِ (1) الرَّاجِي الخَائِفِ المُسْتَكِينِ المُتَضَرِّعِ المُعْظَمِ لِمَنْ كَانَ بَيْنَ يَدَيْهِ بِالسُّكُونِ وَالوَقَارِ وَتُقْبَلُ عَلَيْهَا بِقَلْبِكَ وَتُقِيمُهَا بِحُدُودِهَا وَحُقُوقِهَا.

وَحَقُّ الْحَجِّ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ وَفَادَةٌ إِلَى رَبِّكَ وَفِرَازٌ إِلَيْهِ مِنْ ذُنُوبِكَ، وَبِهِ قَبُولُ تَوْبَتِكَ وَقَضَاءُ الفَرَضِ الَّذِي أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَيْكَ.

وَحَقُّ الصَّوْمِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ حِجَابٌ ضَرَبَهُ اللَّهُ عَلَى لِسَانِكَ وَسَمِعِكَ وَبَصَرِكَ وَبَطْنِكَ وَفَرْجِكَ لِيَسْتُرَكَ بِهِ مِنَ النَّارِ، فَإِذَا تَرَكْتَ الصَّوْمَ خَرَقْتَ سِتْرَ اللَّهِ عَلَيْكَ.

وَحَقُّ الصَّدَقَةِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا ذُخْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ عَزَّ وَجَلَّ وَوَدِيعَةٌ الَّتِي لَا تَحْتَاجُ إِلَى الإِشْهَادِ عَلَيْهَا، فَإِذَا عَلِمْتَ ذَلِكَ كُنْتَ بِمَا تَسْتَوِدُّهُ سِرّاً أَوْثَقَ مِنْكَ بِمَا تَسْتَوِدُّهُ عَلَانِيَةً، وَتَعْلَمُ أَنَّهَا تَدْفَعُ البَلَايَا وَالْأَسْقَامَ

ص: 136

1- الرهبة: مخافة مع تحرّز واضطراب (مفردات غريب القرآن: 204). والراهب: الخائف، وله معنى اصطلاحى نهى عنه الشارع، وهو التبتل والانتقطاع عن الدنيا والناس للعبادة.

قرار ندهی. پس اگر با اخلاص چنین کردی خداوند بر خود لازم کرده است که امر دنیا و آخرت تو را تأمین کند.

حق خودت بر تو این است که خود را در اطاعت خدا بکارگیری.

حق زبان آن است که از دشنام نگهداری. و به گفتار خوب عادت دهی. و سخنان گزافه که فایده ای ندارد نگویی. و به مردم نیکی کنی. و سخن خوب درباره آنان بگویی.

حق گوش، پاک نگه داشتن آن از شنیدن غیبت و صدای حرام است.

حق چشم، بستن از حرام و عبرت گرفتن با دیدن بوسیله چشم است.

حق دست، این است که آن را بسوی حرام دراز نکنی.

حق پای تو این است که بوسیله آن به مکان حرام نروی. چون با آنها باید از صراط بگذری. پس دقت کن که در صراط نلغزد. و تو را به دوزخ افکند.

حق شکم تو این است که آن را ظرف حرام نکنی. و بیش از اندازه نخوری.

حق آلت تناسلی این است که آن را از زنا نگه داری. و از چشمها بپوشانی.

حق نماز این است که بدانی ورود به درگاه خداوند متعال است. و تو در پیشگاه او ایستاده ای. پس هنگامی که این را دانستی شایسته است که در نماز مثل بنده ای ذلیل و کوچک و راغب و ترسان و امیدوار و بیمناک و بیچاره و زار و تعظیم کننده در برابر خداوند با آرامش و وقار بایستی. و در نماز حضور قلب داشته باش. و نماز را با حدود و حقوقش اقامه کن.

و حق حج، این است که بدانی بار یافتن به دربار پروردگار تو است. و از گناهان بسوی او فرار می کنی. و با حج توبه توبه قبول می شود. و واجبی که خدا از تو خواسته انجام می شود.

و حق روزه، این است که بدانی: روزه پرده ای است که خداوند آن را بر زبان و گوش و چشم و شکم و شهوت تو انداخته تا تو را بوسیله آن از آتش بپوشاند. و اگر روزه را ترک کنی پرده خدا را پاره کرده ای.

و حق صدقه: این است که بدانی آن ذخیره ای برای تو نزد خداست. و امانتی است که نیاز به شاهد گرفتن ندارد. وقتی این را دانستی به صدقه محرمانه از صدقه آشکارا مطمئن تر می شوی. و بدانی که صدقه بلاها و بیماریها را در دنیا از تو دور می کند. و در

عَنكَ فِي الدُّنْيَا وَتَدْفَعُ عَنكَ النَّارَ فِي الآخِرَةِ.

وَحَقُّ الْهَدْيِ أَنْ تُرِيدَ بِهِ وَجَهَ اللَّهِ وَلَا تُرِيدَ بِهِ خَلْقَهُ، وَلَا تُرِيدَ بِهِ إِلَّا التَّعَرُّضَ لِرَحْمَةِ اللَّهِ وَنَجَاةِ رُوحِكَ يَوْمَ تَلْقَاهُ.

وَحَقُّ السُّلْطَانِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّكَ جُعِلْتَ لَهُ فِتْنَةً وَأَنَّهُ مُبْتَلَىٰ فِيكَ بِمَا جَعَلَهُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ عَلِيكَ مِنَ السُّلْطَانِ، وَأَنَّ عَلَيْكَ أَنْ لَا تَتَعَرَّضَ لِسَخَطِهِ فَتَلْقَىٰ بِيَدِكَ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَتَكُونَ شَرِبَكَ لَهُ فِيمَا يَأْتِي إِلَيْكَ مِنْ سُوءٍ.

وَحَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ التَّعْظِيمِ وَالتَّوْقِيرِ لِمَجْلِسِهِ وَحُسْنِ الْإِسْتِمَاعِ إِلَيْهِ وَالْإِقْبَالَ عَلَيْهِ، وَأَنْ لَا تَرْفَعَ عَلَيْهِ صَوْتَكَ، وَأَنْ لَا تُجِيبَ أَحَدًا يَسْأَلُهُ عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يَكُونَ هُوَ الَّذِي يُجِيبُ، وَلَا تُحَدِّثْ فِي مَجْلِسِهِ أَحَدًا وَلَا تَغْتَابَ عِنْدَهُ أَحَدًا، وَأَنْ تَدْفَعَ عَنْهُ إِذَا ذُكِرَ عِنْدَكَ بِسُوءٍ، وَأَنْ تَسْتُرَ عُيُوبَهُ وَتُظْهِرَ مَنَاقِبَهُ، وَلَا تُجَالِسَ لَهُ عَدُوًّا، وَلَا تُعَادِيَ لَهُ وَلِيًّا، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ سَهَّدَ لَكَ مَلَائِكَةُ اللَّهِ بِأَنَّكَ قَصَدْتَهُ وَتَعَلَّمْتَ عِلْمَهُ لِلَّهِ - جَلَّ اسْمُهُ - لَا لِلنَّاسِ.

وَأَمَّا حَقُّ سَائِسِكَ بِالْمُلْكِ فَأَنْ تُطِيعَهُ وَلَا تَعْصِيَهُ إِلَّا فِيمَا يُسَخِّطُ اللَّهَ عِزًّا وَجَلَّ؛ فَإِنَّهُ لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ.

وَأَمَّا حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالسُّلْطَانِ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُمْ صَارُوا رَعِيَّتَكَ لِضَعْفِهِمْ وَقُوَّتِكَ، فَيَجِبُ أَنْ تَعْدِلَ فِيهِمْ وَتَكُونَ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ، وَتَغْفِرَ لَهُمْ جَهْلَهُمْ وَلَا تُعْجِلَهُمْ بِالْعُقُوبَةِ، وَتَشْكُرَ اللَّهَ عِزًّا وَجَلَّ عَلَىٰ مَا آتَاكَ مِنَ الْقُوَّةِ عَلَيْهِمْ.

وَأَمَّا حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالْعِلْمِ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عِزًّا وَجَلَّ إِنَّمَا جَعَلَكَ قِيَمًا لَهُمْ فِيمَا آتَاكَ مِنَ الْعِلْمِ، وَفَدَّحَ لَكَ مِنْ خَزَائِنِهِ؛ فَإِنْ أَحْسَسْتَ فِي تَعْلِيمِ النَّاسِ وَلَمْ تَخْرُقْ بِهِمْ وَلَمْ تَضْجِرْ عَلَيْهِمْ زَادَكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ، وَإِنْ أَنْتَ مَنَعْتَ النَّاسَ عِلْمَكَ أَوْ خَرَقْتَ بِهِمْ عِنْدَ طَلِبِهِمُ الْعِلْمَ مِنْكَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عِزًّا وَجَلَّ أَنْ يَسْلُبَكَ الْعِلْمَ وَبِهَاءَهُ، وَيُسْقِطَ مِنَ الْقُلُوبِ مَحَلَّكَ.

وَأَمَّا حَقُّ الزَّوْجَةِ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عِزًّا وَجَلَّ جَعَلَهَا لَكَ سَكَنًا وَأُنْسًا، فَتَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكَ

آخرت آتش را از تو دفع می کند.

و حق قربانی، آن است که تنها برای خدا انجام دهی، مخلوقی را در نظر نگیری و از آن [قربانی] چیزی جز رحمت خداوند و نجات در قیامت را نخواهی.

و حق فرمانروا، این است که بدانی خدا ترا وسیله آزمایش او قرار داده است. و او با سلطه ای که خدا بر تو قرار داده آزموده شود. و تو خود را در معرض خشم او قرار نده، که خود را به هلاکت افکنده ای. و با او در این ستمی که بر تو می کند شریک می شوی.

و حق آموزگار تو، این است که او را تعظیم نموده به او احترام کنی. و با دقت و توجه به سخنان او گوش فرا دهی. و صدایت را بر او بلند نکنی. و تا زمانی که او درباره چیزی به دیگران جواب می دهد تو جواب ندهی. و در کلاس او با کسی صحبت نکنی. و در حضور او از کسی غیبت نکنی. و اگر عیب او را گفتند تو دفاع کنی. و عیب او را بپوشانی. و کمالات او را اظهار کنی. و با دشمن او نشینی. و با دوست او دشمنی نکنی. اگر اینها را رعایت کردی، فرشتگان خدا شهادت می دهند که هدف تو خداست. و برای خدا علم معلم را آموخته ای نه برای مردم.

و حق مالک و مولا این است که از او اطاعت کنی و نافرمان نباشی بجز در کاری که خشم خدا را بدنبال دارد. که نباید در معصیت خدا از مخلوق اطاعت کرد.

حق زیر دست تو که بر او حکومت می کنی این است که بدانی به دلیل ضعف او و قدرت تو زیر دست تو واقع شده است. پس واجب است که عدالت داشته باشی. و برای آنان همچون پدر مهربان باش و نادانی آنان را نادیده بگیر. و در کیفر آنان شتاب نکن. و شکر خدا را برای قدرت تو بر آنان بجای آور.

حق شاگردان و دانش آموزان تو این است که بدانی خدا با علمی که به تو داده است تو را سرپرست آنان قرار داده است. و گنجینه دانش را به روی تو باز کرده است. پس اگر در آموزش مردم به خوبی کوشش کنی، و بخل نداشته باشی، و بر شاگردان سخت نگیری، خداوند فضل خود را بر تو می افزاید. و اگر مردم را از علم خود محروم گردانی، یا با دانش جوان هنگامی که از تو سؤال می پرسند بدرفتاری نمایی، سزاوار است که خداوند علم و رونق آن را از تو سلب کند. و موقعیت تو را در قلبها متزلزل نماید.

حق همسر و زوجه تو این است که بدانی خداوند او را سبب آرامش و الفت تو قرار

فَتُكْرِمَهَا وَتَرْفُقُ بِهَا، وَإِنْ كَانَ حَقُّكَ عَلَيْهَا أَوْجَبَ فَإِنَّ لَهَا عَلَيْكَ أَنْ تَرْحَمَهَا لِأَنَّهَا أَسِيرُكَ، وَتُطْعِمَهَا وَتَكْسُوَهَا، فَإِذَا جَهَلْتَ عَفْوَتَ عَنْهَا.

وَأَمَّا حَقُّ مَمْلُوكِكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ خَلَقَ رَبِّكَ وَابْنَ أَبِيكَ وَأُمَّكَ وَلَحْمُكَ وَدَمُكَ، لَمْ تَمْلِكْهُ لِأَنَّكَ صَدَقْتَهُ دُونَ اللَّهِ، وَلَا خَلَقْتَ شَيْئاً مِنْ جَوَارِحِهِ، وَلَا أَخْرَجْتَ لَهُ رِزْقاً، وَلَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَفَاكَ ذَلِكَ ثُمَّ سَخَّرَهُ لَكَ وَاتَّيَمَّنَكَ عَلَيْهِ وَاسْتَوْدَعَكَ إِيَّاهُ لِتَحْفَظَ لَكَ مَا تَأْتِيهِ مِنْ خَيْرٍ إِلَيْهِ، فَأَحْسِنَ إِلَيْهِ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ، وَإِنْ كَرِهْتَهُ اسْتَبَدَلْتَ بِهِ وَلَمْ تُعَذِّبْ خَلْقَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

وَحَقُّ أُمَّكَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَتَحَمَّلُ أَحَدٌ أَحَدًا، وَأَعْطَتْكَ مِنْ ثَمَرَةِ قَلْبِهَا مَا لَا يُعْطِي أَحَدٌ أَحَدًا، وَوَقَّتَكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِهَا، وَلَمْ تُبَالِ أَنْ تَجُوعَ وَتُطْعِمَكَ، وَتَعْطَشَ وَتَسْقِيكَ، وَتَعْرِى وَتَكْسُوكَ، وَتَضْحَى وَتُظْلِكَ، وَتَهْجُرَ النَّوْمَ لِأَجْلِكَ، وَوَقَّتَكَ الْحَرَّ وَالْبَرْدَ لِتَكُونَ لَهَا؛ فَإِنَّكَ لَا تُطِيقُ شُكْرَهَا إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَحُسْنِ تَوْفِيقِهِ.

وَأَمَّا حَقُّ أَبِيكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ أَصْلُكَ، وَأَنَّهُ لَوْلَاهُ لَمْ تَكُنْ، فَمَهْمَا رَأَيْتَ مِنْ نَفْسِكَ مِمَّا يُعْجِبُكَ فَاعْلَمْ أَنَّ أَبَاكَ أَصْلُ النِّعَمَةِ عَلَيْكَ فِيهِ، فَاحْمَدِ اللَّهَ وَاشْكُرْهُ عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَمُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَشَرِّهِ، وَأَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلِيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالذَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَالْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ، فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلًا مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ مَثَابٌ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ، مُعَاقِبٌ عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ.

وَأَمَّا حَقُّ أَخِيكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ يَدُكَ وَعِزُّكَ وَقُوَّتُكَ، فَلَا تَتَّخِذْهُ سِوَا لِحَاةٍ عَلَى مَعْصِيَةِ اللَّهِ، وَعُدَّةً (1) لِلظُّلْمِ لِخَلْقِ اللَّهِ، وَلَا تَدَعِ نُصْرَتَهُ عَلَى عَدُوِّهِ، وَالتَّصِيحَةَ لَهُ؛ فَإِنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَإِلَّا فَلْيَكُنِ اللَّهُ أَكْرَمَ عَلَيْكَ مِنْهُ، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

ص:140

1- العُدَّة - بالضم -: الاستعداد وما أعدده لحوادث الدهر من مال أو سلاح.

داده است. و بدانی که او نعمت خدا برای توست. پس به او تکریم و ملاطفت کن. گر چه حق تو بر او واجب است. اما حق او بر توست که به وی رحمت آوری. چون او در اختیار توست. و باید خوراک و پوشاکش را فراهم کنی. و اگر نادانی کرد عفو نمایی.

حق برده تو این است که بدانی پروردگار تو او را آفریده است. و پدر و مادر و گوشت و خون او با تو یکی است. مالکیت تو به این جهت نیست که تو او را یا عضوی از اعضای او را آفریده ای یا روزی او دست توست. بلکه خداوند چنین کاری را بر عهده دارد. و او را مسخر تو گردانده است. و امانت به تو سپرده است. تا هر نیکی که به او نمایی برای حفظ کند. پس چنانکه خدا به تو احسان کرده است، تو هم به او احسان کن. و اگر او را نمی پسندی، با دیگری عوض کن. و مخلوق خدا را میازار. که نیرویی جز خدا نیست.

حق مادرت این است که بدانی وقتی تو را حمل کرده است که هیچ کس، دیگری را حمل نمی کرد. و از ثمره قلب خود به تو داده است که کسی به دیگری نمی دهد. و با همه وجود از تو مراقبت کرد. و باکی نداشت که خود گرسنه بماند و تو را سیر کند. خودش تشنه باشد و تو را سیراب کند. و خودش پوشاک مناسب نداشته باشد اما ترا بپوشاند. خود در حرارت باشد و بر تو سایه افکند. خود بیدار باشد تا تو را بخواباند. و تو را از سرما و گرما ننگه دارد. تا تو برای او باشی. تو هرگز توان شکر او را نداری. مگر با کمک و توفیق خداوند.

حق پدرت این است که بدانی او منشاء وجود توست. و اگر نبود تو نبودی. پس هرگاه در وجود خود چیزی خوشایند یافتی بدان که اصل آن نعمت از پدر توست. پس خدا را بقدر این نعمت سپاس و شکرگزار. و نیرویی جز خدا نیست.

حق فرزند تو این است که بدانی او از توست. و خیر و شر او در دنیا به تو نسبت دارد. و تو درباره تربیت و ادب و خداشناسی و یاری او برای اطاعت از خدا مسئولیت داری. پس رفتار تو با فرزندت مثل کسی باشد که می داند اگر به او نیکی کنی ثواب می بری. و اگر به او بدی کنی مؤاخذه خواهی شد.

حق برادرت این است که بدانی او دست تو و عزت و قدرت توست. پس او را برای نافرمانی خدا و ظلم بر مردم بکار مگیر. و در مقابل دشمن او را یاری کن. و خیر خواه وی باش. در صورتی که او مطیع خدا باشد. وگرنه باید خدا نزد تو از برادرت گرامی تر باشد. و نیرویی جز خدا نیست.

وَأَمَّا حَقُّ مَوْلَاكَ الْمُنْعِمِ عَلَيْكَ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَ أَنْفَقَ فِيكَ مَالَهُ، وَأَخْرَجَكَ مِنْ ذُلِّ الرَّقِّ وَوَحْشَتِهِ إِلَى عِزِّ الْحُرِّيَّةِ وَأُنْسِهَا، فَأَطْلَقَكَ مِنْ أَسْرِ الْمَلَكِيَّةِ، وَفَكَ عَنْكَ قَيْدَ الْعُبُودِيَّةِ، وَأَخْرَجَكَ مِنَ السَّجَنِ، وَمَلَّكَكَ نَفْسِكَ، وَفَرَّغَكَ لِعِبَادَةِ رَبِّكَ، وَتَعْلَمَ أَنَّهَ أَوْلَى الْخَلْقِ بِكَ فِي حَيَاتِكَ وَمَوْتِكَ، وَأَنْ نُصْرَتُهُ عَلَيْكَ وَاجِبَةٌ بِنَفْسِكَ وَمَا احْتِاجَ إِلَيْهِ مِنْكَ، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

وَأَمَّا حَقُّ مَوْلَاكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ عِتْقَكَ لَهُ وَسِيلَةً إِلَيْهِ وَحِجَاباً لَكَ مِنَ النَّارِ، وَأَنَّ ثَوَابَكَ فِي الْعَاجِلِ مِيرَاثُهُ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ رَحِمٌ؛ مُكَافَاةً بِمَا أَنْفَقْتَ مِنْ مَالِكَ، وَفِي الْآجِلِ الْجَنَّةُ.

وَأَمَّا حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَأَنْ تَشْكُرَهُ وَتَذْكُرَ مَعْرُوفَهُ، وَتُكْسِبَهُ بِهَذَا الْمَقَالَةِ الْحَسَنَةَ، وَتُخْلِصَ لَهُ الدُّعَاءَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ قَدْ شَكَرْتَهُ سِرًّا وَعَلَانِيَةً، ثُمَّ إِنْ قَدَرْتَ عَلَى مُكَافَاتِهِ يَوْمًا كَافِيَتَهُ.

وَحَقُّ الْمُؤَدِّنِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَ مَذْكُرٌ لَكَ رَبِّكَ عَزَّ وَجَلَّ، وَدَاعٍ لَكَ إِلَى حَظِّكَ، وَعَوْنٌ عَلَى قَضَاءِ فَرَضِ اللَّهِ عَلَيْكَ، فَاشْكُرْهُ عَلَى ذَلِكَ شُكْرَكَ الْمُحْسِنِ إِلَيْكَ.

وَحَقُّ إِمَامِكَ فِي صَلَاتِكَ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَ قَدْ تَقَلَّدَ السَّفَارَةَ (1) فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ رَبِّكَ عَزَّ وَجَلَّ، وَتُكَلِّمَ عَنْكَ وَلَمْ تَتَكَلَّمْ عَنْهُ، وَدَعَا لَكَ وَلَمْ تَدْعُ لَهُ (2)، وَكَفَاكَ هَوَلَ الْمَقَامِ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَإِنْ كَانَ بِهِ نَقْصٌ كَانَ بِهِ دُونَكَ، وَإِنْ كَانَ تَمَاماً كُنْتَ شَرِيكُهُ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ عَلَيْكَ فَضْلٌ، فَوَقَى نَفْسَكَ بِنَفْسِهِ وَصَلَاتِكَ بِصَلَاتِهِ، فَاشْكُرْ لَهُ عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ.

وَأَمَّا حَقُّ جَلِيسِكَ فَأَنْ تُلِينَ لَهُ جَانِبَكَ، وَتُنْصِفَهُ فِي مُجَارَاةِ (3) اللَّفْظِ، فَلَا تَقُومَ مِنْ مَجْلِسِكَ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَمَنْ يَجْلِسُ إِلَيْكَ يَجُوزُ لَهُ الْقِيَامُ بِغَيْرِ إِذْنِكَ، وَتَنْسَى زَلَّاتِهِ، وَتَحْفَظُ خَيْرَاتِهِ، وَلَا تُسْمِعَهُ إِلَّا خَيْرًا.

ص: 142

1- السفارة: الرسالة من قوم إلى قوم للإصلاح، فالإمام رسول القوم إلى الله تعالى.

2- دعا لهم بقوله: اهدنا الصراط المستقيم، أو في قنوته.

3- المجاراة: المجادلة. قال الجزري في الرياء: من طلب العلم ليحاري به العلماء أي يجري معهم في المناظرة والجدال ليظهر علمه على الناس. والمراد أن تنصف الجليس في المجاراة.

حق مولا- و مالك تو كه تو را آزاد كرد اين است كه بدانی او سرمایه خود را برای تو هزینه كرد. و تو را از ذلت و وحشت بردگی به عزت و الفت آزادی رساند. و تو را از اسارت بردگی رها نمود. و زنجیر بردگی را از پای تو گشود. و تو را از زندان نجات داد. تو را مالك سرنوشت خود قرار داد. و برای عبادت پروردگار رهایی بخشید.

و بدان كه او در زندگی و مرگ تو از همه مردم به تو اولویت دارد. و بر تو واجب است كه با جان و غیره او را یاری کنی. و نیرویی جز خداوند نیست.

حق برده ای كه آزاد کرده ای بر تو این است كه بدانی خداوند آزادی او را برای تو وسیله تقرب و حجاب از دوزخ قرار داد. و پاداش تو در دنیا میراث اوست اگر وارث نداشته باشد. و در آخرت بهشت پاداش توست.

حق کسی است كه به تو احسان کرده است، این است كه از او تشكر کنی. و به یاد احسان او باشی. و او را به نیکی شهرت دهی و بین خود و خدا خالصانه به او دعا کن. و اگر چنین کردی در نهان و عیان از او تشكر کرده ای. سپس اگر روزی توانستی جبران کنی.

حق مؤذن این است كه بدانی او تو را به یاد خدا می اندازد. و به عبادت دعوت می كند. و در به جا آوردن فریضه تو را یاری می نماید. از او تشكر كن. چون کسی است كه به تو احسان کرده است.

حق امام جماعت این است كه سفارت بین تو و پروردگارت را به عهده گرفته است. و از جانب تو سخن می گوید. ولی تو از جانب او سخن نگفته ای. به تو دعا کرده است. و تو به او دعا نکرده ای. در اضطراب ایستادن در برابر پروردگار پیشگام شده است. اگر در نماز او نقص باشد به عهده اوست نه تو. و اگر نمازش كامل باشد تو در آن شريك هستی. و او نسبت به تو برتری ندارد. او خود را سپر تو و نمازش را سپر نماز تو قرار داده است. از او به این اندازه تشكر كن.

حق همنشین تو این است كه با او به نرمی رفتار کنی و با انصاف با او سخن بگویی. و بدون اجازه جلسه را ترك نکنی. ولی کسی كه با تو نشیند می تواند بدون اجازه تو جلسه را ترك كند. و تو لغزش او را فراموش کن. و خوبیهای او را به یاد داشته باش. و جز خیر از تو سخنی نشنود.

وَأَمَّا حَقُّ جَارِكَ فَحِفْظُهُ غَائِبًا، وَإِكْرَامُهُ شَاهِدًا، وَنُصْرَتُهُ إِذَا كَانَ مَظْلُومًا، وَلَا تَتَّبِعْ لَهُ عَوْرَةً، فَإِنْ عَلِمْتَ عَلَيْهِ سِوَاءَ سِتْرَتِهِ عَلَيْهِ، وَإِنْ عَلِمْتَ أَنَّهُ يَقْبَلُ نَصِيحَتَكَ نَصَحْتَهُ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ، وَلَا تُسَلِّمُهُ عِنْدَ شَدِيدَةٍ، وَثَقِيلُ عَثْرَتُهُ، وَتَغْفِرُ ذَنْبَهُ، وَتُعَاشِرُهُ مُعَاشِرَةَ كَرِيمَةٍ، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

وَأَمَّا حَقُّ الصَّاحِبِ فَمَنْ تَصَحَّبَهُ بِالتَّقْضِيلِ وَالْإِنْصَافِ، وَتُكْرِمُهُ كَمَا يُكْرِمُكَ، وَلَا تَدْعُهُ يَسْبِقُ إِلَى مَكْرَمَةٍ، وَإِنْ سَبَقَ كَافِيَتَهُ، وَتَوَدَّهَ كَمَا يُوَدُّكَ، (1) وَتَزْجُرُهُ عَمَّا يَهُمُّ بِهِ مِنْ مَعْصِيَتِهِ، وَكُنْ عَلَيْهِ رَحِمَةً وَلَا تَكُنْ عَلَيْهِ عَذَابًا، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

وَأَمَّا حَقُّ الشَّرِيكِ فَإِنْ غَابَ كَفَيْتَهُ، وَإِنْ حَضَرَ رَعَيْتَهُ، وَلَا تَحْكُمُ (2) دُونَ حُكْمِهِ، وَلَا تَعْمَلُ بِرَأْيِكَ دُونَ مُنَاطَرَتِهِ (3)، وَتَحْفَظُ عَلَيْهِ مَالَهُ، وَلَا تُخَوِّنُهُ (4) فِيمَا عَزَّ أَوْ هَانَ مِنْ أَمْرِهِ، فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى الشَّرِيكِينَ مَا لَمْ يَتَخَاوْنَا، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

وَأَمَّا حَقُّ مَالِكَ فَإِنْ لَا تَأْخُذُهُ إِلَّا مِنْ حِلِّهِ، وَلَا تُؤَثِّرُ عَلَى نَفْسِكَ مَنْ لَا يَحْمَدُكَ، فَاعْمَلْ فِيهِ بِطَاعَةِ رَبِّكَ، وَلَا تَبْحَلْ بِهِ فِتْبَوَاءَ بِالْحَسْرَةِ وَالنَّدَامَةِ مَعَ التَّبَعَةِ، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

وَأَمَّا حَقُّ غَرِيمِكَ الَّذِي يُطَالِبُكَ فَإِنْ كُنْتَ مُوسِرًا أَعْطَيْتَهُ، وَإِنْ كُنْتَ مُعْسِرًا أَرْضَيْتَهُ بِحَسَنِ الْقَوْلِ، وَرَدَدْتَهُ عَنِ نَفْسِكَ رَدًّا لَطِيفًا.

وَحَقُّ الْخَلِيطِ (5) أَنْ لَا تَغْرَهُ وَلَا تَغْشَهُ، وَلَا تَخْدَعَهُ، وَتَتَّبِعِي اللَّهَ تَبَارَكَ فِي أَمْرِهِ.

وَحَقُّ الْخَصْمِ الْمُدَّعِي عَلَيْكَ؛ فَإِنْ كَانَ مَا يَدَّعِي عَلَيْكَ حَقًّا كُنْتَ شَاهِدَهُ عَلَى نَفْسِكَ وَلَا تَظْلِمُهُ وَوَفَيْتَهُ حَقَّهُ، وَإِنْ كَانَ مَا يَدَّعِي بَاطِلًا رَفَقْتَ بِهِ، وَلَمْ تَأْتِ فِي أَمْرِهِ غَيْرَ الرَّفْقِ، وَلَمْ تُسَخِّطْ رَبَّكَ فِي أَمْرِهِ، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

وَحَقُّ خَصْمِكَ الَّذِي تَدَّعِي عَلَيْهِ إِنْ كُنْتَ مُحِقًّا فِي دَعْوَاكَ أَجْمَلْتَ مُقَاوَلَتَهُ وَلَمْ تَجِدْ حَقَّهُ، وَإِنْ

ص: 144

1- أي توقّره كما يوقرك. وليس ذلك في الخصال المطبوعة على الحروف.

2- أي لا تحكم بعد أن حكم الشريك، أو لا تحكم قبل أن يحكم.

3- أي قبل مشورته.

4- أي لا تخنه في الجليل والحقير.

5- الخليط: من يخالط الرجل كالجليس والنديم. والغرور: الخدعة والغفلة.

حق همسایه تو این است که وقتی غایب است از او دفاع کنی. وقتی حضور دارد به او احترام نمایی. وقتی مظلوم واقع شود به او یاری کنی. در پی عیب او نباشی. و اگر خطایی از او می دانی افشا نکنی. و اگر نصیحت پذیر است در تنهایی او را نصیحت کنی. و در هنگام سختی او را تنها نگذاری. و از لغزش او بگذری. و گناهِش را ببخشی. و با او رابطه محترمانه داشته باشی. و نیرویی جز خدا نیست.

حق رفیق و دوست این است که به بزرگواری و انصاف با او رفتار کنی. و همانطور که تو را گرامی دارد او را گرامی داری. و در کارهای خوب همیشه سبقت بگیر. و اگر او از تو سبقت گرفت احسان او را جبران کن. و او را دوست داشته باش، همانطور که تو را دوست دارد. و اگر به فکر گناه افتاد، او را منصرف کن. و با او مهربان باش. و برای او زحمت و آزار نداشته باش. و نیرویی جز خدا نیست.

حق شریک این است که در غیاب او کارش را انجام بده. و در حضورش [حقوق] او را رعایت کن. و با او مخالفت نکن. و بدون نظر خواهی از او کار انجام نده. مال او را حفظ کن. و در امور مهم یا جزئی به او خیانت نکن. زیرا دست خدا بر سر شریکان است. تا زمانی که به یکدیگر خیانت نکنند. و نیرویی جز خدا نیست.

اما حق سرمایه تو این است که جز از راه حلال بدست نیاوری. و کسی که حق شناس تو نیست را بر خود ترجیح ندهی. با سرمایه ات در اطاعت پروردگار بکوش. و بخل نوز.

که حسرت و پشیمانی و عذاب بدنبال دارد. و نیرویی جز خداوند نیست.

اما حق طلبکار این است که اگر قدرت داری پردازی. و اگر نداری با خوشگفتاری رضایت او را جلب کنی. و با ملاحظت او را از خود دوری کنی.

حق ارباب رجوع این است که او را فریب ندهی. و با او تقلب و خدعه نکنی. و در انجام کار او از خداوند متعال پروا داشته باشی.

حق کسی که از تو شکایت کرده این است اگر ادعای او بر علیه تو حق است. تو بر علیه خود شاهد باش. و به او ظلم نکن. و به حق او وفا کن. و اگر ادعای او باطل است، به ملایمت با او رفتار کن. و خدا را در کار او به خشم نیاور. و نیرویی جز خدا نیست.

حق کسی که تو از او شکایت کرده ای این است که اگر ادعای تو حق است، به زیبایی با او سخن بگو. و حق او را انکار نکن. و اگر ادعای تو باطل است، از خدا پروا داشته باش.

كُنْتُ مُبْطِلًا فِي دَعْوَاكَ اتَّقَيْتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَتُبْتُ إِلَيْهِ وَتَرَكْتُ الدَّعْوَى.

وَحَقُّ الْمُسْتَشِيرِ إِنْ عَلِمْتَ لَهُ رَأْيًا أَشْرَتْ إِلَيْهِ، وَإِنْ لَمْ تَعْلَمْ أُرْشِدْتَهُ إِلَى مَنْ يَعْلَمُ.

وَحَقُّ الْمُسِيرِ عَلَيْكَ أَنْ لَا تَتَّهَمَهُ (1) فِيمَا لَا يُؤَافِقُكَ مِنْ رَأْيِهِ، وَإِنْ وَافَقَكَ حَمِدْتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ.

وَحَقُّ الْمُسْتَنْصِحِ أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَيْهِ النَّصِيحَةَ، وَلِيَكُنْ مَذْهَبُكَ الرَّحْمَةَ وَالرَّفْقَ بِهِ.

وَحَقُّ النَّاصِحِ أَنْ تُلِينَ لَهُ جَنَاحَكَ، وَتُصَغِّيَ إِلَيْهِ بِسَمْعِكَ؛ فَإِنْ أَتَى الصَّوَابَ حَمِدْتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، فَإِنْ لَمْ يُؤَفِّقْ رَحِمْتَهُ وَلَمْ تَتَّهَمْهُ، وَإِنْ عَلِمْتَ أَنَّهُ أَخْطَأَ لَمْ تُؤَاخِذْهُ بِذَلِكَ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ مُسْتَحِقًّا، فَلَا تَعْبَأُ (2) بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى حَالٍ، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

وَحَقُّ الْكَبِيرِ تَوْقِيرُهُ لِسِدْنِهِ، وَإِجْلَالُهُ لِتَقَدُّمِهِ فِي الْإِسْلَامِ قَبْلَكَ، وَتَرْكُ مُقَابَلَتِهِ عِنْدَ الْخِصَامِ، وَلَا تَسْبِقُهُ إِلَى طَرِيقٍ، وَلَا تَتَقَدَّمُهُ، وَلَا تَسْتَجْهَلُهُ، وَإِنْ جَهِلَ عَلَيْكَ احْتَمَلْتَهُ وَأَكْرَمْتَهُ لِحَقِّ الْإِسْلَامِ وَحُرْمَتِهِ.

وَحَقُّ الصَّغِيرِ رَحِمْتَهُ فِي تَعْلِيمِهِ، وَالْعَفْوُ عَنْهُ، وَالسِّرُّ عَلَيْهِ، وَالرَّفْقُ بِهِ وَالْمَعُونَةُ لَهُ.

وَحَقُّ السَّائِلِ إِعْطَاؤُهُ عَلَى قَدْرِ حَاجَتِهِ.

وَحَقُّ الْمَسْئُولِ إِنْ أُعْطِيَ فَاقْبَلْ مِنْهُ بِالشُّكْرِ وَالْمَعْرِفَةِ بِفَضْلِهِ، وَإِنْ مَنَعَ فَاقْبَلْ عُذْرَهُ.

وَحَقُّ مَنْ سَرَّكَ لِلَّهِ - تَعَالَى ذِكْرُهُ - أَنْ تَحْمَدَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوَّلًا، ثُمَّ تَشْكُرُهُ.

وَحَقُّ مَنْ أَسَاءَكَ أَنْ تَعْفُوَ عَنْهُ، فَإِنْ عَلِمْتَ أَنَّ الْعَفْوَ عَنْهُ يَصْدُرُ انتِصَارًا، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَلَمَنْ انتَصَرَ رَ بَعْدَ ظُلْمِهِ يَأْوُلْ - كَمَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ».

وَحَقُّ أَهْلِ مِلَّتِكَ إِضْمَارُ السَّلَامَةِ لَهُمْ، وَالرَّحْمَةُ وَالرَّفْقُ بِمُسِيئِهِمْ، وَتَأَلُّفُهُمْ وَاسْتِصْلَاحُهُمْ وَشُكْرُ مُحْسِنِهِمْ، وَكَفُّ الْأَذَى عَنْهُمْ، وَتُحِبُّ لَهُمْ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ، وَتَكْرَهُ لَهُمْ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ،

ص: 146

1- . أي لا تنسبه إلى الخيانة فيما أشار إليه.

2- . ما عبأْتُ بفلان: أي ما باليتُ به (الصحاح: 62/1).

و توبه کن. و ادعای خود را رها کن.

حق مشورت کننده این است که اگر نظری داری، اظهار کنی. و اگر نمی دانی، او را به کسی که آگاهی دارد راهنمایی کن.

حق کسی که با او مشورت می کنی این است که در مواردی که نظر او با تو موافق نیست، او را متهم نکن. و اگر با تو موافق است، خدا را سپاس گذار باش.

حق نصیحت خواه این است که با مهربانی و ملاحظت او را نصیحت کنی.

حق نصیحت کننده این است که در برابر او فروتن باش. و با دقت گوش فراده. و اگر درست می گوید، سپاس خدای را بجا آور. و اگر نادرست می گوید، با او مهربان باش. و او را متهم نکن. و اگر دانستی که اشتباه می کند، از او مؤاخذه نکن. مگر اینکه مستحق سرزنش باشد. که در این صورت در هیچ حال او اعتباری ندارد. و نیرویی جز خدا نیست.

حق افراد بزرگتر این است که به اقتضای سن او را محترم شماری. و به دلیل اینکه سابقه او در اسلام از تو بیشتر است. از او تجلیل نمایی. و با او ستیزه جویی نکن. و در راه از او جلوتر حرکت نکن. و قبل از او حرکت نکن. و او را نادان بحساب نیاور. و اگر در مورد تو نادانی کرد تحمل کن. و برای حق تقدم او در اسلام به وی احترام کن. و او را گرامی دار.

حق کوچکتر این است که در آموزش او مهربان باش. و عفو کن. و عیب او را بپوشان. و با ملاحظت به او کمک کن.

حق درخواست کننده این است که به قدر نیازش به او بدهی.

حق کسی که از او درخواست می کنی این است که اگر به تو عطا کرد، با قدردانی قبول کن. و حق شناس باش. و اگر خودداری کرد، عذر او را بپذیر.

حق کسی که تو را برای رضای خدا خشنود کرده این است که ابتدا سپاس خدا را بجا آور. و سپس از او تشکر کن.

حق کسی که به تو بدی کرده این است که او را عفو کنی. و اگر می دانی عفو کردن او ضرر دارد، از او انتقام بگیری.

خداوند متعال می فرماید: «کسی که اگر ستم دیده انتقام گیرد بر او تعرضی نیست».

حق هم کیش تو این است که سلامتی آنان را در دل آرزو کنی. و با خطاکاران مهربانی و مدارا کنی. و با الفت آنان را اصلاح کنی. و از نیکوکاران تشکر کن. و آنان را اذیت نکن.

وَأَنْ يَكُونَ شُيُوخُهُمْ بِمَنْزِلَةِ أَيْبِكَ، وَشَبَابُهُمْ بِمَنْزِلَةِ إِخْوَتِكَ، وَعَجَائِزُهُمْ بِمَنْزِلَةِ أُمَّكَ، وَالصَّغَارُ بِمَنْزِلَةِ أَوْلَادِكَ.

وَحَقُّ الدِّمَّةِ أَنْ تَقْبَلَ مِنْهُمْ مَا قَبِلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُمْ، وَلَا تَظْلِمَهُمْ مَا وَقَّوْا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِعَهْدِهِ. (1)

3975. الْمُؤْمِنُ يَكُونُ صَادِقًا فِي الدُّنْيَا، رَاعِي الْقَلْبِ (2)، حَافِظَ الْحُدُودِ، وَعَاءَ الْعِلْمِ، كَامِلَ الْعَقْلِ، سَلِيمَ الْقَلْبِ، ثَابِتَ الْجِلْمِ، عَاطِفَ الْيَدَيْنِ، بَازِلَ الْمَالِ، مَفْتُوحَ الْبَابِ لِلْإِحْسَانِ، لَطِيفَ اللِّسَانِ، كَثِيرَ التَّبَسُّمِ، دَائِمَ الْحُزْنِ، كَثِيرَ التَّفَكُّرِ، قَلِيلَ النَّوْمِ، قَلِيلَ الضَّحِكِ، طَيِّبَ الطَّبَعِ، مُمِيتَ الطَّمَعِ، قَاتِلَ الْهَوَى، زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا، رَاغِبًا فِي الْآخِرَةِ، يُحِبُّ الضَّعِيفَ، وَيُكْرِمُ الْيَتِيمَ، وَيَلْطَفُ الصَّغِيرَ، وَيُؤَقِّرُ الْكَبِيرَ، يُعْطِي السَّائِلَ، وَيَعُودُ الْمَرِيضَ، وَيُسَيِّعُ الْجَنَانِزَ، وَيَعْرِفُ حُرْمَةَ الْقُرْآنِ، وَيُنَاجِي الرَّبَّ، وَيَبْكِي عَلَى الذُّنُوبِ، أَمْرًا بِالْمَعْرُوفِ، نَاهِيًا عَنِ الْمُنْكَرِ، أَكْلُهُ بِالْجُوعِ، وَشُرْبُهُ بِالْعَطَشِ، وَحَرَكَتُهُ بِالْأَدَبِ، وَكَلَامُهُ بِالْعَضَبِ (3)، وَمَوْعِظَتُهُ بِالرَّفْقِ، لَا يَخَافُ إِلَّا اللَّهَ وَلَا يَرْجُو إِلَّا إِيَّاهُ، وَلَا يَشْغَلُ إِلَّا بِالثَّنَاءِ وَالْحَمْدِ، وَلَا يَتَهَاوَنُ فِي الصَّلَاةِ، وَلَا يَتَكَبَّرُ، وَلَا يَتَفَاخَرُ بِمَالٍ، مَشْغُولٌ بِغُيُوبِ نَفْسِهِ فَارِغٌ عَنْ غَيْرِهِ، الصَّلَاةُ قُرَّةُ عَيْنِهِ، الصِّيَامُ حِرْفَتُهُ، الصَّدَقُ عَادَتُهُ، وَالشُّكْرُ بَرَكَتُهُ، وَالْعَقْلُ قَائِدُهُ، وَالتَّقْوَى زَادُهُ، وَالدُّنْيَا حَانُوتُهُ، وَالْقَبْرُ مَنْزِلُهُ، وَاللَّيْلُ وَالنَّهَارُ رَأْسُ مَالِهِ، وَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ، وَالْقُرْآنُ حَرِيفُهُ (4)، وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَفِيعُهُ، وَاللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ مُؤْنِسُهُ. (5)

ص: 148

- 1- الخصال، ص 564، ح 1.
- 2- راعي القلب: أي لا كلفة فيه، أو عالم القلب: أي متدبر وعالم قلبه.
- 3- كذا، والظاهر أن الصواب: «وكلامه بالنصيحة» كما في جامع الأخبار ومستدرک الوسائل: ج 11 ص 174.
- 4- يقال فلان حريف فلان: إذا عامله، فعيل بمعنى فاعل، مثل جليس وأكيل وشريب (غريب الحديث لابن قتيبة: 321/1).
- 5- جامع الأخبار، ص 84.

و هرچه برای خود می پسندی برای آنان پسند. و هر چه برای خود نمی پسندی برای آنان نپسند. سالمندان را چون پدر خود، و جوانان را چون برادر، و زنان سالخورده را چون مادر، و کودکان را چون فرزند خود بدان.

حق کافر ذمی [کافری که در مملکت اسلامی تحت حمایت است] این است که حقی را که اسلام برای آنان پذیرفته است به رسمیت بشناسی. و تا زمانی که آنان وفادار هستند، به آنان ستم نکن.

3975. مؤمن در دنیا صادق است. قلب خود را حفظ می کند. حدود را رعایت می کند. عقل کامل است. ظرف علم است. قلب سالم دارد [مرض روحی ندارد]. بردبار است. بخشنده مال است. [از دیگران] دستگیری می کند. درهای احسان او باز است. زبان لطیف دارد. خوش رو است. همیشه [در قلب خود] محزون است. زیاد فکر می کند. کم می خوابد. کمتر می خندد. خوش طبع است. طمع ندارد. هوس خود را کشته است. به دنیا بی علاقه و به آخرت رغبت دارد. مهمان را دوست می دارد. یتیم را گرامی می دارد. به کودکان لطف دارد.

به بزرگان احترام می گذارد. به فقیر می بخشد. از بیمار عیادت می کند. در تشییع جنازه شرکت می کند. حرمت قرآن را می شناسد. با پروردگار مناجات می کند. بر گناه خود گریه می کند. امر به معروف و نهی از منکر می کند. تا گرسنه و تشنه نشود نمی خورد و نمی آشامد. رفتارش مؤدبانه است. گفتارش خیرخواهی است. به مدارا کردن پند می دهد.

از کسی جز خدا نمی ترسد و به کسی جز او امید ندارد. همیشه به حمد و ثناء خدا مشغول است. نماز را سبک نمی شمارد، تکبیر ندارد. به مال خود فخر نمی کند. به عیب خود می پردازد و به عیب دیگران توجه ندارد. نماز نور چشم اوست. کارش روزه است.

عادتش صداقت است. برکت او در شکر است. پیشوای او عقل و توشه او تقوی است. دنیا دکان او و قبر منزل و شب و روز سرمایه اوست. پناهگاه او بهشت و همکار و همدم او قرآن و شفیع او حضرت محمد صلی الله علیه و آله و خداوند جلیل مونس اوست.

بَابُ السَّبْعِينَ وَمِائَةٍ وَفَوْقَهَا

باب هفتاد و بیشتر از آن

اشاره

ص: 151

لَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامِ سَبْعُونَ مَنْقَبَةً لَمْ يَشْرِكْ فِيهَا أَحَدٌ مِنَ الْأُمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

3976. عَنْ مَكْحُولٍ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَقَدْ عَلِمَ الْمُسْتَحْفَظُونَ (1) مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ لَيْسَ فِيهِمْ رَجُلٌ لَهُ مَنْقَبَةٌ إِلَّا وَقَدْ شَرِكْتُهُ فِيهَا وَفَضَلْتُهُ، وَلِي سَبْعُونَ مَنْقَبَةً لَمْ يَشْرِكْنِي فِيهَا أَحَدٌ مِنْهُمْ. قُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَأَخْبِرْنِي بِهِنَّ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّ أَوَّلَ مَنْقَبَةٍ لِي أَنِّي لَمْ أَشْرِكْ (2) بِاللَّهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَلَمْ أَعْبُدِ اللَّاتَ وَالْعُزَّى.

وَالثَّانِيَةُ: أَنِّي لَمْ أَشْرَبِ الْخَمْرَ قَطُّ.

وَالثَّلَاثَةُ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اسْتَوْهَبَنِي عَنْ أَبِي فِي صِبَائِي وَكُنْتُ أَكِيلُهُ (3) وَشَرِبُهُ وَمَوْنَسُهُ وَمُحَدِّثُهُ.

وَالرَّابِعَةُ: أَنِّي أَوَّلُ النَّاسِ إِيمَانًا وَإِسْلَامًا.

وَالخَامِسَةُ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِي: «يَا عَلِيُّ، أَنْتَ مَنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَأَنْبِيَّ بَعْدِي».

وَالسَّادِسَةُ: أَنِّي كُنْتُ آخِرَ النَّاسِ عَهْدًا بِرَسُولِ اللَّهِ وَدَلِّيْتُهُ فِي حُفْرَتِهِ.

وَالسَّابِعَةُ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَا مَنِي عَلَى فِرَاشِهِ حَيْثُ ذَهَبَ إِلَى الْغَارِ وَسَجَّانِي بِبُرْدِهِ، فَلَمَّا جَاءَ

ص: 152

- 1- استحفظه مالا أو سرا: سأله أن يحفظه. والمستحفظون من الأصحاب: أي الأئمة الذين استحفظوا الكتاب والسنة وصاروا دعيّة عندهم.
- 2- لم اشرك بالله: المراد إما أنه عليه السلام لم يعبد صنما ولا وثنا قط، أو أنه معصوم من الشرك الذي يبتلى به كثير من الناس؛ كما قال تعالى: «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» فهو صلوات الله عليه مطهر عن الرجس الباطني والخارجي؛ كما قال تعالى: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ».
- 3- . أكيله وشربه: أي الذي يصاحب في الأكل والشرب، فعيل بمعنى مفاعل.

هفتاد فضیلت مخصوص به امیرالمؤمنین علیه السلام که دیگر ائمه علیهم السلام در آنها سهیم نبودند

3976. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: امنای از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله می دانند که هر يك از آنان امتیازی دارند، من در آن شریک هستم و بلکه در آن برتری دارم ولی من هفتاد فضیلت دارم که هیچ کس با من شریک نیست. راوی [مکحول] گوید: پرسیدم؛ یا امیرالمؤمنین آنها را برایم بازگو فرمایید.

حضرت فرمودند: اولین ویژگی که من دارم این است که؛ يك چشم بر هم زدن هم به خداوند شرك نوزیدم. و بت لالت و عزی را نپرستیدم.

دوم: هرگز شراب نوشیدم.

سوم: رسول الله صلی الله علیه و آله مرا در کودکی از پدرم گرفت. و من هم خوراك و هم كاسه و همدم و هم زبان او بودم.

چهارم: اولین کسی هستم که ایمان و اسلام آوردم.

پنجم: رسول الله صلی الله علیه و آله درباره من فرمودند: یا علی تو نسبت به من همانند هارون نسبت به موسی هستی. جز اینکه بعد از من پیامبری نخواهد بود.

ششم: من آخرین نفر بودم که با رسول خدا وداع کردم. و او را به خاک سپردم.

هفتم: رسول الله مرا در بستر خود خوابانید - آنگاه که [برای هجرت از مکه] به غار رفت - و مرا با روانداز خود پوشانید. و هنگامی که مشرکان حمله کردند و مرا بیدار

المُشْرِكُونَ ظَنُّونِي مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَيُّظُونِي وَقَالُوا: مَا فَعَلَ صَاحِبُكَ؟ فَقُلْتُ: ذَهَبَ فِي حَاجَتِهِ، فَقَالُوا:

لَوْ كَانَ هَرَبَ لَهَرَبَ هَذَا مَعَهُ.

وَأَمَّا الثَّامِنَةُ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَّمَنِي أَلْفَ بَابٍ مِنَ الْعِلْمِ يَفْتَحُ كُلُّ بَابٍ أَلْفَ بَابٍ، وَلَمْ يُعَلِّمْ ذَلِكَ أَحَدًا غَيْرِي.

وَأَمَّا التَّاسِعَةُ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِي: «يَا عَلِيُّ، إِذَا حَشَرَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ نُصِبَ لِي مِنْبَرٌ فَوْقَ مَنْابِرِ النَّبِيِّينَ، وَنُصِبَ لَكَ مِنْبَرٌ فَوْقَ مَنْابِرِ الْوَصِيِّينَ فَتَرْتَقِي عَلَيْهِ.»

وَأَمَّا الْعَاشِرَةُ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «يَا عَلِيُّ، لَا أُعْطَى فِي الْقِيَامَةِ إِلَّا سَأَلْتُ لَكَ مِثْلَهُ.»

وَأَمَّا الْحَادِيَةَ عَشْرَةَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «يَا عَلِيُّ، أَنْتَ أَخِي وَأَنَا أَخُوكَ، يَدُكَ فِي يَدِي حَتَّى تَدْخُلَ الْجَنَّةَ.»

وَأَمَّا الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «يَا عَلِيُّ، مَثَلُكَ فِي أُمَّتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ؛ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ.»

وَأَمَّا الثَّلَاثَةَ عَشْرَةَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَمَّمَنِي بِعِمَامَةِ نَفْسِهِ بِيَدِهِ، وَدَعَا لِي بِدَعْوَاتِ النَّصْرِ عَلَى أَعْدَاءِ اللَّهِ، فَهَزَمَتْهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ.

وَأَمَّا الرَّابِعَةَ عَشْرَةَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَرَنِي أَنْ أَمْسَحَ يَدِي عَلَى صَدْرِي شَاةً قَدْ يَبَسَ صَدْرُهَا فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ بَلْ أَمْسَحُ أَنْتَ، فَقَالَ: «يَا عَلِيُّ، فِعْلُكَ فِعْلِي»، فَمَسَحْتُ عَلَيْهَا يَدِي فَدَرَّ عَلَيَّ مِنْ لَبَنِهَا، فَسَقَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَرِبَهُ، ثُمَّ أَتَتْ عَجُوزَةٌ فَشَكَتِ الظَّمَأَ فَسَقَيْتُهَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ أَنْ يُبَارِكَ فِي يَدِكَ فَفَعَلَ.»

وَأَمَّا الْخَامِسَةَ عَشْرَةَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَوْصَى إِلَيَّ وَقَالَ: «يَا عَلِيُّ، لَا يَلِي غُسْلِي غَيْرُكَ، وَلَا يُوَارِي عَوْرَتِي غَيْرُكَ؛ فَإِنَّهُ إِنْ رَأَى أَحَدٌ عَوْرَتِي غَيْرُكَ تَفَقَّاتَ عَيْنَاهُ» فَقُلْتُ لَهُ: كَيْفَ لِي بِتَقْلِيكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: «إِنَّكَ سَدُّ تُعَانُ»، فَوَاللَّهِ مَا أَرَدْتُ أَنْ أَقْلِبَ عُضْوًا مِنْ أَعْضَائِهِ إِلَّا قَلَّبَ لِي.

وَأَمَّا السَّادِسَةَ عَشْرَةَ: فَإِنِّي أَرَدْتُ أَنْ أَجْرِدَهُ فَنُودِيْتُ: «يَا وَصِيَّ مُحَمَّدٍ! لَا تُجْرِدْهُ، فَعَسَلُهُ

کردند و پرسیدند: دوست تو کجاست؟ گفتم: در پی کار خود رفته است. گفتند: اگر فرار می کرد، علی هم همراه او فرار می کرد.

هشتم: رسول الله صلی الله علیه و آله هزار باب علم را به من آموخت. که هر باب آن شامل هزار باب علم است. و این علوم را به کسی جز من نیاموخت.

نهم: رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرمود: یا علی زمانی که خداوند اولین و آخرین را در روز محشر جمع می کند، برای من منبری بالاتر از منبر پیامبران نصب می کند. و برای تو منبری بالاتر از منبر اوصیاء نصب می کند. و تو بالای آن منبر خواهی رفت.

دهم: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی؛ در قیامت هر چه به من بدهند، مثل آن را برای تو درخواست می کنم.

یازدهم: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی؛ تو برادر من و من برادر تو هستم.

دست تو در دست من است. تا وارد بهشت شوی.

دوازدهم: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی؛ مثل تو در امت من همانند مثل کشتی نوح است که هر کس سوار شد نجات یافت. و هر کس بجای ماند هلاک شد.

سیزدهم: رسول الله صلی الله علیه و آله عمامه خود را با دست خویش بر سر من نهاد. و برای من دعای پیروزی بر دشمنان خدا کرد. و من آنان را با اذن خدا شکست دادم.

چهاردهم: رسول الله صلی الله علیه و آله به من دستور داد دستم را به پستان گوسفندی بزنم که شیر آن خشکیده بود. گفتم: یا رسول الله شما دست بزنید. فرمودند: یا علی رفتار تو رفتار من است.

پس با دستم آن را لمس کردم. آنگاه دستم از شیر پر شد. و یک جرعه از آن را به رسول الله نوشانیدم. سپس عجزه ای آمد اظهار تشنگی کرد، او را سیراب کردم. پس رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: از خداوند درخواست کردم که در دست تو برکت قرار دهد. و خداوند مستجاب نمود.

پانزدهم: رسول الله صلی الله علیه و آله به من وصیت فرمود و گفت: یا علی؛ جز تو کسی مرا غسل ندهد. و جسد مرا کفن نکند. زیرا اگر کسی غیر از تو بدن مرا ببیند دو چشم او نابینا شود.

گفتم: ای رسول خدا چگونه بدن شما را بگردانم؟ فرمود: تو یاری خواهی شد. به خدا قسم [هنگام غسل] هر عضوی از اعضاء او را که می خواستم بگردانم، برگردانده می شد.

شانزدهم: می خواستم او را برهنه کنم، به من ندا رسید: ای وصی محمد او را برهنه

وَالْقَمِيصُ عَلَيْهِ»، فَلَا وَاللَّهِ الَّذِي أَكْرَمَهُ بِالثُّبُوتِ وَخَصَّهُ بِالرِّسَالَةِ مَا رَأَيْتُ لَهُ عَوْرَةً، خَصَّنِي اللَّهُ بِذَلِكَ مِنْ بَيْنِ أَصْحَابِهِ .

وَأَمَّا السَّابِعَةَ عَشْرَةَ: فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَجَّهَنِي فَاطِمَةَ، وَقَدْ كَانَ خَطْبَهَا أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ فَرَّوَجَنِي اللَّهُ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتِهِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «هَنِيئاً لَكَ يَا عَلِيُّ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ زَوَّجَكَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَهِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي»، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَوْلَسْتُ مِنْكَ؟ فَقَالَ: «بَلَى يَا عَلِيُّ، وَأَنْتَ مِنِّي وَأَنَا مِنْكَ كَيْمِينِي مِنْ شِمَالِي(1)، لَا أَسْتَغْنِي عَنْكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

وَأَمَّا الثَّامِنَةَ عَشْرَةَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «يَا عَلِيُّ، أَنْتَ صَاحِبُ لِيَاءِ الْحَمْدِ فِي الْآخِرَةِ، وَأَنْتَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَقْرَبُ الْخَلَائِقِ مِنِّي مَجْلِساً، يُسْطُ لِي وَيُسْطُ لَكَ فَأَكُونُ فِي زُمْرَةِ النَّبِيِّينَ وَتَكُونُ فِي زُمْرَةِ الْوَصِيِّينَ، وَيُوضَعُ عَلَى رَأْسِكَ تَاجُ النُّورِ وَإِكْلِيلُ الْكِرَامَةِ، يُحْفُ بِكَ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ حَتَّى يَمْرُغَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ حِسَابِ الْخَلَائِقِ».

وَأَمَّا التَّاسِعَةَ عَشْرَةَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «سَتَقَاتِلُ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ؛ فَمَنْ قَاتَلَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ لَكَ بِكُلِّ رَجُلٍ مِنْهُمْ شَفَاعَةً فِي مِئَةِ أَلْفٍ مِنْ شِيعَتِكَ»، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَنْ النَّاكِثُونَ؟ قَالَ: «طَلْحَةُ وَالزُّبَيْرُ سَيِّبَاعَانِكَ بِالْحِجَازِ، وَيَنْكُثَانِكَ بِالْعِرَاقِ، فَإِذَا فَعَلَا ذَلِكَ فَحَارِبُهُمَا فَإِنَّ فِي قِتَالِهِمَا طَهَارَةً لِأَهْلِ الْأَرْضِ»، قُلْتُ: فَمَنْ الْقَاسِطُونَ؟ قَالَ: «مُعَاوِيَةُ وَأَصْحَابُهُ»، قُلْتُ: فَمَنْ الْمَارِقُونَ؟ قَالَ: «أَصْحَابُ ذِي الثُّدَيَّةِ، وَهُمْ يَمْرُقُونَ مِنَ الدِّينِ كَمَا يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ، فَأَقْتُلُهُمْ؛ فَإِنَّ فِي قِتَالِهِمْ فَرَجاً لِأَهْلِ الْأَرْضِ، وَعَذَاباً مُعْجَلاً عَلَيْهِمْ، وَذُخْراً لَكَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

وَأَمَّا الْعِشْرُونَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ لِي: «مِثْلُكَ فِي أُمَّتِي مِثْلُ بَابِ حِطَّةٍ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ، فَمَنْ دَخَلَ فِي وَلَايَتِكَ فَقَدْ دَخَلَ الْبَابَ كَمَا أَمَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»(2).

ص: 156

- 1- . كما قال تعالى: «ذُرِّيَّةً مَبْعُودَةً مِنْ مَبْعُودٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»، فعلى هذا يكون المراد الاتحاد في الطينة أو في النور، هذا مضافاً إلى قوله تعالى: «فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي»، والأول وحدة تكوينية واقعية، والثاني وحدة اعتبارية إلحاقية إلهية.
- 2- . هذا الحديث متواتر رواه الفريقان.

نکن. و از روی لباس غسل بده. سوگند به خداوندی که او را به نبوت کرامت بخشید، و به رسالت برگزید، عورتی از او را ندیدم. خداوند از بین اصحاب او این ویژگی را به من داد.

هفدهم: خداوند عزّ و جل فاطمه را به ازدواج من در آورد. در حالی که ابوبکر و عمر او را خواستگاری کردند. اما خداوند از فوق آسمانهای هفت گانه او را به من تزویج کرد. و رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی، بر تو گوارا باد. زیرا سرور زنان اهل بهشت را زن تو کرد که پاره تن من است. گفتم: یا رسول الله آیا من از تو نیستم؟ فرمود: آری ای علی؛ تو از من و من از تو هستم.

همانند دست راست من نسبت به دست چپ من. در دنیا و آخرت از تویی نیاز نخواهم شد.

هیجدهم: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی؛ تو پرچمدار حمد در قیامت هستی. و جایگاه تو در قیامت از همه آفریدگان به من نزدیکتر است. تشریفاتی برای من و تشریفاتی برای تو گسترده می شود. من در میان پیامبران و تو در میان جانشینان پیامبران خواهی بود. بر سر تو تاج نور و نشان کرامت نهاده می شود. هفتاد هزار فرشته پیرامون تو هستند. تا خداوند متعال حسابرسی مخلوقات را پایان رساند.

نوزدهم: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: بزودی با ناکثین [پیمان شکنان در جنگ جمل] و قاسطین [ستمگران در جنگ صفین] و مارقین [خوارج در جنگ نهروان] خواهی جنگید.

به ازای هر کسی که با تو بجنگد می توانی صد هزار نفر از شیعیان خود را شفاعت کنی.

گفتم: یا رسول الله صلی الله علیه و آله؛ ناکثین چه کسانی هستند؟ فرمود: طلحه و زبیر بزودی در حجاز با تو بیعت می کنند. و در عراق با تو می جنگند. پس وقتی که به جنگ تو آمدند با آن دو نبرد کن. که این کار طهارتی برای اهل زمین خواهد بود.

گفتم: قاسطین چه کسانی هستند؟ فرمود: معاویه و یاران او.

گفتم: مارقین چه کسانی هستند؟ فرمود: یاران ذوالثدیّه، آنان از دین گریخته اند، همانند تیری که از کمان رها شود. آنان را هلاک کن که در نابودی آنان گشایشی برای اهل زمین خواهد بود. و آنان گرفتار عذاب سریع خواهند شد. و ذخیره ای برای تو نزد خداوند در قیامت خواهد شد.

بیستم: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرمود: مَثَلُ تو در میان امت من همانند مَثَلِ باب حطه در بنی اسرائیل است. کسی که ولایت تو را پذیرد وارد آن باب شده است. همانطور که خداوند به او فرمان داده است.

وَأَمَّا الْحَادِيَةُ وَالْعِشْرُونَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، وَلَنْ تُدْخَلَ الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ بَابِهَا» ثُمَّ قَالَ: «يَا عَلِيُّ، إِنَّكَ سَتَرَعَى ذِمَّتِي، وَتُقَاتِلُ عَلَيَّ سُنَّتِي، وَتُخَالِفُكَ أُمَّتِي».

وَأَمَّا الثَّانِيَةُ وَالْعِشْرُونَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - خَلَقَ ابْنَ بَنِي الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ مِنْ نُورِ الْقَاهِ إِلَيْكَ وَإِلَى فَاطِمَةَ، وَهُمَا يَهْتَرَانِ كَمَا يَهْتَرُ الْقُرْطَانُ (1) إِذَا كَانَ فِي الْأُذُنَيْنِ، وَنُورُهُمَا مُتَضَاعِفٌ عَلَى نُورِ الشُّهَدَاءِ سَبْعِينَ أَلْفَ ضِعْفٍ، يَا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ وَعَدَنِي أَنْ يُكْرِمَهُمَا كِرَامَةً لَا يُكْرِمُ بِهَا أَحَدًا مَا خَلَا النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ».

وَأَمَّا الثَّلَاثَةُ وَالْعِشْرُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَعْطَانِي خَاتَمَهُ فِي حَيَاتِهِ وَدِرْعَهُ وَمِنْطَقَتَهُ وَقَلَدَنِي سَبْعِينَ وَأَصْحَابَهُ كُلَّهُمْ حُضُورًا وَعَمِّي الْعَبَّاسُ حَاضِرًا، فَخَصَّنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُ بِذَلِكَ دُونَهُمْ.

وَأَمَّا الرَّابِعَةُ وَالْعِشْرُونَ: فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَ عَلَيَّ رَسُولَهُ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَلِ كُمْ صَدَقَةً» فَكَانَ لِي دِينَارٌ، فَبِعْتُهُ عَشْرَةَ دَرَاهِمٍ، فَكُنْتُ إِذَا نَاجَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَصَدَّقْتُ قَبْلَ ذَلِكَ بِدِرْهِمٍ، وَاللَّهُ مَا فَعَلَ هَذَا أَحَدًا مِنْ أَصْحَابِهِ قَبْلِي وَلَا بَعْدِي، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ:

«أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَلِ كُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ» الْآيَةَ، فَهَلْ تَكُونُ التَّوْبَةُ إِلَّا مَنْ ذَنْبٍ كَانَ (2)؟!.

وَأَمَّا الْخَامِسَةُ وَالْعِشْرُونَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «الْجَنَّةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ حَتَّى أَدْخُلَهَا أَنَا، وَهِيَ مُحَرَّمَةٌ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ حَتَّى تَدْخُلَهَا أَنْتَ. يَا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - بَشَّرَنِي فِيكَ بِبُشْرَى لَمْ يُبَشِّرْ بِهَا نَبِيًّا قَبْلِي، بَشَّرَنِي بِأَنَّكَ سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَأَنَّ ابْنِيكَ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

وَأَمَّا السَّادِسَةُ وَالْعِشْرُونَ: فَإِنَّ جَعْفَرَ أَخِي الطَّيَّارَ فِي الْجَنَّةِ مَعَ الْمَلَائِكَةِ (3)، الْمُرَيَّنَ بِالْجَنَاحِينَ مِنْ

ص: 158

1- القُرْطَانُ: الَّذِي يَعْطَى فِي شَحْمَةِ الْأُذُنِ (الصَّحَاحُ: 1151/3).

2- . ظَاهِرُهُ أَنَّ غَيْرَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ارْتَكَبُوا النَّجْوَى وَلَمْ يَتَصَدَّقُوا، لِأَنَّ التَّنَاجِيَّ وَإِعْطَاءَ الصَّدَقَةَ كَانَا وَاجِبَيْنِ.

3- كَوْنُهُ فَضِيلَةٌ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَجْلِ أَنَّ اللَّهَ تَفَضَّلَ عَلَيْهِ بِذَلِكَ وَأَنْعَمَ عَلَيْهِ، كَمَا أَنْعَمَ عَلَيْهِ بِزَوْجَتِهِ وَوَلَدِيهِ وَرَأَى أَهْلًا لِذَلِكَ.

بیست و یکم: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: من شهر علم هستم و علی دروازه آن شهر است. و جز از دروازه نمی توان به شهر راه یافت.

سپس فرمود: ای علی؛ تو پیمان مرا مراعات خواهی کرد. و بر طبق سنت من خواهی جنگیدی. و امت من با تو مخالفت خواهند کرد.

بیست و دوم: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند تبارک و تعالی دو فرزندم حسن و حسین را از نوری آفرید که به تو و فاطمه القاء کرد. و آن دو همانند دو گوشواره آویخته بر گوش در جنب و جوش هستند. و نور آن دو هفتاد هزار برابر نور شهیدان است.

یا علی؛ خداوند متعال به من وعده داد که به آن دو کرامتی عطا فرماید که جز پیامبران و رسولان به احدی از مردم نفرموده است.

بیست و سوم: رسول الله صلی الله علیه و آله در زمان حیاتش با حضور همه اصحاب و عمویم عباس، انگشتر و زره و کمر بند خود را به من بخشید. و شمشیر خود را بر من حمایل کرد. خدای عزیز از میان آنان این ویژگی را فقط به من بخشید.

بیست و چهارم: خداوند عزیز و جلیل بر رسول خود نازل فرمود: «ای مؤمنان قبل از اینکه با رسول نجوی کنید صدقه بدهید».

و من يك دينار داشتم و آن را به ده درهم تبدیل کرده، و هر بار که با پیامبر نجوی کردم قبل از آن يك درهم صدقه دادم. سوگند به خدا هیچ يك از اصحاب قبل یا بعد از من چنین کاری نکرد.

سپس خداوند نازل فرمود: «آیا تمایل داشتید قبل از نجوی کردن با پیامبر صدقه بدهید پس اگر صدقه ندادید خداوند بر شما بخشید...».

آیا توبه و آمرزش جز در برابر گناه انجام شده است؟

بیست و پنجم: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: ورود به بهشت قبل از من بر پیامبران ممنوع است. و ورود بر جانشینان پیامبران قبل از تو ممنوع است. یا علی؛ خداوند تبارک و تعالی در مورد توبه به من بشارتی داد که به هیچ پیامبری بشارت نداده است. بشارت داد که در قیامت تو سرور جانشینان پیامبران و حسن و حسین سرور جوانان بهشت هستند.

بیست و ششم: برادر من جعفر در بهشت با دو بال آراسته به درّ و یاقوت و زبرجد

وَأَمَّا السَّابِعَةُ وَالْعِشْرُونَ: فَعَمِّي حَمَزَةُ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ فِي الْجَنَّةِ.

وَأَمَّا الثَّامِنَةُ وَالْعِشْرُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - وَعَدَنِي فِيكَ وَعَدَا لَنْ يُخْلِفَهُ، جَعَلَنِي نَبِيًّا وَجَعَلَكَ وَصِيًّا، وَسَتَلَقِي مِنِّ امَّتِي مِن بَعْدِي مَا لَقِيَ مُوسَى مِن فِرْعَوْنَ، فَاصْبِرْ وَاحْتَسِبْ حَتَّى تَلْقَانِي فَأُوَالِي مِن وَالَاكَ، وَأُعَادِي مِن عَادَاكَ».

وَأَمَّا التَّاسِعَةُ وَالْعِشْرُونَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «يَا عَلِيُّ، أَنْتَ صَاحِبُ الْحَوْضِ لَا يَمْلِكُهُ غَيْرُكَ، وَسَيَأْتِيكَ قَوْمٌ فَيَسْتَسْقُونَكَ فَتَقُولُ: لَا، وَلَا مِثْلَ ذَرَّةٍ؛ فَيَنْصَرِفُونَ مُسَوِّدَةً وَجُوهَهُمْ، وَسَتَرِدُّ عَلَيْكَ شِيعَتِي وَشِيعَتُكَ فَتَقُولُ: رَوَا(1) رِوَاءَ مَرْوِيِّينَ؛ فَيَرَوُونَ(2) مُبَيَّضَةً وَجُوهَهُمْ»(3).

وَأَمَّا الثَّلَاثُونَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «يُحْشَرُ امَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى خَمْسِ رَايَاتٍ، فَأَوَّلُ رَايَةٍ تَرِدُ عَلَيَّ رَايَةُ فِرْعَوْنَ هَذِهِ الْأُمَّةُ؛ وَهُوَ مُعَاوِيَةُ، وَالثَّانِيَةُ مَعَ سَامِرِيِّ هَذِهِ الْأُمَّةُ؛ وَهُوَ عَمْرُ بْنُ الْعَاصِ، وَالثَّلَاثَةُ مَعَ جَائِلِي هَذِهِ الْأُمَّةُ؛ وَهُوَ أَبُو مُوسَى الْأَشْعَرِيُّ، وَالرَّابِعَةُ مَعَ أَبِي الْأَعْوَرِ السَّلْمِيِّ، وَأَمَّا الْخَامِسَةُ فَمَعَكَ يَا عَلِيُّ تَحْتَهَا الْمُؤْمِنُونَ وَأَنْتَ إِمَامُهُمْ، ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - لِلرَّابِعَةِ: «ارْجِعُوا وَرَاءَ كُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَصَبَّ رَبٌّ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ وَبَابٌ مِ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ» وَهُمْ شِيعَتِي، وَمَنْ وَالَانِي وَقَاتَلَ مَعِيَ الْفِتْنَةَ الْبَاغِيَةَ وَالتَّائِبَةَ عَنِ الصِّرَاطِ، وَبَابُ الرَّحْمَةِ، وَهُمْ شِيعَتِي، فَيُنَادِي هُؤُلَاءِ: «أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَى وَ لَكِنَّا كُنَّا نَنْفُسُكُمْ فَتَنْتُمُ أَنْفُسَكُمْ وَ تَرَبَّصْتُمْ وَ ارْتَبْتُمْ وَ غَرَّتْكُمْ الْأُمَانِي حَتَّى جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَ غَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ * فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَلُ كُمْ النَّارُ هِيَ مَوْلَى كُمْ وَبِسْ الْمَصِيرِ»،

ص: 160

1- في البحار: «ردوا»، والظاهر أنه الصواب.

2- في البحار: «فيردون»، والظاهر أنه الصواب.

3- . حديث الحوض عن رسول الله صلى الله عليه وآله متواتر وفيه: «إن أصحابه يأتونه فيحال بينه صلى الله عليه وآله وبينهم، فيقول: أصحابي أصحابي! فيقال: إنهم ارتدوا بعدك»، ذكر مصادرَه السيّد جعفر مرتضى في كتابه، وذكرناه في مقال في تفسير آية: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ» طبع في مجلة الهادي، السنة السابعة، العدد الرابع، ص 36 فراجع.

همراه فرشتگان پرواز می کند.

بیست و هفتم: عموی من حمزه سرور شهیدان بهشت است.

بیست و هشتم: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند تبارک و تعالی در مورد توبه به من وعده ای فرمود که خلاف آن نخواهد کرد. مرا پیامبر و تورا جانشین من قرار داد و بعد از من تو از امت من آنچه خواهی دید که موسی از فرعون دید. پس صبر کن و شکیباً باش. تا مرا ملاقات کنی. و من دوستی کنم با کسی که با تو دوستی کرد. و دشمنی کنم با کسی که با تو دشمنی کرد.

بیست و نهم: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: یا علی؛ تو صاحب حوض [کوثر] هستی. و جز تو کسی مالک آن نمی شود. و گروهی نزد تو می آیند و از تو می خواهند که آنان را سیراب کنی، و تو می گویی هرگز حتی ذره ای. پس آنان با روی سیاه بر می گردند. و بزودی شیعیان من و شیعیان تو نزد تو می آیند و می گویی: گوارا باد بنوشید و سیراب شوید. و آنان با چهره های درخشان می نوشتند.

سی ام: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: امت من در قیامت با پنج پرچم محشور می شوند. اولین پرچم که نزد من می آید پرچم فرعون امت من است که او معاویه است.

دومین پرچم با سامری این امت و او عمرو بن عاص است. سومین همراه جاثلیق این امت که ابو موسی اشعری است. و چهارم همراه ابوالاعور سلمی است و اما پرچم پنجم همراه تو است یا علی. و مؤمنان زیر آن پرچم هستند. و تو امام آنان هستی. آن گاه خداوند متعال به آن چهار گروه می فرماید:

«به عقب برگردید و نوری جستجو کنید. آنگاه میان آنان حصار کشیده می شود که دروازه ای دارد و درونش رحمت است».

و ایشان شیعیان من هستند و کسانی که با من دوستی کرده اند. و در کنار من با گروه ستمگر که از صراط و باب رحمت برگشته اند جنگیده اند. و آنان شیعیان من هستند. پس [ستمگران] شیعیان را صدا می زنند: «آیا ما همراه شما نبودیم؟ می گویند: آری ولی خودتان را گرفتار کردید. و مکث کردید. و تردید داشتید. و آرزوها شما را فریب داد. تا فرمان خدا رسید. و فریبنده شما را فریب داد. و از خدا دور کرد. امروز از شما کافران عوض و جایگزین نمی گیرند. و جایگاه شما دوزخ است. و آتش دوست شماست، و بد عاقبتی است».

ص: 161

ثُمَّ تَرَدُّ أُمَّتِي وَشِيعَتِي فَيَرَوْنَ مِنْ حَوْضِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَيَبْدِي عَصَا عَوْسَجٍ أَطْرُدُ بِهَا أَعْدَائِي طَرْدَ غَرِيبَةِ الْإِبِلِ.

وَأَمَّا الْحَادِيَةُ وَالثَّلَاثُونَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «لَوْلَا أَنْ يَقُولَ فِيكَ الْغَالُونَ مِنْ أُمَّتِي مَا قَالَتِ النَّصَارَى فِي عَيْسَى ابْنِ مَرْيَمَ لَقُلْتُ فِيكَ قَوْلًا لَا تَمُرُّ بِمَلَأٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا أَخَذُوا التُّرَابَ مِنْ تَحْتِ قَدَمَيْكَ يَسْتَشْفُونَ بِهِ».

وَأَمَّا الثَّانِيَةُ وَالثَّلَاثُونَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - نَصَرَنِي بِالرُّعْبِ، فَسَأَلْتُهُ أَنْ يَنْصُرَكَ بِمِثْلِهِ ، فَجَعَلَ لَكَ مِنْ ذَلِكَ مِثْلَ الَّذِي جَعَلَ لِي».

وَأَمَّا الثَّالِثَةُ وَالثَّلَاثُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ التَّقَمَ أَذْنِي وَعَلَّمَنِي مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَسَأَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ إِلَيَّ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

وَأَمَّا الرَّابِعَةُ وَالثَّلَاثُونَ: فَإِنَّ النَّصَارَى ادَّعَوْا أَمْرًا، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ: «فَمَنْ حَاجَكَ فِيهِ مِنْ مِ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكٰذِبِينَ»، فَكَانَتْ نَفْسِي نَفْسَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَالنِّسَاءُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، وَالْأَبْنَاءُ الْحَسَنَ وَالحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، ثُمَّ نَدِمَ الْقَوْمُ فَسَأَلُوا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْإِعْفَاءَ فَأَعْفَاهُمْ. وَالَّذِي أَنْزَلَ التَّوْرَةَ عَلَى مُوسَى وَالفُرْقَانَ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ! لَوْ بَاهَلُونَا لَمَسِخُوا قِرْدَةً وَخَنَازِيرَ(1).

وَأَمَّا الْخَامِسَةُ وَالثَّلَاثُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَجَّهَنِي يَوْمَ بَدْرٍ فَقَالَ: إِيْتَنِي بِكَفِّ حُصَّيَاتٍ مَجْمُوعَةٍ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ، فَأَخَذْتُهَا ثُمَّ شَمَمْتُهَا فَإِذَا هِيَ طَيِّبَةٌ تَفُوحُ مِنْهَا رَائِحَةُ الْمِسْكِ، فَأَتَيْتُهُ بِهَا فَرَمَى بِهَا وَجْهَ الْمُشْرِكِينَ، وَتِلْكَ الْحُصَّيَاتُ أَرْبَعٌ مِنْهَا كُنَّ مِنَ الْفِرْدَوْسِ، وَحِصَاةٌ مِنَ الْمَشْرِقِ، وَحِصَاةٌ مِنَ الْمَغْرِبِ، وَحِصَاةٌ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ، مَعَ كُلِّ حِصَاةٍ مِئَةٌ أَلْفٍ مَلِكٍ مَدَدًا لَنَا، لَمْ يُكْرِمِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَذِهِ الْفَضِيلَةَ أَحَدًا قَبْلُ وَلَا بَعْدُ.

ص: 162

1- . حديث المباهلة أيضاً متواتر ذكره الأعلام، وذكرناه في مكاتيب الرسول في الكتاب الذي كتبه إلى أساقفة نجران.

سپس امت و شیعیان من وارد می شوند. و از حوض محمد صلی الله علیه و آله سیراب می شوند. و در دست من عصایی از چوب عوسج [نوعی درخت] است که دشمنانم را همانند شتر غریبه از حوض بیرون می رانم.

سی و یکم: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: اگر بیم آن نبود که غلّو کنندگان امت من درباره تو بگویند آنچه را مسیحیان در مورد عیسی بن مریم گویند، درباره تو سخنی می گفتم که بر هر گروهی از مردم عبور کنی خاک پایت را برای شفا بردارند.

سی و دوم: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: خداوند تبارک و تعالی مرا با وحشت [در قلب دشمن] یاری فرمود. از خدا درخواست کردم که تو را نیز با آن یاری کند. و برای تو نیز قرار داد همانند آنچه برای من قرار داده بود.

سی و سوم: رسول الله صلی الله علیه و آله سر در گوش من نهاد و آنچه را در گذشته بوده و در آینده تا قیامت خواهد بود به من آموخت. و خداوند عزیز آن علم را با زبان پیامبر خود به من رسانید.

سی و چهارم: مسیحیان چیزی را ادّعا کردند. و خداوند عزیز درباره آن آیه نازل فرمود: «پس هر کس با تو در مورد آنان احتجاج کند پس از علمی که به تو رسیده است.

پس بگو: بیایید فرزندانمان و فرزندانان و زنانمان و زنانان و خودمان و خودتان را فراخوانیم، و دروغگویان را لعنت کنیم».

[در این آیه] نفس من نفس رسول الله و زنان فاطمه علیها السلام و فرزندان حسن و حسین علیهما السلام است. آن گروه پشیمان شدند. و درخواست لغو [مباهله] کردند. و رسول الله صلی الله علیه و آله آن را پذیرفت. قسم به خدایی که تورات را بر موسی و قرآن را بر محمد صلی الله علیه و آله نازل فرمود اگر مباهله می کردند به صورت میمون و خوک مسخ می شدند.

سی و پنجم: رسول الله صلی الله علیه و آله در روز جنگ بدر مرا فرستاد و گفت: يك مشت ریگ که در يك جا جمع شده باشد بیاور. من آنها را برداشتم و بوئیدم از آن بوی مشک منتشر می شد.

آن را آوردم و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را بطرف صورت مشرکان پرتاب کرد. از آن ریگها چهار عدد از فردوس [بهشت] و یکی از مشرق و یکی از مغرب و یکی از پائین عرش بود. که با هر ریگ صد هزار فرشته یاور ما بودند. خداوند هیچ کس را نه قبل از آن و نه بعد از آن به این امتیاز گرامی نداشت.

وَأَمَّا السَّادِسَةُ وَالثَّلَاثُونَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «وَيْلٌ لِقَاتِلِكَ! إِنَّهُ أَشَقَى مِنْ ثَمُودَ وَمِنْ عَاقِرِ النَّاقَةِ، وَإِنَّ عَرْشَ الرَّحْمَنِ لَيَهْتَرُ لِقَتْلِكَ، وَأَبْشِرْ يَا عَلِيُّ؛ فَإِنَّكَ فِي زُمْرَةِ الصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ».

وَأَمَّا السَّابِعَةُ وَالثَّلَاثُونَ: فَإِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - قَدْ حَصَّنِي مِنْ بَيْنِ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِعِلْمِ النَّاسِخِ وَالْمَنْسُوخِ وَالْمُحْكَمِ وَالْمُتَشَابِهِ وَالْخَاصِّ وَالْعَامِّ، وَذَلِكَ مِمَّا مَنَّ اللَّهُ بِهِ عَلَيَّ وَعَلَى رَسُولِهِ، وَقَالَ لِي الرَّسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَنِي أَنْ أَدْنِيكَ وَلَا أَقْصِيكَ، وَأَعْلَمَكَ وَلَا أَجْفُوكَ، وَحَقُّ عَلَيَّ أَنْ أَطِيعَ رَبِّي، وَحَقُّ عَلَيْكَ أَنْ تَعْبِيَ».

وَأَمَّا الثَّامِنَةُ وَالثَّلَاثُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعَثَنِي بَعَثًا وَدَعَا لِي بِدَعَوَاتٍ، وَأَطْلَعَنِي عَلَى مَا يَجْرِي بَعْدَهُ، فَحَزَنَ لِدَلِكِ بَعْضُ أَصْحَابِهِ، قَالَ: لَوْ قَدَرَ مُحَمَّدٌ أَنْ يَجْعَلَ ابْنَ عَمِّهِ نَبِيًّا لَجَعَلَهُ! فَشَرَّفَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِالْإِطْلَاعِ عَلَى ذَلِكَ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

وَأَمَّا التَّاسِعَةُ وَالثَّلَاثُونَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَيُبْغِضُ عَلِيًّا، لَا يَجْتَمِعُ حُبِّي وَحُبُّهُ إِلَّا فِي قَلْبِ مُؤْمِنٍ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ أَهْلَ حُبِّي وَحُبِّكَ يَا عَلِيُّ فِي أَوَّلِ زُمْرَةِ السَّابِقِينَ إِلَى الْجَنَّةِ، وَجَعَلَ أَهْلَ بُغْضِي وَبُغْضِكَ فِي أَوَّلِ زُمْرَةِ الضَّالِّينَ مِنْ أُمَّتِي إِلَى النَّارِ».

وَأَمَّا الْأَرْبَعُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَجَّهَنِي فِي بَعْضِ الْغَزَوَاتِ إِلَى رُكِيِّ (1) فَإِذَا لَيْسَ فِيهِ مَاءٌ، فَرَجَعْتُ إِلَيْهِ فَأَخْبَرْتُهُ، فَقَالَ: أَفِيهِ طِينٌ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، فَقَالَ: إِيَّتِي مِنْهُ، فَأَتَيْتُ مِنْهُ بِطِينٍ فَتَكَلَّمْتُ فِيهِ، ثُمَّ قَالَ: أَلْقِهِ فِي الرُّكِيِّ، فَأَلْقَيْتُهُ، فَإِذَا الْمَاءُ قَدْ نَبَعَ حَتَّى امْتَلَأَ جَوَانِبُ الرُّكِيِّ، فَجِئْتُ إِلَيْهِ فَأَخْبَرْتُهُ، فَقَالَ لِي: وَفَقَّتْ يَا عَلِيُّ وَبِيرُكْتِكَ نَبَعَ الْمَاءُ، فَهَذِهِ الْمَنْقَبَةُ خَاصَّةٌ بِي مِنْ دُونِ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

وَأَمَّا الْحَادِيَةُ وَالْأَرْبَعُونَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «أَبْشِرْ يَا عَلِيُّ؛ فَإِنَّ جَبْرَيْلَ أَتَانِي

سی و ششم: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: وای بر قاتل تو. او از ثمود و از پی کننده شتر صالح بد بخت تر است. عرش الهی از قتل تو می لرزد. و یا علی بشارت بر تو باد که تو در گروه صدیقین و شهیدان و صالحان هستی.

سی و هفتم: خداوند تبارک و تعالی از اصحاب محمد صلی الله علیه و آله فقط به من علم ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و خاص و عام را آموخت. و این مطلب از اموری است که خداوند بر من و رسول خود منت نهاد.

و رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرمود: یا علی، خداوند به من امر فرمود که تو را نزدیک کنم. و دور نکنم. و به تو تعلیم دهم. و بی مهری نکنم. و بر من لازم است که از پروردگارم اطاعت کنم. و بر تو لازم است که بیندوزی.

سی و هشتم: رسول الله صلی الله علیه و آله مرا برای کاری فرستاد و برایم دعاهایی فرمود. و بر آنچه از آن پس اتفاق می افتد آگاهی داد. یکی از اصحاب او به همین جهت ناراحت شد. و گفت:

اگر محمد می توانست پسر عمویش را پیامبر کند چنین می کرد.

پس خداوند مرا با زبان پیامبرش به سخن این مرد آگاهی و اطلاع شرف بخشید.

سی و نهم: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: کسی که گمان دارد مرا دوست می دارد ولی با علی دشمنی کند دروغ می گوید. دوستی من و دوستی او جز در دل مؤمن جمع نمی شود. یا علی، خداوند اهل محبت من و تو را در اولین گروه پیشتازان بسوی بهشت قرار داد. و دشمنان من و تو را در اولین گروه گمراه از امت من در جهنم قرار داد.

چهارم: در یکی از جنگها رسول الله صلی الله علیه و آله مرا به چاهی فرستاد که آب نداشت. بازگشتم و به او خبر دادم. حضرت پرسید: آیا در چاه گل هست؟ گفتم: آری. فرمود: مقداری گل بیاور. مقداری گل از چاه آوردم. و حضرت در آن سخنی گفت. سپس فرمود: آن را در چاه بینداز. وقتی آن را به چاه انداختم. ناگهان آب از چاه جوشید بطوری که اطراف آن پر از آب شد. من نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدم و به او خبر دادم. به من فرمود: یا علی موفق شدی و با برکت تو آب جوشید. این فضیلت مخصوص من است نه اصحاب دیگر.

چهل و یکم: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: مژده بر تو باد ای علی، که جبرئیل علیه السلام نزد

فَقَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ، إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - نَظَرَ إِلَى أَصْحَابِكَ فَوَجَدَ ابْنَ عَمِّكَ وَحَتَّتَكَ عَلَى ابْنَتِكَ فَاطِمَةَ خَيْرَ أَصْحَابِكَ، فَجَعَلَهُ وَصِيَّكَ وَالْمُؤَدِّيَ عَنكَ».

وَأَمَّا الثَّانِيَةُ وَالْأَرْبَعُونَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: «أَبْشِرْ يَا عَلِيُّ؛ فَإِنَّ مَنَزِلَكَ فِي الْجَنَّةِ مُوَاجِهَةٌ مَنَزِلِي، وَأَنْتَ مَعِيَ فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ»، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَا أَعْلَى عِلِّيِّونَ؟ فَقَالَ: «قُبَّةٌ مِنْ دُرَّةٍ بِيضَاءَ لَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مِصْرَاعٍ، مَسْكَنٌ لِي وَلَكَ يَا عَلِيُّ».

وَأَمَّا الثَّلَاثَةُ وَالْأَرْبَعُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رَسَخَ حُبِّي فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ وَكَذَلِكَ رَسَخَ حُبُّكَ يَا عَلِيُّ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ، وَرَسَخَ بُغْضِي وَبُغْضُكَ فِي قُلُوبِ الْمُنَافِقِينَ، فَلَا يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ تَقِيٌّ، وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ كَافِرٌ».

وَأَمَّا الرَّابِعَةُ وَالْأَرْبَعُونَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «لَنْ يُبْغِضَكَ مِنَ الْعَرَبِ إِلَّا دَعِيٌّ، وَلَا مِنَ الْعَجَمِ إِلَّا شَقِيٌّ، وَلَا مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا سَلْقَلِيَّةٌ (1)».

وَأَمَّا الْخَامِسَةُ وَالْأَرْبَعُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دَعَانِي وَأَنَا رَمِدُ الْعَيْنِ فَتَقَلَّ فِي عَيْنِي وَقَالَ: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ حَرَّهَا فِي بَرْدِهَا، وَبَرْدِهَا فِي حَرِّهَا»، فَوَاللَّهِ مَا اسْتَكَّتْ عَيْنِي إِلَى هَذِهِ السَّاعَةِ (2).

وَأَمَّا السَّادِسَةُ وَالْأَرْبَعُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَرَ أَصْحَابَهُ وَعُمُومَتَهُ بِسَدِّ الْأَبْوَابِ وَفَتْحِ بَابِي بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَلَيْسَ لِأَحَدٍ مَنَقَبَةٌ مِثْلَ مَنَقَبَتِي.

وَأَمَّا السَّابِعَةُ وَالْأَرْبَعُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَرَنِي فِي وَصِيَّتِهِ بِقَضَاءِ دِيُونِهِ وَعِدَاتِهِ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَدْ عَلِمْتَ أَنَّهُ لَيْسَ عِنْدِي مَالٌ! فَقَالَ: «سَدِّ يَعِينُكَ اللَّهُ»، فَمَا أَرَدْتُ أَمْرًا مِنْ قَضَاءِ دِيُونِهِ وَعِدَاتِهِ إِلَّا يَسَّرَهُ اللَّهُ لِي حَتَّى قَضَيْتُ دِيُونَهُ وَعِدَاتِهِ، وَأَحْصَيْتُ ذَلِكَ فَبَلَغَ ثَمَانِينَ أَلْفًا، وَبَقِيَ بَقِيَّةٌ أَوْصَيْتُ الْحَسَنَ أَنْ يَقْضِيَهَا.

وَأَمَّا الثَّامِنَةُ وَالْأَرْبَعُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَتَانِي فِي مَنَزِلِي، وَلَمْ يَكُنْ طَعِمْنَا مُنْذُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ،

ص: 166

1- . السَّلْقَلُ: التي تحيض من دبرها. وبهاء: الصحابة (القاموس المحيط: 246/3).

2- . راجع خصائص النسائي ص 38 ومسند أبي داود الطيالسي: 122/1. والرياض النظرة: 189/2.

من آمد و به من گفت: ای محمد خداوند تبارک و تعالی به یاران تو نظر کرد، و پسر عمو و شوهر دخترت فاطمه را بهترین یاران تو یافت. و او را وصی و جانشین تو قرار داد.

چهل و دوم: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی بر تو بشارت باد که منزل تو در بهشت روبروی منزل من است. و تو در رفیق اعلی در اعلی علین [بالا-ترین و برترین جایگاه بهشت] همراه من خواهی بود. گفتم: یا رسول الله، اعلی علیون چیست؟ فرمود: گنبدی است از گوهر سفید که هفتاد هزار دریچه دارد. و جایگاه من و توست یا علی.

چهل و سوم: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند محبت مرا در قلب مؤمنان نفوذ داد. و همچنین محبت تو را یا علی در قلب مؤمنان جای داد. و کینه مرا و کینه تو را در قلب منافقان جای داد.

پس تو را فقط مؤمن پرهیزکار دوست می دارد. و منافق کافر با تو دشمنی می کند.

چهل و چهارم: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: از عرب جز زنازاده و از عجم جز بدبخت و از زنان جز بدکاره بد زبان با تو دشمنی نکند.

چهل و پنجم: رسول الله صلی الله علیه و آله مرا فراخواند در حالی که به چشم درد مبتلا بودم. از آب دهان خود به چشم من مالید و دعا کرد: خدایا حرارتش را در سرمایش و سردی آن را در گرمایش قرار ده. بخدا سوگند تاکنون به بیماری چشم مبتلا نشده ام.

چهل و ششم: رسول الله صلی الله علیه و آله به اصحاب و عموهای خود فرمان داد که درها [خانه هایشان که به مسجد النبی باز می شد] را ببندند و در خانه مرا به امر خداوند متعال باز گذاشت. پس هیچکس امتیازی مثل امتیاز من ندارد.

چهل و هفتم: رسول الله صلی الله علیه و آله در وصیت خود به من فرمود که بدهی ها و تعهدات او را بپردازم. گفتم: یا رسول الله شما می دانید که نزد من مالی نیست. حضرت فرمودند: بزودی خداوند تو را یاری می کند. پس هرگاه اراده کردم بدهی و تعهد او را بپردازم، خدا آن را برایم آسان فرمود. تا آنها را پرداخت کردم. و حساب کردم به مبلغ هشتاد هزار رسید.

و مقداری باقی ماند که وصیت کردم حسن آن را بپردازد.

چهل و هشتم: رسول الله صلی الله علیه و آله به خانه من آمد در حالی که ما سه روز غذا نخورده بودیم.

و فرمود: یا علی، آیا نزد تو [در خانه] چیزی هست؟ گفتم: سوگند به خدایی که تو را

فَقَالَ: يَا عَلِيُّ، هَلْ عِنْدَكَ مِنْ شَيْءٍ؟ فَقُلْتُ: وَالَّذِي أكَرَمَكَ بِالْكَرَامَةِ وَأَصْطَفَاكَ بِالرَّسَالَةِ مَا طَعِمْتُ وَزَوْجَتِي وَابْنَايَ مُنْذُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ! فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا فَاطِمَةُ ادْخُلِي الْبَيْتَ وَانْظُرِي هَلْ تَجِدِينَ شَيْئًا، فَقَالَتْ: خَرَجْتُ السَّاعَةَ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ادْخُلْهُ أَنَا؟ فَقَالَ: ادْخُلِي بِاسْمِ اللَّهِ، فَدَخَلْتُ فَإِذَا أَنَا بِطَبَقِ مَوْضُوعٍ عَلَيْهِ زُطْبٌ مِنْ تَمْرٍ وَجَفْنَةٌ مِنْ ثَرِيدٍ، فَحَمَلْتُهَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ رَأَيْتَ الرَّسُولَ الَّذِي حَمَلَ هَذَا الطَّعَامَ؟ فَقُلْتُ: نَعَمْ، فَقَالَ: صِدْفُهُ لِي، فَقُلْتُ: مِنْ بَيْنِ أَحْمَرَ وَأَخْضَرَ وَأَصْفَرَ، فَقَالَ: تِلْكَ خِطَطُ جَنَاحِ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُكَلَّلَةٌ بِالذَّرِّ وَالْيَاقُوتِ، فَأَكَلْنَا مِنَ الثَّرِيدِ حَتَّى شَبِعْنَا، فَمَا زُرِّي إِلَّا خَدَشُ أَيْدِينَا وَأَصَابِعِنَا، فَخَصَّنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِذَلِكَ مِنْ بَيْنِ أَصْحَابِهِ .

وَأَمَّا التَّاسِعَةُ وَالْأَرْبَعُونَ: فَإِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - خَصَّ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالنَّبُوءَةِ وَخَصَّنِي النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْوَصِيَّةِ؛ فَمَنْ أَحَبَّنِي فَهُوَ سَعِيدٌ يُحْشَرُ فِي زُمْرَةِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

وَأَمَّا الْخَمْسُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعَثَ بِبِرَاءَةَ مَعَ أَبِي بَكْرٍ، فَلَمَّا مَضَى أَتَى جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، لَا يُؤَدِّي عَنْكَ إِلَّا أَنْتَ أَوْ رَجُلٌ مِنْكَ، فَوَجَّهَنِي عَلَى نَاقَتِهِ الْعَضْبَاءِ فَلَحِقْتُهُ بِذِي الْحُلَيْفَةِ فَأَخَذْتُهَا مِنْهُ، فَخَصَّنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِذَلِكَ.

وَأَمَّا الْحَادِيَةُ وَالْخَمْسُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَقَامَنِي لِلنَّاسِ كَأَفَّةٍ يَوْمَ غَدِيرِ حُمٍّ، فَقَالَ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، فَبَعْدًا وَسُحْقًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ».

وَأَمَّا الثَّانِيَةُ وَالْخَمْسُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «يَا عَلِيُّ أَلَا أَعْلَمُكَ كَلِمَاتٍ عَلَّمَنِيَنَّ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ فَقُلْتُ: بَلَى، قَالَ: قُلْ: «يَا رَازِقَ الْمُقَلِّينَ، وَيَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ، وَيَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، وَيَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَرْحَمَنِي وَارْزُقْنِي».

وَأَمَّا الثَّلَاثَةُ وَالْخَمْسُونَ: فَإِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - لَنْ يَذْهَبَ بِالدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ مِنْهَا الْقَائِمُ، يَقْتُلُ مُبْغِضِينَا، وَلَا يَقْبَلُ الْجِزْيَةَ، وَيُكَسِّرُ الصَّلِيبَ وَالْأَصْنَامَ، وَيَضَعُ الْحَرْبَ أَوْزَارَهَا، وَيَدْعُو إِلَى اخْتِ

کرامت بخشید و به رسالت برگزید من و همسر و دو پسر سه روز است که غذا نخورده ایم.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: یا فاطمه به درون خانه برو و بین چیزی می یابی؟ گفت: الان از اطاق خارج شدم.

گفتم: یا رسول الله؛ آیا من به اطاق بروم؟ فرمود: با اسم الله وارد شو. وقتی وارد اطاق شدم ناگهان با يك طبق مواجه شدم که روی آن رطب و کاسه ای بزرگ پر از ترید بود. آن را به حضور رسول الله صلی الله علیه و آله آوردم. حضرت فرمود: یا علی، پیکی که این غذا را آورد دیدی؟ گفتم: آری.

فرمود: او را برایم توصیف کن. گفتم: به رنگ سرخ و سبز و زرد بود.

فرمود: اینها خطوط بالهای جبرئیل علیه السلام است که به درّ و یاقوت آراسته است. آنگاه از آن ترید تناول کردیم. و سیر شدیم. و از آن جز جای دست و انگشتان ما کاسته نشد. و خداوند عزیز و جلیل از میان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله این امتیاز را به من اختصاص داد.

چهل و نهم: خداوند تبارک و تعالی پیامبرش را به پیامبری برگزید و پیامبر صلی الله علیه و آله مرا به جانشینی خود برگزید. پس کسی که مرا دوست دارد سعادت مند است. و در گروه پیامبران علیهم السلام محشور گردد.

پنجاهم: رسول الله صلی الله علیه و آله سوره براءت را [برای ابلاغ به مشرکان مکه] همراه ابوبکر به مکه فرستاد. وقتی او رفت جبرئیل علیه السلام آمد و گفت: یا محمد رسالت تو را کسی جز تو یا مردی از خودت ادا نمی کند. سپس آن حضرت مرا بر شتر خودش که عضبا نام داشت سوار کرد و فرستاد. و در ذوالحلیفه به ابوبکر رسیدم. و سوره براءت را از او گرفتم. خداوند این ویژگی را به من داد.

پنجاه و یکم: رسول الله صلی الله علیه و آله مرا در روز غدیر خم برای همه مردم بر پا داشت و فرمود:

هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست. پس دوری و هلاک بر گروه ستمگران باد.

پنجاه و دوم: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی، آیا کلماتی را که جبرئیل به من آموخت به تو بیاموزم؟ گفتم: بلی. فرمود: ای روزی بخش بی نوایان، و ای رحم کننده مستمندان، و ای شنواترین شنوایان، و ای بیناترین بینایان، و ای مهربانترین مهربانان، بر من رحمت آور.

و به من روزی عطا فرما.

پنجاه و سوم: خداوند متعال تا قائم ما قیام نکند دنیا را تمام نخواهد کرد. او دشمنان ما را هلاک می کند. و جزیه نمی پذیرد. [همه دین او را می پذیرند. یا هلاک می شوند.]

الْمَالِ فَيَقْسِمُهُ بِالسَّوِيَّةِ، وَيَعْدِلُ فِي الرَّعِيَّةِ.

وَأَمَّا الرَّابِعَةُ وَالْخَمْسُونَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «يَا عَلِيُّ، سَدِّ لِعُنْكَ بَنُو أُمَّيَّةَ، وَيُرِّدْ عَلَيْهِمْ مَلَكٌ بِكُلِّ لَعْنَةٍ أَلْفَ لَعْنَةٍ، فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَعَنَهُمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً».

وَأَمَّا الْخَامِسَةُ وَالْخَمْسُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِي: «سَيُفْتَنَنَّ فِيكَ طَوَائِفٌ مِنْ أُمَّتِي فَيَقُولُونَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمْ يُخَلِّفْ شَيْئاً فِيمَاذَا أَوْصَى عَلِيّاً؟ أَوْلَيْسَ كِتَابُ رَبِّي أَفْضَلَ الْأَشْيَاءِ بَعْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ! لَئِنْ لَمْ تَجْمَعْهُ بِاتِّقَانٍ لَمْ يُجْمَعْ أَبَداً»، فَخَصَّنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِذَلِكَ مِنْ دُونِ الصَّحَابَةِ.

وَأَمَّا السَّادِسَةُ وَالْخَمْسُونَ: فَإِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - خَصَّنِي بِمَا خَصَّ بِهِ أَوْلِيَاءَهُ وَأَهْلَ طَاعَتِهِ وَجَعَلَنِي وَارِثَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَمَنْ سَاءَ سَاءَهُ، وَمَنْ سَرَّهَ سَرَّهَ. وَأَمَّا بِيَدِهِ نَحْوُ الْمَدِينَةِ.

وَأَمَّا السَّابِعَةُ وَالْخَمْسُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ فِي بَعْضِ الْغَزَوَاتِ فَقَدَّ الْمَاءَ، فَقَالَ لِي: «يَا عَلِيُّ، قُمْ إِلَى هَذِهِ الصَّخْرَةِ وَقُلْ: أَنَا رَسُولُ رَسُولِ اللَّهِ، انْفَجِرِي لِي مَاءً»، فَوَاللَّهِ الَّذِي أَكْرَمَهُ بِالنُّبُوَّةِ! لَقَدْ أَبْلَغْتُهَا الرِّسَالَةَ فَأَطْلَعَ مِنْهَا مِثْلُ نَدِيِّ الْبَقْرِ، فَسَالَ مِنْ كُلِّ نَدِيٍّ مِنْهَا مَاءً، فَلَمَّا رَأَيْتُ ذَلِكَ أَسْرَعْتُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَخْبَرْتُهُ، فَقَالَ: انْطَلِقِي يَا عَلِيُّ فَخُذِي مِنَ الْمَاءِ، وَجَاءَ الْقَوْمُ حَتَّى مَلَأُوا قِرْبَهُمْ وَإِدَاوَاتِهِمْ وَسَقَوْا دَوَابَّهُمْ وَشَرِبُوا وَتَوَضَّؤُوا، فَخَصَّنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِذَلِكَ مِنْ دُونِ الصَّحَابَةِ.

وَأَمَّا الثَّامِنَةُ وَالْخَمْسُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَرَنِي فِي بَعْضِ غَزَوَاتِهِ وَقَدْ نَقَدَ الْمَاءَ، فَقَالَ: يَا عَلِيُّ انْتَبِي بِتَوْرٍ (1)، فَأَتَيْتُهُ بِهِ، فَوَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى وَيَدِي مَعَهَا فِي التَّوْرِ، فَقَالَ: انْبَعِ، فَنَبَعَ الْمَاءُ مِنْ بَيْنِ أَصَابِعِنَا.

وَأَمَّا التَّاسِعَةُ وَالْخَمْسُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَجَّهَنِي إِلَى خَيْبَرَ، فَلَمَّا أَتَيْتُهُ وَجَدْتُ الْبَابَ مُغْلَقاً، فَرَزَعْتُهُ شَدِيداً فَقَلَعْتُهُ وَرَمَيْتُ بِهِ أَرْبَعِينَ خُطْوَةً، فَدَخَلْتُ فَبَرَزَ إِلَيَّ مَرْحَبٌ، فَحَمَلَ عَلَيَّ وَحَمَلْتُ

ص: 170

1- أي قدر.

و صلیب ها و بت ها را می شکند. و جنگ فرو می نشیند و مردم را به گرفتن مال دعوت می کند. و به طور مساوی تقسیم می کند. و در میان مردم عدالت برقرار می کند.

پنجاه و چهارم: شنیدیم که رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: یا علی، بزودی بنی امیه تو را لعنت خواهند کرد و فرشته ای در برابر هر لعنت، آنان را هزار بار لعنت می کند. و هنگامی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند آنان را چهل سال لعنت می کند.

پنجاه و پنجم: رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرمود: بزودی گروههای از امت من در مورد تو به فتنه گرفتار می شوند و می گویند: رسول الله صلی الله علیه و آله چیزی باقی نگذاشت پس علی را به چه چیزی وصیت کرد؟ آیا کتاب پروردگارم پس از خدای عزیز و جلیل از همه چیز برتر نیست؟ سوگند به آنکه مرا به حق برانگیخت، اگر تو کتاب خدا را به طور صحیح جمع نکنی، هرگز جمع آوری نخواهد شد. و خداوند از میان اصحاب او مرا به این کار [جمع آوری قرآن] ویژگی بخشید.

پنجاه و ششم: خداوند تبارک و تعالی ویژگی اولیاء و اهل طاعت خود را به من عطا فرمود و مرا وارث محمد صلی الله علیه و آله قرار داد. پس کسی که به او [با دست به مدینه اشاره فرمود] بدی کند به خدا بدی کرده است. و کسی که او را شاد کند خدا را شاد کرده است.

پنجاه و هفتم: در یکی از جنگها رسول الله صلی الله علیه و آله آب نداشت و به من فرمود: یا علی، به سوی آن صخره برو و بگو: من فرستاده رسول الله هستم برای من آب روان کن. سوگند به خدایی که او را به پیامبری کرامت بخشید من پیغام حضرت را به آن سنگ رساندم. و از آن سنگ زائده هایی مثل پستان گاو ظاهر شد. و از آن آب جریان یافت. وقتی این صحنه را دیدم بسرعت نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم و خبر دادم. حضرت فرمود: یا علی برو و آب بردار. و مردم آمدند و مشکها و ظرفهای خود را پر کردند. و حیوانات را سیراب کردند. و خود نیز نوشیدند.

و وضو گرفتند. و خدای عزیز و جلیل از میان اصحاب او این ویژگی را به من اختصاص داد.

پنجاه و هشتم: در یکی از جنگها در حالی که آب تمام شده بود رسول الله صلی الله علیه و آله مرا مأمور کرد و فرمود: یا علی، برایم ظرفی بیاور. آن را برایش آوردم. و دست راست خود و دست مرا در آن نهاد و فرمود: بجوش. ناگهان آب از میان انگشتان ما فوران کرد.

پنجاه و نهم: رسول الله صلی الله علیه و آله مرا بسوی خیبر فرستاد وقتی به آنجا رسیدم دیدم درب قلعه بسته است. آن را بشدت تکان دادم. و از جا کندم. و چهل قدم آنطرف پرتاب کردم. و وارد

عَلَيْهِ، وَسَقَيْتُ الْأَرْضَ مِنْ دَمِهِ، وَقَدْ كَانَ وَجَّهَ رَجُلَيْنِ مِنْ أَصْحَابِهِ فَرَجَعَا مُنْكَسِفَيْنِ.

وَأَمَّا السِّتُونَ: فَإِنِّي قَتَلْتُ عَمْرَو بْنَ عَبْدِ وُدٍّ، وَكَانَ يُعَدُّ بِالْفِ رَجُلًا (1).

وَأَمَّا الْحَادِيَةُ وَالسِّتُونَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «يَا عَلِيُّ، مَثَلُكَ فِي أُمَّتِي مَثَلُ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»؛ فَمَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ ثُلُثَ الْقُرْآنِ، وَمَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ وَأَعَانَكَ بِلِسَانِهِ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ ثُلُثِي الْقُرْآنِ، وَمَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ وَأَعَانَكَ بِلِسَانِهِ وَنَصَرَ رُكْبَتَيْ يَدَيْهِ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ الْقُرْآنَ كُلَّهُ».

وَأَمَّا الثَّانِيَةُ وَالسِّتُونَ: فَإِنِّي كُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي جَمِيعِ الْمَوَاطِنِ وَالْحُرُوبِ، وَكَانَتْ رَابِئَةُ مَعِي.

وَأَمَّا الثَّلَاثَةُ وَالسِّتُونَ: فَإِنِّي لَمْ أَفِرْ مِنَ الرَّحْفِ قَطُّ، وَلَمْ يُبَارِزْنِي أَحَدٌ إِلَّا سَقَيْتُ الْأَرْضَ مِنْ دَمِهِ.

وَأَمَّا الرَّابِعَةُ وَالسِّتُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَتَى بِطَيْرٍ مَشْوِيٍّ مِنَ الْجَنَّةِ، فَدَعَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُدْخَلَ عَلَيْهِ أَحَبَّ خَلْقِهِ إِلَيْهِ، فَوَقَفَنِي اللَّهُ لِلدُّخُولِ عَلَيْهِ حَتَّى أَكَلْتُ مَعَهُ مِنْ ذَلِكَ الطَّيْرِ.

وَأَمَّا الْخَامِسَةُ وَالسِّتُونَ: فَإِنِّي كُنْتُ اصَّ لِي فِي الْمَسْجِدِ فَجَاءَ سَائِلٌ فَسَأَلَ وَأَنَا رَاكِعٌ، فَتَأَوَّلْتُ خَاتَمِي مِنْ إِبْصَاعِي، فَأَنْزَلَ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - فِي: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ».

وَأَمَّا السَّادِسَةُ وَالسِّتُونَ: فَإِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - رَدَّ عَلَيَّ الشَّمْسَ مَرَّتَيْنِ، وَلَمْ يَرُدَّهَا عَلَيَّ أَحَدٌ مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ غَيْرِي.

وَأَمَّا السَّابِعَةُ وَالسِّتُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَرَ أَنْ ادْعَى بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ، وَلَمْ يُطْلَقْ ذَلِكَ لِأَحَدٍ غَيْرِي.

وَأَمَّا الثَّمَانِيَةُ وَالسِّتُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «يَا عَلِيُّ، إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ مِنْ بَطْنَانٍ (2)

ص: 172

1- . زاد في نسخة من المخطوطة «فقال رسول الله صلى الله عليه وآله في حقي: لضربة علي يوم الخندق أفضل من أعمال الثقلين» وقال عليه السلام: «برز الإسلام كله إلى الكفر كله».

2- من بطنان العرش: أي من وسطه. وقيل: من أصله. وقيل: البطنان: جمع بطن؛ وهو الغامض من الأرض، يريد من دواخل العرش (النهاية: 137/1).

دژ شدم. مرحب [جنگاور یهود] به نبرد من آمد. و حمله کرد. به او حمله کردم و زمین را از خون او آب دادم. قبل از آن حضرت دو نفر از اصحابش [ابوبکر و عمر] را فرستاده بود. و آنها سرافکننده بازگشتند.

شصتم: عمرو بن عبدود را که با هزار نفر برابری می کرد من کشتم.

شصت و یکم: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: یا علی، مثل تو در امت من مثل قل هو الله احد است. هر کس تو را از صمیم قلب دوست داشته باشد، گویا ثلث قرآن را قرائت کرده است. و کسی که تو را در قلب دوست داشته باشد و با زبان یاری کند، گویا دو ثلث قرآن را قرائت کرده است. و کسی که تو را در قلب دوست داشته باشد و با زبان کمک کند و با دست یاری نماید، گویا تمام قرآن را قرائت کرده است.

شصت و دوم: در همه صحنه ها و جنگ ها همراه رسول الله صلی الله علیه و آله بودم. و پرچم او در دست من بود.

شصت و سوم: هرگز از جنگ فرار نکردم. و هر کس به جنگ من آمد خونش را به زمین ریختم.

شصت و چهارم: برای رسول الله صلی الله علیه و آله مرغ بریان از بهشت آورده شد. و از خداوند متعال درخواست کرد، محبوبترین بنده خدا آفریدگانش را بر او مهمان کند. و خداوند مرا موفق کرد که مهمان او شوم، و با پیامبر از آن غذا تناول کنم.

شصت و پنجم: در مسجد در حال نماز بودم که فقیری آمد و از من درخواست کمک کرد. من در حال رکوع انگشتم را از انگشتم به او دادم. و خداوند این آیه قرآن را نازل فرمود: «همانا سرپرست شما خدا و رسول او و مؤمنانی هستند که نماز می خوانند و در حال رکوع صدقه می دهند».

شصت و ششم: خداوند تبارک و تعالی دو بار برای من خورشید را بازگردانید. و بجز من برای هیچ کس از امت محمد صلی الله علیه و آله باز نگردانده است.

شصت و هفتم: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمان داد که در زندگی او و پس از او با عنوان امیرالمؤمنین مرا بخوانند. و این عنوان را به هیچ کس غیر از من نداد.

شصت و هشتم: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: چون قیامت بر پا شود، فرشته ای از عرش صدا

العرش: أين سيّد الأنبياء؟ فأقوم، ثمّ ينادي أين سيّد الأوصياء؟ فتقوم، ويأتيني رضوان بمفاتيح الجنّة، ويأتيني مالك بمقاليد النار، فيقولان: إنّ الله - جلّ جلاله - أمرنا أن ندفعها إليك ونأمرك أن تدفعها إلى عليّ بن أبي طالب، فتكون يا عليّ قسيم الجنّة والنار».

وأما التاسعة والستون: فإني سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: «لولاك ما عرف المنافقون من المؤمنين».

وأما السبعون: فإن رسول الله صلى الله عليه وآله نام وتومني وزوجتي فاطمة وابني الحسن والحسين وألقى علينا عباءة قطوانية، (1) فأنزل الله - تبارك وتعالى - فينا: «إنّما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم تطهيراً»، وقال جبرئيل عليه السلام: أنا منكم يا محمّد، فكان سادسنا جبرئيل عليه السلام. (2) فروف أحكام الرجال والنساء

3977. عن جابر بن يزيد الجعفي قال: سمعت أبا جعفر محمّد بن عليّ الباقر عليهما السلام يقول: ليس على النساء أذان، ولا إقامة، ولا جمعة، ولا جماعة، ولا عيادة المريض، ولا اتباع الجنّاة، ولا إجهار بالتلبية، ولا الهرولة بين الصفا والمروة، ولا استلام الحجر الأسود، ولا دخول الكعبة، ولا الحلق؛ إنّما يقصرون من شعورهنّ، ولا تتولّى (3) المرأة القضاء، ولا تولّى الإمارة، ولا تستشار، ولا تدبح إلا من اضطرار، وتبدأ في الوضوء بإطراف الذراع والرجل بظاهره، ولا تمسح كما يمسح الرجال، بل عليها أن تلقي الخمار عن موضع مسح رأسها في صلاة الغداة والمغرب، وتمسح عليه، [و] (4) في سائر الصلوات تدخل إصبعها فتمسح على رأسها من غير أن تلقي عنها خمارها، فإذا قامت في صلاتها ضمت رجليها، ووضعت يديها على صدرها، وتضع يديها في ركوعها على فخذيها، وتجلس إذا أرادت

ص: 174

1- القطوانية: عباءة بيضاء قصيرة الخمل، والنون زائدة (النهاية: 85/4).

2- الخصال، ص 572، ح 1، بحار الأنوار، ج 31، ص 432.

3- في البحار: «ولا تولّى».

4- أضفنا الواو من البحار كي يستقيم السياق.

می زند: سرور پیامبران کجاست؟ من بر می خیزم. سپس فریاد می زد: سرور جانشینان کجاست؟ تو بر می خیزی. آنگاه رضوان [فرشته بهشت] کلیدهای بهشت را و مالک [فرشته دوزخ] کلیدهای جهنم را به من می دهند و می گویند: خداوند والا مرتبه ما را مأمور ساخته که کلیدها را به تو بدهیم. تو را مأمور می کنیم که آنها را به علی بن ابیطالب بدهی. پس تو ای علی تقسیم کننده بهشت و دوزخ [میان اهل آنها] هستی.

شصت و نهم: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: اگر تو نبودی منافقان از مؤمنان شناخته نمی شوند.

هفتم: رسول الله صلی الله علیه و آله خواید و من و همسر فاطمه و دو فرزندم حسن و حسین را در کنار خود خوابانید. و عبای سفید پنبه ای خود را روی ما انداخت. و خداوند این آیه را درباره ما [پنج تن] نازل فرمود:

«همانا خداوند اراده فرمود که هر پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را پاک پاک نماید». و جبرئیل علیه السلام فرمود: یا محمد من هم از شما هستم. و ششمین نفر جبرئیل علیه السلام بود.

تفاوت احکام مردان و زنان

3977. جابر بن یزید جعفی گوید: شنیدم امام محمد باقر علیه السلام می فرمود: بر زنان لازم نیست اذان و اقامه، و نماز جمعه، و نماز جماعت، و عیادت مریض، و تشییع جنازه، و بلند گفتن لبیک [برای احرام]، و دویدن در بین صفا و مروه، و استلام حجر الاسود، و وارد کعبه شدن، و تراشیدن سر، بلکه آنها فقط مقداری از موهای خود را کوتاه کنند. و قضاوت کردن، و حکومت کردن، و مشاورت، و ذبح کردن حیوان مگر در صورت اضطرار. و هنگام وضو گرفتن زن از داخل مفصل آرنج شروع کند. و مرد از پشت آرنج شروع کند. هنگام مسح کردن مانند مردان مسح نکنند. بلکه برای نماز صبح و مغرب روسری خود را بردارد و مسح کند. اما برای نماز ظهر و عصر روسری را بر ندارد بلکه دست خود را زیر روسری ببرد و مسح کند. هنگام ایستادن برای نماز پاهایش را به هم متصل کند. و دستهایش را روی سینه اش بگذارد. و هنگام رکوع دستهایش را روی ران خود بگذارد.

السُّجُودَ وَسَجَدَتْ لِاطِيَّةَ (1) بِالْأَرْضِ، وَإِذَا رَفَعَتْ رَأْسَهَا مِنَ السُّجُودِ جَلَسَتْ ثُمَّ نَهَضَتْ إِلَى الْقِيَامِ، وَإِذَا قَعَدَتْ لِلشَّهْدِ رَفَعَتْ رِجْلَيْهَا وَصَدَمَتْ فَخَذَيْهَا، وَإِذَا سَبَّحَتْ عَقَدَتِ الْأَنَامِلَ (2) لِأَنَّهُنَّ مَسْؤُولَاتٌ، وَإِذَا كَانَتْ لَهَا إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ صَدَعَدَتْ فَوْقَ بَيْتِهَا وَصَلَّتْ رُكْعَتَيْنِ وَرَفَعَتْ (كَشَفَتْ خ ل) رَأْسَهَا إِلَى السَّمَاءِ؛ فَإِنَّهَا إِذَا فَعَلَتْ ذَلِكَ اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهَا وَلَمْ يُخَيِّبْهَا. وَلَيْسَ عَلَيْهَا غُسْلُ الْجُمُعَةِ فِي السَّفَرِ، وَلَا يَجُوزُ لَهَا تَرْكُهُ فِي الْحَضَرِ، وَلَا يَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي شَيْءٍ مِنَ الْحُدُودِ، وَلَا تَجُوزُ شَهَادَتُهُنَّ فِي الطَّلَاقِ، وَلَا فِي رُؤْيَةِ الْهَيْلَالِ، وَتَجُوزُ شَهَادَتُهُنَّ فِيمَا لَا يَجُوزُ لِلرِّجَالِ النَّظَرُ إِلَيْهِ، وَلَيْسَ لِلنِّسَاءِ مِنْ سَرَوَاتٍ (3) الطَّرِيقِ شَيْءٌ وَلَهُنَّ جَنَبَاتُهُنَّ، وَلَا يَجُوزُ لَهُنَّ نَزُولُ الْعُرْفِ (4)، وَلَا تَعَلُّمُ الْكِتَابَةِ، وَيُسْتَحَبُّ لَهُنَّ تَعَلُّمُ الْمِغْزَلِ وَسُورَةِ النُّورِ، وَيُكْرَهُ لَهُنَّ تَعَلُّمُ سُورَةِ يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَإِذَا ارْتَدَّتِ الْمَرْأَةُ عَنِ الْإِسْلَامِ اسْتُتَبِتَتْ، فَإِنْ تَابَتْ وَإِلَّا خُلِدَتْ فِي السَّجَنِ، وَلَا تُقْتَلُ كَمَا يُقْتَلُ الرَّجُلُ إِذَا ارْتَدَّ وَلَكِنَّهَا تُسْتَخْدَمُ خِدْمَةً شَدِيدَةً وَتُمنَعُ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ إِلَّا مَا تُمسِكُ بِهِ نَفْسَهَا، وَلَا تُطْعَمُ إِلَّا بِجَشَبٍ (5) الطَّعَامِ، وَلَا تُكْسَى إِلَّا بِالغَلِيظِ الثِّيَابِ وَخَشِيئَتِهَا، وَتُضْرَبُ عَلَى الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ، وَلَا جِزْيَةَ عَلَى النِّسَاءِ، وَإِذَا حَضَرَ وَلَا ذَةَ الْمَرْأَةِ وَجَبَ إِخْرَاجُ مَنْ فِي الْبَيْتِ مِنَ النِّسَاءِ كِي لَا يَكُنَّ أَوَّلَ نَاطِرٍ إِلَى عَوْرَتِهَا، وَلَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ الْحَائِضِ وَلَا الْجُنْبِ الْحُضُورُ عِنْدَ تَلْقِينِ الْمَيِّتِ؛ لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ تَتَأَذَى بِهِمَا، وَلَا يَجُوزُ لَهُمَا إِدْخَالُ الْمَيِّتِ قَبْرِهِ، وَإِذَا قَامَتِ الْمَرْأَةُ مِنْ مَجْلِسِهَا فَلَا يَجُوزُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَجْلِسَ فِيهِ حَتَّى يَبْرُدَ، وَجِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ، وَأَعْظَمُ النَّاسِ حَقًّا عَلَيْهَا زَوْجُهَا، وَأَحَقُّ النَّاسِ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهَا إِذَا مَاتَ زَوْجُهَا، وَلَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَنكُشِفَ بَيْنَ يَدَيْ الْيَهُودِيَّةِ وَالنَّصْرَانِيَّةِ لِأَنَّهُنَّ يَصِدْنَ ذَلِكَ لِأَزْوَاجِهِنَّ، وَلَا يَجُوزُ لَهَا أَنْ تَتَطَيَّبَ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا، وَلَا يَجُوزُ لَهَا أَنْ تَسُدَّ بَهَ بِالرِّجَالِ؛ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَعَنَ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ

ص: 176

- 1- لا ط به: إذا لصق به (النهاية: 277/4).
- 2- أي عدت التسييح بعقد الأنامل - والأنامل: جمع الانملة - بثلاث الميم والهمزة تسع لغات - رأس الإصبع أو العقد الأعلى منه - لأن الأنامل مسؤولات يوم القيامة فيشهدن بالتسييح.
- 3- أي ظهر الطريق ووسطه، ولكنهن يمشين في الجوانب (الصحيح: 2376/6).
- 4- أي العاللي.
- 5- الجشَب: هو الغليظ الخشن من الطعام. وقيل غير المأدوم. وكل بشع الطعام جشَب (النهاية: 263/1).

و برای سجده کردن ابتدا روی زمین بنشیند. و هنگام سجده بدنش را به زمین برساند.

[بدنش را با فاصله زیاد از زمین نگه ندارد.] و بعد از سجده بنشیند. و پس از آن قیام کند.

[مستقیماً از سجده قیام نکند.] و هنگامی که برای تشهد می‌نشیند رانها را به هم متصل کند.

و هنگام تسبیحات سر انگشتها را به هم بپیوندد، چون در قیامت انگشتها شهادت می‌دهند.

و هنگامی که از خداوند حاجتی دارد بر بام خانه اش برود و دو رکعت نماز بخواند. و سر به آسمان بلند کند. اگر چنین کند خداوند دعایش را مستجاب نموده و او را نا امید نسازد.

در سفر غسل جمعه بر زنان لازم نیست. اما در وطن غسل جمعه را ترك نکنند.

در مورد حدود زنان شهادت ندهند. در مورد طلاق شهادت ندهند. در مورد رؤیت هلال شهادت ندهند. در مواردی که [مربوط به زنان است] و نگاه کردن مردان جایز نیست، فقط زنان شهادت بدهند. زنان هنگام عبور و مرور از وسط راه حرکت نکنند. بلکه در کنار حرکت کنند. زنان در غرفه های کنار راه توقف نکنند. نویسندگی نکنند. آموختن بافندگی و سوره نور بر زنان مستحب است. آموختن سوره یوسف بر زنان مکروه است.

اگر زن مرتد شود او را توبه می‌دهند اگر توبه کند توبه اش پذیرفته می‌شود. و اگر توبه نکرد حبس ابد می‌شود. و زن مرتد اعدام نمی‌شود. ولی مرد مرتد اعدام می‌شود. اما زن مرتد به کارهای سخت گمارده می‌شود. و آب و غذا به مقداری که نمیرد به او داده می‌شود. غذای لذیذ به او نمی‌دهند. لباس لطیف نمی‌پوشد. و برای نماز و روزه تنبیه می‌شود. زنان جزیه نمی‌دهند.

هنگام زایمان، اطرافیان و زنان را از اطاق اخراج کنند. تا کسی به عورت او نگاه نکند.

هنگام تلقین میت زنان حائض و جنب حاضر نشوند. چون ملائکه آورده می‌شوند.

حائض و جنب میت را در قبر نگذارند. هنگامی که زنی از محلی برخاست تا آن محل سرد نشده است مرد آنجا ننشیند. جهاد زن شوهرداری نیکوست. حق شوهر بر زن از همه بزرگتر است. و سزاوارترین کسی برای نماز میت زن شوهر اوست. زن مسلمان در حضور زنان یهودی و مسیحی بی حجاب ظاهر نشوند. چون آنان اوصاف زن مسلمان را برای شوهرانشان بیان می‌کنند.

جایز نیست هنگام خروج از خانه خودش را آرایش و معطر کند. جایز نیست زن خودش را شبیه مردان کند. [لباس و آرایش مردانه بر زن حرام است.] چون رسول الله صلی الله علیه و آله

بِالنِّسَاءِ، وَلَعَنَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ، وَلَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُعْطَلَ نَفْسَهَا وَلَوْ أَنْ تُعَلَّقَ فِي عُقْبِهَا حَيْطًا، وَلَا يَجُوزُ أَنْ تُرَى أَظْفِيرُهَا بِيَضَاءٍ وَلَوْ أَنْ تَمَسَّحَهَا بِالْحِنَاءِ مُسْحًا، وَلَا تَخْضُبُ يَدَيْهَا فِي حَيْضِهَا؛ لِأَنَّهَا يُخَافُ عَلَيْهَا الشَّيْطَانُ، وَإِذَا أَرَادَتِ الْمَرْأَةُ الْحَاجَةَ وَهِيَ فِي صَلَاتِهَا صَفَّقَتْ بِيَدَيْهَا، وَالرَّجُلُ يَوْمِي بِرَأْسِهِ وَهُوَ فِي صَلَاتِهِ وَيُشِيرُ بِيَدِهِ وَيُسَبِّحُ

جَهْرًا، وَلَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُصَلِّيَ بِغَيْرِ خِمَارٍ، إِلَّا أَنْ تَكُونَ أُمَّةً فَإِنَّهَا تُصَلِّيَ بِغَيْرِ خِمَارٍ مَكْشُوفَةَ الرَّأْسِ، وَيَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ لُبْسُ الدِّيَابِجِ وَالْحَرِيرِ فِي غَيْرِ صَلَاةٍ وَإِحْرَامٍ، وَحَرَّمَ ذَلِكَ عَلَى الرِّجَالِ إِلَّا فِي الْجِهَادِ، وَيَجُوزُ أَنْ تَتَخَتَّمَ بِالذَّهَبِ، وَتُصَلِّيَ فِيهِ، وَحَرَّمَ ذَلِكَ عَلَى الرِّجَالِ، قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «يَا عَلِيُّ، لَا تَتَخَتَّمَ بِالذَّهَبِ؛ فَإِنَّهُ زِينَتُكَ فِي الْجَنَّةِ، وَلَا تَلْبَسِ الْحَرِيرَ؛ فَإِنَّهُ لِبَاسُكَ فِي الْجَنَّةِ»، وَلَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ فِي مَالِهَا عِتْقُ وَلَا بَرُّ إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا، وَلَا يَجُوزُ أَنْ تَصُومَ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا، وَلَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُصَافِحَ غَيْرَ ذِي مَحْرَمٍ إِلَّا مِنْ وَرَاءِ ثَوْبِهَا، وَلَا تُبَايِعَ إِلَّا مِنْ وَرَاءِ ثَوْبِهَا، وَلَا يَجُوزُ أَنْ تَحُجَّ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا، وَلَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَدْخُلَ الْحَمَّامَ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ مُحْرَمٌ عَلَيْهَا(1)، وَلَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ زُكُوبُ السَّرْحِ إِلَّا مِنْ ضَرُورَةٍ وَفِي سَفَرٍ، وَمِيرَاثُ الْمَرْأَةِ نِصْفُ مِيرَاثِ الرَّجُلِ، وَدِيَّتُهَا نِصْفُ دِيَّةِ الرَّجُلِ، وَتُعَاقِلُ الْمَرْأَةُ الرَّجُلَ فِي الْجِرَاحَاتِ حَتَّى تَبْلُغَ ثُلُثَ الدِّيَّةِ، فَإِذَا زَادَتْ عَلَى الثُّلُثِ ارْتَفَعَ الرَّجُلُ وَسَفَلَتِ الْمَرْأَةُ، وَإِذَا صَدَلَّتِ الْمَرْأَةُ وَحَدَّهَا مَعَ الرَّجُلِ قَامَتْ خَلْفَهُ وَلَمْ تَقُمْ بِجَنْبِهِ، وَإِذَا مَاتَتِ الْمَرْأَةُ وَقَفَّ الْمُصَلِّيُّ عَلَيْهَا عِنْدَ صَدْرِهَا، وَمِنَ الرَّجُلِ إِذَا صَلَّى [عَلَيْهِ] (2) عِنْدَ رَأْسِهِ، فَإِذَا ادْخَلَتِ الْقَبْرَ وَقَفَّ زَوْجُهَا فِي مَوْضِعٍ يَتَنَاوَلُ وَرِكَهَا(3)، وَلَا شَفِيعَ لِلْمَرْأَةِ أَنْجَحَ عِنْدَ رَبِّهَا مِنْ رِضَاءِ زَوْجِهَا، وَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَامَ عَلَيْهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي رَاضٍ عَنِ ابْنَةِ نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ إِنَّهَا قَدْ أَوْحِشَتْ فَاغْتَسَبَتْهَا، اللَّهُمَّ إِنَّهَا قَدْ هُجِرَتْ فَصَلِّهَا، اللَّهُمَّ إِنَّهَا قَدْ ظَلِمَتْ

ص: 178

1- مرّ سابقاً في علّة النهي عن دخول الحمام للنساء.

2- أضفناها من البحار.

3- الورك - ككتف -: فوق الفخذ.

لعنت فرمودند مردانی را که خود را شبیه زنان کنند. و زنانی را که خود را شبیه مردان کنند.

برای زن جایز نیست که خود را معطل کند حتی اگر نخ بر گردن خود آویزد. [زن برای شوهر حتماً آرایش کند.] جایز نیست ناخن زن سفید باشد لااقل مقداری حنا بگذارد.

زن در حال حیض دست خود را خضاب نکند چون احتمال وسوسه شیطان می رود.

زمانی که زن در حال نماز است اگر حاجتی دارد دست خود را بر هم بزند. [با زدن دست بر هم دیگران را متوجه کند.] ولی مرد در حال نماز با دست و سر اشاره کند و یا بلند بگوید:

سبحان الله [تا دیگران متوجه منظور او شوند]. برای زن نماز خواندن بدون چادر جایز نیست. اما بردگان می توانند بدون چادر نماز بخوانند. پوشیدن لباس ابریشم و حریر در غیر نماز و احرام برای زنان جایز است. اما برای مردان حرام است مگر هنگام جنگ.

انگشتر طلا برای زن جایز است. و می تواند با آن نماز بخواند. اما برای مرد حرام است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی، از انگشتر طلا- استفاده نکن. چون طلا زینت تو در بهشت است. و لباس حریر نپوش. چون لباس تو در بهشت است.

بر زن جایز نیست مال خودش را برای آزاد کردن برده یا کار نیک دیگر بدون اجازه شوهر مصرف کند.

زن بدون موافقت شوهرش روزه مستحب نگیرد. زن با مرد نامحرم دست ندهد مگر از زیر لباس. و برای بیعت کردن هم از زیر لباس بیعت کند.

زن برای انجام حج مستحب از شوهر اجازه بگیرد. رفتن زن به حمام عمومی یا استخر حرام است. سوار شدن زن بر زین [اسب یا شتر و...] جایز نیست جز در موارد ضروری و سفر. سهم ارث زن نصف مرد است. دینه زن نصف مرد است. دینه جراحات در زن و مرد تا یک سوم دینه مساوی است. و اگر دینه جراحی از یک سوم دینه تجاوز کند، دینه جراحی زن نصف مرد می شود.

اگر زن در مکانی با مرد نماز می خواند باید پشت مرد بایستد و در کنار مرد نایستد.

هنگام نماز میت زن، نمازگزار مقابل سینه او بایستد. و برای مرد مقابل سر او بایستد.

هنگامی که زن را در قبر می گذارند شوهرش طوری بایستد که اطراف ران او را بگیرد و در قبر بگذارد. و برای زن در حضور پروردگار شفיעی بهتر از رضایت شوهر نجات بخش نیست.

هنگامی که حضرت فاطمه علیها السلام شهید شد امیرالمؤمنین علیه السلام در کنار او ایستاد و فرمود:

خداوندا من از دختر پیامبر تو راضی هستم. پروردگارا اگر او در وحشت است تو مونس او

فأحكم لها وأنت خير الحاكمين. (1) جنود العقل والجهل

3978. عن سماعه بن مهران قال: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام وعنده جماعة من موابيه، فجری ذكر العقل والجهل، فقال أبو عبد الله عليه السلام: اعرفوا العقل وجنده والجهل وجنده تهتدوا، قال سماعه: فقلت:

جعلت فداك! لا نعرف إلا ما عرفتنا، فقال أبو عبد الله عليه السلام:

إن الله - جل ثناؤه - خلق العقل وهو أول خلق خلقه من الروحانيين عن يمين العرش من نوره، فقال له: أقبل، فأقبل، ثم قال له: أدبر، فأدبر، فقال الله تبارك وتعالى: خلقك خلقاً عظيماً وكرمتك على جميع خلقي. قال: ثم خلق الجهل من البحر الأجاج ظلماتياً، فقال له: أدبر، فأدبر، ثم قال له:

أقبل، فلم يقبل، فقال له: استكبرت! فلعنه.

ثم جعل للعقل خمسة وسبعين جنداً، فلما رأى الجهل ما أكرم الله به العقل وما أعطاه أضمر له العداوة، فقال الجهل: يا رب، هذا خلق مثلي خلقتهم وكرمتهم وقويتهم، وأنا ضئد ولا قوة لي به فأعطني من الجند مثل ما أعطيتهم، فقال: نعم، فإن عصيت بعد ذلك أخرجتك وجندك من رحمتي، قال: قد رضيت، فأعطاه خمسة وسبعين جنداً، فكان مما أعطى العقل من الخمسة والسبعين الجند: (2)

ص: 180

1- الخصال، ص 585، ح 12، بحار الأنوار، ج 103، ص 254، ح 1.

2- في تحقيق معنى العقل في الأخبار كلاماً للعلامة المجلسي رحمه الله تعالى، راجع البحار: 1: 99 قال: والآذي ظهر لنا من تتبع الأخبار المنتمية إلى الأئمة الأبرار - سلام الله عليهم - هو أن الله خلق في كل شخص من أشخاص المكلفين قوة واستعداد إدراك الأمور من المضار والمنافع وغيرها، إلخ. أقول: الإدراك الإنساني منها ما يشترك فيه الإنسان مع كل حيوان بل النبات أيضاً في هدايته إلى إدامة حياته إلى كماله المعد له من الله تعالى، ومنها ما يختص به الإنسان وهو من قبيل العلوم وإدراك الكلبي بحيث يدرك علماً ويحكم حكماً بتاتاً، ويسمى الأحكام العقلية، وهذه هي جنود العقل على ما عرّف به الأخبار؛ كإدراكه قبح الظلم والخيانة والكذب وضده يسمى جهلاً.

باش. خداوندا او تنها شده است پس تو با او باش. خداوندا به او ظلم شده است پس تو به نفع او حکم کن. و تو بهترین حکمران هستی.

سپاهیان عقل و جهل

3978. سماعة فرزند مهران گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم و در حضور او عده ای از دوستانش بودند و سخن از عقل و جهل به میان آمد. امام صادق علیه السلام فرمود: عقل و سپاهیان او و جهل و سپاهش را بشناسید تا هدایت شوید.

سماعه گوید: گفتیم: فدایت شوم ما چیزی نمی شناسیم جز آنچه شما بشناسانید.

حضرت فرمودند: خداوند بلند مرتبه عقل را آفرید. و عقل اولین آفریده خداست که از نور روحانی جانب راست عرش بوجود آورد. سپس به او فرمود: جلو بیا، او آمد. سپس فرمود: برگرد، و او برگشت.

آن گاه خداوند تبارک و تعالی فرمود: تو را موجودی با عظمت آفریدم و از همه آفریدگانم گرامی تر داشت.

امام علیه السلام فرمود: پس از آن خداوند جهل را از اقیانوس تلخ و تاریک آفرید. و به او گفت: برگرد او برگشت. سپس فرمود: پیش آی، ولی پیش نیامد. خداوند به جهل فرمود:

تکبر کردی. آنگاه خداوند جهل را لعنت نمود. سپس برای عقل هفتاد و پنج لشکر قرار داد. و جهل همین که کرامت خداوند به عقل را دید دشمنی و کینه او را به دل گرفت. و گفت:

پروردگارا: عقل هم موجودی مثل من است او را آفریدی و گرامی داشتی و به او نیرو بخشیدی. و من ضد او هستم و قدرتی بر او ندارم، پس به من هم لشکریانی به اندازه او عطا کن. خداوند فرمود: می پذیرم و اگر پس از آن نافرمانی کنی تو و سپاهیان را از رحمت خود اخراج می کنم.

جهل گفت: پذیرفتم و خداوند به او هفتاد و پنج لشکر عطا کرد.

هفتاد و پنج لشکری که به عقل و جهل بخشید عبارتند از:

الْحَيْرُ وَهُوَ وَزِيرُ الْعَقْلِ، وَجَعَلَ ضِدَّهُ الشَّرُّ، وَهُوَ وَزِيرُ الْجَهْلِ، وَالْإِيمَانُ وَضِدُّهُ الْكُفْرُ، وَالتَّصَدِيقُ وَضِدُّهُ الْجُحُودُ، وَالرَّجَاءُ وَضِدُّهُ الْقَنُوطُ، وَالْعَدْلُ وَضِدُّهُ الْجَوْرُ، وَالرِّضَى وَضِدُّهُ السَّخَطُ، وَالشُّكْرُ وَضِدُّهُ الْكُفْرُ، وَالطَّمَعُ وَضِدُّهُ الْيَأْسُ، وَالتَّوَكُّلُ وَضِدُّهُ الْحِرْصُ، وَالرَّافَةُ وَضِدُّهَا الْغِرَّةُ، وَالرَّحْمَةُ (1) وَضِدُّهَا الْغَضَبُ، وَالْعِلْمُ وَضِدُّهُ الْجَهْلُ، وَالْفَهْمُ وَضِدُّهُ الْحُمُقُ، وَالْعِفَّةُ وَضِدُّهَا التَّهْتِكُ، وَالرُّهْدُ وَضِدُّهُ الرَّغْبَةُ، وَالرَّفْقُ وَضِدُّهُ الْخُرْقُ (2)، وَالرَّهْبَةُ وَضِدُّهَا الْجُرْأَةُ، وَالتَّوَاضُعُ وَضِدُّهُ التَّكَبُّرُ، وَالتَّؤَدَةُ وَضِدُّهَا التَّسْرِيعُ، وَالْحِلْمُ وَضِدُّهُ السَّفَهَةُ، وَالصَّمْتُ وَضِدُّهُ الْهَذَرُ، وَالِاسْتِسْلَامُ وَضِدُّهُ الْإِسْتِكْبَارُ، وَالتَّسْلِيمُ (3) وَضِدُّهُ التَّجَبُّرُ، وَالْعَفْوُ وَضِدُّهُ الْحِقْدُ، وَالرِّقَّةُ وَضِدُّهَا الْقَسْوَةُ، وَالتَّيَقِينُ وَضِدُّهَا (4) الشَّكُّ، وَالصَّبْرُ وَضِدُّهُ الْجَزَعُ، وَالصَّفْحُ وَضِدُّهُ الْإِنْتِقَامُ، وَالغِنَى وَضِدُّهُ الْفَقْرُ، وَالتَّفَكُّرُ وَضِدُّهُ السَّهْوُ، وَالْحِفْظُ وَضِدُّهُ النِّسْيَانُ، وَالتَّعَطُّفُ وَضِدُّهُ الْقَطِيعَةُ، وَالْقَنُوعُ وَضِدُّهُ الْحِرْصُ، وَالْمُوَاسَاةُ وَضِدُّهَا الْمَنْعُ، وَالْمُودَّةُ وَضِدُّهَا الْعَدَاةُ، وَالْوَفَاءُ وَضِدُّهُ الْعَدْرُ، وَالطَّاعَةُ وَضِدُّهَا الْمَعْصِيَةُ، وَالْخُضُوعُ وَضِدُّهُ التَّطَاوُلُ، وَالسَّلَامَةُ وَضِدُّهَا الْبَلَاءُ، وَالْحُبُّ وَضِدُّهُ الْبُغْضُ، وَالصِّدْقُ وَضِدُّهُ الْكَذِبُ، وَالْحَقُّ وَضِدُّهُ الْبَاطِلُ، وَالْأَمَانَةُ وَضِدُّهَا الْخِيَانَةُ، وَالْإِخْلَاصُ وَضِدُّهُ الشُّوبُ، وَالشَّهَامَةُ وَضِدُّهَا الْبَلَادَةُ، وَالْفَهْمُ وَضِدُّهُ الْغَبَاوَةُ (5)، وَالْمَعْرِفَةُ وَضِدُّهَا الْإِنْكَارُ، وَالْمُدَارَاةُ وَضِدُّهَا الْمُكَاشَفَةُ، وَسَلَامَةُ الْغَيْبِ وَضِدُّهَا الْمُمَاكِرَةُ، وَالْكِتْمَانُ وَضِدُّهُ الْإِفْشَاءُ، وَالصَّلَاةُ وَضِدُّهَا الْإِضَاعَةُ، وَالصَّوْمُ وَضِدُّهُ الْإِفْطَارُ، وَالْجِهَادُ وَضِدُّهُ التُّكُولُ، وَالْحَرَجُّ وَضِدُّهُ نَبْدُ الْمِيثَاقِ، وَصِدْقُ الْحَدِيثِ وَضِدُّهُ التَّمِيمَةُ، وَبُرُّ الْوَالِدَيْنِ وَضِدُّهُ الْعُقُوقُ، وَالْحَقِيقَةُ وَضِدُّهَا الرِّيَاءُ، وَالْمَعْرُوفُ وَضِدُّهُ الْمُنْكَرُ، وَالسَّتْرُ وَضِدُّهُ التَّبْرُجُ (6)، وَالتَّيَقُّنُ وَضِدُّهَا الْإِذَاعَةُ، وَالْإِنْصَافُ وَضِدُّهُ الْحَمِيَّةُ،

ص: 182

- 1- الرأفة والرحمة أحدهما مكرّر، وفي الكافي والمحاسن «ضد الرأفة القسوة».
- 2- الخرق - بالضم والتحريك - : ضد الرفق وأن لا يحسن العمل، والتصرف في الأمور، والحمق (القاموس المحيط: 226/3).
- 3- الاستسلام: الانقياد لله تعالى فيما يأمر وينهى، والتسليم: الانقياد لأئمة الحق، وفي الكافي في مقابل التسليم «الشك».
- 4- كذا في الخصال، وفي البحار: «وضده».
- 5- في العلل: «الفتنة وضدها الغباوة».
- 6- التبرج: إظهار الزينة. ولعل هذه الفقرة مخصوصة بالنساء كما احتمله العلامة المجلسي (ره).

1 - خیر که وزیر عقل است و ضد آن را شر قرار داد که وزیر جهل است. 2 - ایمان [از لشگریان عقل است] و ضد آن کفر است. 3 - تصدیق کردن و ضد آن انکار کردن است. 4 - امید و ضد آن نومیدی است. 5 - عدالت و ضد آن ظلم است. 6 - خشنودی و ضد آن نارضایتی است.

7 - شکر گزاری و ضد آن کفران است. 8 - طمع داشتن و ضد آن یأس است. 9 - توکل و ضد آن حرص است. 10 - مهربانی و ضد آن ساده لوحی است. 11 - مهرورزی و ضد آن خشم است.

12 - دانش و ضد آن نادانی است. 13 - فهم و ضد آن حماقت است. 14 - پاکدامنی و ضد آن پرده دری است. 15 - زهد و ضد آن تمایل به دنیا است. 16 - مدارا کردن و ضد آن ناسازگاری است.

17 - پروا داشتن و ضد آن جسارت است. 18 - فروتنی و ضد آن تکبر است. 19 - درنگ و تأمل و ضد آن شتاب کردن است. 20 - بردباری و ضد آن سفاهت است. 21 - سکوت و ضد آن بیهوده گویی است. 22 - گردن نهادن و ضد آن نافرمانی است. 23 - سر فرود آوردن و ضد آن سر بر تافتن است. 24 - عفو کردن و ضد آن کینه ورزی است. 25 - نرم دلی و ضد آن قساوت است. 26 - باور داشتن و ضد آن شك است. 27 - شکیبایی و ضد آن بی تابی است. 28 - گذشت و ضد آن انتقام است. 29 - بی نیازی و ضد آن نیازمندی است. 30 - اندیشیدن و ضد آن سهو است. 31 - به خاطر سپردن و ضد آن فراموشی است. 32 - عطف و ضد آن قطع رابطه است. 33 - قناعت و ضد آن حرص است. 34 - یاری رسانی و ضد آن بازداری است. 35 - دوستی و ضد آن دشمنی است.

36 - وفا و ضد آن پیمان شکنی است. 37 - فرمان برداری و ضد آن گناه کردن است. 38 - فروتنی و ضد آن تفاخر است. 39 - سلامتی و ضد آن بلاء است. 40 - محبت و ضد آن کینه است.

41 - راستگویی و ضد آن دروغ است. 42 - حق و ضد آن باطل است. 43 - امانت و ضد آن خیانت است. 44 - اخلاص و ضد آن ناخالصی است. 45 - شهامت و ضد آن ابله‌گی است. 46 - فهم و درک که ضد آن نفهمی و کودنی است. 47 - معرفت و ضد آن انکار است. 48 - مدارا کردن و ضد آن آشکارا پرده دری کردن است. 49 - خیر خواهی در غیاب دیگران و ضد آن حيله گری است.

50 - رازداری و ضد آن افشاگری است. 51 - نماز بجا آوردن و ضد آن ترك نماز. 52 - روزه داری و ضد آن روزه خواری است. 53 - جهاد و ضد آن بازماندن از جهاد است. 54 - حج و ضد آن بی اعتنائی به پیمان با خداست. 55 - صداقت در گفتار و ضد آن سخن چینی است. 56 - نیکی به پدر و مادر و ضد آن آزدن آنان است. 57 - درستکاری و ضد آن ریاکاری است. 58 - کار نیک و ضد آن کار زشت است. 59 - حجاب و پوشش و ضد آن ولنگاری است. 60 - تقیه [پنهان داشتن عقیده از دشمن] و ضد آن شایع کردن است. 61 - انصاف و ضد آن تعصب است.

والتَّهَيُّةُ (1) وَضِدَّهَا الْبَغْيُ، وَالنَّظَافَةُ وَضِدَّهَا الْقَذَرُ، وَالْحَيَاءُ وَضِدَّهَ الْخُلْعُ (2)، وَالْقَصْدُ وَضِدَّهَ الْعُدْوَانُ، وَالزَّاحَةُ وَضِدَّهَا التَّعَبُ، وَالسُّهُوْلَةُ وَضِدَّهَا الصُّعُوبَةُ، وَالْبَرَكَةُ وَضِدَّهَا الْمَحَقُّ، وَالْعَافِيَةُ وَضِدَّهَا الْبَلَاءُ، وَالْقَوَامُ وَضِدَّهَا الْمُكَاتِّرَةُ (3)، وَالْحِكْمَةُ وَضِدَّهَا الْهَوَى، وَالْوَقَارُ وَضِدَّهَ الْخِفَّةُ، وَالسَّعَادَةُ وَضِدَّهَا الشَّقَاءُ، وَالتَّوْبَةُ وَضِدَّهَا الْإِصْرَارُ، وَالْإِسْتِغْفَارُ وَضِدَّهَ الْإِغْتِرَارُ، وَالْمُحَافَظَةُ وَضِدَّهَا التَّهَؤُنُ، وَالِدُّعَاءُ وَضِدَّهَ الْإِسْتِكَافُ، وَالنَّشَاطُ وَضِدَّهَ الْكَسَلُ، وَالْفَرْحُ وَضِدَّهَ الْحُزْنُ، وَالْأَلْفَةُ وَضِدَّهَا الْفُرْقَةُ (4)، وَالسَّخَاءُ وَضِدَّهَ الْبُخْلُ (5).

فَلَا تَجْتَمِعُ هَذِهِ الْخِصَالُ كُلُّهَا مِنْ أَجْنَادِ الْعَقْلِ إِلَّا فِي نَبِيِّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيِّ أَوْ مُؤْمِنٍ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِإِيمَانِهِ، وَأَمَّا سَائِرُ ذَلِكَ مِنْ مَوَالِينَا فَإِنَّ أَحَدَهُمْ لَا يَخْلُو مِنْ أَنْ يَكُونَ فِيهِ بَعْضُ هَذِهِ الْجُنُودِ حَتَّى يَسْتَكْمَلَ وَيَتَّقَى مِنْ جُنُودِ الْجَهْلِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَكُونُ فِي الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَإِنَّمَا يَدْرِكُ الْفَوْزَ بِمَعْرِفَةِ الْعَقْلِ وَجُنُودِهِ، وَمُجَانِبَةِ الْجَهْلِ وَجُنُودِهِ، وَقَفْنَا لِلَّهِ وَإِيَّاكُمْ لِبَطَاعَتِهِ وَمَرْضَاتِهِ . (6) مِنْ حُطْبَةِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَعْرُوفَةِ بِالذِّيْبَاجِ

3979. عِبَادَ اللَّهِ! لَا تَرْتَابُوا (7) فَتَشْكُوا، وَلَا تَشْكُوا فَتَكْفُرُوا، وَلَا تَكْفُرُوا فَتَتَدَمَّوْا، وَلَا تَرْتَحُّصُوا لِأَنْفُسِكُمْ فَتُدْهِنُوا وَتَذَهَبَ بِكُمْ الرَّحْصُ مَذَاهِبَ الظُّلْمَةِ فَتَهْلِكُوا، وَلَا تَدَاهِنُوا فِي الْحَقِّ إِذَا وَرَدَ عَلَيْكُمْ وَعَرَفْتُمُوهُ

ص: 184

- 1- يعني الموافقة والمصالحة بين الجماعة وإمامهم.
- 2- الخلع - بالخاء المعجمة -: أي خلع لباس الحياء، وهو مجاز شائع. وفي بعض النسخ «الجلع» بالجيم؛ وهو قلة الحياء. والقصد: اختيار الوسط في الأمور.
- 3- القوام - بفتح القاف كسحاب -: العدل وما يُعاش به. والمكاترة: المغالبة في الكثرة؛ أي تحصيل متاع الدنيا زائداً على قدر الحاجة للمباهاة والمفاخرة والمغالبة. وفي بعض نسخ الحديث: «المكاشرة» وهي المضاحكة.
- 4- في بعض نسخ الحديث «وضدّها العصبية».
- 5- اعلم أنّ ما ذكر من جنود العقل والجهل هنا إحدى وثمانون خصلة، وذلك لتكرار النسخ بعض الفقرات بأن يكونوا أضافوا بعض النسخ إلى الأصل.
- 6- الخصال، ص 589، ح 13؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 109، ح 7.
- 7- الارتباب مطاوعة من الريب بمعنى الشك، أو الشك مع التهمة؛ أي لا تقبلوا الشك أو التهمة فتشكوا. ولعل المراد هو نفي الحالة النفسانية في ضعف الناس من التردد في الأمور والوسواس حتى في الأمور الواضحة وبعد قيام الدليل أعاذنا الله تعالى منهما؛ فإن هذه الحالة إن بقيت ولم يعالجها الإنسان يتبدل إلى الشك الحقيقي، كما أنّ الشك إن لم يعالج بالبراهين والمجاهدات قد يتبدل إلى الجحود والإنكار. «ولا ترخصوا لأنفسكم فتدھنوا» لعل المراد المداھنة مع النفس؛ لأنّه إذا رخص نفسه في هواها ينجر الأمر إلى تحليل الحرام بالتأويل أو إلى ارتكابه بالمسامحة والمساهلة، وأشار إليه في الجملة الآتية «ولا تداھنوا في الحق» هذه الجملة أعم من المداھنة مع نفسه أو غيره.

62 - صلح و سازگاری و ضد آن تجاوزگری است. 63 - پاکیزگی و ضد آن پلشتی است.

64 - حیاء و ضد آن بی شرمی است. 65 - میانه روی و ضد آن تند روی است. 66 - آسودگی و ضد آن مشقت است. 67 - آسانی و ضد آن سختی است. 68 - برکت و ضد آن بر باد رفتن است. 69 - سلامتی و ضد آن بلاء است. 70 - اعتدال در معاش و ضد آن افزون طلبی است.

71 - حکمت و ضد آن هوی و هوس است. 72 - متانت و ضد آن خفت است. 73 - سعادت و ضد آن بدبختی است. 74 - توبه و ضد آن اصرار به گناه است. 75 - استغفار [طلب آمرزش] و ضد آن فریفتگی است. 76 - مراقبت و ضد آن بی توجهی است. 77 - دعا و ضد آن خودداری است. 78 - نشاط و ضد آن کسالت است. 79 - شادی و ضد آن اندوه است. 80 - الفت [همدلی] و ضد آن تفرقه [جدایی] است. 81 - سخاوت و ضد آن بخل ورزی است.

همه این خصلت ها که از لشکریان عقل است در يك نفر جمع نمی شود مگر در پیامبر یا جانشین پیامبر یا مؤمنی که خدا قلب او را برای ایمان آزموده باشد. اما بقیه دوستان ما دارای بعضی از این خصلتها هستند تا آن گاه که کامل شود. و از سپاه جهل پاك گردد. و در این هنگام در مقام عالی همراه پیامبران و جانشینان قرار می گیرد. و رستگاری فقط با شناخت عقل و لشکریانش و دوری از جهل و سپاهیانش ممکن می شود. خداوند ما و شما را به اطاعت و جلب خشنودی خودش موفق فرماید. [در متن حدیث هفتاد پنج سپاه برای عقل و جهل ذکر شده است ولی در شمارش هشتاد و يك مورد است. احتمالاً بعضی موارد به مورد دیگر بازگشت دارد.]

از خطبه های حضرت علی علیه السلام معروف به دیباج

3979. بندگان خدا؛ از شك و تردید پرهیز کنید که به وسواس مبتلا می شوید. وسواس نداشته باشید که به کفر مبتلا می شوید. و کفر نورزید که پشیمان می شوید. و به خویشتن رخصت ندهید که به خلاف کاری گرفتار می شوید. و سهل انگاری شما را به راه های ظلمت می برد.

وهلاك می شوید. در حق سهل انگاری نکنید آن گاه که بر شما وارد شد و آن را شناختید که

عِبَادَ اللَّهِ! إِنَّ مِنَ الْحَزْمِ (1) أَنْ تَتَّقُوا اللَّهَ، وَإِنَّ مِنَ الْعِصْمَةِ أَلَّا تَغْتَرَّوْا بِاللَّهِ.

عِبَادَ اللَّهِ! إِنَّ أَنْصَحَ النَّاسِ لِنَفْسِهِ أَطْوَعُهُمْ لِرَبِّهِ، وَأَغْشَاهُمْ لِنَفْسِهِ أَعْصَاهُمْ لَهُ.

عِبَادَ اللَّهِ! إِنَّ مَنْ يُطِيعَ اللَّهَ يَأْمَنُ وَيَسْتَبْشِرُ، وَمَنْ يَعِصِهِ يَخِبُ (2) وَيَنْدَمُ وَلَا يَسْلَمُ.

عِبَادَ اللَّهِ! سَلُّوا اللَّهَ الْيَقِينَ، فَإِنَّ الْيَقِينَ رَأْسَ الدِّينِ، وَارْغَبُوا إِلَيْهِ فِي الْعَافِيَةِ (3)؛ فَإِنَّ أَعْظَمَ النِّعَمَةِ الْعَافِيَةُ، فَاعْتَنِمُوهَا لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَارْغَبُوا إِلَيْهِ فِي التَّوْفِيقِ، فَإِنَّهُ اسُّ (4) وَثِيقٌ، وَاعْلَمُوا أَنَّ خَيْرَ مَا لَزِمَ الْقَلْبَ الْيَقِينَ، وَأَحْسَنُ الْيَقِينَ التَّقَى، وَأَفْضَلُ أُمُورِ الْحَقِّ عَزَائِمُهَا (5) وَشَرُّهَا مُحَدَّثَاتُهَا، وَكُلُّ مُحَدَّثَةٍ بَدْعَةٌ، وَكُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ، وَبِالْبِدْعِ هَدْمُ السُّنَنِ. الْمَغْبُوطُ مَنْ غَبِنَ دِينَهُ، وَالْمَغْبُوطُ مَنْ سَلِمَ لَهُ دِينُهُ وَحَسُنَ يَقِينُهُ، وَالسَّعِيدُ مَنْ وَعِظَ بغيرِهِ، وَالشَّقِيُّ مَنْ انْخَدَعَ لِهَوَاهُ.

عِبَادَ اللَّهِ! اعْلَمُوا أَنَّ يَسِيرَ الرِّيَاءِ شِرْكٌ، وَأَنَّ إِخْلَاصَ الْعَمَلِ الْيَقِينُ (6)، وَالْهَوَى يَقُودُ إِلَى النَّارِ، وَمُجَالَسَةَ أَهْلِ اللَّهِ يُنْسِي الْقُرْآنَ وَيُحْضِرُ الشَّيْطَانَ، وَالنِّسْيَ (7) زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ، وَأَعْمَالُ الْعِصَاةِ تَدْعُو إِلَى سَخَطِ الرَّحْمَنِ، وَسَخَطُ الرَّحْمَنِ يَدْعُو إِلَى النَّارِ، وَمُحَادَثَةُ النِّسَاءِ تَدْعُو إِلَى الْبَلَاءِ وَيُزِيغُ الْقُلُوبَ، وَالرَّمَقُ (8) لَهَنٌ يَخْطَفُ نُورَ أَبْصَارِ الْقُلُوبِ، وَلَمَحَ الْعُيُونِ مَصَانِدُ الشَّيْطَانِ، وَمُجَالَسَةُ السُّلْطَانِ يُهَيِّجُ التَّيْرَانَ.

ص: 186

1- الحزم: ضبط الرجل أمره والحذر من فواته، وفيه «الحزم سوء الظن». «وإنَّ من العصمة»: أي ما يعصمه من المهالك يوم القيامة أن لا تغتروا بالله؛ أي أن لا تظنوا به أن لا يعذبكم بذنوبكم ولا تخدعوا أنفسكم بذلك فتجروا على معصية الله تعالى.

2- يخب: أي يخسر ويُحرم؛ من الخيبة.

3- العافية: أن تسلم من الأسقام والبلايا؛ وهي الصحة، وضد المرض.

4- اسُّ: أي أصل.

5- فيه: «خير الأمور عزائمها» أي فرائضها التي عزم الله عليك بفعالهما، والمعنى ذوات عزمها التي فيها العزم. إياكم ومحدثات الأمور: جمع محدثة - بالفتح - وهي ما لم يكن معروفاً في كتاب ولا سنة ولا إجماع. من أحدث حدثاً؛ الحدث: الأمر الحادث المنكر الذي ليس بمعتاد ولا معروف في السنة. «أحسن اليقين التقى»: لعل المراد أن أحسن اليقين ما يثمر ويورث التقوى ويظهر في العمل.

6- «وإنَّ إخلاص العمل اليقين»: لعل المعنى أن العمل الخالص ما كان عن يقين.

7- عن ابن عباس: «كانت النساء في كندة» النساء - بالضم وسكون السين -: النسوة الذي ذكره الله تعالى في كتابه من تأخير الشهور بعضها إلى بعض. راجع تفسير الآية الشريفة / 37 من سورة التوبة (الميزان: 283/9) فإنه كانت لهم فيما بينهم سنة جاهلية في أمر الأشهر الحرم وهي المسماة بالنسوة، وهو يدل بلفظه على تأخير الحرم من شهر حرام إلى بعض الشهور غير المحرمة الذي بعده...

8- الرمق: طول النظر إلى الشيء، واللمحة - بالفتح -: النظرة بالعجلة.

در آن صورت خسارت آشکاری خواهی داشت.

بندگان خدا؛ دور اندیشی است که از خدا پروا داشته باشید. و از عصمت و ایمنی است که به خدا مغرور نشوید.

بندگان خدا؛ خیرخواه ترین شخص برای خود کسی است که از همه بیشتر در برابر خدا مطیع باشد. و فریب کارتر از همه کسی است که از دیگران بیشتر گناه کند.

بندگان خدا؛ کسی که از خدا اطاعت کند ایمن است و شادمان شود. و کسی که نافرمانی خدا انجام دهد زیان کند و پشیمان شود و در امان نخواهد بود.

بندگان خدا؛ از خدا یقین بخواهید که یقین اساس دین است. و سلامتی بخواهید که بزرگترین نعمت سلامتی است. و آن را برای دنیا و آخرت غنیمت شمارید. و نیز از خدا توفیق بخواهید که توفیق پایگاهی محکم است. و بدانید بهترین همراه و ملازم قلب یقین است. و بهترین یقین تقوی است. و برترین کارها واجبات است. و بدترین کارها نوساخته هاست، و هر نوساخته ای بدعت است. و هر بدعت گمراهی است. و با بدعتها سنتها از بین می رود. و زیانکار کسی است که دین خود را از دست بدهد. و بهره مند [که به او غبطه می برند] کسی است که دینش را سلامت نگه دارد. و یقینش را نیکو دارد. و سعادت مند کسی است که از دیگران پند گیرد. و بد بخت کسی است که فریفته هوای خود شود.

بندگان خدا؛ بدانید که مقدار اندک ریا شرك است. و بدرستی که اخلاص عمل [نشانه] یقین است. و هوس بسوی دوزخ می برد. و همنشینی با اهل هرزگی موجب فراموشی قرآن، و حاضر شدن شیطان می شود. و تغییر دادن ماههای حرام [که در جاهلیت مرسوم بوده] فرورفتن در کفر است. و رفتار گناهکاران خشم خدای مهربان را بدنبال دارد. و خشم خدا [آنان را] بسوی دوزخ می برد. و گفتگو با زنان [نامحرم] شخص را بسوی بلا می کشاند. و قلبها را می لغزاند. و نگاه کردن به آنان نور بصیرت قلبها را خاموش می کند. و چشمک زدن دام شیطان است. و همنشینی با شاهان آتش دوزخ را شعله ور می کند.

عبادَ اللَّهِ! اصدقوا؛ فإنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّادِقِينَ، وَجَانِبُوا الكَذِبَ؛ فَإِنَّهُ مُجَانِبٌ لِلإِيمَانِ، وَإِنَّ الصَّادِقَ عَلَى شَرَفٍ مَنجاةٍ وَكَرَامَةٍ، وَالكَاذِبَ عَلَى شَرَفٍ مَهْوَاةٍ (1) وَهَلَكَةٍ، وَقُولُوا الحَقَّ تُعْرَفُوا بِهِ، وَاعْمَلُوا بِهِ تَكُونُوا مِنْ أَهْلِهِ، وَأَدُّوا الأَمَانَةَ إِلَى مَنْ اتَّمَنَّاكُمْ عَلَيْهَا، وَصِدِّمُوا أَرْحَامَ مَنْ قَطَعَكُمْ، وَعُودُوا بِالْفَضْلِ عَلَى مَنْ حَرَمَكُمْ، وَإِذَا عَاقَدْتُمْ فَأَوْفُوا، وَإِذَا حَكَمْتُمْ فَاعْدِلُوا، وَإِذَا ظَلَمْتُمْ فَاصْبِرُوا، وَإِذَا سِئِئِلِكُمْ فَأَعْفُوا وَاصْفَحُوا كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يُعْفَى عَنْكُمْ. وَلَا تَفَاخَرُوا بِالآبَاءِ، «وَلَا تَتَّبِعُوا (2) بِالْأَلْقَابِ بِسْمِ الإِسْمِ الفُسُوقِ بَعْدَ الإِيْمَانِ»، وَلَا تَمَارَزُوا (3)، وَلَا تَغَاضَبُوا، وَلَا تَبَاذَخُوا، «وَلَا يَبْتَغِبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا» (4) وَلَا تَحَاسَدُوا؛ فَإِنَّ الحَسَدَ يَأْكُلُ الإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الحَطَبَ، وَلَا تَبَاغَضُوا فَإِنَّهَا الحَالِقَةُ، وَأَفْشُوا السَّلَامَ فِي العَالَمِ، وَرُدُّوا التَّحِيَّةَ عَلَى أَهْلِهَا بِأَحْسَنَ مِنْهَا، وَارْحَمُوا الأَرْمَلَةَ وَاليَتِيمَ، وَأَعِينُوا الضَّعِيفَ وَالمَظْلُومَ وَالعَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَالمُكَاتَبِ وَالمَسَاكِينِ، وَانصُرُوا المَظْلُومَ، وَأَعْطُوا الفُرُوسَ، وَجَاهِدُوا أَنْفُسَكُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ؛ فَإِنَّهُ شَدِيدُ العِقَابِ، وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَأَقْرُوا الضَّعِيفَ، وَأَحْسِنُوا الوُضُوءَ، وَحَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ النِّعَمِ فِي أوقَاتِهَا؛ فَإِنَّهَا مِنَ اللَّهِ - جَلَّ وَعَزَّ - بِمَكَانٍ: «وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ» (5)، «وَتَعَاوَنُوا عَلَى البِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الإِثْمِ وَالعُدْوَانِ» (6)، «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ يَ وَلا تَمُوتُنَّ إِلاَّ وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (7).

وَاعْمَلُوا عِبَادَ اللَّهِ! إِنَّ الأَمَلَ يُدْهِبُ العَقْلَ وَيُكْذِبُ الوَعْدَ وَيُحُثُّ عَلَى الغَفْلَةِ وَيُورِثُ الحَسْرَةَ؛

ص: 188

1- شفا: أي جانب. المَهْوَاة: البئر العميقة والجو، وما بين الجبلين ونحو ذلك (النهاية وأقرب الموارد).

2- التناز باللقاب: أن تدعو إنساناً بلقب يكرهه.

3- التمازح: التداعب والتلاعب. والتباذخ: التفاخر.

4- سورة الحجرات الآية: 12.

5- سورة البقرة الآية: 158، وقوله: «تَطَوَّعَ» أي تبرَّع.

6- سورة المائدة الآية: 2.

7- سورة آل عمران الآية: 102.

بندگان خدا؛ راستگو باشید که خداوند با راستگویان است. و از دروغ پرهیز کنید که دروغ از ایمان دور است. و بدرستی که راستگو دارای شرف نجات و کرامت است. و دروغگو بر لبه پرتگاه و هلاکت است. و سخن حق بگویید تا به حق شناخته شوید. و به حق رفتار کنید تا اهل آن باشید. و امانت را به کسی که به شما سپرده برسانید. و با خویشاوندانی که از شما قطع رابطه کرده اند رابطه برقرار کنید. و به کسی که شما را محروم کرده احسان کنید. و به پیمان خود وفادار باشید. و در قضاوت عدالت ورزید. و اگر به شما ستم شد صبور باشید. و اگر به شما بدی شد عفو و گذشت کنید. چنان که دوست دارید شما را عفو کنند. و به پدران خود تقاخر [فخر فروشی] نکنید. و بر یکدیگر نامهای زشت نگذارید. که پس از ایمان آوردن، گناه کردن بسیار زشت است.

و با یکدیگر شوخی زننده نکنید. و همدیگر را به خشم نیاورید. و فخر فروشی نکنید.

و از غیبت کردن دیگران پرهیزید. آیا کسی دوست دارد که گوشت جسد مرده برادرش را بخورد؟ حسادت نورزید که حسد ایمان را نابود می کند. چنانکه آتش هیزم را می سوزاند.

به همدیگر کینه توز نباشید که ریشه کن کننده است [و دوستی را ریشه کن می کند]. و سلام را در دنیا آشکار کنید. و جواب سلام را بهتر از آن بدهید. و به بیوه زن و یتیم مهربانی کنید.

و به ضعیف و مظلوم و بدهکار و در راه خدا و در راه بازماندگان و گدایان و برای آزادی اسیران و گرفتاران و فقیران یاری رسانید. و برای رهایی مظلوم تلاش کنید. و واجبات مالی [از قبیل خمس، زکات، ...] را بپردازید. و برای خدا آن چنانکه شایسته است جهاد با نفس کنید. زیرا خداوند سخت کیفر می دهد. و در راه خدا جهاد کنید. و از میهمان پذیرائی کنید. و با دقت و نیکو وضو بگیرید. و نمازهای پنج گانه را در اول وقت بجا آورید. که نماز نزد خداوند مقام شایسته ای دارد. و هر کس با رغبت خیری را [از مستحبات و کارهای نیکو] انجام دهد خداوند قدر شناس و داناست. و در کارهای نیکو و تقوا همکاری کنید. و در گناه و ستمگری مشارکت نکنید. و آنچنان که شایسته است از خدا پروا داشته باشید. و جز با ایمان از دنیا نروید. [تا آخر عمر بر ایمان خود پایدار باشید].

بندگان خدا بدانید: که آرزو عقل را می برد. و وعده [الهی] را تکذیب می کند. و به غفلت وادار می سازد. و حسرت به بار می آورد. پس آرزو را تکذیب کنید. که فریبنده

فَأَكْذِبُوا الْأَمَلَ فَإِنَّهُ غَرُورٌ وَإِنَّ صَاحِبَهُ مَازُورٌ(1)، فَاعْمَلُوا فِي الرَّغْبَةِ وَالرَّهْبَةِ، فَإِنَّ نَزَلَتْ بِكُمْ رَغْبَةٌ فَاشْكُرُوا وَاجْمَعُوا مَعَهَا رَغْبَةً؛ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ تَأَذَّنَ لِلْمُسْلِمِينَ بِالْحُسْنَى، وَلَمَنْ سَدَّ كَرَ بِالرَّيَاذَةِ، فَإِنِّي لَمْ أَرِ مِثْلَ الْجَنَّةِ نَامَ طَالِبُهَا، وَلَا كَالنَّارِ نَامَ هَارِبُهَا، وَلَا أَكْثَرَ مُكْتَسَبًا مِمَّنْ كَسَبَهُ لِيَوْمٍ تَذَخَّرُ فِيهِ الذَّخَائِرُ وَتُبْلَى فِيهِ السَّرَائِرُ، وَإِنَّ مَنْ لَا يَنْفَعُهُ الْحَقُّ يَضُرُّهُ الْبَاطِلُ، وَمَنْ لَا يَسْتَقِيمُ بِهِ الْهُدَى تَضُرُّهُ الضَّلَالَةُ، وَمَنْ لَا يَنْفَعُهُ الْيَقِينُ يَضُرُّهُ الشَّكُّ، وَإِنَّكُمْ قَدْ أَمَرْتُمْ بِالظَّنِّ(2) وَدَلِلْتُمْ عَلَى الزَّادِ، أَلَا إِنَّ أَخُوفَ مَا اتَّخَوْفَ عَلَيْكُمْ اثْنَانِ: طَوْلُ الْأَمَلِ وَاتِّبَاعُ الْهَوَى.

أَلَا وَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ أَدْبَرَتْ وَأَذْنَتْ بِانْقِلَاعِ(3)، أَلَا وَإِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ أَقْبَلَتْ وَأَذْنَتْ بِاطِّلَاعِ. أَلَا وَإِنَّ الْمِضْمَارَ(4) الْيَوْمَ وَالسَّبَّاقَ(5) غَدًا، أَلَا وَإِنَّ السُّبْقَةَ الْجَنَّةَ وَالغَايَةَ النَّارَ. أَلَا وَإِنَّكُمْ فِي أَيَّامٍ مَهَلٍ(6) مِنْ وَرَائِهِ أَجَلٌ، يَحُثُّهُ [ال] عَجَلٌ؛ فَمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ عَمَلُهُ فِي أَيَّامِهِ قَبْلَ حُضُورِ أَجَلِهِ نَفَعَهُ عَمَلُهُ وَلَمْ يَضُرَّهُ أَجَلُهُ، وَمَنْ لَمْ يَعْمَلْ فِي أَيَّامٍ مَهَلِهِ ضُرَّهُ أَجَلُهُ وَلَمْ يَنْفَعَهُ عَمَلُهُ.

عِبَادَ اللَّهِ! افْرَعُوا إِلَى قِيَامِ دِينِكُمْ بِإِقَامِ الصَّلَاةِ لَوَقْتِهَا، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ فِي حِينِهَا، وَالتَّضَرُّعِ وَالخُشُوعِ، وَصِلَةَ الرَّحِمِ، وَخَوْفِ الْمَعَادِ، وَإِعْطَاءِ السَّائِلِ، وَإِكْرَامِ الضَّعِيفَةِ [وَالضَّعِيفِ]، وَتَعَلُّمِ الْقُرْآنِ وَالْعَمَلِ بِهِ، وَصِدْقِ الْحَدِيثِ، وَالْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ، وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِذَا اتُّمِنْتُمْ، وَارْغَبُوا فِي ثَوَابِ اللَّهِ وَارْهَبُوا عَذَابَهُ، وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ، وَتَزَوَّدُوا مِنَ الدُّنْيَا مَا تَحْرُزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ، وَاعْمَلُوا بِالْخَيْرِ تُجْزَوْا بِالْخَيْرِ، يَوْمَ يَفُورُ بِالْخَيْرِ مَنْ قَدَّمَ الْخَيْرَ. أَقُولُ قَوْلِي وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ.(7)

ص: 190

- 1- مازور: أي آثم؛ يعني صاحب الأمل يأثم. قال عليه السلام: «إنَّ أخوف ما أخاف عليكم اتِّبَاعُ الْهَوَى وَطَوْلُ الْأَمَلِ» كما سيأتي.
- 2- الظعن: الرحيل، والأمر تكويني، والمراد بالزاد عمل الصالحات وترك السيئات.
- 3- الانقلاع: مطاوعة القلع؛ أي أذنت الدنيا بالذهاب، وعبر عنه بالانقلاع لصعوبته على الإنسان كأنه يتقلع. الاطلاع: الظهور؛ من اطلع الشمس: أي ظهر.
- 4- المضممار: الموضع الذي تضم فيه الخيل، ويكون وقتاً للأيام التي تضم فيها.
- 5- السباق: المسابقة. والسبقة - بالضم -: السبق؛ أي ما يوضع بين أهل السباق؛ وهو ما يراهنون عليه.
- 6- المهل: التؤدة والتباطؤ (النهاية: 375/4).
- 7- تحف العقول، ص 150-153.

است. و آرزومند گنهکار است.

و با رغبت [به پاداش الهی] و هراس [از کیفر] رفتار کنید. و اگر رغبت به شما روی آورد شکر گزارید. و رغبت دیگری بدست آورید. که خداوند به مسلمان وعده پاداش و به شاکران وعده فزونی داده است. من چیزی مانند بهشت را ندیده ام که جویای آن خفته است. و مانند دوزخ ندیده ام که فرار کننده از آن در خواب است و کسی ندیده ام که برای ذخیره برای روزی که باید برای آن ذخیره کرد [قیامت] که در آن روز نهران ها آشکار می شود، کسب کند. کسی که از حق سود نبرد، باطل به او زیان رساند. و کسی که هدایت او را به راه راست نیاورد، گمراهی به او ضرر می زند. و کسی که یقین به او نفع نرساند، از شك زیان بیند. شما به کوچ کردن مأمور شده اید. و به توشه راهنمایی شده اید. آگاه باشید:

مخوف ترین چیزی که بر شما بیم دارم دو چیز است: آرزوهای دراز و هوسرانی. آگاه باشید: که دنیا روی گرداننده و زوال و نابودی آغاز گشته است. آگاه باشید: که آخرت پیش روی شماست و [شما را] آگاه نموده است. آگاه باشید: که امروز مسابقه است و فردا نتیجه.

آگاه باشید: که جایزه بهشت است و پایان کار [بازنده] دوزخ است. آگاه باشید که شما روزهای مهلت را می گذرانید. و پس از آن مرگ است که با شتاب فرا می رسد. پس کسی که قبل از رسیدن مرگ رفتار خود را برای خدا خالص سازد، عملش مفید است، و از مرگ زیان نمی بیند. و کسی که در روزهای مهلت کاری نکند، با مرگ ضرر می کند و عملش برای او نفعی ندارد. بندگان خدا؛ بکوشید برای استواری دین خود با برپایی نماز در وقت، و پرداخت زکات به هنگام، فروتنی و خشوع، و صله رحم، و هراس از رستاخیز، و بخشش به فقیر، و مراعات ضعیف، و آموزش قرآن، و عمل به آن، و راست گویی، و وفای به عهد، و رساندن امانت هنگامی که امانتی به شما سپردند. و بسوی ثواب تمایل ورزید. و از عذاب او بهراسید. و در راه خدا با مال و جان خود جهاد کنید. و از دنیا توشه ای که با آن خود را حفظ کنید بگیرید. و احسان نمایید. تا در روزی که کسانی که خیری پیش فرستاده اند، رستگار می شوند شما نیز به پاداش خیر برسید. گفتارم به پایان می برم و برای خودم و شما از خدا آمرزش می طلبم.

3980. وَرَوَى الصَّدُوقُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ نَهَى عَنْ عِدَّةٍ أَمْوَالٍ كَثِيرَةٍ؛ وَالنَّهْيُ عَنْ بَعْضِهَا تَحْرِيمِيٌّ، وَعَنْ بَعْضِهَا تَنْزِيهِيٌّ كَرَاهَتِيٌّ، وَنَذَكْرٌ يُبْدَأُ مِنْ ذَلِكَ فِي الْمَقَامِ.

فَنَهَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الْأَكْلِ عَلَى الْجَنَابَةِ، وَعَنِ السَّوَالِكِ فِي الْحَمَامِ، وَالتَّنَحُّعِ فِي الْمَسَاجِدِ؛ وَقَالَ: لَا تَجْعَلُوا الْمَسَاجِدَ طُرُقًا حَتَّى تُصَلُّوا فِيهَا رَكَعَتَيْنِ.

وَنَهَى عَنْ أَنْ يَبُولَ أَحَدٌ تَحْتَ شَجَرَةٍ مُثْمِرَةٍ، أَوْ عَلَى قَارِعَةِ الطَّرِيقِ.

وَنَهَى أَنْ يَأْكُلَ الْإِنْسَانُ بِشِمَالِهِ (1) وَأَنْ يَأْكُلَ وَهُوَ مُتَكَبِّرٌ (2).

وَنَهَى أَنْ يُجَصِّصَ الْمَقَابِرَ وَيُصَلِّيَ فِيهَا.

وَقَالَ: إِذَا اغْتَسَلَ أَحَدُكُمْ فِي فِضَاءٍ مِنَ الْأَرْضِ فَلْيُحَازِرْ عَلَى عَوْرَتِهِ.

وَنَهَى أَنْ يَبُولَ أَحَدٌ فِي الْمَاءِ الرَّائِدِ.

وَقَالَ: إِذَا دَخَلْتُمُ الْغَائِطَ فَتَجَنَّبُوا الْقِبْلَةَ (3).

وَنَهَى عَنِ الرَّثَّةِ (4) عِنْدَ الْمُصِيبَةِ.

وَنَهَى عَنِ النَّيَاحَةِ (5) وَالِاسْتِمَاعِ إِلَيْهَا.

وَنَهَى أَنْ يَكْذِبَ الرَّجُلُ فِي رُؤْيَاهُ مُتَعَمِّدًا؛ وَقَالَ: يُكَلِّفُهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ يَعْقِدَ عَلَى شُعَيْرَةٍ وَمَا هُوَ بِعَاقِدِهَا.

وَنَهَى عَنِ التَّصَاوِيرِ؛ وَقَالَ: مَنْ صَوَّرَ صُورَةَ كَلْفُهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ يَنْفُخَ فِيهَا وَلَيْسَ بِنَافِخٍ.

وَنَهَى أَنْ يُحْرَقَ (6) شَيْءٌ مِنَ الْحَيَوَانِ بِالنَّارِ.

ص: 192

1- . نهى عن الأكل بالشمال؛ لأن الشمال للأموال السافلة كالاستنجاء وغيره كما في الحديث: «كان صلى الله عليه وآله يحب التيمن في أموره في لبسه وتعلله وترجله».

2- . ونهى عن الأكل متكئاً لأنه من أخلاق المتكبرين.

3- . قيل لموضع قضاء الحاجة الغائط؛ لأن العادة أن الحاجة تقضى في المنخفض من الأرض حيث هو أستر له ثم اتسع فيه حتى صار يُطلق على النجس نفسه (النهاية: 395/3).

4- . الرثّة: الصوت، رنّ الرجل رنيناً؛ صاح ورفع صوته بالبكاء.

5- . النياحة: من ناحت المرأة الميت؛ بكت عليه بصياح وعويل. والأخبار في النوح على الميت وكسب النائحة كثيرة، فراجع الوسائل كتاب التجارة.

6- . إحراق الحيوان منهّي عنه، كما أنّ قتل الحيوان غير المؤذي منهّي أيضاً، بل إيذاؤه أيضاً، منهّي كما ورد في آداب ذبح الحيوان من تحديد الشفرة والذبح بسرعة لتلا يتأذى الحيوان.

اموری که پیامبر صلی الله علیه و آله از آنها نهی فرموده اند

3980. شیخ صدوق از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است که آن حضرت از امور بسیاری نهی فرموده اند.

که نهی در بعضی موارد حاکی از حرام بودن و در بعضی موارد حاکی از کراهت است. و ما در اینجا گزیده ای را ذکر می کنیم.

پیامبر صلی الله علیه و آله نهی فرمودند از خوردن در حال جنابت، و مسواک زدن در حمام، و انداختن آب دهان و بینی در مسجد، و فرمودند از مسجد عبور نکنید مگر اینکه در آن دو رکعت نماز بجا آورید. نهی فرمودند از ادرار کردن زیر درخت میوه، یا در وسط راه.

نهی فرمودند از خوردن با دست چپ یا در حال تکیه دادن.

نهی فرمودند از گچ کاری مقبره و نماز خواندن در آن.

حضرت فرمودند: وقتی کسی در فضای آزاد غسل می کند، مراقب پوشاندن عورت خود باشد.

و نهی فرمودند از ادرار کردن در آب راکد.

و فرمودند هنگامی که به توالت می روید رو به قبله ننشینید.

و از گریه کردن با صدای بلند هنگام مصیبت نهی فرمودند.

و از نوحه گری زن برای میت و شنیدن صدای آن نهی فرمودند.

و نهی فرمودند از اینکه کسی عمداً و به دروغ خواب و رؤیایی بسازد و نقل کند و فرمودند: خداوند در قیامت به کسی که به دروغ رؤیا و خواب نقل کند، فرمان می دهد که حبه جو را گره بزند و او نمی تواند گره بزند.

پیامبر صلی الله علیه و آله از تصویرگری نهی فرمودند. و گفتند: کسی که صورتی را تصویر کند، خداوند در قیامت به او تکلیف می کند که در آن روح بدمد و او نمی تواند روح بدمد.

و از سوزاندن حیوان منع فرمودند.

وَنَهَى أَنْ يَدْخُلَ الرَّجُلُ فِي سَوْمٍ (1) أَخِيهِ الْمُسْلِمِ.

وَنَهَى أَنْ يُكْثَرَ الْكَلَامُ عِنْدَ الْمُجَامَعَةِ.

وَقَالَ: لَا تُبَيِّنُوا الْقِمَامَةَ (2) فِي بَيُوتِكُمْ وَأَخْرِجُوهَا نَهَاراً؛ فَإِنَّهَا مَقْعَدُ الشَّيْطَانِ.

وَقَالَ: لَا يَبِيَّتَنَّ أَحَدُكُمْ وَيَدُهُ غَمْرَةٌ (3) فَإِنْ فَعَلَ فَأَصَابَهُ لَمَمٌ (4) الشَّيْطَانِ فَلَا يَلُومَنَّ الْإِنْفُسَهُ.

وَنَهَى أَنْ تَخْرُجَ الْمَرْأَةُ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا، فَإِنْ خَرَجَتْ لَعَنَهَا كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاءِ.

وَنَهَى أَنْ تَتَرَيَنَّ لِغَيْرِ زَوْجِهَا، فَإِنْ فَعَلَتْ كَانَ حَقّاً عَلَى اللَّهِ أَنْ يُحْرِقَهَا بِالنَّارِ.

وَنَهَى أَنْ تُبَاشِرَ الْمَرْأَةُ الْمَرْأَةَ وَلَيْسَ بَيْنَهُمَا ثَوْبٌ.

وَنَهَى أَنْ تُحَدِّثَ الْمَرْأَةُ الْمَرْأَةَ بِمَا تَخْلُو بِهِ مَعَ زَوْجِهَا.

وَنَهَى أَنْ يُجَامِعَ الرَّجُلُ أَهْلَهُ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ.

وَنَهَى عَنِ إِيْتَانِ الْعَرَافِ (5).

وَنَهَى عَنِ اللَّعِبِ بِالنَّرْدِ وَالشُّطْرَنْجِ وَالْكَوْبَةِ وَالْعَرَطْبَةِ؛ وَهِيَ الطُّنْبُورُ وَالْعُودُ.

وَنَهَى عَنِ الْغَيْبَةِ وَالِاسْتِمَاعِ إِلَيْهَا.

وَنَهَى عَنِ النَّمِيمَةِ وَالِاسْتِمَاعِ إِلَيْهَا؛ وَقَالَ: لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَتَاتٌ؛ يَعْنِي نَمَاماً.

وَنَهَى عَنِ إِجَابَةِ الْفَاسِقِينَ إِلَى طَعَامِهِمْ (6).

ص: 194

1- . نهى أن يسوم الرجل على سوم أخيه، والمنهية عنه أن يتساوم المتبايعان في السلعة ويتقارب الانعقاد، فيجيء رجل آخر يريد أن يشتري تلك السلعة ويخرجها من يد المشتري الأول بزيادة على ما استقر الأمر عليه بين المتساومين ورضيا به قبل الانعقاد، فذلك ممنوع عند المقاربة لما فيه من الإفساد ومباح في أول العرض والمساومة.

2- . القمامة - بالضم -: الكناسة (مجمع البحرين: 550/3).

3- . الغمرة - بالتحريك -: الدسم والزهومة من اللحم أي رائحته. والزهمة الريح المنتنة.

4- . اللمم: طرف من الجنون يلمم بالإنسان أي يقرب منه ويعتريه (النهاية: 272/4).

5- . العراف: المنجم أو الحازي الذي يدعي علم الغيب. والحازي الذي يحزر الأشياء ويقدرها بظنه (النهاية: 218/3 وج 366/1).

6- . إجابتهم منهية عنها لأمر كلها محتملة؛ إمّا لشبهة في أموالهم، أو للتأثير الحاصل من مجالستهم، أو للتهمة الحاصلة من قربهم، أو لأنّ البلاء إذا نزل عليهم يشملهم إذا كان معهم كما في الحديث. هذا وأمّا بالنظر إلى العناوين الطارئة كالنهي عن المنكر إذا كان الإجابة

تنبيها لهم وردعاً فيجب، وكذا إذا كان إجابتهم موهناً له بنفسه وخطاً من كرامته، وأما إن كانت الإجابة لإصلاحهم وتأليفهم فتكون واجبة أو مستحبةً وهكذا....

و از وارد شدن [پیشنهاد بیشتر دادن] کسی در معامله ای که برادر مسلمانی با کسی در حال انجام دادن است نهی فرمودند.

از سخن زیاد گفتن در هنگام نزدیکی منع فرمودند.

فرمودند: زباله را شب در خانه نگه ندارید. و روزانه از خانه بیرون ببرید. زیرا جایگاه شیطان است.

فرمودند: شب با دست آلوده و چرب نخوابید. و اگر کسی چنین کرد و شیطان به او آسیبی رساند جز خودش را سرزنش نکند.

و از خارج شدن زن از خانه بدون اجازه شوهر نهی فرمودند. و اگر خارج شود همه فرشتگان آسمان او را لعنت می کنند. [تا زمانی که به خانه بازگردد].

و از آرایش کردن زن برای غیر شوهر نهی فرمودند. و اگر زنی چنین کند خداوند او را در دوزخ گرفتار می کند.

از همبستر شدن زن با زن دیگر بدون لباس نهی فرمودند.

و از سخن گفتن زن در مورد خلوت با شوهرش برای زنان دیگر نهی فرمودند.

و از نزدیکی کردن با همسر رو به طرف قبله نهی فرمودند.

و از مراجعه به پیشگو [رّمّال، کاهل، فالگیر و...] نهی فرمودند.

و از بازی با نرد و شطرنج و تار و تنبور نهی فرمودند.

و از غیبت و شنیدن آن نهی فرمودند.

و از سخن چینی و شنیدن آن نهی فرمودند. و گفتند: سخن چین وارد بهشت نمی شود.

و از پذیرفتن دعوت گنهکاران برای صرف غذا نهی فرمودند.

وَنَهَى عَنِ الْيَمِينِ الْكَاذِبَةِ؛ وَقَالَ: إِنَّهَا تَتْرُكُ الدِّيَارَ بِالْقَيْحِ (1)، وَقَالَ: مَنْ حَلَفَ بِيَمِينٍ كَاذِبَةٍ صَبْرًا لِيَقْطَعَ بِهَا مَالَ امْرِئٍ مُسْلِمٍ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضْبَانٌ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ وَيَرْجِعَ.

وَنَهَى عَنِ الْجُلُوسِ عَلَى مَائِدَةٍ يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ.

وَنَهَى عَنِ الْمُحَادَثَةِ الَّتِي تَدْعُو إِلَى غَيْرِ اللَّهِ.

وَنَهَى عَنِ تَصْفِيْقِ (2) الْوَجْهِ.

وَنَهَى عَنِ الشُّرْبِ فِي آيَةِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ.

وَنَهَى عَنِ لُبْسِ الْحَرِيرِ وَالذَّبِيحِ وَالْقَزِّ (3) لِلرِّجَالِ، فَأَمَّا النِّسَاءُ فَلَا بَأْسَ.

وَنَهَى عَنِ أَنْ تُبَاعَ الثَّمَاؤُ حَتَّى تَزْهُو؛ يَعْنِي تَصَفَّرَ أَوْ تَحَمَّرَ.

وَنَهَى عَنِ الْمُحَاقَلَةِ؛ يَعْنِي عَنِ بَيْعِ التَّمْرِ بِالرُّطْبِ وَالزَّيْبِ بِالْعَنْبِ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ.

وَنَهَى عَنِ بَيْعِ النَّرْدِ، وَأَنْ يُشْتَرَى الْخَمْرُ، وَأَنْ يُسْقَى الْخَمْرُ؛ وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَعَنَ اللَّهُ الْخَمْرَ، وَغَارِسَهَا، وَعَاصِرَهَا، وَشَارِبَهَا، وَسَاقِيَهَا، وَبَايِعَهَا، وَمُشْتَرِيَهَا، وَأَكَلَ ثَمَنَهَا، وَحَامِلَهَا، وَالْمَحْمُولَةَ إِلَيْهِ.

وَنَهَى عَنِ أَكْلِ الرَّبَا وَشَهَادَةِ الزُّورِ (4) وَكِتَابَةِ الرَّبَا؛ وَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ أَكْلَ الرَّبَا، وَمُوكَلَّهُ، وَكَاتِبَهُ، وَشَاهِدِيَهُ.

وَنَهَى عَنِ بَيْعِ وَسَلْفِ (5).

وَنَهَى عَنِ بَيْعِيْنِ فِي بَيْعِ (6).

ص: 196

1- البلاقع: جمع بلقع وبلقعة: الأرض القفر التي لا شيء بها. يريد أن الحالف يفتقر ويذهب ما في بيته من الرزق. وقيل: هو أن يفرق الله شمله ويغيّر عليه ما أولاه من نعمه (النهاية: 151/1).

2- الصفيق: الوقح. يقال وجه صفيق: أي وقح لحياء له. ويمكن أن يكون المراد من تصفيق الوجه ضربه بأن يلطم وجهه للإعلام أو للتعجب أو للمصيبة (راجع روضة المتقين: 346/9).

3- الديباج: هو الثوب المتخذ من الأبريسم فارسي معرب. والقز: الأبريسم، وقيل: ضرب منه، معرب، وعن الليث: القز هو ما يسوى منه الأبريسم، ولهذا قال بعضهم: القز والإبريسم مثل الحنطة والدقيق.

4- الزور: الكذب والباطل.

5- هو مثل أن يقول: بعثك هذا العبد بألف على أن تسلفني ألفاً؛ في متاع، أو على أن تقرضني ألفاً؛ لأنه إنما يقرضه ليحاييه في الثمن، فيدخل في حدّ الجهالة، ولأن كل قرض جرّ منفعة فهو ربا (النهاية: 390/2).

6- هو أن يقول: بعثك هذا الثوب نقداً بعشرة ونسيئة بخمسة عشر، فلا يجوز لأنه لا يدري أيهما الثمن الذي يختاره ليقع عليه العقد، ومن

صوره أن يقول: بعتك هذا بعشرين على أن تبيني ثوبك بعشرة، فلا يصح للشرط الذي فيه (النهاية: 170/1).

و از سوگند دروغ نهی فرمودند و گفتند: قسم دروغ ویرانی بدنبال می آورد. و فرمودند:

کسی که سوگند دروغ یاد کند تا مال مسلمانی را ببرد، با خشم خدای عزیز و بزرگوار مواجه خواهد شد مگر اینکه توبه کند. و [مال را به صاحبش] برگرداند.

و از نشستن بر سفره ای که بر آن شراب می آشامند نهی فرمودند.

و از گفتگویی که به غیر خدا فراخواند نهی فرمودند.

و از زدن بر صورت در مصیبت [و یا بی حیایی و پرده دری] نهی فرمودند.

و از آشامیدن با ظرف طلا یا نقره نهی فرمودند.

و از پوشیدن لباس حریر و ابریشم برای مردان نهی فرمودند. اما برای زنان اشکال ندارد.

و از فروختن میوه قبل از زرد یا قرمز شدن نهی فرمودند.

و از معامله کردن خرما به رطب، و کشمش به انگور، و نظیر آنها نهی فرمودند.

و از خرید و فروش نرد نهی فرمودند.

و از خریدن شراب و ساقی شدن آن نهی فرمودند و گفتند: خداوند، شراب، و کشاورزی که به قصد شراب درخت بکارد، و سازنده شراب، و شراب خوار، و فروشنده، و خریدار، و کسی که از پول شراب زندگی کند، و حمل کننده، و کسی که برای او می آورند را لعنت فرموده است.

و پیامبر صلی الله علیه و آله از خوردن ربا، و شهادت دروغ، و نوشتن [قرار داد] ربا نهی فرموده و گفتند: خداوند رباخوار و کارگزار آن و نویسنده و شاهد آن را لعنت نموده است.

و از معامله ای که در ضمن آن پیش فروش چیز دیگری شرط شود نهی فرمودند. [مثلاً يك كتاب را نقد بفروشد به شرطی که محصولات يك مزرعه را که هنوز نرسیده است پیش فروش کند.]

و از دو معامله در يك قرار داد و عقد نهی فرمودند. [مثلاً در يك عقد قرار داد خانه ای را به مبلغی بفروشد و طرف مقابل هم خانه اش را به این شخص بفروشد.]

وَنَهَى عَنْ بَيْعِ مَا لَيْسَ عِنْدَكَ (1).

وَنَهَى عَنْ بَيْعِ مَا لَمْ تَضْمَنْ (2).

وَنَهَى عَنْ مُصَافِحَةِ الذَّمِّيِّ.

وَنَهَى عَنْ ضَرْبِ وُجُوهِ الْبُهَائِمِ.

وَنَهَى أَنْ يَنْظُرَ الرَّجُلُ إِلَى عَوْرَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ أَوْ عَوْرَةِ غَيْرِ أَهْلِهِ مُتَعَمِّدًا، وَقَالَ: مَنْ تَأَمَّلَ عَوْرَةَ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ لَعَنَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَأَدْخَلَهُ اللَّهُ مَعَ الْمُتَافِقِينَ الَّذِينَ كَانُوا يَبْحَثُونَ عَنْ عَوْرَاتِ النَّاسِ، وَلَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَفْضَحَهُ اللَّهُ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ.

وَنَهَى أَنْ تَنْظُرَ الْمَرْأَةُ إِلَى عَوْرَةِ الْمَرْأَةِ.

وَنَهَى أَنْ يُصَلِّيَ الرَّجُلُ فِي الْمَقَابِرِ وَالطَّرِيقِ وَالْأَرْحِيَةِ (3) وَالْأَوْدِيَةِ وَمَرَابِطِ (4) الْإِبِلِ.

وَنَهَى عَنْ قَتْلِ النَّحْلِ.

وَنَهَى عَنْ الْوَسْمِ فِي وُجُوهِ الْبُهَائِمِ (5).

وَنَهَى أَنْ يَحْلِفَ (6) الرَّجُلُ بِغَيْرِ اللَّهِ.

وَنَهَى أَنْ يَقْعُدَ الرَّجُلُ فِي الْمَسْجِدِ وَهُوَ جُنُبٌ.

وَنَهَى عَنِ الْكَلَامِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَالْإِمَامُ يَخْطُبُ.

وَنَهَى عَنِ التَّحْتَمِ بِخَاتَمِ صُفْرِ أَوْ حَدِيدٍ.

وَنَهَى أَنْ يُنْقَشَ شَيْءٌ مِنَ الْحَيَوَانِ عَلَى الْخَاتَمِ.

وَنَهَى عَنِ صِيَامِ سِتَّةِ أَيَّامٍ: يَوْمَ الْفِطْرِ وَيَوْمَ الشُّكْرِ، وَالنَّحْرِ، وَأَيَّامِ الشَّرِيقِ.

وَنَهَى أَنْ يُشْرَبَ الْمَاءُ كَمَا تَشْرَبُ الْبُهَائِمُ؛ وَقَالَ: اشْرَبُوا بِأَيْدِيكُمْ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ أَوْ أَيْدِيكُمْ.

ص: 198

1- . نهى عن بيع ما لا يملك؛ وهو أن يبيع مال الغير لنفسه ثم يشتريه ويعطيه (راجع المكاسب: بيع الفضولي، وراجع الوسائل: 373/12-375).

2- . رواه في الوسائل: 266/12 الرقم 12، وقال في روضة المتقين: 347/9 أي: ما لم يقبض فإنه في ضمان البائع.

3- . الأرحية: جمع الرحي؛ أي الطاحون.

4- . المربط: موضع ربط الدواب.

5- . في الحديث: «أنه كان يَسِمُ إبل الصدقة» أي يُعَلِّم عليها بالكَيِّ، فمنه أن يكون الوسم في الوجه، وورد ذلك في أخبار كثيرة.

6- . وردت أخبار كثيرة في عدم جواز الحلف بغير الله تعالى (راجع الوسائل: 159/16).

و از فروختن مالی که در اختیار تو نیست نهی فرمودند. و از مثل مالی که خریده ای و هنوز تحویل نگرفته ای [فروختن در این حال را] نهی فرمودند.

و از دست دادن با کافر نهی فرمودند.

و از زدن به صورت حیوانات نهی فرمودند.

و از نگاه کردن عمدی مرد به عورت برادر مسلمان خود غیر از همسر نهی کرده و فرمودند: کسی که به عورت برادر مسلمان نگاه کند هفتاد هزار فرشته او را لعنت می کنند. و خداوند او را در گروه منافقانی قرار می دهد که در عورت مردم تجسس می کنند. و خداوند او را قبل از مرگ مفتضح و رسوا می کند مگر اینکه توبه کند.

و از نگاه کردن زن به عورت زن نهی فرمودند.

و از نماز خواندن در مقبره و راه و آسیاب و دره و آغل شتر نهی فرمودند.

و از کشتن زنبور عسل نهی فرمودند.

و از داغ زدن بر چهره حیوانات نهی فرمودند.

و از سوگند خوردن به غیر الله نهی فرمودند.

و از نشستن مرد جُنُب در مسجد نهی فرمودند.

و از سخن گفتن در نماز جمعه وقتی امام جمعه خطبه می خواند نهی فرمودند.

و از انگشتر مسی یا آهنی به دست کردن نهی فرمودند.

و از نقش تصویر حیوان روی انگشتر نهی فرمودند.

و از روزه گرفتن در شش روز [1 - عید فطر 2 - یوم الشک 3 - عید قربان و 4 - یازدهم و 5 - دوازدهم و 6 - سیزدهم ذی حجة] نهی فرمودند.

و از نوشیدن آب مانند حیوانات [سر را در ظرف آب فرو بردن و نوشیدن] نهی کرده و فرمودند: با دستان خود آب بنوشید. که بهترین ظرف است.

وَنَهَى عَنِ الثُّرَاقِ فِي الْبَيْتِ الَّتِي يُشْرَبُ مِنْهَا.

وَنَهَى أَنْ يُسْتَعْمَلَ أَجِيرٌ حَتَّى يَعْلَمَ مَا أَجْرَتُهُ.

وَنَهَى عَنِ الْهَجْرَانِ، فَمَنْ كَانَ لِأَبَدِّ فَاعِيلاً فَلَا يَهْجُرُ أَخَاهُ أَكْثَرَ مِنْ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.

وَنَهَى عَنِ بَيْعِ الذَّهَبِ بِالذَّهَبِ زِيَادَةً إِلَّا وَزناً بِوَزْنٍ.

وَنَهَى عَنِ الْمَدْحِ فَقَالَ: احْتُوا فِي وُجُوهِ الْمَدَّاحِينَ التُّرَابَ.

وَقَالَ: مَنْ تَوَلَّى خُصُومَةَ ظَالِمٍ أَوْ أَعَانَ عَلَيْهِا ثُمَّ نَزَلَ بِهِ مَلَكُ الْمَوْتِ قَالَ لَهُ: أَبْشِرْ بِلَعْنَةِ اللَّهِ وَنَارِ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ.

وَقَالَ: مَنْ مَدَحَ سَلْطَانًا جَائِرًا وَتَخَفَّفَ وَتَضَعَّعَ لَهُ طَمَعًا فِيهِ كَانَ قَرِينَهُ فِي النَّارِ، وَقَالَ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ» (1).

وَقَالَ: مَنْ وُلِّيَ جَائِرًا عَلَى جَوْرٍ كَانَ قَرِينًا هَامَانَ فِي جَهَنَّمَ.

وَقَالَ: مَنْ بَنَى بُنْيَانًا رِيَاءً وَسَمِعَةً (2) حَمَلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْأَرْضِينَ السَّابِعَةِ وَهُوَ نَارٌ تَشْتَعِلُ، ثُمَّ يُطَوَّقُ فِي عُنُقِهِ وَيُلْقَى فِي النَّارِ، إِلَّا أَنْ يَتُوبَ.

وَقَالَ: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ثُمَّ شَرِبَ عَلَيْهِ حَرَامًا أَوْ أَثَرَ عَلَيْهِ حُبِّ الدُّنْيَا وَزِينَتِهَا اسْتَوْجَبَ عَلَيْهِ سَخَطُ اللَّهِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ، أَلَا وَإِنَّهُ إِنْ مَاتَ عَلَى غَيْرِ تَوْبَةٍ حَاجَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَلَا يُزَايِلُهُ إِلَّا مَدْحُ حُضْرًا (3).

أَلَا وَمَنْ زَنَى بِامْرَأَةٍ مُسْلِمَةٍ أَوْ يَهُودِيَّةٍ أَوْ نَصْرَانِيَّةٍ أَوْ مَجُوسِيَّةٍ حُرَّةٍ أَوْ أَمَةٍ، ثُمَّ لَمْ يَتُبْ مِنْهُ وَمَاتَ مُصِيراً عَلَيْهِ، فَتَحَّ اللَّهُ لَهُ فِي قَبْرِهِ ثَلَاثُمِئَةِ بَابٍ تَخْرُجُ مِنْهَا حَيَاتٌ وَعَقَارِبُ وَثُعْبَانٌ، فَهُوَ يَحْتَرِقُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْحَرَامَ وَحَدَّ الْحُدُودَ، فَمَا أَحَدٌ أُغْيِرَ مِنَ اللَّهِ، وَمِنْ غَيْرَتِهِ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ.

وَنَهَى أَنْ يَطَّلَعَ الرَّجُلُ فِي بَيْتِ جَارِهِ.

ص: 200

1- . سورة هود الآية: 113.

2- البناء رياء وسمعة هو البناء مفاخرة، وفي نفس الحديث: «قيل: يا رسول الله كيف يبني رياء وسمعة؟ قال: يبني فضلاً على ما يكفيه استطالةً به على جيرانه، ومباهاةً لإخوانه».

3- . الدحض: أي إبطال حجته، أي لا يزاله إلا بعد إتمام الحجّة عليه وإبطال حجّته يقال: دحضت حجّته إذا بطلت.

و از انداختن آب دهان در چاه آب آشامیدنی نهی فرمودند.

و از بکار گرفتن اجیر قبل از تعیین اجرت نهی فرمودند.

و از قهر و قطع رابطه نهی فرمودند. و اگر کسی ناچار شود بیش از سه روز با برادر دینی خود قهر نکند.

و از فروختن طلا به طلای بیشتر نهی فرمودند مگر آنکه هم وزن باشند.

و از ستایش [چاپلوسانه] نهی فرمودند و گفتند: به چهره ستاینده خاك بپاشید. و فرمودند:

کسی که خصومت ستمگری را بعهده بگیرد [وکیل مدافع ظالمان شود] یا به او کمک کند آن گاه که بمیرد فرشته مرگ به او می گوید: لعنت خدا و آتش دوزخ بر تو باد. و بد سرانجامی است.

و فرمودند: کسی که به طمع پاداش فرمانروای ستمگری را ستایش کند و در برابر او کرنش و خاکساری کند در دوزخ با او همراه است. خداوند فرمود: «به ستمگران تکیه نکنید. که آتش شما را در بر می گیرد».

و فرمودند: کسی که از طرف ظالم عهده دار ستم کردن بر کسی باشد همنشین همامان در جهنم خواهد بود.

و فرمودند: کسی که ساختمانی را برای ریاکاری و خود نمایی بنا نهاد روز قیامت آن را از طبقه هفتم زمین در حالی که آتش شعله ور است و مانند طوق بر گردن اوست حمل می کند، در دوزخ سرنگون می گردد مگر اینکه توبه کند.

و فرمودند: کسی که قرآن قرائت کند سپس حرامی بیاشامد یا محبت دنیا و زینت آن را برگزیند با این کار مستوجب دوزخ می گردد. مگر اینکه توبه کند. و اگر بدون توبه بمیرد، در قیامت قرآن با او احتجاج می کند و تا او را محکوم نکند رهاش نمی سازد.

آگاه باشید، کسی که با زن مسلمان یا یهودی یا مسیحی یا مجوسی یا کنیزی زنا کند و از این گناه توبه نکند و با تکرار آن بمیرد خداوند در قبر او سیصد سوراخ باز می کند که از آن مار و عقرب و اژدها وارد قبر او می شوند. و تا قیامت در عذاب می سوزد.

آگاه باشید: خداوند حرام را حرام نمود و کیفر گناهان را معین فرمود. و هیچکس از خدا غیرتمندتر نیست. و از غیرت خداست که فحشاء را حرام نمود.

و سرک کشیدن به خانه همسایه نهی فرمودند.

وَمَنْ لَمْ يَرْضَ بِمَا قَسَمَهُ اللَّهُ لَهُ مِنَ الرِّزْقِ وَبَثَّ شِكْوَاهُ وَلَمْ يَصْبِرْ وَلَمْ يَحْتَسِبْ لَمْ تُرْفَعْ لَهُ حَسَنَةٌ، وَيَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ.

وَنَهَى أَنْ يَخْتَالَ الرَّجُلُ فِي مَشِيهِ (1)؛ وَقَالَ: مَنْ لَبَسَ ثَوْبًا فَاخْتَالَ فِيهِ حَسَفَ اللَّهُ بِهِ مِنْ شَفِيرِ جَهَنَّمَ.

وَمَنْ ظَلَمَ امْرَأَةً مَهْرَهَا فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ زَانٍ، فَيُؤْخَذُ (يَوْمَ الْقِيَامَةِ) مِنْ حَسَنَاتِهِ فَيُدْفَعُ إِلَيْهَا بِقَدْرِ حَقِّهَا، فَإِذَا لَمْ تَبْقَ لَهُ حَسَنَةٌ أَمَرَ بِهِ إِلَى النَّارِ بِنَكِيئِهِ لِلْعَهْدِ «إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا».

وَنَهَى عَنِ كِتْمَانِ الشَّهَادَةِ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ» (2).

مَنْ آذَى جَارَهُ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمَ وَيُسَّ الْمَصِيرُ.

وَمَنْ ضَيَّعَ حَقَّ جَارِهِ فَلَيْسَ مِنَّا، وَمَا زَالَ جَبْرَيْلُ يُوصِي بِنِي بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورِّثُهُ، وَمَا زَالَ يُوصِينِي بِالسَّوَاكِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيَجْعَلُهُ فَرِيضَةً، وَمَا زَالَ يُوصِينِي بِقِيَامِ اللَّيْلِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّ خِيَارَ أُمَّتِي لَنْ يَنَامُوا.

أَلَا وَمَنْ اسْتَحَفَّ بِفَقِيرٍ مُسْلِمٍ فَقَدْ اسْتَحَفَّ بِحَقِّ اللَّهِ، وَاللَّهُ يَسْتَحِفُّ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ.

مَنْ أَكْرَمَ فَقِيرًا مُسْلِمًا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَنْهُ رَاضٍ.

وَمَنْ عَرَضَتْ لَهُ فَاحِشَةٌ أَوْ شَهْوَةٌ فَاجْتَنَّبَهَا مِنْ مَخَافَةِ اللَّهِ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ.

أَلَا وَمَنْ عَرَضَتْ لَهُ دُنْيَا وَآخِرَةٌ، فَاخْتَارَ الدُّنْيَا عَلَى الآخِرَةِ لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَيْسَتْ لَهُ حَسَنَةٌ يَتَّقِي بِهَا النَّارَ، وَمَنْ اخْتَارَ الآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَتَرَكَ الدُّنْيَا رِضْيَ اللَّهِ عَنْهُ وَعَفَرَ لَهُ مَسَاوِيَّ عَمَلِهِ.

وَمَنْ مَلَأَ عَيْنَهُ مِنْ حَرَامٍ مَلَأَ اللَّهُ عَيْنَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ النَّارِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ وَيَرْجِعَ.

ص: 202

1- أي لا يمشي مشي المتكبرين، ولا يلبس لباسهم للفخر على الفقراء (الروضة: 369/9-370).

2- . سورة البقرة الآية: 283.

و کسی که به روزی خود که خدا قسمت فرموده خشنود نباشد، و شکایت کند، و صبر نکند، و آن را به حساب خدا نگذارد. و حسنه ای از او بالا نرود. و خداوند را در حال خشم ملاقات می کند. مگر اینکه توبه کند.

و از راه رفتن با تکبر نهی کرده و فرمودند: کسی که لباسی بپوشد و در آن فخر فروشی کند، خداوند او را در دوزخ فروبرد.

و کسی که در مهریه زنی ستم کند [مهریه اش را ندهد.] زناکار است. و در قیامت به قدر حق زن از ثواب او برداشته و به زن می دهند. و اگر ثواب کافی نداشته باشد، برای پیمان شکنی او را به آتش می اندازند. «همانا از عهد و پیمان سؤال خواهد شد».

و از کتمان شهادت نهی کردند. خداوند تبارک و تعالی فرمود: «شهادت را پنهان نکنید.

و کسی که پنهان کند قلبش گنهکار است».

کسی که همسایه اش را اذیت کند، خداوند بوی بهشت را بر او حرام نماید. و جایگاهش دوزخ است که بد جایگاهی است.

کسی که حق همسایه اش را ضایع کند از ما [مسلمان] نیست. و جبرئیل پیوسته در مورد همسایه به من توصیه می فرمود، بقدری که گمان بردم که همسایه ارث می برد. و پیوسته در مورد مسواک زدن به من توصیه می فرمود، بقدری که گمان بردم مسواک زدن را واجب می کند. و پیوسته در مورد نماز شب به من توصیه می فرمود، بقدری که گمان بردم که خوبان امت من هرگز [شب] نمی خوابند.

آگاه باشید کسی که فقیر مسلمانی را تحقیر کند، حق خدا را کوچک شمرده است. و خداوند در قیامت او را تحقیر خواهد کرد. مگر اینکه توبه کند.

کسی که به فقیر مسلمانی احترام نماید، روز قیامت با خشنودی خدا روبرو شود.

کسی که برایش زن نامحرمی فراهم شود یا شهوت پیش آید، و از ترس خدا از آن خودداری کند، خداوند جهنم را بر او حرام سازد.

آگاه باشید، کسی که دنیا و آخرت برایش میسر شود و دنیا را بر آخرت ترجیح دهد، در قیامت خدا را در حالی ملاقات کند که حسنه ای ندارد تا با آن خود را از آتش حفظ کند. و کسی که آخرت را برگزیند و دنیا را رها کند، خداوند از او خشنود شود. و رفتار زشت او را می آمرزد.

وَمَنْ صَافَحَ امْرَأَةً تَحْرُمُ عَلَيْهِ فَقَدْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ.

وَمَنْ التَزَّمَ امْرَأَةً حَرَامًا قَرَنَ فِي سِلْسِلَةٍ مِنْ نَارٍ مَعَ شَيْطَانٍ، فَيَقْدَفَانِ فِي النَّارِ.

وَمَنْ غَشَّ مُسْلِمًا فِي بَيْعٍ أَوْ شِرَاءٍ فَلَيْسَ مِتًّا، وَيُحْشَرُ مَعَ الْيَهُودِ؛ لِأَنََّّهُمْ أَغَشُّوا الْخَلْقَ لِلْمُسْلِمِينَ.

وَنَهَى أَنْ يَمْنَعَ أَحَدُ الْمَاعُونِ (1) جَارَهُ، وَقَالَ: مَنْ مَنَعَ الْمَاعُونَ جَارَهُ مَنَعَهُ اللَّهُ خَيْرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

وَأَيُّمَا امْرَأَةٍ (2) آذَتْ زَوْجَهَا بِلِسَانِهَا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهَا صِرْفًا وَلَا عَدْلًا وَلَا حَسَنَةً حَتَّى تُرْضِيَهُ، وَكَذَلِكَ الرَّجُلُ إِذَا كَانَ لَهَا ظَالِمًا.

أَلَا وَمَنْ لَطَمَ حَدَّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ أَوْ وَجْهَهُ، بَدَّدَ اللَّهُ عِظَامَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَحُشِرَ مَغْلُولًا حَتَّى يَدْخُلَ جَهَنَّمَ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ.

وَمَنْ بَاتَ فِي قَلْبِهِ غِشٌّ (3) لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ بَاتَ فِي سَخَطِ اللَّهِ وَأُصْبِحَ كَذَلِكَ حَتَّى يَتُوبَ.

وَنَهَى عَنِ الْغِيْبَةِ.

وَقَالَ: مَنْ كَظَمَ غَيْظًا وَهُوَ قَادِرٌ عَلَى إِنْقَاذِهِ وَحَلَمَ عَنْهُ، أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ شَهِيدٍ.

أَلَا وَمَنْ تَطَوَّلَ عَلَى أَخِيهِ فِي غِيْبَةٍ سَمِعَهَا فِيهِ فِي مَجْلِسٍ فَرَدَّهَا (4) عَنْهُ، رَدَّ اللَّهُ عَنْهُ أَلْفَ بَابٍ مِنَ الشَّرِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ فَإِنْ هُوَ لَمْ يَرُدَّهَا وَهُوَ قَادِرٌ عَلَى رَدِّهَا كَانَ عَلَيْهِ كَوْزِرٌ مِنْ اغْتَابَتِهِ سَبْعِينَ مَرَّةً.

وَنَهَى عَنِ الْخِيَانَةِ وَقَالَ: مَنْ خَانَ أَمَانَةً فِي الدُّنْيَا لَمْ يَرُدَّهَا إِلَى أَهْلِهَا، ثُمَّ أَدْرَكَهُ الْمَوْتُ، مَاتَ عَلَى غَيْرِ مِلَّتِي، وَيَلْقَى اللَّهُ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ.

وَقَالَ: مَنْ شَهِدَ شَهَادَةً (5) زُورَ عَلَى أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ، عُلِقَ بِلِسَانِهِ مَعَ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ.

ص: 204

1- الماعون: اسمٌ جامعٌ لمنافع البيت؛ كالقدر والفأس وغيرهما ممَّا جرت العادةُ بعاريته (النهاية: 344/4).

2- أي: أيُّمَا امرأةٌ آذت زوجها بلسانها وإن كانت صادقة؛ مثل أن تقول: أنت بخيل، أو ليس لك رجوليّة أو... وكذلك الرجل إذا كان ظالماً لها.

3- الغش: ضد النصح من الغشش؛ وهو المشرب الكدر؛ أي من بات وكان معه - أي مع المسلم - بالمكر والخديعة، أو لا يكون طالباً لخيرهِ.

4- أي أحسن وتفضل بردّ الغيبة؛ بأن يزر القائل ويمنعه، أو يذكر محملاً حسناً وإن كان بعيداً لما ينسبه إليه.

5- شهادة زور: أي كذباً وباطلاً.

کسی که به نامحرم نگاه کند خداوند در قیامت چشم او را پر از آتش نماید. مگر اینکه توبه کند و بازگردد. [چشم از حرام بازدارد].

کسی که با زن نامحرم دست بدهد. خشم خداوند را خریده است.

کسی که زنی را به حرام در آغوش گیرد، همراه شیطان با زنجیری از آتش بسته و به دوزخ افکنده شود.

کسی که در خرید یا فروش با مسلمانی خیانت کند، از ما نیست. و با یهودیان محشور شود. زیرا آنان از همه مردم بیشتر به مسلمانان خیانت می کنند.

واز دریغ کردن وسائل خانه از همسایه نهی فرمودند و گفتند: کسی که وسائل خانه را از همسایه دریغ کند، خداوند روز قیامت خیر خود را از او باز دارد.

هر زنی که شوهر خود را با زبانش بیازارد، خداوند هیچ توبه و کفاره و کار نیکی از او نمی پذیرد. تا وقتی که شوهرش را راضی کند. و همینطور مرد اگر به همسرش ستم کند.

آگاه باشید، هر کس به صورت یا چهره مسلمانی سیلی بزند، خداوند در قیامت استخوانهای او را جدا کرده، و او را در زنجیر محشور نماید. مگر اینکه توبه کند.

کسی که با فکر فریب دادن برادر مسلمان خود بخوابد، در بستر خشم خدا خوابیده و بیدار شده است. مگر اینکه توبه کند.

پیامبر صلی الله علیه و آله از غیبت کردن نهی فرمودند.

و فرمودند: کسی که می تواند خشم خود را ابراز کند، ولی آن را فرونشاند و بردباری کند، خداوند به او پاداش شهید عطا می فرماید.

آگاه باشید، کسی که به برادر دینی خود نیکی کند، و در مجلسی که غیبت او را شنید غیبت را رد کند، خداوند هزار نوع شر را از او در دنیا و آخرت دور می کند. و اگر بتواند غیبت را رد کند ولی آن را رد نکند، هفتاد برابر گناه غیبت کننده بر عهده اوست.

از خیانت نهی فرمودند و گفتند: کسی که در دنیا به امانتی خیانت کند و آن را به صاحبش نرساند و بمیرد، با دینی غیر دین من مرده است. و خداوند را خشمگین ملاقات می کند.

فرمودند: کسی که شهادت دروغ بر علیه انسانی بدهد، در قعر دوزخ همراه منافقین به زبان خود آویخته خواهد شد.

وَمَنْ اشْتَرَى (1) خِيَانَةً وَهُوَ يَعْلَمُ فَهُوَ كَالَّذِي خَانَهَا.

وَمَنْ حَبَسَ عَلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ شَيْئًا مِنْ حَقِّهِ ، حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَرَكَةَ الرِّزْقِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ.

أَلَا وَمَنْ سَمِعَ فَاحِشَةً فَأَفْشَاهَا فَهُوَ كَالَّذِي أَتَاهَا.

وَمَنْ احْتَاَجَ إِلَيْهِ أَخُوهُ الْمُسْلِمُ فِي قَرْضٍ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَلَمْ يَفْعَلْ ، حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ.

أَلَا وَمَنْ صَبَرَ عَلَى خُلُقِ امْرَأَةٍ سَيِّئَةِ الْخُلُقِ وَاحْتَسَبَ فِي ذَلِكَ الْأَجْرَ ، أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ السَّاكِرِينَ.

أَلَا وَإِذَا امْرَأَةٌ لَمْ تَرْفُقْ بِرُؤُوسِهَا وَحَمَلَتْهُ عَلَى مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ ، فَلَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهَا حَسَنَةً وَيَلْقَى اللَّهُ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ.

أَلَا وَمَنْ أَكْرَمَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ فَإِنَّمَا يُكْرِمُ اللَّهَ.

وَمَنْ مَشَى إِلَى ذِي قَرَابَةٍ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ لِيَصِلَ رَحْمَهُ ، أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَرْبَعِينَ أَلْفَ حَسَنَةً.

وَمَنْ كَفَى ضَرِيرًا (2) حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا ، أَعْطَاهُ اللَّهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ ، وَقَضَى لَهُ سَبْعِينَ حَاجَةً.

وَمَنْ مَرَضَ يَوْمًا فَلَمْ يَشْكُ إِلَى عُوَادِهِ (3) ، بَعَثَهُ اللَّهُ مَعَ خَلِيلِهِ إِبْرَاهِيمَ حَتَّى يَجُوزَ الصَّرَاطَ كَالْبَرْقِ اللَّامِعِ.

وَمَنْ سَعَى لِمَرِيضٍ فِي حَاجَتِهِ ، فَضَاهَا أَوْ لَمْ يَقْضِهَا ، خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ.

أَلَا- وَمَنْ فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ اثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الْآخِرَةِ وَاثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا ، أَهْوَنُهَا الْمَغْفِرَةُ.

وَمَنْ يَمْطُلُ (4) عَلَى ذِي حَقٍّ حَقَّهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى آدَاءِ حَقِّهِ ، فَعَلَيْهِ كُلُّ يَوْمٍ خَطِيئَةٌ عَشْرًا.

أَلَا وَمَنْ عَلَّقَ سَوْطًا بَيْنَ يَدَيْ سُلْطَانٍ جَائِرٍ ، جَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ السَّوْطَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُعْبَانًا مِنْ نَارٍ

ص: 206

1- . أي اشترى المال الذي حصل صاحبه ذلك بالخيانة.

2- . الضيرير: الذاهب البصر. وفي الروضة: أعمى أو مضطر.

3- راجع الوسائل: 626/2 باب استحباب كتم المرضى وترك الشكوى، وص 631 باب جواز الشكوى إلى المؤمن من دون غيره.

4- . مطل فلانٌ بدينه: أي سوفه، يعد بالوفاء مرة بعد الأخرى.

کسی که می داند مالی از راه خیانت به دست آمده و آن را بخرد، مانند کسی است که خیانت کرده است.

کسی که حق برادر مؤمن خود را ندهد، خداوند برکت روزی را بر او حرام می کند، مگر اینکه توبه کند.

آگاه باشید، کسی که کار زشتی را بشنود و آن را افشا کند، مانند کسی است که مرتکب آن کار شده است.

کسی که برادر مسلمانش نیازمند قرضی از او شود و بتواند قرض بدهد ولی ندهد، خداوند بوی بهشت را بر او حرام می نماید.

آگاه باشید، کسی که به بد اخلاقی زن به امید پاداش پروردگار صبر کند، خداوند به او ثواب شکرگزاران عطا می فرماید.

آگاه باشید، زنی که با شوهرش ناسازگاری کند و کاری که توان آن را ندارد به شوهرش تحمیل کند، خداوند کار نیکوی او را نمی پذیرد. و با خشم خدا روبرو می شود.

آگاه باشید، کسی که به برادر مؤمن خود احترام کند، به خداوند احترام کرده است.

کسی که با جان و مال بسوی فامیل و بستگان خود برود تا صلهٔ رحم کند، خداوند به هر گامی که بر می دارد چهل هزار ثواب عطا می کند.

کسی که نیازی از نیازهای شخص نابینا را برطرف کند، خداوند به او امان از دوزخ عطا فرموده و هفتاد حاجت او را برطرف می سازد.

کسی که يك روز بیماری را تحمل کند و نزد عیادت کنندگان شکوه نکند، خداوند او را با خلیل خود ابراهیم علیه السلام مبعوث می کند. تا از صراط به سرعت برق درخشان بگذرد.

کسی که برای رفع نیاز بیماری تلاش کند، چه آن را برطرف کند یا نکند از گناهان خود پاک می شود. مثل روزی که از مادر متولد شده است.

آگاه باشید، کسی که يك گرفتاری دنیا را از مؤمن برطرف سازد، خداوند هفتاد و دو گرفتاری آخرت و هفتاد و دو گرفتاری دنیای او را برطرف می کند. که ساده ترین آنها آموزش است.

کسی که با وجود توانایی در پرداخت حق صاحب حقی وقت گذرانی کند [و به تأخیر اندازد]. بازاء هر روز تأخیر گناه باج گیری بر عهدهٔ اوست.

آگاه باشید، هر کس در حکومت ظالم تازیانه ای بدست گیرد خداوند آن تازیانه را در

طوله سبعون ذراعاً، يُسَلِّطُهُ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ.

وَمَنْ اصْطَنَعَ إِلَى أَخِيهِ مَعْرُوفاً فَأَمْتَنَ بِهِ، أَحْبَطَ اللَّهُ عَمَلَهُ وَيُثَبِّتُ وَزْرَهُ وَلَمْ يَشْكُرْ لَهُ سَعْيَهُ، قَالَ اللَّهُ: حُرِّمَتِ الْجَنَّةُ عَلَى الْمَتَّانِ وَالْبَحِيلِ وَالْقَتَاتِ؛ وَهُوَ التَّمَامُ.

أَلَا وَمَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ فَلَهُ بِوِزْنِ كُلِّ دِرْهَمٍ مِثْلُ جَبَلٍ أَحَدٍ مِنْ نَعِيمِ الْجَنَّةِ.

وَمَنْ مَشَى بِصَدَقَةٍ إِلَى مُتَحَاجٍ، كَانَ لَهُ كَأَجْرِ صَاحِبِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقِصَ مِنْ أَجْرِهِ شَيْءٌ.

وَمَنْ صَلَّى عَلَيَّ عَلَى مَيِّتٍ صَلَّى عَلَيَّ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَغَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ، فَإِنْ أَقَامَ حَتَّى يُدْفَنَ وَيُحْتَى عَلَيْهِ التُّرَابُ كَانَ لَهُ بِكُلِّ قَدَمٍ مِثْلُ جَبَلٍ أَحَدٍ مِنَ الْأَجْرِ.

أَلَا وَمَنْ ذَرَفَتْ (1) عَيْنَاهُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، كَانَ لَهُ بِكُلِّ قَطْرَةٍ فَطَرَتْ مِنْ دُمُوعِهِ قَصْرٌ فِي الْجَنَّةِ مُكَلَّلًا بِالذَّرِّ وَالْجَوْهَرِ، فِيهِ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبٍ بَشَرٍ.

أَلَا وَمَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ يَطْلُبُ فِيهِ الْجَمَاعَةَ، كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ.

أَلَا وَمَنْ أَذَّنَ مُحْتَسِبًا (2) يُرِيدُ بِذَلِكَ وَجَهَ اللَّهِ، يَدْخُلُ فِي شَفَاعَتِهِ أَرْبَعُونَ أَلْفَ مُسِيٍّ مِنْ أُمَّتِي الْجَنَّةِ.

وَمَنْ حَافَظَ عَلَى الصَّفِّ الْأَوَّلِ وَالتَّكْبِيرِ الْأَوَّلِيِّ لَا يُؤْذِي مُسْلِمًا (3)، أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ مَا يُعْطَى الْمُؤَدِّتُونَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

وَقَالَ: لَا تُتَحَقَّرُوا شَيْئاً مِنَ الشَّرِّ وَإِنْ صَغُرَ فِي أَعْيُنِكُمْ، وَلَا تَسْتَكْثِرُوا شَيْئاً مِنَ الْخَيْرِ وَإِنْ كَبُرَ فِي أَعْيُنِكُمْ؛ فَإِنَّهُ لَا كَبِيرَةَ مَعَ الْإِسْتِغْفَارِ، وَلَا صَغِيرَةَ مَعَ الْإِصْرَارِ. (4)

ص: 208

1- ذرفت العين تدرف: إذا جرى دمعها.

2- محتسباً: أي طلباً لوجه الله كما ذكر في نفس الحديث. قال الجزري: وإتما قيل لمن ينوي بعمله وجه الله احتسبه لأن له حينئذ أن يعتد عمله، فجعل في حال مباشرة الفعل كأنه معتد به. والاحتساب في الأعمال الصالحة (النهاية: 367/1).

3- قوله صلى الله عليه وآله: «لا يؤذي مسلماً» إشارة إلى ما قد يجري ممن يواظب الصف الأول من تضييقه على المؤمنين الذين سبقوه بالمكان وغيره.

4- من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 3-18، ح 4968.

قیامت از آتشی که به طول هفتاد ذراع قرار داده و در جهنم بر او مسلط می نماید. و بد سرنوشتی است.

هر کس به برادر مؤمن خود احسان کند و بر او منت نهد، خداوند عمل او را باطل کرده و گناهش را ثبت می نماید. و تلاش او را نادیده می انگارد. خداوند فرمود: بهشت را بر منت گذار و بخیل و سخن چین حرام نمودم.

آگاه باشید، کسی که صدقه بدهد، در مقابل هر درهم معادل وزن کوه احد از نعمتهای بهشتی به او می دهند.

کسی که برای رساندن صدقه به محتاج حرکت کند، به اندازه صدقه دهنده پاداش دارد.

بدون اینکه از پاداش صدقه دهنده کاسته شود.

کسی که بر میت نماز بخواند، هفتاد هزار فرشته به او درود می فرستند. و خداوند گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد. و اگر تا دفن کردن او بماند و خاک بر میت بریزد، به ازای هر گام پاداشی به بزرگی کوه احد دارد.

آگاه باشید، کسی که چشمش از ترس خدا اشک بریزد، در مقابل هر قطره اشک که می چکد، قصری آراسته به درّ و گوهر در بهشت دارد، که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه به قلب انسانی خطور کرده است.

آگاه باشید، کسی که برای نماز جماعت به مسجد برود، هر گام او هفتاد هزار حسنه دارد.

کسی که برای رضای خدا اذان بگوید چهل هزار گناهکار امت مرا شفاعت خواهد کرد.

کسی که مواظبت کند در صف اول جماعت و از ابتدای تکبیر حضور یابد بدون این که کسی را بیازارد، خداوند به او پاداشی می دهد که به اذان گویان در دنیا و آخرت عطا می کند.

حضرت فرمودند: هیچ کار بدی را کوچک نشمارید. گرچه به نظر شما کوچک باشد. و هیچ کار خوبی را بزرگ نشمارید. گرچه به نظر شما بزرگ باشد. زیرا با استغفار کردن گناه کبیره ای نمی ماند. و با اصرار کردن بر گناه دیگر صغیره نیست.

3981. رَوَى حَمَادُ بْنُ عَمْرٍو وَعَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ لَهُ:

يَا عَلِيُّ، أَوْصِيكَ بِوَصِيَّةٍ فَاحْفَظْهَا، فَلَا تَرَأَى بِخَيْرٍ مَا حَفِظْتَ وَصِيَّتِي:

يَا عَلِيُّ، مَنْ كَظَمَ غِيظًا (1) وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى إِمضَائِهِ، أَعَقَبَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْنًا وَإِيمَانًا يَجِدُ طَعْمَهُ.

يَا عَلِيُّ، مَنْ لَمْ يُحْسِنِ (2) وَصِيَّتَهُ عِنْدَ مَوْتِهِ، كَانَ نَقْصًا فِي مُرُوتِهِ وَلَمْ يَمْلِكِ الشَّفَاعَةَ.

يَا عَلِيُّ، أَفْضَلُ الْجِهَادِ مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتُمُّ بِظُلْمِ أَحَدٍ.

يَا عَلِيُّ، مَنْ خَافَ النَّاسَ لِسَانَهُ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ.

يَا عَلِيُّ، شَرُّ النَّاسِ مَنْ أَكْرَمَهُ النَّاسُ اتِّقَاءً فَحِشَهُ - وَرُوي: شَرُّهُ -.

يَا عَلِيُّ، شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا، وَشَرٌّ مِنْ ذَلِكَ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ.

يَا عَلِيُّ، مَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْعُدْرَ مِنْ مُتَّصِلٍ (3) صَادِقًا كَانَ أَوْ كَاذِبًا، لَمْ يَتَلَّ شَفَاعَتِي.

يَا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَحَبَّ الْكُذِبَ فِي الصَّلَاحِ، وَأَبْغَضَ الصِّدْقَ فِي الْفَسَادِ.

يَا عَلِيُّ، مَنْ تَرَكَ الْخَمْرَ لِغَيْرِ اللَّهِ سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيقِ (4) الْمَخْتومِ، فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِغَيْرِ اللَّهِ؟! قَالَ: نَعَمْ وَاللَّهِ! صَبِيانَةٌ لِنَفْسِهِ، يَشْكُرُهُ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ.

يَا عَلِيُّ، شَارِبُ الْخَمْرِ كَعَابِدٍ وَتَنٍّ.

يَا عَلِيُّ، شَارِبُ الْخَمْرِ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، فَإِنْ مَاتَ فِي الْأَرْبَعِينَ مَاتَ كَافِرًا.

ص: 210

1- . كَظَمَ غِيظَهُ كَظْمًا: رَدَّهُ وَحَبَسَهُ.

2- . أَحْسَنَ وَصِيَّتَهُ: أَرَادَ بِالْإِحْسَانِ الْإِخْلَاصَ (النهاية: 372/1)... وَقِيلَ: أَرَادَ بِالْإِحْسَانِ الْإِشَارَةَ إِلَى الْمِرَاقِبَةِ وَحَسَنِ الطَّاعَةِ، فَالْمِرَادُ بَعْدَ الْإِحْسَانِ هُوَ الْحَيْفُ فِيهَا، أَوْ تَرْكُ الْوَاجِبِ، أَوْ الْوَصِيَّةُ بِالْمَعْصِيَةِ.

3- . فِيهِ: مَنْ تَصَلَّ إِلَيْهِ أَخُوهُ فَلَمْ يَقْبَلِ أَيَّ انْتَفَى مِنْ ذَنْبِهِ وَاعْتَذَرَ إِلَيْهِ.

4- الرِّحِيقُ: مِنْ أَسْمَاءِ الْخَمْرِ؛ يَرِيدُ خَمْرَ الْجَنَّةِ، وَالْمَخْتومُ: الْمَصُونُ الَّذِي لَمْ يَتَبَدَّلْ لِأَجْلِ خَتَامِهِ (النهاية: 208/2).

وصیت های پیامبر صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام

3981. حماد بن عمرو از حضرت امام صادق علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت توسط پدران بزرگوار خود از امیر مؤمنان علیه السلام نقل کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمودند: یا علی، وصیتی به تو می کنم آن را به خاطر بسپار. [بر اساس آن رفتار کن.] تازمانی که به وصیت من رفتار کنی همواره در خیر هستی:

یا علی، کسی که می تواند خشم خود را ابراز کند ولی آن را فرو نشانند، خداوند در قیامت به او ایمنی و ایمانی می بخشد که طعم آن را دریابد.

یا علی، کسی که هنگام مرگ وصیت صحیح [عادلانه و مشروع] نکند، جوانمردی او ناقص است. و به شفاعت نائل نشود.

یا علی، برترین جهاد آن است که بدون اینکه در صدد ظلم به کسی باشد [شب را] صبح کند.

یا علی، کسی که مردم از شر زبان او در هراس باشند، اهل دوزخ است.

یا علی، شروترین مردم کسی است که مردم از ترس بدگویی [در روایتی از ترس شر] او احترامش کنند.

یا علی، بدترین مردم کسی است که آخرت خود را به دنیا بفروشد. و بدتر از او کسی است که آخرت خود را به دنیای دیگران بفروشد.

یا علی، کسی که عذر شخصی را که عذر خواهی می کند خواه راستگو باشد یا دروغ گو نپذیرد، به شفاعت من نائل نخواهد شد.

یا علی، خداوند دروغ را در مصلحت دوست دارد. و از راستگویی که فساد در پی داشته باشد نفرت دارد.

یا علی، به کسی که شراب را برای غیر خدا ترک کند، از شراب بهشت بنوشاند.

علی علیه السلام گفت: برای غیر خدا؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بلی به خدا سوگند اگر برای سلامتی خودش هم ترک کند، خداوند از کار او قدر دانی می کند.

یا علی، شراب خوار همانند بت پرست است.

یا علی، خداوند تا چهل روز نماز شراب خوار را نمی پذیرد. و اگر در فاصله چهل روز بمیرد کافر مرده است.

قال الصَّدوقُ رحمه الله: يَعْنِي إِذَا كَانَ مُسْتَحِيلًا لَهَا.

يَا عَلِيُّ، كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ، وَمَا أَسْكَرَ كَثِيرُهُ فَالْجُرْعَةُ مِنْهُ حَرَامٌ.

يَا عَلِيُّ، جُعِلَتِ الذُّنُوبُ كُلُّهَا فِي بَيْتٍ، وَجُعِلَ مِفْتَاحُهَا شَرْبُ الْخَمْرِ.

يَا عَلِيُّ، يَأْتِي عَلَى شَارِبِ الْخَمْرِ سَاعَةٌ لَا يَعْرِفُ فِيهَا رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.

يَا عَلِيُّ، إِنَّ إِزَالََةَ الْجِبَالِ الرَّوَاسِي (1) أَهْوَنُ مِنْ إِزَالََةِ مُلْكٍ مُؤَجَّلٍ لَمْ تَنْقُضِ أَيَّامُهُ.

يَا عَلِيُّ، مَنْ لَمْ تَنْتَفِعْ بِدِينِهِ وَلَا ذُنْيَاهُ فَلَا خَيْرَ لَكَ فِي مُجَالَسَتِهِ، وَمَنْ لَمْ يُوَجِّبْ لَكَ فَلَا تُوَجِّبْ لَهُ، وَلَا كَرَامَةً.

يَا عَلِيُّ، حَرَّمَ اللَّهُ الْجَنَّةَ عَلَى كُلِّ فَاحِشٍ بَدِيٍّ لَا يُبَالِي مَا قَالَ وَلَا مَا قِيلَ لَهُ.

يَا عَلِيُّ، طُوبَى لِمَنْ طَالَ عَمْرُهُ، وَحَسَنَ عَمَلُهُ.

يَا عَلِيُّ، لَا تَمْرَحَ فَيَذْهَبَ بِهَاؤُوكَ، وَلَا تَكْذِبَ فَيَذْهَبَ نَوْرُكَ، وَإِيَّاكَ وَخَصَلَتَيْنِ: الضَّجْرَ وَالْكَسَلَ؛ فَإِنَّكَ إِنْ ضَعَجْتَ لَمْ تَصْبِرْ عَلَى حَقِّ، وَإِنْ كَسَلْتَ لَمْ تُؤَدِّ حَقًّا.

يَا عَلِيُّ، لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سَوَاءَ الْخُلُقِ؛ فَإِنَّ صَاحِبَهُ كُلَّمَا خَرَجَ مِنْ ذَنْبٍ دَخَلَ فِي ذَنْبٍ.

يَا عَلِيُّ، مَنْ اسْتَوَلَى عَلَيْهِ الضَّجْرُ (2) رَحَلَتْ عَنْهُ الرَّاحَةُ.

يَا عَلِيُّ، خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْجَنَّةَ مِنْ لَبَنَتَيْنِ: لَبَنَةٍ مِنْ ذَهَبٍ، وَلَبَنَةٍ مِنْ فِضَّةٍ، وَجَعَلَ حَيْطَانَهَا الْيَاقُوتَ، وَسَمَقَهَا الزَّبْرَجَدَ، وَحَصَاهَا اللُّؤْلُؤَ، وَتُرَابَهَا الزَّعْفَرَانَ وَالْمِسْكَ الْأَذْفَرَ (3)، ثُمَّ قَالَ لَهَا: تَكَلَّمِي، فَقَالَتْ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، قَدْ سَعِدَ مَنْ يَدْخُلُنِي، قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا يَدْخُلُهَا مُدْمِنْ خَمْرٍ وَلَا نَمَامٍ وَلَا دِيوْتٍ وَلَا شُرْطِيٍّ وَلَا مُخَنَّثٍ وَلَا تَبَاشٍ وَلَا عَشَّارٍ

ص: 212

1- الرواسي: الجبال الثوابت الرواسخ، من رسي (واوي)؛ أي ثبت ورسخ.

2- الضنجر: القلق والتبرم وسوء الخلق من غمٍ وضيق نفسٍ مع كلام (أقرب الموارد).

3- هذه أسماء الجواهر، والزعفران: نبات له أصلٌ كالبصل، وزهره أحمر إلى الصفرة. والمسك الأذفر: أي المسك الطيب الريح، ومنه صفة الجنة وتربها مسك أذفر.

شیخ صدوق فرموده است: یعنی کسی که شراب را حلال بشمارد.

یا علی، هر مست کننده ای حرام است. و هر چیزی که مصرف زیاد آن مست کننده باشد يك جرعه آن هم حرام است.

یا علی، همه گناهان را در اطاقی نهاده اند و کلید آن شراب خواری است.

یا علی، برای شراب خوار حالتی پیش می آید که پروردگارش را نمی شناسد.

یا علی، هموار کردن کوه های استوار آسانتر است از نابود کردن حکومت زمانداری که زمان آن به سر نیامده باشد.

یا علی، از همنشینی با کسی که از دین و دنیای خود بهره مند نشده است سودی نخواهی برد. و برای کسی که حقی برای تو نمی شناسد تو نیز او را مراعات نکن. که احترامی ندارد.

یا علی، خداوند بهشت را بر هر کسی که فحاشی کند و توجه ندارد چه می گوید، و دیگران درباره او چه می گویند، حرام کرده است.

یا علی، خوشا به حال کسی که عمرش طولانی و عملش نیکوست.

یا علی، شوخی نکن که ارزش تو را می برد. و دروغ نگو که نور تو را می برد. و از دو خصلت پرهیز کن: ملالت و کسالت. زیرا اگر ملول و کم طاقت باشی در برابر حق صبر نمی کنی. و اگر کسل باشی حقی را ادا نمی کنی.

یا علی، هر گناهی توبه دارد. مگر بداخلاقی. بداخلاق از هر گناهی خارج شود به گناه دیگر مبتلا می شود.

یا علی، کسی که کم طاقتی بر او مسلط شود، آسایش از او رخت بر بندد.

یا علی، خداوند بهشت را از دو خشت آفرید: يك خشت طلا و يك خشت نقره، دیوار آن را از یاقوت، و سقف آن را از زبرجد، و سنگهای آن از مروارید، و خاک آن را زعفران و مشک خوشبو آفرید. سپس به بهشت فرمود: با من سخن بگو. بهشت گفت: لا اله الا الله الحي القيوم خدایی نیست جز خداوندی که زنده و پایدار است. کسی که وارد من شود سعادت مند شده است.

خداوند با جلال و عظمت فرمودند: سوگند به عزت و جلالم شراب خوار، و سخن چین، و دیوث، [مرد بی غیرت که ناموس خود را از بیگانه حفظ نکند]. محافظان حاکم

ولا قاطِعَ رَحِمٍ ولا قَدْرِيٌّ (1).

وقال صلى الله عليه وآله: فِرٌّ مِنَ الْمَجْدُومِ فِرَارِكٌ مِنَ الْأَسَدِ (2).

وَكِرَةٌ أَنْ يَأْتِيَ الرَّجُلُ أَهْلَهُ وَقَدْ احْتَلَمَ حَتَّى يَغْتَسِلَ مِنَ الْإِحْتِلَامِ، فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ وَخَرَجَ الْوَلَدُ مَجْنُونًا فَلَا يَلُومَنَّ الْإِنْفُسَهُ.

وَكِرَةٌ الْبَوْلُ عَلَى شَطِّ (3) نَهْرٍ جَارٍ.

وَكِرَةٌ أَنْ يُحْدِثَ الرَّجُلُ تَحْتَ شَجَرَةٍ أَوْ نَخْلَةٍ قَدْ أَثْمَرَتْ.

وَكِرَةٌ أَنْ يُحْدِثَ الرَّجُلُ وَهُوَ قَائِمٌ.

وَكِرَةٌ أَنْ يَنْتَعِلَ الرَّجُلُ وَهُوَ قَائِمٌ.

وَكِرَةٌ أَنْ يَدْخُلَ الرَّجُلُ بَيْتًا مُظْلِمًا إِلَّا مَعَ السَّرَاجِ.

يَا عَلِيُّ، آفَةٌ الْحَسَبِ (4) الْإِفْتِخَارُ.

يَا عَلِيُّ، مَنْ خَافَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَافَ مِنْهُ كُلُّ شَيْءٍ، وَمَنْ لَمْ يَخَفِ اللَّهَ أَخَافَهُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ.

يَا عَلِيُّ، لِأَرْضَاعٍ بَعْدَ فِطَامٍ، وَلَا يُنْتَمِ بَعْدَ احْتِلَامٍ.

ص: 214

1- . النمامة: أي نقل الحديث من قوم إلى قوم على جهة الإفساد والشر. ومدمن الخمر: هو الذي يعاقر شربها ويلازمه ولا ينفك عنه. والديوث: هو الذي لا يغار على أهله، وقيل: هو سرياني معرب (النهاية). والأشراط: العلامات واحدها شَرَطٌ - بالتحريك - وبه سَمَّيت شرط السلطان؛ لأنهم جعلوا لأنفسهم علامات يُعرفون بها، هكذا قال أبو عبيد. وحكى الخطابي عن بعض أهل اللغة أنه أنكر هذه التفسير وقال: ... وشرط السلطان نُخْبَةٌ أصحابه الذين يقدمهم على غيرهم من جنده (النهاية: 460/2). وفي السفينة مادة شرط: قيل لأصبغ: كيف سَمَّيت شَرَطَةَ الخميس؟ فقال: إنا ضمنا له الذبح، وضمن لنا الفتح. المخنث: من كان فيه لينٌ وتكسُر. وتَخَنَّثَ في كلامه: تكَلَّمَ بليّن وتكسّر. والعشائر: أي من يأخذ العشور عند ورود مال التجارة في الصّقع أو عند بيعه في السوق، وكان من ضرائب الجاهلية، فنفاها الإسلام وصرّح بنفيه في كتب النبي صلى الله عليه وآله، وفي الحديث: «إن لقيتم عاشرًا فاقتلوه» أي إن وجدتم من يأخذ العشر على ما كان يأخذه أهل الجاهلية (النهاية ولسان العرب). والقدري: هو القائل بأن الخير والشر كلّ من الله وبتقديره ومشيئته (سفينة البحار).

2- . ورد في الحديث التّهي عن العدوى، ولا منافاة بينه وبين هذا الحديث، وفي الحديث: «كره أن يكلم الرجل مجذوماً إلا أن يكون بينه وبينه قدر ذراع»، وورد أيضاً: «تغذى الإمام علي بن الحسين عليهما السلام مع المجذومين». ولعلّ المراد من نفي العدوى هو نفي الإفراط والاعتقاد بأنّه علّة تامّة في المرض بحيث يورث الوسواس وسلب الراحة والاضطراب الروحي، والمراد من الأمر بالاجتناب هو على حدّ ما يفعل في مقتضيات سائر الأمور وعللها الناقصة.

3- . الشطّ - بالفتح -: شاطئ النهر والبحر وجانبهما وساحلهما.

4- . الحسب - في الأصل - : الشرف بالآباء وما يعدّه الناس من مفاخرهم. وقيل: الحسب والكرم يكونان في الرجل وإن لم يكن له آباء لهم شرف، والشرف والمجد لا يكونان إلا بالآباء (النهاية: 367/1).

ستمگر و زن صفت، و کفن دزد، و باجگیر، و قطع رابطه کننده با فامیل، و قدری [یعنی کسی که اعتقاد دارد خیر و شر همه با تقدیر خداوند است و بشر در آن دخالتی ندارد.] وارد بهشت نخواهند شد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: از جذامی بگریز آن سان که از شیر درنده می گریزی.

یا علی، بر کسی که محتلم شده است قبل از غسل، نزدیکی کردن با همسر مکروه است، و اگر چنین کند و فرزندى بدنیا آید که دیوانه است جز خودش را سرزنش نکند.

ادرار کردن در جوی آب روان، و در زیر درخت میوه، یا نخل میوه دار، و بحالت ایستاده مکروه است. و پوشیدن کفش در حال ایستاده، و رفتن بدون چراغ به خانه تاریک مکروه است.

یا علی، آفت شخصیت، فخر فروشی است.

یا علی، کسی که از خدا بترسد، همه چیز از او می ترسد. و کسی که از خدا نترسد، از همه چیز می ترسد.

یا علی، احکام رضاع [مسائلی از قبیل محرمیت و فرزندى و خواهر و برادر رضاعی و...] پس از پایان شیرخوارگی بوجود نمی آید. و [احکام] یتیمی پس از بلوغ و احتلام وجود ندارد.

يا عَلِيُّ، سِرِّ سَنَتَيْنِ بَرِّ وَالِدَيْكَ، سِرِّ سَنَةِ صَبَلِ رَحِمِكَ، سِرِّ مِيلاً عُدَّ مَرِيضاً، سِرِّ مَيْلَيْنِ شَيْعَ جَنَازَةٍ، سِرِّ ثَلَاثَةَ أَمْيَالٍ أَحْبَبَ دَعْوَةً، سِرِّ أَرْبَعَةَ أَمْيَالٍ زُرَّ أَحْأَفِي اللَّهِ، سِرِّ خَمْسَةَ أَمْيَالٍ أَحْبَبَ الْمَلْهُوفَ، سِرِّ سِتَّةَ أَمْيَالٍ انْصُرِ الْمَظْلُومَ، وَعَلَيْكَ بِالْإِسْتِغْفَارِ.

يا عَلِيُّ، وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ الْوَضِيعَ فِي قَعْرِ بئرٍ لَبَعَثَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ رِيحاً تَرْفَعُهُ فَوْقَ الْأَخْيَارِ فِي دَوْلَةِ الْأَشْرَارِ.

يا عَلِيُّ، مَنْ انْتَمَى إِلَى غَيْرِ مَوَالِيهِ (1) فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ. وَمَنْ مَنَعَ أَجيراً أَجْرَهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ، وَمَنْ أَحْدَثَ حَدَثاً أَوْ آوَى مُحْدِثاً فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ، فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا ذَلِكَ الْحَدَثُ؟ قَالَ: الْقَتْلُ.

يا عَلِيُّ، الْمُؤْمِنُ مَنْ أَمِنَهُ الْمُسْلِمُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَدِمَائِهِمْ، وَالْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ يَدِهِ وَلِسَانِهِ، وَالْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ السَّيِّئَاتِ.

يا عَلِيُّ، أَوْثَقْ عُرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ.

يا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - قَدْ أَذْهَبَ بِالْإِسْلَامِ نَخْوَةَ الْجَاهِلِيَّةِ وَتَفَاخِرَهَا بِأَبَائِهَا، أَلَا إِنَّ النَّاسَ مِنْ آدَمَ وَآدَمَ مِنْ تُرَابٍ، وَأَكْرَمُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ.

يا عَلِيُّ، مِنَ السُّحْتِ (2) ثَمَنُ الْمَيْتَةِ، وَثَمَنُ الْكَلْبِ، وَثَمَنُ الْخَمْرِ، وَمَهْرُ الزَّانِيَةِ، وَالرَّشْوَةُ فِي الْحُكْمِ، وَأَجْرُ الْكَاهِنِ.

يا عَلِيُّ، مَنْ تَعَلَّمَ عِلْماً لِيْمَارِي (3) بِهِ السُّفَهَاءُ، أَوْ يُجَادِلَ بِهِ الْعُلَمَاءَ، أَوْ لِيَدْعُوَ النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ، فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ.

ص: 216

1- انتمى إلى غير مواليه: أي انتسب إليهم ومال وصار معروفاً بهم وصار سبباً لضياع حقّ الولاء وغيره.

2- يقال: مال فلان سحت: أي لاشيء على من استهلكه، ودمه سحت: أي لاشيء على من سفكه. والسحت: الحرام الذي لا يحلّ كسبه لأنه يسحت البركة أي يذهبها (انظر النهاية: 345/2).

3- ليماري به السفهاء: المراء: الجدل. التماري والمماراة: المجادلة على مذهب الشكّ والريبة وذمّ المراء مع السفهاء إيعازاً إلى أنّ المراء عملهم، فنهى عنه. وذمّ الجدل مع العلماء؛ لأنّ اللازم للجاهل السكوت والاستماع عن العالم لا المجادلة معه وعلى كلّ حال ليس المراد المجادلة لتبيين الحقّ ووضوحه، وإثما المنهويّ المراء وإيجاد الشكّ والريب للمغالبة وإبطال كلام الخصم، فلو كان نيّة المتعلّم في تعلّمه المراء أو الجدل مع العلماء أو جلب الناس إليه كان مذموماً، وإن كان مراده تحصيل العمل والإرشاد كان حسناً.

یا علی، دو سال در سفر باش تا به پدر و مادرت نیکی کنی [یعنی نیکی کردن به پدر و مادر حتی اگر مسافرت دو ساله لازم دارد آن را انجام بده]. و یک سال در سفر باش تا به خویشاوندان خود صلّه رحم کنی. و تا مسافت یک میل برای عیادت مریض، و تا دو میل برای تشییع جنازه، و تا سه میل برای قبول دعوت، و تا چهار میل برای دیدار برادر دینی، و تا پنج میل برای اجابت گرفتار، و تا شش میل برای یاری مظلوم حرکت کن. و بر تو باد که استغفار نمایی. [یعنی اگر همه این موارد را با دقت عمل کنی، باز هم شایسته است که استغفار کنی].

یا علی، سوگند به خدا اگر فرومایه ای در قعر چاه باشد خداوند باد را می فرستد تا او را در حکومت تبهکاران بالاتر از نیکان قرار دهد.

یا علی، کسی که به غیر مولای خود بپیوندد لعنت خدا بر او باد. و کسی که اجرت اجیر را ندهد لعنت خدا بر او باد. و کسی که بدعت به وجود آورد یا به پدید آورنده آن پناه دهد لعنت خدا بر او باد. پرسیدند: یا رسول الله این بدعت چیست؟ فرمودند: قتل.

یا علی، مؤمن کسی است که مسلمانان او را در مال و جان خود امین بدانند. و مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان او ایمن باشند. و مهاجر کسی است که از بدیها هجرت کند.

یا علی، محکم ترین دستاویز ایمان، محبت در راه خدا و دشمنی در راه خداست.

یا علی، خداوند تبارک و تعالی بوسیله اسلام نخوت و تکبر جاهلیت و فخر فروشی به پدران را از بین برد. آگاه باشید، مردم از حضرت آدم و آدم از خاک بوجود آمده اند. و گرامی ترین مردم نزد خدا پرهیزکارترین آنها هستند.

یا علی، پولی که از فروختن مردار و سگ و شراب و مهریه زن زناکار و رشوه و جادوگری بدست می آید بی ارزش و حرام است.

یا علی، کسی که دانشی بیاموزد تا بوسیله آن با جاهلان نزاع کند، یا با عالمان جدل کند، یا مردم را بسوی خود فراخواند، اهل دوزخ است.

يا عَلِيُّ، إِذَا مَاتَ الْعَبْدُ قَالَ النَّاسُ: مَا حَلَفَ؟ وَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: مَا قَدَّمَ؟

يا عَلِيُّ، الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ.

يا عَلِيُّ، مَوْتُ الْفَجَاءَةِ رَاحَةٌ لِلْمُؤْمِنِ، وَحَسْرَةٌ لِلْكَافِرِ.

يا عَلِيُّ، أَوْحَى اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - إِلَى الدُّنْيَا: اخْدُمِي مَنْ خَدَمَنِي، وَأَتَعِبِي مَنْ خَدَمَكَ.

يا عَلِيُّ، إِنَّ الدُّنْيَا لَوْ عَدَلَتْ عِنْدَ اللَّهِ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - جَنَاحَ بَعُوضَةٍ لَمَا سَقَى الْكَافِرَ مِنْهَا شَرْبَةً مِنْ مَاءٍ.

يا عَلِيُّ، مَا أَحَدٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ إِلَّا وَهُوَ يَتَمَنَّى يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَّهُ لَمْ يُعْطَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا قُوتًا (1).

يا عَلِيُّ، شَرُّ النَّاسِ مَنْ أَتَّهَمَ اللَّهَ فِي قَضَائِهِ.

يا عَلِيُّ، أَنْبَى الْمُؤْمِنِ تَسْبِيحٌ، وَصِيَّا حُهُ تَهْلِيلٌ، وَتَوْمُهُ عَلَى الْفِرَاشِ عِبَادَةٌ، وَتَقَلُّبُهُ مِنْ جَنْبٍ إِلَى جَنْبٍ جِهَادٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَإِنْ عَوفِيَ مَشَى فِي النَّاسِ وَمَا عَلَيْهِ مِنْ ذَنْبٍ.

يا عَلِيُّ، لَوْ أَهْدَيْتَنِي إِلَى كُرَاعٍ (2) لَقَبَلْتُهُ، وَلَوْ دُعِيتُ إِلَى كُرَاعٍ لَأَجَبْتُ.

يا عَلِيُّ، الْإِسْلَامُ عُريَانٌ؛ فَلِبَاسُهُ الْحَيَاءُ، وَزِينَتُهُ الْوَفَاءُ، وَمُرُوتُهُ الْعَمَلُ الصَّالِحُ، وَعِمَادُهُ الْوَرَعُ، وَلِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَأَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.

يا عَلِيُّ، سُوءُ الْخُلُقِ شُؤْمٌ، وَطَاعَةُ الْمَرْأَةِ نَدَامَةٌ.

يا عَلِيُّ، إِنْ كَانَ الشُّؤْمُ فِي شَيْءٍ فَفِي لِسَانِ الْمَرْأَةِ.

يا عَلِيُّ، نَجَا الْمُخْفُونَ (3) يَا عَلِيُّ، مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ.

ص: 218

1- . لما يرى من شدة الموقف في الحساب، كما في الحديث: «يُسأل عن ماله من أين اكتسبه وأين أنفقه». راجع بحار الأنوار: 258/7.

2- . الكراع من البقر والغنم بمنزلة الوظيف من الفرس، وهو مستدق الساق. وقيل: الكراع من الدواب ما دون الكعب ومن الإنسان: ما دون الركبة.

3- . وفي المطبوعة «وهلك المثلون».

یا علی، هنگامی که کسی می میرد مردم می گویند: چه چیزی باقی گذاشته است؟ و فرشتگان می گویند: چه چیزی پیش فرستاده است؟
یا علی دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است.

یا علی مرگ ناگهانی، آسایش مؤمن و حسرت کافر است.

یا علی، خداوند تبارک و تعالی به دنیا وحی کرد: به کسی که به من خدمت می کند خدمت کن. و کسی را که به تو [دنیا] خدمت می کند رنجور ساز.

یا علی، اگر دنیا نزد خدای تبارک و تعالی بقدر بال پشه ای ارزش داشت به کافر از آن يك جرعه آب نمی نوشانید.

یا علی، هر يك از پیشینیان و آیندگان در روز قیامت آرزو می کنند کاش از مال دنیا بیشتر از قوت روزانه به آنها داده نمی شد.

یا علی، بدترین انسان کسی است که خداوند را در قضای او متهم سازد. [و اعتراض کند].

یا علی، ناله مؤمن [هنگام بیماری] تسبیح [ثوابش مانند گفتن سبحان الله است]. و فریاد او تهلیل [گفتن لا اله الا الله] است. و خوابیدن او در بستر [بیماری] عبادت است. و پهلو به پهلو شدن بیمار جهاد در راه خداست. و اگر خوب شد و در میان مردم راه برود همه گناهانش بخشیده شده است.

یا علی، اگر به من پاچه [کم ارزش گوسفند] هدیه شود می پذیرم. و اگر برای صرف پاچه دعوت شوم می پذیرم.

یا علی، اسلام برهنه است. و لباس آن حیاء است. و زینت آن وفاء، و جوانمردی آن عمل صالح است. و ستون آن پارسایی است. و هر چیزی اساس و پایه ای دارد. پایه اسلام محبت ما اهل بیت است.

یا علی، اخلاق بد شوم است. و پیروی از زن موجب پشیمانی است.

یا علی، اگر در چیزی شومی باشد، در زبان زن است.

یا علی، سبک باران نجات یابند.

یا علی، کسی که عمداً به من دروغ نسبت دهد بدانند جایگاهش دوزخ است.

يا عَلِيُّ، السَّوَاكُ مِنَ السُّنَّةِ، وَمَطَهْرَةٌ لِلْفَمِ، وَبَجَلُو البَصَرَ، وَبِرْضِي الرَّحْمَانَ، وَبِيضُ الأَسْنَانِ، وَيَذْهَبُ بِالحَفْرِ، وَيَشُدُّ اللِّثَةَ، وَيُشْهِي الطَّعَامَ، وَيُذْهَبُ البَلْعَمَ، وَيَزِيدُ فِي الحِفْظِ، وَيُضَاعِفُ الحَسَنَاتِ، وَتَفْرَحُ بِهِ المَلَائِكَةُ.

يا عَلِيُّ، مَا بَعَثَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ نَبِيًّا إِلاَّ وَجَعَلَ ذُرِّيَّتَهُ مِنْ صُلْبِهِ وَجَعَلَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِكَ، وَلَوْلَاكَ مَا كَانَتْ لِي ذُرِّيَّةٌ (1).

يا عَلِيُّ، إِنَّ عِبَادَ المُطَلِّبِ كَانُوا لا يَسْتَقْسِمُ بِالأَزْلامِ، وَلا يَعْبُدُ الأَصْنَامَ، وَلا يَأْكُلُ مَا ذُيِّحَ عَلَي النَّصْبِ، وَيَقُولُ: أَنَا عَلِي دِينَ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

يا عَلِيُّ، أَعْجَبُ النَّاسِ إِيمَانًا وَأَعْظَمُهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَحُجِبَ عَنْهُمْ الحُجَّةُ فَأَمَنُوا بِسَوَادِ عَلِي بِياضٍ.

يا عَلِيُّ، لا تُصَلِّ فِي جِلْدٍ مَا لا تَشْرَبُ لَبَنَهُ وَلا تَأْكُلُ لَحْمَهُ، وَلا تُصَلِّ فِي ذَاتِ الجَيْشِ (2) وَلا فِي ذَاتِ الصَّلَاصِلِ (3) وَلا فِي ضَجْنَانَ (4).

يا عَلِيُّ، كُتِلَ مِنَ البَيْضِ مَا اخْتَلَفَ طَرْفَاهُ، وَمِنَ السَّمَكِ مَا كَانَ لَهُ قُشُورٌ، وَمِنَ الطَّيْرِ مَا دَفَّ، وَاتْرَكَ مِنْهُ مَا صَفَّ، وَكُلُّ مِنَ الطَّيْرِ المَاءِ مَا كَانَتْ لَهُ قَانِصَةٌ أَوْ صَيْبَةٌ (5).

يا عَلِيُّ، كُلُّ ذِي نَابٍ مِنَ السَّبَاعِ وَمَخْلَبٍ مِنَ الطَّيْرِ فَحَرَامٌ أَكَلُهُ.

يا عَلِيُّ، لا قَطَعَ فِي ثَمَرٍ، وَلا كَثَرَ (6).

يا عَلِيُّ، لَيْسَ عَلِي زَانٍ عُقْرٌ، وَلا حَدٌّ فِي التَّعْرِيبِ، وَلا سَدْفَاعَةٌ فِي حَدِّ، وَلا يَمِينٌ فِي فَطِيعةِ رَحِمٍ، وَلا يَمِينٌ لَوْ آدٍ مَعَ والدِهِ، وَلا لِامْرَأَةٍ مَعَ زَوْجِهَا، وَلا لِلْعَبْدِ مَعَ مَوْلَاهُ، وَلا صَمَتْ يَوْمًا إِلَى اللَّيْلِ،

ص: 220

1- . وردت روايات كثيرة متظافرة ومتواترة بهذا المضمون من طرق الفريقين، وأهل البيت كانوا متقيدين به في خطبهم وكلماتهم، وأعداؤهم كانوا ساعين في محوه، وأول من بدأ به معاوية لعنه الله تعالى.

2- ذات الجيش: وإد بين مكة والمدينة بينه وبين ميقات أهل المدينة ميل واحد.

3- ذات الصلاصل: موضع خسف في طريق مكة.

4- ضجنان: جبل بناحية مكة.

5- . كُتِلَ مَا دَفَّ: أي كُتِلَ مَا حَرَّكَ جَنَاحِيهِ فِي الطَّيْرَانِ كَالْحَمَامِ وَنَحْوِهِ، وَلا تَأْكُلُ مَا صَفَّ جَنَاحِيهِ كَالنَّسُورِ وَالصَّقُورِ (النهاية: 125/2). وقوانص الطير: أي حواصلها بمنزلة المعدة للإنسان. والصيبية: شوكة الديك.

6- الكثر - بفتحيتين -: جَمَّارُ النخْلِ؛ وَهُوَ شَحْمَةُ الَّذِي وَسَطَ النخلة (النهاية: 152/4). أي لا يُقَطِّعُ يَدَ السَّارِقِ مِنْ أَجَلِهِ.

یا علی، مسواک زدن مستحب است. و دهان را پاک می کند. و چشم را جلا می دهد. و خدای رحمان را خوشنود می کند. و دندان ها را سفید و زردی و فساد آن را می برد. و لثه را محکم کرده و بر اشتها بر غذا می افزاید. و بلغم را می برد. و حافظه را زیاد می کند. و حسنات را مضاعف و فرشتگان را شاد می سازد.

یا علی، خداوند متعال پیامبری را مبعوث نکرد مگر اینکه نسل او را در صلش قرار داد. و نسل مرا در صلب تو نهاد. و اگر تو نبودی برای من نسل باقی نمی ماند.

یا علی، عبدالمطلب بوسیله ازلام [نوعی قمار که حیوانی را بین برندگان مسابقه تیراندازی تقسیم می کردند] تقسیم نمی کرد. و بتها را نمی پرستید. و از غذایی که برای بتها ذبح می شد نمی خورد. و می گفت: من بر دین پدرم ابراهیم علیه السلام هستم.

یا علی، شگفت انگیزترین مردم از نظر ایمان و عظیم ترین آنان از نظر یقین گروهی هستند که در آخر الزمان پیامبر را ندیده اند، و امام و حجت از دید آنان غایب است، و تنها با سیاهی روی سپیدی [نوشته های روی کاغذ] ایمان آورده اند.

یا علی، در پوست حیوانی که شیر و گوشت آن حرام است نماز نخوان. و در ذات الجیش [نام مکانی است در بین مکه و مدینه در یک میلی میقات] و ذات الصلاصل [مکانی در راه مکه است] و ضحجان [کوهی است در مکه] نماز مگزار.

یا علی، تخم پرنده ای که دو سر آن متفاوت است بخور. [خوردن تخم پرنده ای که دو سر تخم همسان باشد، حرام است.] و از ماهیان فلس دار بخور. و پرندگانی که هنگام پرواز بال می زنند بخور. و از پرندگانی که هنگام پرواز با بالهای صاف پرواز می کنند نخور. و پرنده ای که سنگدان دارد یا پای آن خار دارد بخور.

یا علی، خوردن گوشت درنده ای که دندان نیش دارد، و پرنده ای که چنگال دارد حرام است.

یا علی، برای سرقت میوه و روغنی که در وسط نخل وجود دارد [دست سارق] قطع نمی شود.

یا علی، زنا کار مهریه ندارد. برای کنایه زدن و تعریض حدّ جاری نمی شود. در مورد اجرای حد شفاعت پذیرفته نمی شود. برای قطع رابطه خویشاوندی سوگند جایز نیست.

[اگر کسی سوگند بخورد که قطع رابطه خویشاوندی کند نباید به قسم عمل کند.] سوگند

ولا وصال في صيام، ولا تعرّب بعد هجرة (1).

يا عَلِيُّ، لا يَقْتُلِ والدٌ بولده.

يا عَلِيُّ، لا يَقْبَلُ اللهُ دُعَاءَ قَلْبٍ سَاهٍ.

يا عَلِيُّ، نَوْمُ الْعَالِمِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الْعَابِدِ.

يا عَلِيُّ، رَكَعَتَيْنِ يُصَلِّيهِمَا الْعَالِمُ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ رَكَعَةٍ يُصَلِّيهَا الْعَابِدُ.

يا عَلِيُّ، لا تَصُومُ الْمَرْأَةُ تَطَوُّعاً إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا، وَلا يَصُومُ الْعَبْدُ تَطَوُّعاً إِلَّا بِإِذْنِ مَوْلَاهُ، وَلا يَصُومُ الضَّيْفُ تَطَوُّعاً إِلَّا بِإِذْنِ صَاحِبِهِ.

يا عَلِيُّ، صَوْمُ يَوْمِ الْفِطْرِ حَرَامٌ، وَصَوْمُ يَوْمِ الْأَضْحَى حَرَامٌ، وَصَوْمُ الْوِصَالِ حَرَامٌ، وَصَوْمُ الصَّمْتِ حَرَامٌ، وَصَوْمُ نَذْرِ الْمَعْصِيَةِ حَرَامٌ، وَصَوْمُ الدَّهْرِ حَرَامٌ.

يا عَلِيُّ، الرَّبُّ سَبْعُونَ جُزْءً، فَأَيُّسُزُّهَا مِثْلُ أَنْ يَنْكِحَ الرَّجُلُ امْرَأَةً فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ.

يا عَلِيُّ، دِرْهَمٌ رَبِّا أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ سَبْعِينَ زَنِيَةً كُلُّهَا بِذَاتِ مَحْرَمٍ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ.

يا عَلِيُّ، مَنْ مَنَعَ قِيرَاطًا مِنْ زَكَاةِ مَالِهِ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ وَلا بِمُسْلِمٍ، وَلا كَرَامَةً!

يا عَلِيُّ، تَارِكُ الزَّكَاةِ يَسْأَلُ اللَّهُ الرَّجْعَةَ إِلَى الدُّنْيَا، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ» (2).

يا عَلِيُّ، تَارِكُ الْحَجِّ وَهُوَ مُسْتَطِيعٌ كَافِرٌ، يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» (3).

ص: 222

1- . العقر - بالضم -: ما تُعْطَاهُ الْمَرْأَةُ مِنْ وَطْءِ الشَّبَهَةِ، وَأَصْلُهُ أَنْ وَاطَى الْبَكَرَ يَعْقرُهَا إِذَا افْتَضَّهَا، فَسَمِّيَ مَا تُعْطَاهُ لِلْعُقْرِ عُقْرًا، ثُمَّ صَارَ عَامًّا لَهَا وَلِلثِيْبِ. التَّعْرِيفُ فِي الْكَلَامِ خِلَافَ التَّصْرِيحِ؛ أَي لَيْسَ فِيهِ حَدُّ الْقَذْفِ إِذَا قَالَ لِشَخْصٍ، أَوْ لَيْسَ فِيهِ حَدٌّ إِذَا اعْتَرَفَ بِالتَّعْرِيفِ. لَإِيْمِيْنَ: أَي لَيْسَ صَحِيحًا حَتَّى يَحْرَمَ الْحَنْثُ. وَالْوِصَالُ: هُوَ أَلَّا يَفْطُرَ يَوْمِيْنَ أَوْ أَيَّامًا. وَالتَّعَرَّبَ بَعْدَ الْهَجْرَةِ: هُوَ أَنْ يَعُودَ إِلَى الْبَادِيَةِ وَيَقِيْمَ مَعَ الْأَعْرَابِ بَعْدَ أَنْ كَانَ مَهَاجِرًا.

2- . سورة المؤمنون الآية: 99.

3- . سورة آل عمران الآية: 97.

فرزند برای مخالفت کردن با پدر، و سوگند زن برای مخالفت با شوهر، و سوگند برده برای مخالفت با مولای خود اعتبار ندارد. روزه سکوت [تمام روز را سکوت کند و با کسی سخن نگوید] جایز نیست.

روزه وصال [دو شبانه روز متوالی روزه بگیرد بدون افطار کردن] جایز نیست.

و بعد از ایمان بازگشت به جاهلیت جایز نیست.

یا علی، پدر را برای کشتن فرزندش قصاص نمی کنند.

یا علی، خداوند دعای کسی که قلبش غافل است را نمی پذیرد.

یا علی، خوابیدن عالم بهتر از عبادت عابد است.

یا علی، دو رکعت نمازی که عالم بجا آورد از هزار رکعت نماز عابد برتر است.

یا علی، زن بدون اجازه شوهر، و بنده بدون اجازه مولا، و میهمان بدون اجازه میزبان، نباید روزه مستحبی بگیرد.

یا علی، روزه گرفتن در عید فطر و عید قربان حرام است. روزه وصال حرام است.

روزه سکوت گرفتن حرام است. روزه نذر معصیت حرام است. [کسی نذر کند اگر فلان گناه را مرتکب شود به شکرانه آن روزه بگیرد. چنین روزه ای حرام است.] صوم دهر [یعنی تمام ایام سال را روزه بگیرد.] حرام است.

یا علی، [گناه] ربا هفتاد جزء است، کمترین آن مثل [گناه] کسی است که با مادرش در کعبه زنا کند.

یا علی، گناه يك درهم ربا نزد خدا بزرگتر از هفتاد زنا با محارم در کعبه است.

یا علی، کسی که يك قیراط [قیراط يك بیست و چهارم درهم یا دینار] از زکات مالش را نپردازد نه ایمان دارد. و نه مسلمان است. و احترامی هم ندارد.

یا علی، کسی که زکات نپردازد از خداوند درخواست می کند که او را به دنیا برگرداند.

این کلام خداوند است: «تا آنگاه که مرگ یکی از آنها فرا می رسد می گوید پروردگارا مرا بازگردان».

یا علی، کسی که مستطیع است ولی حج را ترك کند کافر است. خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «برای خدا بر مردم حج خانه خدا واجب است. بر کسی که استطاعت حج دارد. و کسی که کافر شود خداوند از جهانیان بی نیاز است».

يا عَلِيُّ، مَنْ سَوَّفَ الْحَجَّ حَتَّى يَمُوتَ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا.

يا عَلِيُّ، الصَّدَقَةُ تَرُدُّ الْقَضَاءَ الَّذِي قَدِ ابْرَمَ إِبْرَامًا.

يا عَلِيُّ، صَلَّةُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ.

يا عَلِيُّ، افْتَحِحِ بِالْمِلْحِ وَاخْتِمِ بِالْمِلْحِ؛ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ اثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ دَاءً.

يا عَلِيُّ، لَوْ قَدِ قُتِمَتْ عَلَيَّ الْمَقَامِ الْمَحْمُودِ لَشَفَعْتُ فِي أَبِي وَأُمِّي وَعَمِّي وَأَخِي كَمَا كَانَ لِي فِي الْجَاهِلِيَّةِ (1).

يا عَلِيُّ، أَنَا ابْنُ الذَّبِيحِينَ (2).

يا عَلِيُّ، أَنَا دَعْوَةُ (3) أَبِي إِبْرَاهِيمَ.

يا عَلِيُّ، الْعَقْلُ (4) مَا اكْتَسَبَ بِهِ الْجَنَّةَ، وَطُلِبَ بِهِ رِضَى الرَّحْمَانِ.

يا عَلِيُّ، إِنَّ أَوَّلَ خَلْقٍ خَلَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْعَقْلَ فَقَالَ لَهُ: اجْلِسْ؛ فَأَقْبَلَ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: اذْبِرْ؛ فَأَذْبَرَ، فَقَالَ اللَّهُ:

وَعَزَّتِي وَجَلَالِي! مَا خَلَقْتَ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ، بِكَ أَخَذُ وَبِكَ اعْطَيْ، وَبِكَ اثْبُبُ، وَبِكَ اعاقِبُ.

يا عَلِيُّ، لَا صَدَقَةَ وَذَوْرَجِمٍ مُحْتَاجٍ.

يا عَلِيُّ، لِأَخِيرِ فِي قَوْلِ الْإِمَامِ الْفِعْلِ، وَلَا فِي الْمَنْظَرِ (5) إِلَّا مَعَ الْخَبْرِ، وَلَا فِي الْمَالِ الْإِمَامِ الْجُودِ، وَلَا فِي الصَّدَقِ الْإِمَامِ الْوَفَاءِ، وَلَا فِي الْفِقْهِ الْإِمَامِ الْوَرَعَ، وَلَا فِي الصَّدَقَةِ الْإِمَامِ النَّبِيَّةَ، وَلَا فِي الْحَيَاةِ الْإِمَامِ الصَّحَّةَ، وَلَا فِي الْوَطَنِ الْإِمَامِ الْأَمْنَ وَالسُّرُورَ.

يا عَلِيُّ، أَلَا اخْبِرْكُمْ بِأَسْبَهِكُمْ بِي خُلُقًا؟ قَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: أَحْسَنْكُمْ خُلُقًا، وَأَعْظَمَكُمْ

ص: 224

1- . هذا دليل على اعتقاد الإمامية من أن آباء النبي صلى الله عليه وآله مؤحدون، ولم يعين من هذا الأخ الذي كان له صلى الله عليه وآله في الجاهلية وهو صلى الله عليه وآله يشفع فيه، يعني كان موحداً مؤمناً حتى يجوز الاستغفار له.

2- . أي إسماعيل وإسحاق، أو إسماعيل وعبد الله بن عبد المطلب عليهم السلام (راجع سفينة البحار: كلمة «ذبح»).

3- . أنا دعوة أبي إبراهيم عليه السلام أي في قوله: «وَأَبْعَثُ فِيهِمْ رَسُولًا» (راجع نور الثقلين: 109/1).

4- . كل ما في الإنسان من القوى الباعثة إلى تأمين الحياة الحيوانية التي تسمى الغرائز الحيوانية، تدعو إلى الشهوات والهمول، وكل ما في الإنسان من الإدراكات والأحكام العقلية كقبح الظلم والكذب وحسن الإحسان وهكذا تسمى جنود العقل، وكلما تقدم الإنسان في ذلك كان تقدماً في الإنسانية، وهو يدعو إلى ما يرضي الرحمن وإلى طاعة الرب سبحانه وتعالى كما سيأتي فيما بعد.

5- المنظر: ما نظرت إليه فأعجبك أو ساءك، يقال: منظره خيرٌ من مخبره، والمخبر خلاف المنظر؛ أي لا خير في ظاهره حسن يعجب مع عدم المخبر؛ وهو الحسن الباطني والواقع.

یا علی، کسی که حج را به تأخیر اندازد تا بمیرد، خداوند او را در قیامت یهودی یا مسیحی محشور می کند.

یا علی، صدقه قضا و قدر میرم و حتمی را برطرف می کند.

یا علی، صلۀ رحم عمر را طولانی می کند.

یا علی، غذا را با نمک شروع کن و با نمک ختم کن. زیرا در نمک شفای هفتاد و دو بیماری قرار دارد.

یا علی، هنگامی که بر مقام محمود بایستم پدر و مادر و عمو و برادری را که در دوران جاهلیت داشته ام شفاعت خواهم نمود.

یا علی، من فرزند دو ذبیح هستم. [یک اسماعیل ذبیح الله و دیگری عبدالله فرزند عبدالمطلب که پدرش نذر کرده بود یکی از فرزندان را در راه خدا ذبح کند.]

یا علی، من دعای پدرم ابراهیم علیه السلام هستم.

یا علی، عقل آن است که بوسیله اش بهشت بدست آید. و خشنودی خدای رحمان طلب شود.

یا علی، اولین چیزی که خدا آفرید عقل بود و به او فرمود: رو کن و پیش آی. و او آمد.

سپس فرمود: برگرد. و عقل برگشت. خداوند فرمود: به عزّت و جلالم سوگند موجودی نیافریدم که از تو نزد من محبوبتر باشد. به سبب تو می گیرم. و به سبب تو عطا می کنم. و به سبب تو ثواب می دهم. و به سبب تو کیفر می کنم.

یا علی، در حالی که خویشاوندی نیازمند باشد صدقه به دیگری دادن جایز نیست.

یا علی، در گفتار فائده ای نیست مگر با عمل توأم باشد. و آراستن ظاهری سودی ندارد مگر با آرایش باطن باشد. و مال سودی ندارد مگر اینکه با بخشش و سخاوت باشد.

و در راستی سودی نیست مگر اینکه با وفا باشد. در فقه سودی نیست مگر اینکه با پروا باشد.

و در صدقه خیری نیست مگر اینکه با نیت باشد. و زندگی سودی ندارد مگر با سلامت.

و در وطن خیری نیست مگر با امنیت و شادمانی.

یا علی، آیا به شما بگویم چه کسی به من شبیه تر است؟ فرمود: بلی یا رسول الله.

حِلْمًا، وَأَبْرُكُم بِقَرَابَتِهِ، وَأَشَدُّكُمْ مِنْ نَفْسِهِ إِنْصَافًا.

يَا عَلِيُّ، أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الْغَرَقِ إِذَا هُمْ رَكِبُوا السُّفْنَ فَقَرُّوا: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ مِ بِيَمِينِهِ وَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» (1) «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرُلٌ هَا وَ مُرْسَلٌ - هَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (2).

يَا عَلِيُّ، أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ السَّرَقِ: «قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» (3) إِلَى آخِرِ السُّورَةِ.

يَا عَلِيُّ، أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الْهَدْمِ: «إِنَّ اللَّهَ يُمَسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ م بَعْدِهِ إِنْهُ وَ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا» (4).

يَا عَلِيُّ، أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الْهَمِّ: «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَ لَا مَلْجَأَ وَ لَا مَنَاجِيَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ».

يَا عَلِيُّ، أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الْحَرَقِ: «إِنَّ وَ لِيَّ اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ» (5) «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ» (6) الْآيَةِ.

يَا عَلِيُّ، مَنْ خَافَ مِنَ السَّبَاعِ فَلْيَقْرَأْ: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ» (7) إِلَى آخِرِ السُّورَةِ.

يَا عَلِيُّ، مَنْ اسْتَصَعَبَتْ عَلَيْهِ دَابَّتُهُ فَلْيَقْرَأْ فِي أذُنِهَا الْيُمْنَى: «وَلَهُوَ أَسْلَمٌ مِنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» (8).

يَا عَلِيُّ، مَنْ خَافَ سَاحِرًا أَوْ شَيْطَانًا فَلْيَقْرَأْ: «إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ» (9) الْآيَةِ.

ص: 226

1- . سورة الزمر الآية: 67.

2- . سورة هود الآية: 41.

3- . سورة الاسراء الآية: 110.

4- . سورة فاطر الآية: 41.

5- . سورة الأعراف الآية: 196.

6- . سورة الزمر الآية: 67.

7- . سورة التوبة الآية: 128.

8- . سورة آل عمران الآية: 83.

9- . سورة الأعراف الآية: 54 وسورة يونس الآية: 3.

حضرت فرمود: خوش اخلاق ترین شما و بردبارترین شما و نیکوکارترین کس به بستگان خود، و منصف ترین شما نسبت به خود.

یا علی، امت من از غرق شدن در امان هستند. هنگامی که بر کشتی سوار شوند [این دعا را] بخوانند: بسم الله الرحمن الرحيم «خداوند را چنانکه شایسته اوست نشناختند و همه زمین در قیامت در دست قدرت اوست و آسمانها به نیروی او در هم پیچیده شده است. پاک و منزّه است از آنچه شرك می ورزند» [سوره زمر آیه 67]. «به نام الله است رفتن و ماندن آن. همانا پروردگارم آمرزنده مهربان است» [سوره هود آیه 41].

یا علی، [این آیات] امان امت من از سرقت است: «بگو: الله را بخوانید یا رحمان را بخوانید هر کدام را بخوانید نامهای نیکو برای اوست». [تا آخر سوره اسراء خوانده شود].

یا علی، [این آیات] امان امت من از خرابی است: «همانا خداوند آسمانها و زمین را از فرو ریختن نگه می دارد و اگر فرو ریزند هیچکس بعد از او نمی تواند آنها را نگه دارد.

همانا او بردبار و آمرزنده است».

یا علی، [این ذکر] امان امت من از اندوه است: هیچ نیرو و قدرتی نیست مگر بوسیله خداوند بلند مرتبه و بزرگ، و پناه و گریزگاهی از خدا جز بسوی او وجود ندارد.

یا علی، [این آیات] امان امت من از آتش سوزی است: «همانا سرپرست و یاور من خدایی است که قرآن را فرستاده است و او نیکوکاران را دوست دارد». «خداوند را چنان که شایسته اوست نشناختند». تا انتهای آیه 67 سوره زمر.

یا علی، کسی که از درندگان بیم دارد [این آیات را] بخواند: «هر آینه رسولی از خودتان نزد شما آمده که رنج شما برای او ناگوار است». [تا آخر سوره توبه را بخواند].

یا علی، کسی که حیوان او چموش است در گوش راست حیوان بخواند: «در برابر او [خداوند] هر کس که در آسمانها و زمین است خواه ناخواه سر فرود می آورد و بسوی او باز گردانده می شوید».

یا علی، کسی که از جادوگر یا شیطانی بترسد [این آیه را] بخواند: «همانا پروردگار شما خداوندی است که آسمانها و زمین را آفرید».

يا عَلِيُّ، حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَأَدَبَهُ، وَيَضَعَهُ مَوْضِعاً صَالِحاً(1)، وَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ أَنْ لَا يُسَمِّيَهُ بِاسْمِهِ، وَلَا يَمْشِي بَيْنَ يَدَيْهِ، وَلَا يَجْلِسَ أَمَامَهُ، وَلَا يَدْخُلَ مَعَهُ فِي الْحَمَامِ.

يا عَلِيُّ، لَعَنَ اللَّهُ وَالِدَيْنِ حَمَلاً وَلَدَهُمَا عَلَى عُقُوبِهِمَا.

يا عَلِيُّ، يَلْزَمُ الْوَالِدَيْنِ مِنْ عُقُوبِ وَلَدِهِمَا مَا يَلْزَمُ الْوَالِدَ لَهُمَا مِنْ عُقُوبِهِمَا.

يا عَلِيُّ، رَحِمَ اللَّهُ وَالِدَيْنِ حَمَلاً وَلَدَهُمَا عَلَى بَرِّهِمَا.

يا عَلِيُّ، مَنْ أَحْزَنَ وَالِدِيهِ فَقَدْ عَقَّبَهُمَا.

يا عَلِيُّ، مَنْ اغْتَيْبَ عِنْدَهُ أَخُوهُ الْمُسْلِمُ فَاسْتَطَاعَ نَصْرَهُ فَلَمْ يَنْصُرْهُ، خَذَلَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

يا عَلِيُّ، مَنْ كَفَى يَتِيماً فِي نَفَقَتِهِ بِمَالِهِ حَتَّى يَسْتَغْنِي وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ الْبَتَّةَ.

يا عَلِيُّ، مَنْ مَسَحَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِ يَتِيمٍ تَرَحُّماً لَهُ، أَعْطَاهُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

يا عَلِيُّ، لَا فَقْرَ أَشَدَّ مِنَ الْجَهْلِ، وَلَا مَالَ أَعْوَدُ مِنَ الْعَقْلِ، وَلَا وَحْدَةَ أَوْحَشُ مِنَ الْعُجْبِ، وَلَا عَقْلَ كَالْتَدْبِيرِ، وَلَا وَرَعَ كَالْكَفِّ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ تَعَالَى، وَلَا حَسَبَ كَحَسَنِ الْخُلُقِ، وَلَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ.

يا عَلِيُّ، آفَةُ الْحَدِيثِ الْكَذِبُ، وَآفَةُ الْعِلْمِ النَّسْيَانُ، وَآفَةُ الْعِبَادَةِ(2) الْفَتْرَةُ، وَآفَةُ الْجَمَالِ الْخِيَلَاءُ(3)، وَآفَةُ الْعَمَلِ الْحَسَدُ.

يا عَلِيُّ، مَنْ نَسِيَ الصَّلَاةَ عَلَيَّ قَدْ أَخْطَأَ طَرِيقَ الْجَنَّةِ.

يا عَلِيُّ، إِيَّاكَ وَنَقْرَةَ الْغُرَابِ(4)، وَفَرَشَةَ الْأَسَدِ.

يا عَلِيُّ، لِأَنَّ ادْخَلَ يَدِي فِي فَمِ التَّنِينِ إِلَى الْمِرْفَقِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَسْأَلَ مَنْ لَمْ يَكُنْ تُمًّا كَانَ.

ص: 228

1- ويضعه موضعاً صالحاً؛ لعل المراد هو الكسب والصناعة: أي يعلمه حرفة وشغلاً حلالاً مناسباً.

2- المطلوب في العبادة هو الدوام ولو كان قليلاً، فمن شرع فيها زماناً وتركها فكأنه جعلها قليل الأثر أو عديمة.

3- الخيلاء والخيلاء - بالضم والكسر - : الكبر والعجب (النهاية: 93/2).

4- فيه «أنه نهى عن نقرة الغراب» يريد تخفيف السجود، وأنه لا يمكن فيه إلا قدر وضع الغراب متقاربه فيما يريد أكله. وافتراش السبع في الصلاة: هو أن يبسط ذراعيه في السجود ولا يرفعهما عن الأرض كما يبسط الكلب والذئب (النهاية: 104/5 و ج 429/3).

یا علی، حق فرزند بر پدرش آن است که برایش نام نیکو انتخاب کند. و او را خوب تربیت کند. و در جایگاه شایسته بنشاندش.

و حق پدر بر فرزند این است که او را به اسم صدا نزند. و جلوتر از او راه نرود. و جلوتر از پدر نشیند. و همراه او به حمام نرود.

یا علی، خدا لعنت کند پدر و مادری را که [با رفتار خود] فرزندانشان را به اذیت [و بی مهربی] کردن به پدر و مادر وادار کنند.

یا علی، آزردن فرزند به وسیله پدر و مادر مانند آزردن پدر و مادر توسط فرزند است.

[نتیجه و عقوبت بد دارد.]

یا علی، خداوند رحمت کند پدر و مادری که باعث نیکوکاری فرزندان به پدر و مادر شوند.

یا علی، کسی که پدر و مادرش را اندوهگین کند، آنان را عاق [اذیت] کرده است.

یا علی، کسی که در حضور او از برادر مؤمن غیبت کنند و بتواند برادرش را یاری کند [مانع غیبت شود] و یاری نکند، خداوند او را در دنیا و آخرت خوار سازد.

یا علی، کسی که از مال خود، یتیمی را بی نیاز کند، قطعاً بهشت بر او واجب می شود.

یا علی، کسی که دست نوازش بر سر یتیمی بکشد خداوند به تعداد موهایی که از زیر دست او می گذرد در روز قیامت نور به او عطا می کند.

یا علی، هیچ فقری سخت تر از نادانی نیست. و هیچ مالی سودمندتر از عقل نیست. و هیچ تنهایی وحشتناک تر از خود پسندی نیست. و هیچ عقلی مثل چاره اندیشی و تدبیر نیست. و هیچ پارسایی مثل خودداری از گناه و آنچه خدا حرام کرده، نیست. و هیچ شرافتی مثل اخلاق خوب نیست. و هیچ عبادتی مثل تفکر نیست.

یا علی، آفت گفتار دروغ است. و آفت علم فراموشی است. و آفت عبادت سستی است. و آفت جمال خودپسندی است. و آفت عمل حسد است.

یا علی، کسی که صلوات بر من را فراموش کند راه بهشت را گم کرده است.

یا علی، از نوک زدن کلاغ بر زمین [کنایه از عجله کردن در نماز و سجده ناقص است] و خوابیدن شیر [یعنی هنگام سجده ساعد و آرنج را به زمین گذاردن] پرهیز کن.

یا علی، فرو بردن دست تا آرنج در دهان شیر برایم بهتر است از اینکه از تازه به ثروت رسیده چیزی درخواست کنم.

يا عَلِيُّ، إِنَّ أَعْتَى (1) النَّاسِ عَلَى اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلُّ الْقَاتِلِ غَيْرَ قَاتِلِهِ، وَالضَّارِبُ غَيْرَ ضَارِبِهِ، وَمَنْ تَوَلَّى غَيْرَ مَوَالِيهِ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ عِزُّهُ وَجَلُّ عَلِيٍّ.

يا عَلِيُّ، تَخْتَمُ بِالْيَمِينِ؛ فَإِنَّهَا فَضِيلَةٌ مِنَ اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلُّ لِلْمُقَرَّبِينَ. قَالَ: بِمِ أَتَخْتَمُ (2) يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ:

بِالْعَقِيقِ الْأَحْمَرِ؛ فَإِنَّهُ أَوَّلُ جَبَلٍ أَقْرَبَ لِلَّهِ بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَلِيَّ بِالنُّبُوَّةِ، وَلَكَ بِالْوَصِيَّةِ، وَلِوَلَدِكَ بِالْإِمَامَةِ، وَلِشِيعَتِكَ بِالْجَنَّةِ، وَلِأَعْدَائِكَ بِالنَّارِ.

يا عَلِيُّ: إِنَّ اللَّهَ عِزُّهُ وَجَلُّهُ أَشْرَفَ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا فَاخْتَارَنِي مِنْهَا عَلَى رِجَالِ الْعَالَمِينَ، ثُمَّ أَطْلَعَ الثَّانِيَةَ فَاخْتَارَكَ عَلَى رِجَالِ الْعَالَمِينَ، ثُمَّ أَطْلَعَ الثَّلَاثَةَ فَاخْتَارَ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ عَلَى رِجَالِ الْعَالَمِينَ، ثُمَّ أَطْلَعَ الرَّابِعَةَ فَاخْتَارَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.

يا عَلِيُّ، إِنِّي رَأَيْتُ اسْمَكَ مَقْرُونًا بِاسْمِي فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ، فَأَنْسَتْ بِالنَّظَرِ إِلَيْهِ: إِنِّي لَمَّا بَلَغْتُ بَيْتَ الْمَقْدَسِ فِي مِعْرَاجِي إِلَى السَّمَاءِ وَجَدْتُ عَلَى صَخْرَتِهَا: لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، أَيَّدْتُهُ بِوَزِيرِهِ، وَنَصَرْتُهُ بِوَزِيرِهِ، فَقُلْتُ لِجَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ وَزِيرِي؟ فَقَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.

فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى وَجَدْتُ مَكْتُوبًا عَلَيْهَا: إِنِّي أَنَا اللَّهُ لا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِي، مُحَمَّدٌ صَفْوَتِي مِنْ خَلْقِي، أَيَّدْتُهُ بِوَزِيرِهِ، وَنَصَرْتُهُ بِوَزِيرِهِ، فَقُلْتُ لِجَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ وَزِيرِي؟ فَقَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.

وَلَمَّا جَاوَزْتُ سِدْرَةَ الْمُنْتَهَى انْتَهَيْتُ إِلَى عَرْشِ رَبِّ الْعَالَمِينَ جَلَّ جَلَالُهُ فَوَجَدْتُ مَكْتُوبًا عَلَى قَوَائِمِهِ: إِنِّي أَنَا اللَّهُ لا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِي، مُحَمَّدٌ حَبِيبِي، أَيَّدْتُهُ بِوَزِيرِهِ، وَنَصَرْتُهُ بِوَزِيرِهِ. (3)

ص: 230

1- أعتى: من العتو؛ أي التجبر والتكبر؛ يعني أن هذه المعاصي تنشأ عن العتو والتجبر الشديد على الله تعالى.

2- التختم باليمين كان من علائم الشيعة، وبذلك وردت روايات كثيرة، كما أن التختم باليسار كان من شعار غيرهم وإن نسبوه في بعض رواياتهم إلى علي عليه السلام. أو إلى الحسنين عليهما السلام (انظر سفينة البحار). وإقرار الجمادات بولايتهم عليهم السلام ورد في روايات كثيرة، ولعل ذلك يدل كسائر الأخبار بل بعض الآيات بوجود الشعور والإدراك في الموجودات ولو يسيراً.

3- من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 352-374، ح 5762.

یا علی، سرکش ترین مردم در برابر خداوند کسی است که غیر از قاتل را بکشد. و کسی را بزند که او را نزده است. و کسی که ولایت غیر مولای حقیقی را بپذیرد به آنچه که خداوند بر من نازل کرده است کفر ورزیده است.

یا علی، انگشتر در دست راست بکن که این کار فضیلتی از خداوند برای مقربان است.

پرسید: یا رسول الله چه انگشتری به دست کنم؟ حضرت فرمودند: عقیق سرخ. زیرا آن نخستین کوهی است که اقرار کرد به ربوبیت خدا و پیامبری من و ولایت تو و امامت فرزندان تو و بهشتی بودن شیعیان تو و جهنمی بودن دشمنان تو.

یا علی، خداوند عزیز و جلیل بر اهل دنیا نظر افکند و مرا بر مردان جهان برگزید. بار دیگر نظر کرد و تو را بر مردان عالم برگزید. و بار سوم نظر کرد و امامان از نژاد تو را بر مردان عالم برگزید. و بار چهارم نظر فرمود و فاطمه علیها السلام را بر زنان عالم برگزید.

یا علی، نام تو را در سه جا در کنار نام خویش دیدم. و از دیدن آن لذت بردم. هنگامی که در سفر معراج به بیت المقدس رسیدم دیدم که بر صخره آن نوشته شده بود: لا اله الا الله محمد رسول الله او را به کمک و زيرش تأیید و یاری نمودم. به جبرئیل علیه السلام گفتم: وزیر من کیست؟ گفت: علی بن ابیطالب.

هنگامی که به سدره المنتهی رسیدم دیدم بر آن نوشته شده است: من خداوند یکتا هستم جز من خدایی نیست. محمد برگزیده من از میان آفریدگان است و او را به وسیله و زيرش تأیید و یاری نمودم. به جبرئیل علیه السلام گفتم: وزیر من کیست؟ گفت: علی بن ابی طالب.

هنگامی که از سدره المنتهی عبور کردم و به عرش پروردگار جهانیان جلّ جلاله رسیدم دیدم بر ستونهای آن نوشته شده است: من خداوند یکتا هستم، جز من خدایی نیست. محمد حبیب من است. او را بوسیله و زيرش تأیید و یاری نمودم.

باب الأربعمئة

باب چهارصد

اشاره

ص: 233

حَدِيثُ أَرْبَعِمِئَةٍ عَنِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

3982. عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَمُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، عَنْ أَبِيهِ، أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعِمِئَةَ بَابٍ مِمَّا يَصْلُحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَدُنْيَاهُ، قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

1. إِنَّ الْحِجَامَةَ تُصِحُّ الْبَدْنَ، وَتَشُدُّ الْعَقْلَ.
2. وَالطَّيِّبُ فِي الشَّارِبِ مِنْ أَخْلَاقِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَكَرَامَةٌ لِلْكَاتِبِينَ.
3. وَالسَّوَاكُ مَرْضَاةٌ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَسُنَّةُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَطْيِبَةٌ لِلْفَمِ.
4. وَالذَّهْنُ يُلَيِّنُ الْبَشْرَةَ، وَيَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ، وَيُسَهِّلُ مَجَارِيَ الْمَاءِ، وَيُذْهِبُ الْقَشْفَ (1)، وَيُسْفِرُ اللَّوْنَ.
5. وَعَسَلَ الرَّأْسِ يَذْهَبُ بِالذَّرَنِ (2)، وَيَنْفِي الْقَذَاءَ (3).
6. وَالْمُضْمَصَةَ وَالِاسْتِنشَاقَ سُنَّةٌ، وَطَهْوْرُ لِفَمٍ وَالْأَنْفِ.
7. وَالسَّعُوطُ (4) مَصْحَةٌ لِلرَّأْسِ، وَتَنْقِيَةٌ لِلْبَدَنِ وَسَائِرِ أَوْجَاعِ الرَّأْسِ.
8. وَالنُّورَةُ نُشْرَةٌ (5)، وَطَهْوْرٌ لِلْجَسَدِ.

ص:234

-
- 1- . الْقَشْفُ: قَدْرُ الْجِلْدِ، وَرِثَاةُ الْهَيْئَةِ، وَسُوءُ الْحَالِ. وَيُسْفِرُ اللَّوْنَ: أَيِ يَضِيئُهُ (مجمع البحرين: 506/3).
 - 2- . الذَّرَنُ: الْوَسْخُ (القاموس المحيط: 221/4).
 - 3- . الْقَذَاءُ: مَمْدُودٌ، وَفِي الْبَحَارِ: الْقَذَا مَقْصُورًا، وَعَنْ التَّحْفِ: الْأَقْدَارُ بَدَلُ الْقَذَا، وَفِي الْمَجْمَعِ: الْقَذَا - بِالْفَتْحِ وَالْقَصْرِ -: مَا يَقَعُ فِي الْعَيْنِ وَالشَّرَابِ مِنْ تَرَابٍ أَوْ تَبْنٍ أَوْ وَسْخٍ... وَفِيهِ «غَسَلَ الرَّأْسَ بِالْخَطْمِيِّ يَنْفِي الْأَقْدَارَ» يَعْنِي الْأَوْسَاخَ الَّتِي فِي الرَّأْسِ.
 - 4- . السَّعُوطُ: مَا يُجْعَلُ مِنَ الدَّوَاءِ فِي الْأَنْفِ (النهاية: 368/2).
 - 5- . النُّشْرَةُ - بَضْمِ النَّوْنِ -: رُقِيَّةٌ يَعْالَجُ بِهَا الْمَجْنُونُ وَالْمَرِيضُ. وَالْمُرَادُ أَنَّ النُّورَةَ رُقِيَّةٌ تَدْفَعُ الدَّاءَ وَتَذْهَبُ بِالْهَمُومِ. أَوْ النُّشْرَةُ بِمَعْنَى النِّشَاطِ وَالسَّرُورِ، فَالْمَعْنَى أَنَّ النُّورَةَ تُوْرَثُ السَّرُورَ، وَهُوَ الْأَقْوَى.

3982. ابو بصیر و محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند آن حضرت از پدراناش نقل کرده اند که امیرالمؤمنین علیه السلام در يك مجلس چهارصد باب علم را که برای دین و دنیای مسلمان مفید است به یارانش آموخت.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

1. حجامت کردن بدن را سلامت و عقل را تقویت می کند.
2. عطر زدن به شارب [سبیل] از اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله و گرامی داشتن نویسندگان [اعمال] است.
3. مسواک زدن موجب خشنودی خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و پاک کننده دهان است.
4. روغن زدن [کریم زدن] پوست را لطیف و عقل را زیاد می کند. و مجرای آب را روان [روزنه های پوست را برای جریان آب باز می کند] و سختی پوست را بر طرف و رنگ پوست را روشن می گرداند.
5. شستن سر آلودگی و کثافت را برطرف می کند.
6. مضمضه [آب در دهان گرداندن] و استنشاق [آب در بینی گرداندن] مستحب است، و دهان و بینی را پاک می کند.
7. سعوط [نوعی داروی تنفسی است] موجب سلامتی سر و پاکیزگی بدن و سائر دردهای سر می شود.
8. نوره [موبر] نشاط آور و پاک کننده بدن است.

9. وَاسْتِجَادَةَ الْجِدَاءِ وَقَايَةَ لِلْبَدَنِ، وَعَوْنَ عَلَى الطَّهْوَرِ وَالصَّلَاةِ.

10. وَتَقْلِيمَ الْأَظْفَارِ يَمْنَعُ الدَّاءَ الْأَعْظَمَ، وَيُدِيرُ الرِّزْقَ وَيُورِدُهُ.

11. وَتَنْفَ الْإِبْطِ يَنْفِي الرَّايِحَةَ الْمُنْكَرَةَ، وَهُوَ طَهْوَرٌ وَسُنَّةٌ مِمَّا أَمَرَ بِهِ الطَّيِّبُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

12. غَسَلَ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَبَعْدَهُ زِيَادَةٌ فِي الرِّزْقِ، وَإِمَاطَةُ لِلْغَمْرِ عَنِ الثِّيَابِ، وَيَجْلُو الْبَصَرَ.

13. قِيَامُ اللَّيْلِ مَصْحَحَةٌ لِلْبَدَنِ، وَمَرْضَاةٌ لِلرَّبِّ عِزٌّ وَجَلٌّ، وَتَعَرُّضٌ لِلرَّحْمَةِ، وَتَمَسُّكٌ بِأَخْلَاقِ النَّبِيِّينَ.

14. أَكَلَ التُّفَّاحِ نَضُوحٌ (1) لِلْمَعِدَةِ.

15. وَمَضْغُ اللَّبَانِ يَشُدُّ الْأَضْرَاسَ، وَيَنْفِي الْبَلْغَمَ، وَيَذْهَبُ بِرِيحِ الْفَمِ.

16. الْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ أَسْرَعُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ فِي الْأَرْضِ.

17. أَكَلَ السَّفْرَجَلِ قُوَّةٌ لِلْقَلْبِ الضَّعِيفِ، وَيُطَيِّبُ الْمَعِدَةَ، وَيَزِيدُ فِي قُوَّةِ الْفُؤَادِ، وَيُشَجِّعُ الْجَبَانَ، وَيُحَسِّنُ الْوَالِدَ.

18. أَكَلَ إِحْدَى وَعِشْرِينَ زَبِيئَةً حَمْرَاءَ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَلَى الرِّيقِ يَدْفَعُ جَمِيعَ الْأَمْرَاضِ إِلَّا مَرَضَ الْمَوْتِ.

19. يُسْتَحَبُّ لِلْمُسْلِمِ أَنْ يَأْتِيَ أَهْلَهُ أَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ؛ لِقَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفْتُ إِلَى نِسْأَلِ كُمْ»، وَالرَّفْتُ الْمَجَامَعَةُ.

20. وَلَا تَخْتَمُوا بِغَيْرِ الْفِضَّةِ؛ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: مَا طَهَّرْتَ يَدَّ فِيهَا خَاتَمَ حَدِيدٍ.

21. وَمَنْ نَقَشَ عَلَى خَاتَمِهِ اسْمَ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ فَلْيُحَوِّلْهُ عَنِ الْيَدِ الَّتِي يَسْتَنْجِي بِهَا فِي الْمُتَوَضُّئِ.

22. إِذَا نَظَرَ أَحَدُكُمْ فِي الْمِرْآةِ فَلْيَقُلْ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنِي فَأَحْسَنَ خَلْقَتِي، وَصَوَّرَنِي فَأَحْسَنَ صَوْرَتِي، وَزَانَ مِنِّي مَا شَانَ مِنْ غَيْرِي، وَأَكْرَمَنِي بِالْإِسْلَامِ.

ص: 236

1- . النَّضُوحُ - بِالْحَاءِ الْمَهْمَلَةِ -: ضَرْبٌ مِنَ الطَّيِّبِ يَفُوحُ رَائِحَتَهُ، وَلَعَلَّ الْمُرَادَ أَنَّ التُّفَّاحَ يَطْبِيبُ الْمَعِدَةَ. وَيَحْتَمَلُ أَنْ يَكُونَ بِالْخَاءِ الْمَعْجَمَةَ بِمَعْنَى الْغَسْلِ وَالْإِزَالَةَ؛ أَيِ التُّفَّاحِ يَغْسِلُ الْمَعِدَةَ وَيُزِيلُ مَا فِيهَا مِنَ الْأَذَى.

9. کفش راحت بدن را حفظ می کند. و کمک برای طهارت و نماز است.

10. گرفتن ناخن ها از بیماری های شدید جلوگیری می کند. و روزی را برکت و توسعه می دهد.

11. تراشیدن موی زیر بغل بوی بد را می برد و پاکی و سستی است که طیب علیه السلام به آن امر فرموده است.

12. شستن دستها قبل و بعد از غذا روزی را زیاد و آلودگی را از لباس دور و قدرت بینایی را بهتر می کند.

13. نماز شب موجب سلامتی بدن و خشنودی پروردگار و جلب رحمت و آراستن به اخلاق پیامبران است.

14. خوردن سیب معده را شستشو می دهد.

15. مکیدن کندر دندانها را محکم کرده. و بلغم را برطرف و بوی دهان را می برد.

16. نشستن در مسجد بعد از طلوع فجر تا طلوع خورشید از سفر کردن برای بدست آوردن روزی سودمندتر است.

17. خوردن گلابی قلب ضعیف را تقویت و معده را پاک و نیروی فکر را زیاد می کند. و به ترسو شجاعت می دهد. و فرزند [زن باردار] را زیبا می گرداند.

18. خوردن بیست و یک عدد کشمش سرخ هر روز ناشتا [قبل از خوردن هر چیز] همه بیماریها را دفع می کند جز مرگ.

19. برای مسلمان مستحب است که شب اول رمضان با همسرش نزدیکی کند چون خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «شبِ رمضان رفت با همسرانتان حلال گردیده است». رفت یعنی نزدیکی.

20. جز انگشتر نقره بدست نکنید. زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: دستی که انگشتری آهنی دارد پاک نمی گردد.

21. کسی که روی انگشترش نام الله را حک کرده است آن را از دستی که استنجاء [پاک کردن بدن از ادرار یا مدفوع] می کند بیرون آورد.

22. کسی که به آینه نگاه می کند بگوید: ستایش خدای را که مرا آفرید و خلقت مرا نیکو گردانید. و صورتگری کرد و صورت مرا نیکو گردانید. و عیبهای دیگران را از من دور گردانید. و مرا با اسلام گرامی داشت.

23. لِيَتَزَيَّنَ أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ إِذَا أَتَاهُ كَمَا يَتَزَيَّنُ لِلْغَرِيبِ الَّذِي يُحِبُّ أَنْ يَرَاهُ فِي أَحْسَنِ الْهَيْئَةِ.
24. وَصَوْمُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ؛ أَرْبَعَاءَ بَيْنَ خَمْسِينَ، وَصَوْمُ شَعْبَانَ، يَذْهَبُ بِوَسْوَسَةِ الصُّدُورِ وَبِلَابِلِ (1) الْقَلْبِ.
25. وَالِاسْتِنْجَاءُ بِالْمَاءِ الْبَارِدِ يَقَطِّعُ الْبَوَاسِيرَ.
26. وَغَسْلُ الثِّيَابِ يَذْهَبُ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ، وَهُوَ طَهُورُ الصَّلَاةِ.
27. (وَلَا تَنْفُوا خ ل) لَا يَنْتَفِ السَّيْبُ؛ فَإِنَّهُ نُورُ الْمُسْلِمِ.
28. وَمَنْ شَابَ شَيْبَتَهُ فِي الْإِسْلَامِ كَانَتْ لَهُ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.
29. لَا يَنَامُ الْمُسْلِمُ وَهُوَ جُنُبٌ.
30. وَلَا يَنَامُ إِلَّا وَهُوَ عَلَى طَهْرٍ، فَإِنْ لَمْ يَجِدِ الْمَاءَ فَلْيَتَيَمَّمْ بِالصَّعِيدِ؛ فَإِنَّ رُوحَ الْمُؤْمِنِ تُرْفَعُ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، فَيَقْبَلُهَا وَيُبَارِكُ عَلَيْهَا، فَإِنْ كَانَ أَجْلُهَا قَدْ حَضَرَ جَعَلَهَا فِي كُنُوزِ رَحْمَتِهِ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ أَجْلُهَا قَدْ حَضَرَ بَعَثَ بِهَا مَعَ أَمْنَائِهِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ فَيُرِدُّونَهَا فِي جَسَدِهِ.
31. لَا يَنْفُلُ الْمُؤْمِنُ فِي الْقِبْلَةِ؛ فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ نَاسِيًا فَلْيَسْتَغْفِرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ.
32. لَا يَنْفُخُ الرَّجُلُ فِي مَوْضِعِ سُجُودِهِ.
33. وَلَا يَنْفُخُ فِي طَعَامِهِ، وَلَا فِي شَرَابِهِ، وَلَا فِي تَعْوِيدِهِ (2).
34. لَا يَنَامُ الرَّجُلُ عَلَى الْمَحَجَّةِ (3).
35. وَلَا يَبُولَنَّ فِي سَطْحٍ فِي الْهَوَاءِ.
36. وَلَا يَبُولَنَّ فِي مَاءٍ جَارٍ، فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَأَصَابَهُ شَيْءٌ فَلَا يَلُومَنَّ الْإِنْفُسَةَ؛ فَإِنَّ لِلْمَاءِ أَهْلًا، وَلِلْهَوَاءِ أَهْلًا.

ص: 238

- 1- . البلايل: وسواس الصدر (لسان العرب: 69/11).
- 2- . لعَلَّ النفخ في التعويد إشارة إلى النفث في العقد، وهو من السحر؛ أي أنّ المؤمن لا يعمل السحر، بل ولا ما يشبهه.
- 3- . المحجّة: جادة الطريق (النهاية: 301/4).

23. هر کدام از شما هنگامی که نزد برادر مسلمان خود می رود خود را چنان بیاراید که برای ناآشنا [میهمان] می آراید، و دوست دارد به بهترین صورت دیده شود.
24. روزه گرفتن سه روز در هر ماه: پنج شنبه اول هر ماه، چهارشنبه وسط هر ماه و پنج شنبه آخر ماه، و روزه ماه شعبان و سوسه قلبها و سواس سینه ها را از بین می برد.
25. استنجاء [شستن محل نجاست پس از مدفوع] با آب سرد بواسیر را برطرف می کند.
26. شستن لباس غم و اندوه را می برد و طهارت برای نماز است.
27. موی صورتتان را نکنید چون ریش نور [چهره] مسلمان است.
28. کسی که جوانی خود را در اسلام سپری کرده و پیر شود برای او نوری در قیامت خواهد بود.
29. مسلمان در حال جنابت نمی خوابد [قبل از خواب یا غسل کند یا وضو بگیرد یا تیمم نماید].
30. [مسلمان] بدون طهارت نمی خوابد و اگر آب نیافت با خاک تیمم کند. زیرا روح مؤمن بسوی خداوند بالا برده می شود و خداوند آن را قبول کرده و مبارك می گرداند و اگر اجل او برسد روحش را در گنجینه های رحمت خود قرار می دهد. و اگر مرگ او فرا نرسیده باشد روح او را بوسیله فرشتگان امین خود به جسم او بر می گرداند.
31. مؤمن به طرف قبله آب دهان نیندازد. و اگر از روی فراموشی چنین کرد استغفار کند.
32. کسی محل سجده خود را فوت نکند.
33. کسی در غذا و آشامیدنی و نیز در حرز خود ندمد.
34. کسی در جاده [محل تردد مردم] نخوابد.
35. هرگز از پشت بام به طرف هوا ادرار نکنند.
36. کسی در آب جاری ادرار نکند. اگر چنین کرد و گرفتاری برایش پیش آمد جز خودش را سرزنش نکند. زیرا در آب و در هوا موجوداتی زندگی می کنند.

37. لَا يَنَامُ الرَّجُلُ عَلَى وَجْهِهِ ، وَمَنْ رَأَيْتُمُوهُ نَائِمًا عَلَى وَجْهِهِ فَانْبَهُوهُ فَلَا تَدْعُوهُ.

38. وَلَا يَقَوْمَنَّ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ مُتْكَاسِلًا وَلَا نَاعِسًا.

39. وَلَا يُفَكِّرَنَّ فِي نَفْسِهِ ؛ فَإِنَّهُ بَيْنَ يَدَي رَّبِّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ ، وَإِنَّمَا لِلْعَبْدِ مِنْ صَلَاتِهِ مَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ مِنْهَا بِقَلْبِهِ .

40. كُلُوا مِمَّا يَسْقُطُ مِنَ الْخِوَانِ ؛ لِأَنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ يَأْذِنُ اللَّهُ عِزٌّ وَجَلٌّ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَسْتَشْفِيَ بِهِ .

41. إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ طَعَامًا فَمَضَّ أَصَابِعَهُ الَّتِي بِهَا أَكَلَ قَالَ اللَّهُ عِزٌّ وَجَلٌّ : بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ .

42. الْبَسُوا (ثِيَابَ خ ل) الثِّيَابِ الْقِطْنِ ؛ فَإِنَّهَا لِيَبَاسُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَلَمْ يَكُنْ يَلْبَسُ الشَّعْرَ وَالصُّوفَ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ ، وَقَالَ : إِنَّ اللَّهَ عِزٌّ وَجَلٌّ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ ، وَيُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَى عَبْدِهِ .

43. صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَلَوْ بِالسَّلَامِ ، يَقُولُ اللَّهُ عِزٌّ وَجَلٌّ : «وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ يَ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» .

44. لَا تَقْطَعُوا نَهَارَكُمْ بِكَذَا وَكَذَا ، وَفَعَلْنَا كَذَا وَكَذَا ، فَإِنَّ مَعَكُمْ حَفِظَةً يَحْفَظُونَ عَلَيْنَا وَعَلَيْكُمْ .

45. اذْكُرُوا اللَّهَ فِي كُلِّ مَكَانٍ ؛ فَإِنَّهُ مَعَكُمْ .

46. صَلُّوا عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عِزٌّ وَجَلٌّ يَقْبَلُ دُعَاءَكُمْ عِنْدَ ذِكْرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَدَعَائِكُمْ لَهُ وَحِفْظِكُمْ إِيَّاهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

47. أَقْرُوا الْحَارَّ حَتَّى يَبْرُدَ ؛ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا قُرِبَ إِلَيْهِ طَعَامٌ قَالَ : أَقْرُوهُ حَتَّى يَبْرُدَ وَيُمْكِنَ أَكْلُهُ ، مَا كَانَ اللَّهُ عِزٌّ وَجَلٌّ لِيُطْعِمَنَا النَّارَ ، وَالْبَرَكَةُ فِي الْبَارِدِ .

48. إِذَا بَالَ أَحَدُكُمْ فَلَا يُطْمَحَنَّ (1) بِبَوْلِهِ ، وَلَا يَسْتَقْبِلُ بِبَوْلِهِ الرِّيحَ .

49. عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ مَا يَنْفَعُهُمُ اللَّهُ بِهِ ، لَا يَغْلِبُ عَلَيْهِمُ الْمُرْجَةُ بِرَأْيِهَا .

ص: 240

1- . أي يرفع بوله ويرمي به في الهواء، يقال: طمخ بصره إلى الشيء: ارتفع. وأطمخ فلان بصره: رفعه (مجمع البحرين: 60/3).

37. کسی به صورت روی زمین نخوابد. و اگر کسی را دیدید که به صورت خوابیده است بیدارش کنید. و او را رها نکنید.

38. هیچ يك از شما كسل و بی حال و خواب آلوده به نماز نایستد.

39. [کسی در حال نماز] به خود نیندیشد چون او در برابر پروردگارش ایستاده است. و بنده از نمازش فقط بمقدار حضور قلبش بهره می برد.

40. آنچه از سفره می افتد بخورید. زیرا با اذن خداوند در آن شفای هر بیماری است برای کسی که آن را به قصد شفا بخورد.

41. هنگامی که شما پس از غذا، انگشتانی را که با آن غذا خورده اید بمکید خداوند متعال گوید: خدا بر تو مبارك گردانید.

42. لباسهای پنبه ای بپوشید. زیرا آن لباس رسول الله صلی الله علیه و آله است. و آن حضرت لباس پشمی یا موئین [لباسی که از موی بز تهیه شده است] را فقط هنگام بیماری می پوشیدند. و فرمودند:

خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد. و دوست دارد آثار نعمتش را بر بنده اش ببیند.

43. با خویشاوندان رابطه برقرار کنید حتی با يك سلام. خداوند می فرماید: «پروا داشته باشید از خداوندی که از او درخواست می کنید و خویشاوندان خود [از قطع رابطه با خویشاوندان پرهیز کنید]. همانا خداوند مراقب شماست» [سوره نساء آیه 1].

44. روز خود را به خود ستایی و به رخ کشیدن کارها نگذرانید. زیرا همراه شما فرشتگان محافظ هستند که رفتار ما و شما را ضبط می کنند.

45. خداوند را در هر مکان به یاد داشته باشید. زیرا او با شماست.

46. بر محمد و آل او صلوات فرستید. زیرا خداوند دعای شما را می پذیرد هنگامی که محمد و آل او را یاد کنید و برای او دعا کنید و حق او را رعایت نمایید. [اللهم صل علی محمد و آل محمد]

47. غذای داغ را بگذارید سرد شود. [سپس میل نمایید.] زیرا هر وقت برای رسول الله صلی الله علیه و آله غذا می آوردند، حضرت می فرمود: بگذارید سرد شود تا میل کردن آن ممکن شود. خداوند نمی خواهد به ما آتش بخوراند. و برکت در سرد است. [غذایی که سرد شده باشد.]

48. هنگامی که ادرار می کنید آن را بطرف هوا پرتاب نکنید. و رو به طرف باد ادرار نکنید.

49. به فرزندانان چیزهایی را بیاموزید که خداوند بوسیله آنها به آنان نفع می رساند. [عقاید صحیح به آنان بیاموزید.] تا مرجئه [کسانی که عقاید فاسد دارند] با افکارشان بر فرزندان شما غلبه نکنند.

50. كُفُّوا السِّنِّتَكُمْ.

51. وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا تَعْتَمُوا.

52. أَدُّوا الْأَمَانَةَ إِلَى مَنِ اتَّمَنَّاكُمْ، وَلَوْ إِلَى قَتْلَةِ أَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

53. أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا إِذَا دَخَلْتُمُ الْأَسْوَاقَ، وَعِنْدَ اسْتِغَالِ النَّاسِ؛ فَإِنَّهُ كَفَّارَةٌ لِلذُّنُوبِ، وَزِيَادَةٌ لِلْحَسَنَاتِ، وَلَا تُكْتَبُوا مِنْ (فِي خ ل) الْغَافِلِينَ.

54. لَيْسَ لِلْعَبْدِ أَنْ يَخْرُجَ إِلَى سَفَرٍ إِذَا حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ؛ لِقَوْلِ اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا: «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ».

55. لَيْسَ فِي شُرْبِ الْمُسْكِرِ وَالْمَسْحِ عَلَى الْخُقَيْنِ تَقِيَّةٌ.

56. أَيَّاكُمْ وَالْعُلُوِّ فِينَا، قُولُوا: إِنَّا عِبِيدٌ مَرْبُوبُونَ، وَقُولُوا فِي فَضْلِنَا مَا سِئْتُمْ.

57. مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا وَلْيَسْتَعِنِ بِالْوَرَعِ؛ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ مَا يُسْتَعَانُ بِهِ فِي أُمُورِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

58. لَا تَجَالِسُوا لَنَا عَائِيًّا، وَلَا تَمَدِّحُوا بِنَا عِنْدَ عَدُوِّنَا مُعْلِنِينَ بِإِظْهَارِ حُبِّنَا؛ فَتُدَلُّوا أَنْفُسَكُمْ عِنْدَ سُلْطَانِكُمْ.

59. الرِّمُوا الصَّدَقَ؛ فَإِنَّهُ مَنجَاةٌ.

60. وَارْغَبُوا فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا.

61. وَاطْلُبُوا طَاعَتَهُ.

62. وَاصْبِرُوا عَلَيْهَا.

63. فَمَا أَقْبَحَ بِالْمُؤْمِنِ أَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ وَهُوَ مَهْتُوكُ السِّتْرِ.

64. لَا تَعْتُونَا (1) فِي طَلْبِ الشَّفَاعَةِ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا قَدَّمْتُمْ.

65. لَا تَقْضَحُوا أَنْفُسَكُمْ عِنْدَ عَدُوِّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَلَا تُكْذِّبُوا أَنْفُسَكُمْ عِنْدَهُمْ فِي مَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَ اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا بِالْحَقِيرِ مِنَ الدُّنْيَا.

ص: 242

1- . عنى بحاجة: أي اهتم بها من يعينني أمره، أي يهمني؛ أي لاتجعلونا في هم طلب الشفاعة لكم. وفي البحار «في الطلب والشفاعة لكم» أو لا تكلفونا بالشفاعة.

50. زبان خود را نگه دارید.

51. خوب سلام کنید [و یا کاملاً تسلیم باشید] تا غنیمت ببرید.

52. امانت را به کسی که شما را امین قرار داده است برگردانید. حتی به قاتلان فرزندان پیامبران علیهم السلام.

53. ذکر خدا را زیاد تکرار کنید، هنگامی که وارد بازار می شوید و هنگامی که مردم [به دنیا] مشغولند. زیرا ذکر خدا کفاره گناهان است. و به حسنات می افزاید. [و در این صورت] از غفلت زدگان نخواهید شد.

54. وقتی ماه رمضان رسید کسی به سفر نرود [از سفرهای غیر لازم پرهیز شود]. چون خداوند فرموده است: «کسی که ماه رمضان را درك کرد آن را روزه بگیرد».

55. در شراب خواری و مسح کردن از روی کفش [هنگام وضو] تقیه جایز نیست.

56. از غلو کردن درباره ما اجتناب کنید. بگویید: ما [امامان علیهم السلام] بنده خدا هستیم و پروردگار داریم. آنگاه در فضائل ما هر چه خواستید بگوئید.

57. کسی که ما را دوست دارد مثل ما رفتار کند. و از تقوا یاری بگیرد. زیرا تقوا بهترین چیزی است که از آن برای امور دنیا و آخرت یاری گرفته می شود.

58. در مجالس عیب جوئی از ما شرکت نکنید. و در حضور دشمنان ما محبت به ما را با ستایش ما آشکار نکنید. تا خود را نزد سلاطین دلیل کنید.

59. همیشه راست بگوئید. زیرا وسیله نجات است.

60. به آنچه نزد خداست رغبت جوئید.

61. اطاعت خداوند را طلب کنید.

62. در اطاعت خداوند صبر داشته باشید.

63. چقدر برای مؤمن زشت است در حالی وارد بهشت شود که پوششی نداشته باشد.

64. [در آنچه انجام می دهید] و پیش می فرستید ما را برای شفاعتتان در روز قیامت به زحمت نیاندازید.

65. خود را نزد دشمنانتان در قیامت رسوا نکنید. و درباره جایگاه خود نزد خداوند برای امور حقیر دنیا خویش را نزد دشمنان دروغگو نکنید. [مقام و منزلت خود نزد خداوند را با امور بی ارزش دنیا عوض نکنید].

66. تَمَسَّكُوا بِمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ بِهِ؛ فَمَا بَيْنَ أَحَدِكُمْ وَبَيْنَ أَنْ يُغْتَبَطَ وَيَرَى مَا يُحِبُّ إِلَّا أَنْ يَحْضُرَهُ رَسُولُ اللَّهِ (1) صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى، وَتَأْتِيهِ الْبَشَارَةُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَتَقَرُّ عَيْنُهُ، وَيُحِبُّ لِقَاءَ اللَّهِ.

67. وَلَا تُحَقِّقُوا ضَعْفَاءَ إِخْوَانِكُمْ؛ فَإِنَّهُ مَنِ احْتَقَرَ مُؤْمِنًا لَمْ يَجْمَعْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بَيْنَهُمَا فِي الْجَنَّةِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ.

68. لَا يَكْلُفُ الْمُؤْمِنُ (2) أَخَاهُ الْطَّلَبَ إِلَيْهِ إِذَا عَلِمَ حَاجَتَهُ.

69. تَوَازَرُوا وَتَعَاطَفُوا وَتَبَادَلُوا (وَتَبَادَلُوا خ ل)، وَلَا تَكُونُوا بِمَنْزِلَةِ الْمُنَافِقِ الَّذِي يَصِفُ مَا لَا يَفْعَلُ.

70. تَزَوَّجُوا؛ فَإِنَّ التَّزْوِيجَ سُنَّةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِنَّهُ كَثِيرًا مَا كَانَ يَقُولُ: مَنْ كَانَ يُحِبُّ أَنْ يَتَّبِعَ سُنَّتِي فَلْيَتَزَوَّجْ؛ فَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي التَّزْوِيجَ.

71. وَاطْلُبُوا الْوَلَدَ فَإِنِّي أَكْثَرُ بِكُمْ الْأُمَمَ غَدًا، وَتَوَقَّوْا عَلَى أَوْلَادِكُمْ لَبَنَ الْبَغِيِّ مِنَ النِّسَاءِ وَالْمَجْنُونَةِ؛ فَإِنَّ اللَّبَنَ يُعْدي.

72. تَتَزَّهُوا عَنْ أَكْلِ الطَّيْرِ الَّذِي لَيْسَتْ لَهُ قَانِصَةٌ (3) وَلَا صَيْصِيَةٌ (4) وَلَا حَوْصَلَةٌ (5).

73. وَانْتَقُوا كُلَّ ذِي نَابٍ مِنَ السَّبَاعِ، وَذِي مَخْلَبٍ مِنَ الطَّيْرِ.

74. وَلَا تَأْكُلُوا الطَّحَالَ؛ فَإِنَّهُ يُنْبِتُ الدَّمَ الْفَاسِدَ.

75. لَا تَلْبَسُوا السَّوَادَ؛ فَإِنَّهُ لِيَأْسُ فِرْعَوْنَ.

76. انْتَقُوا الْغُدَدَ مِنَ اللَّحْمِ؛ فَإِنَّهُ يُحَرِّكُ عِرْقَ الْجُدَامِ.

77. لَا تَقْيِسُوا الدِّينَ؛ فَإِنَّ مِنَ الدِّينِ مَا لَا يُقَاسُ، وَسَيِّئَاتِي أَقْوَامٌ مَقْيِسُونَ (6) فَهُمْ أَعْدَاءُ الدِّينِ، وَأَوَّلُ مَنْ قَاسَ إِبْلِيسُ لَعْنَهُ اللَّهُ.

ص: 244

1- يعني الموت أو الملك الموكَّل به.

2- أي يبادر إلى حاجته حين علم، ولا يكلفه الطلب إليه.

3- القانصة للطير كالمعدة للإنسان، وفي الاقرب عن التهذيب: القانصة: هنة كأنها حجير في بطن الطائر.

4- الصيصية: شوكة في رجل الطائر كالإصبع الزائد في الإنسان.

5- الحوصلة: من الطائر بمنزلة المعدة للإنسان يجتمع فيه الحب عند الحلق.

6- في البحار: «يقيسون».

66. به آنچه خداوند امر فرموده دست یازید. و آنچه را که یکی از شما انجام می دهد و دیگری به آن غبطه می برد و دوست دارد، رسول الله صلی الله علیه و آله حاضر می کند. و آنچه نزد خداوند است نیکو و پایدار است و از سوی خداوند بشارت می رسد و او شاد می شود و لقاء الله را دوست می دارد.

[کسی که به کار خیر دیگران غبطه بخورد، از ثواب آن کار بهره می برد. و شادمان می شود.]

67. دوستان ضعیف خود را تحقیر نکنید. زیرا کسی که مؤمنی را تحقیر کند خداوند آن دو را با هم به بهشت نمی برد مگر اینکه توبه کند.

68. مؤمن، نیاز برادر دینی خود را قبل از آنکه خجالت و زحمت درخواست را تحمل کند برطرف می کند [یعنی نمی گذارد از او درخواست کند و قبل از درخواست نیازش را برطرف می کند].

69. بار یکدیگر را بردارید. [در کارهای سخت به همدیگر کمک کنید.] و به یکدیگر مهرورزی بخشش کنید. و همانند منافق نباشید که کاری که نکرده است را توصیف می کند.

70. ازدواج کنید، زیرا ازدواج سنت رسول الله صلی الله علیه و آله است. و آن حضرت بسیار می فرمودند:

کسی که دوست دارد از سنت من پیروی کند ازدواج کند زیرا ازدواج از سنت من است.

71. [و فرمود:] فرزند طلب کنید [زاد و ولد نمایید.] زیرا فردا [قیامت] من در میان امتهای دیگر به شما افتخار می کنم. فرزندان خود را از خوردن شیر زن فاسد و دیوانه بر حذر دارید. چون شیر [خصلت ها را] انتقال می دهد.

72. از خوردن پرندگان که سنگدان و خار زائد در پا و چینه دان ندارند پرهیز کنید.

73. از خوردن [گوشت] حیواناتی درنده که دندان نیش دارند و پرندگانی که چنگال دارند پرهیز کنید.

74. طحال [سپرز] نخورید. زیرا خون فاسد [سرطان خون] تولید می کند.

75. لباس سیاه نپوشید. چون لباس فرعون است.

76. غده های درون گوشت را نخورید. چون عرق جذام [بیماری خوره] را تحریک می کند.

77. در دین قیاس نکنید. زیرا اموری از دین قابل قیاس نیست و بزودی گروههایی می آیند که قیاس می کنند آنان دشمنان دین هستند. و اولین کسی که قیاس کرد شیطان بود.

78. لا تَتَّخِذُوا الْمَلْسَ (1)؛ فَإِنَّهُ حِذَاءُ فِرْعَوْنَ، وَهُوَ أَوَّلُ مَنْ حَذَا الْمَلْسَ.

79. خَالِفُوا أَصْحَابَ الْمُسْكِرِ.

80. وَكُلُوا التَّمْرَ؛ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنَ الْأَدْوَاءِ.

81. وَاتَّبِعُوا قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِنَّهُ قَالَ: مَنْ فَتَحَ عَلَى نَفْسِهِ بَابَ مَسْأَلَةٍ فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَابَ فَقْرٍ.

82. أَكْثَرُوا الْإِسْتِغْفَارَ تَجَلَّبُوا الرِّزْقَ.

83. قَدِّمُوا مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ عَمَلِ الْخَيْرِ تَجِدُوهُ غَدًا.

84. إِيَّاكُمْ وَالْجِدَالَ؛ فَإِنَّهُ يورثُ الشَّكَّ.

85. مَنْ كَانَ لَهُ إِلَى رَبِّهِ عِزٌّ وَجَلُّ حَاجَةٌ فَلْيَطْلُبْهَا فِي ثَلَاثِ سَاعَاتٍ: سَاعَةٍ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ، وَسَاعَةٍ تَزُولُ الشَّمْسُ، وَحِينَ تَهَبُّ الرِّيَّاحُ وَتُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَتَنْزِلُ الرَّحْمَةُ وَيُصَوِّتُ الطَّيْرُ، وَسَاعَةٍ فِي آخِرِ اللَّيْلِ عِنْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ؛ فَإِنَّ مَلَكَيْنِ يُنَادِيَانِ: هَلْ مِنْ تَائِبٍ يُتَابُ عَلَيْهِ؟ هَلْ مِنْ سَائِلٍ يُعْطَى؟ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ يُغْفَرُ لَهُ؟ هَلْ مِنْ طَالِبٍ حَاجَةٍ فَتَمْتَضِي لَهُ، فَأَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ.

86. وَاطْلُبُوا الرِّزْقَ فِيمَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ؛ فَإِنَّهُ أُسْرِعُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ فِي الْأَرْضِ، وَهِيَ السَّاعَةُ الَّتِي يُقَسِّمُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلًّا فِيهَا الرِّزْقَ بَيْنَ عِبَادِهِ.

87. انْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ انْتَظَارُ الْفَرَجِ مَا دَامَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ.

88. تَوَكَّلُوا عَلَى اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا عِنْدَ رُكْعَتَيْ الْفَجْرِ إِذَا صَلَّى تَمَوَّهًا؛ فَفِيهَا تُعْطَى الرَّغَائِبُ.

89. لَا تَخْرُجُوا بِالسُّيُوفِ إِلَى الْحَرَمِ.

90. وَلَا يُصَلِّينَ أَحَدُكُمْ وَبَيْنَ يَدَيْهِ سَيْفٌ؛ فَإِنَّ الْقِبْلَةَ أَمْنٌ.

ص: 246

1- . الملس كما في الخصال، أو الملسن كما في البحار. وفي النهاية: وفيه «إِنَّ نَعْلَهُ كَانَتْ مَلْسَنَةً» أي كانت دقيقة على شكل اللسان. وقيل هي التي جعل لها لسان ولسانها الهذّة الناتئة في مقدمها. وفي المجمع: «لا تَتَّخِذُوا الْمَلْسَ فَإِنَّهُ حِذَاءُ فِرْعَوْنَ» لعل المراد غير المخصّرة وهي التي تحتها تمسّ الأرض بخلاف المخصّرة.

78. کفش نوک تیز نپوشید زیرا کفش فرعون است. و فرعون اولین کسی بود که کفش نوک تیز پوشید.

79. با شراب خواران مخالفت کنید.

80. تمر [نوعی خرما است] بخورید. زیرا درمان بیماریهاست.

81. از گفتار رسول الله صلی الله علیه و آله پیروی کنید. ایشان فرمودند: کسی که در خواستن [گدایی] را به روی خود باز کند، خداوند در فقر را به رویش باز می کند.

82. بسیار استغفار کنید تا روزی را جلب کنید.

83. هر چه می توانید کارهای خیر را پیش فرستید. فردا [قیامت] آن را خواهید یافت.

84. از جدال پرهیز کنید. زیرا جدل شك ایجاد می کند.

85. هر کس از پروردگارش حاجتی دارد، آن را در سه ساعت طلب کند: ساعتی در روز جمعه، و ساعت زوال خورشید [هنگام اذان ظهر]، و هنگامی که بادها می وزند. و درهای آسمان باز می شود. و رحمت می بارد. [باران] و پرندگان می خوانند.

و ساعتی در آخر شب نزدیک طلوع فجر [اذان صبح]. در این ساعت دو فرشته ندا می دهند: آیا توبه کننده ای هست تا توبه اش پذیرفته شود؟ آیا فقیری هست تا به او عطا شود؟ آیا استغفار کننده ای هست تا آمرزیده شود؟ آیا حاجت خواهی هست تا برآورده شود؟ پس دعوت منادی خدا را اجابت کنید.

86. بین طلوع فجر تا طلوع خورشید از خدا طلب روزی کنید. زیرا از سفر تجاری برای طلب روزی بهتر است. و آن ساعتی است که خداوند روزی را میان بندگانش تقسیم می کند.

87. در انتظار فرج باشید. و از رحمت خدا ناامید نشوید. زیرا محبوب ترین کار نزد خدا انتظار فرج است تا زمانی که بنده مؤمن در انتظار فرج باشد.

88. هنگام نماز صبح وقتی نماز بجا آوردید به خدا توکل کنید. در آن هنگام خواسته های بسیار و مرغوب عطا می شود.

89. با شمشیر [مسلحانه] وارد حرم [محدوده ای اطراف شهر مکه] نشوید.

90. هیچ کس هنگام نماز شمشیر [اسلحه] جلوی خود نگذارد. زیرا قبله ایمن است.

91. أَلِمُوا(1) بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَجَّكُمْ إِذَا خَرَجْتُمْ إِلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ؛ فَإِنَّ تَرْكَهُ جَفَاءٌ، وَبِذَلِكَ أَمِرْتُمْ.

92. وَأَلِمُوا(2) بِالْقُبُورِ الَّتِي أَلَزَمَكُمْ اللَّهُ حَقَّهَا وَزِيَارَتَهَا، وَاطْلُبُوا الرِّزْقَ عِنْدَهَا.

93. وَلَا تَسْتَصْغِرُوا قَلِيلَ الْآثَامِ؛ فَإِنَّ الْقَلِيلَ يُحْصَى وَيَرْجِعُ إِلَى الْكَثِيرِ.

94. وَأَطِيلُوا السُّجُودَ؛ فَمَا مِنْ عَمَلٍ أَشَدَّ عَلَى إِبْلِيسَ مِنْ أَنْ يَرَى ابْنَ آدَمَ سَاجِدًا؛ لِأَنَّهُ أَمَرَ بِالسُّجُودِ فَعَصَى، وَهَذَا أَمْرٌ بِالسُّجُودِ فَأَطَاعَ فَتَجَا.

95. أَكْثَرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ وَيَوْمَ خُرُوجِكُمْ مِنْ قُبُورِكُمْ وَقِيَامِكُمْ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ؛ تَهْنِ عَلَيْكُمْ الْمَصَائِبُ.

96. إِذَا اشْتَكَى أَحَدُكُمْ عَيْنَيْهِ فَلْيَقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ، وَلْيَضْمِرْ فِي نَفْسِهِ أَنَّهَا تَبْرَأُ؛ فَإِنَّهُ يُعَافَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

97. تَوَقَّوْا الذُّنُوبَ؛ فَمَا مِنْ بَلِيَّةٍ وَلَا نَقْصِ رِزْقٍ إِلَّا بَدَنِبِ، حَتَّى الْخَدَشِ(3) وَالْكَبُوءَةِ وَالْمُصِيبَةِ، قَالَ اللَّهُ عِزِّ وَجَلِّ:

«وَمَا أَصَبَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ»(4).

98. وَادْكُرُوا اللَّهَ عِزِّ وَجَلِّ عَلَى الطَّعَامِ وَلَا تَطْعَمُوا؛ فَإِنَّهَا نِعْمَةٌ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ وَرِزْقٌ مِنْ رِزْقِ اللَّهِ يَجِبُ عَلَيْكُمْ فِيهَا شُكْرُهُ وَحَمْدُهُ.

99. أَحْسِنُوا صُحْبَةَ النَّعَمِ قَبْلَ فِرَاقِهَا؛ فَإِنَّهَا تَزُولُ وَتَشْهَدُ عَلَى صَاحِبِهَا بِمَا عَمِلَ فِيهَا.

100. مَنْ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ بِالْيَسِيرِ مِنَ الرِّزْقِ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْعَمَلِ.

101. إِيَّاكُمْ وَالتَّقْرِيطَ فَتَنَعُ الْحَسْرَةَ حِينَ لَا تَنَفَعُ الْحَسْرَةَ.

102. إِذَا لَقَيْتُمْ عَدُوَّكُمْ فِي الْحَرْبِ فَأَقْلُوا الْكَلَامَ.

103. وَأَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ؛ فَلَا تُؤَلِّهُمُ الْأَدْبَارَ فَتَسْخِطُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ، وَتَسْتَوْجِبُوا غَضَبَهُ، وَإِذَا رَأَيْتُمْ مِنْ إِخْوَانِكُمْ

ص: 248

1- . أَلِمُوا (خ ل) أَي أَلِمُوا حَجَّكُمْ بِزِيَارَتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. وَالْمَوَا أَي أَنْزَلُوا بِهِ بَعْدَ حَجَّكُمْ وَبِالْقُبُورِ.

2- . وَفِي الْبَحَارِ عَطْفًا عَلَى مَا تَقَدَّمَ، وَفِي الْخِصَالِ: «أَلِمُوا».

3- الْخَدَشُ: الْأَثَرُ الَّذِي يَحْدُثُ بِالتَّقَشِيرِ بَعْدَ وَنَحْوِهِ، أَوِ الْجِرْحُ الَّذِي لَا يَسِيلُ دَمُهُ.

4- . الشُّورَى: 30.

91. زمانی که بسوی بیت الحرام رفتید حج خود را با زیارت رسول الله صلی الله علیه و آله کامل کنید. زیرا ترك آن ستم است. و به زیارت آن حضرت مأمور شده اید.
92. به زیارت قبرهای که خداوند حق و زیارت آنها را بر شما واجب گردانید [قبرهای امامان معصوم و حضرت زهرا علیهم السلام] بروید. و در کنار آن طلب رزق کنید.
93. گناهان کم را ناچیز بشمارید. زیرا کم جمع می شود و در نهایت زیاد خواهد شد.
94. سجده ها را طولانی کنید. هیچ کاری برای شیطان سخت تر از این نیست که انسانی را در حال سجده ببیند. زیرا شیطان مأمور به سجده شد و تخلف کرد. [گناه کرد] و این انسان مأمور به سجده شد و اطاعت کرد و نجات یافت.
95. زیاد مرگ و روز خروج از قبر و ایستادن در برابر خداوند متعال را به یاد آورید. [که این یادآوری] مصیبت ها را برای شما آسان می کند.
96. هنگامی که چشمان کسی درد داشت آیه الکرسی را قرائت کند و در ضمیر خود تلقین کنید که خوب خواهد شد. ان شاء الله خداوند عافیت خواهد داد.
97. از گناهان دوری کنید. چون بلا- و کمبود ارزاق در اثر گناه است. [گر چه گناه کوچک باشد] حتی خراش [که به گناه ایجاد شود] و سوختگی و مصیبت. خداوند فرمود: «هر مصیبتی که می بینید نتیجه رفتار خودتان است. و خداوند از بسیاری [از گناهان] عفو می کند».
98. هنگام غذا خوردن نام خدا را ذکر کنید و طغیان نکنید. زیرا غذا نعمتی از نعمت های خدا و رزقی از رزق خداوند است. و شکر و سپاس آن نعمت بر شما واجب است.
99. تا وقتی که از نعمت ها برخوردار هستید قبل از جدا شدن خوب بهره برداری کنید. زیرا نعمت ها از بین می روند. و [در قیامت] به رفتار صاحب نعمت شهادت می دهند.
100. کسی که به نعمت اندک از خداوند خشنود باشد. خداوند از عمل اندک او راضی می شود.
101. از کم کاری و کوتاهی کردن اجتناب کنید. چون دچار حسرت می شوید وقتی که حسرت سودی ندارد.
102. هنگامی که با دشمن خود در جنگ روبرو شدید کم سخن بگویید.
103. بسیار ذکر خدا بگویید. [هنگام جنگ] به دشمن پشت نکنید. [فرار نکنید.] که پروردگارتان را خشمگین می کنید. و مستحق غضب او می شوید. و هنگامی که در جنگ با

فِي الْحَرْبِ الرَّجُلَ الْمَجْرُوحَ أَوْ مَنْ قَدْ نَكَلَ (1) أَوْ مَنْ طَمَعَ عَدُوَّكُمْ فِيهِ فَقُوهُ بِأَنْفُسِكُمْ.

104. اصْطَنِعُوا الْمَعْرُوفَ بِمَا قَدَرْتُمْ عَلَىٰ اصْطِنَاعِهِ؛ فَإِنَّهُ يَبْقَىٰ مِنْ مَصَارِعِ السَّوْءِ.

105. مَنْ أَرَادَ مِنْكُمْ أَنْ يَعْرِفَ كَيْفَ مَنَزَلَتْهُ عِنْدَ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ فَلْيَنْظُرْ كَيْفَ مَنَزَلَتْهُ اللَّهُ مِنْهُ عِنْدَ الذُّنُوبِ، كَذَلِكَ تَكُونُ مَنَزَلَتْهُ عِنْدَ اللَّهِ.

106. مَا يَتَّخِذُ الرَّجُلُ فِي مَنَزَلِهِ لِعِيَالِهِ أَفْضَلَ مِنَ الشَّاةِ؛ فَمَنْ كَانَ فِي مَنَزَلِهِ شَاةٌ قَدَّسَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ كُلَّ يَوْمٍ مَرَّةً، وَمَنْ كَانَ عِنْدَهُ شَاتَانِ قَدَّسَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ مَرَّتَيْنِ فِي كُلِّ يَوْمٍ، وَكَذَا فِي الثَّلَاثِ تَقُولُ:

بُورِكَ فِيكُمْ.

107. إِذَا ضَعُفَ الْمُسْلِمُ فَلْيَأْكُلِ اللَّحْمَ وَاللَّبَنَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عِزٌّ وَجَلٌّ جَعَلَ الْقُوَّةَ فِيهَا.

108. إِذَا أَرَدْتُمْ الْحَجَّ فَتَمَّ دَمُوا فِي شِرَاءِ الْحَوَائِجِ بِبَعْضِ مَا يَقْوِيكُمْ عَلَى السَّفَرِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عِزٌّ وَجَلٌّ يَقُولُ: «وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ وَعُدَّةً».

109. إِذَا جَلَسَ أَحَدُكُمْ فِي الشَّمْسِ فَلْيَسْتَدْبِرْهَا؛ فَإِنَّهَا تُظْهِرُ الدَّاءَ الدَّفِينِ.

110. إِذَا خَرَجْتُمْ حُجَّاجًا إِلَى بَيْتِ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ فَكثُرُوا النَّظَرَ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ لِلَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ مِائَةً وَعِشْرِينَ رَحْمَةً عِنْدَ بَيْتِهِ الْحَرَامِ، مِنْهَا سِتُونَ لِلطَّائِفِينَ، وَأَرْبَعُونَ لِلْمُصَلِّينَ، وَعِشْرُونَ لِلنَّاطِرِينَ. أَقْرُوا عِنْدَ الْمُلتَزِمِ (2) بِمَا حَفِظْتُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَمَا لَمْ تَحْفَظُوا، فَقُولُوا: وَمَا حَفِظْتُهُ عَلَيْنَا حَفِظْتُكَ وَنَسِينَا فَاغْفِرْ لَنَا؛ فَإِنَّهُ مَنْ أَقْرَبَ بَدَنِهِ فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ وَعُدَّةً وَذِكْرَهُ وَاسْتَعْفَرَ اللَّهُ مِنْهُ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ أَنْ يَغْفِرَ لَهُ.

111. تَقَدَّمُوا بِالْدُّعَاءِ قَبْلَ نُزُولِ الْبَلَاءِ.

112. يُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ فِي خَمْسَةِ مَوَاقِيتَ: عِنْدَ نُزُولِ الْغَيْثِ، وَعِنْدَ الرَّحْفِ، وَعِنْدَ الْأَذَانِ، وَعِنْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ، وَمَعَ زَوَالِ الشَّمْسِ، وَعِنْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ.

ص: 250

1- . نكل فلان عن العدو: إذا جن (مجمع البحرين: 472/3).

2- الملتزم ويقال له المستجار، وهو الموضع المحاذي للباب من خلف قريباً من الركن اليماني.

دوستان خود برخورد کردید که مجروح شده یا ترسیده یا دشمن ایشان را تعقیب می کند، با جان خود از او دفاع کنید.

104. باندازه قدرت و توان خود، کارهای شایسته انجام دهید. زیرا این کار از لغزش های زشت حفظ می کند.

105. هر يك از شما که می خواهد منزلت خود را نزد خداوند بداند، دقت کند منزلت خداوند نزد او هنگام گناه چگونه است. منزلت او هم نزد خدا همان گونه است.

106. نگهداشتن هیچ چیز در خانه بهتر از گوسفند نیست. کسی که يك گوسفند نگهدارد هر روز فرشتگان يك بار او را تقدیس می کنند. و کسی که دو گوسفند نگه دارد، فرشتگان هر روز دو بار او را تقدیس می کنند. و به همین ترتیب در سه گوسفند می گوید: بر شما مبارك باد.

107. مسلمان هنگام ضعف بدنی گوشت را با شیر بخورد. زیرا خداوند در آنها انرژی قرار داده است.

108. برای سفر حج اقدام به خرید لوازمی کنید که در سفر شما را تقویت کند. خداوند می فرماید:

«اگر می خواستند [برای جنگ] خارج شوند امکانات لازم را برای سفر فراهم می کردند».

109. زمانی که کسی در آفتاب می نشیند پشت به خورشید باشد. زیرا خورشید بیماری مخفی را آشکار می کند.

110. هنگامی که به حج بیت الله رفتید بسیار زیاد به کعبه نگاه کنید. زیرا خداوند یکصد و بیست رحمت را در مسجد الحرام قرار داده است که شصت رحمت آن برای طواف کنندگان، و چهل رحمت برای نماز گزاران، و بیست رحمت برای کسانی است که به کعبه نگاه کنند. در ملتزم [نزدیک رکن یمانی نقطه پشت در کعبه است به آنجا مستحار هم می گویند.] به گناهایی که به یاد دارید و گناهایی که فراموش کرده اید اقرار کنید. و بگویید: خدایا گناهایی را که فرشتگان نویسنده اعمال می دانند و من فراموش کرده ام بیاور. زیرا کسی که در آن مکان به گناه خود اقرار کند و گناهایش را بشمارد و بیاد آورد و از خدا طلب مغفرت کند، بر خداوند است که او را بیاورد.

111. قبل از فرود آمدن بلا دعا کنید. [پیشاپیش دعا کنید تا بلا نازل نشود].

112. درهای آسمان در پنج وقت باز می شود: هنگام باریدن باران، و هنگام جنگیدن، و هنگام اذان، و هنگام قرائت قرآن، و با زوال خورشید [ظهر] و هنگام طلوع فجر.

113. مَنْ غَسَلَ مِنْكُمْ مِيًّا فَلْيَغْتَسِلْ بَعْدَمَا يُلْبَسُهُ أَكْفَانَهُ.

114. وَلَا تُبْخَرُوا الْأَكْفَانَ، وَلَا تَمَسُّحُوا مَوْتَاكُمْ بِالطَّيِّبِ إِلَّا الْكَافِرَ؛ فَإِنَّ الْمَيِّتَ بِمَنْزِلَةِ الْمُحْرَمِ.

115. مُرُوا أَهَالِيكُمْ بِالْقَوْلِ الْحَسَنِ عِنْدَ مَوْتَاكُمْ؛ فَإِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا قَبِضَ أَبُوهَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَاعَدَتْهَا جَمِيعُ بَنَاتِ بَنِي هَاشِمٍ، فَقَالَتْ: دَعُوا التَّعْدَادَ (1)، وَعَلَيْكُمْ بِالذُّعَاءِ.

116. زوروا موتاكم؛ فَإِنَّهُمْ يَفْرَحُونَ بِزِيَارَتِكُمْ، وَلِيَطْلُبَ الرَّجُلُ الْحَاجَةَ عِنْدَ قَبْرِ أَبِيهِ وَأُمَّهُ بَعْدَمَا يَدْعُو لَهُمَا.

117. الْمُسْلِمُ مِرَاةُ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ؛ فَإِذَا رَأَيْتُمْ مِنْ أَخِيكُمْ هَفْوَةً (2) فَلَا تَكُونُوا عَلَيْهِ وَكُونُوا لَهُ كَنَفْسِهِ وَأُرْشِدُوهُ وَأَنْصَحُوهُ وَتَرَفَّقُوا بِهِ، وَإِيَّاكُمْ وَالْخِلَافَ فَتَفَرَّقُوا، وَعَلَيْكُمْ بِالصَّدَقِ فَتَزَلَّفُوا (3) وَتَوَجَّرُوا.

118. مَنْ يُسَافِرُ مِنْكُمْ بِدَابَّةٍ فَلْيَبْدَأْ حِينَ يَنْزِلُ بِعَلْفِهَا وَسَقِيهَا.

119. وَلَا تَضْرِبُوا الدَّوَابَّ عَلَى وُجُوهِهَا؛ فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّهَا.

120. وَمَنْ ضَلَّ مِنْكُمْ فِي سَفَرٍ أَوْ خَافَ عَلَى نَفْسِهِ فَلْيُنَادِ: يَا صَالِحُ اغْثِنِي؛ فَإِنَّ فِي إِخْوَانِكُمْ مِنَ الْجِنِّ جَنِيًّا يُسَمِّي صَالِحًا يَسْبِيحُ (4) فِي الْبِلَادِ لِمَكَانِكُمْ مُحْتَسِبًا نَفْسَهُ لَكُمْ؛ فَإِذَا سَمِعَ الصَّوْتِ أَجَابَ وَأُرْشِدَ الصَّالِّ مِنْكُمْ، وَحَبَسَ عَلَيْهِ دَابَّتَهُ.

121. وَمَنْ خَافَ مِنْكُمْ عَلَى نَفْسٍ مِنَ الْأَسَدِ أَوْ عَلَى غَنَمِهِ، فَلْيُحِطْ عَلَيْهَا خِطَّةً وَلْيَقُلْ: اللَّهُمَّ رَبَّ دَانِيَالَ وَالْجُبِّ، وَرَبَّ كُلِّ أَسَدٍ مُسْتَأْسِدٍ، احْفَظْنِي وَاحْفَظْ غَنَمِي.

122. مَنْ خَافَ مِنْكُمْ الْعَقْرَبَ فَلْيَقْرَأْ هَذِهِ الْآيَاتِ: «سَلِّمْ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَلَمِينَ * إِنَّا كَذَّ لِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * إِنَّهُ وَمِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ».

123. مَنْ خَافَ مِنْكُمْ الْغُرُقَ فَلْيَقْرَأْ: «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرُلٌ هَا وَ مُرْسَلٌ - هَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (5) بِسْمِ اللَّهِ الْمَلِكِ

ص: 252

1- . أي عدّ الفضائل والمفاخر.

2- الهفوة: الزلّة (الصحاح: 2535/6).

3- . الزلف والزلفة والزلفى: القربة والدرجة والمنزلة (لسان العرب: 138/9).

4- ساح في الأرض: إذا ذهب فيها (النهاية: 432/2).

5- أي باسم الله جريها وثبوتها ومقامها.

113. کسی که میت را غسل می دهد پس از کفن کردن میت، خودش غسل مس میت کند.

114. کفن را بخور ندهید و مردگان را جز کافور با عطر دیگری معطر نکنید. زیرا میت به منزله محرم است. [بر محرم استعمال عطر حرام است.]

115. به بستگان خود بگویید در کنار جنازه سخن نیکو بگویند. زیرا فاطمه علیها السلام وقتی که پدرش محمد صلی الله علیه و آله رحلت کرد همه دختران بنی هاشم او را در گریه یاری می کردند. حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: افتخارات و فضائل را واگذارید و دعا کنید.

116. به زیارت [قبر] مردگان خویش بروید. زیرا [ارواح] آنان با زیارت شما شاد می شوند. و انسان در کنار قبر پدر و مادر پس از دعا کردن برای آنان حاجت خود را طلب کند.

117. مسلمان آینه ای در مقابل برادر مسلمان است. زمانی که از برادر [مسلمان] خود لغزشی مشاهده کردید، با او دشمنی نکنید. و برای او چون خودش [دلسوز و مهربان] باشید. و او را ارشاد و نصیحت نمائید و به او ارفاق کنید. مبدا مخالفت کنید. و از یکدیگر جدا شوید. و صداقت بر شما لازم است پس با هم باشید. و بهره مند شوید.

118. کسی که بوسیله حیوان سفر می کند هنگام پیاده شدن اول آب و علف به حیوان بدهد.

119. بر چهره چهارپایان ننید، زیرا آنان تسبیح و ستایش پرورگارشان می گویند.

120. هر يك از شما در سفر گم شد یا جانش به خطر افتاد ندا بدهد: یا صالح به فریاد من برس. زیرا از برادران جتی شما شخصی صالح نامیده می شود و در شهرها به خاطر شما می گردد و خود را وقف شما کرده است و هنگامی که صدا را بشنود جواب می دهد. و افراد گمشده شما را راهنمایی می کند. و حیوان او را نگه می دارد.

121. کسی که جان خود یا گوسفند خود را در معرض حمله شیر درنده می بیند، خطی بر دور آن بکشد و بگوید: بار خدایا پروردگار دانیال [از پیامبران بنی اسرائیل که علم رمل می دانسته است و در شهر شوش دفن است] و جُبّ [چاه] و پروردگار هر شیر دلیر مرا حفظ کن. و گوسفند مرا نگهدار.

122. هر يك از شما که از عقرب می ترسد، این آیات را قرائت کند: «سلام بر نوح در عالمیان. ما اینگونه به نیکوکاران پاداش می دهیم. همانا او از بندگان مؤمن ما است.

123. کسی که می ترسد غرق شود، بخواند: «جریان و ثبوت آن به اسم الله است. همانا

القوي، «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ مِ يَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ».

124. عَقُوبًا (1) عَنْ أَوْلَادِكُمْ يَوْمَ السَّابِعِ، وَتَصَدَّقُوا بِوِزْنِ شَعْرَةٍ فِضَّةً عَلَى مُسْلِمٍ، وَكَذَلِكَ فَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَسَائِرِ وُلْدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

125. إِذَا نَوَلْتُمْ السَّائِلَ شَيْئًا فَاسْأَلُوهُ أَنْ يَدْعُوَ لَكُمْ؛ فَإِنَّهُ يُجَابُ فِيكُمْ وَلَا يُجَابُ فِي نَفْسِهِ؛ لِأَنَّهُمْ يَكْذِبُونَ.

126. وَلَيْرِدَّ الَّذِي يُنَاوِلُهُ يَدَهُ إِلَى فِيهِ فَلْيَقْبَلْهَا؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَأْخُذُهَا قَبْلَ أَنْ تَقَعَ فِي يَدِ السَّائِلِ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ».

127. تَصَدَّقُوا بِاللَّيْلِ؛ فَإِنَّ صَدَقَةَ اللَّيْلِ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ جَلَّ جَلَالُهُ.

128. احْتَسِبُوا كَلَامَكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ يَقِلُّ كَلَامُكُمْ إِلَّا فِي خَيْرٍ (2).

129. أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ؛ فَإِنَّ الْمُنْفِقَ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ فَمَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ جَادًا وَسَخَتْ نَفْسُهُ بِالنَّقَّةِ.

130. مَنْ كَانَ عَلَى يَقِينٍ فَشَكَكَ فَلْيَمِضْ عَلَى يَقِينِهِ؛ فَإِنَّ الشَّكَّ لَا يَنْقُضُ الْيَقِينَ.

131. لَا تَشْهَدُوا قَوْلَ الزُّورِ.

132. وَلَا تَجْلِسُوا عَلَى مَائِدَةٍ يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ؛ فَإِنَّ الْعَبْدَ لَا يَدْرِي مَتَى يُؤْخَذُ.

133. إِذَا جَلَسَ أَحَدُكُمْ عَلَى الطَّعَامِ فَلْيَجْلِسْ جِلْسَةَ الْعَبْدِ، وَلَا يَصَدَّ عَنْ أَحَدِكُمْ إِحْدَى رِجْلَيْهِ عَلَى الْآخَرَى، وَلَا يَتَرَبَّعَ (3)؛ فَإِنَّهَا جِلْسَةُ يُغْضِبُهَا اللَّهُ وَيَمُتُّ صَاحِبَهَا.

134. عَشَاءُ الْأَنْبِيَاءِ بَعْدَ الْعَتَمَةِ (4).

ص: 254

1- أي اذبحوا عنهم عقيقة؛ وهي ما يذبح في أيام الولادة.

2- أي إن تحتسبوا كلامكم من أعمالكم يقل كلامكم.

3- التربع جلسة نهى عنها في الأخبار؛ وهي أن يجلس على اليمنى ويمد ركبته اليمنى إلى اليمين والقدم اليمنى إلى اليسار، ويمد ركبته اليسرى إلى اليسار والقدم اليسرى إلى اليمين، أو يجلس كذلك ويضع القدم اليمنى على الفخذ الأيسر أو بالعكس، وهي جلسة المتكبرين، والتربع المستحب في الصلاة نحو آخر مذكور في كتب الفقه.

4- العتمة: ظلمة الليل. وكانت الأعراب يسمون صلاة العشاء صلاة العتمة تسميةً بالوقت. وكلا المعنيين محتمل هنا.

پروردگارم آمرزنده و مهربان است». به اسم خداوند مَلِك قوی. «و آنها خداوند را آن گونه که شایسته است، نشناختند. در حالی که همه زمین روز قیامت در اختیار اوست. و آسمانها پیچیده در دست اوست. خداوند منزّه و برتر است از شریکهایی که برای او می پندارند» [سوره زمر آیه 67].

124. برای فرزندانان روز هفتم ولادت عقیقه کنید. و هم وزن موی او [موی سر فرزند را بتراشند و وزن کنند.] نقره به مسلمان صدقه بدهید.

رسول الله صلی الله علیه و آله برای حسن و حسین علیهما السلام و بقیه فرزنداناش چنین کردند.

125. وقتی به سائل [گدا] چیزی دادید از او بخواهید برای شما دعا کند، زیرا دعای سائل برای شما اجابت می شود. اما برای خودش اجابت نمی شود. زیرا آنها دروغ می گویند.

126. دستی را که با آن به فقیر صدقه دادید ببوسید. زیرا قبل از اینکه [صدقه] به دست سائل برسد خداوند آن را می گیرد. همانگونه که خداوند فرمود: «آیا نمی دانید که خداوند توبه بندگان را می پذیرد. و صدقات را می گیرد».

127. شب صدقه بدهید، زیرا صدقه در شب خشم پروردگار با جلال را فرو می نشاند.

128. گفتارتان را جزء اعمالتان به حساب آورید تا سخن گفتنتان بجز در راه خیر کم شود.

129. از آنچه خداوند روزی شما فرموده است انفاق کنید. زیرا انفاق کننده همانند رزمنده در راه خداست. پس کسی که به جایگزین شدن انفاق ها یقین دارد به راحتی می بخشد و نفس او در انفاق سخی می شود.

130. کسی که یقین داشت سپس شك کرد [به شك اعتنا نکند] و بر اساس یقین خود رفتار کند، همانا شك یقین را نقض نمی کند.

131. شهادت دروغ ندهید.

132. سر سفره ای که شراب وجود دارد ننشینید. چون انسان نمی داند چه موقع جانش گرفته می شود.

133. هنگامی که کنار سفره غذا می نشینید همانند بردگان بنشینید. و کسی يك پا را روی پای دیگر نیندازد. و چهار زانو ننشیند. زیرا خداوند از این گونه نشستن نفرت دارد. و چنین کسی را دشمن می دارد.

134. نماز عشاء [یا شام خوردن] پیامبران پس از تاریکی شب بوده است.

135. وَلَا تَدْعُوا الْعِشَاءَ؛ فَإِنَّ تَرْكَ الْعِشَاءِ خَرَابُ الْبَدَنِ.

136. الْحُمَى قَائِدُ الْمَوْتِ وَسِجْنُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ يَحْسِبُ فِيهَا مِنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ، وَهِيَ تَحْتُ الذُّنُوبِ كَمَا يَتَّحَاتُّ الْوَبْرُ مِنْ سَنَامِ الْبَعِيرِ.

137. لَيْسَ مِنْ دَاءٍ إِلَّا وَهُوَ مِنْ دَاخِلِ الْجَوْفِ، إِلَّا الْجِرَاحَةَ وَالْحُمَى؛ فَإِنَّهُمَا يَرِدَانِ عَلَى الْجَسَدِ وَرُودًا.

138. اكْسِرُوا حَرَّ الْحُمَى بِالْبَنْفَسِجِ وَالْمَاءِ الْبَارِدِ؛ فَإِنَّ حَرَّهَا مِنْ قِيحِ جَهَنَّمَ.

139. لَا يَتَدَاوَى الْمُسْلِمُ حَتَّى يَغْلِبَ مَرَضُهُ صِحَّتَهُ.

140. الدُّعَاءُ يَرُدُّ الْقَضَاءَ الْمُبْرَمَ (1) فَاتَّخِذُوهُ عُدَّةً.

141. الْوُضُوءُ بَعْدَ الطَّهْوَرِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ، فَتَطَهَّرُوا.

142. وَإِيَّاكُمْ وَالْكَسَلَ؛ فَإِنَّ مَنْ كَسَلَ لَمْ يُؤَدِّ حَقَّ اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلُّهُ.

143. تَنْظَفُوا بِالْمَاءِ مِنْ نَتَنِ الرِّيحِ الَّذِي يُتَأَذَى بِهِ.

144. تَعَهَّدُوا أَنْفُسَكُمْ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُغْضُ مِنْ عِبَادِهِ الْقَاذِرَةَ الَّذِي يَتَأَنَّفُ (2) بِهِ مَنْ جَلَسَ إِلَيْهِ.

145. لَا يَعْبَثُ الرَّجُلُ فِي صَلَاتِهِ بِلِحِيَّتِهِ وَلَا بِمَا يَشَعْلُهُ عَنْ صَلَاتِهِ.

146. بَادِرُوا بِعَمَلِ الْخَيْرِ قَبْلَ أَنْ تَشْتَغِلُوا عَنْهُ بِغَيْرِهِ.

147. الْمُؤْمِنُ نَفْسُهُ مِنْهُ فِي تَعَبٍ وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ.

148. لِيَكُنْ كُلُّ كَلَامِكُمْ ذِكْرَ اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلُّهُ.

149. احذَرُوا الذُّنُوبَ؛ فَإِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ فَيُحْبَسُ عَنْهُ الرِّزْقُ.

150. دَاوُوا مَرَضَاتِكُمْ بِالصَّدَقَةِ.

151. حَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ.

152. الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ.

153. الْحِجُّ جِهَادٌ كُلُّ ضَعِيفٍ.

- 1- . المبرم: المحكم؛ أي الدعاء يردّ القضاء المحتوم.
- 2- . أنفَ من الشيء يأنف أنفاً: إذا كرهه وشرفت نفسه عنه (النهاية: 77/1).

135. شام خوردن را ترك نکنید، زیرا شام نخوردن باعث خرابی بدن می شود.

136. تب کردن، پیشوای مرگ و زندان خداوند در روی زمین است که هر بنده ای را که بخواهد در آن حبس می کند. و تب کردن، گناهان را می ریزد آن گونه که پشم از پشت شتر ریخته می شود.

137. بیماریها از داخل شکم هستند. جز زخم و تب که آن دو از بیرون بدن وارد می شوند.

138. حرارت تب را با بنفشه و گلاب بشکنید. همانا حرارت تب از نسیم جهنم است.

139. مسلمان تا بیماری بر سلامتش غلبه نکند معالجه نمی کند. [بیماری های سبک را نیروهای دفاعی بدن برطرف می کنند].

140. دعا کردن، قضاء حتمی را بر می گرداند. پس به دعا مجهز شوید.

141. وضو گرفتن پس از طهارت ده حسنه دارد. پس [همیشه] طاهر شوید.

142. از کسالت دوری کنید. زیرا کسی که کسل شود حق خدا ادا نمی کند.

143. با آب بوی بد را که آزار دهنده است نظافت کنید.

144. خویشتن را [قبل از ورود به مجالس] واری کنید. زیرا خداوند متعال بندگان کثیفی را که موجب اذیت همراهان خود شوند دشمنی می دارد.

145. مرد هنگام نماز با موی صورت و هر چیز دیگری که او را از حضور قلب باز می دارد بازی نکند.

146. به کار خیر اقدام کنید قبل از اینکه به کار دیگری مشغول شوید و از آن باز مانید.

147. مؤمن [کسی است که] خودش در زحمت و مردم از او در آسایش هستند.

148. باید همه سخنان شما ذکر خدا باشد.

149. از گناهان بر حذر باشید. زیرا بنده گناه می کند و روزی او کاسته می شود.

150. بیماران خود را با صدقه مداوا کنید.

151. اموال خود را با زکات دادن بیمه کنید.

152. نماز وسیله تقرب پرهیزکاران است.

153. حج جنگیدن ضعیفان است.

154. جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ.
155. الْفَقْرُ هُوَ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ.
156. قِلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينَ.
157. التَّقْدِيرُ نِصْفُ الْعَيْشِ.
158. الْهَمُّ نِصْفُ الْهَرَمِ.
159. مَا عَالَ (1) امْرُؤٌ افْتَصَدَ.
160. مَا عَطَبَ (2) امْرُؤٌ اسْتَشَارَ.
161. لَا تَصْلُحُ الصَّنِيعَةُ (3) إِلَّا عِنْدَ ذِي حَسَبٍ أَوْ دِينٍ.
162. لِكُلِّ شَيْءٍ ثَمَرَةٌ، وَثَمَرَةُ الْمَعْرُوفِ تَعْجِيلُهُ.
163. مَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ (4) جَادَ بِالْعَطِيَّةِ.
164. مَنْ ضَرَبَ يَدَيْهِ عَلَى فَخْذَيْهِ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ حَبَطَ أَجْرُهُ.
165. أَفْضَلُ أَعْمَالِ الْمَرْءِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.
166. مَنْ أَحْزَنَ وَالِدِيهِ فَقَدْ عَقَّ هُمَا.
167. اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ.
168. ادْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ عَنْكُمْ بِالْدُّعَاءِ قَبْلَ وُجُودِ الْبَلَاءِ، فَوَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ (5)! الْبَلَاءُ أَسْرَعُ إِلَى الْمُؤْمِنِ مِنْ انْحِدَارِ السَّيْلِ مِنْ أَعْلَى الْقَلْعَةِ (6) إِلَى أَسْفَلِهَا، وَمِنْ رِكْضِ الْبَرَادِينِ (7).
169. سَلُوا اللَّهَ الْعَافِيَةَ مِنَ جَهْدِ الْبَلَاءِ؛ فَإِنَّ جَهْدَ الْبَلَاءِ ذَهَابُ الدِّينِ.
170. السَّعِيدُ مَنْ وَعِظَ بِغَيْرِهِ فَاتَّعَظَ.
171. رَوِّضُوا أَنْفُسَكُمْ عَلَى الْأَخْلَاقِ الْحَسَنَةِ؛ فَإِنَّ الْعَبْدَ الْمُسْلِمَ يَبْلُغُ بِحُسْنِ خُلُقِهِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ.

ص: 258

- 2- . العطب: الهلاك (الصحاح: 184/1).
- 3- . الصنيفة: الإحسان. ولعلّ المراد عدم الإحسان إلّا إلى ذي دين أو ذي شرف وإلا يذهب ضياعاً.
- 4- . الخلف هنا عوض ما جاء به من الصواب في الآخرة، أو الجزاء في الدنيا.
- 5- . النسمة: الروح والنفس، والمراد هنا ظاهراً الإنسان.
- 6- . في البحار: التلعة؛ وهي ما علا من الأرض.
- 7- . البرذون: الدابة. والبراذين من الخيل: ما كان من غير نتاج العراب (تاج العروس: 51/13).

154. جهاد زن، شوهرداری نیکوست.
155. فقر، مرگ بزرگ است.
156. کم بودن عیال [افراد تحت تکفل]، یکی از دو آسایش است.
157. تدبیر و اندازه گیری، نیمی از زندگی است.
158. اندوه و غصه، نصف پیری است.
159. کسی که با میانه روی زندگی کند، نیازمند نخواهد شد.
160. کسی که مشورت کند نابود نمی شود.
161. نیکی کردن شایسته نیست مگر به کسی که شریف یا دیندار باشد.
162. هر چیزی ثمره دارد، و ثمره نیکوکاری عجله در کار خیر است.
163. کسی که به جایگزین شدن آنچه می بخشد یقین داشته باشد، در بخشیدن جدیت می کند.
164. کسی که هنگام مصیبت دستش را به پایش بزند [بی تابی کند] اجر خود را تباه کرده است.
165. برترین کارهای انسان، انتظار فرج از خداوند است.
166. کسی که پدر و مادرش را غمگین کند، عاق پدر و مادرش شده است.
167. روزی خود را با صدقه فرود آورید.
168. امواج بلا را قبل از ورود با دعا دفع کنید. قسم به خداوندی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، [فرود آمدن] بلا بر مؤمن سریعتر است از جاری شدن سیل از بلندی زمین به گودال. و سریعتر است از لگد زدن چهار پایان.
169. از خداوند عافیت از دشواری بلا درخواست کنید. زیرا سختی بلا دین را می برد.
170. سعادتمند کسی است که از دیگران پند بگیرد و موعظه یابد [رستگار شود].
171. خود را به اخلاق خوش ریاضت دهید [تمرین دهید]. همانا بنده مسلمان با اخلاق خوش به مقام کسی که همیشه روزه دار نمازگزار است می رسد.

172. مَنْ شَرِبَ الْحَمْرَ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ حَرَامٌ، سَقَاهُ اللَّهُ مِنْ طِينَةِ حَبَالٍ (1) وَإِنْ كَانَ مَغْفُورًا.

173. لَا تَنْذِرَ فِي مَعْصِيَةٍ.

174. وَلَا يَمِينٍ فِي قَطِيعَةِ رَحِمٍ.

175. الدَّاعِي بِلا عَمَلٍ كَالرَّامِي بِلا وَتَرٍ.

176. لِتَطْيِبِ الْمَرْأَةَ الْمُسْلِمَةَ لِزَوْجِهَا.

177. الْمَقْتُولُ دُونَ مَالِهِ شَهِيدٌ.

178. الْمَغْبُونُ غَيْرُ مَحْمُودٍ وَلَا مَأْجُورٍ.

179. لَا يَمِينَ لَوْلَدٍ مَعَ وَالِدِهِ، وَلَا لِلْمَرْأَةِ مَعَ زَوْجِهَا.

180. لَا صَمْتَ يَوْمًا إِلَى اللَّيْلِ إِلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ.

181. لَا تَعْرَبْ (2) بَعْدَ الْهَجْرَةِ، وَلَا هِجْرَةَ بَعْدَ الْفَتْحِ.

182. تَعَرَّضُوا لِلتَّجَارَةِ؛ فَإِنَّ فِيهَا غِنًى لَكُمْ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ، وَإِنَّ اللَّهَ عِزُّ وَجَلُّ يُحِبُّ الْمُحْتَرِفَ (3) الْأَمِينَ.

183. لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ مِنَ الصَّلَاةِ؛ فَلَا يَشْغَلَنَّكُمْ عَنْ أَوْقَاتِهَا شَيْءٌ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا، فَإِنَّ اللَّهَ عِزُّ وَجَلُّ ذَمَّ أَقْوَامًا فَقَالَ: «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» يَعْنِي أَنَّهُمْ غَافِلُونَ اسْتَهَانُوا بِأَوْقَاتِهَا.

184. اعْلَمُوا أَنَّ صَالِحِي عَدُوِّكُمْ يُرَائِي بَعْضُهُمْ بَعْضًا، لَكِنَّ اللَّهَ عِزُّ وَجَلُّ لَا يُؤَفِّقُهُمْ وَلَا يَقْبَلُ إِلَّا مَا كَانَ لَهُ خَالِصًا.

185. الْبِرُّ لَا يَبْلَى، وَالذَّنْبُ لَا يُنْسَى، وَاللَّهُ الْجَلِيلُ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ.

186. الْمُؤْمِنُ لَا يَغُشُّ أَخَاهُ، وَلَا يَخُونُهُ، وَلَا يَخْذُلُهُ، وَلَا يَتَّهَمُهُ، وَلَا يَقُولُ لَهُ: أَنَا مِنْكَ بَرِيءٌ.

187. اطْلُبْ لِأَخِيكَ عُذْرًا، فَإِنْ لَمْ تَجِدْ لَهُ عُذْرًا فَالْتَمِسْ لَهُ عُذْرًا.

ص: 260

1- . جاء تفسيره في الحديث: أن الخبال عصارة أهل النار. والخبال الفساد، ويكون في الأفعال والأبدان والعقول (النهاية: 8/2).

2- . التعرّب: هو أن يعود إلى البادية ويقيم مع الأعراب بعد أن كان مهاجرًا، وكان من رجع بعد الهجرة إلى موضعه من غير عذر يعدّونه كالمترّد، كذا قال الجزري. وفي المجمع: فيه «لا تعرّب بعد الهجرة» يروى بالعين المهملة؛ يعني الالتحاق ببلاد الكفر والإقامة بها بعد المهاجرة عنها إلى بلاد الإسلام إلخ.

3- . اءءرف: اءءسب لءباله من هنا وهنا. والمءءرف: الصانع (ءاج العروس: 6/69).

172. شراب خواری که می داند شراب حرام است و می نوشد، خداوند از گِل خبال [خبال عصاره دوزخیان است.] به او می نوشاند. گر چه گناهان او آمرزیده شود.
173. نذر کردن در گناه صحیح نیست.
174. سوگند برای قطع رابطه خویشاوندی صحیح نیست.
175. دعا کننده بدون عمل مانند تیر اندازی است که تیر ندارد.
176. زن مسلمان خود را برای شوهرش آرایش می کند.
177. کسی که برای حفظ مال خود کشته شود شهید است. [اجر شهید دارد.]
178. زیانکار نه ستایش شود و نه پاداش دارد.
179. سوگند خوردن فرزند در مقابل پدر و زن با شوهرش صحیح نیست.
180. سکوت [از] روز تا شب صحیح نیست مگر با ذکر خداوند.
181. بازگشت به جاهلیت پس از هجرت جایز نیست. و هجرت پس از پیروزی معنا ندارد.
182. اقدام به تجارت کنید. زیرا با تجارت کردن از اموال مردم بی نیاز می شوید. و خداوند صاحب شغل و حرفه و امین را دوست می دارد.
183. هیچ کاری نزد خداوند متعال محبوبتر از نماز نیست. پس [مراقب باشید] چیزی از امور دنیا وقت نماز شما را مشغول نکند. زیرا خداوند گروه هایی را ملامت فرمود: «کسانی هستند که در نماز سهو می کنند». [سوره ماعون، آیه 5] یعنی آنان غفلت می کنند. و وقت نماز را فراموش می کنند.
184. بدانید: بهترین دشمنان شما در برابر یکدیگر ریا می کنند، اما خداوند آنان را موقّق نمی گرداند. و عملی را نمی پذیرد مگر اینکه خالص باشد.
185. نیکی کهنه نمی شود. و گناه فراموش نمی شود. و خداوند بلند مرتبه با پارسایان و نیکوکاران است.
186. مؤمن برای برادرش غش [مخلوط کردن ناخالصی و جنس نامرغوب با جنس مرغوب] نمی کند. و به او خیانت نمی کند. و او را تنها نمی گذارد. [هنگامی که به کمک نیاز دارد.] و او را متهم نمی سازد و به او نمی گوید: من از تو بیزارم.
187. برای [کار نادرست] برادرت عذر پیدا کن و اگر عذری نیافتی، برایش عذری بتراش.

188. مُزَاوَلَةٌ قَلَعَ الْجِبَالِ أَيْسَرُ مِنْ مُنَاوَلَةِ مُلْكٍ مُؤَجَّلٍ، فَاسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا؛ فَإِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.
189. لَا تُعَاجِلُوا الْأَمْرَ قَبْلَ بُلُوغِهِ فَتَنْدَمُوا، وَلَا يَطْوِلَنَّ عَلَيْكُمُ الْأَمَدُ فَتَقْسُوا قُلُوبَكُمْ.
190. اِرْحَمُوا ضِعْفَاءَكُمْ وَاطْلُبُوا الرَّحْمَةَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِالرَّحْمَةِ لَهُمْ.
191. إِيَّاكُمْ وَغَيْبَةَ الْمُسْلِمِ؛ فَإِنَّ الْمُسْلِمَ لَا يَغْتَابُ أَخَاهُ، وَقَدْ نَهَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَا يَغْتَابُ بَعْضُكُمُ بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا».
192. لَا يَجْمَعُ الْمُسْلِمُ يَدَيْهِ فِي صَلَاتِهِ (1) وَهُوَ قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، يَتَشَبَّهُ بِأَهْلِ الْكُفْرِ؛ يَعْنِي الْمَجُوسَ.
193. لِيَجْلِسَ أَحَدُكُمْ عَلَى الطَّعَامِ جِلْسَةَ الْعَبْدِ، وَلِيَأْكُلْ عَلَى الْأَرْضِ.
194. وَلَا يَشْرَبْ قَائِمًا.
195. إِذَا أَصَابَ أَحَدُكُمْ الدَّابَّةُ (2) وَهُوَ فِي صَلَاتِهِ فَلْيَدْفِنِهَا، وَيَتْفَلَّحْ عَلَيْهَا أَوْ يُصَيِّرْهَا فِي ثُوبِهِ حَتَّى يَنْصَرِفَ.
196. الْإِلْتِفَاتُ الْفَاحِشُ يَقْطَعُ الصَّلَاةَ، وَيَنْبَغِي لِمَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ أَنْ يَبْدَأَ الصَّلَاةَ بِالْأَذَانِ وَالتَّكْبِيرِ.
197. مَنْ قَرَأَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ (إحدى عشرة مرة خ ل) وَمِثْلَهَا «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» وَمِثْلَهَا آيَةُ الْكُرْسِيِّ؛ مَنَعَ مَالَهُ مِمَّا يَخَافُ. مَنْ قَرَأَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وَ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ لَمْ يُصِبْهُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ ذَنْبٌ وَإِنْ جَهَدَ إِبْلِيسُ.
198. اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ ضَلَعِ الدِّينِ (3)، وَعَلَبَةِ الرَّجَالِ.
199. مَنْ تَخَلَّفَ عَنَّا هَلَكَ.
200. تَشْمِيرُ الثِّيَابِ طَهُورٌ لَهَا، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَتِيَابَكَ فَطَهِّرْ» أَي فَشَمِّرْ.

ص: 262

- 1- المراد هو النهي عن التكتف ظاهراً كما يفعله العامة، وهو بدعة عند أصحابنا موجب للبطلان.
- 2- . الظاهر أن المراد هنا القملة أو البرغوث.
- 3- . أي من اعوجاجه، أو من ثقله على الإنسان حتى يؤدي إلى الاعوجاج والانحراف عن الاعتدال.

188. ریشه کن کردن کوهها راحت تر است از ویران کردن حکومتی که زمان معین دارد. پس از خداوند یاری بخواهید و صبر کنید. زیرا زمین از آن خداوند است. و آن را به هر يك از بندگانش که بخواهد می دهد. و عاقبت برای پرهیزکاران است.
189. قبل از فرارسیدن امر [قیام حضرت امام عصر علیه السلام] عجله نکنید که پشیمان شوید. و آرزوهای طولانی بر شما چیره نشود که سنگدل شوید.
190. با ضعیفان خود [مؤمنان ناتوان] مهربانی کنید. و با مهرورزی به آنان از خداوند طلب رحمت کنید.
191. از غیبت کردن مسلمان پرهیزید. همانا مسلمان از برادر مسلمانش غیبت نمی کند. و بدرستی که خداوند نهی فرموده است: هیچ يك از شما غیبت دیگری نکند. آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت جسد برادرش را بخورد؟
192. مسلمان در حال نماز دستان خود را روی هم نمی گذارد. و در حالی که در برابر خداوند متعال ایستاده است به شکل کافران یعنی مجوس [زرتشتی] نباشد.
193. هر يك از شما کنار [سفره] غذا با فروتنی بنشیند و روی زمین غذا بخورد.
194. ایستاده [نوشیدنی] نیاشامید.
195. هنگامی که کسی در حال نماز به حشره ای [پشه و امثال آن] برخورد آن را در دستمال بپیچد [و بکشد] و نگه دارد تا نمازش تمام شود. [صورت نماز را بر هم نزند].
196. روی برگرداندن کامل از قبله نماز را باطل می کند. و شایسته است کسی که چنین کرد نماز را با اذان و تکبیر از نو شروع کند.
197. کسی که قبل از طلوع خورشید [یازده مرتبه] قل هو الله احد و مثل آن [یازده مرتبه] انا انزلنا و مثل آن آیه الکرسی را قرائت کند مال خود را از هر چیز که می ترسد بیمه کرده است.
- کسی که قبل از طلوع خورشید قل هو الله احد و انا انزلنا را قرائت کند در آن روز به گناه مبتلا نمی شود گر چه شیطان تلاش کند.
198. به خداوند پناه ببرید از انحراف دین و چیره شدن قدرتمندان.
199. کسی که از ما [اهل بیت علیهم السلام] جدا شود هلاک گردد.
200. مرتب کردن لباس، طهارت آن است. خداوند می فرماید: «لباس خود را طاهر گردان»، یعنی مرتب کن.

201. لَعُقَ الْعَسَلُ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «يَخْرُجُ مِنْ مِطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ»، وَهُوَ مَعَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَمَضْغِ اللَّبَانِ يُذِيبُ الْبَلْغَمَ.

202. اِبْدَوْوا بِالْمِلْحِ فِي أَوَّلِ طَعَامِكُمْ؛ فَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ لَأَخْتَارُوهُ عَلَى التَّرِياقِ (1) الْمُجَرَّبِ. مَنْ ابْتَدَأَ طَعَامَهُ بِالْمِلْحِ ذَهَبَ عَنْهُ سَبْعُونَ دَاءً وَمَا لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.

203. صُبُّوا عَلَى الْمَحْمُومِ الْمَاءَ الْبَارِدَ فِي الصَّيْفِ؛ فَإِنَّهُ يُسَكِّنُ حَرَّهَا.

204. صُومُوا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي كُلِّ شَهْرٍ، وَهِيَ تَعْدِلُ صَوْمَ الدَّهْرِ، وَنَحْنُ نَصُومُ خَمِيسَ بَيْنَ بَيْنَهُمَا أَرْبَعَاءَ؛ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ جَهَنَّمَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ.

205. إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ حَاجَةً فَلْيُبَكِّرْ فِي طَلَبِهَا يَوْمَ الْخَمِيسِ؛ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: اللَّهُمَّ بَارِكْ لِأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا يَوْمَ الْخَمِيسِ.

206. وَلْيَقْرَأْ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ الْآيَاتِ مِنْ آخِرِ آلِ عِمْرَانَ، وَآيَةَ الْكُرْسِيِّ، وَ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» وَأَمُّ الْكِتَابِ؛ فَإِنَّ فِيهَا قَضَاءَ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

207. عَلَيْكُمْ بِالصَّفِيقِ (2) مِنَ الثِّيَابِ؛ فَإِنَّ مَنْ رَقَّ ثَوْبُهُ رَقَّ دِينُهُ، لَا يَقُومَنَّ أَحَدُكُمْ بَيْنَ يَدَيِ الرَّبِّ جَلَّ جَلَالُهُ وَعَلَيْهِ ثَوْبٌ يَشْفُ (3).

208. تَوَبُّوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَادْخُلُوا فِي مَحَبَّتِهِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ، وَ الْمُؤْمِنُ تَوَّابٌ.

209. إِذَا قَالَ الْمُؤْمِنُ لِأَخِيهِ: افِّ، انْقَطَعَ مَا بَيْنَهُمَا، فَإِذَا قِيلَ لَهُ: أَنْتَ كَافِرٌ، كَفَرَ أَحَدُهُمَا.

210. وَإِذَا أَتَاهُمُ انْمَاتٌ (4) الْإِسْلَامُ فِي قَلْبِهِ كَمَا يَنَامُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ.

211. بَابُ التَّوْبَةِ مَفْتُوحٌ لِمَنْ أَرَادَهَا، فَتَوَبُّوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحاً عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ.

ص: 264

1- الترياق: ما يستعمل لدفع السم من المعاجين، وهو معرب أصله رومي ويقال بالبدال أيضاً وقيل: أصله الريق والتاء زائدة، فوزنه تفعال بكسر التاء لما فيه من ريق الحيات.

2- الصفيق: الكثيف الغليظ.

3- . شَفَّ عَلَيْهِ ثَوْبُهُ يَشْفُ: أَي رَقَّ حَتَّى يُرَى مَخْلَفُهُ (الصحيح: 1382/4).

4- . مَاتَ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ: أَذَابَهُ، وَكَذَلِكَ الطِّينُ، وَقَدْ انْمَاتَ (لسان العرب: 192/2).

201. اندکی عسل داروی هر درد است. خداوند متعال فرمود: «از شکم آنها [زنبور عسل] شرابی خارج می شود که رنگهای مختلف دارد و برای مردم شفاء است».

عسل و قرائت کردن قرآن و مکیدن پستان، بلغم را می برد.

202. ابتدای غذا خوردن با نمک شروع کنید. اگر مردم خواصی را که در نمک است می دانستند آن را بر معجون مجرب ترجیح می دادند. کسی که غذا خوردن را با نمک شروع کند هفتاد بیماری و آنچه جز خدا نمی داند از او دفع می شود.

203. در تابستان [به بیمار] تب دار آب سرد بزنید حرارت او را تسکین می دهد.

204. از هر ماه سه روز روزه بگیرید که برابر است با روزه تمام عمر. ما [اهل بیت علیهم السلام] دو پنجشنبه [اولین و آخرین پنجشنبه ماه] و چهارشنبه وسط آن دو را روزه می گیریم. زیرا خداوند متعال جهنم را روز چهارشنبه آفرید.

205. هر يك از شما هنگامی که خواستید فعالیتی انجام دهید آن را روز پنجشنبه شروع کنید. زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: خدایا برای امت من آنچه را در پنجشنبه شروع می کنند مبارك گردان.

206. هنگام خروج از منزل آیات آخر سوره آل عمران و آیه الكرسي و سوره انا انزلنا و حمد را بخوانید. بدرستی که با قرائت آن حوائج دنیا و آخرت برآورده می شود.

207. لباس ضخیم بپوشید. کسی که لباس نازك بپوشد دینش ضعیف است. هیچ يك از شما در مقابل پروردگار جلیل و بلند مرتبه [برای نماز] با لباس بدن نما [نازك] نایستد.

208. بسوی خدا باز گردید. [توبه کنید.] و به [وادی] محبت خدا وارد شوید. همانا خداوند توبه کنندگان و پاکان را دوست می دارد و مؤمن بسیار توبه کننده است.

209. هنگامی که مؤمن به برادر مؤمنش بگوید: افّ [کمترین توهین] رابطه آن دو قطع می شود و اگر گفته شود: تو کافری، یکی از آن دو کافر شده است.

210. کسی که او [برادر مؤمن خود] را متهم سازد، اسلام در قلب او آب می شود آن گونه که نمک در آب حل می شود.

211. در توبه به روی کسی که بخواهد باز است. پس با توبه نصوح [استوار] به سوی خدا باز گردید. باشد که پروردگارتان بدیهای شما را محو نماید.

212. وأوفوا بالعهد إذا عاهدتم؛ فما زالت نعمة ولا نصارة عيش إلا بذنوب اجتروها، إن الله ليس بظلام للعبيد، ولو أنهم استقبلوا ذلك بالدعاء والإنابة لما نزل، ولو أنهم إذا نزلت بهم النعم وزالت عنهم النعم فرعوا إلى الله عز وجل بصيد من تياتهم ولم يهنوا ولم يسرفوا لأصلح الله لهم كل فاسد، ولرد عليهم كل صالح.

213. وإذا ضاق المسلم فليشتك إلى ربه الذي بيده مقاليد الأمور وتديرها.

214. في كل امرئ واحدة من ثلاث: الكبر والطيرة والتمني، فإذا تطير أحدكم فليمض على طيرته، وليذكر الله عز وجل، وإذا خشي الكبر فليأكل مع عبده وخدامه وليحلب الشاة، وإذا تمنى فليسال الله عز وجل وليسهل إليه ولا تنازع نفسه إلى الإثم.

215. خالطوا الناس بما يعرفون، ودعوهم مما ينكرون، ولا تحملوهم (1) على أنفسكم وعلينا، إن أمرنا صعب مستصعب لا يحتمله إلا ملك مقرب أو نبي مرسل أو عبد قد امتحن الله قلبه للإيمان.

216. إذا وسوس الشيطان إلى أحدكم فليتعوذ بالله وليقل: آمنت بالله وبرسوله مخلصاً له الدين.

217. إذا كسا الله مؤمناً ثوباً جديداً فليتوضأ وليصل ركعتين يقرأ فيها أم الكتاب وآية الكرسي و«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» وليحمد الله الذي ستر عورته وزينه في الناس، وليكثر من قول: لا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم؛ فإنه لا يعصي الله فيه، وله بكل سلك (2) فيه ملك يقدر له ويستغفر له ويترحم عليه.

218. أظروا سوء الظن بينكم؛ فإن الله نهى عن ذلك.

ص: 266

1- أي لا تكلفوهم أن يؤذوكم. نهى عن ترك التقية، وظاهره التقية في إذاعة سرهم وحمل علومهم وأسرارهم إلى الأعداء والجهال كما ورد في روايات كثيرة.

2- السلك: الخيط الذي يُخاط به الثوب أو ينظم فيه الخرز.

212. اگر پیمان بستید به آن وفا کنید. که هیچ نعمت و لذت زندگی از دست نمی رود مگر اینکه گناهای مرتکب شوند. زیرا خداوند به بندگان ستم نکند. و اگر آنان [گنهکاران] با دعا و تضرع به خدا روی آورند بلا فرود نمی آید. و اگر آن زمان که بلا بر آنان فرود آید و نعمت ها از کف بروند، صادقانه به درگاه خداوند ناله کنند و سست نشوند و زیاده روی نکنند، هر آینه خداوند هر فاسدی را برای آنان اصلاح خواهد کرد. و هر صالحی را [که از آن دور گشته] به آنان باز می گرداند.

213. زمانی که مسلمان در تنگنا قرار گرفت باید به پروردگارش که کلیدها و اداره همه امور بدست اوست، شکایت برد.

214. برای هر کسی یکی از این خصلت ممکن است: تکبر و طیره [خشم - آزردگی - شرمساری] و تمنی [آرزو]. پس هنگامی که کسی دچار طیره شد، در حال خود تأمل کند و ذکر خدا گوید. و زمانی که از تکبر ترسید با برده و خادم خود غذا بخورد. و شیر گوسفند بدوشد [یعنی کارهایی انجام دهد که زیر دستان انجام می دهند تا از فضای تکبر و خود بزرگ بینی خارج شود]. و هنگامی که دچار آرزوها شد، از خداوند درخواست کند. و در درگاه او زاری نماید. و نفسش او را به گناه وادار نکند.

215. با مردم چنان رفتار کنید که انتظار دارند و چیزهایی را که بدشان می آید رها کنید و آنها را وادار نکنید اسرار شما و ما را فاش کنند چرا که امر ما دشوار و مشقت زا است. و [کسی] آن را تحمل نمی کند به جز فرشته مقرب یا پیامبر مرسل [فرستاده شده از طرف خدا] یا بنده ای که خداوند قلب او را برای ایمان آزموده است.

216. زمانی که شیطان هر يك از شما را وسوسه کرد به خدا پناه برید. و بگوئید: به خداوند و رسول او با خلوص دین ایمان دارم.

217. وقتی خداوند به مؤمنی لباس نو پوشانید [هنگام پوشیدن لباس نو] وضو بگیرد. و دو رکعت نماز [در هر رکعت] حمد و آیه الکرسی و قل هو الله احد و انا انزلنا بخواند. و خداوندی را که او را پوشانده و در میان مردم زینت بخشیده است شکر گزارد. و بسیار بگوید: لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم [نیرو و قدرتی جز خداوند بلند مرتبه و بزرگ نیست]. اگر چنین کند در آن لباس گناه نخواهد کرد. و بازای هر تار نخ آن لباس فرشته ای آن مؤمن را تقدیس می کند و برای او استغفار نموده و به او مهریزی می نماید.

218. بد گمانی را از میان خود کنار بزنید. همانا خداوند از این کار نهی فرموده است.

219. أَنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَعَ عِزَّتِي وَسِعَ بَطْنِي عَلَى الْحَوْضِ؛ فَمَنْ أَرَادَنَا فَلْيَأْخُذْ بِقَوْلِنَا وَلْيَعْمَلْ عَمَلْنَا؛ فَإِنَّ لِكُلِّ أَهْلِ بَيْتِ نَجِيبٍ (نَجِيباً خ ل) وَلَنَا شَفَاعَةٌ، وَلِأَهْلِ مَوْدَّتِنَا شَفَاعَةٌ، فَتَنَافَسُوا(1) فِي لِقَائِنَا عَلَى الْحَوْضِ، فَإِنَّا نَدُودٌ عَنْهُ أَعْدَاءُنَا وَنَسْقِي مِنْهُ أَحِبَّاءَنَا وَأَوْلِيَاءَنَا، وَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ شَرْبَةً لَمْ يَظْمَأْ بَعْدَهَا أَبَدًا، حَوْضُنَا مُتْرَعٌ فِيهِ مَثْعَبَانِ (2) يَنْصَبَانِ مِنَ الْجَنَّةِ: أَحَدُهُمَا مِنْ تَسْنِيمٍ، وَالْآخَرُ مِنْ مَعِينٍ، عَلَى حَافَتَيْهِ (3) الرَّعْفَرَانُ وَحِصَاةُ اللَّوْلُوِّ وَالْيَاقُوتُ؛ وَهُوَ الْكَوْثُرُ.

220. إِنَّ الْأُمُورَ إِلَى اللَّهِ عِزٍّ وَجَلٍّ لَيْسَتْ إِلَى الْعِبَادِ، وَلَوْ كَانَتْ إِلَى الْعِبَادِ مَا كَانُوا لِيَخْتَارُوا عَلَيْنَا أَحَدًا(4)، وَلَكِنَّ اللَّهَ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ، فَاحْمَدُوا اللَّهَ عَلَى مَا اخْتَصَّكُمْ بِهِ مِنْ بَادِي النَّعَمِ عَلَى طَيْبِ الْوِلَادَةِ.

221. كُلُّ عَيْنٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَاكِئَةٌ، وَكُلُّ عَيْنٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَاهِرَةٌ؛ إِلَّا عَيْنَ مَنْ اخْتَصَّهُ اللَّهُ بِكَرَامَتِهِ، وَبَكَى عَلَى مَا انْتَهَكَ مِنَ الْحُسَيْنِ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

222. وَاللَّهِ! شِيعَتُنَا بِمَنْزِلَةِ النَّحْلِ، لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ بِمَا فِي أَجْوَاهِهَا لَأَكَلُوهَا.

223. لَا تُعْجَلُوا الرَّجُلَ عِنْدَ طَعَامِهِ حَتَّى يَفْرَغَ، وَلَا عِنْدَ غَائِطِهِ حَتَّى يَأْتِيَ عَلَى حَاجَتِهِ.

224. إِذَا انْتَبَهَ أَحَدُكُمْ مِنْ نَوْمِهِ فَلْيَقُلْ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، سُبْحَانَ رَبِّ النَّبِيِّينَ وَإِلَهِ الْمُرْسَلِينَ، وَرَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ، وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ، وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، فَإِذَا جَلَسَ مِنْ نَوْمِهِ فَلْيَقُلْ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ: «حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْعِبَادِ، حَسْبِيَ اللَّهُ الَّذِي هُوَ حَسْبِي مُنْذُ كُنْتُ، حَسْبِيَ

ص: 268

1- قال الراغب: المنافسة: مجاهدة النفس للتشبهه بالأفاضل والالحوق بهم من غير إضرار على غيره وقال الجزري: التنافس من المنافسة، وهي التنافس في الشيء والانفراد به.

2- مثعبان: بالثاء المثلثة كما في البحار والخصال، والمثعب: المسيل.

3- . حافتا النهر: طرفاه.

4- أي ولا يتكلم لنا إنعام من الله سبحانه، اصطفاكم بذلك ولو كان ذلك باختيارهم لما اختاروا علينا أحداً لما في فطرة الإنسان من حكم العقل باختيار الجميل، ولكن الميول النفسانية والشهوات وحب الدنيا والرياسة منعتهم ذلك، والحق سبحانه لم يرفع الموانع عنهم وإنما رفعه عنكم فحسب.

219. من همراه رسول الله صلی الله علیه و آله و خانواده و دو فرزندم در حوض [کوثر] هستیم. پس کسی که [وصال] ما را می خواهد، باید گفتار ما را برگزیند و همانند ما رفتار کند. زیرا هر اهل بیتی نجیب دارد. و ما حق شفاعت داریم و دوست داران ما هم حق شفاعت دارند. پس برای ملاقات ما در حوض [کوثر] مجاهدت نمایید. و ما دشمنان خود را از آن دور می کنیم. و از حوض کوثر محبان و دوستان خود را سیراب می سازیم. و کسی که از آن جرعه ای بنوشد پس از آن تا ابد تشنگی را احساس نخواهد کرد. حوض ما فزاینده است. و در آن دو مسیل است که از بهشت سرچشمه می گیرد. یکی از تسنیم و دیگری از معین. در دو طرف آن زعفران و دانه های درشت لؤلؤ و یاقوت است. و آن کوثر است.

220. همه امور بسوی خداوند است نه بسوی بندگان. و اگر بسوی بندگان بود، احدی را بر ما ترجیح نمی دادند. و لکن خداوند هر که را بخواهد از رحمت خود بهره مند سازد. پس شکرگزار خداوند باشید بر حلال زادگی، که سرآغاز نعمت هایی است که به شما اختصاص داده است.

221. هر چشمی در قیامت گریان است، و هر چشمی در قیامت بیدار است [نمی تواند بخوابد]، جز چشمی که خداوند کرامت خویش را به آن بخشیده است و بر هتک حرمت حسین و آل محمد صلی الله علیه و آله گریسته است.

222. بخدا سوگند شیعیان ما همانند زنبور عسل هستند. اگر مردم می دانستند زنبور عسل چه در دل دارد [عسل] آن را می خوردند. [اگر مردم شیرینی و لذت ایمان به ولایت را می دانستند همگی آن را در سینه خود جای می دادند.]

223. کسی هنگام غذا خوردن به عجله نیاندازد تا [با آرامش] تمام کند و کسی را به هنگام تخلیه به عجله نیاندازد.

224. هر يك از شما وقتی که از خواب بیدار می شود بگوید: لا اله الا الله الحليم الكريم... خدایی جز الله حليم و كريم و حی و قیوم نیست. و او بر هر چیزی تواناست. منزّه است پروردگار پیامبران و رسولان و پروردگار آسمان های هفت گانه و آنچه در آنهاست، و پروردگار زمین هفت گانه و آنچه در آنهاست، و پروردگار عرش عظیم. و سپاس شایسته پروردگار عالمیان است.

هنگامی که بیدار می شود و در بستر می نشیند قبل از برخاستن بگوید: پروردگار برای من از بندگان کافی است. کافی است خداوندی که از ابتدای وجودم مرا کفایت کرد. برای

225. وَإِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ مِنَ اللَّيْلِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى أَكْنَافِ السَّمَاءِ، وَلْيَقُلْ: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» إِلَى قَوْلِهِ: «لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ».
226. الإِطْلَاقُ فِي بئرِ زَمْرَمَ يَذْهَبُ الدَّاءُ؛ فَاشْرَبُوا مِنْ مَائِهَا مِمَّا يَلِي الرُّكْنَ الَّذِي فِيهِ الحَجَرُ الأَسْوَدُ؛ فَإِنَّ تَحْتَ الحَجَرِ أَرْبَعَةَ أَنْهَارٍ مِنَ الجَنَّةِ: الفُرَاتُ، وَالتَّيْلُ، وَسِيحَانُ، وَجِيحَانُ؛ وَهُمَا نَهْرَانِ.
227. لَا يَخْرُجُ المُؤْمِنُ فِي الجِهَادِ وَهُوَ مَعَ مَنْ لَا- يُؤْمِنُ فِي الحُكْمِ، وَلَا- يُنْفَذُ فِي الفَيءِ أَمْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَإِنْ مَاتَ فِي ذَلِكَ كَانَ مُعِينًا لِعَدُوِّنَا فِي حَبْسِ حُقُوقِنَا وَالْإِمَاطَةِ (1) بِدِمَائِنَا، وَمِيتَتُهُ مِيتَةُ الجَاهِلِيَّةِ.
228. ذِكْرُنَا أَهْلَ البَيْتِ شِفَاءً مِنَ العِلَلِ وَالْأَسْقَامِ وَوَسْوَاسِ الصُّدُورِ، وَجِهَتُنَا (2) رَضَى الرَّبُّ عَزَّ وَجَلَّ.
229. وَالْأَخِذُ بِأَمْرِنَا مَعَنَا غَدًا فِي حَظِيرَةِ القُدْسِ (3). [وَ] المُنتَظَرُ لِأَمْرِنَا كَالْمَسْحُوطِ (4) بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.
230. مَنْ شَهِدَنَا فِي حَرْبِنَا أَوْ سَمِعَ وَاعْيَتَنَا فَلَمْ يَنْصُرْنَا أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَيَّ مَنْخَرِيهِ فِي النَّارِ.
231. نَحْنُ بَابُ العَوْنِ وَالْعَوْتِ إِذَا بَعَا وَضَاقَتْ عَلَيْهِمُ المَذَاهِبُ، وَنَحْنُ بَابُ حِطَّةٍ، وَهُوَ بَابُ السَّلَامِ، مَنْ دَخَلَهُ نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَوَى.
232. بِنَا يَفْتَحُ اللَّهُ، وَبِنَا يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ، وَبِنَا يُثَبِّتُ، وَبِنَا يَدْفَعُ اللَّهُ الزَّمَانَ الكَلْبَ (5)، وَبِنَا يُنْزِلُ العَيْثَ، فَلَا يُغْرَتُّكُمْ بِاللَّهِ الغَرُورُ (6).
233. مَا أَنْزَلَتْ السَّمَاءُ مِنَ قَطْرَةٍ مِنْ مَاءٍ مُنْذُ حَبَسَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَلَوْ قَدِ قَامَ قَائِمُنَا لِأَنْزَلَتْ السَّمَاءُ قَطْرَهَا، وَأَخْرَجَتْ الأَرْضُ نَبَاتَهَا، وَلَدَّهَبَ الشَّحْنَاءُ (7) مِنْ قُلُوبِ العِبَادِ، وَاصْطَلَحَتْ السَّبَاعُ وَالبِهَائِمُ،

1- . أَمَاطَه: أَذْهَبَه (لسان العرب: 409/7).

2- . لَعَلَّ المَراد رِعايَة جَهِتَهُم مِنَ الإِطاعَة وَالإِحسان وَالحَبِّ.

3- . هِيَ الجَنَّة.

4- . أَي المَقْتُولِ المَضْطَرِبِ المَتَمَرِّغِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (مَجْمَعُ البَحْرين: 487/2).

5- دَهْرٌ كَلْبٌ: أَلْحَ عَلَيَّ أَهْلَهُ بِمَا يَسُوؤُهُم (العين: 376/5).

6- . الغَرُورُ: الشَّيْطَانُ (الصَّحاح: 768/2).

7- الشَّحْنَاءُ: العِداوَة (النَّهْايَة: 449/2).

من الله کافی است و او بهترین وکیل است.

225. وقتی شبانگاه بیدار می شود به اطراف آسمان نگاه کند و بگوید: «در آفرینش آسمانها و زمین و گردش شب و روز نشانه هایی برای خردمندان است» تا «خداوند خلف وعده نمی کند» [آیات سوره آل عمران: 190-194]. آنان که در حال ایستادن و نشستن به یاد خدا هستند. و به پروردگارشان توکل دارند.

226. به داخل چاه زمزم نگاه کردن درد را از بین می برد. از آب آن از قسمت روبروی رکنی که حجر الاسود در آن قرار دارد بنوشید [اکنون این کار امکان ندارد]. همانا در زیر حجر الاسود چهار نهر بهشتی است. فرات و نیل و سیحان و جیحان. آنها [سیحان و جیحان] دو نهر هستند.

227. مؤمن به همراه کسی که ایمان ندارد و فرمان خدا را درباره غنیمت گردن نمی نهد به جنگ نرود. و اگر در این راه بمیرد دشمن ما را در غضب کردن حق ما و پایمال کردن خون ما یاری کرده است. و مرگ او مرگ جاهلیت است.

228. ذکر [نام و یاد] ما اهل بیت شفای بیماریها و ناخوشی ها و وسوسه قلبهاست. و تمایل به ما موجب خشنودی پروردگار است.

229. پیروی کننده از ولایت ما فردا در بهشت همراه ماست. و منتظر قیام ما، همانند شهیدی است که در راه خدا در خون خود غلطیده است.

230. خداوند کسی را که ما را در جنگ مشاهده کند یا فریاد کمک خواستن ما را بشنود و ما را یاری نکند، به صورت در آتش می افکند.

231. ما [اهل بیت علیهم السلام] درگاه یاری و دادخواهی هستیم در زمانی که مورد ستم قرار گیرند و راهها بر آنان بسته شود. و ما درگاه حظه هستیم و آن باب السلام است که هر کس از آن وارد شود نجات یابد. و هر کس از آن تخلف کند هلاک شود.

232. خداوند با [وساطت] ما آفرینش را آغاز کرده و با ما هر چیزی را بخواهد نابود می کند [یا آثار را از بین می برد] و با ما ایجاد می کند [یا می نویسد]. و به واسطه ما خداوند زمان پریشانی را دور می کند. و به خاطر ما باران می بارد. پس فریبنده ای شما را از خدا مغرور نکند.

233. آبهایی را که آسمان از حبس خداوند نباریده است آنگاه که قائم ما [حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه الشریف] قیام فرماید آسمان خواهد بارید. و زمین گیاهان خود را می رویاند. و کینه ورزی از قلبهای بندگان بیرون می رود. و درندگان و حیوانات رام

حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ مِنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ، وَعَلَى رَأْسِهَا زِينَتُهَا لَا يُهَيِّجُهَا (1) سَبْعٌ وَلَا تَخَافُهُ.

234. لَوْ تَعْلَمُونَ مَا لَكُمْ فِي مَقَامِكُمْ بَيْنَ عَدُوِّكُمْ وَصَبْرِكُمْ عَلَى مَا تَسْمَعُونَ مِنَ الْأَذَى لَقَرَّتْ أَعْيُنُكُمْ.

235. وَلَوْ قَدْ فَتَدْتُمُونِي لَرَأَيْتُمْ مِنْ بَعْدِي أَمْوَرًا يَتَمَتَّى أَحَدُكُمْ الْمَوْتَ مِمَّا يَرَى مِنْ أَهْلِ الْجُحُودِ وَالْعُدْوَانِ مِنْ أَهْلِ الْأَثَرَةِ (2) وَالِاسْتِخْفَافِ بِحَقِّ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرَهُ وَالْخَوْفِ عَلَى نَفْسِهِ، فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا، وَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَالتَّقِيَّةِ.

236. اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - يُغِضُ مِنْ عِبَادِهِ الْمُتَلَوْنَ.

237. وَلَا تَزُولُوا عَنِ الْحَقِّ وَوَلَايَةِ أَهْلِ الْحَقِّ؛ فَإِنَّ مَنْ اسْتَبَدَلَ بِنَا هَلَكًا، وَفَاتَتْهُ الدُّنْيَا وَخَرَجَ مِنْهَا.

238. إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ مَنْزِلَهُ فَلْيَسَلِّمْ عَلَى أَهْلِهِ يَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَهْلٌ فَلْيَقُلْ: السَّلَامُ عَلَيْنَا مِنْ رَبِّنَا، وَلْيَقْرَأْ: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» حِينَ يَدْخُلُ مَنْزِلَهُ؛ فَإِنَّهُ يَنْفِي الْفَقْرَ.

239. عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ الصَّلَاةَ وَخُذُوهُمْ بِهَا إِذَا بَلَغُوا ثَمَانِي سِنِينَ.

240. تَنَزَّهُوا عَنِ قُرْبِ الْكِلَابِ؛ فَمَنْ أَصَابَ الْكَلْبَ وَهُوَ رَطْبٌ فَلْيَغْسِلْهُ، وَإِنْ كَانَ جَافًا فَلْيَنْضِحْ (3) تَوْبَهُ بِالْمَاءِ.

241. إِذَا سَمِعْتُمْ مِنْ حَدِيثِنَا مَا لَا تَعْرِفُونَ فَارْدُّوهُ إِلَيْنَا وَقِفُوا عِنْدَهُ وَسَلِّمُوا، حَتَّى يَتَيَّنَّ لَكُمْ الْحَقُّ.

242. وَلَا تَكُونُوا مَذَابِيحَ عَجَلَى (4).

243. إِلَيْنَا يَرْجِعُ الْغَالِي، وَبِنَا يَلْحَقُ الْمُقْصِرُ الَّذِي يُقْصِرُ لِحَقِّنَا.

244. مَنْ تَمَسَّكَ بِنَا لِحَقِّ، وَمَنْ سَلَكَ غَيْرَ طَرِيقِنَا غَرِقَ.

ص: 272

1- . هاج: أي ثار وتحرك وانبعث واضطرب، والمراد هنا أنه لا يكون لها سبب خوف واضطراب.

2- بفتح الهمزة والثاء: الاسم من أثر يؤثر إيثاراً: إذا أعطى، والمراد الذين يستأثرون الأموال دون الناس.

3- النَّضْحُ: الرُّشُّ (الصحيح: 411/1).

4- . المذابيح: الذين يفشون الأمر ولا يحفظون الأسرار. والمراد إذاعة حديثهم وأسرارهم الصعب المستصعب، والظاهر من كلمة عجلَى أَنَّ أَحَادِيثَ قَائِمِهِمْ وَحُكُومَتِهِمْ وَعَلَانِمَ ذَلِكَ هُوَ الْمَرَادُ مِنَ الْحَدِيثِ الَّذِي أَدَاعَوْهُ.

می شوند. بطوری که زنی از عراق تا شام [برود] هر کجا قدم بگذارد سبزه است و در حالی که با زیور آلات خود حرکت کند هیچ درنده ای [یعنی ستمگر و سارق و خونخوار] تحریک نمی شود و او را نمی ترسانند. [کنایه از امنیت و آبادانی فوق العاده است.]

234. اگر مقام و مرتبه خود را در میان دشمنانتان و صبر شما بر شنیدن اذیت آنان را می دانستید هر آینه چشم های شما مسرور می شدند.

235. همانا مرا از دست خواهید داد. و پس از من از منکران حق و دشمنان و غاصبان اموال مردم و کاهلان نسبت به حق خدای متعال چیزهایی خواهید دید و احساس ناامنی خواهید کرد که آرزوی مرگ می کنید. پس در آن زمان همه به ریسمان الهی چنگ زنید. و بر شما باد صبر کردن و نماز و تقیه.

236. بدانید خداوند تبارک و تعالی از بندگان ملون [هزار چهره] نفرت دارد.

237. از حق و ولایت صاحبان حق دست بردارید. زیرا کسی که دیگری را بجای ما برگزیند هلاک شود. و دنیا از دستش برود و بالاخره خواهد مرد.

238. هر يك از شما هنگام ورود به منزلش بر اهل خانه سلام کند. و بگوید: السلام عليكم. و اگر در خانه کسی نباشد بگوید: سلام بر ما از پروردگار ما و هنگام ورود به خانه، قل هو الله احد را بخواند. زیرا فقر را از بین می برد.

239. به کودکان خود نماز بیاموزید. و در هشت سالگی آنها را به نماز خواندن وادار کنید.

240. از نزدیک شدن به سگ اجتناب کنید. و کسی که با بدن مرطوب با سگ تماس گرفت خود را بشوید. و اگر لباس خشک با سگ تماس گرفت قدری آب به آن پاشد.

241. زمانی که از حدیث ما چیزی شنیدید که معنای آن را نمی دانید، آن را به ما واگذار کنید و چیزی نگوئید تا حق برای شما روشن شود.

242. افشاگر اسرار ما نباشید.

243. غلوکننده [در حق ما] به سوی ما بر می گردد. و کوتاهی کننده در حق ما نیز به ما ملحق می شود.

244. کسی که به ما متوسل شود به مقصد رسد. و کسی که راهی جز طریق ما بیوید غرق می شود.

245. لِمُجِئِنَا أَفْوَاجٍ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَلِمُبْغِضِنَا أَفْوَاجٍ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ.

246. طَرِيقُنَا الْقَصْدُ، وَفِي أَمْرِنَا الرُّشْدُ.

247. لَا يَكُونُ السَّهْوُ فِي خَمْسٍ: فِي الْوَتْرِ، وَالْجُمُعَةِ، وَالرَّكَعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ مِنْ كُلِّ صَلَاةٍ، وَفِي الصُّبْحِ، وَفِي الْمَغْرِبِ.

248. لَا يَقْرَأُ الْعَبْدُ الْقُرْآنَ إِذَا كَانَ عَلَى غَيْرِ طَهْوَرٍ.

249. أُعْطُوا كُلَّ سُورَةٍ حَفَّهَا مِنَ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ إِذَا كُنْتُمْ فِي الصَّلَاةِ.

250. لَا يُصَلِّي الرَّجُلُ فِي قَمِيصٍ مُتَوَشَّحاً (1) بِهِ؛ فَإِنَّهُ مِنْ أَعْمَالِ قَوْمِ لُوطٍ.

251. تُجْزَى الصَّلَاةُ لِلرَّجُلِ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ يَعْقُدُ طَرْفَيْهِ عَلَى عُنُقِهِ، وَفِي الْقَمِيصِ الصَّنْفِيْقِ يَزُرُّهُ عَلَيْهِ.

252. لَا يَسْجُدُ الرَّجُلُ عَلَى صُورَةٍ وَلَا عَلَى بَسَاطٍ فِيهِ صُورَةٌ، وَيَجُوزُ أَنْ تَكُونَ الصُّورَةُ تَحْتَ قَدَمَيْهِ أَوْ يَطْرَحُ عَلَيْهَا مَائُوَارِيهَا.

253. وَلَا يَعْقُدُ الرَّجُلُ الدَّرَاهِمَ الَّتِي فِيهَا صُورَةٌ فِي ثَوْبِهِ وَهُوَ يُصَلِّي، وَيَجُوزُ أَنْ تَكُونَ الدَّرَاهِمُ فِي هِمِيَانٍ أَوْ فِي ثَوْبٍ إِذَا خَافَ وَيَجْعَلُهَا فِي ظَهْرِهِ.

254. لَا يَسْجُدُ الرَّجُلُ عَلَى كُدْسٍ حِنْطَةٍ، وَلَا شَعِيرٍ، وَلَا عَلَى لَوْنٍ مِمَّا يُؤْكَلُ، وَلَا عَلَى الْخُبْزِ.

255. وَلَا يَتَوَضَّأُ الرَّجُلُ حَتَّى يُسَمِّيَ؛ يَقُولُ قَبْلَ أَنْ يَمَسَّ الْمَاءَ: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ.

256. فَإِذَا فَرَّغَ مِنْ طَهْوَرِهِ قَالَ: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»، فَعِنْدَهَا يَسْتَحِقُّ الْمَغْفِرَةَ.

257. مَنْ أَتَى الصَّلَاةَ عَارِفًا بِحَقِّهَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ.

258. لَا يُصَلِّي الرَّجُلُ نَافِلَةً فِي وَقْتِ فَرِيضَةٍ إِلَّا مِنْ عُدْرٍ، وَلَكِنْ يَقْضِي بَعْدَ ذَلِكَ إِذَا أَمَكَّنَهُ الْقَضَاءُ، قَالَ اللَّهُ

ص: 274

1- . التوشح: التغطى. توشح بثوبه أدخله تحت إبطه الأيمن وألقاه على منكبه الأيسر.

245. رحمت های خدا برای دوستداران ما و عذابها و خشم خدا برای دشمنان ماست.

246. روش ما اعتدال است. و رشد در دستورهای ماست.

247. در پنج مورد اشتباه راه ندارد. [شك كردن نماز را باطل می کند]. نماز وتر [ركعت آخر نماز شب] و نماز جمعه و دو ركعت اول هر نماز [ظهر و عصر و عشاء]. نماز صبح و نماز مغرب.

248. کسی که طهارت ندارد قرآن قرائت نکند. [با طهارت قرآن را قرائت کنید].

249. حق هر سوره از رکوع و سجود را ادا کنید. [سجده های واجب و مستحب را هنگام تلاوت سوره ها بجا آورید].

250. هنگام نماز در لباس خود بصورت متوشح [لباس را طوری روی دوش انداختن که يك طرف آن از روی شانه چپ و يك طرف آن از زیر دست راست در جلوی بدن قرار گیرد] نماز نخوانید. زیرا این کار قوم لوط بوده است.

251. نماز خواندن برای مرد بطوری که لباس خود را از دو طرف شانه در جلوی گردن گره بزند اشکال ندارد. و همچنین نماز در پیراهن سخت باف که به گردن بسته شده باشد مجزی است.

252. کسی بر روی تصویر و زیراندازی که نقش تصویر دارد سجده نکند. اما اگر تصویر زیر پا باشد یا چیزی روی تصویر بیندازند که آن را مخفی کند جایز است.

253. کسی سکه های تصویردار را به لباس نماز خود آویزان نکند. اگر [از سرقت] بترسد قرار دادن سکه های تصویردار در همیان یا در لباس و بستن به کمر جایز است.

254. کسی روی خرمن گندم یا جو و روی اشیاء خوردنی و نان، سجده نکند.

255. کسی تا بسم الله نگفته وضو نگیرد. قبل از تماس با آب بگوید: بسم الله وبالله. اللهم اجعلني من التوابين واجعلني من المتطهرين. خداوندا مرا از توبه کنندگان و از پاکان قرار ده.

256. هنگامی که طهارت [وضو یا غسل یا تیمم] تمام شد بگوید: شهادت می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست. و او شريك ندارد. و شهادت می دهم که محمد بنده فرستاده اوست.

پس در این هنگام مستحق آمرزش خواهد بود.

257. کسی که با عرفان و شناخت حق نماز را ادا کند خداوند او را می آمرزد.

258. کسی [نماز] نافله را در وقت [نماز] فریضه بجا نیاورد مگر اینکه عذر داشته باشد. ولی بعد از انجام فریضه اگر ممکن بود قضای نافله را انجام دهد. خداوند متعال می فرماید:

«كسانی که بر نماز مداومت می کنند»، یعنی کسانی که نمازهای ترك شده در روز را شب

تعالى: «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَأَلِ مُونَ» يعنِي الَّذِينَ يَقْضُونَ مَا فَاتَهُمْ مِنَ اللَّيْلِ بِالنَّهَارِ، وَمَا فَاتَهُمْ مِنَ النَّهَارِ بِاللَّيْلِ.

259. لَا تَقْضِ النَّافِلَةَ فِي وَقْتِ الْفَرِيضَةِ؛ اِبْدَأْ بِالْفَرِيضَةِ ثُمَّ صَلِّ مَا بَدَأَ لَكَ.

260. الصَّلَاةُ فِي الْحَرَمَيْنِ تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ، وَتَقْفَةُ دِرْهَمٍ فِي الْحَجِّ تَعْدِلُ أَلْفَ دِرْهَمٍ.

261. لِيَتَخَشَّعَ الرَّجُلُ فِي صَلَاتِهِ؛ فَإِنَّ مَنْ خَشَعَ قَلْبُهُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ خَشَعَتْ جَوَارِحُهُ، فَلَا تَعْبَثُ بِشَيْءٍ فِي الصَّلَاةِ.

262. الْقَنُوتُ فِي صَلَاةِ الْجُمُعَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ، وَيَقْرَأُ فِي الْأُولَى الْحَمْدَ وَالْجُمُعَةَ، وَفِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدَ وَالْمُنَافِقُونَ.

263. اجلسوا في الرُّكْعَتَيْنِ حَتَّى تَسْكُنَ جَوَارِحُكُمْ، ثُمَّ قوموا؛ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِنَا.

264. إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ مِنَ الصَّلَاةِ فَلْيَرْجِعْ (فَلْيَرْفَعْ خ ل) يَدَهُ حَيْثُ دَاءَ صَدْرِهِ، فَإِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ - جَلَّ جَلَالُهُ - فَلْيَتَحَرَّى (1) بِصَدْرِهِ؛ وَلْيَقِمِ صُلْبَهُ وَلَا يَنْحِنِي. إِذَا فَرَّغَ أَحَدُكُمْ مِنَ الصَّلَاةِ فَلْيَرْفَعْ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَلْيَنْصَبْ فِي الدُّعَاءِ.

فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَبَّأٍ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَلَيْسَ اللَّهُ فِي كُلِّ مَكَانٍ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: فَلِمَ يَرْفَعُ الْعَبْدُ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ؟ قَالَ أَمَا تَقْرَأُ: «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ»، وَمَا وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُطَلَّبَ الرِّزْقُ إِلَّا مِنْ مَوْضِعِهِ، وَمَوْضِعُ الرِّزْقِ وَمَا وَعَدَ اللَّهُ السَّمَاءَ.

265. وَلَا يَنْفَتِلُ الْعَبْدُ مِنْ صَلَاتِهِ حَتَّى يَسْأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ، وَيَسْتَجِيرَ بِهِ مِنَ النَّارِ، وَيَسْأَلُهُ أَنْ يَرْزُقَهُ مِنَ الْحَوْرِ الْعَيْنِ.

266. إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَلْيُصَلِّ صَلَاةً مُوَدَّعٍ.

ص: 276

1- كذا، والقياس: «فلتتحري»، وفي البحار (ج 84 ص 239): «فلينحر»، وقال المجلسي قدس سره: قوله «فلينحر» بالنون: أي يجعله محاذياً لنحره، أو محاذياً للقبلة، قال الفيروز آبادي: والداران يتناحران: يتقابلان، ونحرتُ الدار - كمنع - استقبلتها، والرجل في الصلاة: انتصب ونهد صدره... انتهى. وفي بعض النسخ بالتاء؛ أي فليقصد بصدرة ليقيمه.

و نمازهای ترك شده در شب را روز قضا می کنند.

259. قضای نافله را در وقت فریضه انجام مده. ابتدا فریضه و سپس هر نمازی را که خواستی [نافله یا قضا...]. بجای آور.

260. نماز در دو حرم [مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله] معادل هزار نماز، و انفاق کردن يك درهم در حج معادل انفاق کردن هزار درهم است.

261. انسان در نمازش خشوع [حضور قلب] داشته باشد. زیرا کسی که قلب او در برابر خدا خاشع باشد، اعضای دیگر او هم خاشع خواهند بود. پس در نماز با چیزی بازی نکند.

262. قنوت در نماز جمعه قبل از رکوع است. و در نماز جمعه در رکعت اول حمد و سوره جمعه و در رکعت دوم حمد و سوره منافقون قرائت شود.

263. در هر رکعت بنشینید [پس از سجده دوم] تا بدن شما کاملاً آرام شود. سپس [برای رکعت بعد] قیام کنید. همانا این کار روش ما [اهل بیت] است.

264. زمانی که کسی نماز را به پایان برد دستش را تا مقابل سینه اش بالا ببرد [و دعا کند]. وقتی یکی از شما در برابر خداوند جل جلاله [به نماز] می ایستد حضور قلب داشته باشد. و پشت [ستون فقرات] او مستقیم باشد و منحنی نباشد. و هنگامی که نماز تمام شد، دستش را به آسمان بلند و دعا کند.

عبدالله بن سبأ گفت: یا امیرالمؤمنین، مگر خدا در همه جا نیست؟ حضرت فرمودند: بلی.

عبدالله گفت: پس چرا بنده دست به آسمان بلند کند؟ حضرت فرمودند: آیا قرآن قرائت نکرده ای: «روزی شما و آنچه به شما وعده داده شده در آسمان است». و خداوند وعده طلب رزق نکرده است مگر از موضع خودش. و موضع رزق و آنچه خدا وعده داده است آسمان است.

265. بنده از نماز فارغ نشود تا از خدا درخواست بهشت و نجات از جهنم کند. و از خدا حورالعین بخواهد. [تا این موارد را از خدا طلب نکرده از حال نماز خارج نشود].

266. هنگام انجام نماز، همانند کسی که آخرین نماز عمرش را می خواند نماز بپا دارید.

267. لا يَقْطَعُ الصَّلَاةَ التَّبَسُّمُ، وَيَقْطَعُهَا الْفَهْقَةُ.

268. إِذَا خَالَطَ النَّوْمُ الْقَلْبَ وَجَبَ الْوُضُوءُ.

269. إِذَا غَلَبَتْكَ عَيْنُكَ وَأَنْتَ فِي الصَّلَاةِ فَاقْطَعْ وَنَمْ؛ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي لَعَلَّ أَنْ تَدْعُوَ لَكَ أَوْ عَلَى نَفْسِكَ.

270. مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ، وَأَعَانَنَا بِلسَانِهِ، وَقَاتَلَ مَعَنَا بِيَدِهِ؛ فَهُوَ مَعَنَا فِي الْجَنَّةِ فِي دَرَجَتِنَا.

271. وَمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ، وَأَعَانَنَا بِلسَانِهِ، وَلَمْ يُقَاتِلْ مَعَنَا أَعْدَاءَنَا فَهُوَ أَسْفَلُ مِنْ ذَلِكَ بِدَرَجَةٍ.

272. وَمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ، وَلَمْ يُعِنَّا بِلسَانِهِ وَلَا بِيَدِهِ، فَهُوَ أَسْفَلُ بِدَرَجَتَيْنِ فِي الْجَنَّةِ.

273. وَمَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَلَمْ يُعِنِ عَلَيْنَا بِلسَانِهِ وَلَا بِيَدِهِ فَهُوَ فِي النَّارِ.

274. وَمَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ، وَأَعَانَ عَلَيْنَا بِلسَانِهِ وَيَدِهِ، فَهُوَ مَعَ عَدُوِّنَا فِي النَّارِ.

275. وَإِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ لَيَنْظُرُونَ إِلَى مَنَازِلِنَا وَمَنَازِلِ شِيعَتِنَا كَمَا يَنْظُرُ الْإِنْسَانُ إِلَى الْكَوَاكِبِ فِي السَّمَاءِ.

276. إِذَا قَرَأْتُمْ (ل) مِنَ الْمُسَبِّحَاتِ الْأَخِيرَةِ فَقُولُوا: سُبْحَانَ اللَّهِ الْأَعْلَى.

277. وَإِذَا قَرَأْتُمْ: «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَكٌ - كَتَبَهُ وَيُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ» فَصَلُّوا عَلَيْهِ فِي الصَّلَاةِ كُنْتُمْ أَوْ فِي غَيْرِهَا.

278. لَيْسَ فِي الْبَدَنِ شَيْءٌ أَقَلَّ شُكْرًا مِنَ الْعَيْنِ؛ فَلَا تُعْطَوْهَا سُؤْلِهَا فَتَشْغَلْكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

279. إِذَا قَرَأْتُمْ «وَالْتَيْنِ» فَقُولُوا فِي آخِرِهَا: وَنَحْنُ عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ.

280. إِذَا قَرَأْتُمْ: «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْنَا» فَقُولُوا: آمَنَّا بِاللَّهِ، حَتَّى تَبْلُغُوا إِلَى قَوْلِهِ: «وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ».

267. تبسم نماز را باطل نمی کند. و فقهه نماز را باطل می کند.

268. هنگامی که خواب بر قلب چیره شد، وضو واجب می شود.

269. هنگامی که در نماز خواب بر چشمانت غلبه کرد نماز را قطع کن و بخواب. زیرا [در آن حال] نمی دانی [چه می گویی]. شاید برای خود دعا کنی یا خود را نفرین کنی.

270. کسی که ما را از صمیم قلب دوست داشته باشد و با زبانش یاری کند و با دستش [همه نیرویش] در راه دفاع از ما نبرد کند، در بهشت همراه ما و همپایه ماست.

271. کسی که ما را در قلب دوست داشته باشد و با زبان یاری کند ولی از ما در نبرد با دشمنان دفاع نکند، يك درجه پائین تر است.

272. کسی که ما را فقط در قلب دوست داشته باشد و با زبان و دست یاری نکند، در بهشت دو درجه پائین تر است.

273. کسی که در قلبش بغض ما داشته باشد و با زبان و دست دشمنان ما را یاری نکند، در دوزخ است.

274. کسی که در قلبش بغض ما داشته باشد و با زبان و دست دشمنان ما را یاری کند، در دوزخ همراه دشمنان ماست.

275. همانا اهل بهشت به جایگاه ما و جایگاه شیعیان ما می نگرند همانگونه که انسان به ستارگان آسمان می نگرد.

276. هنگامی که از تسبیحات آخر [نماز] فارغ شدید بگوئید: سبحان الله الاعلی.

277. هنگامی که این آیه: «ان الله و ملائکته یصلون علی النبی» را قرائت کردید، بر پیامبر صلوات بفرستید. در حال نماز باشید یا غیر نماز. [در هر حالی این آیه را شنیدید یا قرائت کردید صلوات بفرستید.]

278. در بدن هیچ عضوی کمتر از چشم شکرگزاری نمی کند. پس خواسته هایش را به او ندهید که شما را از یاد خدا باز می دارد.

279. هنگامی که سوره «والتین» را قرائت کردید، در آخر آن بگوئید: ما به این مطلب گواهی می دهیم.

280. هنگامی که آیه 136 سوره بقره «قولوا آمنا بالله... و نحن له مسلمون» را قرائت کردید، بگوئید:

ایمان آوردیم به خدا و آنچه بر ما نازل شده است. و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل شده است و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران از طرف پروردگارشان داده شده است ایمان آوردیم و بین هیچ يك از آنها فرق نمی گذاریم. [به هیچ يك کفر نمی ورزیم] و ما به او اسلام آورده ایم. [از آمنا بالله تا آخر آیه را پس قرائت آیه تکرار کنید.]

281. إِذَا قَالَ الْعَبْدُ فِي التَّشَهُدِ الْأَخِيرِ وَهُوَ جَالِسٌ: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَارِيبَ فِيهَا، وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ»، ثُمَّ أَحْدَثَ حَدَثًا فَقَدْ تَمَّتْ صَلَاتُهُ.

282. مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَشَدَّ مِنَ الْمَشْيِ إِلَى بَيْتِهِ .

283. اطْلُبُوا الْخَيْرَ فِي أَخْفَافِ الْإِبِلِ وَأَعْنَاقِهَا صَادِرَةً وَوَارِدَةً.

284. إِنَّمَا سَمِيَ اللَّهُ زَمْزَمَ السَّقَايَةِ (1)؛ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَرَ بِزَيْبِ اتِي بِهِ مِنَ الطَّائِفِ أَنْ يُنْبَدَ وَيُطْرَحَ فِي حَوْضِ زَمْزَمَ؛ لِأَنَّ مَاءَهَا مُرٌّ، فَأَرَادَ أَنْ يَكْسِرَ مَرَاتَهُ، فَلَا تَشْرِبُوهُ إِذَا عَتَّقَ.

285. إِذَا تَعَرَّى الرَّجُلُ نَظَرَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ وَطَمِعَ فِيهِ، فَاسْتَرُوا، وَلَيْسَ لِلرَّجُلِ أَنْ يَكْشِفَ ثِيَابَهُ عَلَى فَخْدَيْهِ وَيَجْلِسَ بَيْنَ قَوْمٍ.

286. مَنْ أَكَلَ شَيْئًا مِنَ الْمُؤَذِيَاتِ بِرِيحِهَا فَلَا يَقْرَبَنَّ الْمَسْجِدَ.

287. لِيَرْفَعَ الرَّجُلُ السَّاجِدُ مُؤَخَّرَهُ فِي الْفَرِيضَةِ إِذَا سَجَدَ.

288. إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ الْغُسْلَ فَلْيَبْدَأْ بِذِرَاعَيْهِ فَلْيَغْسِلْهُمَا.

289. إِذَا صَلَّيْتَ فَاسْمِعْ نَفْسَكَ الْقِرَاءَةَ وَالتَّكْبِيرَ وَالتَّسْبِيحَ.

290. إِذَا انْقَلَبْتَ (2) مِنَ الصَّلَاةِ فَانْقَلِبْ عَنِ يَمِينِكَ.

291. تَزَوَّدُوا مِنَ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّ خَيْرَ مَا تَزَوَّدَتْ مِنْهَا النَّعْوَى.

292. فَقِدْتِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ امَّتَانِ؛ وَاحِدَةٌ فِي الْبَحْرِ، وَوَاحِدَةٌ فِي الْبَرِّ، فَلَا تَأْكُلُوا إِلَّا مَا عَرَفْتُمْ.

293. مَنْ كَتَمَ وَجَعًا أَصَابَهُ ثَلَاثَةٌ أَيَّامٍ مِنَ النَّاسِ وَشَكَا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُعَافِيَهُ مِنْهُ.

294. أَبْعُدْ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ إِذَا كَانَ هُمُّهُ فَرَجَهُ وَبَطَنَهُ.

ص: 280

1- وفي البحار والخصال «إنما السقاية»، وعن التحف «إنما سمى نبيذ السقاية».

2- . انقلت من الصلاة: انصرف عنها وأتمها.

281. زمانی که بنده در تشهد آخر نماز نشسته است و می گوید: اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و اشهد ان محمد عبده و رسوله صلى الله عليه و آله. و ان الساعة... و گواهی می دهم که قیامت رخ خواهد داد و خداوند کسانی را که در قبرها هستند بر می انگیزد. و ناگهان حدیثی اتفاق بیفتد [وضو باطل شود] نمازش تمام شده و صحیح است.

282. هیچ کاری برای عبادت کردن خدا سخت تر از رفتن به خانه او [مسجد الحرام یا هر مسجد دیگر نیست].

283. خیر و درآمد را در نگهداری و پرورش شتر بجوئید.

284. همانا خداوند زمزم را سقایت نامید زیرا رسول الله صلى الله عليه و آله مأمور شد تا انگوری را که از طائف برای آن حضرت آورده شده بود در حوض زمزم بفشارد. چون آب زمزم تلخ بود و می خواست تلخی آن را از بین ببرد.

285. زمانی که انسان عریان شود شیطان به او نگاه کرده و طمع می کند، پس پوشیده باشید. جایز نیست که مرد لباسش را از روی ران کنار بزند، و در حضور جمع بنشیند.

286. کسی که خوراکی بد بو [مانند سیر، پیاز و...] خورده است به مسجد نرود. [با بوی بد دهان دیگران را اذیت نکنید].

287. مرد هنگام سجده در نماز فریضه قسمت عقب بدن را بالا ببرد.

288. هر يك از شما خواستید غسل کنید، ابتدا ساعد دست ها را بشوید.

289. هنگام نماز، قرائت و تکبیر و تسبیح را طوری بخواند که خودش بشنود. [نه زیاد آهسته که هیچ تلفظ نکند و نه خیلی بلند].

290. هنگام برخاستن [پس از اتمام نماز] از طرف راست برخیز.

291. از دنیا توشه بگیرید، همانا بهترین توشه دنیا تقوی است.

292. دو گروه از بنی اسرائیل نابود شدند. يك گروه در آب و يك گروه در خشکی [برای نافرمانی و خوردن حرام] پس نخورید جز چیزی را که می شناسید. [حلال است].

293. کسی که درد [بیماری] خود را تا سه روز از مردم پنهان کند و به خدا شکایت کند [از خدا شفا طلبد] حق دارد که خدا او را عافیت بخشد.

294. بدترین حالتی که انسان را از خدا دور می کند زمانی است که انسان تمام هم و غمش شهوت و شکمش باشد.

295. لَا يَخْرُجُ الرَّجُلُ فِي سَفَرٍ يَخَافُ فِيهِ عَلَى دِينِهِ وَصَلَاتِهِ .

296. اعطِي (1) السَّمْعَ أَرْبَعَةً: النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْجَنَّةُ وَالنَّارُ وَالْحَوْرُ الْعَيْنُ، فَإِذَا فَرَّغَ الْعَبْدُ مِنْ صَلَاتِهِ فَلْيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ، وَيَسْأَلِ اللَّهَ الْجَنَّةَ، وَيَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ، وَيَسْأَلُهُ أَنْ يُزَوِّجَهُ مِنَ الْحَوْرِ الْعَيْنِ؛ فَإِنْ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَمِعَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرُفِعَتْ دَعْوَتُهُ، وَمَنْ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ قَالَتِ الْجَنَّةُ: يَا رَبِّ، أَعْطِ عَبْدَكَ مَا سَأَلَهُ، وَمَنْ اسْتَجَارَ مِنَ النَّارِ قَالَتِ النَّارُ: يَا رَبِّ أَجِرْ عَبْدَكَ مِمَّا اسْتَجَارَ مِنْهُ، وَمَنْ سَأَلَ الْحَوْرَ الْعَيْنَ قُلْنَ: اللَّهُمَّ أَعْطِ عَبْدَكَ مَا سَأَلَ.

297. الْغِنَاءُ نُوحٌ إِبْلِيسَ عَلَى الْجَنَّةِ.

298. إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ النَّوْمَ فَلْيَضَعْ يَدَهُ الْيُمْنَى تَحْتَ خَدِّهِ الْيُمْنِ، فَلْيَقُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ، وَضَعْتُ جَنبِي لِلَّهِ، عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَلَايَةِ مَنْ افْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ»، وَمَنْ قَالَ ذَلِكَ عِنْدَ مَنْامِهِ حُفِظَ مِنَ اللَّصِّ الْمُغِيرِ وَالْهَدْمِ، وَاسْتَعْفَرَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ.

299. مَنْ قَرَأَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ وَكَلَّ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ بِهِ خَمْسِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يَحْرُسُونَهُ لَيْلَتَهُ.

300. إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ النَّوْمَ فَلَا يَصَدَّ عَنْ جَنْبِهِ عَلَى الْأَرْضِ حَتَّى يَقُولَ: «أَعِيذُ نَفْسِي وَدِينِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي وَخَوَّلَنِي (2) بَعِزَّةِ اللَّهِ، وَعَظْمَةِ اللَّهِ، وَجَبْرَتِ اللَّهِ، وَسُلْطَانِ اللَّهِ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ، وَرَأْفَةِ اللَّهِ، وَغُفْرَانِ اللَّهِ، وَقُوَّةِ اللَّهِ، وَقُدْرَةِ اللَّهِ، وَبِجَلَالِ اللَّهِ، وَبِصُنْعِ اللَّهِ، وَأَرْكَانِ اللَّهِ، وَبِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِجَمْعِ اللَّهِ، وَبِقُدْرَةِ اللَّهِ عَلَى مَا يَشَاءُ، مِنْ شَرِّ السَّامَةِ (3) وَالْهَامَةِ (4)، وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَدْبُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ

ص: 282

1- أي يصغي ويجيب في أربعة.

2- خوله الله الشيء: أي ملكه إياه (الصحيح: 1690/4).

3- السامة: ما يسم ولا يقتل؛ كالعقرب والزنبور ونحوهما (النهاية: 404/2).

4- الهامة: من همم؛ كل ذات سم يقتل، وقد يقع على ما يدب من الحيوان وإن لم يقتل كالحشرات (النهاية: 275/5).

295. انسان به سفری نرود که در آن سفر دین و نمازش به خطر می افتد.

296. به چهار مخلوق شنوایی داده شده است: پیامبر صلی الله علیه و آله و بهشت و جهنم و حور العین. پس هنگامی که کسی از نماز فارغ می شود، بر پیامبر و آل او صلوات فرستد. و از خدا بهشت را درخواست کند و از جهنم به خدا پناه برد. و از خدا درخواست کند که حورالعین را به ازدواج او درآورد.

پس اگر بر محمد صلی الله علیه و آله صلوات فرستد، پیامبر صلی الله علیه و آله آن را می شنود و دعایش بالا می رود. و کسی که از خدا بهشت درخواست کند، بهشت می گوید: پروردگارا خواسته بنده ات را بدو عطا کن.

و کسی که از جهنم پناه جوید، جهنم گوید: پروردگارا بنده ات را پناه ده از آنچه به تو پناه آورده است.

و کسی که حور العین درخواست کند، حوریان می گویند: خدایا به بنده ات آنچه می خواهد عطا کن.

297. موسیقی ناله شیطان برای [از دست دادن] بهشت است.

298. هر يك از شما هنگام خوابیدن دست راست خود را زیر گونه راست خود بگذارد و بگوید:

«با اسم خدا خوابیدم برای [رضای] خدا و بر آئین ابراهیم و دین محمد و ولایت کسی که خدا طاعت او را واجب فرمود. آنچه خدا خواست، شد. و آنچه خدا نخواهد، نمی شود.» و کسی که این مطلب را هنگام خوابیدن بگوید، از دزد و نابودی حفظ می شود. و ملائکه برایش استغفار می کنند.

299. کسی که هنگام به بستر رفتن سوره «قل هو الله احد» را بخواند خداوند پنجاه هزار فرشته را مأمور می کند که آن شب از او حراست نماید.

300. هنگامی که یکی از شما می خواهد بخوابد، پهلوی خود را روی زمین نگذارد مگر اینکه بگوید: پناه می برم خودم و دینم و بستگانم و مالم و فرزندم و سرانجام کارم و آنچه پروردگارم نصیب من فرموده و در اختیارم قرار داده، به عزت خدا و عظمت خدا و جبروت خدا و سلطنت خدا و رحمت خدا و مهرورزی خدا و آمرزش خدا و نیروی خدا و قدرت خدا و جلال خدا و صنع خدا و بنیان خدا [که خدا بنا نهاده است]. و به رسول الله صلی الله علیه و آله و به جمع خدا و قدرت خدا بر هر چیز که می خواهد [پناه می برم] از شر مسمومیت و گرفتاری و از شر جن و انس و از شر موجودات زمینی و موجوداتی که از زمین

دَابَّةٌ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»؛ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يُعَوِّذُ بِهَا الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ، وَبِذَلِكَ أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

301. نَحْنُ الْخُرَّانُ لِدِينِ اللَّهِ، وَنَحْنُ مَفَاتِيحُ الْعِلْمِ، إِذَا مَضَى عَنَّا عِلْمٌ بَدَا عِلْمٌ، لَا يَصِلُ مَنْ تَبِعَنَا، وَلَا يَهْتَدِي مَنْ أَنْكَرَنَا، وَلَا يَنْجُو مَنْ أَعَانَ عَلَيْنَا عَدُوَّنَا، وَلَا يُعَانُ مَنْ أَسْلَمْنَا؛ فَلَا تَتَخَلَّفُوا عَنَّا لَطَمَعِ دُنْيَا، وَحُطَامِ زَانِلٍ عَنكُمْ وَأَنْتُمْ تَزُولُونَ عَنْهُ؛ فَإِنَّ مَنْ آثَرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَاخْتَارَهَا عَلَيْهِ عَظَمَتِ حَسْرَتِهِ عَدَاءً، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرْتِي عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي جَنَمٍ - بِِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ» (1).

302. اغْسِلُوا صَبِيَانَكُمْ مِنَ الْغَمْرِ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَشُمُّ الْغَمْرَ فَيَفْرَعُ الصَّبِيَّ فِي رُقَادِهِ، وَيَتَأَذَّى بِهِ الْكَاتِبَانِ.

303. لَكُمْ أَوَّلُ نَظْرَةٍ إِلَى الْمَرْأَةِ فَلَا تُسَبِّحُهَا بِنَظْرَةٍ أُخْرَى، وَاحْذَرُوا الْفِتْنَةَ.

304. مُدْمِنُ الْخَمْرِ يَلْقَى اللَّهَ حِينَ يَلْقَاهُ كَعَابِدٍ وَثَنٍ. فَقَالَ حُجْرُ بْنُ عَدِيٍّ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، مَا الْمُدْمِنُ؟ قَالَ: الَّذِي إِذَا وَجَدَهَا شَرِبَهَا.

305. مَنْ شَرِبَ الْمُسْكِرَ لَمْ تُقْبَلْ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَلَيْلَةً.

306. مَنْ قَالَ لِلْمُسْلِمِ قَوْلًا يُرِيدُ انْتِقَاصَ مُرُوتِهِ، حَبَسَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي طِينَةِ خَبَالٍ حَتَّى يَأْتِيَ مِمَّا قَالَ بِمَخْرَجٍ.

307. لَا يَنَامُ الرَّجُلُ مَعَ الرَّجُلِ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ؛ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ وَجَبَ عَلَيْهِ الْأَدَبُ؛ وَهُوَ التَّعْزِيرُ.

308. كُلُوا الدُّبَاءَ (2)؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُعْجِبُهُ الدُّبَاءُ.

309. كُلُوا الْأُتْرُجَ (3) قَبْلَ الطَّعَامِ وَبَعْدَهُ؛ فَإِنَّ آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقْعَلُونَ ذَلِكَ.

ص: 284

1- . سورة الزمر الآية: 56.

2- . الدُّبَاءُ: القرع (النهاية: 96/2).

3- . الأُتْرُجُ - بضم الهمزة وسكون التاء وضم الراء وتشديد الجيم - و الترنج: ثمر شجر بستاني من جنس الليمون ناعم الورق.

خارج می شوند و از شر هر حیوانی که به فرمان توست. همانا پروردگرم بر صراط مستقیم است. و او بر هر چیز تواناست. و نیرو و قدرتی جز خداوند بلند مرتبه و بزرگ نیست. همانا پیامبر صلی الله علیه و آله این تعویذ را برای حسن و حسین علیهما السلام انجام می دادند. و به ما امر کردند چنین کنیم.

301. ما [اهل بیت علیهم السلام] گنجینه هایی برای دین خدا و کلیدهای علم هستیم. هر گاه علم [یکی از] ما از دنیا برود علم [نفر] بعدی ظاهر می شود. کسی که از ما پیروی کند گمراه نخواهد شد. و کسی که ما را انکار کند هدایت نمی شود. و کسی که با دشمنان ما بر علیه ما همکاری کند نجات نمی یابد.

و کسی که ما را اسیر کند یاری نمی شود. [از امداد الهی محروم می شود.] پس به طمع دنیا و اموال بی ارزش که از دست شما می رود و شما از آن جدا می شوید با ما مخالفت نکنید. همانا کسی که دنیا را بر آخرت ترجیح دهد و برگزیند فردا حسرتش بسیار بزرگ خواهد شد. و این فرمایش خداوند است: «مبادا کسی روز قیامت بگوید: و احسرتا [افسوس بر من] از کوتاهی هایی که در اطاعت از فرمان خدا کردم. و از مسخره کنندگان [آیات او] بودم».

302. [بدن] کودکان خود را از چربی غذا خوردن بشوید. زیرا شیطان چربی [چسبیده به بدن] را استشمام می کند. و کودک در خواب می ترسد. و دو فرشته کاتب از این رفتار اذیت می شوند.

303. نظر اول به زن [نامحرم] اشکال ندارد. اما تکرار نکنید. و از فتنه بر حذر باشید. [یعنی نگاهی که به صورت اتفاقی و اولین بار باشد اشکال ندارد. اما در صورت تکرار یا اینکه از ابتدا عمدی باشد جایز نیست].

304. کسی که همیشه شراب خواری کند در قیامت همانند بت پرست خدا را ملاقات می کند.

حجر بن عدی پرسید: یا امیرالمؤمنین همیشگی یعنی چه؟ فرمودند: کسی که هرگاه شراب یافت بیاشامد.

305. کسی که شراب بیاشامد تا چهل شبانه روز نمازش قبول نمی شود. [البته نماز واجب است و باید بخواند و برای پذیرفته شدن آن باید توبه کند].

306. کسی که درباره مسلمانان سخنی بگوید که شخصیت او را خرد کند خداوند او را در باتلاق تباهی گرفتار می کند. تا از گفتار خود راه خروجی بیابد.

307. مرد با مرد دیگر زیر یک پتو ن خوابد. اگر چنین کند باید [حاکم شرع] او را با تعزیر [ادب] کند.

308. کدو بخورید که دماغ [فهم] را زیاد می کند. و رسول الله صلی الله علیه و آله از کدو خوشش می آمد.

309. بالنگ را قبل و بعد از غذا بخورید. همانا آل محمد صلی الله علیه و آله چنین می کردند.

310. الكُمَثْرَى يَجْلُو الْقَلْبَ، وَيُسَكِّنُ أَوْجَاعَ الْجَوْفِ.

311. إِذَا قَامَ الرَّجُلُ إِلَى الصَّلَاةِ، أَقْبَلَ إِبْلِيسُ يَنْظُرُ عَلَيْهِ حَسَدًا لِمَا يَرَى مِنْ نِعْمَةِ اللَّهِ الَّتِي تَغْشَاهُ.

312. شَرُّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا، وَخَيْرُ الْأُمُورِ مَا كَانَ لِلَّهِ عِزٌّ وَجَلٌ رِضَى.

313. مَنْ عَبَدَ الدُّنْيَا وَأَثَرَهَا عَلَى الْآخِرَةِ اسْتَوْخَمَ (1) الْعَاقِبَةَ.

314. اتَّخِذُوا الْمَاءَ طِيبًا.

315. وَمَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِمَا قَسَمَ لَهُ اسْتَرَاحَ بَدَنُهُ.

316. خَسِرَ مَنْ ذَهَبَتْ حَيَاتُهُ وَعُمُرُهُ فِيمَا يُبَاعِدُهُ عَنِ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌ.

317. لَوْ يَعْلَمُ الْمُصَلِّيُّ مَا يَغْشَاهُ مِنْ جَلَالِ اللَّهِ، مَا سَرَّهَ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ مِنْ سُجُودِهِ.

318. إِيَّاكُمْ وَتَسْوِيفَ الْعَمَلِ! بَادِرُوا بِهِ مَا أَمَكَّنَكُمْ.

319. مَا كَانَ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَسَيَأْتِيكُمْ عَلَى ضَعْفِكُمْ، وَمَا كَانَ عَلَيْكُمْ فَلَنْ تَقْدِرُوا أَنْ تَدْفَعُوهُ بِحِيلَةٍ.

320. وَأُمِرُوا بِالْمَعْرُوفِ، وَأَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ، وَاصْبِرُوا عَلَى مَا أَصَابَكُمْ.

321. سِرَّ رَاجِ الْمُؤْمِنِ مَعْرِفَةُ حَقِّنَا، أَشَدُّ الْعَمَى مِنْ عَمِيٍّ عَنِ فَضْلِنَا، وَنَاصَةَ بِنَا الْعِدَاوَةَ بِلَا ذَنْبٍ سَبَقَ إِلَيْهِ مِنَّا إِلَّا أَنَا دَعَوْنَاهُ إِلَى الْحَقِّ، وَدَعَاهُ مَنْ سِوَانَا إِلَى الْفِتْنَةِ وَالدُّنْيَا، فَأَثَرُهُمَا وَنَصَبَ الْبِرَاءَةِ مِنَّا وَالْعِدَاوَةَ لَنَا.

322. لَنَا رَايَةُ الْحَقِّ؛ مَنْ اسْتَظَلَ بِهَا كُنْتَهُ (2)، وَمَنْ سَبَقَ إِلَيْهَا فَازَ، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ، وَمَنْ فَارَقَهَا هَوَى، وَمَنْ تَمَسَّكَ بِهَا نَجَا.

323. أَنَا يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْمَالُ يَعْسُوبُ الظُّلْمَةَ.

324. وَاللَّهِ، لَا يُجِبُّنِي إِلَّا الْمُؤْمِنُ وَلَا يُبْغِضُنِي إِلَّا الْمُنَافِقُ.

325. إِذَا لَقَيْتُمْ إِخْوَانَكُمْ فَتَصَافَحُوا، وَأَظْهِرُوا لَهُمُ الْبَشَاشَةَ وَالْبِشْرَ؛ تَتَفَرَّقُوا وَمَا عَلَيْكُمْ مِنَ الْأَوْزَارِ قَدْ ذَهَبَ.

ص: 286

1- . استوخم: استقل، أو صارت عاقبته وخيمته؛ أي رديئة.

2- كُنْتَهُ: أي سترته في كنهه وغطته وصانته من الشمس. وفي نسخة: «كفته». ولعله مصحف «كفته»: أي صانته وحفظته.

310. گلابی قلب را جلا می دهد. و دردهای شکم را تسکین می دهد.

311. زمانی که انسان برای نماز بر می خیزد، شیطان رو به او می کند و به خاطر نعمتی که خداوند به سرپای او پوشانده است با حسادت نگاه می کند.

312. بدترین امور بدعتها هستند. و بهترین امور آن است که موجب خشنودی خدا شود.

313. کسی که دنیا پرستی کند و دنیا را بر آخرت ترجیح دهد، عاقبت [خودش] را وخیم کرده است.

314. آب را مایه پاکیزگی بدانید.

315. کسی که به قسمت الهی برای خود خشنود باشد، بدنش راحت است.

316. زیان کرده است کسی که زندگیش تمام شده و عمرش را در دوری از خدا صرف کرده است.

317. اگر نمازگزار می دانست چقدر از جلال خدا او را در بر گرفته است نمی خواست سر از سجده بردارد.

318. کار را به آینده موکول نکنید. [کار امروز را به فردا مگذارید.] در اولین فرصت اقدام کنید.

319. آنچه روزی شما باشد به شما خواهد رسید. گرچه ضعیف باشد. و آنچه بر علیه شما مقدر است با هیچ تدبیر و حيله ای نمی توانید [از خود] دور گردانید.

320. امر به معروف و نهی از منکر کنید. و بر مصیبتهای خود صبر پیشه کنید.

321. چراغ [وراهنمای] مؤمن، شناخت حق ماست. بدترین نابینا کسی که فضیلت ما را نبیند. و بدون اینکه گناهی از ما جز دعوت به حق، به او رسیده باشد با ما دشمنی کند. در حالی که غیر از ما [دیگران] او را به فتنه و دنیا دعوت نماید و او هم فتنه و دنیا را ترجیح دهد و نفرت از ما و دشمنی ما را در پیش گیرد.

322. پرچم حق از آن ماست، کسی که در سایه آن قرار گیرد، مصونیت یابد و کسی که بسوی آن بیاید رستگار شود. و کسی که از آن روی برگرداند هلاک شود. و کسی که از آن جدا شود دچار سقوط شود. و کسی که به آن تمسک کند [چنگ زند] نجات یابد.

323. من پیشوا و رئیس مؤمنان هستم. و مال، پیشوای ستمگران است.

324. به خدا سوگند جز مؤمن مرا دوست ندارد. و جز منافق با من دشمنی نکند.

325. هنگامی که با برادران [مؤمن] خود ملاقات می کنید به یکدیگر دست بدهید و با خوشرویی و شادمانی برخورد کنید. در این صورت پس از جد شدن از یکدیگر گناهان شما از بین رفته است.

326. إِذَا عَطَسَ أَحَدُكُمْ فَسَمِّتُوهُ (1) ، قولوا: يَرَحْمُكُمُ اللَّهُ، وَهُوَ يَقُولُ: يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَيَرْحَمُكُمْ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَإِذَا حُيِّتُمْ بِحَيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا» (2).

327. صَافِحِ عَدُوَّكَ وَإِنْ كَرِهَ؛ فَإِنَّهُ مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ عِبَادَةَ؛ يَقُولُ: «ادْفَعْ بِأَلْتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ وَعَدَا وَكَانَهُ وَوَلِيَّ حَمِيمٍ وَمَا يُلْقَل - هَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَل - هَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» (3).

328. مَا تُكَافِي عَدُوَّكَ بِشَيْءٍ أَشَدَّ عَلَيْهِ مِنْ أَنْ تُطِيعَ اللَّهَ فِيهِ، وَحَسْبُكَ أَنْ تَرَى عَدُوَّكَ يَعْمَلُ بِمَعَاصِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

329. الدُّنْيَا دُولٌ (4) فَاطْلُبْ حَظَّكَ مِنْهَا بِأَجْمَلِ الطَّلَبِ حَتَّى يَأْتِيكَ دَوْلَتُكَ.

330. الْمُؤْمِنُ يَفْطَانُ مُتَرَقِّبٌ خَائِفٌ يَنْتَظِرُ إِحْدَى الْحُسْنَيْنِ، وَيَخَافُ الْبَلَاءَ حَذَرًا مِنْ ذُنُوبِهِ، يَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

331. لَا يَعْرِى الْمُؤْمِنُ مِنْ خَوْفِهِ وَرَجَائِهِ؛ يَخَافُ مِمَّا تَقَدَّمَ، وَلَا يَسْهُو عَنْ طَلَبِ مَا وَعَدَهُ اللَّهُ، وَلَا يَأْمَنُ مِمَّا خَوَّفَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.

332. أَنْتُمْ عُمَّارُ الْأَرْضِ الَّذِينَ اسْتَخْلَفَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا لِيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ، فَرَأَى فِيهَا بَعْضَ مَا يَرَى مِنْكُمْ.

333. عَلَيْكُمْ بِالْمَحَبَّةِ الْعُظْمَى فَاسْلُكُوهَا لَا يَسْتَبْدِلُ (5) بِكُمْ غَيْرُكُمْ.

334. مَنْ كَمَلَ عَقْلُهُ حَسَنَ عَمَلُهُ وَنَظَرُهُ إِلَى دِينِهِ .

335. سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ، فَإِنَّكُمْ لَنْ تَنَالُوهَا إِلَّا بِالتَّقْوَى.

ص: 288

- 1- سَمَّتْ يُسَمَّتْ - من التفعيل - على الشيء: ذكر اسم الله عليه، وسمت للعاطس: دعا له بقول: يرحمك الله، وهو من قول المؤمن.
- 2- . سورة النساء الآية: 86.
- 3- . سورة فصلت الآية: 34.
- 4- . الدَّوْلَةُ - بالفتح - والدَّوْلَةُ بالضم واحدة. وقيل: الدَّوْلَةُ - بالفتح - في المال، وبالضم في الحرب. وقيل الدَّوْلَةُ - بالفتح - اسم الشيء الذي يتداول بعينه. وقوله: الدنيا دُولٌ - بضم الدال وفتح الواو - جمع؛ أي الدنيا أموال يتداول بين الناس أو حكومات كذلك.
- 5- . أي لا يستبدل الله بكم غيركم.

326. هنگامی که یکی از شما عطسه کرد، نام خدا را برای او ذکر کنید و بگوئید: خداوند تو را رحمت نماید. و او [در جواب] بگوید: خداوند شما را بیامرزد و رحمت نماید.

خداوند فرمود: «هنگامی که به شما تحیت و سلام گفتند، شما به همان تحیت یا بهتر از آن پاسخ دهید».

327. [هنگام ملاقات] به دشمن خود دست بده، گر چه خوشایند او نباشد. زیرا خداوند به این کار امر فرموده است: «بدی را با نیکی دفع کن چنان که همان کس که میان تو و او دشمنی است گویی دوست صمیمی است». اما «جز کسانی که استقامت کنند به این مقام نمی رسند. و جز کسانی که بهره زیادی [از تقوا] دارند به این مقام نمی رسند». [سوره فصلت: آیه 34 و 35].

328. دشمن خود را شدیدتر از آنچه خدا را در باره آن اطاعت کنی مکافات نتوانی کرد. و برای تو همین کافی است که بینی دشمن تو از خدا نافرمانی می کند.

329. دنیا دولت سراسر است. سهم خود را به نیکوئی از آن طلب کن. تا دولت تو فرارسد.

330. مؤمن بیدار و هوشیار و ترسان در انتظار یکی از دو نیکی است. و از آزمایش ترسان است که مبادا مرتکب گناه شود. و به رحمت پروردگارش امیدوار است.

331. مؤمن [همیشه] از خوف و رجا [ترس و امید] جدا نمی شود. از آنچه گذشته است می ترسد.

و جستجوی آنچه را که خدا وعده داده است فراموش نمی کند. و از آنچه که خدا ترسانده است احساس امنیت نمی کند.

332. شما آبادگران زمین هستید که خداوند به شما خلافت و حکومت در زمین بخشید تا ببیند چگونه رفتار می کنید. پس مراقب او باشید در آنچه از شما که زیر نظر دارد.

333. بزرگترین راه [ولایت] را برگزیده و آن را بپیمائید. تا خداوند غیر شما را به جای شما [برای پیروی از ولایت] قرار ندهد.

334. کسی که عقلش کامل شود رفتارش نیکو گردد. و توجه او به دینش خواهد بود.

335. با سرعت بسوی آمرزش از پروردگارتان و بهشتی که در آسمانها و زمین برای پرهیزکاران گسترده شده است حرکت کنید. همانا به آنها جز با تقوی نخواهید رسید.

336. مَنْ صُدِيَ بِالْإِثْمِ عَشَا عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

337. مَنْ تَرَكَ الْأَخْذَ عَمَّنْ أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِطَاعَتِهِ قَيْضَ (1) اللَّهُ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ.

338. مَا بَالُ مَنْ خَالَفَكُمْ أَشَدَّ بَصِيرَةً فِي ضَلَالَتِهِمْ إِبْدَالًا لِمَا فِي أَيْدِيهِمْ مِنْكُمْ؟! مَا ذَاكَ إِلَّا أَنْتُمْ رَكَنْتُمْ إِلَى الدُّنْيَا فَرَضَيْتُمْ بِالضَّيْمِ، وَشَحَحْتُمْ عَلَى الحُطَامِ وَفَرَطْتُمْ فِيهَا فِيهِ عِزُّكُمْ وَسَعَادَتُكُمْ وَقُوَّتُكُمْ عَلَى مَنْ بَغَى عَلَيْكُمْ، لَا مِنْ رَبِّكُمْ تَسْتَحْيُونَ فِيهَا أَمْرَكُمْ! وَلَا لِأَنْفُسِكُمْ تَنْظُرُونَ!

339. وَأَنْتُمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ تَضَامُونَ (2) وَلَا تَنْتَبِهُونَ مِنْ رَقَدَتِكُمْ وَلَا تَنْقِضِي فُتُورَكُمْ!

340. أَمَا تَرَوْنَ إِلَى بِلَادِكُمْ وَدِينِكُمْ كُلَّ يَوْمٍ يَبْلَى وَأَنْتُمْ فِي غَفْلَةِ الدُّنْيَا؟! يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَكُمْ: «وَلَا تَزْكُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ».

341. سَمَّوْا أَوْلَادَكُمْ، فَإِنْ لَمْ تَدْرُوا أَذْكَرَ هُمْ أَمْ ائْتَى فَسَمَّوْهُمُ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي تَكُونُ لِلذَّكْرِ وَالْأُنثَى؛ فَإِنَّ اسْقَاطَكُمْ إِذَا لَقَوْكُمْ فِي الْقِيَامَةِ وَلَمْ تُسَمَّوْهُمُ، يَقُولُ السَّقَطُ لِأَبِيهِ: أَلَا سَمَّيْتَنِي؟! وَقَدْ سَمَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُحْسِنًا قَبْلَ أَنْ يُولَدَ.

342. إِيَّاكُمْ وَشَرِبَ المَاءَ مِنْ قِيَامٍ عَلَى أَرْجُلِكُمْ؛ فَإِنَّهُ يورثُ الدَّاءَ الَّذِي لادَوَاءَ لَهُ، وَيُعَافِي (3) اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.

343. إِذَا رَكِبْتُمْ الدَّوَابَّ فَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَقُولُوا: «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ وَمُقْرِنِينَ» (4) «إِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ».

344. إِذَا خَرَجَ أَحَدُكُمْ فِي السَّفَرِ فَلْيَقُلْ: اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ، وَالْحَامِلُ عَلَى الظَّهْرِ، وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ.

345. وَإِذَا نَزَلْتُمْ مِنْزِلًا فَقُولُوا: اللَّهُمَّ أَنْزِلْنَا مِنْزِلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ.

ص: 290

1- . قَيْضُ: سَلَطَ وَقَدَّرَ.

2- . تَضَامُونَ: أَي تُظَلَمُونَ.

3- . فِي الْخِصَالِ وَالْبَحَارِ: «أَوْ يُعَافِي».

4- . أَي مُطِيقِينَ، مِنْ أَقْرَنَ لِلْأَمْرِ؛ إِذَا أَطَاقَهُ.

336. کسی که با گناه تیره دل گشته است از یاد خدا غافل شود. [عمر خود با غفلت از خود به پایان برد.]

337. کسی که پیروی از شخصی را که خداوند امر به اطاعت او کرده است ترك کند. [کسی که در برابر ولایت امامان معصوم علیهم السلام سر تسلیم فرود نیاورد.] خداوند شیطان را بر او مسلط می گرداند. و او همواره تسلیم و اسیر شیطان خواهد بود.

338. مخالفان شما در گمراهی خود به آنچه در اختیار دارند، [راه باطل که در پیش گرفته اند] آگاه تر از شما هستند و به آنچه در اختیار دارند بخشنده ترند و این وضعیت برای این است که به دنیا اعتماد کرده اید. و به بیدادگری تن داده اید. و به مال ناچیز دنیا وابسته اید.

و در آنچه که مایه عزت و سعادت شماست کوتاهی کرده اید. و ستمگران بر خود را تقویت نموده اید. و نه از پروردگارتان در وظائف خود شرم می کنید. و نه به کار خویش می پردازید.

339. هر روز به شما ظلم می شود و از خواب بیدار نمی شوید. و بی توجهی شما پایان ندارد.

340. آیا به شهرها و دین خود نمی نگرید که هر روز سست تر می شود. و شما در غفلت دنیا گرفتارید. خداوند به شما می گوید: «به ستمگران پناه نبرید که دچار آتش خواهید شد.

جز خدا یاوری برای شما نیست. پس [آن گاه که به ستمگران پناه برید] یاری نخواهید شد».

341. برای فرزندان خود نامگذاری کنید. و اگر [قبل از تولد آنها] نمی دانید پسر است یا دختر با اسامی مشترك بین پسر و دختر آنها را نامگذاری کنید. زیرا فرزندان سقط شده شما که بر آنان نامی ننهاده اید زمانی که در قیامت شما را می بینند به پدرش می گوید: چرا برای من نام ننهاده ای؟ همانا رسول الله صلی الله علیه و آله محسن را قبل از تولد محسن نامیدند.

342. از نوشیدن آب در حال ایستاده پرهیزید. زیرا باعث بیماری لاعلاج می شود. و البته خدا [گاهی] عافیت می دهد.

343. هنگامی که بر چهارپایان سوار می شوید نام خدا را ذکر کنید. و بگوئید: «منزه است خداوندی که این را به تسخیر ما درآورد و گر نه ما قدرت نداشتیم. ما به سوی پروردگاران باز می گردیم».

344. هنگامی که به سفر می روید هنگام داخل شدن بگوئید: خدایا تو همراه در سفر و حمل کننده بر پشت [مركب] و جانشین در اهل و مال و فرزندم هستی.

345. هنگامی که در مکانی توقف کردید، بگوئید: خدایا ما را در مکان مبارك فرود آور. و تو بهترین فرود آورندگان هستی.

346. وَإِذَا اشْتَرَيْتُمْ مِمَّا تَحْتَاجُونَ مِنَ السُّوقِ فَقُولُوا حِينَ تَدْخُلُونَ السُّوقَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ صَفَقَةٍ (1) خَاسِرَةٍ، وَيَمِينٍ فَاجِرَةٍ (2)، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ بَوَارِ الْأَيْمِ (3).

347. الْمُنتَظِرُ وَقْتَ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ مِنْ زُورِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَحَقُّ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يُكْرِمَ زَائِرَهُ وَأَنْ يُعْطِيَهُ (مَا خ ل) مِمَّا سَأَلَ.

348. الْحَاجُّ وَالْمُعْتَمِرُ وَفَدَّ اللَّهُ، وَحَقُّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُكْرِمَ وَفَدَّهُ وَيَحْبُوهُ (4) بِالْمَغْفِرَةِ.

349. مَنْ سَقَى صَبِيًّا مُسْكِرًا وَهُوَ لَا يَعْقِلُ حَبْسَهُ اللَّهُ فِي طِينَةِ الْخَبَالِ حَتَّى يَأْتِيَهُ مِمَّا صَنَعَ بِمَخْرَجِهِ.

350. الصَّدَقَةُ جُنَّةٌ عَظِيمَةٌ مِنَ النَّارِ لِلْمُؤْمِنِ، وَوَقَايَةٌ لِلْكَافِرِ مِنْ أَنْ يَتَلَفَ مَالَهُ؛ يُعَجَّلُ لَهُ الْخَلْفُ، وَيُدْفَعُ عَنْهُ الْبَلَايَا، وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ.

351. بِاللِّسَانِ كُتِبَ أَهْلُ النَّارِ فِي النَّارِ.

352. وَبِاللِّسَانِ أُعْطِيَ أَهْلُ النَّورِ النَّورَ، فَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَاشْغَلُوهَا بِذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

353. أُحِبُّتُ الْأَعْمَالَ مَا وَرَثَ الضَّالُّونَ، وَخَيْرٌ مَا اكْتَسَبَ أَعْمَالُ الْبِرِّ.

354. أَيَّاكُمْ وَعَمَلِ الصُّورِ، فَتَسْأَلُوا عَنْهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

355. إِذَا اخَذْتَ عَنْكَ قِذَاءً (5) فَقُلْ: أَمَاطَ اللَّهُ عَنْكَ مَا تَكَرَّهُ.

356. إِذَا قَالَ لَكَ أَخُوكَ وَقَدْ خَرَجْتَ مِنَ الْحَمَامِ: طَابَ حَمَامُكَ وَحَمِيمُكَ، فَقُلْ: أَنْعَمَ اللَّهُ بِالْكَ.

357. إِذَا قَالَ لَكَ أَخُوكَ: حَيَّاكَ اللَّهُ بِالسَّلَامِ، فَقُلْ: وَأَنْتَ حَيَّاكَ اللَّهُ بِالسَّلَامِ وَأَحَلَّكَ دَارَ الْمَقَامِ.

358. لَا تَبُلْ عَلَى الْمَحَبَّةِ، وَلَا تَتَغَوَّطْ عَلَيْهَا.

ص: 292

1- الصفقة: كناية عن البيع.

2- . اليمين الفاجرة: أي الكاذبة.

3- . الأيِّم - هي فيعمل مثل كَيْس -: التي لازوج لها وهي مع ذلك لا يرغب أحد في تزوجها، والأيِّم - فيما يتعارفه أهل اللسان -: الذي لازوج له من الرجال والنساء. والبوار: الهلاك.

4- . يحبو: أي يعطي.

5- . القذاة: ما يقع في العين والماء والشراب من تراب أو تبن أو وسخ أو غير ذلك (النهاية: 30/4).

346. و هنگامی که برای خریدن وسائل مورد نیاز به بازار می روید هنگام داخل شدن بگویید:

گواهم که معبودی جز الله نیست. یگانه است. و شریک ندارد. و گواهم که محمد بنده و فرستاده اوست. خدایا از معامله زیانبار و سوگند دروغ و نابودی به تو پناه می برم.

347. کسی که پس از نماز در انتظار وقت نماز [بعدی] باشد از زوّار خداوند است. و حقی بر خداوند است که زائر خود را گرامی دارد. و آنچه می خواهد به او عطا کند.

348. حاجی و عمره گذار میهمان خدا هستند. و حق بر خداوند است که میهمان خود را گرامی دارد. و آمرزش به او عطا کند.

349. کسی که به کودکی شراب بنوشاند و کودک مست شود، خداوند او را در لجن نکبت محبوس می کند. تا زمانی که کار خود را جبران کند.

350. صدقه برای مؤمن، پوشش عظیم از آتش و نگهدارنده مال کافر از تلف شدن است. و بزودی مال کافر [صدقه] جایگزین خواهد شد. و بلا را از او دور می کند ولی در آخرت بهره ای ندارد.

351. اهل دوزخ به خاطر [گناهان] زبان در آتش افکنده می شوند.

352. و به اهل نور به خاطر [ثواب های] زبان، نور عطا می شود. پس زبان خود را حفظ کنید. و آن را به ذکر خداوند مشغول نمایید.

353. پلیدترین کارها آن است که موجب گمراهی شود. و بهترین درآمد کارهای نیک است.

354. از صورتگری پرهیز کنید. زیرا روز قیامت مؤاخذه می شوید.

355. هنگامی که ناخوشایندی از پیش روی تو برداشته شد بگو: خدا ناخوشایندی را از تو دور می کند.

356. هنگامی که از حمام خارج شدی و برادر مؤمن به تو گفت: حمام و آب گوارایت باد. در جواب بگو: خداوند به تو انعام فرماید.

357. هنگامی که برادرت به تو گفت: خداوند با سلام بر تو تحیت فرستد. پس تو بگو: خداوند با سلام بر تو تحیت فرستد. و ترا در بهشت جای دهد.

358. در مسیر تردد، ادرار و مدفوع نکن.

359. السُّؤَالُ بَعْدَ الْمَدْحِ، فَاْمَدَحُوا اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ اسْأَلُوا الْحَوَائِجَ.

360. يَصَاحِبِ الدُّعَاءِ، لَا تَسْأَلُ عَمَّا لَا يَحِلُّ وَلَا يَكُونُ.

361. إِذَا هَتَيْتُمُ الرَّجُلَ عَن مَوْلُودٍ ذَكَرْتُمْ فَقُولُوا: بَارَكَ اللّٰهُ لَكَ فِي هَيْبَتِهِ، وَيَلْغَهُ أَشَدُّهُ، وَرَزَقَكَ بِرَّهٖ.

362. إِذَا قَدِمَ أَحْوَكٌ مِّن مَّكَّةَ فَقَبَّلَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَفَاهُ الَّذِي قَبَّلَ بِهِ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ الَّذِي قَبَّلَهُ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ الْعَيْنَ الَّتِي نَظَرَ بِهَا إِلَى بَيْتِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَقَبَّلَ مَوْضِعَ سُجُودِهِ وَوَجْهَهُ، وَإِذَا هَتَيْتُمُوهُ فَقُولُوا لَهُ: قَبِلَ اللّٰهُ نُسُكَكَ، وَرَحِمَ سَعِيكَ، وَأَخْلَفَ عَلَيْكَ نَفَقَتَكَ، وَلَا جَعَلَكَ آخِرَ عَهْدِهِ بِبَيْتِهِ الْحَرَامِ.

363. احذروا السَّفَلَةَ (1)؛ فَإِنَّ السَّفَلَةَ مَنْ لَا يَخَافُ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ، فِيهِمْ قَتْلَةُ الْأَنْبِيَاءِ، وَفِيهِمْ أَعْدَاؤُنَا.

364. إِنَّ اللّٰهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَاخْتَارَنَا، وَاخْتَارَ لَنَا شِيعَةً يَنْصُرُونَنَا، وَيَعْرَحُونَ لِفِرْحَانَا، وَيَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا، وَيَبْذُلُونَ أَمْوَالَهُمْ وَأَنْفُسَهُمْ فِينَا، أَوْلِيَّكَ مِنَّا وَإِلَيْنَا.

365. مَا مِنْ شِيعَةٍ يُعَارِفُ امْرَأً نَهَيْنَاهُ عَنْهُ، فَيَمُوتُ حَتَّى يُبْتَلَى بِبَلِيَّةٍ تُمَحِّصُ بِهَا ذُنُوبَهُ؛ إِمَّا فِي مَالٍ، وَإِمَّا فِي وُلْدٍ، وَإِمَّا فِي نَفْسٍ، حَتَّى يَلْقَى اللّٰهَ وَمَا لَهُ ذَنْبٌ، وَأَنَّهُ لَيَبْقَى عَلَيْهِ الشَّيْءُ مِنْ ذُنُوبِهِ لِلّٰهِ، فَيُسَدَّدُ بِهِ عَلَيْهِ عِنْدَ مَوْتِهِ.

366. الْمَيِّتُ مِنْ شِيعَتِنَا صِدِّيقٌ شَهِيدٌ؛ صَدَّقَ بِأَمْرِنَا، وَأَحَبَّ فِينَا، وَأَبْغَضَ فِينَا، يُرِيدُ بِذَلِكَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ، مُؤْمِنٌ بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ، قَالَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ».

367. افترقت بنو إسرائيل على اثنتين وسبعين فرقةً، وستفترق هذه الأمة على ثلاث وسبعين فرقةً، واحدة في الجنة.

368. مَنْ أذَاعَ سِرَّنَا أَذَاعَهُ اللّٰهُ الْحَدِيدَ.

ص: 294

359. درخواست پس از ستایش است. ابتدا خداوند را ستایش کنید سپس نیازهایتان را درخواست کنید.

360. ای دعا کننده، چیزی که حلال نیست و ممکن نیست درخواست نکن.

361. هنگامی که به کسی برای تولد نوزاد پسر تهنیت می گوئید بگوئید: خداوند هدیه اش را برای تو مبارك گرداند. و او را به کمال عقل برساند. و تو را از نیکی او برخوردار نماید.

362. هنگامی که برادر [دینی] تو از مکه بازگشت میان دو چشم او و دهانش را ببوس. که با آن حجر الاسود را بوسیده که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را بوسیده است. و چشم او را ببوس. که خانه خدا را دیده است. و مکانهای سجده کردن و صورت او را ببوس. و هنگام تهنیت گفتن به او بگوئید: خداوند اعمال تو را بپذیرد. و سعی تو را مورد مهریزی قرار دهد. و مخارج تو را جایگزین فرماید. و آن را آخرین زیارت تو از بیت الحرام قرار ندهد.

363. از انسان فرومایه بر حذر باشید. زیرا فرومایه کسی است که از خداوند نمی ترسد. و قاتلان پیامبران و دشمنان ما از آنها هستند.

364. خداوند تبارك و تعالی به زمین نظر کرد و ما را برگزید. و برای ما شیعیان را اختیار کرد تا ما را یاری کنند. و در شادی ما شادمان و در غم ما غمگین می شوند. و مال و جان خود را در راه ما بذل می کنند. آنان از ما هستند. و نزد ما می آیند.

365. هر شیعه ای که مرتکب کاری شود که مانعی کرده ایم، قبل از آنکه بمیرد گرفتار بلایی می شود تا گناهان او پاک شود. این بلا در مال یا فرزند یا جان اوست تا وقتی خداوند را ملاقات می کند گناه نداشته باشد. و اگر گناهی باقیمانده باشد هنگام مرگ با شدت و سختی روبرو خواهد شد.

366. هر مرده ای از شیعیان ما صدیق شهید است. که ولایت ما را تصدیق کرده است. و [هر کس را دوست دارد] به خاطر ما را دوست دارد. و به خاطر ما [بر دشمنان ما] بغض می ورزد. و با این کار [خشنودی] خدا را می خواهد. او مؤمن به خدا و رسول اوست. خداوند فرمود:

«کسانی که به خدا و پیامبران او ایمان آورند آنان صدیقان و شهیدان نزد پروردگارشان هستند. و پاداش و نور برای آنان است».

367. بنی اسرائیل به هفتاد و دو گروه متفرق شدند. و بزودی این امت [مسلمانان] به هفتاد و سه گروه تقسیم خواهند شد. فقط يك گروه [پیروان اهل بیت علیهم السلام] اهل بهشت هستند.

368. کسی که اسرار ما را فاش کند خداوند به او عذاب سختی می چشاند.

369. اخْتَبُوا أَوْلَادَكُمْ يَوْمَ السَّابِعِ لَا يَمْنَعُكُمْ حَرٌّ وَلَا بَرْدٌ.

370. فَإِنَّهُ طَهُورٌ لِلْجَسَدِ.

371. وَإِنَّ الْأَرْضَ لَتَضِحُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ بَوْلِ الْأَعْلَفِ.

372. الشُّكْرُ أَرْبَعُ سُكْرَاتٍ: سُكْرُ الشَّرَابِ، وَسُكْرُ الْمَالِ، وَسُكْرُ النَّوْمِ، وَسُكْرُ الْمُلْكِ.

373. إِذَا نَامَ أَحَدُكُمْ فَلْيَضَعْ يَدَهُ الْيُمْنَى تَحْتَ خَدِّهِ الْيَمَنِ فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي أَيَّتَبَهُ مِنْ رَقَدَتِهِ أَمْ لَا.

374. احْبُبْ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَطْلِيَّ فِي كُلِّ خَمْسَةِ عَشَرَ يَوْمًا مِنَ النَّوْرِ.

375. أَقْلُوا مِنْ أَكْلِ الْحَيْتَانِ؛ فَإِنَّهَا تُدَيِّبُ الْبَدَنَ، وَتُكَثِّرُ الْبَلْغَمَ، وَتُعَلِّطُ النَّفْسَ.

376. حَسُو اللَّبَنِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا الْمَوْتَ.

377. كُلُوا الرُّمَانَ بِشَحْمِهِ؛ فَإِنَّهُ دِبَاغٌ لِلْمَعْدَةِ.

378. وَفِي كُلِّ حَبَّةٍ مِنَ الرُّمَانِ إِذَا اسْتَقَرَّتْ فِي الْمَعْدَةِ حَيَاةٌ لِلْقَلْبِ، وَأَمَانٌ لِلنَّفْسِ، وَتُمْرُضُ وَسْوَاسَ الشَّيْطَانِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً.

379. نِعْمَ الْإِدَامُ الْخَلُّ؛ يَكْسِرُ الْمِرَّةَ، وَيُحْيِي الْقَلْبَ.

380. كُلُوا الْهِنْدَبَاءَ؛ فَمَا مِنْ صَبَاحٍ إِلَّا وَعَلَيْهِ قَطْرَةٌ مِنْ قَطْرَاتِ الْجَنَّةِ.

381. اشْرَبُوا مَاءَ السَّمَاءِ؛ فَإِنَّهُ يُطَهِّرُ الْبَدَنَ، وَيَدْفَعُ الْأَسْقَامَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَيُنزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَ بِكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ».

382. مَا مِنْ دَاءٍ إِلَّا وَفِي الْحَبَّةِ السُّودَاءِ مِنْهُ شِفَاءٌ، إِلَّا السَّامَ (1).

383. لُحُومُ الْبَقْرِ دَاءٌ.

384. وَالْبَانُهَا دَوَاءٌ.

385. وَأَسْمَانُهَا شِفَاءٌ.

ص: 296

369. روز هفتم تولد پسران خود را ختنه کنید و سرما و گرما مانع شما نشود.

370. همانا ختنه پاك سازی بدن است.

371. و بدرستی که زمین از ادراک کردن کسی که ختنه نشده باشد، به درگاه خداوند ضجّه می کند.

372. مستی چهار نوع است: مستی شراب، مستی مال، مستی خواب، و مستی مقام و حکومت.

373. هنگامی که هر يك از شما می خوابد دست راست را زیر طرف راست صورت خود بگذارد.

چون او نمی داند که از خواب بر می خیزد یا نه.

374. دوست دارم مؤمن هر پانزده روز يك بار با نوره [موبر] بدن خود را نظافت کند.

375. [در برنامه غذایی خود] کمتر ماهی بخورید، زیرا خوراك ماهی بدن را لاغر و بلغم را زیاد و نفس را سخت می کند.

376. مصرف شیر درمان هر بیماری است جز مرگ.

377. انار را با پرده اش بخورید زیرا معده را شستشو می دهد.

378. و هر حبه انار وقتی در معده قرار می گیرد قلب را احیاء می کند. و به جان امنیت می بخشد و وسوسه شیطان را تا چهل شب خنثی می کند.

379. بهترین خورش سرکه است، تلخی را می شکنند و قلب را احیاء می کند.

380. کاسنی بخورید. زیرا هر صبح قطره ای از قطرات بهشتی بر روی آن می نشیند.

381. آب باران بنوشید. همانا آب باران بدن را پاك می کند و بیماریها را دفع می نماید. خداوند متعال فرمود: «از آسمان آبی بر شما فرو فرستادیم که شما را پاك کند. و آلودگی شیطان را از شما می زداید. و قلبهای شما را محکم و گامهایتان را استوار می گرداند».

382. هیچ بیماری نیست مگر اینکه درمان آن در سیاهدانه است جز مرگ.

383. گوشت گاو بیماری زا است.

384. و شیر آن دارو است.

385. و روغن آن شفاء است.

386. ما تأكل الحامل من شيء ولا تتداوى به أفضل من الرطب، قال الله تعالى لمريم عليها السلام: «وهزي إليك الجذع النخلة تسقط عليك رطباً جنياً فكلى واشربي وقوي عيناً» (1).

387. حنكوا أولادكم بالتمر، هكذا فعل رسول الله صلى الله عليه وآله بالحسن وبالحسين عليهما السلام.

388. إذا أراد أحدكم أن يأتي زوجته فلا يجعلها؛ فإن للنساء حوائج.

389. إذا رأى أحدكم امرأة تعجبه فليات أهله؛ فإن عند أهله مثل ما رأى، فلا يجعلن للشيطان على قلبه سبيلاً، ليصرف بصره عنها.

390. فإذا لم يكن له زوجة فليصل ركعتين ويحمد الله كثيراً ويصلي على النبي صلى الله عليه وآله ثم يسأل الله من فضله؛ فإنه ينتج له من رافته ما يغنيه.

391. إذا أتى أحدكم زوجته فليقل الكلام عند ذلك؛ فإنه يورث الخرس.

392. لا ينظرن أحدكم إلى باطن فرج امرأته؛ فلعله يرى ما يكره ويورث العمى.

393. إذا أراد أحدكم مجامعة زوجته فليقل: اللهم إني استحلت فرجها بأمرك، وقبلتها بأمانتك، فإن قصديت لي منها ولداً فأجعله ذكراً سوياً ولا تجعل للشيطان فيه نصيباً ولا شريكاً.

394. الحقنة من الأربعاء، قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إن أفضل ما تداويتم به الحقنة، وهي تعظم البطن، وتنفي داء الجوف، وتقوي البدن.

395. اسعطوا بالبنفسج.

396. وعليكم بالحجامة.

397. إذا أراد أحدكم أن يأتي أهله فليتوق أول الأهلة وأنصاف الشهور؛ فإن الشيطان يطلب الولد في هذين الوقتين، والشياطين يطلبون الشرك فيهما ويحيون ويحبون. (2)

398. توقوا الحجامة والتورة في يوم الأربعاء.

ص: 298

1- . مريم: 25 و 26.

2- . الخصال، ص 610، ح 10؛ بحار الأنوار: ج 10، ص 89، ح 1.

386. هیچ دارویی برای زن باردار بهتر از رطب [خرما] نیست. خداوند به مریم فرمود: «شاخه نخل را تکان ده تا رطب تازه بیفتد پس آن را بخور و بیاشام و چشم روشن بدار».
387. کام فرزندان خود [نوزادان] را با خرما شیرین کنید. رسول الله صلی الله علیه و آله با حسن و حسین علیهما السلام چنین کرد.
388. هنگامی که مردی می خواهد با همسرش همبستر شود او را به عجله نیندازد. همانا زنان هم خواسته هایی دارند.
389. اگر مردی از دیدن زنی تحریک شد نزد همسر خود برود زیرا همسرش مانند آنچه دیده است را دارد. و وسوسه شیطان را به قلب خود راه ندهد تا چشمش را از آن زن باز دارد.
390. و اگر همسر ندارد دو رکعت نماز بخواند و حمد بسیار گوید و بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات فرستد. آنگاه از فضل خدا درخواست کند. همانا این کار با مهر خداوند او را بی نیاز خواهد کرد.
391. هنگام نزدیکی با همسر کم سخن بگوید. همانا سخن [در حال نزدیکی] موجب گنگی [فرزند] می شود.
392. کسی به درون فرج همسرش نگاه نکند. شاید چیز ناخوشایندی ببیند و موجب کور شدن [فرزند] شود.
393. هنگامی که مردی خواست با همسرش نزدیکی کند، بگوید: خدایا به فرمان تو او بر من حلال شد و به امانت او را از تو پذیرفتم. پس اگر از او برای من فرزندی قرار داده ای پس فرزند را پسر و سالم قرار ده. و برای شیطان در او بهره و نصیبی قرار مده.
394. اماله کردن و تنقیه یکی از چهار [معالجه] است. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: اماله بهترین مداوا برای شماسه است. اماله کردن شکم را درمان و درد شکم را برطرف و بدن را تقویت می کند.
395. بنفشه را از راه بینی استنشاق کنید.
396. و بر شما باد حجامت.
397. هنگامی که مردی خواست با همسرش نزدیکی کند پس اوّل و وسط ماه های [قمری] از نزدیکی اجتناب کند. زیرا شیطان در این دو موقع دنبال فرزند است. و شیطاین بدنبال مشارکت در این دو وقت هستند. و می آیند. و باردار می کنند.
398. از حجامت و نوره [موبر] در روز چهارشنبه پرهیز کنید.

399. فَإِنَّ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ يَوْمٌ نَحْسٍ مُسْتَمِرٌّ، وَفِيهِ خُلِقَتْ جَهَنَّمُ.

400. وَفِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ سَاعَةٌ لَا يَحْتَجِمُ فِيهَا أَحَدٌ إِلَّا مَاتَ.

ص: 300

399. همانا چهارشنبه همیشه روز نحس است. و در آن روز جهنم آفریده شد.

400. و در روز جمعه ساعتی هست که هر کس در آن حجامت کند می میرد.

الحمد لله اولاً و آخراً

در عصر روز پنجشنبه اول جمادی الاول هزار و چهارصد و بیست و نه (1429) به پایان رسید.

تقدیم به ساحت مقدس حضرت بقية الله الاعظم عجل الله تعالى فرجه الشريف. ان شاء الله به نیکی پذیرد و به بهترین وجه در دنیا و آخرت جزای خیر دهد. 87/2/19 عبد عاصی و خائف راجی مرتضی موسوی قافله باشی.

ص: 301

1. فهرست آیات 305

2. فهرست اشعار 321

3. فهرست أعلام 323

4. فهرست ادیان، مذاهب، فرق و جماعات 331

5. فهرست مکان ها 333

6. فهرست کتاب های متن 334

7. فهرست منابع و مأخذ 335

ص: 303

(1) فهرست آيات

متن آيه شماره آيه صفحه

بقره (2)

«يُخَدِّعُونَ اللَّهَ وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ مَا يَخْدَعُونَ اِلَّا اَنْفُسَهُمْ» 258/2 9

«وَ يَقْطَعُونَ مَا اَمَرَ اللَّهُ بِهِ اَنْ يُوصَلَ وَ يُفْسِدُونَ فِي الْاَرْضِ» 408/2 27

«اذْكُرُوا نِعْمَتِي الَّتِي اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ» 180/1 40

«اَتَاْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ اَنْفُسَكُمْ» 92/2 44

«وَ مَا ظَلَمُوْنَا وَ لَكِن كَانُوا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ» 258/2 57

«اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا» 30/3 60

«وَاللَّهُ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ» 466/2 115

«قُولُوا ءَامِنًا بِاللَّهِ وَ مَا اَنْزَلَ اِلَيْنَا...» 278/3 136

«وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَاِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ» 188/3 158

«اِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَ الْاَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ...» 494/2 164

«اُولَئِكَ الَّذِيْنَ صَدَقُوا وَ اُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» 72/2 177

«فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا اَوْ عَلٰى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ اَيَّامٍ اٰخَرَ» 108/3 184

«فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمْ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» 242/3 185

«اُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ... وَ لَا تُبْشِرُوْهُنَّ وَ اَنْتُمْ عَاكِفُونَ...» 468/2 187؛ 92/3، 236

«يُرِيْدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ» 464/2 185

ص: 305

«فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ...» 104/3 196

«وَلَا تُقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ» 92/3 222

«رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى... فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ...» 170، 168/2 260

«لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى» 354/2 264

«أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ» 352/2 267

«يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ...» 416/1 273

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا...» 242/2 278

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى فَاكْتُبُوهُ» 76، 74، 72/3 282

«وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهْنَ مَقْبُوضَةً» 202، 80، 78/3 283

«رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا» 466/2 286

آل عمران (3)

«هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ» 328/2 6

«إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى ءَادَمَ وَنُوحًا وَءَالَ إِبْرَاهِيمَ وَءَالَ عِمْرَانَ...» 114/2 33

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ...» 162/3 61

«وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا...» 226/3 83

«وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مِنَ اسْتِطَاعِ إِلَيْهِ سَبِيلًا» 222/3 97

«وَمَنْ يَعْتَصِمِ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» 194/2 101

«اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» 188/3 102

«وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا لَإِيضَتِكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا» 36/3 120

«أَعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» 38/3 133

«حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» 176/2 173

«فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِّنَ اللّٰهِ وَفَضْلِ لَّمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ» 174 176/2

«وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» 186 36/3

ص: 306

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ...» 270/3 190

«لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ» 270/3 194

نساء (4)

«وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» 240/3 1

«إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ...» 242/2 10

«وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» 210/2 22، 92/3

«حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَتُكُمْ...» 92/3 23

«وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى...» 466/2 43

«مَنْ قَبِلَ أَنْ تَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرَدَّهَا عَلَىٰ أَذْبَارِهَا» 122/3 47

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ» 498/1 48

«فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ...» 460/1 65

«وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا» 288/3 86

«وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٌ...» 104/3 92

«لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ...» 270/2 114

«فِيظَلِّمِ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ» 464/2 160

مائده (5)

«وَتَعَاوَنُوا عَلَىٰ الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَىٰ الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» 188/3 2

«وَأَنْ تَسْتَفْسِمُوا بِالْأَرْزَامِ ذَلِكُمْ فَسُقٌ» 452/2 3

«قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُّبِينٌ» 494/2 15

«إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» 36/3 27، 116

«إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ» 494/2 44

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ...» 172/3 55

ص: 307

«فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفْرَةٌ أَيْمَنِكُمْ...» 104/3 89

«وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ...» 104/3 95

«قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ» 494/2 100

أنعام (6)

«وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ» 494/2 1

«مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» 62/2 160

أعراف (7)

«وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا» 438/1 31

«إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ...» 226/3 54

«ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» 476، 474، 472/2 55

«وَوَعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ» 30/3 142

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ... وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ» 494، 466/2 157

«إِنَّ وَلِيَّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ» 226/3 196

«خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» 72/2 199

أنفال (8)

«وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ...» 296/3 11

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا...» 242/2 15

«وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ...» 246، 210/2 41

توبه (9)

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» 36/3 4

«أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...» 210/2 19

«وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً» 250/3 46

«أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ...» 254/3, 468/2 104

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ» 226/3 128

يونس (10)

«وَ آخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» 412/1 10

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَعَيْتُكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ» 258/2 23

«الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ» 36/3 63

«لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ» 36/3 64

«قَدْ أُجِيبَت دَعْوَتُكُمَا» 476/2 89

هود (11)

«بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَ مُرْسَاهَا إِنْ رَبِّي لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ» 226/3 41

«وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنهَاكُمْ عَنْهُ» 92/2 88

«وَ لَا تَزْكُونَا إِلَىٰ الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ» 290, 200/3 113

«إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» 124/2 114

يوسف (12)

«يَأْتِيَتْ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ...» 30/3 4

«وَ جَاءُوا عَلَىٰ قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ» 54/2 18

«إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدًّا مِنْ قَبْلِ...» 54/2 26

«اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا» 54/2 93

إبراهيم (14)

«لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» 202, 52/2 7

«وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا» 382/2 34

«وَلْيَذَكَّرِ أُولُو الْأَلْبَابِ» 146/2 52

حِجْر (15)

«ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ءَامِنِينَ» 434/2 46

نَحْل (16)

«يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ» 264/3 69

«إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا» 36/3 128

إِسْرَاء (17)

«وَلَا تَقْرَبُوا الرِّئْيَ» 92/3 32

«إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» 202/3 34

«قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا...» 226/3 110

كَهْف (18)

«وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ» 476/2 28

«فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» 404/2 29

«مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنْ تَرَنْ...» 178/2 39

«فَعَسَى رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِّنْ جَنَّتِكَ» 178/2 40

«وَاعْرُضُوا عَلَى رَبِّكَ صَفًّا» 328/2 48

«هَلْ أَتَيْتُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا» 40, 38/3؛ 222/1 66

«إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا» 40/3 67

«وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ...» 172/2 82

مريم (19)

«وَسَلَّمَ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا» 76/2 15

«وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسْقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا...» 298/3 25

«فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا» 298/3 26

«وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا» 76/2 33

«فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ...» 128/2 59

أنبياء (21)

«لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» 178/2 87

«فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ» 178/2 88

«إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا» 472/2 90

«فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا» 150/2 91

حج (22)

«إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ» 124/3 1

«ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» 82/3 11

«وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» 464/2 78

مؤمنون (23)

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» 128، 78/2 1

«الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» 128/2 2

«هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» 78/2 11

«حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ» 222/3 99

«فَلَا أُنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ» 288/2 101

«تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارَ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ» 288/2 104

«إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا» 436/2 111

نور (24)

«اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ...» 494/2 35

فرقان (25)

«إِنَّهُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» 372/2 44

«وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا» 468/2 48

«وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَمًا» 110/3 63

«وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا...» 174/2 67

شعراء (26)

«يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ» 288/2 88

قصص (28)

«وَلَا تَسَسْ نَفْسِيكَ مِنَ الدُّنْيَا» 250/2 77

«كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ...» 482/2 88

روم (30)

«ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ...» 414/2 41

احزاب (33)

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ...» 174/3 33

ص: 312

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ» 278/3 56

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» 36/3 70

«يُصَلِّحْ لَكُمْ أَعْمَلَكُمْ...» 36/3 71

فاطر (35)

«إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا» 376/2 6

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ» 436/2 34

«إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا...» 226/3 41

«وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ» 258/2 43

يس (36)

«سَلَّمَ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَحِيمٍ» 346/2 58

«وَأَمْتَرُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ» 196/2 59

صافات (37)

«سَلَّمَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَلَمِينَ» 346/2 79؛ 252/3

«إِنَّا كَذَّ لِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» 252/3 80

«إِنَّهُ مِن عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ» 252/3 81

«سَلَّمَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ» 346/2 109

«سَلَّمَ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ» 346/2 120

«سَلَّمَ عَلَى إِيَّا يَاسِينَ» 346/2 130

زُمر (39)

«أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِإِسْلَامٍ...» 146/2 22

ص: 313

«أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرْتَنِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ» 56 120/3، 284

«يُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا» 61 38/3

«وَ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا...» 67 226/3، 254

«وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» 69 494/2

«سَلَّمَ عَلَيْكُمْ طَبْتُمْ فَأَدْخَلُوهَا خَلِيدِينَ» 73 346/2، 434

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُوَ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَسَبًا...» 74 436/2

غافر (40)

«لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» 16 288/2

«وَ أَفْوِضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ...» 44 178/2

«فَوَقَاةَ اللَّهِ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا» 45 178/2

«ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» 60 52/2، 426

فصلت (41)

«ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ...» 34 288/3

شورى (42)

«فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَ فَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ» 7 328/2

«وَ مَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ...» 30 248/3

«وَ لَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيلٍ» 41 146/3

«إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ...» 42 408/2

زُحُف (43)

«سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ» 13 290/3

«وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ...» 28 124/3

«نَحْنُ فَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...» 376/2 32

«وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» 272/2 72

احقاف (46)

«وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» 328/2 15

فتح (48)

«فَمَنْ نَكَتْ فَإِنَّمَا يَنْكُتُ عَلَى نَفْسِهِ» 258/2 10

حُجْرَات (49)

«وَلَا تَتَابَرُؤْا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ» 188/3 11

«وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا» 262، 188/3 12

«إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» 36/3؛ 374/2 13

ق (50)

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ» 28/3 38

ذاريات (51)

«وَالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» 470/2 18

«وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ» 276/3 22

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» 376/2 56

«مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونَ» 376/2 57

«إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ» 376/2 58

نجم (53)

«مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى» 146/2 11

ص: 315

«فَلَا تُزَكُّوْا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى» 32 384/2

قمر (54)

«كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَدَابِي وَنُذْرِي» 18 182/2

رحمن (55)

«مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ» 19 354/1

«بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ» 20 354/1

«يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ» 22 354/1

حديد (57)

«مَنْ ذَا الَّذِي يُعْرِضُ اللَّهَ قَرَضًا حَسَنًا يُضْعَفُهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» 11 376/2

«إِذْ جَعَلُوا وِرَاءَكُمْ فَأَلْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ...» 13 160/3

«أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَ لَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ» 14 160/3

«فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا» 15 160/3

«وَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَادَةُ...» 19 294/3

مجادلة (58)

«وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ...» 3 104/3

«فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا» 4 104/3

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَجِيتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ...» 12 158/3

«ءَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ...» 13 158/3

«أُولَٰئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ» 22 146/2

ص: 316

حَشْر (59)

«نَسُوا اللَّهَ فَنَسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ» 114/3 19

صَفَّ (61)

«لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» 92/2 2

«كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» 92/2 3

«يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ...» 494/2 8

مَنَاقِقُونَ (63)

«وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» 78/2 8

طَلَّاق (65)

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» 84/1 2؛ 378/2؛ 36/3

«وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ...» 84/1 3؛ 50/2؛ 146، 378؛ 36/3

تَحْرِيم (66)

«عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنِ بَعْضٍ» 234/1 3

«عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ...» 288/2 6

«فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا...» 410/2 10

حَاقَّة (69)

«وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ تَمَنِّيَةً» 28/3 17

ص: 317

معارج (70)

«الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ» 23 276/3

نوح (71)

«فِيهِنَّ نُورًا» 16 494/2

جن (72)

«عَلِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا» 26 72/2

«إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ» 27 72/2

مدثر (74)

«وَثِيَابَكَ فَطَهَّرَ» 4 262/3

«مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ» 42 468/1؛ 128/2

«قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» 43 468/1؛ 128/2

نبا (78)

«وَ بَيْنَنَا وَفُوقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا» 12 28/3

نازعات (79)

«وَ أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ» 40 272/2، 374

«فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» 41 272/2، 376

عبس (80)

«يَوْمَ يَقْرَأُ الْمُرءُ مِنْ أَحْيِهِ» 34 236/2

ص: 318

«وَأَمَّهُ وَأَبِيهِ» 236/2 35

«وَصَحْبَتِهِ وَبَنِيهِ» 236/2 36

طارق (86)

«يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ» 328/2 7

أعلى (87)

«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى» 90/3 14

«وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» 90/3 15

«بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا» 90/3 16

«وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» 90/3 17

«إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى» 90/3 18

«صُّحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى» 90/3 19

فجر (89)

«يَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ» 150/2 27

«أَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً» 150/2 28

تين (95)

«وَالتَّيْنِ وَالزَّيْتُونِ» 114/2 1

«وَأُطُورِ سِينِينَ» 114/2 2

«وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ» 114/2 3

قدر (97)

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» 1 262/3، 264، 266

ص: 319

«سَلَّمَ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» 346/2 5

هُمَزَةٌ (104)

«وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ...» 410/2 1

ماعون (107)

«فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ» 128/2 4

«الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» 260/3؛ 128/2 5

إخلاص (112)

«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» 172/3 1، 262، 266،

272، 282

ص: 320

(2) فهرست اشعار

سَلِيمُ الْعَرِضِ مَن حَذِرَ الْجَوَابَا وَمَن دَارَى الرَّجَالَ فَقَدَ أَصَابَا

382/1

لِلضَّيْفِ عَشْرُ خِصَالٍ إِن أَقَمْتَ بِهَا وَإِلَّا فَاعْلَمْ أَنَّ الضَّيْفَ قَدْ بُخِيسَا

498/2

فَدَالٌ ثُمَّ عَيْنٌ ثُمَّ بَاءٌ وَمِيمَاتٌ ثَلَاثٌ ثُمَّ خَاءٌ

496/2

إِذَا آلَ حَالُكَ ذَا ضَيْقَةٍ وَيَقْصُرُ رِزْقُكَ عَمَّا يَجِبُ

38/3

عَوَّدَ لِسَانَكَ قَوْلَ الْحَقِّ تَحْظُرُ بِهِ إِيَّانَ اللِّسَانِ لِمَا عَوَّدْتَ مُعْتَادَ

64/2

تَعَرَّبَ عَنِ الْأَوْطَانِ فِي طَلَبِ الْعُلْيُوسِافِرِ فَنِي الْأَسْفَارِ حَمْسُ فَوَائِدِ

272/2

حُسْنُ الْخِصَالِ مِنَ الصَّلَاحِ مَقْصُودٌ وَالْمَرْءُ بِالْفِعْلِ مَمْدُوحٌ وَمَرْدُودٌ

148/2

وَلَا تُرْجِ فِعْلَ الصَّالِحَاتِ إِلَى غَدٍ لَعَلَّ غَدًا يَأْتِي وَأَنْتَ فَتَقِيدُ

354/1

تُرَابٌ وَمَاءٌ ثُمَّ شَمْسٌ مُنِيرَةٌ وَإِيمَانٌ صِدْقٌ ثُمَّ نَارٌ تَسَعَّرُ

496/2

وَالنَّجْمُ تَسْتَصْغِرُ الْأَبْصَارُ رُؤْيَتَهُ وَالذَّنْبُ لِلطَّرْفِ لَا لِلنَّجْمِ فِي الصَّغَرِ

340/1

[أَيُّهَا الْغَافِلُ فِي ظِلِّ نَعِيمٍ وَسُرُورٍ] كُنْ غَرِيباً وَاجْعَلِ الدُّنْيَا سَبِيلاً لِلْعُبُورِ

24/2

أَلَا يَا أَيُّهَا الْمَغْرُورُ تَبُّ مِنْ غَيْرِ تَأْخِيرٍ [فَاعْتَبِرْ مِنْ حَالِ أَصْحَابِ الْقُبُورِ]

190/2

سَعَادَةُ الْمَرْءِ عَلَى كُلِّ حَالٍ عَشْرُ خِصَالٍ يَأْلَهَا مِنْ خِصَالِ

498/2

جَنَّةِ الْفِرْدَوْسِ لَا تَصْلُحُ إِلَّا لِلْكَرَامِ كُنْ كَرِيماً وَادْخُلِ الْجَنَّةَ عَفْواً بِسَلَامٍ

498/1

وَإِذَا صَاحَبَتْ فَاصْحَبْ مَا جَدَّ إِذَا حَيَاءٌ وَوَفَاءٌ وَكَرَمٌ

368/2

وَكَمِ مِنْ عَائِبٍ قَوْلًا صَاحِحًا وَافْتَهُ مِنَ الْفَهْمِ السَّقِيمِ

340/1

ثَلَاثَةٌ تَجْلُو عَنِ الْقَلْبِ الْحَزْنَ الْمَاءُ وَالْخَضِرَةُ وَالْوَجْهُ الْحَسَنُ

94/2

تَوَقَّ سَبْعَةَ أَيَّامٍ قَدْ اطَّرَدْتَنِي كُلَّ شَهْرٍ هِلَالِيٍّ مَنَاحِسُهَا

354/2

إِنَّ الْمَكَارِمَ أَخْلَاقٌ مُطَهَّرَةٌ فَالْعَقْلُ أَوْلُهَا وَالدِّينُ ثَانِيهَا

448/2

سَبْعَةٌ لَا تُحْمَدُ فِيهَا حَرَكَةٌ مِثَالُهَا جِهَ يَجُ يُوْكَا كَدُ كَهَ

354/2

أَقْسِمُ بِاللَّهِ لَرَضِخُ النَّوَى وَشُرْبُ مَاءِ الْقَلْبِ الْمَالِحَةِ

أَرْبَعَةٌ فِي النَّاسِ مَيَّزَتْهُمْ أَحْوَالُهُمْ مَكشُوفَةٌ ظَاهِرَةٌ

لِي خَمْسَةٌ أَطْفِي بِهِمْ حَرَّ الْجَحِيمِ الْحَاطِمَةَ الْمُصْطَفَى وَالْمُرْتَضَى وَابْنَاهُمَا وَفَاطِمَةَ

ثَلَاثَةٌ لَيْسَ لَهَا نِهَآيَةٌ أَلَمْنُ وَالصَّحَّةُ وَالْكَفَآيَةُ

رَضِيْتُ بِمَا قَسَمَ اللّهُ لِي وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَى خَالِقِي

الف. پیامبر و أهل بیت علیهم السلام

رسول الله صلى الله عليه وآله، 84/1، 156، 186، 344، 346، 348، 350، 352، 358، 360، 364، 368، 370، 380، 382، 384، 430، 436، 448، 466، 472، 492، 496، 498، 500، 506، 508، 510، 514، 516، 518، 520، 522؛ 10/2، 38، 50، 62، 64، 84، 86، 90، 92، 100، 110، 112، 114، 118، 128، 132، 164، 168، 208، 212، 214، 216، 224، 230، 250، 254، 262، 268، 272، 278، 280، 282، 284، 290، 306، 334، 336، 338، 356، 362، 372، 392، 394، 396، 404، 418، 420، 422، 426، 430، 432، 444، 450، 460، 462، 464، 472، 474، 476، 478، 492؛ 20/3، 24، 28، 30، 32، 44، 46، 50، 56، 64، 70، 72، 82، 86، 88، 90، 92، 98، 100، 108، 114، 118، 120، 152، 154، 156، 158، 160، 162، 164، 166، 168، 170، 172، 174، 176، 236، 240، 244، 246، 248، 254، 264، 268، 280، 282، 284، 290، 294، 298

أحمد، 258/2، 296، 344

محمد صلى الله عليه وآله، 372/1، 376، 506؛ 84/2، 90، 168، 206، 236، 254، 288، 296، 312، 400، 444، 460، 464، 468؛ 88/3، 118، 148، 152، 154، 162، 164، 170، 172، 252، 282

النبي صلى الله عليه وآله، 34/1، 64، 80، 100، 112، 128، 132، 140، 344، 346، 350، 352، 354، 356، 358، 360، 362، 366، 368، 370، 436، 438، 446، 448، 462، 468، 470، 474، 482، 486، 488، 490، 492، 494، 496، 498، 500، 502، 504، 506، 510، 512، 514، 518، 520؛ 84/2، 98، 100، 102، 108، 110، 112، 116، 118، 120، 122، 124، 126، 128، 130، 132، 134، 166، 182، 206، 210، 214، 216، 218، 222، 224، 226، 228، 230، 250، 262، 268، 270، 278، 282، 284، 286، 290، 294، 298، 334، 336، 340، 342، 344، 360، 362، 392، 394، 396، 398، 400، 406، 414، 416، 418، 420، 422، 424، 426، 428، 430، 432، 434، 436، 438

220، 210، 192، 178، 170، 168، 164، 118، 84، 60، 34، 32، 28، 22، 20، 10/3؛ 492، 478، 470، 466، 464، 460
298، 282

المصطفى صلى الله عليه وآله، 270/2

أمير المؤمنين عليه السلام، 346/1، 380، 384، 434، 442، 448، 450، 518؛ 14/2، 16، 18، 20، 24، 86، 138، 140، 144،
146، 150، 156، 168، 232، 234، 236، 296، 298، 300، 302، 314، 346، 370، 372، 394، 400، 406، 426، 440
284، 276، 234، 178، 152، 108، 86، 80، 68، 66، 52، 24، 10/3؛ 478، 444، 442

عليّ بن أبي طالب، عليّ عليه السلام، 144/1، 300، 344، 348، 354، 368، 374، 380، 384، 430، 434، 450، 452، 454،
462، 464، 466، 488، 494، 508، 510، 514، 516، 520؛ 14/2، 16، 18، 20، 22، 26، 74، 88، 100، 104، 108، 110،
112، 116، 118، 140، 142، 144، 146، 148، 150، 206، 208، 210، 212، 216، 232، 234، 236، 242، 250، 274،
280، 290، 296، 298، 300، 318، 334، 336، 338، 342، 346، 348، 360، 370، 392، 394، 400، 406، 422، 424،
442، 446، 448، 450، 10/3؛ 24، 28، 32، 34، 36، 44، 46، 48، 50، 52، 60، 82، 98، 100، 126، 152، 154، 158،
164، 168، 170، 174، 178، 184، 210، 218، 220، 222، 224، 226، 228، 230، 234

أبو الحسن عليه السلام، 516/1؛ 100/3، 114

المرتضى عليه السلام، 270/2

فاطمة عليها السلام، 350/1، 354، 486، 494؛ 110/2، 114، 206، 270، 280، 404، 406؛ 34/3، 156، 162، 166، 168،
174، 178، 230

الحسن بن عليّ، الحسن عليه السلام، 350/1، 354، 376، 378، 434، 440، 442، 494؛ 58/2، 72، 90، 142، 206، 256،
280، 312، 444؛ 34/3، 126، 158، 162، 174، 254، 284، 298

الحسين بن عليّ، الحسين عليه السلام، 350/1، 354، 494؛ 58/2، 144، 168، 206، 226، 236، 256، 280، 296، 312، 392،
444؛ 32/3، 34، 72، 100، 126، 158، 162، 174، 254، 268، 284، 298

عليّ بن الحسين، السّجاد عليه السلام، 426/1، 430، 76/2، 180، 246، 252، 254، 282، 310؛ 68/3، 70، 100، 102، 132

أبو جعفر، الباقر عليه السلام، 328/1، 380، 418، 428، 430، 446، 510، 514، 522؛ 74/2، 78، 80، 180، 182، 208، 214،
248، 250، 252، 254، 256، 442، 450، 452، 474؛ 34/3، 64، 94، 98

محمّد الباقر، أبو جعفر محمّد بن عليّ الباقر، محمّد بن عليّ عليه السلام، 426/1؛ 24/3، 68، 100، 174

جعفر بن محمّد، جعفر بن محمّد الصادق عليه السلام، 418/1، 520؛ 78/2، 208، 234، 348

210، 100، 92، 82، 60، 32/3؛ 488، 424، 392، 360

أبو عبد الله، الصادق عليه السلام، 326/1، 380، 420، 422، 430، 432، 436، 434، 472، 506؛ 28/2، 46، 48، 50، 52، 54، 56، 58، 60، 62، 64، 66، 68، 70، 72، 112، 140، 160، 162، 164، 166، 170، 172، 174، 176، 178، 242، 244، 246، 280، 306، 308، 346، 354، 370، 372، 374، 392، 394، 400، 404، 406، 454، 456، 458، 474، 476، 478؛ 10/3، 50، 76، 98، 102، 130، 180، 234

موسى بن جعفر عليه السلام، 72/2، 252، 312؛ 92/3

أبو الحسن موسى، الكاظم عليه السلام، 74/2، 76، 250، 254

علي بن موسى، علي بن موسى الرضا، الرضا عليه السلام، 430/1، 72/2، 250، 254، 350؛ 98/3

أبو الحسن الرضا عليه السلام، 76/2، 474

الجواد عليه السلام، 180/2

علي بن محمد الهادي عليه السلام، 54/3

العسكري عليه السلام، 256/2

القائم عليه السلام، 398/1، 246/2، 422؛ 108/3، 214

المهدي عليه السلام، 106/1، 312/2، 448؛ 122/3

ب. پیامبران و ملائکه عليهم السلام

آدم، 290/1، 306، 322، 348، 358، 360، 394، 422، 434، 446، 448، 476، 478، 500، 506؛ 28/2، 34، 50، 52، 72، 76، 104، 114، 156، 168، 170، 206، 214، 216، 226، 228، 248، 260، 262، 266، 294، 296، 302، 316، 336، 382، 394، 396، 406، 462، 484؛ 24/3، 26، 28، 88

إبراهيم، 90/2، 114، 170، 212، 236، 254، 262، 282، 312، 432؛ 28/3، 88، 206، 220، 224، 282

إدريس، 88/3

إسرائيل، 296/2

إسرافيل، 114/2، 222، 228، 396؛ 28/3

إسماعيل، 236/2، 296، 462

الخصر، 20/2، 76، 296؛ 38/3، 40

أيوب، 130/2، 282، 462

جبرئيل، 438/1، 450، 484، 502، 520؛ 90/2، 112، 114، 222، 228، 248، 250، 274، 312، 342، 344، 362، 382،
394، 416، 426؛ 28/3، 60، 164، 168، 174، 202، 230

دانيال، 252/3

داود، 430/1، 498؛ 54/2، 114، 182، 194، 198، 282، 314، 398، 462؛ 28/3

ذو القرنين، 182/2

ذو الكفل، 296/2

ذو التّون، 296/2

زكريّا، 282/2

سليمان، 498/1؛ 26/2، 130، 182، 282؛ 28/3

شعيب، 92/2، 236

شيث، 266/2؛ 88/3

ص: 325

صالح، 236/2، 296؛ 28/3، 88

عزرائيل، ملك الموت، 114/2، 416

عزير، 460/1

عيسى بن مريم، عيسى، 106/1، 374، 428، 438؛ 76/2، 94، 96، 102، 130، 182، 254، 258، 282، 296، 312، 422،
162، 88، 34/3؛ 478، 476، 462، 448

لوط، 236/2، 298، 410؛ 274/3

ماروت، 46/3

موسى، 222/1، 418، 458، 462؛ 26/2، 52، 76، 114، 140، 182، 236، 254، 296، 314، 398، 404، 406، 476، 478؛
162، 160، 152، 98، 90، 88، 56، 54، 46، 40، 38، 34، 30، 28/3

ميكايل، 114/2، 222، 228؛ 28/3، 60

نوح، 98/1، 140، 422، 438؛ 78/2، 114، 182، 236، 254، 260، 410، 462؛ 34/3، 88، 154

هاروت، 46/3

هارون، 462/1؛ 34/3، 46، 152

هود، 236/2؛ 88/3

يحيى، 282/2، 462

يعقوب، 296/2، 470؛ 72/3

يوسف، 54/2، 130، 182، 196، 462؛ 30/3، 176

يوشع بن نون، 296/2

يونس، 296/2؛ 28/3

ت. اشخاص

آسية، 110/2، 114

أبان بن عثمان، 457/2

إبراهيم بن أدهم، 90/2، 196، 328

إيليس، 60/1، 322، 334، 506؛ 50/2، 52، 72، 78، 84، 144، 168، 216، 232، 244، 258، 262، 268، 437، 461؛
120/3، 244، 282، 286

ابن أبي عديّ، 426/1

ابن إدريس، 499/2

ابن القدّاح، 477/2، 479

ابن المسيّب، 140/2

ابن بابويه، 362/1، 374، 380؛ 18/2، 60، 116، 170، 236، 375، 423

ابن جمهور، 190/2

ابن عبّاس، 364/1، 432، 506؛ 84/2، 88، 92، 110، 126، 206، 208، 435

ابن مسعود، عبد الله بن مسعود، 322/1، 466، 522؛ 24/2، 100، 352، 362؛ 32/3

ابن ملجم، 448/1

أبو اسامة، 110/2

أبو الأعور السلمي، 160/3

أبو الحسين محمّد بن جعفر الأسديّ، 46/3

أبو الصّلت، 250/2

أبو الطّفيّل عامر بن واثلة الكناني، 380/1؛ 423/2

أبو امامة، 132/2

أبو بصير، 182/2، 479؛ 10/3، 24، 102، 234

أبو بكر، 110/2، 298؛ 156/3، 168

أبو بكر الحضرمي، 248/2

أبو حازم، 434/1

أبو حمزة الثمالي، 248/2، 254؛ 132/3

أبو حنيفة، 72/2

أبو خالد، 477/2

أبو ذر، 418/1، 478، 500؛ 8/2، 10، 84، 98، 118، 132، 224، 336؛ 86/3، 88، 92

أبو زيد، 264/2

أبو سعيد الخدري، 348/1، 358؛ 210/2؛ 64/3

أبو سلمان الداراني، 326/2

أبو سليمان الحلواني، 130/3

أبو طالب، 395/2

أبو طالب المكي، 475/2

أبو عليّ الثقفي، 334/1؛ 190/2

أبو لبابة بن عبد المنذر، 214/2

أبو مالك، 76/2

أبو موسى الأشعري، 160/3

أبو نعيم، 442/1

أبو يحيى الواسطي، 372/2

أحمد، 358/1

أردشير بن بابك، 202/2

أرسطاطاليس، 84/2، 98، 190، 320

أرسطو، 332/1

إسحاق بن عمّار، 430/1

إسماعيل بن بزيغ، 250/2

إسماعيل بن همّام، 475/2

أشعث، 32/3

أفلاطون، 334/1، 336، 338، 428، 438؛ 96/2، 190، 318، 483

الأحنف بن قيس، 86/2، 326

الأصغ بن نباتة، 140/2، 298، 372، 441؛ 52/3

الأنطاكي، 264/2

أمّ سلمة، 298/2

أمّ سليمان بن داود، 498/1

أمّ هاني، 395/2

أنس، أنس بن مالك، 468/1، 485/2

أنوشيروان، 266/2

أويس القرني، 322/1

البراء بن عازب، 334/2

بريدة، 118/2

بشر بن الحارث، 426/1، 428

بقراط، 334/1، 338، 428؛ 186/2، 190

بلال بن سعد، 192/2

بليناس الحكيم، 332/1

بوذرجمهر، 332/1، 334؛ 318/2، 320، 411

الشيخ بهاء الدين، 381/2

تاريخ، 236/2

تميم الداري، 208/2

الثعلبي، 438، 358/1

جابر، 498/1

جابر بن سمرة، 32/3

جابر بن عبد الله الأنصاري، 348/1؛ 214/2، 395؛ 46/3

جابر بن يزيد الجعفي، 64/3، 174

جاثليق، 160/3

جارود بن المنذر، 58/2

ص: 327

جالينوس، 332/1، 340، 438، 96/2، 190

جرير، 32/3

جعفر بن أبي طالب، جعفر طيار، 312/2؛ 158/3

جعفر بن يحيى، 196/2

حاتم، 184/2

حاتم الأصم، 262/2

الحارث بن المغيرة البصري، 306/2، 479

حازم بن خزيمة، 432/1

حيب التجار، 508/1

حذيفة، 452/1

حذيفة بن اسيد، 423/2

الحسن البصري، 382/1، 384، 430، 438، 86/2، 266، 330

الحسين بن حماد، 60/2

حسين بن زيد بن علي، 32/3

حماد بن عمرو، 210/3

حماد بن عيسى، 56/2

حمران بن أعين، 68/3

حمزة سيّد الشهداء، 312/2؛ 160/3

حواء، 290/1؛ 228/2، 296، 383؛ 28/3

خالد بن صفوان، 102/2

خالد بن معمر، 86/2

خَبَاب، 234/2

خديجة بنت خويلد، 110/2، 114

خريل، 508/1

خويلد، 110/2

داود بن أبي هند، 426/1

الدَّجَال، 126/2، 423

ديوجانس، 428/1

ذو التَّون المصريّ، 264/2

الزَّبير، 298/2؛ 156/3

زرارة، زرارة بن أعين، 46/2، 68، 252، 451؛ 94/3

زكريّا بن مالك الجعفيّ، 246/2

الزَّهريّ، 102/3

زيد بن أرقم، 395/2

زيد بن ثابت، 20/3

زيد بن صوحان العبديّ، 80/3

زيد بن عليّ، 118/2

سامريّ، 160/3

سعد، 298/2

سعيد بن علاقة، 52/3

سفيان، 64/2

سفيان بن عيينة، 164/2

سفيان الثوري، 430/1، 62/2، 178، 262

السفياني، 246/2، 423

سقراط، سقراطيس، 334/1

السكوني، 477/2

سلمان الفارسي، 118/2، 140، 234، 306، 352، 473؛ 32/3

سليم بن قيس الهلالي، 32/3

سماعة بن مهران، 164/2؛ 180/3

سهل بن سعيد، 370/1

سهل بن عبد الله، 82/2، 328

الشافعي، 454/1؛ 272/2

شبر، 28/3

شبير، 28/3

ص: 328

الشَّعْبِي، 384/1

شَقِيقُ الْبَلْخِيِّ، شَقِيقُ بِنِ إِبرَاهِيمَ، 264/2، 328

الشَّيْطَان، 86/1، 108، 114، 328، 362، 398، 402، 450، 498؛ 28/2، 54، 90، 140، 146، 152، 162، 164، 262، 296،
304، 372، 377، 395، 414، 431، 447؛ 48/3، 84، 90، 114، 178، 186، 194، 204، 266، 280، 284، 296، 298

الصَّدُوق، 212/3

صفوان بن سليمان، 350/1

صفوان بن عَسَّال، 397/2

صفوان الجَمَّال، 172/2

صهيب، 234/2

ضمرة بن حبيب، 84/3

طاووس اليماني، 252/2

طلحة، 298/2؛ 156/3

عامر الشَّعْبِي، 382/1؛ 401/2

العَبَّاس، 38/2

عبد الرَّحْمَنِ بن سَمْرَةَ، 56/3

عبد الرَّحْمَنِ بن عَوْف، 298/2

عبد اللّٰه بن جَعْفَر، 58/2

عبد اللّٰه بن جَعْفَر الطَّيَّار، 424/1

عبد اللّٰه بن سَبَأ، 276/3

عبد اللّٰه بن عَمْر، 510/1

عبد المَطَّلِب، 210/2، 212، 435، 465

عبيد بن زرارة، 242/2

عثمان، عثمان بن عفان، 16/2، 58، 60، 298

عطاء بن طاووس، 26/3

عقبة بن عامر، 500/1

عليّ بن أسباط، 375/2

عليّ بن حمزة، 62/2

عليّ بن عقبة، 477/2

عليّ بن واقد الواقدي، 438/1؛ 461/2، 465

عمران، 26/2، 76، 110، 282؛ 314/2؛ 54/3

عمر بن الخطّاب، عمر، 226/2، 298؛ 26/3، 30، 34، 156

عمرو، 384/1

عمرو بن أبي المقدام، 451/2

عمرو بن العاص، 160/3

عمرو بن عبد ودّ، 172/3

عمرو بن عبيد، 382/1

الغزاليّ، 84/2

فاطمة بنت الحسين، 348/1

فرعون، 26/2، 110، 216، 232؛ 28/3، 160، 244، 246

فضيل بن عياض، 164/2

الفضيل بن يسار، 453/2؛ 98/3

قاييل، 506/1؛ 72/2، 236

قارون، 86/2

قتادة، 415/2

كسرى، 411، 320/2

الكلبي، 383/2

كميل، كميل بن زياد، 386/1، 398، 404، 26/2، 28، 150؛ 108/3، 110، 112، 114، 116

كنعان، 236/2

لقمان، 324/1، 326، 328، 332، 334، 336،

ص: 329

483، 318، 188، 100، 82، 54/2؛ 454، 428

مالك بن أنس بن عامر، 62/2

مأجوج، 423/2، 449

محمد ابن الحنفية، 16/2، 312؛ 50/3

محمد الدوري، 262/2

محمد بن إدريس الشافعي، 104/2

محمد بن السماك، 86/2

محمد بن مسلم، 375/2؛ 234/3

محمد بن واسع، 192/2

مريم، 76/2، 96، 98، 102، 110، 114، 282، 296، 312، 423؛ 298/3

مزامح، 110/2

مسعدة بن صدقة الربيعي، 348/2

معاذ، 216/2، 423

معاوية، 86/2، 216، 445، 447؛ 156/3

معاوية بن وهب، 420/1

المفضل بن عمر، 168/2، 246، 308

مفضل بن يزيد، 422/1

المقداد بن الأسود الكندي، 118/2

ملكة سبأ، 26/2

المنصور الخليفة العباسي، 176/2

موسى بن أكيل، 420/1

الشَّيخ نجم الدِّين، 98/2

التَّفَس الزَّكِيَّة، 246/2

نوف، 300/2

واصل بن عطاء، 382/1

الوليد بن صبيح، 60/2

الوليد بن عقبة الهجري، 475/2

هاثيل، 236، 72/2؛ 506/1

هارون بن حمزة الغنويّ الصيرفيّ، 405/2

هامان، 200/3

هشام بن الحكم، 74/2

يأجوج، 449، 423/2

يحيى بن عمران الحلبيّ، 455/2

يحيى بن معاذ، 324، 86/2؛ 426/1

اليمنيّ، 246/2

يونس بن ظبيان، 405/2

ص: 330

(4) فهرست اديان، مذاهب، فرق و جماعات

آل إبراهيم، 114/2

آل داود، 54/2، 198

آل عمران، 114/2

آل فرعون، 508/1

آل محمّد، 214/1؛ 10/3، 240، 268، 284

آل ياسين، 508/1

أصحاب ذي التّديّة، 156/3

أصحاب النبيّ، 152/3

الأئمّة، 302/1، 430؛ 72/2، 112، 122، 180، 202، 248، 312؛ 32/3، 64، 86، 98، 122، 124، 126، 152

الإسلام، 50/1، 56، 72، 84، 100، 108، 194، 244، 348، 466، 474، 504، 508، 522؛ 146/2، 188، 206، 210، 248،

252، 394، 398، 400، 452؛ 56/3، 66، 146، 176، 216، 218، 236، 238

الأنبياء، 60/1، 96، 112، 138، 164، 380، 458، 460، 472، 506، 510، 522؛ 76/2، 82، 114، 126، 134، 144، 166،

168، 170، 182، 222، 236، 254، 274، 296، 348، 396، 428، 436، 470، 494؛ 88/3، 158، 168، 174، 184، 242،

254، 294

الأنصار، 118/3

الأوصياء، 126/2، 396؛ 120/3، 158، 174، 184

الأولياء، 94/2، 170

أمّة محمّد، 506/1

أهل البيت، 98/1، 140، 348، 358، 362؛ 22/2، 68، 108، 118، 248، 336، 338، 342، 350، 370، 394، 416؛ 64/3،

66، 68، 124، 218، 270

أهل الشّام، 144/2، 216، 236، 296

أهل العراق، 8/2

أهل الكتاب، 508/1

أهل الكهف، 98/2

بنو إسرائيل، 180/1، 430، 438، 472؛ 98/2، 216، 464، 466، 468، 486؛ 32/3، 40، 46، 88، 156، 280، 294

بنو أمية، 170/3

التجار، 136/2، 258، 298

ثمود، 164/3

الحكماء، 324/1، 328، 332، 340، 400، 424، 434، 438؛ 16/2، 82، 84، 88، 90، 96، 98، 100، 102، 184، 186، 188،

ص: 331

482 ،480 ،440 ،384 ،352 ،320 ،318 ،266 ،260 ،200 ،190

حکماء الإسلام، 188/2

حکماء الرّوم، 188/2

حکماء العرب، 188/2

حکماء الفرس، 188/2

حکماء الهند، 188/2، 266

حکماء اليونان، 88/2

دين إبراهيم، 212/2

السّلاطين، 258/2

الشّعراء، 298/2

الشّهداء، 472/1؛ 134/2، 340، 342، 362، 370، 436؛ 164/3

الشيعة، 70/2، 246، 394، 450؛ 294/3

العلماء، 42/1، 112، 122، 148، 158، 184، 242، 290، 314، 326، 336، 338، 346، 366، 368، 382، 396، 400، 404،

470، 472، 488، 502، 518؛ 20/2، 88، 134، 136، 146، 184، 186، 196، 202، 224، 258، 260، 262، 284، 302،

342، 354، 368، 440، 480؛ 14/3، 216

الفراعنة، 358/1

الفقهاء، 16/2، 298

قريش، 186/1، 240؛ 210/2، 300، 460؛ 32/3

قوم سليمان، 28/3

قوم لوط، 298/2؛ 274/3

كافرون، 504/1

الكفار، 260/2؛ 358/1

المارقون، 156/3

المتكلمون، 426/1

المجوس، 262/3

المسلمون، 48/1، 78، 90، 108، 186، 352، 366، 436، 470، 490، 504؛ 84/2، 90، 166، 168، 210، 234، 278، 282،
362، 370، 384؛ 190/3، 204، 216

المشركون، 514/1؛ 166/2، 446؛ 162/3

المعصومون، 274/2

ملانكتته، ملانكتتي، الملائكة، 328/1، 370، 372، 380، 452، 468، 470، 484، 488، 510، 520؛ 32/2، 114، 126، 132،
150، 182، 214، 222، 224، 248، 260، 268، 286، 296، 396، 432، 468؛ 10/3، 22، 54، 58، 84، 86، 138، 158، 176،
218، 220، 238، 250، 282

مَلَّة إبراهيم، 282/3

المنافقون، 134/2؛ 174/3، 204

المهاجرون، 118/3

المؤمنون، 46/1، 98، 142، 416، 430، 450، 482؛ 26/2، 84، 158، 260، 286، 326، 350، 384، 398، 426، 430، 446؛
16/3، 20، 58، 66، 102، 108، 110، 112، 126، 160، 166، 172، 174، 286

التاكثون، 156/3

النصارى، 374/1؛ 298/2؛ 44/3، 162، 176، 224

اليهود، 298/2، 396، 398؛ 26/3، 28، 30، 176، 204، 224

ص: 332

(5) فهرست مكان ها

أبو قبيس، 34/3

البيت الحرام، بيت الله، بيت الله الحرام، 216/2، 230، 334، 440؛ 222/3، 250

بيت المقدس، 112/2، 114، 126، 196، 324؛ 230/3

البيداء، 246/2

جزيرة العرب، 422/2، 448

الحبش، 234/2

الحجاز، 156/3

الروم، 188/2، 234، 266

الشام، 216/2، 236، 296، 392، 460؛ 272/3

الشامات، 182/2

الصفا، 34/3، 60، 124، 174

الطائف، 280/3

عدن، 422/2

العراق، 8/2، 86؛ 36/3، 156

فارس، 266/2

الكعبة، 448/1، 482؛ 66/2، 84، 126، 222، 394، 460، 462، 464؛ 34/3، 48، 174

إصطخر، 182/2

الكوفة، 114/2، 144، 236، 296

المدينة، 62/2، 114؛ 34/3، 36، 48، 72، 170

المروة، 34/3، 60، 124، 174

المسجد الأقصى، 98/2

مسجد الكوفة، 126/2

مسجد النبي، 126/2

مصر، 182/2

مكة، 98/2، 114، 116، 212؛ 34/3، 294

النَّبَط، 234/2

الهند، 188/2، 266

اليمن، 448/2

اليونان، 88/2

ص: 333

(6) فهرست کتاب های متن

القرآن، القرآن الكريم، 34/1، 58، 126، 128، 134، 136، 142، 160، 228، 234، 235، 352، 386، 396، 410، 490، 494، 518، 520؛ 8/2، 32، 84، 98، 126، 134، 150، 182، 194، 228، 234، 238، 264، 284، 292، 300، 352، 384، 416، 426، 438، 494؛ 14/3، 16، 22، 72، 90، 92، 102، 120، 124، 126، 148، 172، 186، 190، 200، 264، 274

کتاب الله، 348/1؛ 90/2، 258، 282، 304، 338

الفرقان، الفرقان العظیم، 146/2، 188، 228، 274، 378، 394؛ 28/3، 88، 162

ابتلاء الأخیار، 258/2

الأمالي، 362/1، 374؛ 18/2

الإنجيل، 146/2، 182، 188، 194، 228، 274، 378؛ 28/3، 88

التوراة، 88/2، 146، 182، 188، 194، 206، 228، 232، 274، 378، 406؛ 24/3، 28، 40، 88، 162

الخصال، 380/1؛ 60/2

الرياض الزاهرة والأنوار الباهرة، 266/2

الزبور، 146/2، 182، 188، 194، 228، 274، 378؛ 28/3، 88

تفسير الصافي، 126/3

دعائم الإسلام، 440/1

صحف إبراهيم، 88/3، 90

صحف موسى، 90/3

قصص الأنبياء، 464/2

کتاب علي، 242/2

ص: 334

1. قرآن الكريم.
2. إرشاد القلوب؛ أبو محمد الحسن بن أبي الحسن الديلمي (م 711 ق)، بيروت: مؤسسة الأعلمي، الطبعة الرابعة، 1398 ق.
3. الاحتجاج على أهل اللجاج؛ أبو منصور أحمد بن علي بن أبي طالب الطبرسي (م 548 ق)، مشهد الرضوي: طبعة مؤسسة نشر المرتضى، 1403 ق.
4. الاختصاص؛ أبو عبد الله محمد بن محمد بن نعمان المعروف بالشيخ المفيد (م 413 ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1414 ق.
5. الأدب المفرد؛ أبو عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري (م 256 ق)، تحقيق: محمد بن عبد القادر عطا، مؤسسه الكتب الثقافية، الطبعة الاولى، 1406 ق.
6. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد؛ أبو عبد الله محمد بن محمد بن نعمان المعروف بالشيخ المفيد (م 413 ق)، قم: طبعة المؤتمر العالمية للشيخ المفيد، 1413 ق.
7. الأصفى في تفسير القرآن؛ ملا محسن فيض الكاشاني (م 1091 ق)، تقديم و تصحيح: مهدي الأنصاري القمي، تهران: لوح محفوظ، 1381.
8. الأصول الستة عشر؛ عدّة من الرواة، قم: دار الشبستري، الطبعة الثانية، 1405 ق.
9. الأمالي؛ أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (م 460 ق)، تحقيق و نشر: دار الثقافة، قم: الطبعة الأولى، 1414 ق.
10. الأمالي؛ أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه المعروف بالشيخ الصدوق (م 381 ق)، المكتبة الإسلامية، 1362 ق.
11. الأمالي؛ أبو عبد الله محمد بن محمد بن نعمان المعروف بالشيخ المفيد (م 413 ق)، قم: طبعة المؤتمر العالمي للشيخ المفيد، 1413 ق.

12. الأُمالي للسَيِّد المرتضى (غرر الفرائد ودرر القلائد)؛ أبو القاسم عليّ بن الحسين الموسوي المعروف بالسَيِّد المرتضى (م 426 ق)، تحقيق: بدر الدين النعساني، قم: مكتبة آية الله المرعشي، 1403 ق.
13. أعلام الدين في صفات المؤمنين؛ أبي محمّد الحسن بن أبي الحسن الديلمي (م 711 ق)، تحقيق ونشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم: الطبعة الثانية، 1414 ق.
14. أنساب الأشراف؛ أحمد بن يحيى بن جابر البلاذري (م 279 ق)، تحقيق: الشيخ محمّد باقر المحمودي، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، الطبعة الأولى، 1394 ق.
15. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمّة الأطهار؛ المولى محمّد باقر بن محمّد تقّي المجلسي المعروف بالعلامة المجلسي (م 1110 ق)، بيروت: طبعة مؤسسة الوفاء، 1404 ق.
16. تاريخ اليعقوبي؛ أحمد بن أبي يعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح المعروف باليعقوبي (م 284 ق)، تحقيق ونشر: دار صادر، بيروت: 1405 ق.
17. تاريخ بغداد (مدينة السلام)؛ أبو بكر أحمد بن عليّ الخطيب البغدادي (م 463 ق)، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلميّة، الطبعة الأولى، 1417 ق.
18. تاريخ مدينة دمشق؛ أبو القاسم عليّ بن الحسن بن هبة الله المعروف بابن عساكر (م 571 ق)، تحقيق: عليّ الشيري، بيروت: دار الفكر، 1415 ق.
19. تحرير الأحكام الشرعيّة على مذهب الإماميّة؛ أبو منصور الحسن بن يوسف بن المطهر المعروف بالعلامة الحلّي (م 726 ق)، تحقيق: الشيخ إبراهيم البهاري، قم: مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام، الطبعة الأولى، 1420 ق.
20. التحصين في صفات العارفين (ضميمة مثير الأحزان)؛ أحمد بن محمّد بن فهد الحلّي (م 841 ق)، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي (عج)، قم: مدرسة الإمام المهدي (عج)، الطبعة الثانية، 1406 ق.
21. التحصين لابن طاووس؛ علي بن طاووس الحلّي (م 664 ق)، تحقيق: محمّد باقر الأنصاري، قم: مؤسسة دار الكتاب، الطبعة الأولى، 1413 ق.
22. التحفة السنية في شرح النخبة المحسنية؛ سيد نعمت الله جزائري، تنقيح: سيد علي عاشور، مؤسسة التاريخ العربي للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، طبعة الأولى، 1427 ق.
23. تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه وآله؛ أبو محمّد الحسن بن عليّ بن الحسين بن شعبة الحرّاني (م 381 ق)، تحقيق علي أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، الطبعة الثانية، 1404 ق.

24. تذكرة الفقهاء؛ ابو منصور حسن بن يوسف بن مطهر المعروف بالعلامة الحلبي (م 726 ق)، تحقيق ونشر مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم: الطبعة الأولى، 1414 ق.
25. تذكرة الموضوعات؛ محمّد طاهر بن علي الهندي الفتّي (م 986 ق)، تحقيق: محمّد عبد الجليل السامرودي، الهند: الطبعة الأولى، 1342 ق.
26. تصحيح اعتقادات الإماميّة؛ ابو عبد الله محمّد بن محمّد بن نعمان المعروف بالشيخ المفيد (م 413 ق)، تحقيق: حسين درگاهي، بيروت: دار المفيد، الطبعة الثالثة، 1414 ق.
27. تصنيف غرر الحكم و درر الكلم؛ عبدالواحد بن محمّد التميمي الأمدي (م 550 ق)، تحقيق: مصطفى درابتي، قم: مكتب الإعلام الإسلامي، 1366 ش.
28. غرر الحكم و درر الكلم؛ عبدالواحد الأمدي التميمي (م 550 ق)، تحقيق: مير سيّد جلال الدين المحدث الأرموي، جامعة طهران، الطبعة الثالثة، 1360 ش.
29. تفسير ابن كثير؛ إسماعيل بن عمر ابن كثير الدمشقي (م 774 ق)، تحقيق: عبد العزيز غنيم و محمّد أحمد عاشور، قاهره: دار الشعب.
30. الجوهر الحسان في تفسير القرآن (تفسير الثعالبي)؛ عبدالرحمن بن محمّد الثعالبي (م 875 ق)، تحقيق: محمّد معوض وأحمد عبد الموجود عبدالفتاح ابوسنة، بيروت: دار إحياء التراث العربي، الطبعة الأولى، 1418 ق.
31. الصافي في تفسير القرآن (تفسير الصافي)؛ محمّد محسن بن شاه مرتضى (الفيض الكاشاني) (م 1091 ق)، تهران: مكتبة الصدر، 1415 ق.
32. الصحاح (تاج اللغة العربيّة)؛ إسماعيل بن حماد الجوهري (م 393 ق)، تحقيق أحمد عبد الغفور العطار، بيروت: مؤسسة دار العلم للملايين، 1407 ق.
33. تفسير القرطبي (الجامع لأحكام القرآن)؛ أبو عبد الله محمّد بن أحمد الأنصاري القرطبي (م 671 ق)، تحقيق: محمّد عبد الرحمن المرعشلي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، 1405 ق.
34. تفسير القميّ؛ أبو الحسن عليّ بن إبراهيم بن هاشم القميّ (م 329 ق)، تحقيق: السيّد طيّب الموسويّ الجزائري، قم: مؤسسة دار الكتاب، الطبعة الثالثة، 1404 ق.
35. مجمع البيان في تفسير القرآن؛ أبو عليّ الفضل بن الحسن الطبرسي (م 548 ق)، تحقيق ونشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت، 1406 ق.

36. تفسير جوامع الجامع؛ الفضل بن الحسن الطبرسي (م 548ق)، مؤسّسة الطبع والنشر التابعة لجامعة طهران، 1371 ش.
37. تلخيص الحبير في تخريج أحاديث الرافعي الكبير؛ أبو الفضل أحمد بن علي العسقلاني (ابن حجر) (م 852ق)، تحقيق: عبد الله هاشم اليماني المدني، بيروت: دار الفكر، سعودي، 1384 ق.
38. تنبيه الخواطر ونزهة النواظر (مجموعة وّرام)؛ أبي الحسين وّرام بن أبي فراس (م 605ق)، بيروت: دارالتعارف ودار صعب.
39. التواضع والخمول؛ أبو بكر عبد الله بن محمّد بن أبي الدنيا القرشي (م 281ق)، تحقيق: محمّد عبد القادر أحمد عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى، 1409 ق.
40. التوحيد؛ أبو جعفر محمّد بن عليّ بن الحسين القمّي المعروف بالشيخ الصدوق (م 381ق)، تحقيق: السيّد هاشم الحسيني، قم: مؤسّسة النشر الإسلامي، 1398 ق.
41. تهذيب الأحكام؛ أبو جعفر محمّد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (م 460ق)، تحقيق السيّد حسن الموسويّ الخراساني، طهران: دار الكتب الإسلاميّة، 1365 ش.
42. تهذيب الكمال؛ أبو الحجّاج يوسف المزي (م 742ق). تحقيق: بشّار عواد معروف، بيروت: مؤسّسة الرسالة، الطبعة الرابعة، 1406 ق.
43. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال؛ أبو جعفر محمّد بن عليّ بن الحسين بن بابويه المعروف بالشيخ الصدوق (م 381ق)، تحقيق ونشر: منشورات الشريف الرضي، قم، الطبعة الثانية 1368 ش.
44. جامع الأخبار؛ تاج الدين محمّد بن محمّد الشعيري (القرن السابع)، تحقيق: علاء آل جعفر، قم: مؤسّسة آل البيت عليهم السلام، 1414 ق.
45. تفسير الطبري (جامع البيان في تفسير القرآن)؛ أبو جعفر محمّد بن جرير الطبري (م 310ق)، بيروت: دار الفكر، 1415 ق.
46. الجامع الصغير؛ عبد الرحمن بن أبي بكر السيوطي (م 911ق)، بيروت: دار الفكر، 1401 ق.
47. جامع المقاصد في شرح القواعد؛ الشيخ عليّ بن الحسين الكركي المعروف بالمحقّق الثاني (م 940ق)، تحقيق ونشر: مؤسّسة آل البيت عليهم السلام، قم، الطبعة الأولى، 1408 ق.

48. جامع بيان العلم وفضله؛ أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البرّ (م 463 ق).

تحقيق ونشر: دارالكتب العلميّة، بيروت، 1398 ق.

49. جواهر المطالب في مناقب الإمام عليّ بن أبي طالب عليه السلام (المناقب لابن الدمشقي)؛ أبو البركات محمد بن أحمد الباعوني (م 871 ق)، قم: تحقيق: محمد باقر المحمودي، قم:

مجمع إحياء الثقافة الإسلاميّة، 1415 ق.

50. الحياة؛ محمد رضا الحكيمي، محمد الحكيمي وعلي الحكيمي ترجمة: احمد آرام، مكتب نشر الثقافة الإسلامي، 1373 ش.

51. الخرائج والجرائح؛ أبو الحسين قطب الدين سعيد بن هبة الله الراوندي (م 573 ق)، تحقيق ونشر: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، قم، 1409 ق.

52. خصائص الأئمة عليهم السلام؛ أبو الحسن محمد بن الحسين بن موسى الموسويّ المعروف بالشريف الرضي (م 406 ق)، تحقيق: محمد هادي الأميني، مشهد: مجمع البحوث الإسلاميّة، 1406 ق.

53. الخصال؛ أبو جعفر محمد بن عليّ بن الحسين بن بابويه المعروف بالشيخ الصدوق (م 381 ق)، تحقيق: عليّ أكبر الغفاري، قم: مؤسّسة النشر الإسلامي، 1403 ق.

54. الخلاف؛ أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (م 460 ق)، تحقيق مؤسّسة النشر الإسلامي، قم، 1407 ق.

55. الدرّ المنتثور؛ جلال الدين عبدالرحمن السيوطي (م 911 ق)، تحقيق ونشر: دارالمعرفة، بيروت.

56. دستور معالم الحكم ومأثور مكارم الشيم؛ أبو عبد الله بن محمد بن سلامة القضاعي (م 454 ق)، بيروت: دار الكتاب العربي، الطبعة الأولى، 1401 ق.

57. دعائم الإسلام؛ أبو حنيفة النعمان التميمي المغربي، مصر: دار المعارف، 1389 ق.

58. الدعوات (سلوة الحزين)؛ أبو الحسين قطب الدين سعيد بن هبة الله الراوندي (م 573 ق)، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، قم، الطبعة الأولى 1407 ق.

59. الديباج على صحيح مسلم بن الحجاج؛ عبد الرحمن بن أبي بكر السيوطي (م 911 ق)، بيروت: دار الأرقم بن أبي الأرقم.

60. الديوان المنسوب إلى الإمام عليّ عليه السلام؛ أبو الحسن محمد بن الحسين الكيدري (القرن السادس الهجري)، ترجمة: أبو القاسم إمامي، طهران: نشر الأسوة.

61. ذكرى الشيعة في أحكام الشريعة؛ محمد بن جمال الدين المكيّ العاملي المعروف بالشهيد الأول (م 786 ق)، تحقيق ونشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، 1419 ق.
62. الرضا عن الله بقضائه؛ عبد الله بن محمد المعروف بابن أبي الدنيا (م 281 ق)، بيروت: مؤسسة الكتب الثقافية، 1993 م.
63. روض الجنان؛ ابو الفتوح حسين بن عليّ الرازي (القرن السادس)، تهران: خانه كتاب، 1388 ش.
64. روضة الواعظين؛ محمد بن الفتال النيسابوري (م 508 ق)، قم: منشورات الشريف الرضي.
65. الروضة في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام؛ سديد الدين شاذان بن جبرئيل القميّ (القرن 5 ق)، تحقيق: علي الشكرجي، قم: مكتبة الأمين، 1423 ق.
66. زبدة البيان في براهين أحكام القرآن؛ أحمد بن محمد المعروف بالمقدّس الأردبيلي، (م 993 ق)، تحقيق: محمد باقر البهبودي، طهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، إعداد: رضا الأستاذي، على أكبر زماني نژاد، قم: مؤمنين، 1421 ق.
67. سبل السلام؛ محمد بن اسماعيل (م 1182 ق)، تحقيق: محمد عبدالعزيز الخويي، مصر: مصطفى البابي، الطبعة الرابعة، 1379 ق.
68. السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى؛ أبو جعفر محمد بن منصور بن أحمد بن إدريس الحلّي (م 598 ق)، تحقيق ونشر: مؤسسة النشر الإسلامي، قم، الطبعة الثانية، 1410 ق.
69. سنن أبي داود؛ أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني (م 275 ق)، تحقيق: سعيد محمد اللحام، بيروت: دارالفكر، الطبعة الأولى، 1410 ق.
70. سنن ابن ماجه؛ محمد بن يزيد القزويني المعروف بابن ماجه (م 275 ق)، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، 1395 ق.
71. سنن الترمذي (الجامع الصحيح)؛ أبو عيسى محمد بن عيسى الترمذي (م 279 ق)، تحقيق: عبدالرحمن محمد عثمان، بيروت: دارالفكر، الطبعة الثانية، 1403 ق.
72. السنن الكبرى؛ أبو بكر أحمد بن الحسين البيهقي (م 458 ق)، تحقيق ونشر: دارالفكر، بيروت.
73. السنن الكبرى (سنن النسائي)؛ أحمد بن شعيب النسائي (م 303 ق)، تحقيق: عبد الغفار سليمان البنداري، بيروت: دار الكتب العلمية، 1411 ق.

74. السيرة النبوية؛ أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير المعروف بإبن كثير (م 747 ق)، تحقيق: مصطفى عبد الواحد، بيروت: دارالمعرفة، 1396 ق.
75. شجرة طوبى؛ محمّد مهدي الحائري المازندراني (م 1344 ق)، قم: شريف رضى.
76. شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار؛ القاضي أبو حنيفة النعمان بن محمّد التميمي المغربي (م 363 ق)، تحقيق: السيّد محمّد الحسيني الجلالّي، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1412 ق.
77. شرح الأزهار؛ أبو الحسن عبدالله بن مفتاح (م 877 ق)، القاهرة: مطبعة الحجازي، 1375 ق.
78. شرح مئة كلمة لأميرالمؤمنين عليه السلام؛ ابن ميثم البحراني (م 678 ق)، تحقيق و تصحيح: جلال الدين المحمّدث الأرموي، قم: مؤسسة نشر الإسلام، 1362 ش.
79. شرح نهج البلاغة؛ عبد الحميد بن محمّد بن أبي الحديد المعتزلي (م 656 ق)، تحقيق: محمّد أبي الفضل إبراهيم، دار إحياء الكتب العربيّة، 1378 ق.
80. الشكر لله؛ عبد الله بن محمّد المعروف بإبن أبي الدنيا (م 281 ق)، تحقيق و تعليق: ياسين محمّد سواس، بيروت: دار ابن كثير، الطبعة الثانية، 1407 ق.
81. شهاب الأخبار؛ قاضي قضاعي، مقدمه و تحقيق و تصحيح: سيد جلال الدين الحسيني المحمّدث الأرموي، تهران: علمي و فرهنگي، 1361 ش.
82. صحيح ابن حبان؛ محمّد بن أحمد بن حبان البستي (م 354 ق)، ترتيب: علي بن بلبان الفارسي، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، 1993 ق.
83. صحيح البخاري؛ أبو عبد الله محمّد بن إسماعيل البخاريّ الجعفي (م 256 ق)، تحقيق و نشر: دار الفكر، بيروت، 1401 ق.
84. صحيح مسلم (بشرح النووي)؛ أبو الحسين مسلم بن الحجاج النيسابوري (م 261 ق)، مع شرح النوويّ الشافعي (م 676 ق)، بيروت: دار الكتاب العربي، 1407 ق.
85. الصراط المستقيم إلى مستحقّي التقديم؛ زين الدين أبو محمّد عليّ بن يونس العاملي البياضي النباطي (م 877 ق)، تحقيق: محمّد باقر البهبودي، طهران: المكتبة المرتضوية، 1384 ق.
86. الطوائف في معرفة مذاهب الطوائف؛ السيّد عليّ بن موسى بن طاووس الحلّي (م 664 ق)، تحقيق و نشر: مطبعة الخيام، قم، 1399 ق.

87. عدّة الداعي؛ ابن فهد الحلبي، تحقيق و تصحيح: أحمد الموحّدي القمّي، قم: مكتبة الوجداني.
88. عوالي اللآلي؛ الشيخ محمّد بن عليّ بن إبراهيم الأحسائي المعروف بابن أبي جمهور (م 880 ق)، تحقيق: آقا مجتبی العراقي، قم: مطبعة سيّد الشهداء عليه السلام، الطبعة الأولى، 1403 ق.
89. عيون الحكم و المواعظ؛ علي بن محمّد الليثي الواسطي (القرن السادس)، تحقيق: حسين الحسيني البيرجندي، قم: دار الحديث، 1376.
90. عيون أخبار الرضا عليه السلام؛ أبو جعفر محمّد بن عليّ بن الحسين بن بابويه المعروف بالشيخ الصدوق (م 381 ق)، تحقيق: السيّد مهدي الحسيني اللاجوردي، طهران: منشورات جهان.
91. الغدير؛ الاميني النجفي، بيروت: دارالكتب العربي، 1397 ق.
92. غريب الحديث؛ أبو محمّد عبد الله بن مسلم بن قتيبة الدينوري (م 276 ق)، بيروت: دار الكتب العلميّة، 1408 ق.
93. الفائق في غريب الحديث؛ جار الله محمود بن عمر الزمخشري (م 583 ق)، بيروت: دار الفكر، 1414 ق.
94. فتح الباري؛ أحمد بن علي العسقلاني المعروف بابن حجر (م 852 ق)، تحقيق: عبد العزيز عبد الله بن باز، بيروت: دار الفكر، 1379 ق.
95. الفصول المهمّة في اصول الأئمة؛ الشيخ محمّد بن الحسن الحرّ العاملي (م 1104 ق)، تحقيق: محمّد بن محمّد الحسين القائيني، قم: مؤسّسة معارف الإسلاميّة، 1418 ق.
96. الفضائل؛ شاذان بن جبرئيل القمّي (م 660 ق)، نجف: المطبعة الحيدريّة، 1338 ق.
97. فقه السنّة النبويّة من العهود المحمديّة؛ اسعد محمّد سعيد صاغرجي، بيروت: دار الكلم الطيب، 1422 ق.
98. فقه القرآن؛ أبو الحسين سعيد بن هبة الله الراونديّ المعروف بقطب الدين (م 573 ق)، تحقيق: أحمد الحسيني، مكتبة آية الله المرعشي، الطبعة الأولى، 1397 ق.
99. فيض القدير؛ محمّد عبد الرؤوف المناوي (ق 10 ق)، بيروت: دارالكتب العلميّة، الطبعة الأولى، 1415 ق.

100. قرب الإسناد؛ أبو العباس عبد الله بن جعفر الحميري القمي (م 300 ق)، تحقيق ونشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، الطبعة الأولى، 1413 ق.
101. قصص الأنبياء؛ أبو الحسين قطب الدين سعيد بن هبة الله الراوندي (م 573 ق)، تحقيق: غلام رضا عرفانيان، قم: نشر مؤسسة الهادي، الطبعة الأولى، 1418 ق.
102. الكافي؛ أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق الرازي الكليني (م 329 ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، طهران: دار الكتب الإسلامية، 1363 ق.
103. الكامل في ضعفاء الرجال؛ أبي احمد عبد الله بن عدي الجرجاني (م 365 ق)، تحقيق: سهيل زكار، بيروت: دار الفكر، الطبعة الثانية، 1405 ق.
104. كتاب الدعاء للطبراني؛ أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني (م 360 ق)، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى، 1413 ق.
105. كتاب العقل وفضله؛ عبد الله بن محمد القرشي المعروف بابن أبي الدنيا (م 281 ق)، تحقيق: محمد السعيد بسيوني زغلول، بيروت: طبع مؤسسة الكتاب الثقافية.
106. الموطأ؛ مالك بن أنس (م 158 ق)، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، الطبعة الأولى، 1370 ق.
107. أمثال الحديث؛ أبو محمد الحسن بن خالد الرامهرمزي (م 360 ق)، تحقيق: عبد العلي عبد الحميد الأعظمي، الهند: الدار السلفية، 1404 ق.
108. كشف الخفاء؛ إسماعيل بن محمد العجلوني (م 1162 ق)، تحقيق ونشر: دارالكتب العلمية، بيروت، الطبعة الثالثة، 1408 ق.
109. كشف الريبة عن أحكام الغيبة؛ الشهيد الثاني زين الدين العاملي، مركز النشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامي، قم 1422 ق.
110. كشف الغمة في معرفة الأئمة؛ علي بن عيسى الإربلي (م 687 ق)، تصحيح: السيد هاشم الرسولي المحلاتي، بيروت: دار الكتاب، الطبعة الأولى، 1401 ق.
111. كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام؛ جمال الدين أبي منصور الحسن بن يوسف بن علي بن المطهر الحلبي المعروف بالعلامة الحلبي (م 726 ق)، تحقيق: علي آل كوثر، قم: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، الطبعة الأولى، 1411 ق.
112. كمال الدين وتمام النعمة (إكمال الدين وإتمام النعمة)؛ أبو جعفر محمد بن علي بن

الحسين بن بابويه القميّ المعروف بالشيخ الصدوق (م 381 ق)، قم: دار الكتب الإسلامية، 1395 ق.

113. كنز العمال؛ عليّ بن حسان الدين الهندي (م 975 ق)، تحقيق: الشيخ صفوة السقا، بيروت:

مؤسسة الرسالة، 1409 ق.

114. كنز الفوائد؛ أبو الفتح محمد بن عليّ بن عثمان الكراچكيّ الطرابلسي (م 449 ق)، تحقيق ونشر: مكتبة المصطفوي، قم، 1410 ق.

115. لسان العرب؛ أبو الفضل محمد بن مكرم بن منظور الإفريقي (م 711 ق)، قم: طبعة مؤسسة نشر أدب الحوزة، 1405 ق.

116. لسان الميزان؛ أبو الفضل أحمد بن عليّ العسقلاني المعروف بإبن حجر (م 852 ق)، بيروت: مؤسسة الأعلمي، الطبعة الثالثة، 1406 ق.

117. المبسوط في فقه الإمامية؛ أبو جعفر محمد الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (م 460 ق)، تحقيق: محمد تقي الكشفي، طهران: المكتبة المرتضوية، 1387 ش.

118. المجازات النبوية؛ أبي الحسن الشريف الرضي محمد بن الحسين بن موسى الموسوي (م 406 ق)، تحقيق: طه محمد الزيني، قم: مكتبة بصيرتي.

119. مجمع البحرين و مطلع النيرين؛ فخر الدين الطريحي (م 1085 ق)، تحقيق: السيد أحمد الحسيني، تهران: مكتبة النشر الثقافية الإسلامية، الطبعة الثانية، 1408 ق.

120. مجمع البيان في تفسير القرآن؛ أبو عليّ الفضل بن الحسن الطبرسي (م 548 ق)، تحقيق ونشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت، 1406 ق.

121. مجمع الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأذهان؛ المولى أحمد بن محمد المعروف بالمقدّس الأردبيلي (م 993 ق)، تحقيق: مجتبي العراقي و علي پناه الاشتهاردي، قم:

مؤسسة النشر الإسلامي.

122. مجمع الزوائد؛ عليّ بن أبي بكر الهيثمي (م 807 ق)، تحقيق: عبد الله محمد درويش، بيروت: دار الفكر، 1412 ق.

123. المجموع شرح المهذب؛ أبو زكريّا محيي الدين بن شرف النووي (م 676 ق). تحقيق ونشر: دار الفكر، بيروت.

124. محاسبة النفس؛ إبراهيم بن علي الكفعمي (م 905 ق)، قم: مؤسسة قائم آل محمد (عج)، 1413 ق.

125. المحاسن؛ أبو جعفر أحمد بن محمد بن خالد البرقي (م 1274 ق)، تحقيق: السيّد جلال الدين المحدث الأرموي، قم: دار الكتب الإسلامية، 1371 ق.
126. المحلّي؛ علي بن أحمد بن سعيد بن حزم الأندلسي، بيروت: دار الآفاق الجديدة.
127. مدينة المعاجز؛ هاشم بن سليمان البحراني، تحقيق: علاء الدين الأعلمي، بيروت: مؤسسة الأعلمي، 1423 ق.
128. مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام؛ زين الدين بن عليّ الجبعيّ العاملي المعروف بالشهيد الثاني (م 966 ق)، تحقيق و نشر: مؤسسة المعارف الإسلامية، قم، الطبعة الأولى، 1413 ق.
129. المستدرک علی الصحیحین؛ أبو عبد الله محمد بن عبد الله المعروف بالحاكم النيسابوري (م 405 ق)، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطاء، بيروت: دار المعرفة، 1411 ق.
130. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ الميرزا حسين النوريّ الطبرسي (م 1320 ق)، تحقيق و نشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، الطبعة الأولى، 1408 ق.
131. مستدرک سفينة البحار؛ شيخ عليّ النمازي الشاهرودي (م 1405 ق)، تحقيق: بخل المؤلف، مؤسسة النشر الاسلامي، 1418 ق.
132. مسکن الفؤاد؛ زين الدين بن عليّ العاملي المعروف بالشهيد الثاني (م 966 ق)، تحقيق و نشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، 1408 ق.
133. مسند الرضا عليه السلام؛ داود بن سليمان الغازي، تحقيق: محمد جواد الحسينيّ الجلالي، قم: مكتب الأعلام الاسلامي، 1418 ق.
134. مسند أبي يعلى؛ أبو يعلى الموصلي (م 307 ق)، تحقيق: حسين سليم أسد، بيروت: دار المأمون للتراث.
135. مسند أحمد بن حنبل؛ أحمد بن محمد بن حنبل الشيباني (م 241 ق)، تحقيق: عبد الله محمد الدرويش، بيروت: دار الفكر، 1414 ق.
136. مسند الشهاب؛ لأبي عبد الله محمد بن سلامة القضاعي (م 454 ق)، تحقيق: حمدي عبد المجيد السلفي، بيروت: مؤسسة الرسالة، 1405 ق.
137. مسند الشاميين؛ أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني (م 360 ق)، تحقيق: حمدي عبدالمجيد السلفي، بيروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الثانية 1417 ق.

138. مسند أبي داود الطيالسي؛ سليمان بن داود البصري المعروف بأبي داود الطيالسي (م 204 ق)، بيروت: دار المعرفة.
139. مسند الإمام زيد (مسند زيد)؛ المنسوب إلى زيد بن علي بن الحسين عليهما السلام (م 122 ق)، بيروت: منشورات دار مكتبة الحياة، الطبعة الأولى، 1966 م.
140. مشكاة الأنوار في غرر الأخبار؛ أبو الفضل علي الطبرسي (القرن السابع)، تحقيق: مهدي هوشمند، قم: دار الحديث، الطبعة الأولى، 1418 ق.
141. مصباح الشريعة وفتح الحقيقة؛ المنسوب إلى الإمام الصادق عليه السلام (م 148 ق)، بيروت: مؤسسة الأعلمي، 1400 ق.
142. المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي؛ أحمد بن محمد بن علي المقرئ الفيومي (م 770 ق)، قم: منشورات دار الهجرة، 1405 ق.
143. المصباح (الجنة الأمان الواقية وجنة الإيمان الباقية)؛ الشيخ إبراهيم بن علي الكفعمي (م 905 ق). تحقيق ونشر: مؤسسة الأعلمي، بيروت، الطبعة الثالثة، 1403 ق.
144. المصنّف؛ ابن أبي شيبة الكوفي (م 235 ق)، تحقيق: سعيد اللحام، بيروت: دارالفكر، 1409 ق.
145. معاني الأخبار؛ أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (م 381 ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، مؤسسة النشر الإسلامي 1402 ق.
146. معاني القرآن؛ أبو جعفر النخّاس (م 338 ق). تحقيق: الشيخ محمد علي الصابوني، عربستان: جامعة أم القرى، الطبعة الأولى، 1409 ق.
147. المعترف في شرح المختصر؛ أبو القاسم جعفر بن الحسن المعروف بالمتحقّق الحلّي (م 676 ق)، تحقيق ونشر: مؤسسة سيّد الشهداء عليه السلام، قم، 1364 ش.
148. المعجم الأوسط؛ أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني (م 360 ق)، تحقيق ونشر: دار الحرمين، 1415 ق.
149. المعجم الكبير؛ سليمان بن أحمد الطبراني (م 360 ق)، تحقيق: حمدي عبد المجيد السلفي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، رياض: دار ابن الجوزي، 1418 ق.
150. معدن الجواهر ورياضه الخواطر؛ أبو الفتح محمد بن علي الكراچكي (م 449 ق)، تحقيق: السيّد أحمد الحسيني، تهران: مكتبة المرتضوي، الطبعة الثانية، 1394 ق.

151. مغنى المحتاج؛ محمد بن احمد الشرييني، بيروت: دار احياء التراث العربي، 1377 ق.

ص:346

152. مفردات ألفاظ القرآن؛ أبو القاسم الحسين بن محمد الراغب الإصفهاني (م 502 ق)، تحقيق: صفوان عدنان الداودي، دمشق: دار القلم، الطبعة الأولى، 1412 ق.
153. مقتضب الأثر في النصّ على الأئمّة الاثني عشر؛ أبو عبد الله أحمد بن محمد بن عيَّاش الجوهري المعروف بإبن عيَّاش (ت 401 ق)، بيروت: دار الأضواء، الطبعة الثانية، 1405 ق.
154. المقتنعة؛ أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان العكبري المعروف بالشيخ المفيد (م 413 ق)، تحقيق ونشر: المؤتمر العالمي للشيخ المفيد، قم، 1413 ق.
155. مكارم الأخلاق؛ أبو نصر الحسن بن الفضل الطبرسي (م 548 ق)، قم: منشورات الشريف الرضي، الطبعة السادسة، 1329 ق.
156. مكارم الأخلاق؛ عبد الله بن محمد المعروف بإبن أبي الدنيا (م 281 ق)، بيروت: دار الكتب العلميّة، 1409 ق.
157. المناقب؛ أبو عبد الله محمد بن علي بن شهر آشوب السروي المازندراني (م 588 ق)، تحقيق ونشر: المكتبة الحيدريّة، النجف الأشرف، 1376 ق.
158. المناقب؛ الموفق بن أحمد البكري الخوارزمي (م 568 ق) تحقيق: مالك المحمودي، قم: مؤسّسة النشر الإسلامي، الطبعة الثانية، 1414 ق.
159. منتهى المطلب؛ أبو منصور الحسن بن يوسف بن المطهر المعروف بالعلامة الحلّي (م 726 ق)، تحقيق ونشر: مجمع البحوث الإسلاميّة، المشهد الرضوي، الطبعة الأولى، 1412 ق.
160. من لا يحضره الفقيه؛ أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القميّ المعروف بالشيخ الصدوق (م 381 ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، قم: مؤسّسة النشر الإسلامي 1413 ق.
161. منية المرید؛ زين الدين بن عليّ العاملي المعروف بالشهيد الثاني (م 966 ق)، تحقيق: رضا المختاري، مكتب الأعلام الإسلامي، الطبعة الأولى، 1409 ق.
162. مواهب الجليل؛ الحطاب الرعيني، بيروت: دار الكتب العلمية، 1416 ق.
163. الموضوعات؛ أبو الفرج عبدالرحمن بن علي بن الجوزي (م 597 ق)، تحقيق: عبد الرحمن محمد عثمان، بيروت: دارالفكر، الطبعة الثانية، 1403 ق.

164. نثر اللآلي؛ فضل بن حسن الطبرسي (م 548 ق)، مشهد: مجمع بحوث الإسلام، 1380 ش.
165. نزهة الناظر و تنبيه الخاطر؛ أبو عبد الله الحسين بن محمد الحلواني (القرن الخامس) تحقيق: عبد الهادي المسعودي، قم: دار الحديث، الطبعة الأولى 1383 ش.
166. نظم درر السمطين؛ محمد بن يوسف الزرندي (م 750 ق)، إصفهان: مكتبة الإمام أمير المؤمنين عليه السلام، 1377 ش.
167. النوادر؛ فضل الله بن عليّ الحسيني الراوندي (م 571 ق)، تحقيق: سعيد رضا عليّ العسكري، قم: دار الحديث، 1377 ش.
168. النهاية في غريب الحديث؛ المبارك بن محمد الشيباني الجزري المعروف بابن الأثير (م 606 ق). تحقيق: طاهر أحمد الزاوي، قم: مؤسسة إسماعيليان، الطبعة الرابعة، 1364 ش.
169. نهج البلاغ؛ تدوين محمد بن الحسين بن موسى الموسوي المعروف بالشيخ الرضي (م 406 ق)، تحقيق: الصبحي صالح، قم: دار الهجرة.
170. نهج الفصاحة؛ أبو القاسم پاينده، تهران: منشورات جاويدان، 1371 ش.
171. وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة؛ محمد بن الحسن الحرّ العاملي (م 1104 ق)، تحقيق و نشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، الطبعة الأولى، 1409 ق.
172. الهداية؛ لأبي جعفر محمد بن علي بن بابويه المعروف بالشيخ الصدوق (م 329 ق)، تحقيق و نشر: مؤسسة الإمام الهادي عليه السلام، قم، 1418 ق.
173. ينابيع المودة لذوي القربى؛ سليمان بن إبراهيم القندوزي الحنفي (م 1294 ق)، تحقيق:
- عليّ جمال أشرف الحسيني، تهران: دار الأسوة، 1416 ق.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

